

«۲۲۱»

هنر عهد تیموریان و متفرعات آن

عبدالحی حبیبی


پنجاهمین سال شاهنشاهی پهلوی
۲۵۳۵



به فرمان

اعلیحضرت همایون محمدرضا پهلوی

شاهنشاه آریامهر

بنیاد فرهنگ ایران

ریاست افتخاری

علیاحضرت فرح پهلوی شهبانوی ایران

نیابت ریاست

والاحضرت شاهدخت اشرف پهلوی

منابع تاریخ هنر

هنر عهد تیموریان
و
متفرعات آن

مشتمل بر سوابق و لواحق هنر در آسیای میانه و ممالک مجاور آن
با معرفی ۲۶۴۵ اثر هنری و فهارس هنرمندان و نامهای آثار

نوشته و فراهم آورده
عبدالحی حبیبی
کابل



انتشارات بنیاد فرهنگ ایران
«۲۲۱»

پنجاهمین سال
شاهنشاهی دودمان پهلوی

از این کتاب
۱۲۰۰ نسخه در سال ۲۵۳۵ شاهنشاهی در چاپخانهٔ خواجه
چاپ شد

فهرست مطالب

پیش گفتار

ازمدت درازیست، که کتب متعدد وضخیم در تاریخ ملـل مشرق زمین، بزبانهای مختلف نوشته شده ونشر یافته است ،که اکثر آن بوقـایع جنگی و سیاسی وفتح‌وشکست ومظاهر نیروی جنگی زورآوران تعلق دارد، وخیلی کمتر به بیان احوال روحی وعاطفی وحیات معنوی وهنری پرداخته‌اند.

مدتها گذشت که کتابهای تاریخ این ملل را بزبانهای شرقی و غربـی خواندمی، وآنچه درضمن وقایع به نکته‌یی برخـوردمی، کـه نمودار وضع روحی وفکری وهنری بودی، آنرا جداگانه یادداشت کردمی، واین مجموعهٔ یادداشتها کتابی را بوجود آورد،که اینك یك بخش آن به خوانندگان گرامی بامیدی عرضه می گردد، که نابسامانیها ونارسایی‌های آنرا بنظر اغماض وعفو نگرند.

دورهٔ حکمرانی تیموریـان درین سرزمین، عهد پـرورش هنر نقاشی و مصوری وتزئین وتذهیب وخوشنویسی وتمام‌شقوق کتابسازیست. ودرین کتاب هم‌آنچه بسوابق ولواحق این هنرتعلق دارد، فراهم آمده، وفصل اول و دوم وسوم آن، خواننده را مختصراً به چگونگی پیدایش وسوابـق این هنر آشنا می‌سازد، و درفصل چهارم که ازصفحهٔ ۲۶۵ آغاز می‌شود تـا (ص ۷۸۴) دو هزار وششصد وچهل وپنج اثر باقیمانده و مشخـص این دورهٔ هنری از مکاتب متعدد آن، که اکنون در کتابخانه‌ها ومیوزیم‌ها محفوظند ضبط گردیده، چه یك قطعهٔ کوچك نوشته‌هنری، یاکتابی ضخیم مانند شاهنامه وخمسه‌ها وسبعه‌ها وغیره

باشد.

در فراهم آوری این یادداشتها ازچندین کتاب و رساله سود فراوان برده‌ام، که یادآوری برخی ازان شایستهٔ این مقامست:

اول : ازکتاب خوشنویسان دوست مرحومم دکتور مهدی بیانی، طبع دانشگاه تهران مواد زیاد گرفته شده‌که بعلامت (خ) بآن حوالت داده‌ام. وی در فراهمی احوال و آثار خطاطان هنرمند رنجی فراوان برده وسفرهای طولانی انجام داده، وازهر گوشه، مواد نامعلومی را فراهم آورد، که من درینجا مساعی آن دوست مسافر دیار عدم را بنیکی می‌ستایم وروانش را شاد می‌خواهم.

دوم : رسالهٔ انگلیسی دانشمند فقید ترك، زکی ولیدی توغان در فراهم آوری ومعرفی آثار این دورهٔ هنری ازکتب خانه‌های عظیم استانبول، نیز مورد استفاده من بودکه بصورت‌کتاب چاپ‌نشده و درین‌کتاب باشاره (ز) نشان داده شده است.

سوم : رسالهٔ انگلیسی چاپ‌نشده دکتور نذیراحمد، استاد محقق‌علی گر هند، که درمعرفی آثار باقیماندهٔ این هنر درهند، ترتیب داده و یك نقل آنرا درسمرقند بمن‌سپرده بود، و درین‌کتاب در قسمت آثارهند به‌علامت (ن) به آن اشاره شده است.

علاوه ازین ازمقالات ومجلات وکتب هنری شرق وغرب، تاجایی‌که میسر بود، مواد مهمی گرفته‌ایم ،که باکثر آن درموقع استفاده حوالت داده‌ام.

ناگفته نماند: که‌کتابخانه‌های اتحاد جماهیر شوروی نیز ذخایر عظیم هنری شرق راحفظ‌کرده وازان جمله چندمجموعهٔ هنری را تاکنون باطبع نفیس رنگین‌که عین اثر را نمایندگی‌کند نشرکرده‌اند،که مورد استفادهٔ من بود. و اینگونه مجموعه‌ها را درفصل پنجم‌کتاب، مورد کاوش وپژوهش قرار داده‌ام.

آنچه در کتاب ضخیم سروی هنر ایران، بهمت پروفسور فقید پوپ فراهم آمده، همواره زیر نظر من بوده، و ازان‌کتاب نفیس نیز سود فراوان برده‌ام.

صورت استعمال کتاب ویافتن مطلب دران

این کتاب پنج فصل با یك تکمله دارد ، که برای آن پنج فهرست

ساخته‌ام:

۱ــ فهرست عمومی فصل اول در تاریخ مختصر هنر آسیای میانه ومطالبی که ازین فصل در تاریخ هنر بکار آید، براساس اعداد صفحات کتاب وتربیت الفبائی مطالب.

۲ــ فهرست فصل دوم، درنامهای مؤلفان منابع تـاریخ هنر تیموریان، مشتمل بر ۱۵۴ تن بترتیب الفبائی اسماء مؤلفان یاآثار از (ص ۱۰۷ تا ۲۱۷)

۳ــ فهرست فصل سوم: هنر کتابسازی و خــط در ادبیات فارسی (ص ۲۱۹ تا ۲۶۴)

۴ــ چون آثار هنری در ممالك وکتابخانه‌های مختلف دنیا متفرقست و نمی‌توان اثرمطلوب را ازبین ۲۶۴۵ عدد به‌آسانی یافت، بنابرین بهراثــر هنری یا مجموعه، یك نمرهٔ عمومی بین قوسین و یك نمرهٔ خصوصی مملکت داده شده، پس اگر بخواهیدکه تمام آثار یــك هنرمند را جستجو کنید، درفهرست چهارم در ردیف حروف تهجی، بحرف اول ودوم اسم او رجوع کنید، اعدادیکه درمقابل نامش نوشته شده، شما را بوجود نسخ وآثار متعدد اورهنمائی می کند، که درمتن (بین قوسین) آمده است.

درآغاز فهرست چهارم نام ۱۴ مملکت ومتفرقات ضبط شده، و درمقابل نام هرکشور، عدد صفحاتیست، که آثار آن کشور دران مذکورند ، واین نامهای ممالك و ذکرآثار آنها هم بترتیب الفبائیست .

درقسمت دوم این فهرست بالعکس نامهای آثــار وکتب برديف الفبا آمده، و عدد مسلسل که درمتن کتاب بین‌قوسین است، درمقابل هراثرهنری داده شده، تا هراثر مخطوط را درمتن، مطابق عدد بین قوسین دریابید.

مخفی‌نماندکه در (ص ۳۸۴) سه اثرافغانستان و در(ص ۵۵۸) دواثر پاکستان و در (ص ۵۵۵) یازده اثر ایران ازعدد مسلسل ۹۳۹ تا ۹۵۰، در متن نیامده بود، بنابرین تلافی مافات را درتکملهٔ آخرکتاب کــردیم، وفائت آثار هنری هرسه‌کشور را به‌همان عدد مسلسل بین قوسین آوردیم، ودرفهارس

هم آنرا بعدد مسلسل رسانیدیم، خوانندهٔ گرامی اگر نام اثر یاهنرمندی را در متن نیابد، بهمان عدد مسلسل درتکمله یافته می‌تواند، وبعد ازین اعداد نشانی (تك) راهم نوشته‌ام.

۵- فهرست پنجم متعلق به شرح مجموعه‌های هنریست که‌از (ص ۷۸۷ تا آخـر کتاب) در بـارهٔ ۵۴ کتاب مطبوع ذکری مجمل یا مفصل آمده است.

باید گفت: که نام این کتاب «هنرعهد تیموریـان» است که سهوا بـر پیشانی صفحات مطبوعهٔ متن «هنر عهد تیموری» چاپ شده، و این نکته را در صحت نامهٔ آخر کتاب به تفصیل یادآوری کرده‌ایم، که باید «هنرعهد تیموریان ومتفرعات آن» خوانده شود.

درخاتمه اعتراف می کنم که این سعی نارسای من‌درین موضوع يك‌قدم اولست، وآنچه درین‌کتاب فراهم آمده، عشرعشیر آثار هنری باقیماندهٔ این عهد نخواهد بود. وامیداست که آیندگان به تکمیل آن پردازند و با کرامت نفس ازخطا وسهو و نارسایی من در گذرند که:

تادسترسم بود زدم چاك گریبان
شرمندگی از خرقهٔ پشمینه ندارم

عبدالحی حبیبی افغانی
کابل. ۲۶ سرطان ۱۳۵۵

متن کتاب

فصل اول

(۱)

سوابق کتاب نویسی و کتاب آرائی

در آسیای میانه اززمان بسیارقدیم، سنت کتابسازی وجودداشت و قدیمترین روایات درین باره اینست : که کتاب اوستا (فراوردهٔ زرتشت) را برپوست گاو آراسته بآب زرنوشته بودند[۱].

درنامهٔ تنسر (ص۱۲) ومروج الذهب مسعودی و تاریخ الامم و-الملوك طبری، همین گزارش کتب پهلوی نقل شده، که این اوستا باخط زرین بر۱۲ هزارپوست گاو نگارش یافته بود ، و فردوسی آنرا ۱۲۰۰ فصل نوشته برالواح زرین گوید. و ابومنصور ثعالبی (حدود ۴۱۰ ق ۱۰۱۹م) مینویسد : که زردشت کتابی دربلخ به گشتاسپ شاه آورد ،

---

۱ ــ ارداویرافنامه ص ۲۲ دکتررحیم عفیفی ، تهران ۱۳۴۲ ش .

که آنرا برپوست دوازده هزار گاو نوشتند، وهر کلمه را در پوست کنده، قشری را ازطلا دران قرار دادند[1].

حمزة بن حسن اصفهانی (۳۵۰ق ۹۶۰م) گوید: درایام ملوك اشکانی بعد ازاسکندر ۷۰ کتاب این سرزمین را درعلوم نجوم وطب و فلسفه و کشاورزی، بیونانی وقبطی ترجمه کرده بودند[2]، ودرسنه ۳۵۰ ق پنجاه عدل ازینگونه کتابهای نوشته برپوستها (جلود) را از بنای قدیم جی- سارویه (اصفهان) یافتند[3]، که ابن ندیم آنرا در بغداد، پیش شیخ خود ابوسلیمان دیده بود[4]، و او از تاریخ اسحاق راهب نقل نماید که تمام کتب این سرزمین، درتهاجمات اسکندرمقدونی برباد رفت وبعد از آن یکی ازملوك اسکندر، بقیهٔ کتب را بوسیلهٔ زمیره نامی فراهم آورد، که جمله ۵۴۱۲۰ جلد بود، واومیگفت، که کتابهای زیاد هنوز هم بین سند وهندوچین وگرگان وارمن وغیره باقی مانده است[5].

آنچه در کتب پهلوی و به پیروی آن در کتب تاریخ عربی و فارسی دربارهٔ کتابسازی در آسیای میانه وایران وارداست، چند روایت آنرا دربالادیدیم. درقرن بیستم درحفریات آسیای میانه درنسا واورامان، برخی اسناد تحریری بر چرم گاو و الواح سفالین رنگین لعابدار،

۱- ترجمهٔ فارسی غررملوك الفرس وسیرهم ازمحمود هدایت ۱۱۹ طبع تهران ۱۳۲۹ ش.

۲- سنی ملوك الارض والانبیاء ۳۰ طبع برلن ۱۳۴۰ ق.

۳- همین کتاب ۱۲۷ .

۴- الفهرست ۳۳۶ طبع قاهره ۱۳۴۸ ق .

۵- الفهرست ۳۳۴ .

بزبان پارتی یعنی پهلوی شمالی، مربوط بدورهٔ پارتیان (۲۵۰-۷۶ق،م) یافته‌اند[1] و ازان پدید می آید: که نوشتن آثار دینی زردشتی برپوست گاو، اینك سند مثبت علمی هم دارد.

از نمونه‌های قدیم کتاب و نوشته در آسیای میانه، اوراق کوچك رساله‌های «ابهی دهرمه» متعلق مذهب بزرگ بودائی Mahä —Yana و صفحات کتاب وینایا Vinäyä مربوط مذهب کوچك بودائی Hinä—Yana است برسم الخط گوپتا وسنسکریت که در سنهٔ ۱۹۳۰م در حصص شرقی هیکل ۳۵متری بودا در بامیان (افغانستان) بهمت موسیو هاکن باستان شناس فرانسوی کشف شد[2]، و اصل آن درموزهٔ کابلست.

درقرن ۷-۸ م سنت کتاب نویسی در همین سرزمین زنده بود. ابن ندیم کتاب «احوال سمنیه» (بودائیان) و بوذاسف راکه تألیف یك خراسانی بود، دیده بود[3].

درسنه ۲۰۷ ق ۸۸۳ م یك شاعر مسلمان خراسانی که چند زبان هندوستان دانستی، قرآن عظیم را بزبان هندی ترجمه کرد[4]، و اوگره-بوت معلم دربار کابلشاه اننده پاله بن جیپه پاله کتابی درعلم نجوم بنام شکهت پرت تألیف کرده بود[5]، و نسب نامهٔ کابلشاهان بر دیبائی نوشته شده بود، که درقلعهٔ نغر (جنوبی پاره‌چنار کنونی) محفوظ بود[6].

۱- اشکانیان، م، م دیاکونوو.

۲- ژورنال آزیاتیك پاریس، مارچ ۱۹۳۲ م.

۳- الفهرست ۴۸۴.

۴- بزرگ بن شهریار درعجائب الهند حدود ۳۰۰ ق ۹۱۲م طبع لیدن.

۵- کتاب الهند ۱۰۵ طبع حیدرآباد دکن.

۶- کتاب الهند ۳۴۹.

در آغـاز ورود اسلام (قرن ۷ م) مردم ولایات شرقی و شمالی افغانستان، مانند باختر وتخار بشمول بامیان، کاپیسا، کابل، لغمان، ننگرهار، گندهارا تاتکسیلا وقندهار، دین بودائی داشته وکتب دو مذهب کبیر و صغیر بودائی مروج بود، وهنگامیکه هیون ـ تسنگ زائر چینی در سال ۶۳۰ م این ولایات را میدید، وی ازشش سلسلهٔ کتب دینی ذکر میکند، که اگر کسی همین شش دورهٔ کتب را میخواند، آنوقت بمرتبهٔ بلندتر علمی میرسید، که برای سواری خود فیلی با بدرقه‌یی همراه داشت و محفلی را برای مناظره، تشکیل داده میتوانست[1].

پس مطابق بهمین روایات عربـی و چینی بایدگفت: که سنت کتاب نـویسی و کتابخانـه به افغانستان غـربی و شرقـی و خراسان و ماوراءالنهر وایران ازازمنهٔ قبل‌الاسلام بعصراسلامی انتقال کرده بود،و ازکتب قدیمی که درخراسان تألیف‌شد یکی اخبارماوراءالنهراست که مؤلف آن خراسانی بود، وابن ندیم اخبارخراسان قدیـم را بخط مرد خراسانی دیـده بود، ووی ازکتاب دیگریکه درشرح مـلل وادیان هند تألیف شده ونسخـهٔ آنرا درمحـرم ۲۴۹ ق ۸۶۱ م نوشته بودنـد خبر میدهد وگوید که یحیی بن خالد برمکی بلخی، شخصی را برای آوردن عقاقیربهند فرستاد وضمناً امرداد: که دربارهٔ ادیان هند اطلاعاتی‌فراهم آورد، وابن مرد همین کتابرا نوشت[2].

1. Si–yu-Ki 2/137 Calcutta 1958.

۲ـ الفهرست ۴۸۳ـ۴۸۴.

(۲)

سوابق تزئین وتذهیب ونقاشی

قدیمترین نمونه هـای تزئین خطوط و گل و برگ و تصـاویر حیوانات ونقاشی مردم قدیم آسیا را بر آثار وظروف گلی منقوش ازمنهٔ قبل ازتاریخ ایران وافغانستان ، درحدود هفت هزار سال پیش در آق‌ـ کپروك Äq – Kupruk و دمراسی Dimräsi و مندیگك Mundigak و غیره ، وهم بر آثار مکشوفهٔ تـل ابلیس کرمان ، وسیالـك و چغاز نبیل ایران وهم درترکمنستان ووادی زرافشان میتوان دید[1] ، که همین میراث

۱ــ بنگرید :

دورهٔ سنگ و برنج : نشر کردهٔ اکادیمی علوم شوروی ، مسکو ۱۹۶۶م.

کشورهزارشهر: و، م ماسون طبع مسکو ۱۹۶۶ م .

تحقیقات دورهٔ قبل التاریخ درافغانستان: لویس دوپری در مجلهٔ جمعیت ←

فرهنگی دوره‌های کهن بزمانه‌های بعد ازتاریخ انتقال یافته ، و ما آثار تزئین ونقاشی رنگین و حتی تـذهیب را در ابنیه ومخطـوطات مردم آسیای میانه وایران می بینیم که ازانجمله است :

منظومهٔ داستان کهن عشق زریا واودا درعصر هخامنشیان ایران ، بین مردم رواج داشته کـه خارس می تی لنی رئیس تشریـفات اسکندر ازان یادآوری کرده وتلفظ یونانی آنرا زریاس - اوداتیس ضبط کرده است ، که این دوشیدایان دلباخته ، یکدیگررا درخواب می بینند و دل بهم میدهند . بقول خارس می تی لنی داستان دلـدادگی و عشق ایشان ، درانوقت شهرتی داشت ومردم با علاقهٔ فراوان آنرا میخـواندند و در معابد وکاخها بردیوارها منظرهائی ازان نقاشی میکردند.

با بدست آمدن چند قطعه‌نقاشی‌رنگین دیواری دوران‌هخامنشی پیداست که نقاشی دیواری آن دوران رنگین بوده و درآثارادبی دورهٔ اسلامی به نقل ازکتابهای قبل ازاسلام، داستانهای حماسی و پهـلوانی را منقش ومصورمیساختند ، چنانچه ازین ابیات علی‌بن محمد منجیك ترمذی شاعرقرن چهارم پیداست که شاهنامه‌های قدیم مصوربوده‌است:

به شاهنامه ار ، هیأت تـو نقش کنند
ز شاهنامـه بمیدان رود بجنگ فراز
ز هیبت تو عـدو نقش شاهنامـه شود
کزونه مرد بکار آید ونه اسپ ونه ساز

شاعر دیگری نقش های ایوانها را چنین یادکرده است :

فلسفی امریکا ، ج ۶۲ شماره ۴ سنه ۱۹۷۲ م.

تاریخ مختصر افغانستان : عبدالحی حبیبی ج۱ طبع کابل ۱۹۶۷ م .

بر ایوانـها نقش بیژن هـنوز   بزندان افراسیاب انـدرست[۱]

دیوارهای نگارین حفریات نواحی بلخ از دورهٔ یونانیان باختر که درسنه ۱۹۷۰م درافغانستان شمالی کشف شد و مربـوطست بدورهٔ حکمرانی یونانیان اخلاف اسکندر در باختر (۲۵۶-۱۳۵ ق، م).

دیوارهای نگارین بـامیان با تصاویر رنـگین دربتان بزرگ و مغاره‌های کوهی اطـراف آن، که اکنون بوسیلهٔ باستان شناسان هندی تصفیه وروشن گردیده.

وهمچنین ظروف شیشه‌یی مصور وملون بگرام شمال کابل. و آثار نگارین شهر یـونانی آی خانـم کنارآمو، و نقاشیهای دیواری بتکده‌های هدهٔ جلال‌آباد وتپهٔ سردارغزنی که‌دربن‌اواخر کشف گردیده، نموداروا‌ضحیست از ذوق هنری و نقاشی وتزئینات رنگین‌درافغانستان قدیم، که دیوارهای پنج کنت و شهـرافراسیاب سمرقند با نقاشی‌هـای ظریف نظائرآنست در ماوراءالنهر[۲].

تزئین و تذهیب کتاب- چنانچه درمورد اوستا قبلاً گفتیم -در ازمنهٔ پیش ازاسلام، درکتب و آثـار دینی هم بکار مـی‌رفت. چنانچه

۱ـ مجلهٔ هنر ومردم شماره ۱۴۰، اردی‌بهشت ۱۳۵۳ ش طبع تهران.

۲ـ بنگرید:
گریگوری فرومکین: باستان شناسی آسیای میانـهٔ سویتی، طبع لیدن ۱۹۷۰ م.
بنجامن راولند: هنرقدیم افغانستان ترجمه وطبع‌کابل ۱۳۴۶ ش.
ش، مستمندی: حفـریات هده، در آرت آسیایی ج ۱۹ طبع پاریس ۱۹۶۹ م.
ارتهراوفام پوپ: سروی آرت پرشیا، طبع لندن ونیویارك ۱۹۶۷م.

مدعی نبوت مانی (متولد ۲۱۶ م و کشته دوشنبه ۲۶ فبروری ۲۷۷ م) درقرن سوم میلادی ازهنر کتاب آرائی ومصوری در تبلیغات دینی خود کارگرفت، وچون سرزمین تبلیغات دینی اوهمین آسیای میانه از حدود ایران تا ختن بود ، بنابرین مردم این سرزمین تا عصر اسلامی با همان روایات هنری اوپیوندی داشته‌اند، ودرادبیات فارسی ، مانی نقاش و کتاب او ارژنگ یا ارتنگ مانی، یگانه مایهٔ هنرنقاشی شمرده شده[1]،

۱ـ ازسنه ۱۹۰۲ تا۱۹۱۴ م بهمت سازمانهای علمی المانی،انگلیسی وروسی درتورفان (صحرای گبی ترکستان خطا) اوراق زیاد مزین و مصور ، دارای مجالس مصور کشف شد ، کـه برخی ازان ، مجالس تدریس علم موسیقی با اشکال نوازندگان است که آلات طرب امثال طنبور و رباب در دست دارند، و برخی هم دارای اشکال مصوران پیرومانی‌اند که عباهای سپید گردن بسته وکلاههای دراز سپید و ریشهای تنك وکاکلهای دراز سیاه وقـلم دردست دارند وپیش روی ایشان میزهای کوچك افتاده، که تخته‌های کاغذ سپید بالای آن بنظرمی‌آید. درمتن هر صفحه سه وچهارسطر بخط اویغوری یا پهلوی سغدی است و حواشی آن باگل وبرگ و شاخه یا بوته‌های گل آفتاب گردان تزئین شده‌است، که هنرمصوری ونقاشی تزئینی رادرآن عصر نمایندگی میکند.

دربارهٔ هنرمانی مورخان شرقی چنین عقیده داشته‌اند : « معجزه‌اش آن بود : دائره چند خرد وبزرگ ، که لااقل خطوط آنها پنج گز بودی بانگشت رقم نموده ، چون پرکارنهادندی یکسرمو تفاوت نکردی. همچنین خطوط‌دراز وکوتاه کشیدی وهمه برمسطرراست بودی، وصورت ربع مسکون چنانکه‌تمامی شهرها ودریاها ورودها دران ظاهربود ، وسه ربع غیرمسکون ، درگوبی برابر بیضه کشیده بود » (نگارستان هنر ۲۲۵) و همین داستانست که در شرفنامهٔ اسکندری بخامهٔ نظامی چنین نقش بسته :

←

وفرخی شاعرغزنه ، هنگامیکه کاخ و باغ بوسهل حمدوی را می‌ستاید ، درمدح مناظرزیبای باغ گوید :

باغی نهاده همبراو با چهار بخش
پرنقش‌وپرنگارچوارتنگ مانوی[1]

ابوالمعالی محمدبن حسین علوی که‌شاید درسنه ۴۸۵ ق۱۰۹۱م درغزنه سکونت داشت‌گوید:که نسخهٔ مصور ارژنگ‌مانی در خزائن غزنین است[2].

چنانچه تأثیر وسابقهٔ هنرمانی در اذهان موجود بود ، خودکتاب اورا هم تا مدت پنج قرن بعد ازقبول اسلام ، درغزنه نگه داشته‌بودند واثرهنر تزئین، دربت‌سازی مکتب هنری‌گریکو بود یک‌گندها را و مکتب هنرکوشانی افغانستان و آسیای میانه بدرجه‌ییست که تاکنون هم جایگاه هرشهرقدیم را اگربشکافی، بتهای زیبای‌مکاتب هنری‌مذکور ازان پدید آید . چنانچه صدها آثار آن از کاوشهای بامیان ، بغلان ، قندز، غوربند، بگرام،کابل ، غزنه ، هده وغیره بلاد تاریخی‌افغانستان بدست آمده است ، حتی کلمهٔ بد Buddh (ازنام ساکیه مونی‌مؤسس بودیزم) درعصر اسلامی بمعنی مطلق یك مجسمهٔ زیباگرفته شد وجمع

شنیدم که مانی بصورتگری ز ری‌سوی چین شدبه‌پیغمبری...
ز بس جادوئیهای فرهنگ او بدو بگرویدند و ارژنگ او
(ص ۳۷۸)

۱ــ دیوان فرخی ص ۱۷۳ طبع تهران ۱۳۰۱ ش . بفصل هنرکتاب - سازی درادبیات نیز رجوع شود .

۲ــ بیان‌الادیان ص ۱۸ طبع تهران ۱۳۴۲ ش .

آنرا بقانون زبان عربی (بدده) ساختند[1]، ودرفارسی بت بمعنی مجسمهٔ زیبا یا تصویر دلکش ومحبوب شد ، و در ادب فارسی ، بت قندهار (منسوب بهمان گندهارا) هرمحبوب زیبا را گفتند ، و در کتاب شاپورگان مانی ، درپهلوی خراسانی هم (بد) بود[2]:

سنائی غزنوی راست :

صانعی باید حکیم وقادر وقائم بذات
تا پدید آید ز صنع وی بتان قندهار

ساختن این بتان زیبا و آرایش بتان بطلا و جواهر که مایهٔ هنر مصوری قدیم درین سرزمین است تا بسط فتوح اسلامی در قرن هفتم رواج داشت . ابن ندیم ومسعودی ودیگر مورخان عرب از ارسال بتان زیبای بامیان وکابل و داور و بست که بجواهر مرصع بودند ، بدربار بغداد خبر میدهند ، که این بتان را برای تماشای مردم، درقصر خلیفه بنمایش گذاشته بودند (۸۹۶م)[3] وفردوسی هم دربیتی سوابق بت ونگار را درین سرزمین روشن میسازد :

نباشد چو آن بت بکابل نگار — نه درچین‌ستان ونه در قندهار

(شاهنامهٔ بایسنغری خطی سلطنتی ایران ص ۱۰۶)

۱- الفهرست ۳۴۷ وکتاب البدء والتاریخ ۱۹ وملل ونحل شهرستانی ۲۴۰ .

۲- آثارالباقیه ۲۲۹.

۳- الفهرست ۴۸۶.
مروج الذهب ۴/ ۱۷۲.
طبری ۷/ ۴۳۴ .

واز همین مقوله است این بیت فرخی سیستانی :

بزم تو از ساقیان سرو قد چون بوستان
قصر تو از لعبتان قند لب چون قندهار

ناصر خسرو قبادیانی گفت :

سوی شاخ بادام شو بامداد اگر دید خواهی همی قندهار
(دیوان ص ۲۰۰)

نظامی نگارخانهٔ قندهار را چنین نقش بسته :

درامد بآن شهر مینو سرشت که ترکانش خوانند فرخ بهشت
بهاری درو دید چون نوبهار پرستش گهی نام او قندهار
عروسان بت روی در وی بسی پرستندهٔ بت شده هر کسی
دران خانه از زر بتی ساخته بران خانه گنجی برانداخته
سر و تاج آن پیکر دلربای برآورده تا طاق گنبد سرای
دوگوهر بچشم اندرون دوخته چو روشن دو شمع برافروخته
(اقبالنامه ۱۵۸)

از کتابهای قدیم مذهب و مرصع این سرزمین کتابیست از کتابخانهٔ خیذر بن کاووس مشهور به افشین که یکی از نجیب زادگان اسروشنهٔ ماوراءالنهر وقائدلشکری عصر معتصم عباسی (۲۱۸-۲۲۷ق۸۳۳-۸۴۱م) دربغداد بود ، ولی اورا به تهمت بیدینی و زندقه محاکمه کردند و در شعبان ۲۲۶ق۸۴۰م بکشتند. یکی ازعلل اتهام اوکتاب مذهب ومرصع گوهرنشان بود، که درخانوادهٔ او ازقدیم باقی بود. چون وزیروقت از او پرسید: که این کتاب آراسته بطلا وجواهرودیبا چیست ؟ وی گفت : ازپدربمن مانده وازبهرهٔ ادبی آن تمتع می برم ، ولی باکلمات کفریهٔ

آن‌کاری ندارم. چون درسابق آنرا آراسته و پیراسته بوده‌اند، برحالت سابق باقی مانده، مانند کتاب کلیله و دمنه و کتاب مزدك که در خانهٔ تست[۱].

این کتاب آراسته و پیراسته درادبیات دری دورهٔ اسلامی بنام «دفترافشین» یا «گوهرافشین» نمونهٔ تزئین وتذهیب شمرده شده است[۲]. و ازبیان طبری پدیدار است که در کتابخانه‌های رجال بزرگ دربار خلافت، چنین کتابهای ملل غیرعربی بوده است.

دربارهٔ آرایش نامه وتزئین ورنگ ونگار مکاتیب، فردوسی در شاهنامه اشارات متعددی دارد وازان جمله است در داستان نبرد رستم با افراسیاب درشاهی کیقباد:

دبیر نویسنده را خواند شاه — که پیش آر، قرطاس ومشك‌سیاه
یکی نامه بنوشت ارتنگ‌وار — بروکرده صدگونه رنگ‌ونگار

(ص ۹۰ شاهنامهٔ بایسنغری خطی ایران)

نامه نوشتن بمشك وعنبر وبر حریرنیز درعنعنات باستانی بود:

نویسد ز مشك وز عنبر دبیر — یکی نامه از پادشا، بر حریر

(همین کتاب ۳۵۹)

این اشارات فردوسی اگرچه سند ثابت تاریخی نیست، ولی‌این مطلب را روشن میسازد، که در روایات قدیم مردم آسیای میانه و

۱- طبری ۱۰/۳۶۵.

۲- مختاری غزنوی (حدود ۵۰۰ ق ۱۱۰۶م) گوید:

گر بدیدی هنر بذلهٔ پر گوهر تو — گوهر دفتر خود برفشاندی افشین

(دیوان مختاری ۴۳۷)

خراسان و ایران مفکورهٔ نامه‌آرائی بوده است ، و هم وی در شاهنامه گوید: که اندرزهای بزرگ مهررا بزرنوشته بودند، ونامه را با زنگ و نگار ارتنگ‌وار یعنی منقش مانند ارژنگ مانی مینوشتند ، و نظامی درشرفنامهٔ اسکندری ازتصاویر شاهان برحریر خبر میدهد:

فرستاده‌ام سوی هر کشوری فراست‌شناسی و صورتگری
بدان تا ز شاهان اقلیم گیر زند صورت هرکسی برحریر
نگارندهٔ صورت از هر دیار سرانجام نزد من آرد نگار

(ص ۲۶۲)

و همدرین کتاب از بنای مجسمهٔ زیبای زنانه دردشت قپچاق ، داستانی هست که لااقل تراشیدن مجسمه‌های سنگی زیبا را در تصور مردم نشان میدهد :

جهاندیده دانا به نیك اختری درامد بتدبیر صنعت گری
نو آئین‌عروسی‌دران‌جلوه‌گاه برانگیخت ازخاره‌سنگی‌سیاه
برو چادری از رخام سپید چو برگ سمن برسرمشك بید
هرانزن که دیدی درآزرم او شدی روی پوشیده از شرم او
درآورده از شرم چادر بروی نهان‌کرده‌رخسارو پوشیده‌روی

ازان روز قپچاق ، رخساره بست
که صورتگرآن نقش بر خاره بست

(ص ۴۰۱)

(۳)

کتاب آرایی ونقاشی درعصر اسلامی

مردم آسیای میانه وایران با چنین سوابقی ، تحت اثر روایات هنری چین وگریکو بودیك وهنرایرانی ساسانی وبیزانتین Byzantien واقع بودند ، ودرقرن نخستین مسیحی ، هنر دورهٔ کوشانی در قلب آسیا نیز با خصایص مقامی خود تشکل کرده بود، درقرن هفتم بافتوح لشکرهای عربی اسلامی مواجه شدند .

دین اسلام بت تراشی و مصوری را ممنوع شمرد ولی مردم ایران وخراسان وماوراءالنهر که نو مسلمان شده بودند نتوانستند بکلی از سوابق هنری خود دست بردارند ، بنابرین استعدادهای هنری خود را به‌آراستن و تذهیب کتب دینی اسلامی ، مخصوصاً قرآن و نقاشی مساجد و مقابر اسلامی توجیه کردند ویقیناً آثار برگزیدهٔ تاریخ هنر

انسانی را درسرتاسردنیای اسلامی بوجودآوردند.

درمدت شش قرن اول اسلامی که نسل پیشقدم هنرمندان عصر تیموریان ومکتب هرات زندگی داشتند ، هنر کتابسازی چه دردنیای عرب وچه درایران وخراسان وماوراءالنهرترقی شایانی کرد، و عوامل اقتصادی این دورهٔ نضج فیودالیزم تماماً مساعد پرورش این‌هنرگردید ودرین مدت کتابخانه‌های بزرگی در بلاد قلمرو خلافت از قاهره تا خراسان وترکستان وجود داشتند ، چنانچه عتابی شاعر عرب (متوفا ۲۰۸ ق ۸۲۳م) که ازشعرای دربارعبدالله‌بن طاهر پوشنگی بود، سه بار به‌کتابخانه های مرو ونشابور آمد و گفت : که کتابخانهٔ مرو از عصر یزدگرد تاکنون قائمست، ودرکتب عجم معانی موجود است ، لغت از ما ومعانی ازیشانست[1].

درعصرسامانیان و اوقات حکمرانی نوح‌بن منصورحدود۳۸۷ق ۹۹۶ م دربخاراکتابخانهٔ بزرگی بود، که ابن سینا ـ بقول خود وی ـ از کتب آن ، فوائد بسیار مهم علمی فراهم آورده بود[2]. و همدرین اوقاتست که برای تعمیم کتاب نویسی، کاغذ منصوری منسوب به منصورسامانی وکاغذ نوحی منسوب به نوح سامانی (۳۳۱-۳۴۳ق) درماوراءالنهر وخراسان رواج داشت[3].

۱ـ ابن‌طیفور احمدبن طاهر : درتاریخ بغداد ۱۵۷/۷ .
بروکلمن : در تاریخ ادبیات عرب ۳۶/۲ .
۲ـ ابوعبید جوزجانی دررسالهٔ سرگذشت ابن سینا از تقریرخود او، طبع تهران ۱۳۳۱ ش .
۳ـ همایونفرخ : کتاب وکتابخانه‌های ایران ۹۳ .

درعصر اسلامی قرآن را بخط نیکو و قلـم زر می‌نوشتند ، یـا زرانـدود وپیراسته میکردنـد، این کاردرقرن اول هجری بوسیلۀ کاتب خوشنویس خالدبن ابوالهیاج درعصرخلیفه ولیدبن عبدالملك (حدود ۹۰ ق ۷۰۸ م) آغازشد وهمین مرد خوشنویس ، ربع آخر پارۀ آخر قرآن را بردیوار سمت قبلۀ مسجد نبوی به‌آب زرنوشته بود[1].

درپرورش‌حسن خط عربی، دست مردم‌خراسان سهیم‌بود. وزیر بلخی یحیی‌بن خالد برمکی (متوفا ۱۹۰ ق ۸۰۵م) اقوالی در دساتیر خط نویسی داشت[2]، و وزیر خراسانـی دیگر فضل بن سهل سرخسی (ذوالریاستین) در حـدود ۲۰۰ق ۸۱۵ م خط ریاسی را وضـع نمود و بدان در همین‌سال درمرو سکه زد[3]، که بقول ابن ندیم یکی اززیباترین خطوط بود ، وازان خطوط دیگرمثل ثلث و مـحقق ومنشور و رقاع و غبار ونرجس وبیاض وغیره برامدندکه جمله ۲۴ قلم باشد.[4]

وزیر معـروف یحیی‌بن خالـد برمکی بلخی در دربار خلافت عباسیان بغداد به تهذیب وتحسین خط عربی کوشید، واحمد احول‌بن‌ـ خالد خطاط بغداد راگماشت تا قواعـد خوشنویسی را ترتیب‌کرد ، و خطاطان بنوشتن خطوط زیبا با حـروف قوی و درست پرداختند[5]، و ابوبکرمحمدبن‌یحیی‌الصولی کتاب ادب‌الکتاب[6]را درسنه ۳۲۵ق۹۳۷م

۱ـ الفهرست ۱۰.

۲ـ الصولی : ادب‌الکتاب ۴۱ طبع قاهره ۱۳۴۱ق .

۳ـ سروی آف پرشن آرت ۱۴۸۰-۱۷۱۷ طبع نیویارك ۱۹۶۷.

۴ـ الفهرست ۱۳.

۵ـ ابن قتیبه : ادب‌الکاتب ۲ طبع لیدن ۱۹۰۰م.

۶ـ طبع محمد بهجت اثری درقاهره ۱۳۴۱ق .

واسحاق بن ابراهیم شاگرد ابن معدان تحفة‌الوامق را در حدود ۳۰۰ق ۹۱۲م و عبدالله بن درستویه (۲۵۸ - ۳۴۷ ق ۸۷۱ - ۹۵۸ م) کتاب‌الکتاب[1] را در مقاصد وقواعد خطاطی‌واصول استیتك آن نوشتند، واز بسا آثارهنری وخطوط وکتب مصور خبرمیدهند.

خطوط‌احمد احول‌چنان زیبا بودکه‌چون ازطرف مأمون خلیفه، مکتوبی‌بخطش به قسطنطنیه فرستاده شد، آنرا مدتی بردرب کلیسا برای تماشای مـردم آویختند[2]، و خلیفه المعتمد در اواخـر قرن نهم میلادی نامه‌یی باامپراطور بیزنتین فرستاد، آنقدرزیبا وخوشخط بودکه امپراطور گفت: «برهیچ چیزی ازعرب رشك‌نبرم جزاین خط زیبا.»[3]

علاوه برحسن خط، کتب مصورهم بزبان عربی‌ترجمه وترتیب شدی، مثلا کتاب مصور شاهان ساسانی را علی‌بن حسین مسعودی در سنه ۳۰۳ق۹۱۵م دراستخرپارس دیده بودکه درسنه ۱۱۳ ق ۷۳۰ م آنرا برای هشام بن عبدالملك از پارسی (پهلوی) بعربی نوشته بودند[4]، و همچنان‌اثر نقاشی‌ومصوری ساسانی بربقایای‌کاخهای حیرمشاطه (حدود ۲۳۷ ق۸۵۱م) پدیدار است.

درمقدمهٔ گلستان هنر می‌نویسد:

«قدیمترین اثری که از نقاشی صدر اسلام پیدا شده، در قصر کوچك‌عمرا می‌باشد، که درشمال شرقی‌بحرالمیت کشف‌گردیده‌است.

۱ـ طبع لویس شیخو، بیروت ۱۹۲۱م.

۲ـ ابن قتیبه: ادب الکاتب ۴۵.

۳ـ همین کتاب ۴۵.

۴ـ مسعودی: التنبیه‌والاشراف ۹۲ قاهره ۱۹۳۸ م.
مطهربن طاهر مقدسی: کتاب البدء والتاریخ.

این قصر متعلق بیکی از خلفای بنی امیه بوده و دارای ایوانی مستطیل و شاه‌نشین‌های متعددیست که برسقف آن تصاویری از شش پادشاه اسیر مغلوب خلیفهٔ اموی نقش کرده‌اند. سقف‌های دیگر آن هم تصاویر نوازندگان ورقاصان برهنه ومناظرشکارگاه وورزش دارد، وبر سقف شاه‌نشین بزرگ، تصویر پادشاهست بر تخت نشسته که شاید خلیفهٔ اموی باشد که قصررا برای اوساخته‌اند. ولی سبك نقاشی این قصر با کاخ سامراء که بامر معتصم عباسی (۲۱۸ - ۲۲۸ق) ساخته شده اختلاف دارد.

درین بنا نقوش برجسته بصورت اشکال هندسی وگل و بوته، نقاشی وگچ بری شده است، که بهرصورت وجود تصاویر ونقوش را درعصر اموی و عباسی ثابت میگرداند. و از مذهبین مشهور این زمانند: یقطینی، ابراهیم صغیر، ابوموسی بن عمار، ابن سقطی، محمد[۱].

در عصر سامانیان وغزنویان و سلاجقه، هنر کتابت مخلوط به نقاشی وتذهیب وتشعیر بر کتابها ومخصوصاً نسخ قرآن دوام یافت وتا کنون هزاران نسخهٔ قرآن منقش و مُذَهَّب و پیراسته به الوان موجود است که یك ذخیرهٔ بزرگ آن درخزانه‌مشهد رضوی کشف شده‌وعبارتست از نسخ قرآن، که به مشهد رضوی از طرف شاهان ورجال بزرگ وقف شده بود، مانند مخطوطهٔ قرآن بخط عثمان بن حسین وراق غزنوی ۴۶۶ ق ۱۰۷۳ م مشهد رضوی که هم خط کوفی آن مشکول و تزئینی است، وهم صفحات آن دارای ترنجهای رنگین ومذهب، زیباست.

قرآن دیگر بخط ابوبکر بن احمد غزنوی در رمضان ۵۶۶ ق

۱ــ احمد سهیلی: مقدمهٔ گلستان هنر ۲۳ طبع تهران ۱۳۵۲ ش.

۱۱۷۱م (موزهٔ مصر)وهم نسخهٔ چستر بیتی انگلستان و قرآن نوشته۵۰۵ق ۱۱۱۱ م در بست (کتابخانهٔ پاریس) و قرآن گنجینهٔ جدید مشهد بخط و تذهیب محمد بن عثمان وراق ومذهب غزنوی (وقفی سنه ۴۱۴ق۱۰۲۳م) نمونه‌های نقاشی و تذهیب قرآن ۱۱-۱۲ م درخراسان شمرده می‌شوند[1]، که صفحات آن زمینه‌های مشجر گل کاری نفیس با تشعیرها و تذهیب و حواشی زیبا با ترنجهای رنگین مذهب دارد.

درآسیای میانه وخراسان وایران، هنر نقاشی گل و برگ مشجرو خطوط اسلیمی هندسی و نوشتهٔ کوفی مزین آمیخته باگل و برگ زیبا بر ابنیه ازقرن سوم هجری ببعد رواج تام یافت، که ازانجمله نقاشی مهندسی در خشت‌های بنای آرامگاه اسماعیل سامانی در بخارا (حدود ۳۰۰ ق ۹۱۲م) و خط کوفی آمیخته باگل و برگ و اشکال تزئینی مسجد نائین خراسان (سال ۳۵۰ ق ۹۶۰ م) ومقبرهٔ پیرعلمدار(۴۱۸ ق ۱۰۲۷ م) و بنای سنگ بست خراسان عصر سلطان محمود (حدود ۴۰۰ ق۱۰۰۹م) و نقاشی گل و برگ لوحهٔ سنگی مرقد سلطان محمود درغزنه (حدود ۴۲۱ق ۱۰۲۹م) که ازآثار نقاشی نفیس برسنگ وگچ وآهک دیوارهای ابنیهٔ عصر سامانیان و اوایل دورهٔ غزنویان است، وبعد ازآن درآسیای میانه دورهٔ

۱- بنگرید:

گنجینهٔ قرآن: گلچین معانی طبع مشهد.

سروی هنر پرشیا (انگلیسی) طبع نیویارک ۱۹۶۷ م.

کتاب و کتابخانه‌های ایران: رکن الدین همایونفرخ، تهران ۱۳۴۵ ش.

تاریخ خط و نوشته‌های کهن افغانستان: عبدالحی حبیبی طبع کابل ۱۳۵۰ ش.

گلستان هنر: قاضی میراحمد منشی طبع احمد سهیلی، تهران ۱۳۵۲ ش.

مشعشع نقاشی عصر سلجوقیان آغاز میشود که نمونه‌های بسیار زیبا و دلکش آن، محراب مسجد جامع اولیا(حدود ۴۶۰ ق ۱۰۶۷ م) وبقایای نفیس نقاشی سنگی قصر مسعود سوم ومنارها (حدود ۵۰۰ق ۱۱۰۶م) غزنه ، وبنای معظم بسیار منقش مسجد نه‌گنبدان بلخ (حدود ۵۰۰ ق) و بقایای ابنیهٔ چشت وجامع مسجد هرات(۵۹۷ ق ۱۲۰۰ م) ونقاشی‌های بنای‌مرقد امام یحیی‌درجوزجان (حدود ۴۳۰ ق ۱۱۳۵ م)ورباط شرف سرخس(حدود ۴۵۰ ق ۱۰۵۷ م)ومنارجام غور(حدود ۵۹۰ ق ۱۱۹۳م) ومدرسهٔ جوند بادغیس (بناکردهٔ خانمی درسنه ۵۷۱ ق ۱۱۷۵ م)است که این سبك نقاشی ابنیه ، یك‌قرن بعد درنقاشی دورهٔ تیموریان نفوذ و ظهور میکند ، و بمراحل تکامل خود میرسد ، و در کتابها و مـرقعات آنوقت، توأم با هنرخطاطی‌وخوشنویسی‌پدیداراست .

درعصرسلاجقه هنرکتابسازی با مصوری وخوشنویسی ونقاشی مورد توجه شاهان هم بود،چنانچه سلطان رکن‌الدین طغریل بن‌ارسلان پـادشاه سلجوقـی در سنه ۵۷۷ ق ۱۱۸۱ م زیـن الـدین محمـود راوندی راکه استاد فقه وادب بود ، استاد خویش‌گردانید درعلم خط و ادب . «این پادشاه مصحفی سی‌پاره مبدأ کرد و مینوشت و نقاشان و مذهبان بزرحل وتکحیل‌می کردند، وچون مؤلف راحة‌الصدور محمد بن علی راوندی تذهیب و تجلید یادداشت و هفتاد گونه خط را ضبط کرده بود، باوامرشدکه این مصحف نوشتهٔ سلطانرا اوتکحیل کرد، و برهرجزوی سی پاره صد دینارمغربی(زر) خرج شد.»[۱]

درعصر این‌پادشاه بقول راوندی : هنرمندان آسوده بودند وهر

۱ــ محمدبن علی راوندی : راحة‌الصدور ۴۴ طبع دکتور محمداقبال، تهران ۱۳۳۳ ش .

خطاطی ده‌جا مکسب داشت. وی درسنهٔ ۵۸۰ق درصدد ترتیب مجموعهٔ مصور اشعار بود، که آنرا زین الدین محمود مینوشت و جمال نقاش اصفهانی صورت هرشاعررا هم تصویرمیکرد ودرعقبش شعرمی آورد و مضاحکی چند مینوشتند، وآن حکایت را صورت رقم می‌زدند[1].

این جمال نقاش هم خطاط بود و هم شاعر، که جمال الدین عبد الرزاق اصفهانی شاعرمعاصر اودریك قصیدهٔ مدحیه باین صفات او تصریح میکند[2].

از آثار نقاشی ومصوری عصرسلجوقیان، قطعات چندی در «سروی هنرایران» تألیف پوپ چاپ شده وازآن پدید می آید، که هنر کتاب آرائی ومصوری دردورهٔ قبل ازمغل، در نهایت رواج وقبول مردم بود، ودرشهرهای آسیای میانه، کتابخانه‌های بزرگی وجود داشت. چنانچه یاقوت حموی تا سنه ۶۱۶ ق ۱۲۱۸ م درمرو مدت سه سال برای دیدن کتابخانه‌های این شهرسکونت داشت واوگوید که ده خزانهٔ کتب وقفی که در جهان بی‌مانند است، دربن‌شهر بود[3].

همانطوری که تزئین معابد ومراقد، درشش قرن اول اسلامی درسرتاسر قلمرو خلافت تا خراسان و آسیای میانه بعروج وکمال خود رسید، و حتی در خط کوفی جنبهٔ تزئینی آن باندازه‌یی فراوانی یافت، که دربنای مقبرهٔ پیرعلمدار ۴۱۸ ق ۱۰۲۶ م وکتابه‌های مسجد جامع هرات (ازدورهٔ سلطنت غوریان) تزئین و گل و برگ و خطوط

۱ــ همین کتاب ۵۷.
۲ــ همین کتاب، تعلیقات ۴۷۷.
۳ــ معجم البلدان، کلمهٔ مرو.

هندسی و اعوجاجها و کشش‌ها، بیش از قسمت نوشته شدهٔ آنست. و هم از بقایای تصاویر غلامان درباری بردیوارهای لشکرگاه بست[۱] (ازعصر غزنویان) و هم تصاویر گچ کاری[۲] دوران طغریل بن ارسلان سلجوقی (حدود ۵۰۰ ق ۱۱۰۶م) نمایان است، که برابنیهٔ قصورشاهی اشکال انسانی و جانداران را هم نقش می کردند، چنانچه یك خانهٔ نگارین با تصاویر شهوت انگیز، درباغ عدنانی هرات، برای شاهزاده مسعود درعصر سلطان محمود ساخته شده بود[۳].

در کتابهای همین سه وچهار قرن اول اسلامی، کتابهای مصوری را نیز می‌یابیم. مثلاً درکتاب نجوم مظفربن هبةالله اسطرلابی در سنه ۳۷۲ ق ۹۸۲ م صورت مردی راکشیده‌اندکه خنجری بدست دارد و در حالت رقص است، که یکی ازکهنترین نقاشی‌های عهد سامانیست، وهم در رسالهٔ صورالکواکب[۴] حسن‌بن عبدالرحمن‌بن عمرالصوفی (۲۹۱-۳۷۶ ق ۹۰۳-۹۸۶م) که برای فخرالدولهٔ دیلمی تألیف گردیده و نسخهٔ خطی آن درعصر مؤلف نوشته شده، صورتهای فخرالدولهٔ دیلمی ومؤلف کتاب، باآب و رنگ نقاشی شده‌اند، و۴۸ صورت آسمانی را نیز باکمال مهارت دران تصویرکرده‌اند (این هردو نسخهٔ خطی قدیم در مجموعهٔ نصیری تهرانست).

در قرن ۹ م در دارالترجمهٔ متوکل در بغداد ، با ترجمهٔ کتب

۱- احمد علی کهزاد: لشکرگاه، طبع کابل ۱۳۳۲ ش.

۲- همایونفرخ: کتاب و کتابخانه‌های ایران ص۳۷ شکل ۳۴.

۳- تاریخ بیهقی ص۱۲۱.

۴- طبع پترسبرگ ۱۸۷۴م.

یونانی، نقل کتب مصور نجومی و علم حیوانات و نباتات هم آغاز شد، کتاب الحشایش فی‌هیولی العـلاج الطبی De Materia Medica of Dioscurides را از یونانی، ترجمهٔ مصور کردند، کـه اکنون نسخهٔ یونانی مصور آن باقی نیست. از ترجمهٔ عربی کتاب‌البیطره:

Oppin's Hippiatrica تألیف قرن ۲ م هم سه نسخهٔ مصور عربی قرن ۱۳ موجوداست[1] و کتاب العین حنین بن‌اسحاق هم مصور بود کـه یك نسخهٔ مصور قاهره (قرن ۱۵ م) آن در موزهٔ آرت اسلامی قاهره است. و کتاب الحیوان مصور مکتب بغداد (مربوط قرن ۱۳) درموزهٔ برتانیا Or. Ms.2784 است، وهمچنین نسخ زیاد کتاب‌البیطره یا کتاب‌-الحیوان مصور یا اسپ‌نامه‌های فارسی دراوقات مختلف مصورشده‌اند که ما برای تفصیل آن بمقالت ارنست ج. گروب Ernst J. Grube در فصل ۹۷ جلـد ۱۴ سروی هنرپرشیا (ص۳۱۳۸-۳۱۵۵) طبع جـاپان ۱۹۶۷ م حوالت میدهیم.

درخراسان نیز هنر نقاشی اهمیت داشت و حتی شخص فکور وشاعر زبردست نقادی مانند ناصرخسرو بلخی نیز ازین هنر مایه‌یـی داشت، وی در سفرنامهٔ خود می‌نویسد: که در سنه (۴۴۲ ق ۱۰۵۰ م) در فلیج بادیهٔ عرب، بوسیلهٔ نقاشی شاخ و برگی در میـان محراب مسجد، صدمن خرما که درانجابهای هنگفت داشت حق‌الزحمه گرفتم و «آن صدمن خرما فریادرس ما بود.»

۱- این کتاب درمجموعهٔ مشهور کتب طبی و بیطاری امپراتور کانستین تین هفتم (۹۱۲-۹۵۹ م) هم شامل بود (پرشن آرت ۳).

داستان ابونصرعراق نقاش درعصرسلطان محمود مشهوراست[۱]، که در علم تصویرخبیربود، وی صورت بوعلی سینا را بر کاغذنگاشت که از روی آن اورا دراکناف مملکت بجویند[۲]. وهم ازقول‌ابوالفضل بیهقی، عبدالملك نقاش ومهندس دربار غزنه را درعهد سلطان مسعود می‌شناسیم[۳] و پیش ازین دوره، مصور ساختن نظم کلیله ودمنهٔ رودکی را در عصر سامانیان بلخی سراغ داریم، که در مقدمهٔ منثور شاهنامهٔ ابومنصوری (۳۴۶ ق ۹۵۷ م) بآن اشاره شده، وهم هرتسفلدنمونه‌های دیوارهای نگارین کاخهای این دوره را درسیستان یافته است[۴].

درعصر مغل اگرچه کتابخانه‌ها و شهرهای آسیای میانه وخراسان ازبین رفت، و کشتار وتخریب کلی روی داد، و قرن هفتم هجری دورهٔ کشت وخون وسقوط مدنیت وهنربود، ولی شهزادگان مغل وایلخانیان

۱ــ در تهران نزد مهندس فروغی جام مفرغی مصور و منقشی موجود است که دربین آن درمیان دائره، یك صورت شخص تیز کلاه (مانند خود ساکه‌ها) منقوش است که ریش دراز و نیزهٔ دوپرهٔ (افغانی) بدست دارد، و در عقب اویك سپاهی عمامه داری ایستاده است. بردورادور این نقوش، کلماتی عربی بخط کوفی شبیه به نقش و نگار کنده شده، و دربین دائره، پیش روی شخص نیزه‌دار، دروسط دوخط بیضوی بالای شکل ماه (عمل ابونصر) خوانده می‌شود. ولی آیا وی همان ابونصرعهد سلطان محمود است؟

۲ــ عروضی سمرقندی: چهار مقاله ۸۷ طبع محمد قزوینی، برلن ۱۹۲۷ م.

۳ــ تاریخ بیهقی، طبع دکتور غنی و فیاض، تهران ۱۳۲۴ ش، ص۴۹۹.

۴ــ صنائع ایران بعد از اسلام ۸۸.

در بقایای بلاد متمدن به امر زندگی کردن مدنی و هنر و عمران آشنا شدند، وچون پای بند شریعت اسلام نبودند، درمسائل هنری ومصوری جانداران تسامحی نشان دادند. بنابرین هنر مصوری وخوشنویسی در کتابها نمرد ، و مکتب سلجوقی را پیروی می کردند ، چنانچه نسخهٔ دیوانهای سته شاعران فارسی در ۷۱۳ ق ۱۳۱۳ م نوشته شده و در آغاز هردیوان ، صورت شاعر را به‌نقاشی رنگین کشیده‌اند که سبك چهره کشی آن از همان مکتب سلجوقیست[۱]، و در موزهٔ برتانیه نسخهٔ مصور کتاب‌الحیوان Or. Ms. 2784 موجود است که درقرن۱۳ م‌نوشته شده وتصاویر فراوان همین سبك دارد، وازکتاب البیطره همین‌عصر، سه‌نسخهٔ مصور عربی باقی مانده است[۲]. وهم دراوقات وزارت‌خواجه رشیدالدین فضل‌الله طبیب همدانی آثارهنری زیاد دربلاد ایران بوجود آمده وهنر تصویر وتزئین کتب درسرتاسر مملکت ایلخانی ترقی کرد، که از نمونه‌های آنست: نسخهٔ مصورجامع‌التواریخ رشیدالدین وزیر، مکتوبهٔ ۷۰۷ ق - ۷۱۴ ق دارای مجالس متعدد تصویر در کتابخانهٔ انجمن شاهی آسیائی لندن ، و منافع‌الحیوان بختی شوع دارای ۹۴ مجلس در سه جلد، که بامر سلطان محمود غازان خان در اواخر قرن هفتم هجری نگارش یافته (موزهٔ متروپولیتن نیویارك) وهم نسخهٔ‌دیگر جامع‌التواریخ است، که آثار مصوری و نقاشی‌استاد احمد موسی‌نقاش دارد، وشاهنامهٔ موزهٔ متروپولیتن (برای کتابخانهٔ قوام‌الدین حسن‌وزیر

۱- عکس این نسخه درکتابخانهٔ ملی تهرانست.

۲- سروی آف پرشن آرت ۳۱۵۲.

شاه ابواسحاق شیراز ودارای ۵ مجلس نقاشی)[1]

استاد عبدالحی مصور و استاد سلطان جنید و استـاد منصور و پسرش مظفر، مصوران ماهراین عصراند. سلطان احمد جلایر بقول صاحب لب‌التواریخ درسخن سنجی و شاعری و مصوری و مـذهبی نظیر نداشت و بهفت قلم خوش می‌نوشت. دیوان اشعار او را سلطان جنید مصور نقاشی کرد. واستاد عبدالحی مصورهمانست که بقول محمد حیدر دوغلت در صفائی قلم و نازکی و محکمی بلکه درهمه اوصاف تصویر، مثل‌وی پیدا نشده است[2]. ونجم‌الدین محمود مذهب این‌عصر تا ۷۸۲ ق ۱۳۸۰ م زنده بود.

مظفر معاصر سلطان ابوسعید است که پدرش منصور هم استاد فن شمرده می‌شد، و بقول دوغلت، ازو بهتر مصوری دران عصرنبود، مگر کار پسرازپدر بمراتب بهتر شد، وقلمی داشت که درغایت باریکی وملاحت وپختگی، چشم بیننده خیره مانده و حتی بهزاد هـم بمقدار شاه مظفر نازك دست نبود[3].

یك نسخهٔ شاهنامه فعلاً در موزهٔ توپقاپو سرای استانبـول هست، که درسال ۷۳۱ق ۱۳۳۱ م نوشته شده، ولی صور ونقوش ایـن نسخه برزخ میان صورتهای مکاتب سابق و لاحق بوده و بـازگشت بزمینهٔ قرمزی سلجوقی و سادگی و عدم تصنع در رسوم اشخاص آن دیده می‌شود که تأثیر روش مغولی درآرایش لباس و مناظر کوهستانی

۱ــ کتاب وکتابخانه‌های ایران ۱۰۷.

۲ــ تاریخ رشیدی ورق ۸۸ خطی کیمبرج ۲۹۴ Or.

۳ــ صنائع ایران ۹۶.

وگل و بوتهٔ آن نیز مشهود است، ونسخهٔ مصورهمای وهمایون‌خواجو وشاهنامهٔ دموت دارای ۵۵ مجلس نقاشی نگارش ۷۴۰ ق ۱۳۳۹ م از آثار نقاشی ومصوری این عصرند[۱].

نقاشان چینی و اویغوری و ایرانی در دربار ایلخانیان و قره‌قویونلو وآق قویونلو بوده‌اند. برنسخه‌های منقوش عهد ایلخانـی، امضاهای نقاشان احمد لاچین وموسی واحمدبن موسی دیده می‌شود، وآثار هنری عصر غازان خان واولجایتو و رشیدالدین وزیر از طرف ۲۲ نفر نقاشان چینی و مغل وترکی ساخته شده[۲]، که اثر هنر چینی را در غرب آن نمایندگی می کنند.

از بهترین صور نقاشی شده این سبك، در حدود بعد از قرن ۶ هجری مرقعی است از کلیله و دمنه که بعداً بـرای شاه طهماسپ اول صفوی فراهم‌آوری شده و اکنون درکتابخانه یونیورستی استانبول است.

درکشیدن صورت اشخاص این مجموعه، دقت و مهارتی دیده می‌شود، ونقاش از روش‌های چینی، عناصری را دران اقتباس کرده که در مناظر طبیعی آن بنظرمی آید، ومراعات حالت طبیعی واتقان اشکال آدمی و حیوانی بحدی موفق است کـه هنرمندان و نقاشان تبریز هـم بآن پایه نرسیده‌اند.

بهرحال یك روحانیت و حالت طبیعی دریـن مجموعه مشهود است که بما اجازه می‌دهدآنرا از صنایع هرات که در نیمهٔ قرن ۸ ق

۱ـ صنایع ایران ۹۶ کتاب وکتابخانه‌های ایران ۱۰۷.
۲ـ زکی ولیدی توغان: درنسخ خطی استانبول ۲ طبع ۱۹۶۳ م.

صنایع و فنون دران براثر پایتخت بودن سلاطین کرت رونق یافته بود بدانیم. اما این صور و اشکال خالی از یك روح هندی نیست وشاید دلیل این باشد که سلاطین کرت منسوب بغوریان‌اند، که در سال‌های ۶۱۲/۵۴۳ ق (۱۱۴۸-۱۲۱۵ م) برافغانستان و هند حکومت کرده‌اند، واین رابطه ونسبت که بین دوسلسله بوده ، در فنون شهر هرات تأثیر داشته است[۱].

این رأی مولف صنائع اسلام قرین بصوابست، زیرا ازملاحظهٔ تاریخ سیفی هروی که از مورخان دربار آل کرت هراتست بخوبی میدانیم ، که شاهان آل کرت تا درهٔ بولان و حدود سرزمین سند ه حکمران داشتند و شایدآثار هنری هندی را بدربارخویش دراثرتماس با مردم سند، بهرات انتقال داده باشند.

در سال ۷۷۱ ق ۱۳۷۰ م سمرقند پایتخت تیمور شد . وی مشهورترین هنرمندان مانند میرعلی تبریزی خطاط و استاد عبدالحی مصور و غیره را دران شهر فراهم‌آورد. اما تابلوهای نقاشی که بشهر سمرقند منسوبند خیلی کمیابند و بهمین جهت شاید ممکن نباشد، آثار فنی زیادی بآن نسبت داد، فقط میتوان اشکال منقولی از نمونه‌های چینی و بعضی اشکال دیگر راکه روشهای چینی دران تأثیر کرده و مشتمل بررسوم واشکال حیوانات حقیقی و خرافی و بعضی کتابهای خطی علوم فلکی را منسوب بآن شهر دانست[۲].

۱- صنایع ایران ۹۵.

۲- صنایع ایران ۹۹.

(۴)

تیمور و تیموریان

هنر دورهٔ ایلخانیان در قرن ۱۴م بخروج امیر تیمور و فتوح و خونریزیهای او ازدهلی تا سرزمین شام مواجه گردید.

با وجودیکه تیمورطبعاً خشن وقهار بود ، ولی تربیهٔ او درمحیط دانش وهنروتصوف[1] ، ازخشونت چنگیزی اومیکاست ، ودرصدد آن بر آمد کـه سمرقند را مجمـع دانشمندان و هنرمندان گردانـد ، وی مولانا نظام الـدین شامی‌را درسنه ۸۰۲ ق ۱۳۹۹ م در حلب و مولانـا شهاب الدین‌عبدالله لسان را درسنه ۸۰۴ ق ۱۴۰۱ م وشیخ قطب‌الدین-بن شیخ محمودزنگی‌را درسنه ۸۰۶ق ۱۴۰۳ م بحضورخود پذیرفت[2]،

۱ــ وی با سید برکه و خاندان سید امیر کلال و رجال روحانی عصر خویش عقیدتی‌داشت .

۲ــ مطلع سعدین خطی‌ص ۵۹۹ ، ۶۴۵ ، ۷۰۸ .

وخواجه عبدالحی مصور را ازعراق بسمرقند آورد[۱]، ودرسنه ۸۰۷ ق ۱۴۰۴م چون ازسمرقند بمصر ایلچی خود مولانا عبدالله کشی رامیفرستاد، مکتوبی بخط خوش مولانا شیخ محمد خطاط ماهر سمرقند درطول ۷ گزوعرض سه گز بزر نوشته وبنام پادشاه مصرارسال داشت.[۲]

ازتمام این اسناد روشن می آید ،که مبادی هنرمکتب تیموریان ازدربارسلاطین گذشته ،بدربار تیمورانتقال یافته ونقاشی نیز رواج داشت چنانچه تیمور بعد ازفتوح هفت سالهٔ روم (کشورعثمانی) دردوفرسنگی سمرقند ، مجلس بزرگ جشن پیروزی را زیرخرگاه عظیم منقش وملون ومذهب، بطلا ولاجورد که ده هزار کس درسایه آن نشستندی ترتیب داد، و مورخان در توصیف نقش و نگار ایـن خیمهٔ رنگین منقش بـزرگ رطب اللسانند[۳] .

با وجودیکه دردورهٔ بعد ازفتح مغل،برخی ازامراء وشهزادگان، هنرمندان را گرامی داشتند و باحیای هنر کوشیدند، ولی خطراتی هم متوجه این مردم و آثار ایشان از کتاب و منقوشات و مصورات بود مثلاً: درسنه ۷۲۶ ق ۱۳۲۵ امیرحسن بن امیرچوپان ، بجانب قندهار وغزنین با سپاه پادشاه مغل ترمشیرین درآویخت ، وچـون امیر حسن بغزنین رسید، سپاه اوخرابی تمام کردند،چنانچه گورخانهٔ سلطان محمود را درهم شکسته ، اوراق مصاحف وکتب درزیردست وپا آوردند[۴] .

۱ـ تاریخ رشیدی خطی کیمبرج و۸۸ ببعدودیباچهٔ دوست محمد کتابدار۱۳.
۲ـ مطلع سعدین خطی ۷۴۹ .
۳ـ نگارستان ۳۲۲ .
۴ـ مطلع سعدین ج ۱ ص ۵۱ خطی انجمن تاریخ کابل .

درسال ۷۴۳ ق ۱۳۴۲ م ملک‌معزالدین محمد کرت ، با خواجه وجیه‌الدین مسعود سربدارحرب کردودرین گیرودار ، دیوان اشعار امیر محمودبن یمین مستوفی فریومـدی غارت شد ، و او ازسبزوار بملک معزالدین این‌قطعه فرستاد:

گرچه آمد دل بدرد از گشتن دیـوان تلف
ازآن چه غم دارم چوطبع گوهرافشان با منست
گرچه دیوان دگـر ترتیب دانم کـرد ، لیک
حاصل عمرم هبا شد ، انـده آن بـا منست[1]

غیرازوقایع جنگی ، گاهی هنرمندان بیگناه مورد سفاکی امراء نیز قرار می‌گرفتند، مثلا: درسنه ۸۰۷ ق ۱۴۰۴ م امیر تیمور بسمرقند برگشت وعمارت مسجد جامع را دید و برخواجه محمود داؤد ومحمد جلد غضب کرد، که چرا ایوان مدرسهٔ سرای ملک‌خانم‌را برایوان‌مسجد جامع بلندتر ساخته‌اند ؟ چون هردورا معمار ایشان بودند ، درکان کل سمرقند کشته شدند[2].

فرزند تیمور، میران شاه حکمران قزوین بعیاشی پرداخته بود . چون در سنه ۸۰۱ ق ۱۳۹۸ م در میان شهر قزوین با چند نفر نوکر با پدرخود ملاقات کرد، امیرتیمورملول شده وازو روی درکشید وتخلف ملازمان را بهانه ساخته‌وحکم نمود ،که هرچه درآن نزدیکی بهرکس داده باشد ، محصلان بخزانه فرود آورند . حریفان مجلس اوراکه هر یك‌نادرهٔ عصرو بی‌نظیر روزگاربودند، مثل نادرهٔ زمان و اعجوبهٔ‌دوران

۱ــ مجمل فصیحی ۳/ ۶۴ .
۲ــ مجمل ۳/ ۱۵۱ .

مولاناشمس‌الدین محمد کاخکی که باوجود تبحردرعلوم‌درنظم و نثروجد وهزل یگانهٔ زمان بود،استاد قطب‌الدین نائی‌وحبیب عودی‌وعبدالمؤمن گوینده که‌درصفت،وسیقی‌هریك‌فیثاغورث‌روزگاروسرآمد ادوار بودند، حاسدان غمازی کردند ، که بسبب این جماعت که امیرزاده را بملاهی‌و مناهی ترغیب مینمایند مهمات ملکی نامضبوط میماند . . . مزاج صاحبقرانی‌متغیرشده ، حکم سیاست فرمود[1] ، وآن جماعت باین سبب بقتل آمدند .

گاهی وقایع طبیعی هم دانشمندان را از بین می برد . در سنه ۸۰۶ ق ۱۴۰۳ م شیخ محمود زنگی عجم که کتاب «جوش و خروش» رادر بعضی مآثر صاحبقران (تیمور) نظم کرده بود ، بحضور تیمور می آمد... در پل تفلیس درآب مرد (غرق شد) و پسرش شیخ قطب‌الدین که ذیل آن کتاب ساخته باردوی تیمور رسید[2].

گاهی برخی از متظاهران به‌ادب و علم، بنابردروغگوئی رسوا هم شده‌اند، مثلا چون پسر کمال‌الدین، میرحسین ابیوردی را درزمان سلطان حسین‌میرزا برسالت عراق سرفرازنمودند، میرعلی شیرتحفه‌یی چند از نفایس ، خصوصاً کلیات جامی را جهت قاضی عیسی صدر مقرر داشت. عبدالکریم کتابدار،کتاب فتوحات را بنابر مشابهتی که

۱- مطلع سعدین خطی ۵۷۶ درمجمل فصیحی(۱۴۳/۳) علاوه براین اشخاص ، نام استاد اردشیرچنگی و خواجه یحیی نراد هم‌آمده ،درنگارستان (ص ۳۲۱)گوید که خواجه عبدالقادر مصنف ازین کشتار هنرمندان فرار نمود وبعد ازآن در۸۳۸ ق ۱۴۳۴ م‌وفات‌یافت. تولد خواجه عبدالقادرغیبی ۷۵۴ ق ۱۳۵۳ م است ، وی علاوه برهنرموسیقی‌شاعروخطاط هم بود .

۲- مطلع سعدین خطی ۷۰۸.

درحجم و جلد باکلیات جامی داشت بمیر تسلیم نمود، وی بی آنکه ببیند آنرا دربار بست. چون بحضورقاضی صدر رسید او پرسید: در سفرمشقتی ندیده باشند؟

ابیوردی که کتاب اهدائی را (بدون مطالعه و ملاحظه) در دست داشت گفت: «درتمام سفراین دیوان مولانا جامی را میخواندم، بنابرین رنجی حس نکردم.»

صدر بـا کمال اشتیاق ازو کتاب مذکور راگرفت، ولی چون کشود، کتاب فتوحات بود[1]!!! بعد از مرگ تیمور، مملکت وسیع وی بین پسرانش ـ که در محیط دانش و هنرپرورده شده بودنـد ـ منقسم گردید، که هریکی در قلمرو خویش از ماوراءالنهر و خراسان و عراق به‌پرورش هنر و تشویق و فـراهمی هنرمندان پرداختند. از انجمله شاهرخ بهادر که در هـرات تختگاه داشت، و عبدالرزاق سمرقندی قلمرو سلطنت او را از دریای سند تا قزوین و حـدود تبریز «مملکت خراسان» می‌نامد[2]، هرات را پرورشگاه هنرساخت، و بنابرین عروج مکتب هرات را از ۱۴۰۰ م تا اواخر عهد سلطان حسین بایقرا ۱۵۰۰م میدانیم، که درین مدت یك قرن هنر کتابسازی این مکتب بشمول هنر-

۱ـ نگارستان ۳۳۶، این سیدحسین ابیوردی درحدود ۸۹۸ ق ۱۴۹۲م یکی از رجال دربار هرات بود که درممالك عربی و روم سیاحت‌ها کرده ومدتی درمکه بوده است. ازآثار او چارتخت مثنوی منظوم وانیس العاشقین منثور فارسی بخط خود او درکتابخانهٔ یونیورستی اوپسالا در سویدن است طبع فرهنگ ایران زمین ۱-۴ ج۱۵ تهران ۱۳۴۷ م.

۲ـ مطلع سعدین ۲ ص۶۹۴ و۵۹۴ و ۶۰.

های خطاطی، نقاشی، مصوری، تذهیب و تجلید، بذروهٔ عروج خـود رسیده است و هنرمندان نامی از هرسو بهرات آمده‌انـد . مثلا در سنه ۸۱۳ ق ۱۴۱۰ م وقتیکه شاهرخ مدرسه و خانقاه هرات را بنا کرد ، نفایس کتب را دران فراهم آورد[۱]، و در کتابخانهٔ شهزاده بایسنغرمیرزا چهل کاتب خوش نویس بود[۲] وشاهرخ مولانا معروف خطاط زبردست بغدادی راکه روزی هزار وپانصد بیت، درغایت لطافت می‌نوشت[۳] ، بعد از فتح فارس و عراق، بهرات آورد، وکاتب خاص خودگردانید[۴] . ومولانا شریف‌الدین عبدالقهار سمرقندی برادر مؤلف مطلع سعدین از مشاهیر دربارشاهرخ در هراتست که علاوه برحسن خط، درموسیقی و سیاق وانشا هم ماهر بود[۵].

خواندمیر گوید: که به‌تشویق شهزاده بایسنغر، ارباب علم وکمال و هنر از اطراف واکناف ایران و تـوران بهرات آمدند[۶] و هنرمندان اطراف عالم بتخصیص ممالك محروسه بردرگاه معظم (هرات در سنه ۸۷۰ ق ۱۴۶۵ م) حـاضر بودند و همه بقوت ذهن خـود ، غرائب و عجائب نمودند[۷]. بقول خواندمیر: حتی وزیر معروف هرات امیرعلی شیرنوائی هم در فن تذهیب وتصویر وکتابه‌نویسی نظیر نداشت[۸].

۱ــ مطلع سعدین خطی ۱/ ۱۸۷ .
۲ــ احسن‌التواریخ ۲۰۷.
۳ــ نگارستان ۳۴۴.
۴ــ مطلع ۱/ ۵۹۰، احسن‌التواریخ ۱۹۳.
۵ــ مطلع ۲/ ۱۲۹۳.
۶ــ حبیب‌السیر ۲/ ۶۲۲.
۷ــ مطلع ۱۳۰۴/۲.
۸ــ خلاصة‌الاخبار خطی.

نسخه‌های خطی مکتب هرات چه از نظر موضوع وخط، چه از روی آرایش هنری (تصویر، تذهیب، نقاشی، تجلید) دران عصر شایق وقدردان زیاد داشت، و بهرطرف بطور ارمغان برده و فرستاده میشد. در زمان سلطان حسین میرزا، سفیری را بعراق می‌فرستادند، میرعلی شیر نوائی درجملهٔ نفایس تحف، کلیات جامی را جهت قاضی عیسی صدر مقرر داشت[۱]. و دیوان مولانا جامی از هرات بحضور سلطان بایزید دوم عثمانی فرستاده شد[۲].

درنتیجهٔ هنرمند پروری شاهزادگان تیموری هرات بود، که هنر خطاطی و کتاب نویسی و شاعری بسیار پیش رفت. چنانچه مولانا نسیمی نشابوری نستعلیق نویس وشاعر ومنشی اعجوبهٔ دهر بود، که روز یکشنبه ۱۲ ربیع‌الاول ۸۲۴ ق ۱۴۲۹ م در حضور عامهٔ مردم از صبح تا شام ۱۲۰ مکتوب بلاغت اسلوب ده‌سطری انشا وخط نستعلیق خوب نوشت. وروزی درمیدانی پیش روی مردم دوهزاربیت بربدیهه گفت. وهم روز چهارشنبه ۲۶جمادی‌الاولی ۸۲۵ ق ۱۴۲۰ م درمحضر عامهٔ مردم از طلوع تا غروب، چهار حکایت مختلف را در چهار بحر خمسهٔ نظامی مجموعاً دوهزار بیت درکمال بلاغت منظوم‌کرده و بخط نستعلیق خوب در حالی نوشت که تمامی سازنده‌ها و نقاره‌چیان و خواننده‌ها معرکه راگرم داشتند، وی بدون فتورحواس به شعرگفتن و نوشتن پرداخت ونماز پیشین و نماز دیگر را هم اداکرد. در مدح او گفتند:

۱ــ نگارستان ۳۳۶ چنانچه‌گذشت.

۲ــ منشآت فریدون بیگ ۱/۳۶۱.

یکروز بمدح شاه پاکیزه سرشت سیصی دو هزار بیت گفت و نوشت[1]

هنرهای کتاب سازی

هنر جلد سازی معرق نیز درعصر تیموریان درهرات رواج یافت. بایسنغر میرزا مجلد و صحاف معروف استاد قوام‌الدین را از تبریز بهرات خواست. وی درصحافی انواع هنرنمائی نمود، و ازان جمله معرق راکه تاآن عهد نبود ساخت. روی جلدرا ضربی طلا اندود کرده و پشت آنرا معرق می‌ساختند.

مولانامیرك اصفهانی، بجای ضربی‌یا ضربی مطلای دارای نقوش یاتشعیر برجسته، بربوم مشکی تشعیرمی‌ساخت، وتشعیرروغنی کارمیرك، دارای گل و بوته وباغ و صحرا و اشکال سیمرغ و اژدها و پرندگان زیبا بود که آنرا شیوهٔ «میرکی» گفتندی.

هنرساختن کاغذ ابری، برای آرایش حواشی وگاهی متن کتابها، وانواع زرافشانی مانند میانه، غبار، چشم موری، سرموری، بیخته براوراق کتابهای نفیس، و صنعت عکس که استاد آن مولا کپك هروی نقاش بود، و تذهیب معرق وقطاعی ازهنرهای مروج کتاب سازی عهد تیموریانست که‌بوسیلهٔ آن خطوط و نقوش‌را از کاغذی بریده، براوراق یاقطعات مطلوبهٔ دیگرمی‌چسپاندند، واین هنرهارا با ابزارهای خاص، با دقت وهنرمندی تمام، چنین انجام می‌دادند، که یك قطعه کاغذی را بدو نیمه می‌بریدند وخط یا نقش را ازان برآورده، بجای دیگر بکار

۱ــ نگارستان ۳۴۳.

می‌بردند. و بنابرین هنرهای کتابت، تحریر، تذهیب، قطاعی، تعریق، تشعیر، نقاشی، مصوری، تجلید وغیره رواج داشت. واین هنرمندان بنام کاتب، محرر، مذهب، نقاش، وصال، قطاع، معرق، تشعیرساز، مصور ومجلد یاد می‌شده‌اند[1].

درصفحات گذشتهٔ این کتاب، سوابق هنرهای مصوری و نقاشی را شرح دادیم، این‌هنرهای نفیس‌درصنعت کتاب سازی دورهٔ‌تیموریان، منزلت رفیعی داشت، و هنر تـذهیب نیز از هنرهای خیلی مهم دورهٔ اسلامیست، واز نسخ خطی قرآن عظیم که درخزانهٔ امام رضا در مشهد ازقرن ۴ تا ۶ ه محفوظند پدید می‌آید، که نسخه‌های کتاب آسمانی رابا بهترین ودقیق‌ترین رسوم واشکال، تذهیب ونقاشی می‌کردند ومذهبان ماهردرغزنه، بست، بلخ، وبلاد خراسان وعراق وماوراءالنهرمیزیستند و درمرتبه ازخطاطان ومصوران کمتر نبودند.

مذهبان حواشی وصفحات اول وآخروسرفصلها و عناوین کتب و اوائل سوره‌ها و احـزاب قرآنی را با ستارگان و رسوم هندسی و گل و بوته وشاخه و برگها وانواع ترنجها واشکال لوزی و بادامی و گاهی با اشکال انسان و پرندگان و آهو و مرغابی و غیره تـزئین و تذهیب ورنگین می‌کردند، ومانند هنرمندان دیگر، نام خود را باصفت «مذهب» می‌نوشتند. و برای این کار مصارف گزافی با مواد قیمتی از قبیل طلا ونقره ولاجورد وکاغذ عالی والوان گوناگون می‌شد، وقراری که هنرشناسان رأی داده‌انـد، درین تزئینات تـذهیبی وزراندودی، مخلوطی از رسوم ساسانی و بیزانس ونبطی وکتب یهود و مسیحیـان

۱ــ تلخیص ازمقدمهٔ گلستان هنر.

کلیسای شرقی هم اقتباس شدی[۱].

تاکنون کتب خطی تذهیب شدهٔ قدیمتری را از دورهٔ غزنوی و سلجوقی یافته‌اند، که طریقهٔ جدول کشی دور سطرهای نوشته شده و تزئین خارج آنرا با اشکال و رسوم نباتی از ابتکارهای همین عصر می‌دانند، و در نسخ خطی قرآنی که درین اواخر در یکی از مخـازن مشهد رضوی کشف کردند، برخی از اشکال تذهیبی آنقـدر سالم و درخشان وجالب باقی مانده که چشم بیننده را خیره می‌سازد.

در دورهٔ مغل، مذهبان رنگهای طلائی و آبی و قرمز وسبز و پرتقالی را استعمال می کردند و رسوم و اشکال هندی گونـاگون را با ستاره‌های متنوع و اشکال مربع ومسدس و مثمن و دوایر مشبك و دیگر اشکال مملو از شاخ و بوتهٔ نباتات و صور انسانی و حیوانـی می نوشتند ودران منتهای دقت واستادی نشان میدادند.

از نسخهٔ خطی شاهنامهٔ بایسنغری موزهٔ گلستان (۸۳۳ق ۱۴۲۹م) که دران صورت مذهب نیز کشیده شده پدیدار است که مذهب نیز در جملهٔ هنرمندان دیگر آبرو ومقامی درخور اهمیت داشته است[۲].

در دورهٔ تیموریان هرات، براهمیت و رونق تذهیب افزوده‌شد، که همان نسخهٔ شاهنامهٔ بایسنغری، این هنررا درنهایت اوج نشان‌میدهد، وازمذهبان معروف مکتب هرات مولانا تاج محمد نقاش ومذهب بود، که درعلم حیل (جراثقال) ومیکانیك و چینی سازی هم دستی داشت، واميرخليل وميرك نيز ازين جمله‌اند[۳].

۱ــ صنایع ایران ۷۴.

۲ــ همین کتاب ۷۶.

۳ــ همین کتاب، بحوالهٔ مصوری دراسلام تألیف آرنولد ۲۳۹.

اما هنر صحافی وجلد سازی که در بالا بآن اشاره شد ، بهترین نمونهٔآن وقایه بسیار نفیس شاهنامهٔ بایسنغریست (بنگرید شمارهٔ اول ایران) کار قوام‌الدین، که این وقایه وجلدهای کتب دیگرمکتب هرات از بهترین کارهای صحافی وتجلید شمرده شده است .

در دورهٔ تیموریان صنعت صحافی وچرم‌کاری بحدکمال رسید ودارای طرحهای عالیست، که دران نهایت دقت و مهارت بکار رفته است. قسمت خارجی جلد معمولا دارای تزئینات فشاریست، درحالی که درقسمت داخلی، طرحهای زیبای بریده شده، روی زمینهٔ آبی‌رنگ قرارداده شده است.ونمونه‌های خوب صحافی‌وجلدسازی درنسخه‌های مؤرخ ۸۴۱ ق ۸۴۹ ق‌کتابخانهٔ توپقاپوسرای استانبول وخمسهٔ نظامی مورخ ۸۵۰ ق ۱۴۴۶ م متروپولیتن موجود است .

در قرن ۱۵ ــ ۱۶ م صنعت کتب ممالك اسلامی را در ایتالیا و مخصوصاً درشهرونیز تقلید میکردند ،وبدین‌وسیله بسیاری ازنمونه‌های شرقی در طرحهای اروپا راه یافت و صنعت جلد سازی و طلاکوبی بسبك اسلامی ، در تزئین جلد کتاب در اروپا شایع شد[1].

اگر چه در این دوره هرات در فن جلدسازی و صحافی گوی پیشی را ربوده ، اما غیر از آن مراکز دیگری نیز وجود داشته ، که مهمتر از همه در خراسان و سمرقند و مرو و مشهد و بلخ و بخارا و نشابور بود[2] و جلدسازان برخلاف روشهای قدیم که در تزئین بکار میرفت ، برای تزئین جلدها ، مناظر طبیعی و اشکال حیوان و پرندگان

۱ــ رهنمای صنائع ۸۹ .

۲ــ صنائع ایران ۱۶۴ .

حقیقی و خرافی را در نهایت دقت و اتقان بکار بردند . این هنرمندان فشار با ابزارهای ساده را برای ترسیم اشکال هندسی و شاخـه و بوته بکار برده و باآنها بجلد فشار واردآوردندی ، ودر اثراین فشار، اشکال نباتات و حیوانات و شکل آدمی را بطوربرجسته در روی جلد نمایان می‌ساختند .

صحافان وجلدسازان مکتب هنری هرات از نیمهٔ قرن دهم هجری (۱۶ م) برای تزئین جلدها ، اشکال ورسمهای لاکی‌را نیز بکار بردند و قدیمترین جلدهای این نـوع کـه بما رسیده در سال ۹۳۱ ق ۱۵۲۵ م است که، از حیث رنگ آمیزی خیلی زیبا وممتازاست و رنگهای مشکی و طلائی زیاد بکار رفته است .

مکتب هرات درفن جلدسازی تأثیر زیادی نسبت بسائرمراکزی فنی داشته ، رفت و آمد هنروران بدان شهر فراوان بود ، واکادیمی هنر هرات که درسال ۹۱۳ ق ۱۵۰۷ م با هجوم شیبانی‌خان منحل شد،اغلب هنروران آن بمراکز دیگر فنی در بخارا و هند و ایران و دربارعثمانی هجرت کردند .

باید دانست که ایـن جلدهای آراسته ، در دقت و نکات فنی و صنعتی یکـی از معجزات فن بود ، تنها منظـور از ساختن آنها این نبود ، که بمنزلهٔ غلافی کتابرا حفظ کنند ، بلکه خودآنها جزئی از اجزای گرانبهای‌کتاب بشمارمیرفتند وکتاب با وقایهٔ خود درمحفظه‌یی از دیبا یا مخمل یا صندوق چوبی حفظ می‌شد[1] .

ضرب و نقاشی گل و برگ و اشکال نباتی با ساقه‌هـای ممتد و

۱ـ صنائع ایران ۱۴۶ ببعد .

متناسب برروی و پشت وقایه از قـرن ۸ هجری (۱۴ م) بسوی تکامل رفته و درجلدسازی قرن ۱۰ – ۱۱ ق (۱۶ – ۱۷ م) ظرافت عنصر نباتی پدیدار است ، که اشکال متکامل آن نمونهٔ صادقی از نباتات طبیعی و حقیقی شمرده می‌شود ، و شاید این تأثیر فنون و روشهای چینی بـود که بوسیلهٔ مغل آمده باشد[1] .

در هنر جلدسازی و انواع چرمها و کارهـای لاکی و ضربی و آرایش روی و پشت وقایه با حواشی آن و تنوع در گلکاری و تزئین آن ، مکتب‌های هرات و بخارا و بلاد خراسان و شیراز و تبریز آنقدر پیش‌رفته‌اند ، که انواع جلدسازی آن خیلی فـراوان است ، تا که در عصر مغولیهٔ هند ، بعد از فتح ثانوی همایون وانتقاد هنروران خراسان به هند (اواخر قرن ۱۶) این فن در کشمیر رونق یافت وجلدهای بسیار نفیس رنگین مزین لاکی‌وچرمی را ساخته‌اند ،که بعد ازسقوط مکتب هرات ، بشهرهای دیگر افغانستان ، آنرا از هند و کشمیر می‌آوردند و هم مکتب بخارا تا اواخر قرن ۱۳ م فعال بود که شاگردان در بلخ و کابل و هرات و دیگر بلاد افغانستان بکار جلدسازی می‌پرداختند .

یکی از خصائص مکتب بخارا این بود، که صحاف نام خود را با سنه هجری درقالبی‌می کند، وآنرا در بین‌یك‌ترنج گلدارمزین، بوسیله ضرب در چرم یا لاك وقایه جای میداد ، که بدین وسیله نامهای بسا از صحافان را میتوان از روی جلدهای مصنوعهٔ ایشان شناخت، مثلا همین الان کتاب خطی‌پیش روی نویسندهٔ این سطور افتاده ،که روی جلد آن لاك قرمز روشن کار کرده‌اند . یك ترنج کلان بیضوی منقش با گل و

۱– صنائع ایران ۲۸ .

برگ مشکی در وسط و دو ترنج حوزد در بالا و پائین آن قرار دارد. درین ترنج های کوچك این مصرع بخط نستعلیق خـوب ضرب شده است: «دارد امید شفاعت ز محمد ناصر ۱۲۰۰» وازین میدانیم که کار صحاف محمد ناصر در حدود ۱۲۰۰ ق است.

از صحافان قدیم خراسان که در نصف اول قرن نهم هجری (۱۵ م) زندگی داشت، درویش محمد بن امیر شیخ محمد رامکی غزنویست که از راه شهرت هنری خـود، بملاقات بسا از سلاطین و رجال اداری و علمی دورهٔ تیموریان در بلاد خراسان رسید و مؤلف «انساب محمودی» است (بنگرید: منابع تاریخ هنر).

دیگر از صحافان متأخر سید یـوسف حسین شاگرد عبد القادر مجلدحدود ۱۲۲۸ ق ۱۸۱۲ م درهند است که ناظم رسالهٔمنظوم فارسی جلدسازی است مشتمل بر نه فصل در بیان لـوازم و هنرهای جلدسازی (بنگرید: منابع تاریخ هنر).

(۵)

مصوری در مکتب هرات

چون درعصرشاهرخ (۸۰۷- ۸۵۰ ق ۱۴۰۴ - ۱۴۴۷ م) هرات پایتخت مملکت خراسان گردید، روابط محکم بین دربارهرات وخاندان منگ چین (۷۷۰ - ۱۰۵۴ ق ۱۳۶۸ - ۱۶۴۳ م) قائم بود، و سفرای جانبین بدربارهای یکدیگر فرستاده می‌شدند. بنابرین تأثیر هنر چینی در مکتب هنری هرات نمایانست، که از جمله تزئین جلدهای کتب برسوم حیوانات خرافی چینی است[1].

اگرچه نقاشان دربار به مصورساختن شاهنامه ادامه میدادند، اما موضوعی که بیشتر توجه آنها را جلب میکرد، اشعارعاشقانه وداستانهای غرامی و تصوفی بود، که برای نقاشی این اشعار، مکتب هرات سبک جدیدی ابداع کرد، که متناسب با معنی ومفهوم اشعارغنائی عاشقانه باشد.

۱- زکی محمد حسن مصری درصنایع ایران بعد از اسلام ۶۴ ترجمه و طبع تهران ۱۳۲۰ ش.

معمولا اشکال انسان در این تصاویر ظریف و کوچك ترسیم شده و منظرهٔ آن کاملا محیطی و تزئینی و دارای افق بلند و جبال اسفنجی است . رنگ آمیزی این تصاویر ، روشن و هم آهنگ است و با مقایسه با نقاشی دورهٔ اولیهٔ مغل ، رنگهای جدید بآن اضافه شده است .

ایجاد این سبك خاص در نقاشی که بتدریج نفوذهای خارجی در آن مستهلك گردید ، مرهون مهارت و تردستی استادان مکتب نقاشی هراتست بدین تفصیل :

درشاهی شاهرخ فن نقاشی ، مرحلهٔ اقتباس و فراگرفتن از فنون اجنبی را پیمود و بدورهٔ جوانی خود رسید و توانست چیزهائی را که ازدیگران گرفته‌است درخودتحلیل کرده‌وجزء لایتجزای خود سازد. در صور واشکالی که‌دراواخر قرن۸ق (۱۴ م) کشیده شده، میتوان مهمترین وسائل تزئینات سبکهای فنی‌را دید،وهمین‌وسائل درقرن بعداز بزرگترین ممیزات نقاشی مکتب هرات گردید ، که مهمترین خصائص آن همان مناظرزیبای گلها وگلزارهاو بهارها و پس‌از آن رنگهای‌درخشان‌وروشنی است که هیچگاه خروج از رنگی بدیگری وحدت و استقلال آنها را متزلزل نمیسازد ، و از ممیزات دیگر این مکتب ، مناظرطبیعی و کوه‌و تپه‌هایی است بشکل اسفنج کشیده شده . و علاوه برین ، نقاشان این دوره توانسته‌اند ، میان اشخاص و ساختمانها یا سائر مناظری را که میکشند ، نسبت‌های مقبول‌ومعقولی‌را قائل شوند ، وتطورهنری مکتب هرات خیلی‌واضح‌تروآشکارتراست . و ازآثارمهم این دوره مجموعهٔ اشعاریست بقلم مرتضی حسینی (قسمت اسلامی موزهٔ دولتی آلمان در برلن) که در سنه ۸۲۳ ق ۱۴۲۰ م برای کتابخانهٔ بایسنغر میرزا نوشته

شده است و امتیاز این نسخه درینست که نقاش توانسته است ، صورت اشخاص راآنقدر که ممکن بود کم کند ، و در رنگ‌آمیزی و کشیدن کوه و تپه مهارت نشان دهد .

نقاشان این دوره از سبکهای فنون چینی اقتباس کـرده و هضم کرده‌اند ، و یك سبك مستقل و قوی را که نمایندهٔ روح فنی عصر بود بوجود آورده‌اند[۱].

منیاتورهای کتب مکتب هرات ازحیث سبك ، بیکدیگر شباهت دارند وشیوهٔ منیاتورسازی آن خصایصی دارد که عبارتست از کوه‌هائی درفواصل معین با سبزه پوشیده‌و افق بلندو رنگهای‌جدید بالوان‌گوناگون.

در تحت نظر این هنرمندان هرات و بدست آنان ، عصرطلائی منیاتـورسازی ظاهـر گردیده ، نقاشی‌ها و تصاویریکه ایـن صنعتگران کشیده‌اند ، به مقیاس کوچك است ، ودرساختن آن دقت زیادکرده‌اند ومخصوصاً بریزه کاری خیلی‌اهمیت داده‌اند. این منیاتورها تأثیرآرایشی فراوان‌دارند ورنگهای جدیدیکه دران استعمال‌شده لطیف وخوش‌منظر است . در این منیاتورها فاصله‌های بین تصاویر ، بطرز تازه نشان داده میشود و تصاویـر در چند سطح کشیده شده‌اند ، تا دوری و نـزدیکی آنرا نسبت بیکدیگر بنمایند .

طبقات نازك صخره وکوههائی که بافق منتهی میشود . بانواع رنگهای قشنگ ساخته شده ، درختان‌گل و گیاه و جزئیات آن با دقت کشیده و نمایش داده شده است . آسمان بالای افـق ، اغلب طلائی رنگست و برای نشان‌دادن ابر ، پیچ نازکی بسبك چین کشیده شده

۱ـ کتاب مذکور ۱۰۲ .

آسمان شب را با رنگ سرمه‌یی و ماه وستارگان را با رنگ طلائی جلوه داده‌اند و چنانچه گفتیم نقاشان به مصورساختن و منیاتورکاری شاهنامهٔ فردوسی ادامه میدادند ، ولی درین زمان آثار شعرای بزمی وسیله و صحنهٔ جدیدی برای هنرنمایی ایشان شده است . کتب نظامی وسعدی را استنساخ کرده و با منیاتورهای عالی آرایش کرده‌اند . و این آثار مانند عکاسی نیست ، بلکه بیشتر جنبهٔ آرایش و تزئین دارد ، و هیچگاه سعی نشده است ، منظره‌یی را نشان بدهند ، که بعینها همان باشد که بچشم یا دوربین عکاسی می آید ، وقوهٔ متخلیه و تصور در آرایش آن میدان وسیعی دارد [1].

تکنیك دقیق وطرز نشان‌دادن منظره و کوچکی اشکال از خصایص مکتب هرات در نیمهٔ اول قرن ۱۵ م است[2] که مصوران این مکتب هنر مانند عبد الرحمن و پسرانش عبد الرحیم انیسی و عبد الکریم بعد از عهد بایسنغر از هرات رفته ، بدربار آق قویونلو تبریز پیوستند ، و دوست محمد بن سلیمان هروی هم رفت و کتابدار بهرام میرزا صفوی شد .

از قدیمترین کتب خطی منسوب بمکتب هرات ، کتاب کلیله و دمنه (کاخ گلستان تهران) است که در اتقان تصویر طبیعت و آثار آن و هضم و تحلیل عناصر چینی ممتاز است و نسخهٔ خطی گلستان سعدی ۸۳۹ق ۱۴۲۶م که برای بایسنغر میرزا نوشته‌شده و دارای ۸ مجلس تصویر بدیع و زیباست که تمام ممیزات و محسنات مکتب هرات را دارد[3].

۱ـ همین کتاب ۱۷۰.
۲ـ دیماند : رهنمای صنایع اسلامی ۵۶ ترجمه وطبع تهران ۱۳۳۶ش.
۳ـ صنایع ایران ۱۰۵.

در موزهٔ هنرهای زیبای پاریس، تابلوی ملاقات همای وهمایون در باغهای کاخ شاهی چین ، از شهکارهای نقاشی مکتب هراتست که سراسر آن ابداع مقرون بزیبائی و وفق دادن بین اجزاء و قدرت کامل برتعبیر عواطف و افکار بوده و جنبهٔ اشرافی و بزرگی اشخاص درآن بخوبی آشکاراست. رنگ‌آمیزی وگلهای زیبائی که درآن کشیده شده، جذبهٔ خاص بدان میدهد .

علاوه براین تابلو،صورت مستقل‌دیگری نیزروی پارچهٔ‌ابریشمی طبق روش چینی ، در مکتب هرات کشیده شده وتصور میرود ، که از آثار همان غیاث الـدین نقاش باشد کـه در سالهای ۸۲۳ - ۸۲۷ ق با هیئت اعـزامی شاهرخ بچین رفته بود . ایـن آثار نفیس در موزه‌های نیویارك و بوستن و مجموعهٔ کـونتس دوبهاك موجودند ، که اجتماع سبکهای چینی و هراتی را در کمال مهارت و خوبی نمایندگی‌میکنند .

اما مکتب فنی هرات ، از نیمهٔ قرن نهم هجری (۱۵ م) در پیوند صور و اشکال و رنگ‌آمیزی‌آنها ، يك‌تشخص قوی ومستقلی‌را تشکیل داد ،که نسخهٔ انجمن آسیائی لندن ، نوشته شده برای محمد جوکی-ابن شاهرخ در حدود ۸۴۴ ق ۱۴۴۰ م نمایندهٔ آنست و همچنین دیوان اشعار سلطان حسین میرزا (حدود ۸۹۰ ق) در مناظر و تصاویر و ابنیه وسیماوچهرهٔ مغولی‌اشخاص وتناسب رنگها ، ازپیشرفت فنی‌هنرمندان مکتب هرات حکایه میکند[1].

از آثار بسیار نفیس و گرانمایهٔ این دورهٔ هنریست که بهترین نسخهٔ خطی دنیا (شاهنامهٔ بایسنغری) درهرات بوجودآمد (درین کتاب

۱- همین کتاب ۱۰۸ .

در نسخه‌های ایران در شمارهٔ اول توصیف شده است) .

گویند که بعد از مخطوطهٔ نفیس ، خمسهٔ نظامی موزهٔ بریتانیا کار قاسم‌علی و نسخ بسیار مـزین و مصور زیبای اشعار امیر علی شیر (کتابخانهٔ بودلیان) و نسخه‌های مخزن‌اسرار کار محمود مذهب (موزهٔ ملی پاریس) و خمسهٔ نمبر H ۷۸۱ توپقاپـوسرای استانبول ، و نسخ اشعار سعدی (نمبر۱۴۱۲ن، ف یونیورستی استانبول) و از آثار بسیار برگزیدهٔ هنری دورهٔ تیموریه شمرده‌اند .

درجملهٔ این آثار، نسخهٔ نزهة الارواح میرحسینی‌غوری مرقومهٔ جعفر بایسنغری را هم میشمارند ، که در کتابخانهٔ ینی جامع استانبول تا وقتی موجود بود ، که میرزا حبیب اصفهانی کتاب خط و خطاطان را در سنه ۱۸۹۰ م می‌نوشت ، ولی بعد از آن از بین رفته است[۱] .

دوست محمد کتابداردرین مورد معلومات بسیار مغتنمی‌میدهد :

«رسم صورت‌سازی در دیار ختا ودر دیار فرنگ به آب ورنگ شد ، تا آنکه سلطنت به ابوسعید خدابنده رسید . استاد احمد موسی که شاگرد پدر خود بود ، تصویری کـه حالا متداول است او اختراع کرد . از کارهای اوابوسعیدنامه و کلیله و دمنه ومعراجنامه بخط مولانا عبدالله صیرفی و تاریخ چنگیزی در کتابخانهٔ سلطان حسین میرزا بود .

دیگر امیر دولت‌یار از غلامان سلطان ابو سعید شاگرد ابوسعید شاگرد احمد موسی وسرآمد استادان بود ، خصوصاً درقلم سیاهی، که مولاناولی‌الله بکارهای دولت‌یار اعتراف نمود. دیگرازشاگردان ایشان استاد شمس‌الدین است که در عهد سلطان اویس برشاهنامه قطع مربع

۱ــ زکی ولیدی توغان : مخطوطات استانبول ص ۳۴.

خط میرعلی (تبریزی) مواضع ساخت ، وخواجه عبدالحی را تربیت نمود ، واواستاد سلطان احمد بغداد بود ، وامیرتیمورخواجه عبدالحی را بسمرقند آورد . و درینجا وفات یافت و همه استادان تتبع کارهای اوراکردند ،که استاد جنید بغدادی شاگرد شمس‌الدین است‌وپیراحمد باغ شمالی هم شاگرد خواجه عبدالحی بود .

بایسنغر میرزا سیدی احمد نقاش وخـواجه علی مصور و استاد قوام‌الدین مجلد را از تبریز بهرات آورد و فرمود که باسلوب ُجنگ سلطان احمد بغدادی ، بهمان دستور و قطع و سطر و مواضع تصویـر بعینها کتاب ترتیب‌دهند وآنرا فریدالدین جعفرنوشت وجلدآنرا استاد قوام‌الدین که منبت‌کاری درجلد اختراع اوست ساخت‌وتزئین وتصویر ومواضع آنرا امیر خلیل متعهدگردید ، ولی‌قبل از اتمام ُجنگ مذکور میرزا بایسنغر مرد و فرزندش علاء الدوله بـرای تکمیل آن ، جماعت مذکور را در کتابخانهٔ خود جمع نمود، وازعقب خواجه غیاث‌الدین پیر احمد زرکـوب ، کسی به تبریز فرستاد و او در کتابخانهٔ هـرات ُجنگ مذکور را بالوان فتنه‌انگیز رنگ‌آمیز نمود ، و میرزا الغ بیگ بعد ازفتح هرات ، مولانا شهاب‌الدین عبدالله ومولانا ظهیرالدین اظهر وسائراهل کتابخانهٔ (هرات) را بسمرقند برد . دیگرامیرروح الله مشهور به میرك نقاش هروی الاصل درتحریر و تذهیب و تصویر بی‌مثل بـود، که کتابدار خاصهٔ عهد سلطان حسین میرزا شد ، و کمال الدین بهزاد شاگرد اوست»[۱] . (تم کلامه) .

۱ــ دیباچهٔ دوست محمد بـر مرقع بهرام میرزا شماره ۲۱۵۴ خـزینهٔ اوقاف استانبول ، طبع عبدالله چغتائی ، لاهور ۱۹۳۶ م .

(۶)

بهزاد و مکتب او

بزرگترین نقاشان دورهٔ اسلامی، کمال‌الدین بهزاد درسنه ۸۵۴ق ۱۴۵۰ م در شهر هـرات بدنیا آمد ودر سنه ۹۴۲ ق ۱۵۴۵ هجری در دارالسلطنهٔ هرات وفات یافت و درحوالی کوه مختار درحظیرهٔ پرنقش و نگار مدفون شد[۱] .

۱ــ این قول قاضی‌احمد قمی‌درگلستان هنراست (ص ۱۳۴) وتا کنون هم در هرات مقبره‌بی‌بنام بهزاد ورستم‌علی‌خواهرزاده‌اش منسوب است وگویند که قبر رستم‌علی لوحهٔ مکتوبه هم داشت که متأسفانه درحدود ۱۳۳۰ ش ازبین برده شد ، ولی مؤلف گلستان هنر وفات و مدفن او را در ۹۷۰ ق در مشهد می‌نویسد (ص۱۰۰).

آقای احمد سهیلی‌محشی و ناشر گلستان هنر درحاشیهٔ این تصریح احمد قمی (حدود سنه ۱۰۰۰ ق) مینویسد که این اشتباهست و وفات بهزاد درتبریز و قبر وی درباغ شیخ کمال واقع شده ، واین قطعه برسنگ‌مزارش نقش بوده است ، که سرودهٔ امیر دوست محمد هاشمی است :

وحید عصر بهزاد آنکه چون او ز بطن مادر ایام کم زاد

←

بقول قاضی‌احمد : استاد ازطفولیت از مادر وپدر مانده واستاد میرك که کتابدار سلطان حسین میرزا بود اورا برداشته تربیت نمود ، و در اندك زمانی ترقی فرمود و کارش بجائی رسید که تا صورت نقش بسته ، همچو او مصوری کس دراین روزگار ندیده»[1] .

بهزاد تا سنه ۹۱۶ ق ۱۵۱۰م که سال لشکرکشی شاه اسماعیل صفوی بهرات باشد درین شهر میزیست ، وی در همین سال با میرك و حاجی‌محمد و قاسم‌علی و جمعی‌از هنرمندان به تبریزانتقال یافت ودر آنجا بادامهٔ تخلیقات هنری و تربیهٔ شاگردانی مانند خواجه عبد العزیز و استاد مظفرعلی‌پرداخت وبموجب فرمان ۲۷ جمادی الاولی ۹۲۸ ق

←

اجل چون‌صورت عمرش بپرداخت	قضا خاك وجودش داد بر باد
زمن صورتگری تاریخ پرسید	بدو گفتم جواب ازجان ناشاد
اگر خواهی که تاریخش بدانی	نظرکن به «خاك قبر بهزاد» ۹۴۲ق

بموجب نوشته دوست‌محمد دردیباچه مرقع بهرام میرزا رحلت وقبربهزاد در تبریز بود ، ولی خود قاضی احمد که چار صد سال پیش ازین در هرات زندگی داشت ، قبر او را در هرات دیده بود و اکنون هم در همین حوالی کوه مختار پهلوی قبررستم‌علی‌هست . فاصلهٔ زمانی بین مرگ‌بهزاد وایام زندگانی احمد درهرات بیش از پنجاه سال نیست ، ودربن مدت کم احتمال کمترمیرود که قبر شخص مشهوری مانند بهزاد در هرات ناپدید گردد .

قاضی احمد که شخص مطلع و با حیات هنرمندان آشنا و هم ظاهراً نویسندهٔ جعال مزوری نیست، پنجاه‌سال بعد ازمرگ‌بهزاد، حظیرهٔ اورا پرنقش و نگاردر حوالی کوه مختار هرات مینویسد . درین قول احتمال‌کذب وجعل نسبت بروایات مابعد کمتر بنظر می‌آید ، درحالیکه قول دوست‌محمد نیز بکلی درخور تردید نیست .

۱ـ قاضی احمد قمی : گلستان هنر ۱۳۲ .

۱۵۲۲ م شاه‌اسماعیل صفوی به «منصب استیفاء و کلانتری مردم کتابخانهٔ همایون و کاتبان و نقاشان و مذهبان و جدول کشان وحلکاران وزر کوبان و لاجوردشویان» و غیره بعنوان «مستوفی و متعهد کلانتری کتابخانه» رسید ، والقاب او «نادرالعصر، قدوة المصورین واسوة المذهبین استاد کمال الدین بهزاد» شد[1].

بابر بهزاد را بزرگترین نقاش دوره اسلامی گفته ومؤرخان دیگر نوشته‌اند که استادی ومهارتش نام سائر نقاشان را محو کرده، وی درین دوره اولین نقاش است که ملزم بامضای آثار هنری خود شده ، و براثر علو مقام و منزلتی کـه داشته توانست که قدوهٔ تمام نقاشان و خطاطان باشد . وی در رنگ آمیزی ودانستن خواص و ترکیب رنگها ودرتعبیر حالات مختلفهٔ نفسانی مهارت داشت ومخصوصاً درکشیدن اشکال ابنیه و مناظر طبیعی بحد اعجاز رسیده بـود ، در تصاویـر وی آرامش و خوش‌سلیقه‌گی و ابداع و مهارت موجود است ، ودر ترکیب و تزئین آن و انسجام رنگها ، کمال نقاشی مکتب تیموری، را بروز داده است و مدققین رأی دادند که درتصاویر بهزاد ، مقدار زیادی از عنصر حب الهی و مقام روحانیت و قدوسیت دیده می‌شود و شاید علت آن باشد که مشرب تصـوف در زندگانی بهزاد ، باوج خود رسیده بود[2] .

استاد بهزاد بعد از آنکه به تبریز آمد ، مکتب بغداد و تبریزرا که تا این زمان متداول‌بود منسوخ ساخت وسبکی نو در نقاشی پدید آورد ، که اکثر مصوران ، درین تجدد هنری از او پیروی کـردند .

۱ــ ارنولد : نقاشی‌اسلامی ۱۵ .نقل عین فرمان شاه اسماعیل در حاشیه ص ۱۳۵ گلستان هنرطبع شده است .

۲ــ صنایع ایران ۱۱۲ .

پیش ازو نقاشان چشم و ابرو و سائر مشخصات را متمایل بطرز چینی می‌ساختند و مجالس منقوشه ، بشیوهٔ چین آرایش می‌یافت .

بهزاد اسلوب نقاشی را بطبیعت و زندگانی مردم زمان نزدیك ساخت و در نقاشی شبیه‌سازی را که تا آن زمان معمول نبود مرسوم ساخت و تصاویر اشخاص را چنان نقش میکرد که گوئی زنده وجاندار است[1] .

منیاتورهای زیادی موجود است که به بهزاد نسبت داده شده ، ولی اکثر آن موردتردید بعضی ازاهل بصیرتست. نقاشان عصر تیموریان قبل از بهزاد کارهائی انجام داده‌اند ،که اگر کاملاً بپای کارهای بهزاد نرسد ، نزدیك به آن میباشد . یکی از نقاشان عصر بهزاد و همکار او قاسم‌علی بود . گرچه شهرت بهزاد نداشت ، اما کارهایش بپایه‌کارهای او میرسید . دو نفر از شاگردان بهزاد ، شیخ‌زادهٔ خراسانی و آقا میرك تبریزی تقریباً بهمان درجهٔ استادی بهزاد رسیده‌اند . میتوان تصور کرد که بسیاری از نقاشی‌ها را خود استاد طرح‌ریزی کرده و شاگردانش تمام و کامل کرده‌اند .

منیاتوردولابی آن دوره که اکنون بدولت ایران تعلق‌دارد، دارای منظرهٔ باغ وتصاویر متعدد است. درگوشهٔ راست درسمت پائین تصویر دو زنست که کتابی کوچك در دست دارند وروی آن کتاب بخط بسیار ریز نوشته شده : «تصویر سلطان حسین میرزا ، عمل بهزاد» .

منیاتور ناتمام دیگری که تقریباً مثنای کامل منظرهٔ قسمت چپ آن منیاتور دولابی میباشد در یك مجموعهٔ شخصی است .

درمجموعهٔ نفیس کورکیان در نیویارك صفحاتیست که دریکی از

۱ــ احمد سهیلی : مقدمهٔ گلستان هنر ۴۰ .

آن تصویر مدوریست که پیرزن و جوانی را در دامنهٔ کـوهی بر کنار رودی نشان میدهد و امضای بهزاد دارد[1] . هکذا تصویر شاه طهماسب صفوی بـالای درخت دارای امضای (پیر غلام بهـزاد) در مـوزهٔ لووراز وست[2] .

کتاب هفت پیکر نظامی موزهٔ متروپولیتن نیویارك کـه محتوی صور و اشکال بسیار بـدیع زیبا و مناظر ممتاز شکار و منسوب به بهزاد است با دو تصویر نسخهٔ خطی خمسهٔ نظامـی کتابت ۹۰۰ ق ۱۴۹۴ م منسوب بـه روح الله میرك نقاش استاد بهزاد از آثار بـرجستهٔ مکتب هراتست[3] .

خصائص مهم سبك بهزاد :

کسانیکه در شناسایی آثار هنری ذوق و بهره‌یی دارنـد ، سبك هنر بهزاد را چنین ستوده‌اند : کـه وی اعجوبهٔ روزگار و استاد عصر بود. نه برای اینکه سبك‌جدیدی را درمنیاتور ایجاد نمود، بلکه بواسطهٔ اینکه او صنعت را در کلیهٔ جزئیات ، بمنتهی درجه کامل کرد ، و در آثار هنری او در سطور سابق اشاره شد ، خصایص ذیل نمایانست :

۱ـ درستی و دقت کامل در خطوط تصاویر .

۲ـ نمایاندن وضع چهره و قیافـهٔ اشخاص بطور شگفت انگیز بوسیلهٔ ترکیب انواع رنگها .

۱ـ سروی هنر ایران ج ۵ تابلو ۸۸۵ .

۲ـ ا ، ساکسیان : منیاتور ایران در قـرن ۱۱ ـ ۱۷ تـابلو ۷۵ طبع پاریس ۱۹۲۹ م .

۳ـ صنائع ایران۱۰۸ .

۳ـ حرکت و مفهوم بودن اشارات تصویر .

۴ـ ظرافت در کشیدن درختان ، گلها ، و دورنماها . و نیز در نمایش اشعهٔ خورشید و ابر .

۵ـ شمارهٔ رنگهای گوناگون وتوافق آنها با یکدیگر که برنگهای «سرد» مانند سرمه‌یی ، سبز ، فیروزه‌یی ، زیتونی ، زرد وقهوه‌یی بیشتر توجه شده ، طلا و نقره نیز بکار رفته و اقسام مختلف قرمز هم استعمال شده است[1] .

۶ـ چنانچه گفته شد ، روحیهٔ نهفتهٔ حب الهی وروحانیت خاصی هم در برخی از آثار بهزاد مشهود است .

۷ـ چهره کشایی و صورتگری خراسانی بجای چشم و ابروی قیافهٔ مغولی، که هنرمکتب هرات‌را ازتأثیرسنن هنری چینی آزادی داد، و در تحت اسلوب محیطی درآورد .

۸ـ ریزه کاری و دقت نگاری در ترسیم نقوش ابنیه و دیوارها و فرشها و گلها و تزئینات مجالس مصورو نگارش وآرایش انواع البسه با ریزه کاری خاص ملون، که ازروی مجالس مصوراین مکتب، نمونه‌های نقاشی فرشها و لباسها را از آن عصر بدست میتوان آورد .

آثار و نسخ خطی زیادی که دارای اینگونه خصایص هنری‌اند اکنون هم در کتابخانه‌ها و موزیم‌های دنیا موجودند . مثلاً : تصاویر خمسهٔ نظامی مؤرخ ۸۴۶ ق ۱۴۴۲ م موزهٔ برتانیا که سه منیاتور آن بعد از اتمام کتاب درسال ۸۹۸ ق ۱۴۹۳ م کشیده شده‌وامضای بهزاد دارد . رنگ‌آمیزی این آثار سرد آبی و خاکستری و سبز است .

۱ـ همین کتاب ۱۷۱ .

یك منیاتور بسیار زیبا و جالب توجهی که با همین صفات جنگ شتران را نشان میدهد در تصرف دولت ایرانست و میگویند که بهزاد آنرا در عمر ۷۰ سالگی ساخته است .

همچنین منیاتورهای بوستان کتابخانهٔ مصر، هنر بهزاد را دراوج کمال نشان میدهد ، این تصاویر ازلحاظ ترکیب وحقیقت‌بینی شاهکارند و در تصاویر اشخاص آن حرکت و شخصیت خاص بنظر می‌آید ، و بوستان مذکوردارای‌شش تصویرمورخ ۸۹۳ ق۱۴۸۸ م است که چهار تا از آن امضای بهزاد دارد[۱] .

این نسخه را سلطان علی برای سلطان حسین بایقرا درهرات نوشت و بهزاد متعهد نقاشی آن بود ، که در تصاویر آن استادی‌کاملی را در ترکیب رنگها و حفظ نسبت تقسیم اشخاص در صورت و دقت درکشیدن اشکال نباتی و مهندسی بسیار دقیق بخرج داده است . درسه تصویر بخط بسیار باریك درجایی که دیدن آن خیلی مشکل است نام خود را نوشته ، اما امضای چهارم در تصویریست که مباحثه و جدال فقها را در مسجدی نمایش میدهد .

درین مسجد طاق بسیار زیباییست که حاشیهٔ آن دارای سیزده منطقه است و در منطقهٔ اخیر نام بهزاد و تاریخ ۸۹۴ ق ۱۴۸۹ م دیده میشود وثابت می‌آید که تکمیل این تصویرکاملاً یکسال بعد ازنوشتن کتاب بوده است .

این کتاب‌تفوق‌واستادی‌بهزادرا درکشیدن‌صورت‌اسپ‌ونمایش‌دادن زندگانی روستائی ومناظرطبیعی‌نشان میدهد ، ودراول کتاب ، صورت

۱ــ ریچارد فرای: میراث ایران ۲۴۷ ترجمه وطبع تهران ۱۳۴۴ ش.

سلطان حسین بایقرا را در مجلس جشن و مهمانی کشیده است[1] .

همچنین شش منیاتور دو صفحه‌یی در ظفرنامهٔ بالتیمور محفوظست که در حاشیهٔ آن تصاویر شاه جهانگیر آنرا کار بهزاد نوشته و کاتب آن خطاط مشهور شیرعلی در سنه ۸۷۲ ق ۱۴۶۷ م است و سبك نقاشی بهزاد دران بنظر می آید . (بنگرید : شماره ۳۶ کتب آمریکا) .

هکذا در موزهٔ مترو پولیتن یك صفحهٔ نقاشی از دیوان جامی موجود است که درویشانرا درحال رقص نشان میدهد (بنگرید شماره ۲۳ آمریکا) این نقاشی را میتوان به بهزاد نسبت داد، زیرا همه خصایص کارهای این استاد را دارد .

اگرچه عدهٔ زیاد هنرمندان هرات، درعصر صفویه ، بدربار تبریز منتقل شدند ، ولی بعضی از آنها در هرات مانده و آن سبك مخصوص را ادامه دادند و منیاتورهـای بسیار عالی هرات ، پس از رفتن بهزاد ساخته شده است .

این هنرمندان به ریزه کاری که از خصایص سبك دورهٔ تیموریانست اهمیت زیادی میدادند . توجه به جزئیات اشیا مانند قالی،اطاق ، لباس و تزئینات معماری ، نقاشی‌های هرات را در عالی‌ترین منیاتورها قـرار میدهد و ثابت میسازد ، که بهزاد تنها نقاش منحصر بفرد نبوده و درین هنر نظائری هم داشته است[2].

یکی از آثار مهم مکتب هرات، کتاب معراجنامهٔ کتبخانه ملی پاریس است(شماره ۱۱ فرانسه) که درهرات درسنه ۸۴۰ ق ۱۴۳۶ نوشته شده

۱ـ صنایع ایران ۱۱۳ .

۲ـ همین کتاب ۱۹۴ .

و نظیر آن دو تصویر مهم موزهٔ متروپولیتن است که متعلق بیك نسخهٔ شاهنامهٔ مکتب هرات بود ، و از آن جمله تصویریست که رستم را در حال گرفتن اسپ معروف خود رخش نشان میدهد. لباس زیباو رنگارنگ رستم وشخص همراه او برزیبائی وترکیب تصویر می‌افزاید، درحالیکه منظرهٔ طبیعی با درختان ودوقاز درحین پرواز، سبك چینی را نمایندگی میکند[1] .

قاسم‌علی هروی :

از نقاشان زبردست مکتب هرات درقرن نهم ودهم هجری (۱۵م) است که قاضی احمد قمی او را جزو استادان مشهور ممالك خراسان مثل خواجه میرك و مولانا حاجی‌محمد و استاد بهزاد شمرده گوید :

«مولانا قاسم علی نقاش را در کتابخانهٔ امیرکبیر علی‌شیر کسب نموده ، و بسبب تعلیم ایشان گوی سبقت از اقران ربوده و پیوسته در ملازمت امیرکبیر ، کمر خدمت بسته بود»[2] .

در مکتب هنری هرات ، اولین کسی که آثار فنی وی با استاد بهزاد شبیه است ، همین قاسم‌علی مشهور به «چهره کشا»ست ، که غالب مؤرخان فنون اسلامی ، آثارش را با کارهای بهزاد اشتباه کرده‌اند .

نمونه‌های نقاشی‌اودرخمسهٔ نظامی‌تحریر ۹۰۰ ق ۱۴۹۴ م موزهٔ برتانیاست (بنگرید : شمارهٔ اول انگلستان) که ازملاحظهٔ آن تأثیرسبك بهزاد ، بکمال و تمام نمایانست .

۱ــ دیماند : رهنمای صنایع اسلامی ۵۶ .
۲ــ گلستان هنر ۱۳۳ .

قاسم‌علی در موضوعاتی که میکشد و در اسلوب نقاشی و تزئین مصورات‌خود، عموماً از بهزاد پیروی‌می کند، اما باوجود آنهم‌در بکار بردن رنگها وتمیزدادن سیما و چهرهٔ اشخاص وتعبیر ازاحساسات وعواطف بپایهٔ استاد خود بهزاد نمیرسد[۱] .

درکتابخانهٔ بودلیان آکسفورد ، نسخهٔ خطی‌حیرة الابرار کتابت ۸۹۰ ق ۱۴۸۵ م منسوب بقاسم‌علی موجود است (بنگرید : شماره ۲۸ انگلستان) کـه بهترین و زیباترین آن تصویر جماعت صوفیه در باغچهٔ سبز و خرم میباشد[۲] .

همچنین‌قاسم‌علی‌تصویر بهزادرا که درکتابخانهٔ دانشگاه‌استانبول است کشیده است و از لباسهای بهزاد مفهوم می‌شود ، که این تصویر را بعد از انتقال او از هرات به تبریز کشیده باشد[۳] .

۱ـ زکی‌محمدحسن : صنایع ایران ۱۱۵ .
۲ـ نگارهای‌داستان‌امیرعلی‌شیرنوائی۷ / ۲۴/ ۲۷ طبع‌تاشکند ۱۹۷۰م.
۳ـ صنایع ایران ۱۱۶ .

(۷)

دنبالهٔ مکتب هرات

در ایران ، هند ، بخارا ، ترکیه

هرات بمنزلهٔ مرکز تشعشع هنری آسیا مدتها باقی‌ماند، و انوار هنر آن درشرق وغرب وشمال تابید. بادرگذشت سلطان‌حسین بایقرا در ۹۱۱ ق ۱۵۰۵ م وافتراق شاهزادگان ، «مملکت خراسان» تجزیه شد و مرکزیت سیاسی هرات سقوط کرد . از شمال خوانین ازبك و ازغرب صفویان بران تاختند ، ودرشرق هم کابل و قندهار تا دریای سند بدست بابر افتاد .

دربار صفویان در ایران مرجع هنروران گردید ، و سبکی کـه ادامهٔ مکتب هرات بود ، در خطاطی و نقاشی و مذهبی و مصوری در ایران پرورده شد که آنرا «هنر عصر صفویه» توان گفت .

دراوائل سلطنت شاه طهماسب صفوی (۹۳۰ ق ۱۵۲۴ م) بهزاد زنده بود و در پایتخت تبریز به فعالیت هنری ادامه میداد . آقا میرك

از شاگردان بهزاد از دوستان نزدیك شاه بود ، یکی از شاگردان او که سلطان محمد نام داشت بمقام نقاشی دربار رسید و پیشوای عـده‌یی از نقاشان معروف بود و بشاه جوان درس نقاشی میداد .

در سنه ۹۴۴ ق ۱۵۳۷ م یك نسخهٔ شاهنامه برای شاه طهماسپ ترتیب گردید (شماره ۸ فرانسه) که ۲۵۶ مجلس تصویر دارد ، و اکنون در تصرف ایـدورد روتشیلد EDOUARD ROTHSCHILD در پاریس است، که نقاشی‌های آنرا ازسلطان محمد میدانند، و نمونهٔ مهم هنرعصر صفویانست .

کارهای این استاد از حیث تنوع ، رنگ‌آمیزی ، نقشه ، ترکیب ونیزبرای توجه مخصوص بریزه‌کاری مشهور است. یکی ازمعروفترین مجموعهٔ نقاشی این مکتب، نسخهٔ مصورخمسهٔ نظامی‌موزهٔ برتانیه است (شماره ۲ انگلستان) که‌کارهای مصوری‌آقا میرك، سلطان‌محمد، میرزا - علی، مولانا مظفرعلی، میرسید علی‌دران موجود است، واینهمه شاگردان مکتب بهزاداند.

این کتاب علاوه برتصاویر ۳۹۶ ورق با حاشیهٔ تزئین‌شده بسیار عالی‌ازطلا دارد ، که نقوش‌آن ، اشکال حیوانات‌وگل‌کاری‌وغیره است.

در میان ایـن گروه شاگردان مکتب بهزاد، میر سید علی مقامی بلنددارد، که درتجسم مناظرطبیعت وزندگانی‌دهقانی ید طولی' داشت. حیوانات را خیلی‌شبیه باصل کشیده . چادر را بطرززیبائی تزئین کرده و دست هنرمندی وی در اشکال گـل و پـرنـده و اشیای دقیق دیگر نیرومند است .

در اواخر سلطنت شاه طهماسپ، استاد محمدی هم شهرت‌یافت،

که پسر و شاگرد سلطان محمد بود ، وی در نقاشی رنگی، سبک قشنگی را بوجود آورد ،ونیز برای ظرافتی که در تصویرسازی انسان وحیوانات بکار برده مشهور است ، و از خصایص هنر اوست که از خطوط خامه سیه‌کار مناظر لطیفی را می‌آفریند وهم وی هنرمندیست که نبوغ هنری خود را تنها وقف تصویر حیات اشرافی ودرباری نساخته وبا زندگانی عامه مـردم مانند کسبه و بازاریان و قلندران و مطربان و کارگران نیز تماس داشته است .

شعبه‌یی از مکتب هرات ، در شیراز که مقر سلطان ابراهیم بن- شاهرخ بود رونق گرفت و مجموعهٔ مصوری از بهترین اشعار فارسی‌در سنه ۸۱۳ ق ۱۴۱۰ م نوشته شد کـه درموزهٔ برتانیا محفوظست (۱۷- انگلستان) مجموعهٔ دیگراشعارفارسی بتاریخ ۸۲۳ ق ۱۴۲۰ م نوشته‌شده که دربرلن است وبرای کتابخانهٔ بایسنغرمیرزا ساخته شده (شماره ۶- آلمان) و نسخهٔ شاهنامه از همین مکتب در بـودلیان است ، ولی بقول پروفسورکوهنل Kuhnel منیاتورهای این مکتب از لحاظ رنگ‌آمیزی سبکتر و کم‌رنگتر از مکتب هراتست[1] .

از هنروران معروف وبقایای مکتب هرات درایران، شاه محمود نشاپوری و محمود مذهب و مولانا یاری وقوام الدین مسعود و مولانا حسن بغدادی و مولانا عبد الله شیرازی و شیخ‌زاده و خواجه عبدالعزیز و محمدی و سید میر نقاش ودوست محمد را هم نام برده میتوانیم که درتحریروتذهیب و تصویر شهرتی داشته‌اند ، [2] و ازآثار ایشان خمسهٔ

۱ـ دیماند : رهنمای صنایع اسلامی ۵۵ .
۲ـ رهنمای صنایع ۸۰ صنایع اسلامی ۷۷ .

نظامی ۹۴۹ ق ۱۵۴۳ م (۲ انگلستان) است کـه بـرای ابراهیم میرزا خواهرزادهٔ شاه طهماسپ نوشته شده و هم سر لـوحهٔ بوستان ۸۹۳ ق ۱۴۸۸ م تذهیب یاری (دارالکتب مصریه، شماره ۳ قاهره) است که در آن تصاویرمرغابی درحالت پرواز دیده می‌شود ، ولی درروش مکتب صفویه همان صفا و لطافت رنگهای مکتب هـرات باقی نمانده و دقت ترسیم و تزئین نیز کم شده است[1] .

شیخ‌زادهٔ خراسانی با بهزاد از هـرات به تبریز رفت . یك اثر نقاشی اودرنسخهٔ دیوان حافظ مجموعهٔ‌کارتیه پاریس (شماره ۵ فرانسه) است ،که برای سام میرزا صفوی نوشته شده ومجلس وعظ است ،که در سیمای اشخاص تأثیر نطق واعظ کاملاً نمایانست ، و نقاش توانسته است ، با کمال مهارت ، تأثیرات نفسی آنها را ظاهر و مجسم سازد و این نقاش کاملاً از اسلوب بهزاد و شاگردانش بهره‌مند بوده است[2] .

دکتر کوهنل عقیده دارد ، که ده تصویر از چهارده تصویریکه در نسخهٔ خطی خمسهٔ نظامی ۹۳۱ ق ۱۵۲۵ م مخطوطـهٔ سلطان محمد نور در موزهٔ متروپولیتن موجود است ، کارشیخ‌زاده است (۶آمریکا).

ازکارهای خواجه عبدالعزیز ، تصویر یکی ازشاهزادگان صفوی در یکی از مرقعات توپقاپوسرای استانبولست که درآن خواجه خـود را از شاگردان بهزاد شمرده است . و هم پنج مجلس مصور کار آقاـ میرك، درخمسهٔ نظامی نوشتهٔ سال ۹۴۶ ق و۹۴۹ ق درموزهٔ برتانیاست (۴۸ انگلستان) از تمام رسوم وآثار و ابنیه وگلها و شاخه‌ها ودرخت‌ها

۱ــ صنایع ایران ۷۷ .

۲ــ همین کتاب ۱۲۱ .

که درین تصاویر موجود است برمی آید ، که میرك از روش و اسلوب استاد خود بهزاد اقتباس کرده و حتی در برخی موارد براستاد خـود برتری هم داشته است .

گویند کـه سلطان محمد بعد از بهزاد ، ریاست مکتب صفوی را داشت وتصاویروی درکتاب خمسهٔ نظامی سابق‌الذکر دیده می‌شود. اسلوب این شخص واضح میسازد ، که میرك و سلطان‌محمد هر دو در مکتب بهزاد این هنر را فراگرفتند و بعد از سلطان محمد شاگـردانش شاه محمد ومیرنقاش کارهای مکتب بهزاد را در بلاد ایران رواج دادند و مظفرعلی و میرزاعلی و میرسیدعلی هـم سنن مکتب بهزاد را زنـده نگهداشته بودند[1] .

اما در هند :

هندوستان درمـورد نقاشی و مصوری سوابق طولانی در تاریخ دارد ، بت‌سازی نیزازمواریث دینی هندیانست ، و در ابنیه قدیم هندی نقاشی‌های ظریف و تصاویر گوناگون و همچنان پیکره‌تراشی‌های زیبا و جالب نظر دیده می‌شود و کتب طبی‌و صیدنه و کوك‌شاستر(روابط جنسی سنسکریت)نیز مصور بوده است .

در قـرن چهارم هجری هنگامیکه امیر سبکتگین ناصر الدین در وادیهای کابل‌ولغمان باکابلشاهان درآویخته بود، شیخ‌حمید لودی افغان۔ ملتان ، یك مرکز بـزرگ هنری و دینی هند را در دست داشت و در سنه ۳۸۲ ق ۹۹۲ م با امیر ناصر معاهده بست . معبد با شکوه و مزین

۱ـ صنایع ایران ۱۲۰ .

آفتاب که بت رب النوع آفتاب را از طلای ناب با تزئینات جواهر گرانبها داشت ، بقول هیون ـ تسنگ زائر چینی (۲۳ ق ۶۴۳ م) درین شهر بود ،[۱] که مؤرخان مسلمان آنرا بیت‌الذهب گفته واز زیبائی‌ابنیه و قبه‌ها و بت‌ها و گنبدها و تزئینات کاخها و ستونها و کاشیهای رنگین و محاسن هنری آن داستانها دارند[۲] .

سلطان محمود در سنه ۳۹۲ ق ۱۰۰۱ م ویهند کناردریای سند را ازکابلشاه آخرین گرفته و در ۳۹۶ ق ۱۰۰۵ م برملتان حمله برد و بعد از این با فتوحات این سلطان ، دین و ثقافت اسلامی به نیمه قاره هند راه یافت که بـه بت‌شکنی شهرت داشت ، ولی مطابق روایات ثقافی خراسانی اسلامی ، ابنیهٔ مساجد مزین و نسخ مزین کوفی قرآنی هم با نشر عقاید اسلامی از غـزنی و سیستان و بست ، به وادی دریای سند و ماورای آن رسید کـه بعد از این بوسیلهٔ غوریان و خلجیان وتغلقیان و سادات و لودیان و سوریان افغانی ، این فرهنگ اسلامی خراسانی ، با هنرهای آن در ابنیه و نقاشی و خطاطی تا بنگال هم رواج داشت . و ما نمونهٔ ساختمان بناء و نقاشی‌وتزئینات معماری وخطوط کوفی تزئینی و غیره نفایس هنری منار جام غور را چند سال بعد در قلب هند دربناء قطب منار دهلی می‌بینیم که تأثیرهای هنری خراسان به سرزمین هند و فرهنگ و مدنیت آن انتقال یافته است .

۱ـ سی ـ یو ـ کی کتاب ۱۱ ص ۴۶۳ .

۲ـ بنگرید : کتاب الهند البیرونی ۲۵۰ کتاب‌الهند والصین ابوزیدـ سیرافی ۱۲۹ ، الفهرست ابن ندیم ۴۸۵ المسالك والممالك ابـن خرداذبه احسن التقاسیم بشاری مقدسی۴۸۳ ، مروج الذهب مسعودی ۱ / ۳۷۵ تاریخ سند ندوی ۲۱۴/۱۱۷ و نزهة المشتاق ادریسی ۴۲ .

در سنه ۹۳۲ ق ۱۵۲۵ م ظهیر الدین محمد بابر شهزادهٔ تیموری از کابل برهند تاخت و دهلی را از سلطان ابراهیم لودی بگرفت . وی پادشاه هنرشناس دانشمندی بود ، و آمدن وی در هند ، برجریان ادبی و علمی و هنری آنها آنجا اثرافگند ، بدین‌معنی که بسا ازعلما وشعرا ومؤرخان و هنرمندان خراسانی بهند آمدند ، و از اینرو در کلتور هند و ادبیات و محیط علمی و هنری آنجا آثار جدیدی وارد کردند.

درسنه۹۳۵ ق ۱۵۲۸ مخواند میرمورخ هرات ومولانا شهاب‌الدین معمائی و میر ابراهیم قانونی موسیقی نواز هرات بدربار بابر در هند رسیدند[۳]، و این خود انتقال مبادی کلتوری را از خراسان بهند روشن می‌سازد.

فرزند بابرنصیرالدین همایون درسنه ۹۴۷ ق ۱۵۴۰ م ازشیرشاه سوری افغان شکست خورد و بایران بدربار صفوی پناهید ، و از آنجا در سنه ۹۵۱ ق ۱۵۴۴ م برتخت هند بازنشست.و این واقعه علت‌رواج هنر سبك بهزاد درهند گردید بدین وجه :

همایون حین‌بازگشت ازایران، چندتن نقاشان پرورده شدهٔ تبریز، خواجه عبدالصمد شیرازی و میرمصوّر بدخشانی و پسرش سیدمیرعلی را که در تبریز با ایشان آشنا شده بود ، درسنه ۹۵۶ ق ۱۵۴۹ م بکابل خواست ، تا داستان امیرحمزه را مصوّر سازند ، و این دو نفر استاد که از بقایای مکتب بهزاد بودند ، مکتب نقاشی مغولی هند را شالوده گذاشتند وکتاب حمزه اصلا ۱۴۰۰ قطعه نقاشی داشت ،که ازآنجمله برخی در موزه‌های اروپا و آمریکا دیده میشود .

۱ــ بابرنامه ، ترجمهٔ عبدالرحیم خان خانان طبع بمبئی ۲۲۲ .

اکبر که حامی هنر بود ، بوسیلهٔ این دو هنرمند ، مکتب نقاشی را در آگره گشرد ، که تا صد نفر نقاش هندی در آن هنر می آموختند . بقول ابوالفضل نسخ زیاد استادان نامی مانند بهزاد و میرك و سلطان محمد در کتابخانهٔ سلطنتی هند فراهم آمده بود. هفت پیکر نظامی بتاریخ ۹۸۸ ق ۱۵۸۰ م برای اکبردرین هنرکده به پیروی کارهای بهزاد نوشته شد و نسخهٔ اکبرنامهٔ چستربیتی لندن که تصاویر آن بقلم هنرمندان هندی مانندهرم داس، سنواله، شنکرلعل، سورداس، نرسنگه، فرخ بیگ، موکند و گوردهن تهیه شده ، و آمیزش سبك بهزاد را با مکتب هنری کشمیر و گجرات و پنجاب نمایش میدهد ، از شاگردان این مکتب بساون و داسوناته و منوهر نیز شهرت دارند و تصاویر ترجمهٔ فارسی مهابهارت در همین مکتب بود .

در عصر بعد از اکبر، منصور و مراد و منوهر وابوالحسن پسر آقا رضا ملقب به نادرالزمان (نقاشان دربارجهانگیر) وفاخرالله ومیرهاشم و هون هد و بیچی‌تر و انوپ‌چهاتر (نقاشان عصرشاه جهان) از بقایای این مکتب‌اند[1] .

مکتب هنری بخارا :

در اواخـر دورهٔ اوج هنری مکتب هـرات ، هنگامیکه مکتب صفوی و هندی از این منبع فیاض منشعب می‌شدند ، در بخارا نیزسبك

۱ــ بنگرید :
راهنمای صنایع اسلامی ۶۹ ببعد .
تاریخ صنایع ایران ۱۹۶ .
صنایع ایران بعد از اسلام ۱۲۹ .

مهم نقاشی از همین سرچشمه بوجود آمد.

در حدود ۹۴۲ ق ۱۵۳۵ م نقاشان و خوشنویسان زیاد مکتب هرات در اثر انقلاب روزگار وسلطهٔ صفویان، به بخارا و ماوراءالنهر گریختند، و در آنجا باسلوب مکتب هرات و مخصوصاً بسبك بهزاد کار خود را ادامه دادند.

از آن جمله میرعلی هراتی شاگرد زین‌الدین محمود، ازخطاطان مشهور هرات در سنهٔ ۹۴۱ق ۱۵۳۴ م بدربار بخارا رفت و راه و رسم خوشنویسی مکتب هرات را در آنجا ادامه داد، وی نسخهٔ یوسف و زلیخای جامی را بتاریخ ۹۳۰ ق ۱۵۲۳ در هرات نوشت که در بخارا مصور و مذهب شد[1].

از هنرمندان مشهور مکتب بخارا محمود مذهب شاگرد میرعلی خطاط و پیرو اسلوب بهزاد است. وی در الفت‌دادن بین اشکال و پوشاندن زمینهٔ تصاویر به ابنیه و اشکال اشخاص و تقسیم آنها، از روش بهزاد پیروی کرده و بعد از رفتن بهزاد به تبریز به بخارا رفته است.

از مشهورترین آثار هنری محمود مذهب تصاویریست که در نسخهٔ خطی تحفةالاحرار جامی که درسنه ۹۵۵ ق ۱۵۴۸ در بخارا نگاشته شد (چستربیتی لندن شماره ۱۲۴ انگلستان) و نسخهٔ دیگر همین کتاب که تصاویر آن بامضای محمود مذهب است، در مجموعهٔ هومبرگ کتابخانهٔ ملی پاریس است (۳۴ فرانسه).

در یك مجموعهٔ نقاشی کتابخانهٔ حضرت رضا در مشهد، مناظر بزمهای عشقی کارهمین محمودمذهب وشاگردش عبدالله موجوداست که

۱ــ رهنمای صنایع ۸۰.

کاملا سبک نقاشی بخارا دارد .

دیگر نمونهٔ کار محمود در منیاتور دو صفحه‌یی مورخ (۹۵۳ ق ۱۵۴۶ م) مخزن‌الاسرار نظامی کتابخانهٔ ملی پاریس (۳۵فرانسه) بامضای اوست که اصل کتاب در سنه ۹۴۴ ق ۱۵۳۷ م در بخارا بدست میرعلی نوشته شد و امتیاز آن در تناسب آن وتباین رنگهایش می باشد[1] .

دیگر نمونهٔ مکتب بخارا ، یوسف وزلیخای جامیست که میرعلی حسینی در سال ۹۳۰ ق ۱۵۲۳ م نوشته ، ولی منیاتورهای آن در حدود ۹۴۷ ق ۱۵۴۰ م ساخته شده و نفوذ شدید مکتب بهـزاد و هـرات را را میرسانند (۵آمریکا) یك نسخهٔ بوستان‌سعدی وفتوح‌الحرمین محیئی لاری نیز دارای تصاویری بهمین سبك‌اند[2] .

دیگر ازناموران هنرمندان مکتب بخارا ، شیخ‌زاده شاگرد بهزاد بود ومنیاتورهای وی در بخارا بسبك کارهای آن‌استاد بزرگست وبسبب استعمال رنگهای روشن قرمز خیلی مشهور است[3] .

عبدالله مذهب نیز از مکتب هرات به بخارا هجرت کرد ، که تصاویرش خیلی کم بدست می‌آید ، و شاید مشهورترین آنها تصویر جوانی باشد که در زیر درخت پـرگلی مشغول نواختن ساز است ، و این پرده اکنون در موزهٔ فنون نفیسه لیپریگ میباشد[4] .

۱ـ صنایع ایران ۱۱۸ .
۲ـ رهنمای صنایع ۶۵ .
۳ـ تاریخ صنایع اسلامی ۱۹۷ .
۴ـ صنایع ایران ۱۱۸ .

ازممیزات مکتب بخارا یکی اینست که پوشاك سر اشخاص عبارت از کلاه ترك دار بلندیست که قسمت پائین آنرا عمامه‌یی پوشانیده است. و دیگرصور اشخاص را بطور انفراد ومستقل کشیده هواخواهان نقاشی ازین تصاویـر مرقعهای جداگانه تـرتیب میدادنـد. تزئین حواشی نسخه‌های خطی این مکتب، بانواع نقش و نگارهای دورنگ طلائی و نقره‌ئی برروی یك زمینهٔ رنگ آمیز بود[1].

در مکتب هنری بخارا، حسن خط و نستعلیق نویسی نیز ازهرات منتقل وپرورده شدومولانا میرعلی حسینی هروی خوشنویس چیره‌دست هرات را عبید الله خان ازبك در سنه ۹۳۵ ق ۱۵۲۸ م در بخارا برد و در کتابخانهٔ عبد العزیز خان ولد عبید خان بکتابت اشتغال داشت، تا که در سنه ۹۴۴ ق ۱۵۳۷م در همین شهر درگذشت[2].

همچنین خواجه محمود بن اسحاق شهابی از قریهٔ سیاوشان هرات بامر همین عبید الله خان به بخارا برده شد و در آنجا آنقدر پـرورش دید، کـه بعضی خط او را برخط استادش میرعلی هـروی تـرجیح میدادند[3]، و او را از مروجان حسن خط در مکتب بخارا شمرده‌انـد.

در ترکیه عثمانی:

کشوروسیع امپراتوری عثمانی درسه برّ اعظم، جانشین خلافت عباسیان بغداد شد، و بنابرین دارای مواریث هنری اسلامی هم بود.

۱ـ همین کتاب ۱۱۸.

۲ـ قاضی احمد قمی: گلستان هنر ۸۲.

۳ـ همین کتاب ۸۴.

این مملکت ملتقای سنن هنری اروپا از غرب و تأثیرات مکتب هنر تیموریان از شرق گردید، واشعهٔ خورشید هنرهرات، از راه پارس بر آنجا پاشید.

رضا عباسی و آقا رضا از اساتید مکتب هنری پارس‌اند، که از ضیای مکتب هنری هرات استناره کـرده‌اند، و شاگردان ایشان مانند معین و یوسف وحیدرعلی و افضل وحبیب‌الله و حسین وقاسم درایران و شاهقلی و ولیجان تبریزی در مملکت عثمانی، سبك نقاشی ترکیه را بوجود آوردند، که فرع بالواسطهٔ مکتب هراتست.

تصاویر کار شاهقلی و ولیجان شاگرد سیاوش اکنون درموزه‌های معروف آمریکا و اروپا بنظر می‌آیند که اشکال حوریان بالدار بهشتی آن خیلی جالبست، و کتاب «سلیمان‌نامه» درهمین سبك، توسط فردوسی نام اهل بروسه، برای سلطان بایزید دوم در حدود ۹۰۰ ق نوشته‌شده و نسخهٔ دیگر آن مرقومهٔ ۹۸۷ ق ۱۵۷۸ م در مجموعهٔ چستربیتی‌لندن است. و نیز نسخهٔ بی‌نامی دارای ۳۰ شکل در موزهٔ متروپولیتن باقی مانده است که سبك هنری نقاشی ترکیه را نمایندگی میکند[۱].

کمال تبریزی شاگرد میرزا علی و شاهقلی از بقایای هنرمندان مکتب بهزاد بترکیه مسافرت کرد و بدربار سلطان سلیمان قانونی مقام بزرگی یافت[۲].

۱ـ رهنمای صنایع ۳۶.

۲ـ صنایع اسلامی ۱۳۰.

(۸)

افزایش جنبهٔ هنری و تزئینی در خط

خط از مظاهر زندگانی انسانیست ومانند دیگرمبادی حیاتی ، با حرکات سیاسی و اقتصادی و روحی دستخوش تحول و ارتقاست.

درآغاز زندگانی کوچی‌گری وزراعتی وتشکیل مراتب ابتدائی ملوك طوائف ، خط همواره بحیث یك ضرورت سادهٔ انسانی مروج می‌باشد ، ولی در هنگام نضج واقتدار سلطنت ، این پدیدهٔ اجتماعی و مدنی انسانی ، مانند هنرهای دیگر، مقام هنری را احراز می‌نماید و در صف هنرهای زیبا قدم می‌نهد.

ملت‌های آریائی نژاد آسیای وسطی و ایران و هند ، سوابق درخشان مصوری و نقاشی‌برابنیه وکتابها داشتند و نظائرآنرا درسطور سابق ذکر کردیم.

در خطوط ابنیه دورهٔ هخامنشی ایران ، استعمال رنگ و تزئین را یافته‌اند ، و چنانچه گذشت ، در کتب زردشتی گویند که اوستا

برپوست گاو بخط خوش طلا نوشته شده بود . آثار دینی مانوی نیز نگارین ومصوربود ومؤرخان دورهٔ اسلامی‌مانند ابن مقفع والبلاذری وابن ندیم وابن قتیبه والصولی وابن درستویه از بساآثارهنری خطوط و کتب مصور خوشخط خبر میدهند[1] .

هنگام تشکیل خلافت عباسیان در اواسط قرن ۸ م که عربها از دریای نیل تا کنارهای سند برمملکت وسیعی حکم میراندند ومواریث هنری بیزانتین BYZANTIEN و ایران و هنر گندها را و سغد و مانیان بایشان رسیده بود ، حتماً ازدیدن ابنیهٔ عالی نگارین وکتب ومواریث هنری این ملل متأثر می‌شدند .

ابن ندیم و طبری و مسعودی - چنانچه‌گذشت - از ارسال بتان زیبای بامیان و کابل و داور و بُست که بجواهر مرصع وآراسته بودند بدربار بغداد خبر میدهند ، که مدتها این بتان را برای تماشای مردم در قصرخلیفه وبعد ازآن سه روز در ادارهٔ مرکزی پلیس بغداد به نمایش عامه گذاشته بودند[2] که مورد تعجب و دلچسپی مردم بود و آنرا مثل مسلمانان قرن اول اسلامی نمی‌شکستاندند .

چون‌مسلمانان بموجب‌روایات‌دینی‌خود نمی‌توانستند،صورتهای انسانی را در معابد خود نقش کنند ، بنابرین برای تزئین مساجد از هنر خطاطی و نقاشی اشیاء بی‌جان بردیوارها و ابنیهٔ دینی خود کار گرفتند ، و این حرکت هنری‌ساختن خط از همان اوائل دورهٔ عباسیان و اواسط قرن ۸ م آغازشده بود، زیرا عوامل اقتصادی این دورهٔ نضج

۱- سروی هنر ایران ۱۷۰۹ .
۲- الفهرست ۴۸۶ مروج الذهب ۲/۴ .

فیود الیزم تماماً مساعد پرورش این هنر بود . و حتی خط عربی کوفی تزئینی در اروپا نیز بواسطهٔ مسلمانان فاتح اسپانیا از راه فرانسه نفوذ کرد ، و در کتیبه‌های تزئینی ابنیه جای گرفت ، حتی بردیوارهای ابنیه دینی و صوامع مسیحی در ایتالیا و اسپانیا و فرانسه ، آیات قرآنی‌را نیز بغرض تزئین ، به‌خط زیبای عربی نوشته‌اند . درب کلیسای بزرگ سنت پیتر St.Peter نیز به‌چنین نوشته آراسته بود، ولی بعد از آن آنرا ممنوع قرار دادند[1] و اینگونه تأثیرهای هنری اهمیت تاریخی خود را از دست نداده و ارزش آرایشی آن در موزونیت Rhythm و تقارن Symmetry اشکال آن نهفته است[2] . که تأثیرهای آن در هنر تزئین ابنیهٔ انگلستان هم نمایان‌باشد وبقول برگس M. S. Briggs این‌تأثیرها از راه فرانسه بانگلستان نیز نفوذکرده بود ، وپروفسور لیتابی Lethaby آثار آنرا برطاقچه‌های پشت محراب Retables و اکثر کلکین‌های کلیسای ویست منستر در هنر تعمیری انگلستان نشان داده است.[3] حتی تأثیرهنری خط کوفی بدرجه‌یی بود، که پادشاه مسیحی مرسیا Mercia بنام اوفا Offa (۷۵۶ - ۹۶ م) سکهٔ خود را بدین خط زده بود ، وبر صلیب برونزی ایرلیندی در قرن نهم میلادی بسم الله بخط کوفی دیده می‌شود ، و هم در ایتالیا برشانهٔ راست تصویر حضرت عیسی ، خط کوفی نمایانست[4] .

در عصر خلفای عباسی ، خط عربی از حالت سادهٔ نسخی خود

1— S. P. Scott's: History of Moorish Empire [1] 29.

2— E. Herzfeld: Encyclopaedia of Islâm I. 364, 365.

3— The Legacy of Islâm 178.

۴— همین کتاب ۱۱۴/۱۵۴ .

برآمده ، بوضع بسیار دلکش تزئینی و هنری کوفی مهذب ، بین نقاشی زیبا بر کتیبهٔ مرمرین مسجد المهدی بغداد در ۱۵۵ ق ۷۷۱ م موجود است ، و برخی نظایر آن که متعلق به ۱۷۵ ق ۷۹۱ م یا ۱۹۵ ق ۸۱۰ م باشد در بندر باکو از طرف خانیکوف کشف شده است[1] . ودرخراسان هم در حدود ۳۰۰ ق ۹۱۲ م آثار و علایم کوفی بسیار خوشخط دیده میشود ، که از آنجمله یك پارچهٔ ابریشمین بسیار نفیس مصور و منقوش خراسانی موزهٔ لوور پاریس است که بران کلمات « عز واقبال للقائد ابی منصور بختکین اطال الله بقـ . . . » نوشته شده است ، واین قائد عبد الملك بن نوح سامانی درسنه ۳۵۹ ق ۹۶۰ م کشته شده بود[2] و نوشتهٔ این پارچهٔ ابریشمین خراسانی نمایندهٔ رواج و پختگی کامل خط کوفی و نقاشی درین سرزمین است.

درگنجینهٔ قرآن مشهد رضوی درحوت ۱۳۴۸ ش نسخهٔ قرآنی بدست آمد ، که دراصفهان در سنه ۳۲۷ ق بخط معقلی دارای زوایای گرد نوشته شده و قدیمترین نسخهٔ مکشوفهٔ قرآن در ایران شمرده می‌شود ، که نوعی از خط کوفی متمایل به نسخی است ، و در همین گنجینهٔ مکشوفهٔ جدید، قرآنی وقفی ابوالحسن عراقی دبیر سلطان محمود بخط نسخی متمایل به ثلث موجود است . و نسخهٔ دیگر وقفی محمد بن-

---

۱ـ مسلم کالگرافی ۲۱ ، ازقدیم ترین نمونهٔ این خط نسخهٔ قرآنیست در موزهٔ دمشق ، که بقول دکتر صلاح الدین منجد درسنه ۲۶۷ ق نوشته شده است. اما آنچه وضع خط نسخ را به ابن مقله ابو علی محمد (۲۷۲ - ۳۲۸ ق ۸۸۵ - ۹۳۹ م) نسبت داده‌اند (گلستان هنر ۱۶) محل تأملست ، زیرا آثار ابتدائی آن قبلا مشهود است . شاید ابن‌مقله به تهذیب آن پرداخته باشد .

۲ـ سروی هنر ایران ۲۰۰۲ .

موسی ۴۰۲ ق به نسخ آغازی نوشته شده[1] ، که از تمام این آثار باقیمانده به تحول خط عربی پی توان برد .

اکثر محققانی که برهنر خطاطی و نقاشی آسیای وسطی و ایران تحقیق کرده‌اند گویند که اثر هنر کتابسازی و نقاشی مانی و مانویان در خطاطی و نقاشی ایـن سرزمین ظاهر است ، و نسخه‌های مکشوفهٔ مانویان درتورفان وترکستان ودیگرمواقع ، این اثررا بثبوت میرساند و[2] چنانچه گذشت از وجود یك نسخهٔ کتاب مانی یا منسوب باو ، در خزانهٔ غزنه هم خبری داریم .

ولی باید گفت : که هنر نقاشی و مصوری کتاب ، همواره در ایران وخراسان بوده است که ما از کتاب «گوهرافشین» وغیره درسابق بحث کردیم، و هم کتاب مصور شاهان ساسانی‌را مطهر بن طاهرمقدسی درکتاب البدو والتاریخ (۳۵۶ ق ۹۶۶ م) ذکر کرده، و علی بن حسین مسعودی آنرا در (۳۰۳ ق ۹۱۵ م) دراستخرپارس دیده بود، که نسخهٔ آنرا در۱۱۳ ق ۷۳۰ م برای هشام بن عبد الملك ازفارسی بعربی نوشته بودند[3] . وبنابرین اسناد نتوان گفت که مردم این‌سرزمین، کتاب آرائی را تنها از مانویان آمـوخته باشند ، و البته اثری از هنر مانی در کتب منقوش و مذهب و مصور توان دید .

اما اثر هنر مانی یا هنر دیگر برخود خط کوفی تـزئینی کمتر دیده می‌شود و ممکن است آنـرا خود مردم عراق و ایران و خراسان

۱ــ یادداشت نویسنده از روی اصل نسخه‌های مشهد رضوی .
۲ــ سروی هنر ایران ۱۸۲۰ و مسلم کالیگرافی ۳ .
۳ــ التنبیه والاشراف ۹۲ طبع قاهره ۱۹۳۸ م .

بحالت تزئینی درآورده باشند . زیرا دراوراق مانوی خود خط مانوی مزین و مشجر یا گلدار و هندسی نیست ، بلکه صفحات وحواشی آنرا گل‌کاری یا مصوری کرده‌اند . ولی خط تزئینی کوفی چنین است که خود حروف آنرا باشکال دلکش تزئینی و هندسی درآورده‌انـد و ما می‌بینیم که این تمایل تزئین حروف کوفی در قرن نهم و دهم مسیحی آهسته آهسته نشوونما کرده و مخصوصاً برابنیه آنرا نوشته‌اند وشاید در کتابهایی کـه مرجع استفادهٔ مردم بود ، آنقدر در تـزئین حروف افراط نمیکردند .

مثلا سرلوحهٔ صفحات نخستین دوکتاب قدیم خطی کتاب الابنیه بخط اسدی طوسی(۴۴۷ ق ۱۰۵۵ م) و ترجمان البلاغه بخط اردشیر-ابن دیلمسپار قطبی در سنه ۵۰۷ ق ۱۱۱۳ م هـر دو بـه کلمات (بنام خداوند بخشاینده بخشایشگر) آغاز می‌یابد ، ولی‌تزئین حروف یکسان است که حرف (ش) کلمه ۳ - ۴ را از متن بیرون کشیده و بالای‌آن بطورگلی آراسته‌اند . درحالیکه در متن کتاب هیچگونه تزئین هنری مشهود نیست . ولی تـزئینات وافـر و تکلفات پیچیدهٔ هنری در عین حروف کتابه‌های ابنیه در همین عصر موجود است ، که نمونهٔ آن در خراسان در کتابه‌های کوفی مسجد خرگـرد و بنای سنگ‌بست عصر سلطان محمود غزنوی دیده می‌شود[1] .

در مسجد نائین شکل تزئینی‌بلند زاویه‌دار خط‌کوفی نمایانست که در سنه ۳۵۰ ق ۹۶۰ م کتابت شـده و بعد از آن در سنه ۴۱۸ ق ۱۰۲۷ م در مقبره پیر علمدار ، آنقدر با گل و شاخ و بـرگ و اشکال

۱- سروی هنر ایران ۱۸۲۸ م .

تزئینی آمیخته ، که انسان آنرا تنها خطوط و اشکال زیبا و نظر ربائی می‌پندارد[۱] . وهمین‌شیوهٔ منقش در قرن ۱۲ م برطاق مسجد مغاك‌عطاری بخارا در غایت پیچیدگی بنظر می آید[۲] .

در خطوط ابنیه چنانچه دیدیم : تزئین و امتزاج نقوش و گلها و خطهای هندسی‌غالب بود ، ولی‌در کتابهاکه مورد خوانش واحتیاج عامه بودند ، حتی‌المقدور از سادگی‌وخوانابودن خط کارگرفته‌اند ، و درینجاست که کوفی از امتزاج نسخی در بین کتابها ، انواع متعدد دارد، وهم خطی‌بمیان آمده‌که ابن‌ندیم آنرا فیرآموز (معرب پیرآموز فارسی) خوانده است و از نام آن پیداست کـه در بین فارسی زبانان بوده و دنبالهٔ هر حرف آن با نیش قلم و بنازکی مو ، با حرف دیگر پیوسته است‌وجنبهٔ تزئینی آن غالب باشد،که بدان مصحف می‌نوشتند. و نمونهٔ یك ورق قرآن باین خط در ذخائر مشهد رضویست[۳] . ودیگر کتاب صفات الشیعه تألیف شیخ صدوق است که در سنه ۳۶۰ ق ۹۷۰م تألیف شده وآنرا بهمین خط پیرآموزتزئینی ، نصربن عبد الله قزوینی در سال ۳۹۱ ق ۱۰۰۰ م نوشته[۴] کـه اکنون در یك مجموعهٔ شخصی تهرانست .

ازقرآن خط‌کوفی‌ساده‌آمیخته با نسخی ، ذخایرآستان رضوی مشهد وقفی ابوالقاسم منصور بن محمد هروی وزیر سلطان محمود در

۱ـ همین کتاب ۱۷۴۴ لوحه ۲۶۶ .

۲ـ ابنیه وآثارتایخی‌اسلامی دراتحاد شوروی . طبع تاشکند ۱۹۶۳م.

۳ـ گنجینه قرآن ۲۸ .

۴ـ کتاب و کتابخانه‌ها ۹ مسلم کالیگرافی ۸ .

سنه ۳۹۳ ق ۱۰۰۲ م وقرآن وقفی ابوالبرکات رازی ۴۲۱ق ۱۰۳۰م[1] و همچنین قرآنی که بخامهٔ عیسی بن عبد الله بلخی در ۴۱۸ ق ۱۰۲۷ م نوشته شده[2] (کتابخانه میلان) پدید می آید ، که در اوائل قرن ۱۱ م جنبهٔ هنری خط کوفی قرآنی متمایل به نسخی در کتاب‌ها کم بود، و اگر میخواستند آنرا مزین سازند بطور مشکول می‌نوشتند مانند خط عثمان بن حسین وراق غزنوی ۴۶۶ق ۱۰۷۳م (؟)[3] .ولی برابنیه والواح آنرا زیباتر وبا شاخ و برگ وخطوط هندسی والف‌های کشیده وزوایای قائمه نوشته‌اند. و آثار اقدم این‌گونه خطاطی درغزنه برقبورسبکتگین و سلطان محمود در اوائل قرن ۱۱ م پیداست ، و حتی بر قبر محمود دو نوع بسیار زیبای کوفی و رقاع دیده می‌شود ، که گل کاری منقور و زیبائی هم دارد .

غزنه که مرکز سیاست و ثقافت آسیای میانه در قرن ۱۱ - ۱۲م بود ، از نظر خطاطی نیز غنی‌ترین مراکز بشمارمی آمد ، و علاوه بر نمونه‌های نسخه‌های قرآنی که درصفحات گذشته نشان دادیم، مخطوطات خاص این‌مکتب قرآن نویسی موجودند ، که آیات قرآنی را بخط کوفی‌مزین هنری برزمینهٔ مشجرگل کاری نفیس با تشعیرزیبای حاشیه بصورتی نوشته‌اند ، که تمام صفحه گل کاری است و خط آیات قرآنی با سیاهی پخته سایه‌دار خیلی برجسته بنظرمی آید و نمونه بسیار زیبای این‌مکتب غزنه قرآنیست که دررمضان ۵۶۶ق جون ۱۱۷۱م بخط ابوبکربن احمدبن‌عبیدالله الغزنوی نوشته شده و درموزهٔ مصر موجود

۱- گنجینه ۳۵ .

۲- سروی هنر ایران ۱۷۲۴ .

۳- گنجینه ۴۹ .

است[1] . و هم نسخهٔ دیگر قرآن درمجموعهٔ چستربیتی انگلستان است[2] که عیناً بهمین سبك نقاشی گلدار برتمام زمینهٔ صفحات دارد ، ولی خط آن کوفی متمایل به پیرآموز است .

همچنین قرآنی که در سنه ۵۰۵ ق ۱۱۱۱ م در بست کنارهلمند نوشته شده (کتابخانهٔ ملی پاریس) بهمین سبك نسبتی دارد[3] وهم قرآنی در گنجینهٔ مکشوفهٔ جدید مشهد رضوی بخط وتذهیب محمد بن عثمان وراق و مذهب غزنوی بدست آمده ، که تاریخ وقف آن ۴۱۴ ق است ویکی از آثارمغتنم مکتب خطاطی کوفی وتذهیب غزنه شمرده می‌شود .

در کتابه‌های تزئینی کوفی بعد از نوشته‌های مراقد سبکتگین و محمود ، بسا الواح سنگی و نوشته‌های دیواری درغزنه موجود است، مانند نوشته‌های کوفی دومنارغزنه که یکی بنام بهرامشاه (۵۱۱-۵۴۷ ق ۱۱۱۷ - ۱۱۵۲ م) و دیگری از سلطان مسعود علاءالدوله بن ابراهیم (۴۹۲ - ۵۰۸ ق ۱۰۹۸ - ۱۱۱۴ م) است ، و هم باستانشناسان ایتالوی در سالهای بعد از ۱۹۶۰ م در عصر سلطان مسعود مذکور ، نمونه‌های ادبیات دری را به رسم الخط بسیار مزین کوفی برسنگهای دیواری از زیر خاك برآورده‌اند[4]. که آنرا مظاهر متکامل خط کوفی در اواخر دورهٔ غزنویان توان شمرد ، و الواح سنگی که از همین دوره در بست باقی مانده ، و همچنان پارچه‌های نوشته‌های کوفی که بردیوارهای قلاع غزنویان درلشکری بازاربست دیده می‌شود، نیزازبقایای خطوط

۱- سروی هنرایران ۹۳۰ و مسلم کالیگرافی ۶ .
۲- سروی ۹۳۱ کتاب و کتابخانه‌ها ۲۱ .
۳- سروی ۹۲۷ .
۴- کتابه‌های کوفی قصر مسعود سوم در غزنه ، طبع روم ۱۹۶۶ م .

کوفی دورهٔ غزنویانست .

از بقایای جامع اولیا طـرف شرقی بالاحصار غـزنه ، محراب قدیمیست منقش و زیبا ، کـه با خط کوفی مزین گلدار و خط رقـاع (در بین) مـزین است و سنگی درآن بخط رقاع نوشته شده کـه نام ظهیرالدوله سلطان ابراهیم بران منقور است و از این برمی‌آید ، که درعهد سلطنت او(۴۵۱-۴۹۲ق ۱۰۵۹-۱۰۹۸م)بناشده باشد[1] وخطوط تزئینی کوفی‌گلدار بهم‌پیچیدهٔ رباط شرف سرخس[2] درحدود ۵۴۰ ق نیز نمودار این سبك خط تزئینی است .

از دولوحهٔ سنگی‌قبوری که در بست باقی‌است ۵۹۵ و۶۱۱ ق ۱۱۹۸ و ۱۴۱۴ م و لـوحهٔ قبر محمد بن اسماعیل غـوری متوفا ۲۴ جمادی الاولی ۵۳۰ ق که از هرات بدست‌آمده (موزهٔ هرات) پدیدار است که خط ساده کوفی متمایل به نسخ را بدون تزئین وگل‌پردازی نیزمی‌نوشتندونمونهٔ‌آن درلوحهٔمزارواقع هرات نشان داده شده است.

سیر تکامل تزئینی خطوط کوفی ونقوش‌گچی وحجری برابنیه، شکل غلو و افراط را بخود می‌گیرد که در دورهٔ سلجوقیان نمونهٔ آن برقبرامام یحیی در جوزجان ومحراب اولیا و منارها وسنگهای منقوش قصر مسعود سوم در غزنه وبقایای ابنیه لشکری بازار ُبست و چشت و بقایای مسجد نه‌گنبدان بلخ ومسجد جامع هرات ازبناهای غیاث‌الدین محمد سام و مدرسهٔ شاه مشهد جوند بادغیس (بناکردهٔ بانوئی) ومنار زیبای جام در قرن ۱۲ موجودند ، کـه تکامل تزئینی و نفاست هنری

۱ـ شیخ محمد رضا : ریاض الالواح ۱۳۸ طبع کابل .

۲ـ دکترعیسی بهنام : مجلهٔ هنر ۵۲ بهمن‌ماه ۱۳۴۵ ش طبع تهران .

خط کوفی و نقاشی گچی دیـواری را در ابنیهٔ غزنویان و غـوریان نمایندگی میکنندوروشن می آید، که سوابق هنری پیش ازدورهٔ تیموریان در افغانستان و ایران در تحت شرایط اقتصادی و اجتماعی هنرپـرور سلطنت‌های قوی چگونه بوده است ؟

زیرا ما درهمین عصریك کتابهٔ خط عربی نامزین و نسخی شکسته را از بن چاهی در ویهند کنار اتك بدست داریم ، که آنرا در ۴۸۲ ق ۱۰۸۹ م یك نفر فقیه جوزجانی ابوجعفر محمدبن عبدالجباربن محمد در بنای چاهی نوشته است و اگر این خط را در پهلوی خطوط معاصر ابنیهٔ مجلل سابق‌الذکر بگذاریم پدید می آید ،که ارزش هنری خطوط تماماً مـرهون پرورش ارباب اقتدار بوده و ابنیهٔ بناکردهٔ رجال مقتدر مظاهر با شکوه هنری خطاطان گشته است .

از کتابهای‌قدیم‌زبان‌فارسی که‌تاکنون دردست‌است، کتاب‌الابنیه عن حقایق الادویه بخط اسدی طوسی در۴۴۷ ق ۱۰۵۵ م قـدیمترین و کتاب شرح تعرف مکتوب ۴۷۳ ق ۱۰۸۰ م (موزه کراچی) کتاب دوم و کتاب هـدایة المتعلمین مکتوب ۴۷۸ ق ۱۰۸۵ م (کتابخانهٔ بادلیان۔ اکسفورد) کتاب سوم دارای تاریخ معین کتابت شمرده می‌شوند، که شیوهٔ خط کتاب الابنیه بکوفی شبیه‌ترو اسلوب دومی وسومی به نسخی متمایل است . درحـالیکه نسخهٔ خطی ترجمان البلاغه مـوزهٔ استانبول نوشته ۵۰۷ق ۱۱۱۳م شبیه‌تر به کتاب الابنیه است، وازین پدید می آید، که کاتبان در اختیار شیوهٔ تحریر، تابع ذوق و رواج محیط خود بوده و در بین کوفی و نسخی، شیوه‌های مختلف را پدید می آورده‌اند ،که بسهولت قابل‌خواندن باشد. ودربین‌خط کتب، به‌تزئین‌هاو گل کاریهای۔

فراوان هنری نمی‌پرداختند، الا در آغاز کتاب یا سر فصول وسوره‌های قرآنی که با یك سلیقه وترکیب وتزئین بسیارمشابه در آغازهردو کتاب الابنیه‌وترجمان‌البلاغه‌جمله(بنام ایزدبخشایندهٔ بخشایشگر) بخط‌کوفی مزین کشش‌داری نوشته‌اند.درحالیکه‌متون‌هردو کتاب‌ازین‌گونه آرایش های‌هنری‌عاریست. وتمایل کاتبان‌بطرف سلیقهٔ‌خط نسخی‌وسادگی آنست و درنوشتن‌قرآنها هم حتی المقدور خوانا بودن آنرا رعایت‌کرده‌اند، و از پیچ و تابهای تزئینی کوفی که برابنیه موجود است ، در نوشتن قرآن خودداری داشته‌اند . و اگـر هم بتزئین و پیچ و تاب دادن خط می‌پرداختند ، در سرسوره‌ها وپاره‌ها و منازل قرآنی بوده است .

در همین اوقاتست که خط نسخی درکتاب‌نویسی بسیارمستعمل است و ما می‌بینیم‌که بعد ازترجمان البلاغه ۵۰۷ ق ۱۱۱۳ م درحدود ۲۵ سال خط نسخی از آمیزش کـوفی بکلی تغییر شکل داده و نسخی خالص بمیان آمده است که در نسخهٔ تفسیر ابوبکر عتیق سورآبادی ۵۲۳ق ۱۱۲۸م بخط محمودبن‌گرگین ترکی‌دیده می‌شود (نسخهٔ خطی اندیاآفس لندن طبع عکسی تهران ۱۳۴۵ ش) ولی در نسخهٔ خطی المختصر مـن‌کتاب الوقف، نوشتهٔ عبدالله‌بن علی در ۵۲۶ ق ۱۱۳۱ م برای ابوبکر عتیق بن محمدبن خسرو (کتابخانهٔ مرحوم محمد شفیع لاهوری) هنوز هم آثار کوچك کوفی در بین نسخی باقیست ، و باید بموجب رسم‌الخط بسیارمهذب نسخی هدایة‌المتعلمین مکتوب۴۷۸ ق (نسخهٔ بادلیان اکسفورد) رواج‌نسخی را در کتب از اواسط قرن‌پنجم هجری حساب کرد .

چون در حدود ۴۷۰ ق درجهٔ تهذیب و زیبائی نسخی را دریـن

کتاب می بینیم ، باید خط نسخی متمایل بکوفی ۲۳ صفحه باقیماندۀ داستان وامق و عذرای عنصری را مربوط به دورۀ نسخی + کوفی در حدود ۴۵۰ ق بدانیم ، که نمایندۀ یك دورۀ خط در افغانستانست[1] .

ازرسم الخط قرآنی که درسنه ۵۸۴ ق بخط محمد بن‌عیسی بن علی نشابوری برای سلطان غور غیاث الدین محمد بن سام نوشته شده (۴ مجلد موزۀ ایران باستان) پدید می آید که درخط نسخی شیوه‌های ریحان و رقاع و توقیع بهم آمیخته شده است .

در کتابخانۀ خطی کابل مجموعۀ رسائل متفرقه موجود است که از بامیان بدست آمده و در سنه ۶۱۱ ق بخط دولتشاه بن صفی تولکی

۱ــ این اوراق را مرحوم پروفیسر محمد شفیع لاهوری در بین دفتین کتاب کهنه المختصر من کتاب الوقف یافت و تشخیص کرد کــه از نسخۀ گم‌شدۀ وامق و عذرای عنصریست و دربن ۲۳ ورق کهنه خطی ۳۵۳ بیت آن مثنوی محفوظست .

برورق‌اول یك‌فهرست کتابهای مملوکه حاجب‌سری زکی‌بن محمدبن‌ــ علی عبدالحمید بامیانی بخط تعلیق ابتدائی نوشته شده و باید که اصل نسخۀ مثنوی هم در افغانستان یا بامیان نوشته شده باشد ، که در ملك همین شخص بامیانی بود . اصل عکس این اوراق با شرح و تعالیق پروفیسر مرحوم در سنه ۱۹۶۷ م از لاهور طبع و نشر شده است .

در کتابخانۀ مخطوطات کابل نسخۀ قدیم بحر المعانی و صفوالامانی‌در تصوف واخلاق بزبان دری قدیم محفوظست که از بامیان بدست آمده وبرورق اول آن عیناً چنین فهرست کتب سری زکی‌چسپیده است که بعد از عبدالحمید کلمات «الشاعر البامیانی» هم دارد و معلومست که این هردو کتاب در بامیان در یك کتابخانۀ همین حاجب یا صاحب بوده‌اند . (برای شرح ایــن مطلب بنگرید: مقاله عبدالحی حبیبی درمجلۀ یغما چاپ تهران شماره ۱ــ۲ سال ۲۸ سنه ۱۳۵۴ ش) .

نوشته شده و خط آن نسخی دور از شیوهٔ هنریست ، و آثار کوفی در آن مشاهد نیست ، و ازین برمی‌آید که از همین اوقات شیوهٔ نسخی و تعلیق آمیزش یافته بود .

در قرن ۱۱-۱۲ م که آسیای میانه و خراسان در تحت اقتدار سیاسی غـزنویان و سلجوقیان و خوارزمشاهیان و غوریان بود ، هنر خط‌نویسی کوفی و نسخی وثلث با فروع آنها درخراسان وتمام ایران، فراوان پرورش دیده بود . و اگر ما بقایای این نوع خطوط را درغزنه و هرات و بُست وبلخ و مشهد وسمرقند ودیگر بلاد خراسان ـ بمعنی وسیع آن وقت ـ ببینیم می‌فهمیم ، کـه قـرن ۱۲ م زمان ریعان هنری خطوط عربیست، که خامهٔ هنروران چیره‌دست این هنرارزنده وبدیع‌را از نشابور تا بخارا وسمرقند و شاش و طراز و غزنه و ویهند کنارسند پرورانده است . حتی بهمت غـزنویان و غوریان افغانی ، ایـن متاع گرانبها در اواخر قرن ۱۲ م بقلب هند و دهلی نیز رسیده بود ، که در سنه ۵۹۶ ق ۱۱۹۹ م یك نظیر منار جام غور ، در مسجد قـوة الاسلام بنام قطب منارساخته شد ، که اینك بحیث نمونهٔ نفوذ هنر و رسم‌الخط تزئینی خراسانی تاکنون در دهلی با شکوه و وقـار عظیمی ایستاده و ما می‌بینیم که بعد از مدت سه قرن هنرخراسان از هرات وغور وغزنه بقلب هند نیزرسیده بود ، ودرتحت اثرقوی محرکات سیاسی‌وعقیدوی و اقتصادی گسترش و نشو و نما مـی‌یافت و اغلب شاهـان و مقتدران میخواستند با بنای کاخها ومنارهاومساجد مجلل ومزین ، مراتب قدرت خود را تبارز دهند ، وبران ابنیهٔ معظم ، بجای تصاویرانسانی، خطوط نظرربای بسیار زیبا ونقوش مواد غیر حیه را بنویسند ، و برای این کار،

خط کوفی برازندگی تمامی داشت و حتی تماماً به شکل گل کاری و نقاشی بدیعی درامده میتوانست .

خط کوفی با انواع متکامل خود برابنیه ، بصورت تزئینی ودر نسخ قرآن و کتب دیگرمقارن با خط نسخی نشوونما نمود وتا آغازقرن ۱۳م وخروج مغل درتمام کشورهای اسلامی با فروع خودمورداستعمال و تبارز هنری مردم بود . مثلا در گنبد مرقد ملك غیاث الدین غوری در مسجد جامع هرات ، رقاع ریحانی بسیار زیبا و گاهی برابنیه رقاع و ریحان و ثلث ومحقق و ثلث خاص کتابه‌نویسی با الف‌های کشیده ، و هم محقق شجری و ثلث طغرا ، و ثلث تعلیق نما و دیگر شیوهای مخلوط این خطوط دیده می‌شود . و هم خط نسخی آنقدر مهذب و پرورده گردید ، که شکل کامل هنری را گرفت ، و نمونهٔ آن در قرآن خط عبدالله صیرفی ۷۲۰ ق ۱۳۱۹ م گنجینهٔ مشهد رضوی دیده می‌شود .

اگرچه چنگیزیان در مدت نیم قرن اول خروج خود ، بسا ابنیه و کتابه‌ها را در سمرقند و بلخ و مرو و نشابور و هرات و سیستان و دیگر بلاد معمور آنوقت از بین بردند ، و درین جمله هنرمندان وعلما نیز تلف شدند ، و برخی به ممالك دوردست روم و هندگریختند،ولی بعد ازیك‌قرن حکمرانان‌مغل نیز با ثقافت‌وهنر خراسانی‌درماوراء النهر و افغانستان و ایران آشنایی یافتند و درین میانه برخی از حکمرانان محلی مانند آل کرت هرات و امرای پارس از در مدارا با مغلان پیش آمدند ، و به حفظ هنر و کلتور خود توجه کردند . چنانچه از آثار این دوره در هرات نمونه‌های گرانبهای خطاطی و نقاشی برمقابروابنیه

دورهٔ آل کرت باقیست، واین آثارهنری‌را ما یك حلقهٔوصل و پیوستگی هنری بین دورهٔ قبل از مغل و آغـاز رنسانس هنری تیموریان میدانیم که مواریث گرانمایهٔ هنری مردم عصر غزنویان و سلجوقیان و غوریان را به رنسانس تیموریان انتقال داده‌اند .

از آثار خطاطی این دوره ، خط ثلث عالی بشیوهٔ قدیم بر لوح مزار خواجه شهاب الدین عبدالله غاوردانی هراتست که در سنه ۷۴۴ق ۱۳۴۳ م نوشته شده ، و خط توقیع‌نمای مزار جوانی در خاك شیخ‌ـ ابـوالعلا در محرم ۷۵۹ ق ۱۳۵۷ م و خط تـوقیع تعلیق‌نما بر مزار طغرل بن امیران فوشنجی در رباط‌پی‌غربی هرات از۷۵۶ ق ۱۳۵۵م و خط رقاع تعلیق‌نمای سلطان شاه درسنه ۷۷۷ ق ۱۳۷۵ م برظرف هفت جوش جامع هرات که بامر سلطان غیاث الدین محمد کُـرت ساخته شده است .

فراموش نباید کرد : کـه در مدت پنج قرن اول دورهٔ اسلامی هنگامیکه‌خط کوفی باانواع آن درعراق وایران‌وخراسان وماوراءالنهر پرورده می‌شد ، یك‌شیوهٔ خاص شمالی آن ازقفقاز تا خوارزم درشمال وجود داشت که پیچیدگی‌وابهام‌واعوجاج خاصی دران مشهود است و نمونهٔقدیم آن‌را درسال ۴۷۱ق ۱۰۷۸م بر کتابه ۴سطری مسجدالرشید‌ـ ابن محمد بن ابی‌بکر در باکوتوان دید ، وبعد از آن بر کتابهٔ‌آرامگاه یوسف بن کبیر در ۵۵۷ ق ۱۱۶۱ م نوعی از این شیوه دید میشود و بقایای همین روش مهذب شده برلوحهٔ قبریست که در ۶۷۰ ق ۱۲۱۷م کنده شده .[۱] و هم در اورگنج کهنه در قرن ۱۲ م بالای، مدخل عمارت

۱ــ مسلم کالگرافی ۲۲ ــ ۲۳ .

مشهور بقبر فخر الدین رازی (؟) نوعی از آن در کنده‌کاری گل پخته با نقوش ظریف گل و بوته مشهود است .

حدس من اینست که نوع کوفی نویسی شمالی قفقاز وخوارزم، مبدأخط ناشناسی است که نمونهٔ متأخر آن دریك مصحف مشهد رضوی است و دانشمند گلچین معانی آنرا «خط بابری» اختراعی محمد بابر شاه مؤسس سلسلهٔ تیموری هند می‌داند ، که این سخن هم محل تأمل است و ثابت نیست[1] .

۱– برای تفصیل رك :گنجینهٔ قرآن ۱۷۸ وتاریخ خط ونوشته‌های کهن افغانستان ۱۰۲ و لوحهٔ ۸۲ – ۸۳ – ۸۴ طبع کابل ۱۹۷۱ م .

(۹)

دورهٔ عروج خطوط

دراواخر قرن ۱۴م امیرتیمور درآسیای میانه امپراتوری وسیعی تشکیل داد، که‌تمام ممالك‌ماوراءالنهروافغانستان‌وایران را دربرگرفت. چون مردم این ممالك ، مواریث هنری دورهٔ غـزنویان و غـوریان و خوارزم‌شاهیان و سلجوقیان را با آثار هنر اسلامی از غرب وهنرچینی و هندی و مغلی از شرق پیش‌روی داشتند .

هنگامیکه شاهرخ پسر امیر تیمور در آغاز قرن ۱۵ م در هرات مـرکز امپراتوری خـود بنشست ، وی مواریث هنر را در سمرقند و هرات پرورانید ، و این شهر مرکز رنسانس هنری آسیای میانه گردید و مخصوصاً هنر کتاب‌نویسی بمعراج خود رسید ، و ابنیهٔ عظیمی که بران کتابه‌های زیبا بانواع خطوط تزئینی موجود است ساخته شدند . و این مکتب هنری هرات تا اواخر عصر سلطان هنرپرور حسین بایقرا و اواخر قرن ۱۵ م در هرات کـرد ، و بعد از آن دیده میشود ، کـه

هنرهـای خطاطی ، نقاشی ، مصوری ، کتاب‌سازی ، منیاتـور ازین رنسانس هنری به بخارا و اصفهان وتبریز و شیراز و هند انتقال کردند.

درین رنسانس هنر، استعداد خلاق‌مردم هرات‌وتمام ملل‌مملکت‌ـ وسیع تیموریان هرات ازمرزهای چین تا تبریز کار میکرد ، و بنابرین هرات را دران اوقات مرکزی باید پنداشت که خلاقیت هنری تمام این مـردم در آنجا فعالیت داشت و هـزاران نفرهنرمند ، خطاط ، مصور ، مذهب ، نقاش ، جلد ساز ، محرر ، معمار ، کاشی ساز ، و رنگ ساز وغیره در آن تحت پرورش رجال هنرخواه سلطنت تیموریان به تخلیق آثار خالد هنری می‌پرداختند .

رنسانس هنری هرات آثارجاویدانی را در شقوق مختلف هنری آفرید ، که این کتاب حوصلهٔ شرح آنرا نداردو باید اندران باره کتابها نوشته و پرداخته آید . ولی مـن درینجا دو شهکار جهانی این مکتب هنر را یادآوری میکنم :

اولین اثر خالد این دبستان ، نسخهٔ خطی شاهنامهٔ فردوسی‌موزهٔ گلستان تهران است در سنه ۸۳۳ ق ۱۴۲۹ م بخط جعفر بایسنغری کـه از لحاظ خط ، نقاشی ، مصوری ، کاغذ تذهیب ، جلد و صحافـی به تشخیص متخصصان بین المللی ، گرانبهاترین کتب جهان شمرده شده و نمایندهٔ عالی‌تـرین مرحلهٔ کتاب سازی انسانست (بنگرید : شمارهٔ اول ایران) .

دوم : مسجد گـوهرشاد آستان قدس مشهد است ، کـه بهمت ملکه هرات گوهرشاد و شهزادگان هنرمند و هنردوست تیموری در ۱۲ سال تحت نظر قـوام الدین معمار ساخته شده و از نظر معماری سبك

خاص خراسانی و تزئین و کاشی‌کاری و خطاطی در زمرهٔ دوازده بنای بسیار عالی تاریخی دنیا و شهکارهای انسانی گذشته محسوبست و بنای آن درحدود ۸۲۱ ق ۱۴۱۸ م ختم شده است و بهترین نمونه‌های دورهٔ عروج خطاطی دارد.

گفتیم که هنر خطاطی در بین ملل مسلمان از قرن ۸ بدینطرف مراحل تکامل خود را در مدنیت اسلامی بنحو احسن پیمود، و بجای هنر مصوری مکتب گندهارا و مانی و سوابق تصویرسازی امپراتوری کوشانی و ساسانی و بیزانتین و جریانهای هنر چینی و بودائی هم ایستاد، و بنا برین در ابنیهٔ دینی بطور تزئینی بکار رفت. اگرچه شاهان در کاخهای شاهی‌خویش، گاهی دیوارهای نگارین و مصورهم داشتند که بربقایای قصرهای لشکری بازار بست تصاویری نمایانست، و هم بیهقی مؤرخ دربار غزنه از یك‌خانهٔ مصورونگارینی که شهزاده مسعود در باغ عدنانی هرات ساخته بود خبر میدهد، ولی این عمل شهزاده مورد بازپرس و رنجش پدرش سلطان محمود واقع گردید[1]، و از همین داستان می‌دانیم که‌گویا برابنیهٔ دولتی‌وخصوصی، تصاویررنگین و احیاناً شهوت‌انگیز را با احتیاط بکار می‌بردند. ولی ابنیهٔ دینی و معابد و مقابر ازان خالی بود، وبجای تصاویر، انواع خطوط تزئینی و گل‌کاری‌ها و نقوش غیر جاندار را بکار می‌بردند، که همین عامل دینی و اخلاقی محرك پرورش و ایجاد و رواج انواع خطوط تزئینی در هنر اسلامی گردید، و هزاران نسخهٔ خطی مزین و منقش و مذهب را از قرآن نوشتند ویا برابنیهٔ خود انواع خطوط تزئینی و نقاشی‌های

۱ــ تاریخ بیهقی ۱۲۱.

گوناگون را باقی گذاشتند . و همین نظر دینی مؤید پیدایش خطوط و خطاطان بسیار ماهر چیره‌دست خلاقی گردید ، کـه برابنیهٔ دینی ، هنر در قالب عقیدهٔ دینی ریخته شد و توجه بهنر خطاطی در عصر تیموریان بدرجه‌یی بود کـه شهزادگان این خـاندان مانند بایسنغر و ابراهیم و بدیع الزمان نیز خطاطان ماهر بوده‌اند .

از آغاز قرن ۸ تا قرن ۱۶ م درمدت ۷ قرن از خط کوفی و نسخی سادهٔ اوائل دورهٔ اسلامی ، فـروع هنری بـوجود آمد ، کـه نامهای انـواع خطوط به پنجاه میرسد ، ولی در قـرن ۱۵ م «اقلام سته» ذیل بطور خطوط اساسی وجود داشت:

نگارِ من خطِ خوش مینویسد — بغایت خوب و دلکش مینویسد
مناشیر و محقق ، نسخ و ریحان — رقاع و ثلث هر شش مینویسد

بر ابنیه و کتب دورهٔ تیموریان ، خط کوفی با انواع تزئینی آن نمودار است، ازانجمله خط مشجر مشکول بیرونی گنبد گور امیر تیمور را درسمرقند ۸۰۷ق ۱۴۰۴م وهم درمدرسهٔ الغ بیگ ۱۴۲۰ م و مرقد خواجه احمد یسوی در ترکستان از قرن ۱۴م و هم بر بـرخی از ابنیهٔ تیموریان در هرات و بلخ وجوند و کوهستان هرات ، و انواع معقلی و مقفل وهندسی آن درخشت کاریهای مسجدگوهرشاد ومدرسهٔ الغ بیگ و شاه زنده سمرقند و دیگر ابنیهٔ آنوقت و همچنین در سر سوره‌هـای قرآنی مکتوب این عصر توان دید. و ازین بر می آید که کوفی نویسی درین عهد به تکامل نهایی خود رسیده بود .

در پهلوی تکامل و تنوع هفت قرنهٔ خط کوفی، تهذیب و هنری شدن نسخی نیز جریان داشت و در کتاب های فارسی ، روش کوفی مخلوط

با نسخی در جریان این قرون دیده می‌شود . ولـی چون نسخی جنبهٔ تزئینی کمتر داشت ، بر ابنیه آنـرا نمی‌نوشتند ، و از تهذیب و هنری گردیدن کوفی و نسخی بود ، که ثلث با فروع خود محقق و ریحان و رقاع بوجودآمد ، و برای نوشته‌های دفاتر و مناشیر خطی از امتزاج نسخی و فروع ثلث بنام توقیع یا مناشیر رواج یافت ، کـه نوشتن آن سهل و زود وبدون تکلفات هنری و بدیعی بود، ونمونهٔ اینگونه خط و امتزاج فروع ثلث را درنسخهٔ کتاب التفهیم البیرونی (کتابخانهٔ مجلس تهران) توان دید، که در ۵۳۸ق ۱۱۴۳ م نوشته شده است .

خطاطان و هنرمندان خلاق ، در امتزاج این شیوه ها و پیدایش اسلوبهای خصوصی هنری درهرعصر، دستی داشتند ، و بنابرین امتیاز انواع این خطوط ممزوج وتعیین نام هرشیوه دشوار است.

برابنیه و مقابر وکتب مربوط رنسانس تیموریان در مملکتی که مـؤرخ دربار آن عصر عبدالـرزاق سمرقندی آنرا مملکت خراسان گوید نمونه‌های ذیل دیده می‌شود :

اول: انواع متعدد ومتکامل کوفی که چند نمونهٔ آن گفته شد.

دوم : ثلث بسیار پخته و متکامـل مانند هفت ورق قـرآن بخط شهزاده بایسنغربن شاهرخ متوفا ۸۳۷ق ۱۴۳۳م و شصت ورق قـرآن بخط شیخ محمد طغرائی نوشتهٔ ۸۰۹ ق ۱۴۰۶ م و شانزده ورق قرآن بخط جلی ریحان و رقاع شهزاده ابراهیم‌بن شاهـرخ نـوشتهٔ ۸۲۷ ق ۱۴۲۳م و قرآن بخط خواجه عبدالله مـروارید متوفا ۹۲۳ق ۱۵۱۶م و قرآن بخط نسخ وثلث و رقاع بسیار عالی عبدالله طباخ هروی مورخ ۸۴۵ق ۱۴۴۱م درگنجینه قرآن مشهد رضوی .

بر ابنیه نیز انواع متکامل و بسیار زیبای خط ثلث نمایان است ، مانند خطوط ثلث و ریحان و محقق و رقاع منارها و مسجد جامع و گازرگاه وشاه‌مشهد جوند هرات ، و ابنیهٔ دیگر آن شهر و ثلث و تعلیق نمای بسیار عالی لوح مزار سیدحسن ابدال در قندهار و خطوط متعدد ثلث و ریحان بایسنغربن شاهرخ برپهلوی ایوانها و پیشانی وگنبد های مسجدگوهرشاد مشهد درسنه ۸۲۱ق ۱۴۱۸ م.

ابنیهٔ دورهٔ تیموریان درگازرگاه هرات ومشهد رضوی وسمرقند وبخارا دراستعمال اقسام خطوط ثلث وکوفی ومعقلی و ریحان و رقاع و نسخی و محقق و توقیع ، مظاهر برجستهٔ هنر خوش‌نویسی رنسانس تیموریان است ، و ازان جمله سنگ تاریخ مصلای هرات بخط جلی ثلث بسیارعالی عصر شاهرخ است که در چهار سطر بزبان فارسی بامر ملکه‌گوهرشاد درسنه ۸۴۱ق ۱۴۳۷ م بقلم جلال جعفرنوشته شده است و این شخص فرزند خطاط معروف جعفر بایسنغریست که نمونه های خطوط پدر وپسر هردو برابنیهٔ هرات موجود است .

همچنین قبرشیخ‌الاسلام‌محمدبن‌احمد ۸۳۸ق ۱۴۳۴م درگازرگاه خط ثلث بسیارعالی دارد ، وهم نمونهٔ بسیار عالی خط ثلث در بقایای بنای محرابی درقصبهٔ حوض کرباس غربی شهرهرات باقی مانده است وآنرا نمونهٔ‌گرانبهای خطاطی وسبك تزئین بنا ازهرات دورهٔ تیموریان گفته میتوانیم، که شاید خط یکی از اساتید مانند جعفر یاپسرش باشد.

و هم بر بالای محراب مسجد بلند و مدرسهٔ میرعرب بخارا خط ریحان جلی بسیارعالی کتابه‌نویسی ازقرن ۱۶م و براطراف طاق‌نمازگاه بخارا نمونهٔ معقلی قرن۱۶ م ودرمدرسهٔ میرعرب بخارا و مسجد بی‌بی

خانم سمرقند اواخر قرن ۱۴م نمونهٔ بسیار عالی جلی ثلث ، وهمچنین ثلث‌جلی ومتوسط متمایل بریحانی برلوح‌مرمرین حکیم ترمذی‌درقرن ۱۴م وخط رقاع ریحانی بسیار عالی در مقبرهٔ جنوبی اوزگند ۱۱۸۶ م نمایان است .

درینجا باید یادآوری کرد: که از آغاز قرن ۱۴م در تـرکستان ، شیوهٔ خاصی در ثلث و ریحان و رقاع و نسخی بوجودآمـده بود ، که «شیوهٔ ترکستانی» باشد، وآنرا مخلوطی از ثلث و ریحان و محقق توان‌گفت که نمونهٔ آن قرآن با ترجمهٔ ترکی چغتائی ، بخط محمدبن شیخ یوسف اباری سیدالخطاط ۷۳۷ ق ۱۳۳۶ م گنجینهٔ قـرآن مشهد رضوی است و درهمین‌گنجینهٔ قرآن بخط ثلث شیوهٔ ترکستانی قرآنی ازقرن ۱۶م نیز موجود است که این شیوهٔخاص ترکستانی را درخطوط قرن ۱۴-۱۵ درآسیای میانه فراموش نباید کرد، مخصوصاً نمونهٔ بسیار زیبای جلی متمایل به تعلیق، درتاریخ یکی از بناهای شاه زنده سمرقند در۷۶۲ق ۱۳۶۰م و برسنگ مرقد قثم‌بن عباس درسنه ۱۳۳۴م و بربالای ایوان قبر بیان‌قلی‌خان دربخارا ۱۳۵۹ م.

سوم : چنانچه‌گفته شد، خطوط عربی در خراسان و تمام ایران تحول یافت و درطول قرن سیزدهم، علاوه بر اقلام سته یك قلم جدید دیگر(که‌کاملا محصول ذوق‌وسلیقهٔ این مردم‌بود) متدرجاً بوجودآمد، که‌آنرا تعلیق‌گفتند ومخلوطی بود ازنسخی و رقاع وتوقیع . وچون این خط درمراسلات سرکاری وعامه استعمال‌گردید، که‌آنرا ترسل هم گفتند ومولانا جامی‌گفت:

کاتبان را هفت خط باشد بطرز مختلف
ثلث وریحان ومحقق، نسخ و توقیع و رقاع
بعد ازان تعلیق آن خطست کش اهل عجم
از خط توقیع استنباط کـردند ، اختراع

تعلیق نسبت به‌خطوط دیگر پیچیده بود، وبنابرین قاآنی آنرا با زلف خوبان تشبیه نمود: «ای زلف تو پیچیده‌تر از خط ترسل» . خط تعلیق بر کتابه و ابنیه نوشته نمی‌شد ، و گاهـی در کتب و عموماً در مراسلات استعمال می‌شد .

ازصفحهٔ اخیر نسخهٔ خطی طبقات‌الصوفیه کتابخانهٔ نافذ پاشا در استانبول ، کـه بـا نسخ پخته بخط دمتاش بن عبدالله در شعبان ۶۷۲ ق ۱۲۷۳م غالباً درخراسان نوشته شده ، ثابت می‌آید که خط نسخی‌درین زمان متمایل به تعلیق‌گشته بود. زیرا درین صفحهٔ اخیر نسخه سطوری مشابه بخط تعلیق از قلم همین کاتب دیده می‌شود، و بنابرین آغاز تعلیق را یك قرن پیش از خروج امیر تیمور باید دانست . زیرا برگور همین امیر درسمرقند خطی که به تعلیق نسخ‌آمیز متمایل به‌ثلث می‌ماند دیده می‌شود، وهم نمونهٔ نسخ تعلیق‌آمیزصفحات اخیر نسخهٔ اسرارالتوحید کتابخانهٔ سلیم‌آغا در استانبول است کـه در سنه ۷۰۰ق ۱۳۰۰م بخط محمد صالح برای قاضی‌علی جوینی درخراسان نوشته شده ،که‌آن را نمونهٔ رواج تعلیق‌گفته می‌توانیم.

از کتابهٔ مـرقد قثم بن عباس در سمرقند نیز پدید می‌آید ، که در حدود ۱۳۳۴ م خط نسخی و ثلث مـاوراءالنهر نیز به تعلیق متمایل بود ، و شاید نمونهٔ تبدیل تدریجی نسخی به تعلیق ، همان قبالهٔ زمین

باشد ، که دکتور هورنل Hoernle یافت ومرگلیوث Margoliouth تاریخ آنـرا ۴۰۱ ق ۱۰۱۰ م خواند[۱] . و هم بیلین Belin در کتابـهٔ فارسی مسجد کهنهٔ ارض روم بردیواری نوشتهٔ منقوری یافته بود ، که که در سنه ۳۱۵ ق ۹۶۰ م نوشته شده ،[۲] و خط مـدور متمایل به نسخ و نستعلیق (؟) توقیع داشته است ، کـه حلقهٔ وصل با کوفی زاویه‌دار شمرده می‌شود، وازاسناد جدیدی که دربارهٔ قدمت شیوهٔ تعلیق بدست آمده ، سطور آخرین نسخهٔ قرآنیست که درحوت ۱۳۴۸ ش ازذخیره قرآنهای آستان رضوی مشهد در یك پستخانهٔ مسدود یافته شد ، واین عبارت در آخـر آن بخط تعلیق خوانده میشود : «فـرغ من کتبه یوم الثلثا السابع من ذی الحجه روز بهمن من شهر اسفندارمذ سنه خمس عشر واربع‌مائه» واقف این نسخهٔ قرآن ابوالوفا نامداشت که درهمین سنه ۴۱۵ ق وقف کرده است[۳] و ازین هم برمی‌آید که خط تعلیق در اوائل قرن پنجم هجری هم نوشته می‌شد، وهم شیوه‌های توقیع وتعلیق گاهی باهم آمیخته بود[۴] .

ازین اسناد حدس باید زد ،که مبادی خط تعلیق قدیمتر است و درقرن ۱۳ ـ ۱۴ راه خود را برواج عمومی‌وهنری‌شدن تزئینی‌گشوده است . که نمونه‌های آنرا در خطوط بسیاراستادانهٔ زیبای تعلیق‌نویسان دورهٔ تیموریان : خواجه تاج‌الدین وخواجه اختیارهروی منشی‌سلطان‌ـ

۱ـ جورنال ایشیاتیك سوسایتی ۷۶۱ بابت اکتوبر ۱۹۰۳ م .

۲ـ همین مجله ۳۷۶ طبع ۱۸۵۲ م .

۳ـ این نسخه را نویسندهٔ این سطور در حمل ۱۳۴۹ ش دیده‌ام.

۴ـ ابـداع خط تعلیق را به حسن بن حسین بن علی فارسی (حـدود ۳۵۰ ق ۹۶۰ م) کاتب عهد عضدالدوله دیلمی نسبت داده‌اند .

حسین بایقرا وعبدالحی منشی ابوسعید میرزا وخواجه عبدالله مروارید هروی توان دید .

چهارم :

در نصف اخیر قرن ۱۴م ازامتزاج و تلفیق هنری نسخ و تعلیق خطی بسیار زیبا و دارای ارزش بدیعی بوجود آمده بود ، که آنرا نستعلیق گویند ، و نام آن هم دلالت برآمیزش نسخ + تعلیق دارد .

اگرچه واضع نستعلیق را میرعلی تبریزی قبلة الکتاب (حدود ۹۷۰ ق ۱۳۸۸ م) دانند و خطاط سلطان‌علی مشهدی گفته است :

نسخ تعلیق گر خفی و جلی است
«واضع‌الاصل»[۱] خواجه میرعلیست
وضع فرمود او ، ز ذهن دقیق
از خط نسخ وز خط تعلیق

مگر بقول ابوالفضل علامی در دیباجهٔ (مرقع شاهی) برخی از قطعات خط نستعلیق پیش از عصر تیمور یعنی ۷۷۱ ق ۱۳۶۹ م بنظر آمده و خودنویسندهٔ این سطورهم نمونه‌های نستعلیق‌را پیش ازین عصردیده‌ام. چنانچه کتاب مجمع النوادر تألیف محمد عوض بن بختی شوع بخط نستعلیق نگاشته ۷۸۵ ق ۱۳۸۳ م دیده شده ، که معاصر میرعلی است در کمال نفاست و نضج . و باید پیش ازین عصر مراتب آغاز و پختگی را طی کرده باشد ، و هم نسخهٔ خط نستعلیق بسیار مهذب و پخته زیبای طبقات الصوفیهٔ انصاری هروی در کتابخانهٔ نور عثمانیه

۱ــ در کتابخانهٔ سلطنتی ایران قطعه‌خط جعفر بایسنغری موجوداست دارای چنین رقم : «کتبه العبد المذنب جعفر الکاتب . . . علی طریق واضع الاصل علی‌بن حسن السلطانی» .

استانبول بقلم نستعلیق نیمه جلی درویش صوفی در ۸۳۹ ق ۱۴۳۵ م موجود است که معاصر اواخرعمرمیرعلی تبریزی باشد . و اگرواضع آن خط را میرعلی بدانیم نتوانیم گفت : که درهمان عصر نستعلیق نویسان معاصرش هم بدان درجه پختگی و نضج هنری نستعلیق رسیده باشند . وازینروست که غلام محمد هفت قلمی دهلوی مؤلف «تذکرهٔ خوشنویسان» در حدود ۱۲۳۹ ق ۱۸۲۳ م مینویسد : «که پیشتر از میرعلی تبریزی هم خط نستعلیق می نوشتند ، لیکن این مرد بزرگوار قواعد در خط نستعلیق مقرر نمود»[1]. بنابرین زمان آغاز نستعلیق هنری را حدود ۷۰۰ ق ۱۳۰۰ م تعیین باید کرد ، درحالیکه اساس آن در خط تعلیق پیش از سه قرن گذاشته شده بود .

ما سندی در دست داریم که نمونهٔ نستعلیق نویسی را در اواخر قرن هشتم هجری بخط یك هروی نشان میدهد . بدین معنی که نسخهٔ خطی کتاب عجائب المخلوقات فارسی به نستعلیق خالص مورخ ربیع الاول سنه ۷۹۰ ق ۱۳۸۸ م در کتابخانهٔ ملی پاریس موجود است (شماره ۳۳۲ تکلمهٔ فارسی) که در آخر آن نوشته‌اند : «بتاریخ غره ربیع الاول سنه ۷۹۰ بخط العبد احمد هروی عفی عنه .»

این کتاب برای کتابخانهٔ سلطان احمد خان (شیخ اویس ایلکانی ۷۸۴ - ۸۱۳ق) نوشته شده است (یادداشتهای قزوینی ۲۰۳/۷) و هم شاهنامهٔ دموت دارای ۵۵ مجلس نقاشی مکتب تبریز در سنه ۷۴۰ ق ۱۳۳۹ م بخط خوش و پختهٔ نستعلیق نوشته شده ، ودیوان مصوّر سلطان احمد به نستعلیق خفی صالح بن علی رازی در سنهٔ ۸۰۰ ق ۱۳۹۷م

۱ـ تذکرهٔ خوشنویسان ۴۳ طبع کلکته ۱۹۱۰ م.

(کتابخانهٔ ایاصوفیه) وخمسهٔ نظامی مصور موزه هنرهای اسلامی استانبول بخط نستعلیق ۸۰۱ ق ۱۳۹۸ م موجود است ، و این همه دلالت دارد براینکه نستعلیق در اواسط قرن هشتم هجری هم بود.

علاوه برین شرح مختصر قاضی عضد بخط نستعلیق نجم الدین کرخینی در سنه ۷۸۵ ق ۱۳۸۲ م در تبریز نوشته شده ، و در موزه برتانیا مثنویات خواجه به نستعلیق خفی ۷۹۸ ق ۱۳۹۵ م میرعلی بن‌الیاس تبریزی موجود است که در بغداد نوشته شده است .

بهرصورت در عصر تیمور و شاهرخ خط نستعلیق که زیباترین خطوط بوده ، وهم زادهٔ قریحهٔ تابناك مردم خراسان است ، درمملکت تیموریان ، رواج کامل یافت و برابنیه و کتب مستعمل گردید و در دربار تیموریان شاگـردان میرعلی کـه استاد و مرتب این خط بود ، بعد از عبدالله پسر هنرمندش پـرورش یافتند ، که از آنجمله مولانا جعفر و پسرش جلال و مـولانا اظهر متوفا ۸۸۰ ق ۱۴۷۵ م و پسرش محمد و سلطان علی بن محمد مشهدی ومیرعلی هروی و محمد اوبهی و سلطان محمد خندان وسلطان محمد نور ودیگر مشاهیر نستعلیق نویسان برامدند، و بعد از قـرن ۱۶ م سبك نستعلیق ایشان از هرات به ماوراء النهر و و ایران و هند و عثمانی نیز انتقال یافت .

نفایس آثار هنری برابنیهٔ تیموریان در هرات فراوانست . مانند لوح قدیم مولانا جامی منسوب بخط میرعلی هروی و لوح مزار شیخ‌زین الدین خوافی ۸۳۸ ق ۱۴۳۴ م ولوحهٔ سنگ مرمر با خط نستعلیق بسیار جلی وعالی دررواق حوض زمزم گازرگاه هرات و قطعات سنگ مرمر مراقد هرات ۸۵۹ ق ۱۴۵۴ م و الواح نستعلیق گازرگاه بر قبر

رستم محمدخان وخط نستعلیق سلطان‌علی مشهدی برگور امیرغیاث‌الدین منصور پدر سلطان بایقرا ۸۸۲ ق ۱۴۷۷ م و چهار قبر دیگر شهزادگان تیموری بخط همین سلطان علی و چند مرثیه در اندرون گنبد آرامگاه شهزاده بایسنغر درخیابان هرات ، ودو بیت بقلم بسیارقوی جلی نستعلیق برمرمر سپید مرقد پیر هرات بخط حسن خان شاملو .

دریـن عصر عموماً کتابها را به نستعلیق خـوش می‌نوشتند ، و نستعلیق‌نویسان هرات، آثارگرانمایه‌وشهکارهای خطی بوجود آورده‌اند، که از آنجمله جعفر بایسنغری نسخهٔ نفیس مصور شاهنامه بایسنغری را در سنه ۸۳۳ ق ۱۴۲۹ م نوشت که در موزهٔ گلستان تهران است . وهم سه ورق مجموعهٔ خطوط نستعلیق و ریحان و نسخی و ثلث و رقاع و شکسته بامضای اوست در موزهٔ ملی تهران . و هم هشت نمونهٔ دیگر خط او برکتب ودواوین شعرا والبم‌ها درموزه‌های دنیا موجود است .

پنجم :

خط تعلیق و نستعلیق در طول قرن ۱۵م و خروج امیر تیمور در پهلوی نسخ و فروع ثلث در سرتاسر مملکت تیموریان رواج داشت و کاتبان دفاتر وامورعامه درضمن چابك‌نویسی از امتزاج ودرهم‌شکستن هر دو خطی بوجود آوردند که‌آنرا شکسته یا شکسته نستعلیق‌گویند .

اسلوب شکسته‌نویسی نیز در طـول قرن ۱۵ - ۱۶ رنگ فنی و هنری‌گرفت وما می‌بینیم که درعصرتیموریان هرات، علاوه براقلام سته اساسی بردوقلم تعلیق ونستعلیـق یك قلم نهم شکستـه مستقلاافزوده شد ، و استاد جعفر بایسنغری در اوراق نمونهٔ خطوط مذکوره خویش که در مـوزهٔ ملی تهران است ، دو سطر بسیار زیبا و نفیسی را بهمین

شکته نستعلیق هم نوشته است، که پختگی این شیوه را درعصر شاهرخ میرساند. و بعد ازان میرزا فصیحی هروی وشفیعای هروی، ومرتضی-قلی شاملو هـروی و درویش عبدالمجید طالقانی و غیره از هنرمندان نامور این طریقه‌اند، وبرخی ازشکسته نویسان چون‌شیوهٔ خاصی داشتند آنرا شکسته آمیز و منسوب به شفیعای هروی خط شفیعه هم گفته‌اند.

ولی خط شکسته برای کتاب وکتابه‌نویسی کمتر استعمال شده و رواج آن تاکنون هم بـرای مراسلات عامه و دفتری بـوده و گاهی بطور نمونهٔ هنری وتزئینی برقطعات زیبا نیز نوشته شده است، چنانچه در اواسط قـرن ۱۳ ق استاد و شاعر سردار غلام محمد خان طـرزی قندهاری قطعات زیبائی بخط شکسته نوشته وحتی برقطعه عاج دربین نقاشی ظریف آنرا جای داده است (موزهٔ کابل).

فصل دوم

منابع ادبی تاریخ هنر تیموریان

منابع ادبی تاریخ هنر تیموریان

در مکتب هرات و متعلقات آن

اکنون بعد ازین دیباجهٔ مختصر بذکر منابع ادبی تاریخ هنر کتاب‌سازی مربوط این یك قرن حکمرانی تیموریان هرات و متعلقات آن می‌پردازیم ، و این منابع ادبی عبارتند از :

(۱)

تذکرهای شعرای زبان فارسی : قدیمترین کتبی که شبیه تذکرهای شعراء بزبان فارسی نوشته‌اند همانست که بنام مناقب الشعراء بقلم موفق الدوله ابوطاهر خاتونی وزیر عصر سلاجقه در حدود ۵۰۰ ق ۱۱۰۶ م نوشته شده بود[1] و بعد از آن سلطان رکن الدین طغریل بن-

---

۱ـ محمد قزوینی : مقدمه لباب‌الالباب عوفی ج۱ صفحات و، ز مقدمه.

ارسلان در سنهٔ ۵۸۰ ق۱۱۸۴م یك مجموعهٔ مصوراشعار را بخط زین-الدین محمود فـراهـم آورد ، کـه صور شعراء را دران جمال نقاش اصفهانی‌مینگاشت[1] ، واین هردو کتاب مفقودند ، و بعد از آن تذکرهٔ لباب الالباب را نـورالدین محمد بـن عوفی بخاری در سنه ۶۱۸ ق ۱۲۲۰ م نوشت که موجود است[2].

در عصر تیموریان تذکرة الشعراء دولتشاه سمرقندی در هرات در سنه ۸۹۲ق ۱۴۸۷م بـه امیرعلی شیرنـوائی اهداء شد ، و بعد ازان تذکره‌های متعدد نوشته‌اند که ما ذکر آنرا تا جاییکه به تاریخ هنر تعلق دارد ، درینجا بترتیب حروف تهجی می آوریم .

این تذکـره‌های شعرا در تـاریخ هنر کتابسازی منابع مهم‌انـد زیرا برخی از شاعران فارسی اهل هنر یعنی مصور یا مذهب یـا خطاط و مجلد هـم بوده‌اند ، و در شرح احـوال آنها مطالبی در تاریخ هنـر کتابسازی بدست می‌آید .

(۲)

کتب تاریخ عمومی یا تاریخ‌های هنر : که در دورهٔ تیموریان‌و بعد از آن نوشته شده‌اند و در ضمن وقایع سیاسی گاهی از رجال هنر و ادب و کارنامه‌های هنری ایشان مانند خطاطی و مصوری و نقاشی و غیره ذکرها دارند ، یا در بعضی کتب ، فصل‌های خاصی در احـوال رجال علم وادب وهنرتخصیص یافته، مانند حبیب السیر وروضة‌الصفا

۱ــ محمد بن علی‌راوندی : راحة الصدور۴۴ طبع تهران ۱۳۳۳ ش .

۲ــ طبع محمد قزوینی در لیدن ۲ جلد ۱۹۰۳ ــ ۱۹۰۶ م .

طبع دوم سعید نفیسی در تهران ۱۳۳۵ ش در یك جلد .

و نگارستان هنر و غیره .

(۳)

نسخ خطی کتابها و قرآنها و مرقعات و نمونه‌های خوشنویسی که در خود مکتب هـرات یا متفرعات آن در مکاتب مشهد و بخارا و هند وقزوین و شیراز و تبریز نوشته و آراسته شده‌اند و نقاشان ومذهبان و خطاطان و مجلدان دران امضا کرده وتاریخ کتابت آن شهکارها را برخواتم کتاب نوشته‌اند .

ازروی این مخطوطات نفیس ، اسالیب هنری ونامهای هنروران و اوقات زندگانی آنها را تعیین میکنیم و برخی از مرقعات مقدمه‌های مفیدی هم در تاریخ هنر و احوال هنروران دارند که هر یکی منبع مهم معاصر شمرده می‌شود . مانند مقدمۀ دوست محمد هـروی بـرمـرقع بهرام میرزا و غیره . و گاهی مالکان کتب و کتابداران بـرنسخۀ خطی سوابق آن مخطوطه را نوشته‌اند ، کـه در تاریخ هنر بکارآید ، مانند برخی ازکتب خطی کتب خانه‌های شاهان تیموریـه هندوستان و نسخ خطی استانبول .

(۴)

بعضی دواوین شعرای معاصر مکتب هرات ، که گاهی مطالبی درباره کتب دارند و میتوان آنرا در تاریخ کتابسازی ذکر کرد مانند کلیات مولانا عبدالرحمن جامی و غیره .

(۵)

کتب منشآت و مجموعه‌های خطوط خصوصی و فرامین شاهان

و مراسلات رجال سیاسی و علماء و ادباء و هنرمندان که گاهی مطالب مهمی در احـوال هنرمندان هم دارند . مانند فـرمان مقرری بهزاد به کتابداری سلطان حسین بایقرا در هرات .

(۶)

کتابهائی که در تاریخ خط وشرح احوال خطاطان یا هنروران بعد از آغاز قرن شانزدهم تاکنون بـزبانهای فارسی ، عربی ، تـرکی اردو ، پنبتو نوشته شده‌اند و دربارهٔ هنر کتابسازی از آن استفاده توان کرد .

منابع تاریخ هنر

بترتیب الفبائی نامهای مؤلفان

(۱) آصفی هروی

خواجه کمال الدین آصفی هروی بن خواجه نعمت الله قهستانی-ابن علاءالدین ، از رجال بزرگ هرات درعصر سلطان حسین بایقرا و امیرعلی‌شیر و دارای دیوان اشعار فارسیست که در سنه ۸۵۳ ق ۱۴۴۹ م درهرات تولد یافت و عمری را به مشاغل مهمهٔ دولتی خراسان گذرانید وبتاریخ ۱۶ شعبان ۹۲۳ ق ۱۵۱۷ م بعمر ۷۰ سالگی درهرات ازجهان رفت و درگازرگاه مدفون است، و دراشعاراو بسا مطالب مفید دربارهٔ خطاطی واصطلاحات هنر خط و کتابسازی آمده است .

دیوان آصفی (فارسی)

طبع هادی ارفع کرمانشاهی . ناشر کتابخانهٔ طهوری تهران ۱۹۶۳ م ۳۰۴ ص

(۴) ابن تغری بردی

امیرجمال الدین ابوالمحاسن یوسف بن تغری بردی قاهره‌وی مؤرخ معروف مصری (۸۱۳ - ۸۷۴ ق ۱۴۱۰ - ۱۴۶۹ م).

النجوم الزاهره فی اخبار مصر والقاهره (عربی)

در هفت جلد که مرتب است برترتیب سالها، و وقایع سیاسی و جنگی هرسال را به‌تفصیل آورده و وفیات اعیان و علماء و ملوك را هم در آخر وقایع هر سال می‌آورد، و از فتح اسلامی مصر در عصر خلافت عمر و ولایت عمرو بن العاص گرفته تا وقایع ۸۵۷ ق ۱۴۵۳ م تفصیل میدهد وضمناً ازروابط هرات باقاهره درعصراولاد تیمورمطالب مهمی دارد که در تاریخ هنر و کتابسازی بکار آید.

طبع این کتاب:

دو جلد اول و دوم طبع لیدن از ۱۸۵۵ تا ۱۸۶۱ بهمت J. D. Carlyle و معاونت پروفسور ماتس B. F. Mathas تا اوائل دولت فاطمیه مصر.

جزء دوم:

طبع ولیم بوبر از یونیورستی کالیفرنیا از ۱۹۰۹ تا ۱۹۱۲ م از اخبار فاطمیان تا ۵۲۴ ق ۱۱۲۹ م.

جزء سوم:

طبع ۱۹۱۳ م از ۵۱۵ تا ۵۶۶ ق ۱۱۲۱ - ۱۱۷۰ م.

جزء ششم:

در سه حصه از ۱۹۱۵ تا ۱۹۱۹ م وقایع ۸۰۱ تا ۸۲۳ ق ۱۳۹۸- ۱۴۲۰ م.

جزء ششم :
حصهٔ اول : ۱۹۲۱ - ۱۹۲۳ م تا وقایع ۸۴۱ ق ۱۴۳۷ م جمله ۸۵۶ صفحه .
حصهٔ دوم : فهارس و مقدمه و تصحیحات انگلیسی (معجم المطبوعات ۵۲) .

(۳) ابن الصایغ
(عبد الرحمن بن یوسف)

ازمؤرخان وخطاطان قرن پانزدهم عرب متوفا ۸۴۵ق ۱۴۴۱م .

تحفة اولی الالباب فی صناعة الخط والکتاب (ع)

کتابیست در بیان تاریخ و انواع و ادوات خط .

طبع : هلال ناجی در تونس ۱۹۶۷ م .

(۴) ابو بکر طهرانی (قاضی)

از فضلای طهران ناحیهٔ اصفهان ومعاصر شاهرخ است که وقتی قاضی ومدرس مدرسهٔ غیاثیهٔ هرات هم بود وبدربارهای سلاطین تیموری و آق‌قویونلو راه داشت .

از آثار اوست:

کتاب دیار بکریه (ف)

درسنه ۸۷۵ ق ۱۴۷۰ م بنام حسن بیگ بن علی بیگ بن قراعثمان آق قویونلو تألیف شده که نام تاریخی آن «کتاب دیار بکریه» (= ۸۷۵ ق) است و مطالبی در تاریخ هنر و خط دارد .

طبع : انقره ۱۹۶۲ - ۱۹۶۴ م باهتمام نجاتی اوغال و حواشی و مقدمه دکتر فاروق سومر .

(۵) ابوالفضل علامی بن شیخ مبارك ناگوری هندی

تولدش ۶ محرم ۹۵۸ ق ۱۴ جنوری ۱۵۵۱ م درهند واز رجال بزرگ دربار اکبری و مؤلف معروفست که در سنه ۱۰۱۱ ق ۱۶۰۲ م دراواخرعهداکبری، بیرسنگه دیواورا به اشارۀ شهزاده سلیم (جهانگیر پادشاه مابعد) کشت و سرش را در اله‌آباد نزد شهزاده فرستاد .

(الف) آئین اکبری (ف)

دایرة المعارف هندوستانست که در حدود ۱۰۰۶ ق ۱۵۹۷ م در پنج دفتر ترتیب یافته و احوال شاعران و هنرمندان و کسبه هم دارد .

طبع سنگی دهلی ۱۸۵۵ م .

طبع سنگی کانپور ۱۸۸۲ با تکلمۀ سرسید احمد خان .

طبع کلکته ۱۸۶۷ م .

ترجمۀ انگلیسی بلاخمن وجیرت ۱۸۶۸ - ۱۸۷۳ - ۱۸۹۴ با متن فارسی .

(ب) مکاتبات علامی (ف)

فراهم آورده ۱۰۱۵ق۱۶۰۶م ازطرف خواهرزاده‌اش عبدالصمد مشتمل برچهار دفتر ، که در دفترسوم (ص ۳۲) آن مقدمۀ وی برمرقع شاهی شهزاده سلیم دربارۀ خطاطان وخوشنویسی هم آمده است ویك منبع تاریخ خط شمرده می‌شود (بنگرید ۱۲۲ و ایران ۷۴۰) .

طبع کلکته ۱۲۳۸ ق ۱۸۲۲ م

طبع کانپور ۱۸۷۲ م .

برای نسخ خطی بنگرید : ریو ۲/ ۸۳۸ب

ایته‌ی ۲۸۷ .

ستوری ۵۴۹ ، ۱۳۱۴ .

(۶) ابوالقاسم رفیعی مهرآبادی

از نویسندگان معاصر ایران .

تاریخ خط و خطاطان (ف)

طبع مصور تهران ۱۳۴۵ ش ۱۹۶۶ م ۲۶۰ ص که ذکر برخی از خطاطان مکتب هرات هم دارد .

(۷) ابوالفاء خوارزمی (خواجه)

از شعرای معاصر شاهرخ میرزا است متوفا ۸۳۵ ق ۱۴۳۱م. درمجموعه اشعارش مطالبی‌در بارهٔ هنراین دوره بدست می آید.

نسخهٔ خطی : دیـوان نفیس مخطوط او در کتابخانـهٔ همایونی استانبول است .

(۸) احمد ابراهیمی (قاضی)

پدرش میرمنشی شرف الدین حسین حسینی‌قمی منشی‌سام میرزا در هرات بود ، وی درسنه ۹۵۳ ق ۱۵۲۶ م درقم بدنیا آمد ومیرمنشی شاه‌طهماسپ صفوی و وقتی هم وزیرسلطان ابراهیم حکمران خراسان واستاد میرزا اسکندر بیگ مؤلف عالم آرای‌عباسی ودرخطاطی شاگرد شاه‌محمود زرین‌قلم نشابوری (متوفای ۹۷۲ق ۱۵۶۵م) بود، و بتاریخ جمعه ۷ ذیقعده سنه ۹۹۰ ق ۱۵۸۲ م مـرد و در آستانـهٔ عبد العظیم ری مدفون شد .

تألیفات او همه مراجع تاریخ هنر است مانند :

(الف) خلاصة التواریخ (ف) .

در ۵ جلد ،که اکنون جلد پنجم آن دراحوال صفویه تا ۱۰۰۱ق ۱۵۹۲ م در دست است و دربـارهٔ خط و خـطاطـان مطالب مهمی دارد

که در اورینتل کالج میگزین لاهور (ج ۱۰ ش ۴) اگست ۱۹۳۴ م بکوشش مولوی محمد شفیع نشر شده (ص ۲۳ - ۳۰ مجلهٔ مذکور) و هم فصل مربوط به نخستین سالهای شاهی شاه عباس اول از ۹۹۶ ق تا اوائل ۱۰۰۱ ق (۱۵۸۷ - ۱۵۹۲ م) با ترجمهٔ آلمانی هانس مولر بسال ۱۹۲۴ م ۱۰۲ + ۱۲۷ + ۴ صفحه در ویسبادن چاپ شده است.

برای نسخ خطی بنگرید: تاریخ تذکره‌ها ۶۰۸/۲ ببعد.

ستوری ۱۰۷۴ و ۱۲۷۹.

(ب) مجمع الشعراء و مناقب الفضلاء (ف)

مشتمل براحوال شعراء که تذکرهٔ عمومی مفصل است (مخطوطهٔ مسکو که در سنه ۱۹۳۵ م کشف شده).

(ج) گلستان هنر (ف)

در تاریخ هنر خطاطی و نقاشی و هنرهای کتابسازی (تذکرهٔ خوشنویسان و نقاشان) که در سنه ۱۰۰۶ ق ۱۵۹۷م ختم شده مشتمل بریك مقدمه احداث قلم و خط، و فصل اول در بیان خط و ثلث و ما یشابهه با ذکر ۵۸ تن استادان این خط.

فصل دوم: ذکر خط تعلیق با ۳۸ تن استاد آن.

فصل سوم: درشرح خط نستعلیق باذکر ۶۷ تن استادان این خط.

فصل چهارم: ذکر احوال نقاشان و مذهبان و عکس‌سازان و قاطعان خط و افشانگران و صحافان ۴۱ تن.

خاتمه: در باب تذهیب و جدول و رنگ و الوان و ساختن مرکب بانواع مختلف.

یك ترجمهٔ روسی آنرا پروفیسور ، زاخودر B.N. Zakhodera

بزبان روسی نشر کرده (مسکو ۱۹۴۷ م) .

ترجمهٔ انگلیسی مینورسکی از روی مخطوطات لندن و آصفیه ومسکو ، طبع واشنگتون ۱۹۵۹ م تمام متن فارسی گلستان هنر: باهتمام احمد سهیلی‌خوانساری‌طبع بنیادفرهنگ ایران درتهران ۱۳۵۲ش ۱۹۷۲م.

(د) جمع الخیار (ف)

تذکرهٔ علما و شعراء ۶ جلدی که نسخهٔ آن معلوم نیست .

بنگرید : اورینتل کالج میگزین ، لاهورمئی ۱۹۴۳ ص ۴۳ .

مجلهٔ ارمغان تهران سال ۱۹ شماره ۷ ص ۴۳۷ - ۴۴۰ .

تاریخ تذکره‌ها ۷۰۸/۲

برای نسخه‌های خطی گلستان هنرومخطوطهٔ مصور موزه‌تمدن آسیای میانه مسکو بنگرید : تاریخ تذکره‌ها ۷۰۸/۲ .

ستوری ۱۰۷۴ .

(۹) احمد بن محمد غفاری (قاضی قزوینی)

وی منسوبست به امام نجم‌الدین عبدالغفار عالم شافعی مذهب مؤلف‌الحاوی الصغیرمتوفا ۶۶۵ق۱۲۶۶م که پدرش‌محمد درری‌قاضی بود و وصالی تخلص میکرد و درسال ۹۳۳ ق ۱۵۲۶ م ازجهان رفت .

خود احمد مرد شاعر و خطاط و منشی فاضلی بود در دستگاه سام میرزا صفوی مؤلف تحفهٔ سامی که در سنه ۹۷۵ ق ۱۵۶۷ م در دیبل سند درگذشت. وی دو کتاب نافع دارد، که درهردو برخی‌خطاطان و نقاشان را ذکر کرده است .

(الف) تاریخ نگارستان (ف)

مشتمل بر ۳۳۰ حکایت تاریخی که در رمضان ۹۵۹ ق ۱۵۵۱ م در دیبل سند بنام شاه طهماسپ تألیف شده .

طبع سنگی سرکاری هند ۱۸۲۹ م .

طبع دوم سنگی بمبئی بوسیلهٔ میرزا محمد باقر شیرازی قطع وزیری ۱۲۷۵ ق ۱۸۵۸م .

طبع سوم باهتمام مدرس گیلانی در تهران ۱۳۴۰ ش ۱۹۶۱ م . درین طبع مدرس در عبارات آن تصرفها کرده و آنرا در ۵۷۸ صفحه تلخیص و طبع کرده و تا ص ۳۵۹ مطبوع دارای حوادث تا سنه ۹۰۸ ق ۱۵۰۲ م است که از نسخهٔ اصل مؤلف گرفته شده، ولی پس ازین از اوائل عصر صفویه (حدود ۹۰۶ ق ۱۵۰۰ م) تذییل و تکمیل است . بقلم خود مدرس گیلانی، و در آغاز کتاب ۲۴ صفحه مقدمه هم دارد .

دربارهٔ نسخ خطی نگارستان بنگرید: مقدمهٔ تاریخ جهان آراء.

طبع تهران ۱۳۴۳ ش ۱۹۶۴ م .

ستوری : ۱۱۴ ، ۱۲۴۰ .

ریو : ۱/۱۰۶ .

(ب) تاریخ جهان آرا (ف)

تاریخ عمومی است که در سنه ۹۷۲ ق ۱۵۶۴ م بنام شاه طهماسپ تألیف یافته و مشتمل است بر سه نسخه و تاریخ تألیف آن هم «نسخ جهان آرا» است .

این کتاب مختصراً ذکر شاهان عجم و عرب و انبیاء قبل از اسلام

وازعصرخلفاء تا احوال سلاطین صفویه وسال ۹۷۲ ق ۱۵۶۴ م دارد .

طبع : کتابفروشی حـافظ ، تهران ۱۳۴۳ ش با مقدمهٔ حسن نـراقی ۹+۳۹۲ ص .

متن کتاب با اندکس ، از روی مخطوطه استانبول و چند نسخهٔ خطی دیگر .

(۱۰) اسکندربیگ منشی ترکمان

تـولدش در حـدود ۹۶۸ ق ۱۵۶۰ م است ، در سنه ۱۰۰۱ ق ۱۵۹۲م میلادی درسلك منشیان دربارصفویه درامد وشاهد اکثروقایعی بود که در تاریخ خود نوشته و وفاتش ۱۰۴۳ ق ۱۶۳۳ م است .

(الف) عالم‌آرای عباسی (ف)

تاریخ صفویه مشتمل بـرسه صحیفه کـه بمرگ شاه عباس اول (۱۰۳۸ ق ۱۶۲۹ م) خـاتمه می‌یابد و در مجلد اول آن از ص ۱۳۹ تا ۱۹۱ احوال برخی از خطاطان و نقاشان هم مندرج است .

چاپ اول سنگی ناقص یازده مقالـه مجلد اول تهران ۱۳۱۴ ق ۱۸۹۷ م .

چاپ دوم سربی از روی همان چاپ اول در دو مجلد با اضافهٔ ۱۱ مقاله ناقص از روی نسخهٔ خطی مجلس با فهارس ومقدمه ایـرج افشار ، تهـران ۱۳۳۵ ش .

(ب) ذیل عالم‌آرای عباسی (ف)

تألیف اسکندر بیگ و محمد یوسف مؤرخ .

طبع‌سربی تهران با تکملهٔ‌احمدسهیلی‌خوانساری ۱۳۱۷ش۱۹۳۸م.

برای نسخ خطی بنگرید : ستوری ۳۱۰ ، ۱۲۸۰ .

(۱۱) امیری (یوسف)

از شعرای اوائل قرن ۱۵ م در بار هرات است که در دیوان اشعارش قصائدی در مدح بایسنغر میرزا و میرزا علاءالدوله موجود است . وی خطاط و مذهب و نقاش هم بود ، نسخهٔ بسیار مهم ومصور کلیله ودمنه توپقاپوسرای استانبول بقلم اوست که در سنه ۸۱۰ ق ۱۴۰۷ م نوشته شده است .

دیوان امیری (ف)

مخطوطـه نهایت نفیس آن در کتابخانهٔ ایاصوفیاست که برای کتابخانهٔ پیر بوداق بهادرخان بقلم شرف الدین حسین مشهدی سلطانی نوشته شده واو یکی از خطاطان ماهر دربار سلطان یعقوب آق قویونلوست، وهم او نسخهٔ خطی مجموعهٔ اشعار حافظ و کمال (کتابخانهٔ فاتح استانبول) را در سنه ۸۷۸ ق ۱۴۷۳ م نوشته است .

(۱۲) امین بن احمد رازی

بن خـواجه احمد کلانتر شهر ری پسر مولانا امیدی است کـه درعصر اکبر از ایران بهند آمد ، وچون عمزادهٔ پدر خواجه غیاث الدین پدر نورجهان بیگم ملکهٔ جهانگیر بود ، در دربار هند راه یافت، ومرد دانشمند و مورخ بود و پیش از ۱۰۲۴ق ۱۶۱۵ م در هند وفات یافت.

هفت اقلیم (ف)

تذکرهٔ شعرای فارسی از تمام ممالك فارسی زبان که درمدت ۶ سال در سنه ۱۰۰۲ ق ۱۵۹۴ م تکمیل شده با تراجم یکهزار و پانصدو-

شصت شاعر و عارف و عالم که برخی از آنها هنرمند و خطاط هم بوده‌اند. وی ذکر شعرا را بترتیب نامهای بلاد می‌آورد، و تا سی هزار بیت فارسی انتخاب میکند. قدیمترین مخطوطهٔ آن در کتابخانهٔ سپه‌سالار تهران است.

بنگرید: فهرست این کتابخانه ج۲ شماره ۱۱۲۳ مورخ ۱۰۲۵ق ۱۶۱۶م.

برای نسخ خطی آن بنگرید: تاریخ تذکره‌های فارسی ۴۱۴/۲ ستوری ۱۱۶۹/۲.

طبع: یک قسمت سه جزوی طبع کلکته در ۳۱۱ صفحه ۱۹۱۸-۱۹۲۷ - ۱۹۳۹م تا اقلیم شیراز.

یك قسمت آن تا اقلیم سوم غزنین در ۳۲۸ صفحه طبع تهران.

تمام کتاب طبع کتابفروشی ادبیه تهران ۱۳۴۰ ش بسیار ناقص و مغلوط.

(۱۳) انندرام مخلص

فرزند راجه هروی رام لاهوری شاعر و نویسندهٔ هندو درفارسی که ناظم صوبهٔ لاهور و ملتان و ملقب به «رای رایان» بود، درسنه ۱۱۶۴ق ۱۷۵۱ م در دهلی بمرد، وی دیوان شعر فارسی و چندین کتاب دیگر دارد.

(الف) مرآة الاصطلاح (ف)

در سنه ۱۱۵۷ ق ۱۷۴۴ م ختم شده.

طبع: یك فصل خوشنویسان آنرا پروفسور محمد شفیع در اورینتل کالج میگزین اگست ۱۹۳۴م طبع کرد.

خطی : موزهٔ بریتانیا (ریو ۹۹۷/۳) بانکی‌پور (۸۱۰/۴) .

(ب) پریخانه (ف)

مقدمه‌ییست بریک‌مرقع نمونه‌های خطاطی و نقاشی تحریر ۱۱۴۴ ق ۱۷۳۱ م .

خطی : بانکی‌پور (۸۸۲/۹) ایشیاتک‌سوسایتی بنگال (مجموعهٔ کرزن ۱۵۶) .

(۱۴) اوحدی (تقی الدین محمد)

پسر معین‌الدین محمد بن سعدالدین محمد حسینی اصفهانی متخاص به «اوحدی» است که در محرم ۹۷۳ ق ۱۵۶۵ م در اصفهان بدنیا آمد و در رجب ۱۰۱۵ ق نوامبر ۱۶۰۶ م به هندوستان رفت و در ذیقعده ۱۰۲۲ ق ۱۶۱۳ م در آگره آغاز بتألیف تذکرهٔ عرفات نمود ودوسال در سنه ۱۰۲۴ ق ۱۶۱۵ م ختم کرد . وی تا سال ۱۰۳۶ ق که کتاب کعبهٔ عرفان را تألیف میکرد در آگره زنده بود و مؤلفات زیاد منظوم و منثور دارد و حیاتش تا سال ۱۰۴۲ ق ۱۶۲۳ م ثابت است .

عرفات‌العاشقین و عرصات العارفین (ف)

تذکرهٔ عمومی بزرگ و جامع شعرای زبان فارسی در ایران و هند و ماوراءالنهر و افغانستان است مشتمل بر ۲۸ عرصه که هر عرصه مخصوص یك حرفست از رودکی ابوالشعر تا شعرای معاصر اوحدی درحدود ۳۳۰۰تن ، که ذکر برخی ازشاعران هنرمند و خطاط هم دارد مانند صادقی بیگ کتابدار و نقاش (عرفات خطی ص ۳۹۸) .

برای نسخ خطی آن بنگرید : ستوری ۸۰۹/۱ تاریخ تذکره‌های فارسی ۱۲/۲ .

(۱۵) ایو اغلی حیدر

ابو القاسم حیدر بیگ ایو اغلی iWAGHLi ایشیك آقاسی دربار شاه عباس اول و شاه صفی بود ۱۰۴۶ ق ۱۶۳۶ م ، که درسنه ۱۰۷۵ ق ۱۶۶۵ م شاه عباس دوم اورا کشت.

مجمع الانشا (ف)

نسخهٔ جامعهٔ مراسلات اولو الالباب. مجموعهٔ مراسلات وفرامین است که بشاه صفی در نصف اول قرن ۱۱ ه تقدیم شده ودر نصف دوم همین قرن تکمیل گردیده ومشتمل است برمکاتبات از عصر الپ‌ارسلان سلجوقی (۴۶۵ ق ۱۰۷۲ م) تا دورهٔ شاه عباس صفوی (حدود ۱۰۷۷ ق ۱۶۶۶ م) و نقل برخی فرامین شاهان هرات و مکاتباتی که بنام خطاطان و نقاشان صدور یافته هم دارد مشتمل بر ۲ جزء و یك خاتمه .

خطی: موزهٔ برتانیا (ریو ۱/۳۸۹) ومجلس تهران ۱۰/۱۳۷۳ ش ۳۴۵۵/۲۷۲ .

بنگرید : فهرست براون ۶۶ ، اورینتل کالج میگزین لاهورمئی ۱۹۲۷ م .

(۱۶) باباشاه اصفهانی

متخلص به «حالی» خطاط بسیار ماهر نستعلیق‌نویس وشاعرقرن ۱۶ م است. وبسا کتابها و قطعات ومرقعات خطی بامضای اودر کتابخانه‌های دنیا موجود است . وی در هرات بشاگردی میرعلی‌هروی ، استاد نستعلیق شد و به بغداد رفت . در سنهٔ ۹۹۶ ق ۱۵۸۷ م درانجا وفات یافت .

آداب المشق (ف)

رسالهٔ کوچکیست در بیان قواعد مشق خط نستعلیق به نثرفارسی.

طبع : با عکس نسخهٔ خطی نستعلیق عالی‌خود باباشاه و مقدمهٔ مولوی محمد شفیع لاهوری.

ضمیمهٔ اورینتل کالج میگزین شماره ۱۰۱ مئی ۱۹۵۰ م لاهور.

(۱۷) بابر (ظهیرالدین محمد)

پادشاه اول و مؤسس سلسلهٔ مغولیهٔ هند در دهلی ، پسر عمرشیخ بن سلطان ابوسعید بن سلطان محمد بن میرانشاه بن تیمور کورگان، که ولادتش ۶ محرم سنه ۸۸۸ ق (۱۴ فبروری ۱۴۸۳ م) درفرغانه است و روزسه‌شنبه ۵ رمضان ۸۹۹ ق (۱۰ جون ۱۴۹۴ م) بسن ۱۲ سالگی برتخت شاهی اندجان نشست و در ربیع الاخر ۹۱۰ ق ۱۵۰۴ م ازراه هندوکش بکابل آمد و در مدت ۲۰ سال ۵ بار برهند حمله برد ، تا در حملهٔ پنجم ۱۵ رجب ۹۳۲ ق ۲۵ اپریل ۱۵۲۶ م در جنگ پانی‌پت، سلطان ابراهیم لودی را کشت و دهلی را گرفت ، و پس از ۳۸ سال حکمرانی در ماوراءالنهر وکابل وهند ، روز ۶ جمادی الاولی ۹۳۷ ق ۲۶ دسمبر ۱۵۳۰م بعمر۴۸ سالگی در آگره وفات یافت ودرکابل درسنه ۱۵۴۰ م مدفون گردید .

بابرنامه یا واقعات بابری (ف)

مشتمل بر احوال و مشاهدات و افکار بابر از سن ۱۲ سالگی و جلوس او درفرغانه تا وقایع ۹۳۶ ق ۱۵۲۹ م که لیاقت و نظر دقیق او را در امور جهانداری و جنگی و آتوبیوگرافی نویسی و تصویر اوضاع اجتماعی و جغرافی و ادبی و هنری روشن میسازد و گاهی نظرهای انتقادی هم دارد که در شناسائی احوال علماء و شاعران و هنرمندان عصر مرجع خوبیست .

این کتابرا بابر بترکی چغتائی (اوزبکی) نوشت و عبدالرحیم خان خانان درسنهٔ ۹۹۸ ق ۱۵۹۰ م بامر اکبر بفارسی ترجمه کرد ، ولی متأسفانه هم نسخ ترکی و هم فارسی آن ناقص است و وقایع ۲۰ ساله مختلف آن نیست .

طبع :

چاپ سنگی مغلوط ترجمه خان خانان در بمبی ۱۳۰۸ ق ۱۸۹۰ م بکوشش میرزا محمد شیرازی ۲۴۶ ص.

تنها قسمت مربوط به هنرمندان ، طبع محمدشفیع در اورینتل کالج میگزین ج ۱۰ شماره ۳ .

لاهور ۱۹۳۴ .

ترجمهٔ انگلیسی : ج ، لیدین و ایرسکن (با تکمله و تعلیق) .

طبع اول لندن ۱۸۲۶ م .

طبع دوم لندن ۱۸۴۴ م .

طبع سوم آکسفورد ۱۹۲۱ م .

ترجمهٔ انگلیسی : خانم بیوریج (با تکمله و تحشیه) .

طبع لندن ۱۹۱۲ - ۱۹۱۴ - ۱۹۲۱ م .

طبع دهلی ۱۹۷۰ م .

ترجمهٔ آلمانی از متن انگلیسی ایرسکن بوسیلهٔ کیسر طبع لیپزیگ ۱۸۲۸ م.

ترجمهٔ فرانسوی از ترکی قازان بوسیله پاویت دی کورلیتی طبع پاریس ۱۸۷۱ م .

ترجمه‌های متعدد فارسی وروسی و اردو هم دارد .

(۱۸) بخاری (درویش محمد بن دوست محمد)

از علمای بخارا در قرن ۱۶ م .

فوائد الخطوط (ف)

رساله در قواعد و رسم الخط و انواع خطوط به نثر و نظم، که درسنه ۹۹۵ ق ۱۵۸۶ م. در بخارا تألیف شد.

مخطوطه: مجموعهٔ شخصی مهدی بیانی، تهران.

(۱۹) بختاورخان

یکی از رجال مهم عصر اورنگ‌زیب درهند وداروغهٔ خواصان دربار او بود. وفاتش در احمدنگر بتاریخ ۱۵ ربیع الاول ۱۰۹۶ ق ۱۹ فبروری، ۱۶۸۵ م است.

(الف) مرآة العالم (ف)

در سنه ۱۰۷۸ ق ۱۶۶۷ م تألیف شده که مؤلف اصلی آن محمد بقابن غلام محمد سهارنپوری (۱۰۳۷ - ۱۰۹۴ ق ۱۶۲۷ - ۱۶۸۳ م) است و نمود اول افزایش آن مخصوص احوال خطاطان است، و این فصل را محمد شفیع در اورینتل کالج میگزین لاهور بابت اگست ۱۹۳۴ ج ۱۰ شماره ۴ از ص ۳۳ تا ۶۵ چاپ کرده است.

برای نسخ خطی آن بنگرید: ستوری ۱۳۲/۱.

(ب) بیاض سواد اعظم (ف)

مشتمل برنمونه‌های خطوط و قطعات خوش‌نویسان مشهور، که نام سواد اعظم تاریخ فراهمی آنست (= ۱۰۸۲ ق ۱۶۷۱ م) و محمد امین خطاط مشهدی یک قطعهٔ تاریخ را بخط خوش دران نوشته و اوراق آن مجدول مطلاست. (صحیفهٔ خوشنویسان ۱۵۳)

(۲۰) بدایونی (عبدالقادر بن ملوکشاه بن حامد)

تولدش ۱۷ ربیع الثانی ۹۴۷ ق ۲۱ اگست ۱۵۴۰ م در قصبهٔ

توده جیپور (هند) است که در سنبهل از شیخ حاتم سنبهلی و در آگره از شیخ مبارك ناگوری درس خـواند و بعد از آن در بدایون زندگی میکرد که منسوب بدانجاست.

بـدایونی از مشاهیر علمـی دربـار اکبرست کـه بقول طبقات شاه جهانـی در سنه ۱۰۲۴ ق ۱۶۱۵ م از جهان رفته و دارای تألیفات زیـاد است مـانند کتاب احادیث (نام تاریخی ۹۷۸ ق ۱۵۷۰ م) نامهٔ خرد افزا (= ۹۸۹ ق ۱۵۸۱ م) رزم نامه ترجمه مهابهارته در ۹۹۰ ق ۱۵۸۲ م و تـرجمه کتاب رامـاین در ۹۹۲ ق ۱۵۸۴ و تـاریخ الفی و نجات‌الرشید (۹۹۹ ق ۱۵۹۰ م) و ترجمهٔ تـاریخ کشمیر در ۹۹۹ ق و ترجمه معجم‌البلدان در ۹۹۹ ق وانتخاب جامع‌رشیدی در سنه ۱۰۰۲ ق ۱۵۹۱ م و بحرالاسمار در ۱۰۰۳ ق ۱۵۹۵ م.

منتخب‌التواریخ (ف)

یا تاریخ بدایونی در بیان تاریخ هند از فتح سبکتگین ۳۶۷ ق ۹۹۷م تا ۱۰۰۴ق ۱۵۹۵م. که شرح حال مختصر برخی از دانشمندان و شعرا و هنرمندان هم دارد.

طبع متن فارسی:

۱ - باهتمام احمد علی و ناسولیس در کلکته ۱۸۶۴ - ۱۸۶۹ م.

۲ - چاپ سنگی لکهنو ۱۸۶۸ م.

برای نسخ خطی و ترجمه‌ها واختصارات آن بنگرید: ستوری ۴۳۹.

(۲۱) بقائی (محمد عارف)

از مردم فرغانه است که در سنه ۹۹۵ ق ۱۵۸۵ م از فرغانه عزم

رفتن هند کرد و به آندجان رسید ودر سنه ۹۹۶ ق ۱۵۸۷م یادداشتهای خود را دربارهٔ شرح حال و اشعار شاعران زبان فارسی ماوراءالنهر و خراسان فراهم آورد و آنرا بنام ابوالفتح سلطان اسفندیار بن‌سلطان خسرو بن‌سلطان یار محمد بن سلطان جانی بیگ که از حدود ۹۶۸ ق ۱۵۶۰ م در سمرقند حکمرانی داشت اهداء نمود ، ولی چون در سال مذکور بهند رفت ، کتاب خود را درآنجا بنام اکبر پادشاه هند تکمیل کرد .

مجمع الفضلاء (ف)

این‌تذکره درحدود ۲۵۰ شرح‌حال و نمونهٔ اشعارشاعران فارسی زبان دارد وبقائی در هند بعداز سفرهای دکن وگجرات در دهلی آنرا بدربار اکبر اهداء کرده ، و وفاتش هم در هند درعصرجهانگیر است .

مجمع الفضلاء یك مقدمه و سه فرقه و خاتمه دارد ، که در فرقهٔ اول از رودکی تا جامی و در فرقهٔ دوم از جامی تا مولانا مشفقی، و در فرقهٔ سوم ازشعراء معاصرخود بحث‌میکند ودرخاتمه متشعران ناموزون را ثبت کرده، وچون برخی ازشاعران، خطاط و هنرمند هم بوده‌اند ، ازین کتاب در تاریخ هنر هم سود توان برد .

مخطوطه: کتابخانهٔ پوهنتون کابل .

بنگرید : طبقات شاه جهانی ورق ۳۰۴ بدایونی ۱۹۶/۳ بیوگرافی قدیم بلیند ۱۶۶ ریو ۱۰۸۶/۳ تاریخ تذکره‌های فارسی ۱۰۴/۲ .

(۴۲) بلخی (محمود بن احمد ولی)

پدرش ازباشندگان فرغانه (کاسان) و ازخاندان سیدجلال‌الدین-

کاسانی (قرن ۱۶ م) است که محمود بدربار حکمران بلخ نذر محمدخان (۱۶۴۲ - ۱۶۴۵ م) محشور و کتابدار بود ، وی از سنه ۱۰۳۴ ق تا ۱۰۴۰ ق (۱۶۲۵ - ۱۶۳۰ م) تمام هندوستان را سیاحت کرد .

بحرالاسرار فی مناقب الاخیار (ف)

شبیه دائرةالمعارف کتابی بود در ۷ جلد مشتمل بر تاریخ ، جغرافیا ، احوال اجتماعی و طبیعی از معادن و نباتات و انساب اقوام و رسوم مردم آسیای میانه از ماوراءالنهر و افغانستان وهندوستان . که برخی نسخه‌های خطی آن در کتابخانه‌های شوروی و افغانستان موجود است و در ضمن شرح وقایع تاریخی ، اشاراتی به احوال هنر و هنرمندان هم دارد .

مخطوطات : اندیاآفس ۵۷۵ ، انستیتوت شرق شناسی اکادیمی علوم ازبکستان ۱۳۸۵ ، ۲۳۷۲ ، ۷۴۱۸ ، ۱۳۷۵ .

(بنگرید: آریانا کابل ج ۲۸ ش ۶ماه جدی ۱۳۴۹ ش ۱۹۷۰م و ستوری ۳۷۵)

(۲۳) بیانی (دکتور مهدی)

ازمحققان هنرشناسان معاصرایران ،استاد دانشگاه تهران ورئیس کتابخانهٔ سلطنتی ایران . تولدش درهمدان ۱۳۲۶ ق ۱۹۰۸ م . وفاتش ۱۷ بهمن ۱۳۴۶ ش ۱۹۶۷ م .

(الف) احوال و آثار خوشنویسان (ف)

مشتمل براحوال و آثار نستعلیق‌نویسان ممالك آسیائی از هند تا ترکیه ۱۵۲۶ نفر بترتیب ردیف الفبائی ،که نام و احوال مختصر هر خطاط دارد ، و هم اگر اثری از اومعلوم باشد با نام موزیم و کتابخانهٔ

آن نشان داده شده است ، که یك مأخذ ما در یك قسمت معلومات آخر این کتابست به اشارهٔ (خ) .

طبع جلد اول از دانشگاه تهران ۱۳۴۵ ش ۱۹۶۶ م (ص ۱ تا ۳۰۴ حرف الف تا ش) .

» جلد دوم » » » ۱۳۴۶ ش ۱۹۶۷ (ص ۳۰۵ تا ۵۹۲ حرف ش تا کاف).

» جلد سوم » » » ۱۳۴۸ ش ۱۹۶۹م (ص ۵۳۹ تا ۱۰۰۸ حرف گ تا ی) .

(ب) تکوین و پیداشدن خطوط در ایران (ف)

رسالهٔ تاریخی در مجموعهٔ ایرانشهر جلد ۲ طبع یونسکو در تهران ۱۳۴۳ ش ۱۹۶۴ م .

(۲۴) پرویز ناتل خانلری (دکتور)

استاد دانشگاه تهران و رئیس بنیاد فرهنگ ایران و مؤسس مجلهٔ سخن از دانشمندان محقق نامور معاصر ایران وصاحب تألیفات متعدد تحقیقی .

شاهکارهای هنر ایران (ف)

اقتباس و نگارشی است از کتاب شاهکارهای هنر ایران تألیف آرثهر اپهام پوپ: Masterpieces of Persian art. Nowyork 1945 که مکانب هنری سلاجقه و تیموریان وغیره را باتاریخ نقاشی ومصوری شرح میدهد ودارای ۱۵۷ لوحهٔ مصورشهکارهای هنریست. ۲۰۸ صفحه طبع تهران ۱۳۳۷ ش ۱۹۵۸ م .

(۲۵) تقی‌الدین محمد بن علی حسینی کاشانی (متخلص به ذکری)

از رجال دانشمند ایران در عصرصفویانست که در اواسط قرن

۱۶م در ایران حیات داشت و درحدود ۱۰۲۲ ق ۱۶۱۳ م ازجهان رفت.

خلاصة الاشعار:

تألیف بین سالهای ۹۷۵-۱۰۱۶ ق (۱۵۶۷-۱۶۰۷ م) مشتمل برچهار رکن و یك خاتمه و شامل احوال ۶۵۱ نفر شاعر قدیم و معاصرش که احوال برخی ازهنرمندان وخطاطان شاعر هم دارد ومفصلترین تذکرهٔ شعرای فارسیست که تاکنون طبع نشده ونسخه‌های خطی آن در برخی کتابخانه‌ها موجود است، ر نسخهٔ کاملتر آن در سنه ۱۰۱۶ ق ۱۶۰۷ م تکمیل شده است.

بنگرید: ستوری ۸۰۳/۱ و تاریخ تذکره‌های فارسی ۵۴۱/۱.

(۲۶) جامی (مولانا عبدالرحمن هروی)

تولد: در جام ۲۳ شعبان ۸۱۷ ق ۷ نومبر ۱۴۱۴ م.

وفات: در هرات ۱۸ محرم ۸۹۸ ق ۹ نومبر ۱۴۹۲ م.

ار شعرای معروف و علماء نامی عصر سلطان حسین بایقـرا در هراتست که دیوان اشعار وهفت اورنگ او بصدها جلد در مکتب هنری هرات کتابت وتذهیب وتصویر شده ومهمترین مظهرهنر کتابسازی بوده است، و اکنون صدها جلد کتب جامی در کتابخانه‌های دنیا موجودند که نمونه‌های برجستهٔ هنر خطاطی و مصوری و نقاشی مکتب هرات و عصر تیموریان شمرده می‌شوند.

دیوان جامی (ف)

درلف اشعارجامی مطالبی در بارهٔ هنر کتابسازی هم بدست می آید، مانند خوش نویس دارای سهوقلم (ص ۷۹۷) وصفت یك نسخهٔ زیبای مزین (ص ۸۱۵).

طبع: دیوان کامل جامی به‌سعی هاشم رضی، تهران ۱۳۴۱ش ۱۹۶۲م.

(۲۷) جُنگ مراثی بایسنغرمیرزا

این شهزاده فرزند گرامی شاهرخ بهادر و جوان خوشنویس و کتابدوست فضل‌پروری بود، که یکی از بانیان مکتب هنری هرات و بوجودآورندهٔ «شاهنامهٔ بایسنغری» و دیگر نفایس هنریست که در کتابخانهٔ او چهل تن خطاطان و نقاشان هنرمند فراهم بودند (مطلع سعدین ۶۵۵/۲).

این شهزاده هنرور و کتابدوست در سنه ۸۳۷ ق ۱۴۵۸ م در هرات از جهان رفت و رحلت او موجب تأثر هنرمندان دربار او گردید، و هر یکی ازین هنروران که شاعر و ادیب هم بوده‌اند، در مرثیه‌شاهزادهٔ جوانمرگ اشعاری سرودند که‌مجموعهٔ‌این مراثی‌ملال‌آور را یکی ازخوشنویسان کتابخانهٔ او مولا اظهرتبریزی شاگرد کمال‌الدین جعفر بایسنغری با خط خوش خود نوشت و این جُنگ در کتابخانهٔ حاج محمد نخجوانی تبریز موجود است، که خود یکی از منابع تاریخ کتابسازی هنر هرات شمرده می‌شود و دارای اصطلاحات خاص هنر خط و کتابسازی است که درینجا برای نمونه چند بیت انتخاب می‌شود:

شهریارا! تا برفتی از سر اهل هنر
شد کتاب صبرما ابتر، ورق زیروزبر

(بقیهٔ قصیده و چند بیت دیگر در فصل سوم: هنر کتابسازی و خط در ادبیات خوانده شود).

(۲۸) جونپوری (ممتاز حسین)

از هنرمندان قرن ۱۸ م هند، شاگرد علی یاور جونپوری که در خطوط مختلف ماهر بود .

تعلیم خط و املا (اردو)
مشتمل برقواعد خط و ذکر برخی از خطاطان ، طبع هند (؟)

(۲۹) جهانگیر (نورالدین بن اکبر پادشاه)

پادشاه چهارم سلسلهٔ تیموریان بابری هند که تولدش در فتح پورسیکری ۱۷ رجب ۹۷۷ ق ۳۱ اگست ۱۵۶۹ م وجلوسش برتخت‌شاهی هند ۲۰ جمادی‌الثانیه ۱۰۱۴ ق ۲۰ اکتوبر ۱۶۰۵ م ، و وفاتش در لاهور ۲۸ صفر ۱۰۳۷ ق ۷ نومبر ۱۶۲۷ م است ، که شرح حال خود را خودش نوشته و دو حصهٔ اول آن بقلم خود اوست و حصهٔ سوم آن که بسیار مبالغه‌آمیز است شاید بقلم شخصی دیگر باشد .

تزک جهانگیری (جهانگیرنامه) (ف)
آتوبیوگرافی بسیار مفید و به نثر فارسی‌روان و شیرین است که ضمناً مطالبی دربارهٔ تاریخ هنر و کتابسازی دارد .
طبع علی‌گر (متن فارسی) ۱۸۶۴ م .
طبع لکهنو ۱۹۱۴ م .
ترجمهٔ انگلیسی :
از میجر دی، پرایس طبع لندن ۱۸۲۹ و کلکته ۱۹۰۴م .
از نمونه‌های اطلاعات مفید این کتاب دربارهٔ تاریخ هنر ، شرح پیدایش «مرقع امیر تیمور» است که عیناً دراینجا آورده می‌شود :

«از نفایس و نوادر روزگار که خان عالم[1] آورده، و الحق از تأییدات طالع او بوده که چنین تحفه‌یی بدست افتاده ، مجلس جنگ صاحبقران (امیر تیمور گورگان) است با توغتمش‌خان (پادشاه دشت قبچاق) وشبیه آنحضرت و اولاد امجاد و امراء عظام راکه دران جنگ ، بسعادت همراهی اختصاص داشتند کشیده و نزدیك بهرصورتی نوشته که شبیه کیست ؟ و این مجلس مشتمل است بردویست‌وچهل صورت، ومصور نام خودرا خلیل میرزا شاهرخی نوشته ،کارش بغایت پخته وعالیست وبقلم استاد بهراد مناسبت ومشابهت تمام دارد، اگر نام مصور نوشته نبودی ، گمان میشد که کار بهزاد باشد ، و چون بحسب تاریخ او پیشترست ، اغلب ظن آنکه بهزاد از شاگردان اوست و بروش او متفق گشته .

این گرامی تحفه از کتابخانهٔ علیین مکانی شاه اسمعیل ماضی و و یا از حضرت شاه طهماسپ ، بسرکار برادرم شاه عباس انتقال یافته و صادقی[2] نام کتابدار ایشان دزدیده ، بدست شخصی فروخته ، قضا را در صفاهان این مجلس بدست خان عالم می‌افتد و بشاه نیز خبر میرسد

۱ــ میرزا برخوردار ملقب به خان‌عالم ازبزرگترین رجال دربارجهانگیر بود که در سال ۱۴ سلطنت جهانگیر بدربار صفویهٔ ایران بسفارت رفت (۱۰۲۸ ق ۱۶۱۹ م) جون از آنجا وابس بهند رسید ، جهانگیر فرامین متعدد باستقبال او ارسال داشت و باری هم قطعه جهانگیری با فرمان شاهی فرستاد و بران نوشت :

به سویت‌فرستادام بوی خویش   که آرم ترا زودترسوی خویش

(تزك جهانگیری ۲۸۷)

۲ــ رك : ردیف ص همین فصل شماره (۶۲) .

که او چنین تحفه‌یی بدست آورده و بهمرسانیدد ، ببهانهٔ تماشا ازو طلب میفرمایند. خان عالم هرچند خواست که بلطائف‌الحیل بگذراند. چون مکرر بمبالغه اظهار فرمودند ، ناگزیر بخدمت ایشان فرستاده . شاه بمجرد دیدن شناخته‌اند، روزی نزدخود نگاهداشته‌اند. غایةً چون توجه حاطر ما را بامثال این نفایس میدانند که در چه مرتبه است ؟ از خواستن نیز در کلی و جزوی بحمدالله که مضایقه نیست ، حقیقت را به خانعالم ظاهر ساخته ، باز بمشارالیه لطف نمودند . (تزك جهانگیری ص ۲۸۸) .

دربارهٔ نسخ خطی تزك جهانگیری رك : ستوری ۱/۵۵۸ .

(۳۰) حاجت‌قلی مراغی :

از خطاطان نیمهٔ دوم قرق ۱۱ ق (۱۷ م) ایران که خودش حکاك ماهر و پسر استاد مالك دلاك بود .

سلسلة‌الصفویه (ف)

درین سلسله برخی از شاهان و شاهزادگان هنرمند و هنرپرور صفویه معرفی شده‌اند . مخطوطهٔ کتابخانهٔ ملی تهران بقلم حاجت‌قلی حکاك‌در بلدهٔ اهر، رجب ۱۰۹۹ ق۱۶۸۶ م.(خوشنویسان ۱/۱۰و۱۳۳).

(۳۱) حافظ ابروعبدالله (شهاب‌الدین) بن‌لطف‌الله خوافی‌هروی:

تولدش در هرات واز رجال معروف عصر شاهرخ است که در سنه ۸۱۷ ق ۱۴۱۵ م بامرشاهرخ کتابی برجغرافیه نوشت . وفاتش در زنجان ۳ شوال۸۳۳ ق ۲۵ جون ۱۴۳۰م است. ازمهمترین آثاراوست:

مجمع‌التواریخ (ف)

از آدم تا احوال ۸۳۰ ق ۱۴۲۷ م که بنام بایسنغر میرزا نوشته و مشتمل برچهار ارباع است، که ربع چهارم آن بنام زبدة التواریخ شهرت دارد. ومشتمل براحوال تیمور و شاهرخ تا ۸۳۰ ق است، و در ضمن شرح احوال سیاسی و جنگی، برخی مطالب در کتابسازی و احوال هنرمندان‌عصرهم‌دارد. مانند سفرنامهٔ چین بقلم غیاث‌الدین نقاش و غیره.

برای نسخ‌خطی بنگرید: ستوری ۱/۸۸.

(۳۲) حافظ (حسین تبریزی کربلائی)

از دانشمندان عصر صفویست که در قرن دهم هجری (۱۶ م) در تبریز زندگی داشت و از شاگردان علاءالدین علی بیگ تبریزی است که هم مؤلف وهم شاعرومورخ بود وتخلص «خادم» داشت. وفاتش ۹۹۷ ق ۱۵۸۸م دردمشق‌واقع شد. وی خطوط‌سته را خوش می‌نوشت.

روضات‌الجنان وجنات‌الجنان (ف)

مشتمل است برمتون مکاتیب بعضی از علما و مشایخ و مشاهیر و بیان عمارات و معابد و مجملی از احوال خلفا و سلاطین و امرا و شعرا و وزرا و خوشنویسان و ارباب هنر که تألیف آن از ۹۵۰ ق ۱۵۴۳ م تا ۹۷۵ ق ۱۵۶۸ م ادامه داشت و یك مقدمه و ۸ روضه دارد.

طبع جزو اول‌آن از روی مخطوطات کتابخانهٔ رضوی مشهد و کتابخانهٔ اسعد افندی استانبول در ۶۹۲ + ۴۰ صفحه با فهارس در تهران ۱۳۴۴ ش. بسعی ومقدمه جعفر سلطان‌القرائی با نمونهٔ خطوط مؤلف.

(۳۳) حائری: از نویسندگان معاصر ایران.

مجموعهٔ حائری (ف)

مجموعهٔ مکاتیب وفرامین مملوکهٔ حائری درتهرانست که مکاتیب

برخی از هنرمندان هم دارد . مثلا یك مکتوب سلطان علی مشهدی (متوفا ۹۲۶ ق ۱۵۱۹ م) که بنام یکی از شهزادگان تیموری در هرات نوشته شده و دران نامهای چند تن از بزرگان هنرمندان معاصر و حتی زنان‌خوبروی بزم‌آرا ذکرگردیده است،واین مکتوب‌درشماره ۱۰-۱۱ سال سوم مجلهٔ موسیقی‌تهران طبع شده است. (خوشنویسان ۱/۲۴۷)

(۳۴) میرزا حبیب اصفهانی :

از فضلای قرن ۱۹ م ساکن استانبول و مؤلف :

خط و خطاطان (ف)

تذکرهٔ ترکیست که درمطبعهٔ ابوالضیاء قسطنطنیه بسال ۱۳۰۵ ق ۱۸۸۷ م در ۲۷۵ + ی ص بطبع سربی رسیده است و شرح احوال و آثارخطاطان قدیم ومعاصرش دارد ، و قسمت نستعلیق‌نویسان این کتاب اکثرمتعلق به مکتب هرات‌ویا شعب آنست، که ذکر۳۰۵ تن‌خوشنویس خراسان و ایران و عثمانی دران آمده است . وی واضع نستعلیق را میرعلی هروی وتکمیل کنندهٔ آنرا پسرش عبدالله شکرین‌قلم واضع‌زاده دانسته که شاگردانش حکیم جعفر هروی و مولانا اظهر هروی باشند . (تاریخ‌تذکره‌ها ۲/۵۹۹) .

(۳۵) حبیبی (عبدالحی)

نویسندهٔ این کتاب ، ملیت افغان ، متولد در قندهار (افغانستان) ۱۹۱۰ م . ساکن کابل . مؤلف ۸۰ جلد کتاب پشتو ، فارسی، اردو، عربی و انگلیسی که ازانجمله ۶۸ جلد آن طبع و نشر گردیده ، و از تألیفات او آنچه بتاریخ خط و کتاب تعلق دارد :

الف : تاریخ خط و نوشته‌های کهن در افغانستان (ف)

مشتمل بر پیدایش خط از آغاز تاریخ تاکنون ، با تصاویر و بیان خط در دورهٔ قبل از اسلام و خط و کتاب در دورهٔ اسلامی و افزایش جنبهٔ هنری و تزئینی خط و دورهٔ عروج خطوط در عصر تیموریان و مکتب هرات . ۳۱۲+۱۶۳ عکس. طبع انجمن تاریخ کابل ۱۹۷۱م .

ب : پیدایش و انکشاف شیوه‌های خوشنویسی عصر تیموریان و مظاهر هنری آن برابنیه و کتب (انگلیسی) .

درمجلهٔ افغانستان جلد ۲۲ شماره ۳/۴ کابل ۱۹۷۰م طبع شده .

ج : تأثیرات فرهنگی هرات برآسیا (انگلیسی) :

در مجلهٔ افغانستان جلد ۲۱ شماره ۱ کابل ۱۹۶۸ م طبع شده .

د : تاریخچهٔ مختصر مخطوطات افغانستان (انگلیسی)

طبع کابل ۱۹۶۷ م .

ه : هنر هرات (ف)

تاریخچهٔ مکتب هرات ومخطوطات هنری این مکتب ومتفرعات آن ، مشتمل برسه فصل :

فصل اول : سوابق کتاب‌نویسی و کتاب آرائی ــ سوابق تزئین و نقاشی ــ کتاب آرائی و نقاشی در عصر اسلامی ــ تیمورو تیموریان ــ مصوری در مکتب هرات ــ بهزاد و مکتب او ــ دنبالهٔ مکتب هرات ــ افـزایش جنبهٔ هنری و تزئینی خط ــ دورهٔ عروج خطوط .

فصل دوم : منابع ادبی تاریخ هنر مکتب هرات و متعلقات آن .

فصل سوم : هنر کتابسازی و خط در ادبیات فارسی .

فصل چهارم : آثار باقیهٔ مکتب هنر هرات و متفرعات آن .

فصل پنجم : چند مجموعهٔ هنری .

فصل دوم این کتاب برای طبع در (مجموعهٔ مصور هنر کتابسازی آسیای میانه قرن ۱۴-۱۶ م) که ازطرف یونسکو نشرمیگردد ، بانگلیسی تلخیص شده است .

(۳۶) حسن بیک روملو :

تولدش در قم ۹۳۸ ق ۱۵۳۱ م و از رجال دربار شاه طهماسپ صفوی بود ، که تاسال ۹۸۰ ق ۱۵۷۲ م درجمیع سفرها همراه اردوی-شاهی بود و با شاعران و هنرمندان عصر آشنایی داشت .

احسن التواریخ :

تاریخ عمومی ۱۲ جلدیست که بترتیب کرونولوجی سال بسال نوشته شده و جلد یازدهم آن مشتمل است بر وقایع ۸۰۷ تا ۹۸۵ ق ۱۴۰۵ - ۱۵۷۷ م که سال تکمیل کتابست و بنام شاه اسماعیل ثانی صفوی تألیف شده، وازین جلد جزواول آن از ۸۰۷ تا ۹۰۰ ق ۱۴۰۵-۱۴۹۳ م درتهران باهتمام دکترعبدالحسین نوائی در ۹۳۴ ص طبع شده ۱۳۴۹ ش ۱۹۷۰ م .

جزودوم آن مشتمل براحوال ۹۰۰ تا ۹۸۵ق باهتمام چارلس نارمن سیدن در بروده هند[1] در ۱۹۳۱ م طبع شده و دران معلومات بسیار مفیدی دربارهٔ احوال خطاطان و مصوران داده شده است .

از روی این طبع یك طبع دوم آفسیت نیز در تهران در سنه

1— C. N. SEDDON. BARODA 1931.

۱۳۴۷ ش ۱۹۶۷ م بوسیلهٔ کتابفروشی شمس انتشار یافته است.

(۳۷) حسن‌خان شاملو:

متخلص به «آفتاب» پسر حسین‌خان شاملوست که بعد از مرگ‌پدر در سنه ۱۰۲۷ ق ۱۶۱۸ م بجایش حکمران هرات و بیگلربیگی خراسان گردید، وی مرد اداره‌چی و صاحب سیف و قلم و منشی و شاعر وهم نستعلیق‌نویس زبردستی بود، ودر آخر ۱۰۵۰ ق ۱۶۴۱ م در هرات مرد و نعش اورا درمشهد دفن کردند، و نمونهٔ خط جلی نستعلیق بسیار خوب او بر مزار خواجه عبدالله انصاری درگازرگاه هرات نصب است.

منشآت حسن‌خان شاملو (ف)

مخطوطهٔ موزه برتانیا (شماره ADD ۷۸۰۲) از ورق ۶۴ تا ۱۱۰ مشتمل بر ۳۰ مکتوب و شش نثر و نظم فارسی بخط میرعماد و محمد‌هاشم قاینی و رشیدا که هردو شاگرد میرعمادند (اواخر قرن ۱۷ م)[۱]. این منشآت در سنه ۱۶۴۹م تکمیل شده و مطالبی‌در بارهٔ روابط سیاسی هرات با ایران و هند دارد که متعلق بزمان پیش از تکمیل این کتابست، اما آنچه بتاریخ هنر تعلق دارد اینست:

۱ـ دیباجهٔ دیوان غزل خان عظیم‌الشأن حسین‌خان شاملو پدر مؤلف (ورق ۶۶ الف).

۲ ـ دیباجهٔ مرقع دوست علی سلطان (ورق ۶۶ تا ۶۷ الف).

1— Riew, Catalogue of Persian Mss in the British Museum P. 817

۳ ـ دیباجهٔ اشعار منتخب از دیوان ملا جامی درستایش حضرت علی ، کـه بقلم خـوش حسن‌خان نوشته شده بـود (ورق ۹۷ الف تا ۹۸الف) .

متن فـارسی منشآت حسن‌خـان شاملو ، باهتمام و مقدمـه دکتر ریـاض‌الاسلام در کـراچی در سنه ۱۹۷۱ م طبع عکسی شده از ورق ۶۴ ب تا ۱۱۰ الف به نستعلیق بسیار خوب نیم جلی از روی مخطوطـهٔ سابق‌الذکر موزیم برتانیا که بر حاشیهٔ ورق ۳۸ ب آن نوشته شده : «تا اینجا لاشك خط میرعماد است .» بـرحاشیه ورق ۷ ب خط محمدـ هاشم دیده میشود. اوراق این نسخه‌گل‌کاری تزئینی رنگین دارد ، ودر چندین کتابخانهٔ مشاهیر هند و ایران داخل گردیده و نشانیهای «داخل شد و وقف و ملاحظه شد» دارد ، از سنه ۱۱۴۰ و ۱۱۴۱ ق .

بر ورق آخر آن نوشته‌اند : «برارباب دانش معلوم باشد که درین رساله سه خط مرقوم آمده: خط شریف میرعماد که الیوم سرآمد جمیع خطوط میباشد . باقی خط آقا هاشم شاگرد میر وثالث خط رشیدا هم شاگرد اوست . . . سنه ۱۱۲۰ (مهر) این کتاب ازخط میرعماد ومیرزا هاشم ورشیدا ازمال خالص عالیشان خواجه متین میباشد (مهر) تحریراً شهر رجب‌المرجب .

(۳۸) حسن بن لطف‌الله (رازی طهرانی)

خواجه لطف‌الله پدر او در سنه ۹۲۸ ق ۱۵۶۰ م از طرف شاه طهماسپ وزارت خراسان یافت وچون بمرد پسرش حسن درسنه ۹۸۱ق ۱۵۷۳ م جانشین او گردیدو تا سنه ۱۰۴۰ ق ۱۶۳۰ م برهمین خدمت بود.

میخانه (ف)

تذکرهٔ شعراست مشتمل بـر یك فاتحه در بیان شعرای عـرب و چهارمقاله در بیان پادشاهان وعرفا و وزرا و شعرا از رودکی تا یوسف جامی و یك خاتمه دارد که دران شعراء و نویسندگان معاصر خود را بیان داشته. این تذکره را بخواهش مربی خود حسن بیگ شاملو بیگلربیگی خراسان در سنه ۱۰۴۰ ق ۱۶۳۰ م تألیف کرده و دوست او امیرمحمد حسین تفرشی دیباجه‌یی بران افزوده است که ذکر برخی از خطاطان۔ شاعر هم دارد .

(برای نسخهٔ خطی آن رك : ذیل فهرست ریو۶۷ ب ۱۰۷ تاریخ تذکره‌ها ۳۲۳/۲ ستوری ۸۱۴/۱) .

(۳۹) خواندمیر (غیاث‌الدین حسینی هروی)

پسر همام‌الدین محمد و از خانـدان خواجه برهان‌الدین محمد وزیر سلطان محمود میرزا پسر سلطان ابوسعید کورگان ومادرش دختر میرخواند مؤلف روضة‌الصفاست، که درسنه ۸۸۰ق۱۴۷۵م درشهرهرات بدنیاآمد وهمدران شهرپرورش دید ، ومرد عالم و مورخ و نویسنده و شاعردربارهرات گردید ودرسال ۹۰۴ ق ۱۴۹۸ م به محضرامیرعلی‌شیر رسید و درکتابخانهٔ خاص او راه یافت ومدتها وزیربدیع‌الزمان میرزا بود ، وبعد ازوفات سلطان حسین بایقرا چون درمحرم ۹۱۳ ق ۱۵۰۷م شیبانی‌خان هرات راگرفت، وی تا ۹۲۳ق ۱۵۱۷م درهرات وغرجستان بود و بعد از آن در خلال سالهای ۹۲۷ ق ۱۵۲۰ م تا شوال ۹۳۳ ق ۱۵۲۸ م در هرات زندگانی داشت و درهمین سال بقندهار رفت ، ودر دهم جمادی‌الاخری ۹۳۴ ق ۱۵۲۷ م ازآنجا بهند حرکت کرد ، وروز

۴ محرم ۹۳۵ ق ۱۵۲۸ م به آگره رسید و بعد ازان عمر خود را در حمایت بابر و پسرش همایون در هند گذرانید و درسنه ۹۴۲ ق ۱۵۳۵ م درشهر ماندو وفات یافت و در جوار شیخ نظام‌الدین و امیر خسرو در دهلی دفن شد .

از آثار او که در تاریخ هنروخوش نویسی منابع خوبند :

الف : حبیب‌السیر فی اخبار افرادالبشر (ف)

تاریخ عمومی مشهور است مشتمل بریك افتتاح و یك اختتام و سه مجلد که درسنه ۹۲۷ ق ۱۵۲۰ م بتألیف آن آغازودر ماه ربیع‌الاول ۹۳۰ ق ۱۵۲۴م درهرات بنام خواجه کریم‌الدین حبیب‌الله ساوجی‌وزیر خاتمه و تسمیه یافته است .

خواندمیر در پایان کار هر حکمران ، تراجم صدور و مشایخ و علماء و هنرمندان و شعرای زمان او را هم آورده است .

چاپهای این کتاب :

۱ـ طبع تهران در۴ مجلد با مقدمهٔ جلال‌الدین همائی و فهارس ۱۳۳۳ ش .

۲ ـ چاپ سنگی تهران ۱۲۷۱ ق ۱۸۵۵ م .

۳ ـ چاپ سنگی بمبی ۱۲۷۱ ـ ۱۲۷۳ ق ۱۸۵۵ ـ ۱۸۵۷ م .

۴ ـ قسمت رجال حبیب‌السیررا دکتر عبدالحسین نوائی‌ازحمله مغول تا مرگ شاه اسماعیل اول بصورت کتابی با مقدمه و فهارس در ۳۰۳ صفحه در ۱۳۲۴ ش ۱۹۴۵ م در تهران چاپ کرده است .

(دربارهٔ نسخ خطی بنگرید : ستوری ۱/۱۰۴ تاریخ تذکره‌ها ۵۸۸/۲ مجلهٔ آریاناشماره ۷ ـ ۸ سال ۱۳۴۵ ش مقدمهٔ انگلیسی‌هدایت حسین برقانون همایونی چاپ کاکته ۱۳۱۹ ش مقدمهٔ جلال همائی بر

حبیب‌السیر چاپ تهران ۱۳۳۳ ش) .

ب : خلاصة‌الاخبار فی بیان احوال‌الاخیار (ف)

از همین مـورخ ، تاریخ عمومیست تألیف ۹۰۵ ق ۱۵۰۰ م در یك مقدمه و ده مقاله وخاتمه ، دراحوال رجال مشهور که بنام امیرعلی شیرنوائی وزیردانشمند هرات تألیف شده و خاتمهٔ آن مشتمل است بر احوال دارالسلطنهٔ هرات وابنیه وباغها وتراجم مختصر ۹۸ تن ازمشاهیر علمی و ادبی و هنری سلطنت حسین بایقرا و خوش‌نویسان و نقاشان و دیگر هنرمندان کتابخانهٔ سلطانی .

طبع : قسمت اخیر خلاصة‌الاخبار در کابل دوبـار به تصحیح و تحشیه سرورگویا ۱۳۲۴ ش و ۱۳۴۵ ش در ۱۳۸ ص .

(برای نسخ خطی وترجمه‌های آن بنگرید : ستوری ۱۰۲/۱) .

ج : نامهٔ نامی(ف)

از همین مورخ کـه دران بـرخـی از فرامین دربار تیموریان و نامه‌های رجال آن عصر را فراهم آورده است و ازانجمله است نشان کلانتری کتابخانهٔ هرات باسم کمال‌الدین بهزاد که سلطان حسین میرزا بایقرا بتاریخ ۲۷ جمادی‌الاولی‌سنه ۸۸۹ ق ۱۴۸۴م صادر کرده است .

نسخهٔ خطی : کتابخانهٔ ملی پاریس .

(۴۰- . . . . . .

خرابات :

تذکره‌بیست ازشعرای فارسی‌قرن۹ق =۱۵م تا ربع‌اول قرن۱۱ ق=۱۷ م بترتیب حروف تهجی که در اصل دو مجلد بوده و اکنون جلد اول خطی آن درکتابخانهٔ ملك تهران بشماره ۳۸۴۱ در۱۶۴ ورق

بخط مؤلف نامعلوم که نستعلیق تحریری صاف و پخته است بر کاغذ ختائی موجود است (۱۵/۸×۳۵/۶ سانتی) .

این کتاب ازسنه ۱۰۱۰ق ۱۶۰۱م تا ۱۰۲۵ق ۱۶۱۶ م دردست تألیف بوده وجلد اول آن از ردیف الف تا زینی‌مشهدیست وجلد دوم آن از سین تا (ی) دیده نشده است .

جلد اول مشتمل براحوال و اشعار ۱۰۵ شاعر و منتخبات اشعار ۱۷۳ شاعر است ولی مؤلف این کتاب معلوم نیست و شخصی بود که در طفلی در هرات و در سنه ۹۹۰ ق ۱۵۸۲ م در مشهد بود ، و درسنه ۹۹۵ ق ۱۵۸۶ م دراوقات هجوم اوزبك‌ازهرات بقزوین رفت ودرسنه ۱۰۱۵ ق ۱۶۰۶ در قاین بود ، و در سنه ۱۰۱۸ ق ۱۶۰۹م بهندوستان رفت و درسال ۱۰۱۹ ق ۱۶۱۰ م در برهانپور بود و بعد ازآن درسال ۱۰۲۵ ق ۱۶۱۶ م واپس به تفرش ایران آمد .

درتذکرهٔ او ذکر برخی‌از شاعران‌آمده که خطاط وخوشنویس هم بوده‌اند،مانند خواجه عبدالله مروارید، حافظ باباجان‌کاتب، باباشاه کاتب اصفهانی ، مولانا شاه حالی خوش‌نویس و غیره .

(تاریخ تذکره‌های فارسی ۱/۴۶۷) .

(۴۱) دانش پژوه (محمدتقی) :

یکی از محققان کتاب‌شناس معاصر ایران در دانشگاه تهران .

گنجور و برنامهٔ او (ف)

یك سلسلهٔ مقالات تحقیقی است برتاریخ کتابخانه‌ها و کتابها و هنر کتاب سازی و هنرمندان در دنیای اسلامی .

طبع : مجلهٔ هنر و مردم ، تهران ۱۹۷۲ م .

(۴۲) درویش محمد صحاف :

بن امیر شیخ محمد الرامکی الغزنوی از مردم رامك یکی از روستاهای اطراف غزنه است . وی در عصر تیموریان از غزنه سفر کرد و بملاقات شاه نعمت‌الله ولی بن میرعبدالله کرمانی (۷۳۰ - ۸۳۴ق ۱۳۲۹ - ۱۴۳۰ م) و امیر سید قاسم انوار (متولد تبریز ۷۵۷ ق ۱۳۵۵م و متوفا در خرگرد هرات ۸۳۷ ق ۱۴۳۳ م) و امیر طاهر نیشابوری و امیر نظام‌الدین احمد بن امیر خصال‌الدین مدرس مدرسهٔ سلطانی هرات و امیر سید جلال‌الدین قائنی واعظ هرات و مولانا نظام‌الدین محمد خاموش و خواجه ابو نصر حافظ‌الدین پارسا (مدفون بلخ ۸۶۵ ق ۱۴۶۰ م) و خواجه ناصرالدین عبیدالله (متوفا درسمرقند ۸۹۶ ق ۱۴۹۰ م) وشاهان تیموری مانند شاهرخ (۸۰۷ - ۸۵۰ ق ۱۴۰۴ - ۱۴۴۶ م) و ابراهیم سلطان بن شاهرخ (حدود ۸۳۸ ق ۱۴۳۴ م) و الغ بیگ بن ابوسعید حکمران کابل وغزنه (۸۶۱ - ۹۰۷ ق ۱۴۵۶ - ۱۵۰۱ م) و پدرش سلطان ابوسعید بن میرانشاه (۸۶۱ - ۸۷۳ ق ۱۴۵۶ - ۱۴۶۸ م) رسید .

وی شبی حضرت علی را بخواب دید و باشارت آنحضرت به آموختن شغل صحافی پرداخت و آنقدر شهرت یافت که بوسیلهٔ این هنر بمحضر مشاهیر عصر مانند رجال سابق‌الذکر رسید و کتب تاریخ وسیر را خواند .

انساب محمودی (ف)

این کتاب مشتمل بر پنج قسم است، چون درویش محمد صحاف بخاندان خادمان مرقد سلطان محمود و شهر غزنه رابطه داشت ، این کتابرا بنام سلطان الغ بیگ غازی بن سلطان ابوسعید اهدا داشت .

وی در مقدمهٔ انساب محمودی گوید : کـه علاءالدین جهانسوز چون برغزنی‌مسلط‌شد، اکثرعمارات سلطان‌را خراب کرده وکتب‌خانهٔ اکابرعظام را تاراج وغارت کرد و بعضی‌را به‌آتش بسوخت . چنانکه از کتب تواریخ و انساب در ولایت غزنین چیزی نماند ، بنابران مـن این انساب را از کتب تواریخ فراهم آوردم .

یك نسخهٔ خطی مغلوط این کتاب در ۵۵ صفحه بخط نستعلیق غلام‌حیدر ولد میرزا نجیب‌الله خان در مـوزیم غزنه است که بتاریخ غره ربیع‌الاول ۱۲۹۱ ق‌۱۸۳۷م دروقت‌حاکم غزنی‌خدانظرخان‌وردگ نوشته شده است (آریانا شماره ۲۹۵ سنبله ۱۳۵۰ ش) .

(۴۳) دمشقی (مصطفی حسینی)

از خطاطان نیمهٔ اول قرن ۲۰ عرب .

رسالة الیقین فی معرفة بعض انواع الخطوط والخطاطین (ع)

تألیف و طبع ۱۹۱۳ م در بیان انـواع خطوط و شرح احـوال برخی از خوشنویسان .

(۴۴) دوغلات (میرزا محمد حیدر کورگانی)

فـرزنـد محمدحسین کـورگانی والی کاشغرکه در سنه ۹۰۵ ق ۱۵۰۰ م درتاشکند بدنیا آمدودرسنه ۹۱۵ ق ۱۵۰۹م پیش خاله‌زاده‌اش بابر بکابل رفت ودرسنه ۹۱۸ ق ۱۵۱۲ م به سلطان سعیدخان حکمران کاشغرپیوست‌وسعید اورا بعد از ۹۲۰ ق ۱۵۱۳ م به لشکرکشی بدخشان و تبت فرستاد .

چون در سنه ۹۳۹ ق ۱۵۳۳ م عبدالرشید خان بجای سعیدخان

نشست ، محمدحیدر بلاهور گریخت ودرسال ۹۴۶ ق ۱۵۳۹م بحضور همایون در آگره رسید ، و در سنه ۹۴۸ ق ۱۵۴۱ م کشمیر را گرفت و درانجا حکمران بود ، تا که در سنه ۹۵۸ ق ۱۵۵۱ م در بغاوتی کشته شد .

تاریخ رشیدی (ف)

تألیف ۹۵۳ ق ۱۵۴۶ م که دفتر دوم آن درسنه ۹۴۸ ق ۱۵۴۱ م تألیف شده و شرح حال علما و شعرا و صورتگران و مذهبان دارد .

طبع : همین دفتر باهتمام پروفیسور محمد شفیع دراورینتل کالج میگزین لاهور ج ۱۰ ۳ مئی ۱۹۳۴م .

ترجمهٔ انگلیسی این فصل از ت ، دبلیو آرنولد در مجلهٔ تحقیقات شرقی لندن ج۵ ش ۴ (۱۹۳۰ م) ص ۶۷۱ - ۶۷۴.

متن فارسی: طبع سی، سلیمن در مجلهٔ آسیا، ج۹ چاپ سنت پترسبرگ ۱۸۸۸ م .

ترجمهٔ انگلیسی تمام کتاب : ن ، الیاس ، ای ، دینس راس. لندن ۱۸۹۵ م .

تمام متن فارسی : باهتمام سید حسام الدین راشدی در کراچی (زیر طبع) .

(۴۵) دوست محمد گواشانی هروی :

فرزند سلیمان و ازمردم قریهٔ گواشان جنوب غرب هراتست که در شاعری «گامی» تخلص میکرد و خطاط وصحاف و نقاش و مصور و مذهب و قطاع زبردستی بود ، که به کتابداری شاه طهماسپ اول رسید و بحضور بهرام میرزا صفوی راه یافت و اقلام نستعلیق و نسخ و

ثلث و رقاع وشکسته‌را درکمال استادی مینوشت وامضاهای او برکتب مخطوطش دوست محمدبـن سلیمان هروی و دوست محمد قـاطع یا مذهب و محرر موجود است .

وی در هرات در ثلث اول قـرن دهم هجری (اوائل قرن ۱۶ م) بدنیا آمده و شاگرد مـولانا قاسم شادیشاه است که در اوقات تألیف تحفهٔ سامی(۹۵۷ ق ۱۵۵۰ م) جوان خوش صحبتی بود ، ووفاتش بعد از (۹۷۲ ق ۱۵۶۴ م) واقع شده باشد . زیرا نسخهٔ مجالس العشاق (کتابخانهٔمدرسهٔ سپه‌سالارتهران) را به نستعلیق عالی‌درربیع الثانی‌همین سال نوشته است (رك : ۱۶۹ ایران) .

دیباجه دوست محمدکتابدار برمرقع بهرام میرزا (ف)

درسال۹۵۱ق۱۵۴۴م شهزاده بهرام‌میرزا (متوفا ۹۵۶ ق۱۵۴۹م) بن شاه اسماعیل اول صفوی بدوست محمد امر کرد که مـرقعی را از آثار اساتید ماضی وحال ترتیب وتزئین نمایدکه دران نمونه‌های هنری استادان خط و تصویرو تذهیب فراهم باشد .

نسخهٔ خطی این مرقع اکنون درکتابخانهٔ اوقاف توپقاپوسرای استانبول بشماره۲۱۵۴ بقطع‌رحلی‌دارای ۱۴۸ورق دوصفحه‌یی‌موجود است که هرصفحه چند قطعه خطوط خوش و تصاویر عالی و حـواشی زرافشان و بهترین تذهیب‌هـا دارد و مجموع مجالس تصویـر آن (۶۱) است .

دوست‌محمد بـرین مرقع نفیس هنری در سنه ۹۵۳ ق ۱۵۴۶ م دیباجه‌یی بقلم نستعلیق نیم‌جلی بسیار خوش نوشت که جامع احـوال خطاطان و مصوران و صحافان و مذهبان است و کتاب کوچکی است

که در تاریخ هنرهای کتابسازی بهترین مأخذ شمرده می‌شود ، و این وقتیست که مدرسهٔ هنری هرات ازدربارتیموریان بدربارصفویان انتقال کرده است .

طبع :

۱ - دیباجه دوست‌محمد بنام حالات هنروران ، طبع لاهور ۱۹۳۶ م با مقدمهٔ انگلیسی دکتر عبدالله چغتائی .

۲ - ازروی اصل مرقع ، طبع دکتر مهدی بیانی در احوال و آثار هنروران ج ۱ ص ۱۹۲-۲۰۳. چاپ تهران ۱۳۴۵ ش ۱۹۶۶ م .

۳ - ذکر برخی از خوشنویسان و هنرمندان : تعلیقات فکری سلجوقی هروی بردیباجهٔ دوست‌محمد کتابدار هروی ، طبع انجمن تاریخ افغانستان ،کابل ۱۳۴۹ ش ۱۹۷۰ م ۱۳۶ + ۳۴ جمله ۱۷۰ ص.

(۴۶) دولتشاه (امیر) بن علاءالدوله بختی‌شاه سمرقندی :

متخلص به علائی و از دانشمندان عصرسلطان حسین بایقراست و در سنه ۸۹۶ ق ۱۴۹۱ م هنگامیکه امیر علی‌شیر مجالس النفایس را مینوشت خبر وفاتش رسیده بود ، از آثار اوست :

تذکرةالشعرا (ف)

در سنه ۸۹۳ ق ۱۴۸۷ م تألیف و بنام امیرعلی شیر اهدا شده مشتمل بریك مقدمه در ذکر شعرای عرب و هفت طبقه و خاتمه درذکر هفت‌نفرشعرای معاصر که درهرطابقه ذکر ۲۰تن شاعرفاضل مسطوراست و یادی از شعرای خطاط و هنرمند هم دارد .

(برای نسخ خطی و ترجمه‌ها بنگرید : ستوری ۱/۷۸۵) .

چاپها :

بمبی ۱۳۰۵ ق ۱۸۸۷ م سنگی ۲۳۲ ص .

بمبی ۱۳۱۸ ق ۱۹۰۰ م سنگی ۲۲۱ ص .

لندن و لیدن ۱۳۱۸ ق ۱۹۰۱ م سربی ۵۴۰ ص + ۱۹ مقدمه فارسی + ۱۶ انگلیسی از ایدور براؤن .

آله‌آباد ۱۹۲۱ م سنگی.

لاهور ۱۹۲۴ م سنگی ۳۶۲ ص .

تهران ۱۳۳۷ ش ۱۹۵۸ م سربی ۳۵ + ۶۵۰ ص .

» ۱۳۳۸ ش ۱۹۵۹ م « ۳۵ + ۴۳۱ ص .

ترجمهٔ آلمانی‌وان همرطبع وین ۱۸۱۸ م .J. Von Hammer. J. Vienna 1818 .

ترجمهٔ ترکی فهیم سلیمان افندی در سنه ۱۲۳۳ ق ۱۸۱۷ م. بنام سفینة‌الشعرا طبع استانبول ۱۲۵۹ ق ۱۸۴۳ م.

ترجمهٔ انگلیسی طبقه ۱ تا ۳ ازوچه P. B. Vachha طبع بمبی ۱۹۰۹ م .

(۴۷) راقم (سید شریف سمرقندی) :

اخوند ملا شرف‌الدین اعلم بن نورالدین اندجانی که درجوانی بسمرقند آمد و در اواسط قرن ۱۷ زندگانی داشت .

تاریخ راقم (ف)

تاریخچه‌ییست حاوی‌وقایع ازسال ولادت تیمور ۷۳۶ ق ۱۳۳۵ م تا سنه ۱۰۵۵ ق ۱۶۴۶ م که درسنه ۱۱۱۳ ق ۱۷۰۲ م تألیف شده مشتمل بروقایع مشهور تاریخی و وفیات مشاهیر خراسان و ماوراءالنهراست

که دران جمله ذکر برخی ازخطاطان و هنرمندان هم دارد . این کتاب بنام تاریخ کثیره درحاشیه تحفة‌الاحباب رحمت‌الله واضح بخاری بسال ۱۳۳۲ ق ۱۹۱۳ م در تاشکند چاپ شد .

(برای نسخ خطی بنگرید : یادداشتهای قزوینی ۱۵/۲ فهرست کتابخانهٔ دانشکدهٔ ادبیات تهران ص ۶۵ مقالات الشعراء ۸۲ و ستوری ۳۷۷/۱) .

(۴۸) رضوی (کیوان) :

یکی از نویسندگان معاصر ایران .

تاریخچهٔ هنر و نقاشی ایران در دورهٔ اسلامی (ف).

یك سلسلهٔ مقالات درمجلهٔ بررسی‌های تاریخی طبع تهران. سال سوم شماره‌های ۲ - ۳ - ۵ سنه ۱۳۴۷ ش .

(۴۹) رضاعلی شاه قادری هندی :

از مؤلفان هند در عصر انگلیسی است که کتابی ازو باقیست :

مفتاح‌الخطوط (اردو)

تکملهٔ تذکرهٔ حبیب افندیست (رك : بدین‌نام) کـه در هند طبع شده است (؟) ویك‌ترجمهٔ آن نیزنشرشده که کلمان هوارت کرده است .

(۵۰) فراهی:

نام این مؤلف ناشناس فـراهی معلوم نیست ، وی نوادهٔ مـولانا عبدالله فراهی بود ، که در عصر اکبری در هند مدتی میزیست .

ریحان نستعلیق (ف)

درسنه ۹۸۹ ق ۱۵۸۱م درهند تألیف شده که نام«ریحان نستعلیق»

تاریخ تألیف آن بحروف جمل است .

این رساله مشتمل بر شرح ۱۲ خط است و برای هر خط یك فصل، که دران ذکر برخی از خطاطان و ازانجمله احوال مولانا علاءالدین محمد هروی خطاط ماهر هم آمده و از نسخهٔ خمسهٔ امیرخسرو که او نوشته و محمدمعصوم قندهاری ثم بکری درحین حکومت جونپور خریده ذکری شده است (برای آثار علاءالدین هروی بنگرید فهرست آخر کتاب) .

طبع : سنگی پونه بمبی ۱۹۴۱ م بسعی محمد عبدالله چغتائی در ۲۸ ص خط نستعلیق با مقدمه اردو و انگلیسی . (تاریخ تذکره‌ها ۶۴۹/۲) .

(۵۱) زکی محمدحسن مصری (دکتور) :

مورخ معاصر از هنرشناسان قرن حاضر ، از آثار اوست :

الف : التصویر فی‌الاسلام عندالفرس(ع):

تألیف دکتور موصوف بعربی ، طبع مصور قاهره ۱۹۳۵ م با ۸۶ شکل .

ترجمهٔ فارسی ابوالقاسم بن محمد زمان تفرشی ، طبع مصور تهران بنام «تاریخ نقاشی در ایران» ۱۹۵۹ م ۱۰۹ ص .

ب : الفنون‌الایرانیه فی‌العصرالاسلامی (ع)

طبع قاهره ۱۹۴۰ م ۳۶۱ ص با ۱۶ تصویر .

این هردو کتاب عربی‌در شرح احوال وآثار هنرمندان ونقاشان خراسان و عصر تیموریان مفیدند .

(۵۲) سام میرزا (ابوالنصر) بن شاه اسماعیل اول صفوی:

از شاهـزادگان فاضل دودمان صفویست کـه تولدش در مراغه ۲۱ شعبان ۹۲۳ ق ۱۹ سپتمبر ۱۵۱۷ م بوده و مدتها حکمران خراسان در هرات بود.

در سنه ۹۷۴ ق ۱۵۶۷ م در قلعهٔ قهقهه در منزلی کـه سام میرزا و اولادش موقوف بودند، زلزلهٔ عظیمی روی نمود و آن منزل برسر ایشان فرود آمد و مجموع هلاك شدند، و این تاریخ وفات او را زین‌العابدین‌علی‌عبدی بیگ‌نویدی شیرازی بن عبدالمؤمن متوفا ۹۸۸ق ۱۵۷۹ م صاحب تکملة‌الاخبار نوشته است (تاریخ تذکـره‌های فارسی ۱۵۷/۱).

تحفهٔ سامی (ف)

مشتمل بریك‌مقدمه وهفت صحیفه تألیف حدود ۹۵۷ ق ۱۵۵۰م در شرح احوال رجال مشهور مانند علما و سادات و شاهان و وزیران و ارباب قلم و فصحاء و عوام و غیره کـه گـاهی از هنرمندان نقاش و کتابسازان و خطاطان هم‌صحبتی دارد شامل تراجم ۶۳۳ نفر.

(برای نسخ خطی آن بنگرید: ستوری ۷۹۹/۱).

طبع مـولوی اقبال‌حسین در پتنه (هند) ۱۳۱۳ ش ۱۹۳۴ م در ۱۹۳ ص با مقدمهٔ فارسی و انگلیسی و فهرست.

طبع وحید دستگردی درمطبعهٔ ارمغان تهران ۱۳۱۴ ش ۱۹۳۶ م با فهرست در ۱۹۱ ص.

طبع قسمت راجع به هنروران: بسعی محمد شفیع دراورینتل کالج میگزین لاهورج ۱۰ شماره ۲ فبروری ۱۹۳۴ م. ص ۷۳ - ۱۲۸.

(۵۳) سجان رای (منشی بهنداری)

عالم هندی در فارسی و عربی و سنسکریت و یکی از منشیان عصر خویش در هند است که خطاط ماهرهم بود ، وی خلاصة‌التواریخ را درسنه ۱۱۰۷ ق ۱۶۹۶م تألیف کرد، و تألیف دیگرش خلاصة‌الانشاء تألیف ۱۱۰۲ ق ۱۶۹۰ م است و هم :

خلاصة‌المکاتیب (ف)

برای پسر خود درسنه ۱۱۱۰ ق ۱۶۹۸ م تألیف کرده که نسخهٔ خطی بی‌تاریخ آن در اندیا آفس موجود است (ایتهی ۲۱۰۹) .

طبع :

پروفسور محمد شفیع فصل تعریف خط آنرا در شماره اگست ۱۹۳۴ م اورینتل کالج میگزین طبع کرد. ج ۱۰ شماره ۴ ص ۶۶ - ۶۷.

(۵۴) سحر بدایونی (دیبی پرشاد) :

خطاط ومؤلف وشاعرمتخلص به سحرفرزند چنی‌لال اخگرست که بتاریخ ۱۴ دسمبر ۱۸۴۰ م دربدایون هند بدنیاآمد و دپتی‌انسپکتر مکاتب بود ازجملهٔ تألیفات اوست :

ارژنگ چین (اردو) درفن خطاطی وپیدایش هنرخطاطی بانمونه‌های خطوط مروجه‌آسیای میانه و ایران و هند .

طبع لکهنو (؟) .

(۵۵) سعید فتاح عباده :

از مؤلفان اوائل قرن ۲۰ عرب .

انتشار الخط‌العربی (ع) کتابیست مفید برتعمیم و انتشارخط عربی در شرق و تاریخ آن . طبع قاهره ۱۹۱۵ م .

(۵۶) سلطان علی مشهدی:

فرزند محمد یکی از باشندگان مشهد است که باغلب احتمال در سنه ۸۴۱ ق ۱۴۳۷ م تولد یافته و در همین شهر درس خواند و خوش‌خطی آموخت ودرین هنر آنقدر ترقی کرد که به خطاطی دربارسلطان حسین بایقرا رسید و القاب نظام‌الدین قبلة‌الکتاب وزبدة الکتاب و سلطان الخطاطین یافت و درایام سلطنت بایقرا (۸۷۳ - ۹۱۱ ق ۱۴۶۸ ۱۵۰۵ م) در کتابخانهٔ خاصهٔ سلطنتی هرات بعنوان «کاتب‌السلطانی» بنوشتن کتب و قطعات زیاد پرداخت و آثار منظوم و منثور جامی را در هرات کتابت کرد و سلطان هرات و دربار او را بنظر احترام دیدندی . ولی چون شیبانی‌خان اوزبك هرات را فتح کرد ، وی از هرات در مشهد عزلت گزید و بتاریخ ۱۰ ربیع‌الاول ۹۲۶ ق ۱۵۱۹ م بسن ۸۵ سالگی از جهان رفت و در پای مرقد حضرت امام رضا مدفون است .

(برای آثار باقیهٔ مخطوط او بنگرید : احوال و آثار خوش‌نویسان ۱/۲۴۱ ببعد و هم این کتاب از روی فهرست) .

رسالهٔ منظوم در علم‌خط نستعلیق (ف) سلطان‌علی مشهدی یك رساله مثنوی منظومی در ۲۷۰ بیت درمحرم ۹۲۰ق ۱۵۱۳م سروده که بنامهای صراط‌السطور یا صراط‌الخطوط وقواعدخطوط نیز نامیده شده و مطالب

مهمی دربارهٔ تاریخ خط و تعلیم و اصـول ولوازمو قواعد آن دارد و باین ابیات آغاز میگردد :

ای قلم نیز کـن زبان بیان بهر حمد خدای هر دو جهان
آن خدایی کـه آفـریده قلم زان قلم حرف صنع کرده رقم

بعد از حمد و نعت و نسبت خط بحضرت شاه ولایت گوید :

در جوانی بدی بخط میلم عشق خط راندی از مژه سیلم
بر سر کوی کم قـدم زدمی تا تـوانستمی قلم زدمـی . . .
از قضا میر مفلسی روزی پیشـم آمـد بسان دلسـوزی
قلم و کاغذ و دواتم جست بیست‌ونه‌حرف‌را زحرف نخست
بنوشت و روان بدستم داد شـدم از التفـات او دلشـاد
زانکه‌ابدال بودوصاحب حال گشته حـالش مبـدل الاحـوال
زین سبب‌عشق خطزیاده شدم دل گرفتار مرد ساده شدم . . .

دریـن مثنوی بیان حسن خط ، بیان قلم، بیان مـرکب ساختن، تعریف کاغذ ورنگ کردن ، باب آهار ساختن و کاغذ آهار کردن ، صفت مهره‌زدن، تعریف قلم‌تراش ، باب قلم‌تراشیدن ، بیان قطزدن قلم، بیان تجربهٔ قلم به نقطه، بیان‌واضع خط نستعلیق خواجه میرعلی، بیان ترکیب و قواعد خط و نقل خط ، و ذکر تعلیم خط و قواعد آن ، بیان کشش‌-های خط ، بیان تعلیمات مفردات ، بیان خوش‌نویس‌شدن ، بیان انـزوا که لازمهٔ خوشنویسی است نظم شده است و در آخر آن گوید :

بود هشتاد و چار عمر عزیز گشته زایل تمام عقل و تمیز . . .
سال تاریخ نظم این نـامـه نهصد و بیست زد رقـم خـامـه
بـود ماه نخست اول سال کـه بآخـر رسید قیل و مقال

نسخه‌های خطی :

کتابخانهٔ ملی پاریس، بودلیان انگلستان ، انجمن آسیائی کلکته. بخط میرعماد در کتابخانهٔ مهندس عباس مزدا (تهران) بخط خود سلطان‌علی مشهدی در کتابخانهٔ عمومی لنین گراد ، که از روی آن یك نسخهٔ عکسی با مقدمهٔ روسی خانم گالیناکاستی نوا در لنین گراد بسال ۱۹۵۷ م چاپ شده‌است. این نسخهٔ مخطوطهٔ خودمؤلف که بسیارمزین است از طرف شاه‌عباس صفوی بر آستانهٔ شیخ‌صفی‌الدین‌اردبیل وقف‌بود، ولی درسنه ۱۸۲۷م بانسخ دیگر آن کتابخانه به کتابخانهٔ عمومی‌لنین گراد نقل شده است . و هم ترجمهٔ انگلیسی آنرا پروفیسور مینورسکی از روی نسخهٔ خطی گلستان هنر بسال ۱۹۵۹ م در واشنگتن نشر داد (احوال و آثار خوشنویسان ۱/۲۴۱) طبع متن کامل فارسی منظوم این رساله در نسخهٔ مطبوع گلستان هنر (ص ۶۴ – ۷۸) صورت گرفت ، که این کتاب در سنه ۱۳۵۲ ش در تهران از طرف بنیاد فرهنگ ایران چاپ شد .

(۵۷) سنگلاخ (میرزا محمدعلی خبوشانی خراسانی)

وی دانشمند جهانگرد نستعلیق‌نویس و هنرشناسی بود که مدتها برای دیدن آثار هنری سیاحت میکرد و مدتی در ترکستان و افغانستان و ترکیه و مصر میگشت و در قندهار چندین قطعه خطوط میرسیدعلی جواهر رقم و مذهب و کتابدار شاه‌جهان را دید ، و در سنه ۱۲۹۴ ق ۱۸۷۷ م در تبریز مرد .

تذکرة‌الخطاطین مسمی به امتحان‌الفضلا (ف)

در دومجلد ویك دیباجه که دران‌احوال‌قدمای‌خطاطان‌نستعلیق و

نسخ و خوشنویسان دولت عثمانی و رسالهٔ منظوم سلطان علی‌مشهدی و مدادالخطوط میرعلی هروی هم آمده است .

طبع: ۱- مجلداول درسنه۱۲۹۱ق ۱۸۷۴م در۴۶۵صفحه‌ومجلد ثانی در ۱۲۹۵ ق ۱۸۷۷ م بخط نسخ خوش میرزا محمد علی و نقاشی میرزا عبدالعلی مذهب اصفهانی در مطبعهٔ کربلائی اسدآقا واقع تبریز بطبع سنگی رسیده که نهایت نفیس است ، ولی زبان آن در نهایت پیچیدگی و ساختگی است که فهم آن دشوار باشد .

۲ - طبع سنگی استانبول ۱۲۷۶ م باهتمام نجف علی دانش ۱۷۶ + ۱۴۵ + ۱۳۱ ص. (تاریخ تذکره‌ها ۵۷۵/۲)

۳ - دکترمهدی بیانی درتهران بسال ۱۳۲۵ش تذکرةالخطاطین را تهذیب و تلخیص کرده و بزبان ساده نوشته است که شامل تراجم ۹۵ تن خطاطست از ابن‌مقله تا میرعبدالرحمن هروی (تاریخ مذکور- ۶۰۳/۲) .

۴- اصول‌خطوط ستهٔ‌آنرا ایرج‌افشار درنشریهٔ فرهنگ‌ایرانزمین دفتر ۱ - ۴ طبع کرده است .

(۵۸) سید احمد مشهدی:

از سادات حسینی مشهد و پدرش شمع‌ریز بود ، وی مدتی در بخارا از میرعلی هروی مشق خط کرد ، و در سنه ۹۶۹ ق ۱۵۶۱ م واپس بهرات‌آمد و در حدود ۹۸۴ ق ۱۵۷۶ م بخدمت شاه طهماسپ پیوست . وفاتش در ۹۸۶ ق ۱۵۷۷ م است . کتابهای خطی زیاد و قطعات بامضای اودر کتابخانه‌های دنیا موجود است و یك‌مرقع خاص

خطوط او در کتابخانهٔ یونیورسیتی استانبول است .

(برای آثار او بنگرید : این کتاب از روی فهرست آخر) .

مقدمه مرقع امیر غیب بیگ (ف)

غیب بیگ از امرای دربار شاه طهماسپ است کـه این مـرقع بهترین قطعات خوش نویسی و نقاشی و تذهیب آن عصر ، برای او بهمت سید احمد مشهدی ساخته شده و بسال ۹۷۱ ق ۱۵۶۳ مقدمه‌یی بـران بخط خود نوشته است ، که دران ذکر بسا خوشنویسان انواع خطوط آمده و تمام مرقع درسه سال تا ۹۷۳ ق ۱۵۶۵ میلادی تکمیل شده که منبع مفید تاریخ هنرخطاطی و نمونه‌های خطوط و نقاشی استادان بزرگ مکتب هراتست .

مخطوطه : خزینهٔ اوقاف توپقاپوسرای استانبول شماره ۲۱۶۱ و ۲۱۵۶ .

(۵۹) شاغل عثمانی (مولوی احترام‌الدین احمد)

خطاطومورخ وشاعرهند، ساکن‌جیپور درحدود ۱۹۵۰م از آثار اوست :

صحیفهٔ خوشنویسان (اردو)

مشتمل برتاریخ‌خط‌واحوال‌وآثارخوش‌نویسان‌قدیم‌تاعصر مؤلف با شرح سامان ولوازم و اصطلاحات واصول خوش‌نویسی و نمونه‌های وصلی اساتید خط با یك شجرهٔ خوش‌نویسان .

طبع علی‌گر ۱۹۳۳ م ۲۶۶ ص + ۵۷ نمونهٔ خطوط .

(۶۰) شاهی (سبزواری ، امیر) :

نامش امیر آق‌ملك متخلص به «شاهی» پسر ملك جمال‌الدین و مولدش سبزوار بود ، که بایسنغر میرزا او را بهرات آورد و بعد از ان بدربار ابوالقاسم بابر در استرآباد بود ، تا که در سنه ۸۵۷ ق ۱۴۵۲ م بمرد و در سبزوار دفن شد .

وی شاعر و موسیقی‌دان و در انواع خطوط ماهر بود و دیوان شعر او مشهور است و نسخه‌های خطی فراوان دارد که بخط اساتید مکتب هرات در برخی از مخازن مخطوطات دنیا موجوداند. درین دیوان اشعار ، مطالبی درتاریخ هنر عصر تیموریان بدست می آید . از جملهٔ مخطوطات دیوان شاهی: مجدول مذهب سرلوحدار حاشیه الوان‌افشان بطلامصور بخط زین‌الدین در گنجینه شیخ صفی‌دراردبیل (ایران) وسه‌مجلددیگر همین دیوان بخط سلطان‌محمدخندان با جداول وتذهیب و حواشی الوان‌افشان در همین خزینه .

(۶۱) صادق‌علی‌خان دهلوی :

از خطاطان هند در حدود ۱۹۰۰ م ، از آثار اوست :

قواعدالحروف (اردو) :

دربارهٔ اصول خطوط و ذکر برخی از اساتید خوش‌نویس .
طبع دهلی (تاریخ چاپ ندارد) .

(۶۲) صادقی بیگ افشار (کتابدار)

وی شاعرونقاش و کتابدار و مؤلف عصرشاه عباس اول صفوی

وشاگرد مظفرعلی خواهر زادهٔ بهزاد است که در سنه ۹۴۰ ق ۱۵۳۳ م در تبریز زاد، و درسنه ۱۰۱۸ ق ۱۶۰۹ درگذشت که تاریخ وفاتش از مجموعهٔ حروف این مصراع میرالهی‌همدانی بحساب جمل برمی‌آید:

« دگرعجب که دمد صبح صادق ازشب ما » = ۱۰۱۸

این شخص هنرمند که بقول قاضی احمد قمی « در فن نقاشی و تصویر بیعدیل»[۱] بود، به درشتی و تند خوئی شهرت داشت و طوریکه اسکندر بیگ‌درعالم آرای عباسی گوید: «درجنگ استرآباد، جلادتهای بی عقلانه ازو بظهور رسید » وی غالباً همان کتابدار صفویه است که جهانگیر پادشاه هندوستان درتزك خود از سرقت او ذکری دارد، که یك مرقع مصور امیرتیمورکار امیر خلیل را از کتابخانهٔ شاهی صفویه کشیده وبرخان عالم میرزا برخوردار، یکی از رجال درجه‌اول وسفیر جهانگیردرایران فروخته شده بود تاکه آنرا به هندوستان آورد.[۲]

دریك مجموعهٔ نقاشی کتابخانه مدرسهٔ شرقیهٔ لنین‌گراد « شبیه تیمورخان ترکمان » موجود است و بران نوشته‌اند : درسنه ۱۰۰۲ ق ۱۵۹۳ م مرحوم صادقی بیگ افشار ساخته بود، بندهٔ کمینه معین مصور درسنه ۱۰۵۹ ق ۱۶۴۸ م باتمام رسانید.» و ازین هم مقام رفیع صادقی درهنر پدید می آید .

از آثار او دیوان فارسی وترکی ومنشآت وفتوحات شاه عباس

۱ــ گلستان هنر ۱۵۲.

۲ــ تزك جهانگیری طبع میرزا هادی درلکهنو ۱۳۲۷ق صفحه ۲۸۷. قراریکه خود جهانگیر می‌نویسد : بتاریخ ۲۰ صفر ۱۰۱۸ ق میرزابرخوردار را بخطاب «خان عالم» سرافراز ساختم (تزك جهانگیر ۲۵) .

و مثنوی سعدوسعید را ذکر کرده‌اند، ودو کتاب ذیل اوچاپ شده‌است:

الف : مجمع‌الخواص (ف)

درسنه ۱۰۱۶ق ۱۶۰۷م بترکی چغتائی تألیف شده و مشتمل بر هشت مجمع و تراجم ۳۳۳ تن شعرای فارسی وترکی زبان که ازعهد شاه اسماعیل اول تا دورهٔ شاه عباس اول در مدت یك قرن تاآغاز قرن ۱۶ م میزیستند و هم بعضی ازانها خطاط و هنرمند بوده‌اند، و صادقی برخی ازاوضاع هنری عصرخود را روشن ساخته است.

طبع : متن ترکی و ترجمهٔ فارسی آن از دکتر عبدالرسول خیامپور در تبریز ۱۳۲۷ ش ۱۹۴۸ م ۳۲۷ ص.

(برای نسخ خطی آن بنگرید : تاریخ تذکره‌ها ۱۳۲/۲ مقدمه مجمع‌الخواص چاپی و ستوری ۱۳۳۵/۲).

ب : قانون‌الصور (ف)

صادقی این کتاب خود را در فن نقاشی و لوازم و اسباب آن در بحر هزج مسدس بنام قانون‌الصور منظوم ساخته که درتاریخ هنرنقاشی بسیار مفید است و چنین آغاز می‌شود :

سلاطین را در آغاز جوانی بخدمت صرف کردم زندگانی
شمردم عار آیین دگر را فرو نگذاشتم رسم پدر را
ولی گاهی زطبع نکته زایم بگوش دل رسیدی این ندایم
که ازقرب‌سلاطین دوری‌اولی ازین بزم هوس مهجوری اولی
مکن این‌نکته را ازمن‌فراموش که تاباشی پی کسب‌هنر کوش ...

صادقی اینچنین بفکر تحصیل هنر بهزادی می‌افتد و بشاگردی

مظفرعلی تلمیذ و خواهرزادهٔ بهزاد میرسد :

تمنای دلم این بـود پیوست   کـه گیرد همت بهزادیم دست
بآیین هوس میشد ز هر سو   دلـم استادبهـزادی نسب جـو
شدآخرهادیم روشن‌ضمیری   چراغ‌افروز رایم دستگیری . . .
یکی از وارثان کلك بهزاد   زشاگـردی او بهزاد دلشاد . ..
چـو نـام نامی آن پیر سرور
شدم بر کشوراین فن مظفر

مثنوی قانون‌الصور عناوین ذیل دارد :

سبب نظم این رساله .
نصیحت فرزند .
صفت نقاشی وبستن قلم موی .
گرفتن قلم .
رنگ‌آمیزی .
صفت شستمان .
حل طلا و نقره.
تعریف صورتگری .
صفت جانورسازی .
بیان رنگ و روغن .
طریق رنگ جسمی .
آداب نقره‌بوش .
قاعدهٔ رنگ زنگار .
روش رنگهای سریشمی .

ساختن سفیداب و سرنج .
زنگار ساختن .
شنجرف پختن .
ساختن لعلی .
پختن روغن کمان.

طبع : قانون‌الصور در ذیل ص ۱۵۳ - ۱۶۴ فصل چهارم گلستان هنر طبع بنیاد فرهنگ ایران در تهران در سنه ۱۳۵۲ ش چاپ شده است .

(۶۳) صنیع‌الدوله (محمدحسن خان مراغی اعتمادالسلطنه)

فرزند حاجی علیخان مقدم مراغی از رجال علمی دورهٔ قاجاری ایرانست که بتاریخ ۲۱ شعبان ۱۲۵۸ ق ۱۸۴۱ م درتهران متولدگردیده و روز جمعه ۱۵ شوال ۱۳۱۳ ق ۱۸۹۵ م بسن ۵۳ سالگی در تهران بمرض سکته بمرد و در وادی‌السلام نجف مدفون است .

وی مدتها ریاست دارالطباعهٔ دولتی و دارالترجمهٔ ناصرالدین شاه را با لقب «صنیع‌الدوله» داشته و هم از سنه ۱۳۰۰ ق ۱۸۸۲ م تا آخر عمر وزیر انطباعات و عضو مجلس شورای دولتی بود . در سنه ۱۳۰۳ ق ۱۸۸۵ م عضو انجمن آسیائی پاریس ، و در سنه ۱۳۰۶ ق ۱۸۸۸ م عضو انجمن آسیائی لندن و در سنه ۱۳۰۴ ق ۱۸۸۶م لقب اعتمادالدوله یافت و مؤلف کتابهای متعدد و ناشر جرائد دولتی و سفرنامه‌هاست که یکی ازانست :

مطلع‌الشمس . (ف)

در بیان جغرافیا و تاریخ بعضی از بلاد خراسان که بخش دوم جلد سوم آن درذکر شعراء و مشاهیر خطاطان مشهد است ازص ۴۲۳ تا ۴۵۰ .

طبع سنگی جلد اول ۱۳۰۱ ق ۱۸۸۳ م در تهران .
» » جلد دوم ۱۳۰۲ ق ۱۸۸۴ م »
» » جلد سوم ۱۳۰۳ ق ۱۸۸۵ م »
(تاریخ تذکره‌ها ۷۸۸/۲)

(۶۴) طیبی شافعی (محمدبن حسن)

خطاط و مورخ عربی قرن ۱۶ م .

جامع محاسن کتابة الکتاب و نزهة اولی‌البصائر والالباب (ع)
کتابیست مشتمل بر تاریخ و آداب کتابت تألیف ۹۰۸ ق ۱۵۰۲ م.
طبع : بیروت ۱۹۶۲ م .

(۶۵) عبدالاحد رابط :

فرزند محمد فایق از خطاطان و نویسندگان هند است در قرن ۱۸ م .

قواعد ابجد و قانون خوشنویسی (ف)
کتاب کوچکی‌است در قواعد خط و بیان برخی از خطاطان .
مخطوطهٔ مجموعهٔ سالار جنگ دکن شماره ۱۴۳۶ .

(۶۶) عبدالباقی نهاوندی (ملا ، خواجه)

متولد در جولك نهاوند در سنه ۹۷۸ ق ۱۵۷۰ م و نام پدرش آقابابا مدرکی (وزیر همدان متوفا ۱۰۰۰ ق ۱۵۹۱ م) است . چون برادرش آقا خضرا وزیر کاشان در سنه ۱۰۱۶ ق ۱۶۰۷ م کشته شد، وی از شغل وزارت همدان استعفا کرده و بکاشان آمد و ازانجا درسنه ۱۰۲۳ ق ۱۶۱۴ م بهند رفت و در دکن میزیست و با عبدالرحیم خان-

خانان محشور بود، تا که درسنه۱۰۴۲ق ۱۶۳۲مدرهند بمرد(؟) درحالیکه در یك مخطوطهٔ کلکته (ایوانوف ۱۴۰) یادداشتهای او تا سنه ۱۰۴۶ق ۱۶۳۷ م موجود است (ستوری ۵۵۳) .

مآثر رحیمی (ف)

درسنه ۱۰۲۵ق ۱۶۱۶م بنام عبدالرحیم خان خانان تألیف شده، که قسم‌سوم خاتمهٔ آن دربیان سپاهیان ومستعدان و هنرمندان اصنافست و ذکر ۴۸ نفر دارد (ج ۳ ص ۱۵۷۷ – ۱۶۹۷) .

طبع : بسعی هـدایت حسین در سه جلد بـزرگ ۱۶۹۹ ص در کلکته ۱۹۱۰ – ۱۹۳۱ م . (تاریخ تذکره‌ها ۲/۷۴۶) .

(۶۷) عبدالرزاق بن اسحاق سمرقندی :

در سنه ۸۱۶ ق ۱۴۱۳ م در هـرات تـولد یافته و در همین شهر پـرورش دید . عالم ، مورخ ، نثرنگار و منشی و شاعـر و به دربار محشور بود .

درسنه ۸۴۵ ق ۱۴۴۱ م از دربار شاهرخ به هند جنوبی فرستاده شد وازانجا درسنه۸۴۸ق۱۴۴۴م بهرات برگشت ودرسال‌رحلت شاهرخ ۸۵۰ ق ۱۴۴۷ م بسفارت‌گیلان رفت و درعهدسلطان ابوسعید تیموری روزیکشنبه سیوم جمادی‌الاولی ۸۶۷ ق ۱۴۶۲م ازطرف صاحب اعظم خواجه قطب‌الدین‌طاؤس‌سمنانی بحضورامراء ووزراء و اهالی‌هرات، منصب شیخی خانقاه همایون بدو سپرده شد، و درزمان شاهرخ متعهد مناصب بـزرگ، و درخدمت شاهـزادگان تیموری بمنصب صدارت رسید و اکثر وقایع عصر بعد از شاهرخ را بچشم دید و آنـرا نوشت

و در ضمن حوادث ، برخی اطلاعات مفید درباره هنر خط و نقاشی و هنرمندان هم دارد .

سمرقندی در هرات بتاریخ ۸۸۷ق ۱۴۸۲ م مرد .

مطلع سعدین ومجمع بحرین (ف)

تاریخ مفصل است در دو جلد ، که جلد اول آن از سنه ۷۰۴ تا ۸۷۵ ق (۱۳۰۴ - ۱۴۷۰ م) مشتمل وقایعست از ولادت سلطان‌ابوسعید بهادرخان تا روز پنجشنبه ۲۷ محرم ۸۷۵ ق که جمله ۱۷۱ سال بقید هرسال باشد و این وقایع را یا ازمؤلفات حافظ ابرو ویا ازمشاهدات خود نوشته است ، که نسخه‌های خطی آن در اکثر کتابخانه‌ها و از- انجمله‌در کتابخانهٔ خطی کابل‌وانجمن تاریخ‌کابل (تحریر بلخ در۱۲۴۵ق ۱۸۲۹ م ۷۸۰ ص) موجود است .

طبع :

جلد دوم جزو اول : وقـایع ۸۰۷ تا ۸۳۳ ق ۱۴۰۴ - ۱۴۲۹ م
طبع مـولوی محمد شفیع ۱۳۶۰ ق ۱۹۴۰ م در لاهـور ۲۲ مقدمه+۶۶۵ ص .

جلد دوم جزو دوم وسوم:وقایع۸۳۳ تا ۸۷۵ق ۱۴۲۹ - ۱۴۷۰م
طبع‌محمدشفیع‌درلاهور۱۹۴۹م۱۰ مقدمه+۶۲۱تا۱۴۴۱ص
با تعلیقات جمله ۱۵۵۸ ص .

(برای شرح نسخ خطی وترجمه‌ها بنگرید :ستوری ۱/ ۲۹۳ببعد).

(۶۸) عبدالعزیز (جواهر کلام)

نویسندهٔ معاصر ایرانی .

کتابخانه‌های ایران پیش از اسلام تا این عصر (ف)

طبع تهران ۱۳۱۳ ش ۱۰۷ ص .

(۶۹) عبدالله صیرفی (خواجه)

ولد خواجه محمود صراف تبریزیست که در خدمت سید حیدر شاگرد یاقوت مستعصمی بدرجهٔ استادی رسید ودرخطوط سته مخصوصاً نسخ بی‌نظیر شد ، شاگرد و خواهرزاده‌اش شیخ محمد بندگیر درعصر امیر تیمور در خطوط سته شهرت یافته ، وفات صیرفی ۷۵۳ ق ۱۳۵۱م است .

خطوط سته یا رسالهٔ خط (ف)

یکی از رسائل قدیمتر خطاطان اسلامی برانواع خط و اصول خطوط سته است در یك مقدمه و دوباب و یك خاتمه که سند استادان عراق و خراسان بود و یعقوب سراج حسینی‌شیرازی در تحفةالمجالس وفتح‌الله سبزواری دردیباجهٔ اصول قواعد سته ازان استفاده کرده است.

مخطوطه : در رضا لایبریری رامپور هند و دانشکدهٔ الهیات مشهد ۲۱۷ وکتابخانهٔ مجلس تهران ۵ : ۴۹۹ .

(۷۰) عبدالله مروارید (خواجه شهاب‌الدین بیانی‌هروی)

فرزند شمس‌الدین محمد کـرمانی و متولد شهر هرات و مـرد سیاست و علم و ادب وهنر است که خطاط ومنشی دربار سلطان حسین بایقرا و هم مدتی بعد از استعفای امیرعلی‌شیر «صدر» بود ، و مثنوی مونس‌الاحباب ازوست . وفاتش در هرات سال ۹۲۲ ق ۱۵۱۵م است.

شرفنامه یا منشآت مروارید (ف)

مجموعهٔ منشآت ومکاتبات وفرامینی است که وی بنام شرف‌نامه فراهم‌آورده و دران مقدمه‌یی موجود است که او برای «مرقع میرعلی

شیر» نوشته (ص۷۴ الف) وهم مطالبی درتاریخ خط و کتابسازی دارد.
طبع : عکسی اصل نسخهٔ فارسی بخط نستعلیق خوش با ترجمهٔ المانی و تفسیرهانس روبرت رومر، درسلسلهٔ نشرات مستشرقین اکادیمی ماینس (جلد سوم) ویسبادن ۱۹۵۱ م .

(۷۱) عبدالله بن عیسی بیك تبریزی (میرزا ، افندی)

از دانشمندان اواخر عهد صفوی و معاصر محمدعلی حزین در حدود ۱۱۳۵ ق ۱۷۲۲ م است که دراصفهان کتابخانه‌یی داشته است .

ریاض العلماء وحیاض الفضلاء (ف)

در احوال علمای اسلامی که دران ذکر بسا کتابخانه‌ها و کتب هم آمده است .

مخطوطه : کتابخانهٔ شیخ محمدباقر اصفهانی ۲ جلد و نسخه ثقة الاسلام تبریزی .

(تاریخچه کتابخانه‌ها ۸۱ - ۸۴)

(۷۲) عبدالله (دکتور ، چغتائی)

از هنرشناسان معاصر در لاهور .

اسلامی مصوری (اردو)

طبع لاهور ۱۹۳۶ م. ص۶۲

(۷۳) عبدالمحمد (حاج میرزا ، ایرانی)

مدیرمجلهٔ چهره نما درقاهره وزنده درحدود ۱۹۰۴م - ۱۹۲۶م.
مؤلف امان التواریخ وفؤاد التواریخ و غیره .

پیدایش خط وخطاطان (ف)

تذکرهٔ خوشنویسان و تاریخ خطوط اسلامی (مصور) .

طبع قاهره ۱۳۴۵ ق ۱۹۲۶ م ص ۲۶۴ .

(۷۴) علاءالدوله بن میر یحیی (حسینی قزوینی)

خانـدان وی از سادات سنی مذهب قزوین بـود کـه کاکایش میرعبداللطیف از قزوین بهند آمد و بدربار همایون رسید و خطاب «نادرالملك همایون شاهی» یافت و بسبب هنرمصوری مورد توجه دربار گردید و «تصویرات او را تعریفات» میفرموده‌اند .

خود علاءالدوله در سنه ۹۶۳ ق ۱۵۵۶ م بدربار اکبر پیوست ومرد فاضلی بود که درشعر «کافی» تخلص داشت، وفاتش را درسنه ۹۸۲ ق ۱۵۷۴ م نوشته‌اند .

نفایس المآثر (ف)

تذکرهٔ شعرای فـارسی سلف و خلف است که در سنه ۹۷۳ ق ۱۵۶۶ م بتألیف آن در هند آغاز کرده (نام کتاب تاریخ آغاز آنست) و بموجب تاریخهائی که در مخطوطه علی‌گر مرقومه ۱۰۸۵ ق ۱۶۴۸ م نوشته در ۹۹۸ ق ۱۵۸۹ م ختم شده است ، که دارای شرح حال دقیق و اشعار ۳۵۰ شاعر استو ازانجمله ۶۱ تن هندی فارسی گوی‌اند .

مؤلف نفایس‌المآثر در ضمن ذکـر شعراء ، نکات بسیار مفیدی دربارهٔ تاریخ هنر وکتابنویسی هم دارد وخود وی مؤلف کتابیست در فن خطاطی بنام صحیفةالارقام .

ازجملهٔ اطلاعات مفید اودرهنرکتابسازی شرح حال میرسیدعلی

و ترتیب مرقع مصور قصهٔ امیرحمزه در ۱۲ جلد بامر اکبر است .

علاءالدولـه مینویسد : میرعلی در سنه ۹۵۶ ق ۱۵۴۸م در کابل بملازمت همایون رسید و حالا بحکم شاه اکبر در کتابخانهٔ او ازهفت سال به تصویر قصهٔ امیرحمزه مشغولست و بـرمرقعات ، هرواقعهٔ قصه را در تصویر نشان میدهد و از دقایق صورتگری دقیقه‌یی نامرعی نمیگذارد، وخلاصهٔ مطلب همان صفحه‌را خواجه عطاءالله منشی قزوینی در قسمت بالای صفحه مرتب می‌سازد .

این مرقع در ۱۲ جلد هرجلد صد ورقی ختم خواهد شد که هر ورق آن یك ذراع در ذراع است دارای دو مجلس تصویر .

هفت سال است که سی نفر برین مرقع کار میکنند تاکنون چهار جلد آن ختم نشده. چون اکنون میرسیدعلی به‌حج رفت، اهتمام این کار بخواجـه عبدالصمد شیرازی سپرده شد . (نفایس‌المآثـر خطی نسخهٔ پروفیسر سراج‌الدین آذر لاهوری) .

همین مطالب در آیین اکبـری (۱۱۷/۱) و منتخب‌التواریـخ بدایونی (۲۱۱/۳) هم مختصر گردیده ، و بدایونی هم تخلص میرسید علی را (جدائی) نوشته و گوید : که هرصفحه تصویروی کارنامه‌ایست و در هندوستان ثانی مانی‌بود وقصهٔ امیرحمزه در۱۶جلد مصورساخته، هر جلدی صندوقی و هر ورقی یك ذرع در یك ذرع ، و در هرصفحه صورتی» . در آیین اکبری (۵۴/۱ کلکته) نام وی سید علی پسر میر منصور است (؟)

متن نفایس‌المآثر دربارهٔ سیدعلی اینست :

«جـدائی : اسمش میر سیدعلی و خلف صدق میرمصور مشهور

است . اصل ایشان از ترمذست وبعضی اوقات اجداد وی در بدخشان می‌بوده‌اند . میر حیثیات بسیار دارد و در وادی تصویر که امر موروثی اوست استاد بی‌نظیر است و در فن شعر و دریافت آن بغایت بهره‌مند و خبیر . . . . »

درآخر این شرح حال ، پنج بیت جدایی را آورده و گوید : قصائد و مقطعات و رباعیات بسیار دارد ، ولی بدایونی اضافه کرده که جدائی‌دیوان اشعار خود را مکمل کرده است . (دربارهٔ مخطوطات نفایس‌المآثر بنگرید : تاریخ تذکره‌های فارسی ۳۶۴/۲ ببعد وستوری ۸۰۰/۱) .

(۷۵) علی‌شیر (میر ، قانع تتوی)

ازمشاهیرمورخان قرن ۱۸ م درتته‌سند است (۱۱۴۰ – ۱۲۰۳ ق ۱۷۲۷ – ۱۷۸۸ م) که اجدادش از هرات بسند رفته بودند ، وی مؤلف ۴۳ جلد کتاب فارسی است در تاریخ و تذکرهٔ شعراء و اشعار .

تحفة‌الکرام (ف)

تألیف بین‌سال ۱۱۸۰تا ۱۱۸۸ (۱۷۶۶ – ۱۷۷۳ م) مشتمل برسه جلد ، که جلد دوم‌آن ذکرحالات ملوك و اعیان و فضلاء و وجوه اهل هنر هم دارد .

طبع سنگی لکهنو ۱۳۰۴ ق ۱۸۸۶ م در ۳۴۲ ص .

طبع دوم باهتمام و تحشیه سید حسام‌الدین راشدی در کراچی ۱۹۷۱ م.

(۷۶) علی شیر نوائی (میر نظام‌الدین فانی)

بن امیر کچکینه بهادر ، متولد هرات در ۱۷ رمضان ۸۴۴ ق ۹ فبروری ۱۴۴۱ م و متوفا در هرات ۱۲ جمادی‌الاخری ۹۰۶ ق ۳ جنوری ۱۵۰۱ م از رجال معروف علم و ادب و سیاست آسیای میانه و صاحب تألیفات زبان ازبکی و وزیر مقتدر سلطان حسین بایقرا و پرورندهٔ هنر در مکتب هراتست ، و از جملهٔ تألیفات اوست :

مجالس‌النفانس (ف)

تذکرهٔ شعراء بزبان ترکی چغتائی (ازبکی) است که ذکر مختصر ۳۸۵ تن شعرای فارسی و ترکی قرن نهم هجری (۱۵ م) از سمرقند تا تبریز دارد ، ودرسنه ۸۹۶ ق ۱۴۹۱ م یعنی ده سال قبل ازوفات مؤلف آن امیرعلی‌شیر تألیف یافته است .

درین کتاب ذکر برخی‌ازرجال هنرمند وخطاط دربار این وزیر دانشمند هم آمده و ازان ترجمه هـای فارسی یا تکمله های ذیل موجود است :

۱ ـ مجالس‌النفایس فارسی مسمی به لطائف‌نامه ترجمه سلطان محمد بن امیری متخلص به فخری هـروی در سنه ۹۲۸ ق ۱۵۲۱ م با برخی ایزادات ، که قسم پنجم مجلس نهم آن مخصوص ارباب هنر یعنی خطاطان و نقاشانست .

طبع اول تاشکند ۱۹۰۸ م .

طبع دوم : دراورینتل کالج میگزین (اگست ۱۹۳۱ - ۱۹۳۳ م) .

طبع سوم : مکمل بضمیمه ترجمه حکیم شاه محمد قزوینی در ۴۷۱ ص + ۳۸ ص مقدمه به تصحیح و تحشیه علی اصغر حکمت ۱۳۲۳ ش

۱۹۴۴ م تهران .

۲ ـ مجالس النفایس فارسی ترجمه حکیم شاه محمد بن مبارك قزوینی در سنه ۹۲۷ تا ۹۲۹ ق (۱۵۲۱ - ۱۵۲۲ م) در استانبول ، که با ترجمه فخری هروی به سعی علی اصغر حکمت در تهران چاپ شده ۱۳۲۳ ش ۱۹۴۴ م ، و براصل ترکی ، احوال ۴۰ تن شعرای عراق و آذربایجان را که بدربار سلطان یعقوب آق قویونلو بوده‌اند افزوده است ۱۷۹ + ۴۰۹ ص .

۳ ـ ترجمهٔ فارسی بنام بقیهٔ نقیه از شیخزاده فایض نیمردانی در ۹۶۱ ق ۱۵۵۳ م .

نسخهٔ خطی : مرحوم طاهری شهاب (ساری ، ایران) .

۴ ـ ترجمه فارسی از شاه علی بن عبدالعلی در اوائل قرن ۱۱ ق .

مخطوطه موزهٔ برتانیا (بنگرید : ربو ۱۰۴) .

۵ ـ ترجمه فارسی از میرزا عبدالباقی شریف رضوی متخلص به وفا که در مدراس هند درسال ۱۲۴۲ ق ۱۸۲۷ م انجام یافته است . (بنگرید فهرست کتابخانهٔ مدراس شماره ۴۴۵) .

(مقدمه حکمت برمجالس النفایس طبع تهران، تاریخ تذکره‌های فارسی ۱۱۸/۲ ، ستوری ۷۹۳/۲) .

(۷۷) علی هروی (میر ـ کاتب السلطانی)

از سادات حسینی هرات و از کاتبان دربار سلطان حسین بایقرا بود ، که تا سنه ۹۱۱ ق ۱۵۰۵ م و آخر حیات سلطان حسین بایقرا در هرات ، وبعد ازان پیش امرای صفویه در مشهد بود ، و درسنه ۹۳۵ ق

۱۵۲۸ م عبیدالله خان ازبك او را به بخارا برد و به معلمی فرزندش عبدالعزیز خان و کتابت سرکاری گماشت و درهمین شهر در سنهٔ ۹۵۹ق ۱۵۵۱ م درگذشت (مذکر احباب خطی).

میر مدتی در بخارا در کتابخانهٔ عبدالعزیز خان ولد عبید خان بکتابت اشتغال داشت و این قطعه را دران وقت از غایت خستگی دماغ و دلتنگی در بخارا گفته:

عمری از مشق دو تا بود قدم همچون چنگ
تا که خط من بیچاره بدین قانون شد
طالب من همه شاهان جهانند و مرا
در بخارا جگر از بهر معیشت خون شد
سوخت از غصه درونم چکنم چون سازم؟
که مرا نیست ازین شهر ره بیرون شد
خوشنویسان جهان ساغر عشرت نوشند
ساغر عیش مرا بین که سراسر خون شد
این بلا بر سرم از حسن خط آمد امروز
وه که خط سلسلهٔ پای من مجنون شد

گویند که میر در کمال حسن و وجاهت و قابلیت بوده و جامی از جملهٔ عشاق او بود. وی در اوائل پیش مولانا زین‌الدین محمود شاگردی کرده و بعداز آن درمشهد بخدمت مولاناسلطان علی رسید و در آخر خط بر طاق بلند نهاد که دست هیچ خطاطی بدان نمیرسد، ولی بمرتبه‌استاد خود نرسید و گفته‌اند:

«آری که هیچ میر به سلطان نمیرسد»

(گلستان هنر ۷۸)

مهدی بیانی تاریخ وفاتش را در ۹۵۱ق گوید (ص۵۰۰ خوش نویسان) که کلمات «میرعلی فوت نموده» تاریخ وفات اوست . ولی این کلمات ۹۳۱ ق است نه ۹۵۱ . در مذکر احباب نثاری بخاری تاریخ وفاتش چنین است :

آن بحر فضائل سر ارباب هنر را — در واقعه دیدیم باطوار ستوده
گفتیم که تاریخ وفات تو چه گوئیم؟ — گفتا که «بگو میرعلی فوت نموده»

باید کلمات «بگو میرعلی فوت نموده» را بحساب جمل بشماریم که ۹۵۹ ق باشد. چون در مرقع گلشن کتابخانهٔ سلطنتی ایران (بنگرید: ایران‌شماره) قطعهٔ نوشتهٔ میرعلی در بخارا بسال ۹۵۱ق موجوداست باید همین سال صحیح باشد . اما آنچه قاضی‌احمد تاریخ وفاتش را ۹۴۴ق نوشته (گلستان هنر۸۳) درست نیست، مدفن او در صفحهٔ مولانا صالح جوار مزار شیخ سیف‌الدین باخرزی در فتح آباد بخاراست .

مدادالخطوط (ف)

این رساله در سال وفات استادش سلطان علی مشهدی که درسنه ۹۲۶ ق ۱۵۱۹ م بوده تکمیل شده و مشتمل بر ۵ بابست :

۱ ـ بیان اقسام خطوط وسطح و دور و وجه تسمیه هریک .
۲ ـ ذکر استادان و مخترعان و بیان مرتبهٔ ایشان .
۳ ـ در بیان ادوات کتابت .
۴ـ در بیان قواعد مفردات واصول ترکیب خطوط .
۵ ـ در بیان کتابت و انواع حروف .

طبع :

۱ـ ضمیمهٔ تذکرة‌الخطاطین میرزا سنگلاخ در تبریز ۱۲۹۱ ق

۱۸۷۳ م در پنج باب .

۲ - در کتاب ذکر برخی از خوش‌نویسان و هنرمندان فکری سلجوقی طبع انجمن تاریخ کابل ۱۳۴۹ ش ۱۹۷۰م ۱۳۴۹ ش ۱۹۷۰ م (ص ۱۱۰ - ۱۲۲) فقط سه باب اول آن چاپ شده .

(۷۸) غلام‌رضا ریاضی:

از نویسندگان معاصر خراسان است که بعد از ۱۳۰۰ ش ۱۹۲۱ م زندگی داشت .

دانشوران خراسان (ف)

مشتمل برجغرافیای تاریخی و سیر ادب و علم در خراسان است که احوال و آثار مشاهیر را دران فراهم آورده واز آنجمله طبقهٔ پنجم خوشنویسان‌اند از ص ۲۶۶ تا ۲۷۱ . وجمله کتاب ۳۴۷ صفحه دارد .

طبع سربی مشهد ۱۳۳۶ ش ۱۹۵۷ م .

(۷۹) غلام‌محمد دهلوی (هفت‌قلمی)

وی در دهلی میزیست و«راقم» تخلص میکرد و در اقسام خطوط نسخ و تعلیق و نستعلیق و ثلث و شکسته و شفیعه و ریحان مهارتی‌تمام داشت و مدتی در لکهنو بطبابت پرداخت و شاگرد میرزا محمد عشق بود . وفاتش ۱۲۳۹ ق ۱۸۲۴ م درلکهنو باشد از آثار اوست :

الف : تذکرهٔ خوش‌نویسان (ف)

در ذکر احوال خوشنویسان قدیم که قاضی‌احمد در گلستان هنر ذکر کرده و بعد از آن خطاطان دیگر را تا زمان تألیف از منابع دیگر جمع‌آوری کرده است .

طبع : محمد هدایت‌حسین در کلکته ۱۳۲۸ق ۱۹۱۰م در ۱۳۱ص با فهارس و مقدمهٔ انگلیسی .

ب : مسودهٔ تاریخ خط و خوش‌نویسان (ف)

از ابتداء تا زمان تألیف سنه ۱۲۳۹ ق ۱۸۲۳ م .

مخطوطات : ریو ۲/۵۳۲ ب (نامکمل تحریر قرن ۱۹ م) رام‌پور (بنام تذکرة‌الکاتبین) بانکی‌پور (۱۰۷۷/۱۱) .

ج : رسالهٔ متضمن حالات خوش‌نویسان خطوط (ف)

مشتمل براحوال خطاطان هند ازعهد اکبر تا عهد مؤلف، منقسم برچهار فصل :

۱ ـ نستعلیق‌نویسان .

۲ ـ شکسته و شفیعائی‌نویسان .

۳ ـ نسخی و طغرانویسان .

۴ ـ حکاکان مهرکن .

مخطوطهٔ : موزهٔ برتانیا ۱۰۳۳/۳ الف تحریر حدود ۱۸۵۰ م .

(۸۰) فتح الله سبزواری :

پسر احمدبن محمود سبزواریست که ظاهراً بین قرن هشتم و نهم هجری میزیست ، از آثار اوست :

اصول و قواعد سته (ف)

مشتمل برقواعد خطوط سته محقق، ثلث ، نسخ ، ریحان، توقیع رقاع . که از روی یک مخطوطه بقلم کلب‌علی ۱۱۲۸ ق ۱۷۱۵ م ، در فرهنگ ایرانزمین دفتر ۱ ـ ۴ جلد ۱۱ (سال ۱۳۴۲ ش) ص ۱۰۳ تا

۱۳۳ طبع تهران بسعی ایرج افشار چاپ شده است. در بارهٔ احوال مؤلف و نسخهٔ دیگر خطی از رسالهٔ او در خصوص خط بنگرید : صفحات ۱۶ - ۱۹ مقدمهٔ زاخودر بر ترجمهٔ انگلیسی آن بقلم مینورسکی در کتاب خوشنویسان و مصوران Calligraphers and Painters طبع واشنگتن ۱۹۵۹ م .

(۸۱) فخری هروی :

سلطان محمد بن محمد امیری از رجال قرن دهم هجری در هراتست که در حدود ۹۰۰ ق ۱۴۹۳ م در هرات و خراسان زندگی داشت وسه زبان فارسی، ترکی، عربی را میدانست و بدربار حکمرانان هرات و قندهار و سندمحشور بود ، وی در حدود ۹۶۲ ق ۱۵۵۴ م در عهد شاه حسن ارغون و میرزا عیسی خان ترخان از هرات و قندهار به تته سند رفت واز آنجا عازم حجاز گردید و بعد از عودت خود درسند بتألیف وشعرسرایی پرداخت .

از تألیفات وی بوستان خیال مشتمل برمنتخبات اشعارمتحدالقافیهٔ فارسی وتحفةالحبیب منتخبات اشعار ۱۸۰ شاعرفارسی بترتیب الفباکه درسنه ۹۳۰ق ۱۵۲۳ م درهرات بنام خواجه حبیب‌الله ساوه‌جی حکمران آنجا اهداء شده، وهفت کشور کتابی در تاریخ و اخبار، وصنایع الحسن در بلاغت و صنایع شعری تألیف حدود ۹۶۲ ق ۱۵۵۴ و دیوان اشعار او وتذکرهٔ جواهرالعجائب دراحوال شاعرات تا ۹۶۳ ق ۱۵۵۵م است و هم ازوست :

روضةالسلاطین (ف)

مشتمل براحوال و آثار ۸۶ تن شهریاران وامرای سخنگوی که

درسنه ۹۶۰ ق ۱۵۵۲ م درتته‌سند بحضور شاه حسن ارغون اهداء کرده و باب هفتم آن مخصوص احوال و آثار همین شاه سخن‌پرداز سند است که «سپاهی» تخلص داشت .

این کتاب مطالبی دربارهٔ تاریخ هنر و احوال هنروران نیز دارد .

طبع اول : بسعی دکتر خیام‌پور در تبریز ۱۳۴۵ ش ۱۷۹ ص .

طبع دوم : با حواشی و تعلیقات مفصل سید حسام‌الدین راشدی درکراچی ۱۹۶۸ م (برای شرح حال مفصل و نسخ خطی آثار فخری بنگرید : مقاله حبیبی بر فخری هروی درمجلهٔ آریانا کابل سال ۲۵ شماره ۳ و مجلهٔ سروش کراچی اجنوری ۱۹۵۸ م وستوری ۷۹۶).

(۸۲) فریدون بیگ (احمد)

درقرن ۱۵م دردربار سلاطین عثمانی استانبول، توقیعی نشانچی (منشی فرمان نویس) بود .

منشآت‌السلاطین (ف ، ع، ت)

فریدون بیگ در سنه ۹۸۲ ق ۱۵۷۲ م فرامین ونامه‌های تاریخی فارسی و عربی وترکی‌را به تعداد ۱۸۰۰ قطعه بنام «منشآت‌السلاطین» فراهم آورده و بسلطان مراد ثالث عثمانی تقدیم کرد ، که برخی از ان مطالبی دربارهٔ تاریخ هنر دارد .

خطی : موزهٔ برتانیا OR ۶۱ (ریو ۳۹۴) .

طبع : دو جلد در استانبول ۱۲۶۵ ق ۱۸۴۸ م .

(۸۳) فصیحی (فصیح‌الدین احمد بن جلال‌الدین محمد خوافی)

تولدش در هرات ۷۷۷ ق ۱۳۷۵ م و وفاتش همدرین شهر در

سنه ۸۴۵ ق ۱۴۴۱ م است . وی از رجـال دربار شاهرخ و بایسنغر و مشهور به فصیح خوافی بود ، که در کتاب ذیل ، ذکر برخی‌ازهنرمندان و خطاطان هم دارد .

مجمل فصیحی (ف)

تاریخ دورهٔ اسلامیست بقید سنوات هجری (کـرونولوجی) از آغاز سنه هجری تاحوادث ۸۴۵ ق ۱۴۴۱ م مختصراً، که یك مقدمه بر وقایع از هبوط آدم تا ولادت محمد صلعم هم دارد :

مقالهٔ اول : از ولادت علی تا هجرت جمله ۵۳ سال .

مقاله دوم : از هجرت تا ۸۴۵ ق .

خاتمه احوال هرات .

طبع : بسعی محمود فرخ در مشهد ۱۳۳۹ - ۱۳۴۱ ش ۱۹۶۰ - ۱۹۶۲ م با فرهنگ جغرافی و فهارس .

جلد اول : ۳۲+۵۲۳ ص .

جلد دوم : ۵۳۲ ص .

جلد سوم : ۳۱ + ۴۲۰ ص شامل وقـایع ۷۰۱ - ۸۴۵ ق طـبـع ۱۳۳۹ ش . (برای نسخ خطی آن بنگرید : ستوری ۱/۹۰) .

(۸۴) فکری هروی (عبدالرؤف)

از نویسندگان معاصر افغانستان متوفا درکابل ۱۳۴۸ ش ۱۹۶۹ م یکی از آثار اوست :

ذکر برخی از خوش‌نویسان و هنرمندان (ف)

تعلیقاتیست بردیباجهٔ دوست محمد هروی (بنگرید ۴۵) مشتمل

براحوال خطاطان معروف مکتب هرات و متفرعات آن .

طبع مصور انجمن تاریخ کابل ۱۳۴۹ ش ۱۹۷۰ م ۱۳۶ + ۳۴ص

(۸۵) فضائلی (حبیب‌الله اصفهانی)

از خطاطان و دانشمندان معاصر ایران ساکن اصفهان .

اطلس خط (ف)

کتاب بسیار مفید در تاریخ خطوط اسلامی و خطاطان قدیم و عصر تیموریان و بعد ازان با تصاویر و نمونه‌های خطوط.

طبع : مصور با قطع بزرگ و چاپ نفیس . نشریهٔ انجمن آثار ملی اصفهان ۱۳۹۱ ق ۱۹۷۰ م .

(۸۶) قاطعی هروی (ملا)

شاعر زبان فارسی و مذهب و مجلد و رنگ‌آمیز استاد و قاطع ماهر بود ، که بدربار نورالدین جهانگیر در آگره رسیده و عمرش از صد سال متجاوز بود ، وفاتش ۱۰۲۴ ق ۱۶۱۴ م است. مولانا قاسم کاهی کابلی (متوفا ۹۸۸ ق ۱۵۷۹ م استاد او بود. ازآثار اوست :

مجمع‌الشعرای جهانگیری (ف)

شرح احوال شعرای فارسی که بعد از ۱۰۱۴ ق ۱۶۰۵ م تألیف شده و نسخهٔ خطی قسمت ثالث آن در کتابخانه بادلین (شماره ۳۷۱) بخط خود مؤلف موجود است واحوال برخی ازشعرای هنرمندهم دارد. (ستوری ۸۱۳/۱ تاریخ تذکره‌های فارسی ۱۴۲/۱).

(۸۷) قطب قصه‌خوان :

در اواسط قرن دهم هجری زندگی داشت و با هنرمندان عصر خود محشور بود .

مقدمهٔ مرقع شاه طهماسپ (ف)

برمرقع نفیسی که از نمونه‌های دلکش خطاطی و مصوری و نقاشی برای شاه طهماسپ صفوی ترتیب کرد در سنه ۹۶۱ ق ۱۵۵۳ م مقدمه‌یی نوشت که در تاریخ هنر کتابسازی بکار آید .

(۸۸) قلقشندی :

احمدبن علی شافعی قاهری (۷۵۶ - ۸۲۱ ق ۱۳۵۵ - ۱۴۱۸ م) مؤلف و مورخ عرب در قاهره دارای تألیفات زیاد که یکی ازانست :

صبح‌الاعشی فی‌کتابة‌الانشا (ع)

کتاب بزرگ ۷ جلدی درصناعت انشاکه درسنه ۸۱۴ ق ۱۴۱۱ م ختم شده و در مجلد ۲ - ۳ آن بابی بتاریخ و انواع و ادوات خط مخصوص است .

طبع : آکسفورد ۱۹۱۴ م .

بولاق مصر ۱۹۰۵ .

دارالکتب مصریه ۱۹۱۳ - ۱۹۲۰ م .

(۸۹) قمرآریان :

ازنویسندگان معاصر ایران .

بهزاد (کمال‌الدین) (ف)

دربارهٔ هنر بهزاد . چاپ وزارت فرهنگ و هنر ایران تهران ۱۹۶۸ م ۱۰۲ ص .

(۹۰) کریم‌الله خان:

از خطاطان و مورخان متأخر هند در حدود ۱۹۰۰ م .

دفتر خطاط (اردو)

مشتمل بر تاریخ و قـواعد خوشنویسی و ذکر برخی از اساتید نستعلیق و خطوط دیگر .

طبع هند (؟)

(۹۱) کردی :

محمد طاهر بن عبدالقادر مکی خطاط معاصر عربی .

تاریخ الخط العربی و آدابه (ع)

در تاریخ و آداب خط عربی تألیف ۱۳۵۸ ق ۱۹۳۷ م .

طبع قاهره ۱۹۳۹ م .

(۹۲) کلیم همدانی (ابوطالب) :

از شعرای معروف سبك هند است کـه از ایـران بهند رفت و ملك‌الشعراء دربارشاه جهان شد . وفاتش ۱۰۶۱ ق ۱۶۵۰ م است .

دیوان کلیم (ف)

طبع پرتو بیضائی ، تهران ۱۳۳۶ ش ۱۹۵۷ م که مطالبی‌در بارهٔ کتابسازی دارد،مانند توصیف‌مرقع شاهی(ص۷۱)تذهیب ورنگ آمیزی وسرلوح یك‌دفتر اشعار(ص ۳۱) جلد صدف‌کاری یك کتاب (ص ۳۶۲) و غیره .

(۹۳) گلچین معانی (احمد)

از دانشمندان معاصر ایـرانی و صاحب چند تألیف مفید بـزبان

فارسی که ازانجمله است :

تاریخ تذکره‌های فارسی (ف)

مشتمل برذکر ۵۲۹ تذکرهٔ فارسی با شرح حال مؤلفان و نسخ خطی و چاپی هر کتاب ، که اطلاعاتی دربارهٔ تاریخ هنر و کتابسازی هم دارد .

طبع دانشگاه تهران با ضمایم و فهارس :

جلد اول : مقدمه ۸+۷۶۵ ص ، تهران ۱۳۴۸ ش ۱۹۶۹ م .

جلد دوم : مقدمه ۲+۱۰۲۹ ص ، تهران ۱۳۵۰ ش ۱۹۷۱ م .

(۹۴) لسان‌الملك (هدایت‌الله میرزا سپهر کاشی)

از دانشمندان عصر ناصرالدین شاه قاجارست که در تهران در نصف اول قرن ۱۴ ق زندگی داشت و دارای چند تألیف است که به ملك‌المؤرخین ملقب بود و شعر هم دارد . یکی از آثار اوست :

تذکرهٔ خوشنویسان (ف)

در ذکر مختصر ۲۵۰ تن خوشنویس قدیم و جدید که باشارهٔ میرزا یوسف مستوفی‌الممالك‌عصرقاجاری ایرانتألیف شده‌وازخطاطان معروف دورهٔ تیموریان هرات نیز ذکرها دارد .

نسخهٔ خطی کتابخانهٔ ملی تهران .

طبع محمدباقر در لاهور ۱۹۶۵ م ۷+۱۰۲ ص .

(تاریخ تذکره‌ها ۵۷۷/۲)

(۹۵) مالك دیلمی :

تولدش ۹۲۴ ق ۱۵۱۷ م در قزوین و شاگرد مولانا رستم‌علی

خواهرزادهٔ بهزاد ، و یکی از خطاطان و هنرمندان عصر خود است که در سنه ۹۶۴ ق ۱۵۵۶ م به کتابخانهٔ سلطان ابراهیم میرزا صفوی بمشهد رفت و بعد ازان در قزوین بدربار شاه طهماسپ بود ، و در ذیحجه ۹۶۹ ق ۱۵۶۱ م در قزوین مرد .

مقدمهٔ مرقع امیر حسین بیگ (ف)

مخطوطهٔ خزینهٔ اوقاف استانبول ، و این البم برای این امیر که خزانه‌دار شاه طهماسپ اول صفوی بود ساخته شده و مالك دیلمی بسال ۹۶۸ ق ۱۵۶۰ م بران مقدمه نوشت .

مرقع مذکور جامع بهترین خطوط و تصاویر ومذهبات هنرمندان قرن ۹ - ۱۰ ق (۱۵ - ۱۶ م) است ومقدمهٔ آن در ترجمهٔ احوال هنرمندان مغتنم است و بخط عالی نستعلیق مالك است .

(طبع ناقص این مقدمه در خوشنویسان طبع تهران ۶۰۱/۳ سنه ۱۳۴۸ ش ۱۹۶۹ م) .

درهمین مرقع رساله‌یی در ۴۱ باب بخط خوش مالك در سنه ۹۶۷ ق ۱۵۵۹ م موجود است .

(۹۶) مجموعهٔ ترجیع بندها (ف)

۲۱ ترجیع بند از شانزده شاعر که خطاطان دربار پیربوداق بن جهانشاه قراقویونلو کتابت کرده و در یك مجموعه فراهم آورده‌اند .

خطاطان این مجموعه ازاساتید معروف‌اند ، که از محتویات آن در تاریخ هنر معلوماتی بدست می‌آید :

مخطوطهٔ کتابخانهٔ مجلس تهران .

(۹۷) مجنون رفیقی :

فرزند کمال‌الدین محمود رفیقی هروی است که وی هم خطاط و شاعر بود که بخط او «ذخیرة‌الملوك» سیدعلی همدانی درموزهٔ هرات محفوظست که درسنه ۸۹۸ ق ۱۴۹۲ م آنرا به نستعلیق خوش و دلکش نوشته است .

مجنون خوشنویسی‌را از پدر بارث برد واز سلطان علی‌مشهدی نستعلیق و خطوط دیگر آموخت و بدرجهٔ شهرت و استادی رسید . وی در رسالهٔ سوادالخط گوید که خطی بنام «توامان» اختراع کردم که مرکب از معکوس و غیر معکوس است بشکل انسان . و بنابرین اورا در هنر خوش‌نویسی و خطاطی بدرجهٔ مخترع شمرده‌اند .

زندگانی مجنون تا ۹۵۷ ق ۱۵۴۹ م که سام میرزا تحفهٔ خود را مینوشت (بنگرید شماره ۵۲) ثابت است وبعد از آن معلوم نیست ، از آثار اوست :

الف : رسالهٔ رسم‌الخط (ف)

تألیف۹۰۹ ق ۱۵۰۴م در بیان شش‌خط بنام مظفرحسین بن سلطان حسین بایقرا، که درمخطوطهٔ ۲۲۵۲/۳ دانشگاه تهران، قسمت مفردات آنست و قسمت مرکبات آن در کتابخانهٔ سالار جنگ دکن موجود است ، که بخط شیخ محمد ذاکر درسنه ۱۲۷۲ ق ۱۸۵۵ م نوشته شده (شماره ۱۴۳۶) .

نسخ خطی : بودلیان و موزهٔ برتانیا و اندیاآفس و کتابخانهٔ جمعیت آسیائی بنگال در کلکته . (بنگرید ستوری ۱۰۷۲/۲) .

طبع اول سنگی ۱۲۶۲ ق .

۲ ـ بسعی یاسین نیازی در اورینتل کالج میگزین جلد ۱۱ شماره ۲ ماه فبروری ۱۹۳۵ م ص ۴۶ - ۷۴ .

۳ ـ بکوشش مائل هروی در مجلهٔ آریانا طبع انجمن تاریخ کابل شماره ۵ سال ۲۹ عقرب ۱۳۵۰ ش ۱۹۷۱ م وشمارهٔ اول سال ۳۰ (حوت ۱۳۵۰ ش) و شماره ۲ سال ۳۰ (ثور ۱۳۵۱ ش ۱۹۷۲ م) .

ب : آداب الخط (ف)

رسالهٔ منظوم بنام سام میرزا صفوی اهدا شده در بحر لیلی و مجنون در قواعد خط و بیان قلم و سیاهی و رنگ و کاغذ و غیره که پیش از ۹۵۷ ق ۱۵۶۷ م تألیف شده .

مخطوطه : دانشگاه تهران ۴۷۳۶/۲۴ (ورق ۱۴۸) دو نسخهٔ موزهٔ برتانیا (ریو ۵۳۲) .

طبع : در مجلهٔ آریانا ، کابل شماره ۴ جلد ۳۰ (سنبله ۱۳۵۱ ش ۱۹۷۲ م) .

ج : سواد الخط (ف)

در بیان مفردات ، بر نقطه و میزان مرکبات و بیان اقسام خط . در اکثر مضامین با مدادالخطوط میر علی هروی شباهت دارد .

مخطوطه : مجموعهٔ دانشگاه تهران ۲۲۵۲/۳ وموزهٔ سالارجنگ حیدرآباد دکن ۵/۲ .

طبع : آریانا انجمن تاریخ کابل شماره ۳ جلد ۳۰ (سرطان ۱۳۵۱ ش ۱۹۷۲ م) و شمارهٔ ۴ جلد ۳۰ سنبله ۱۳۵۱ ش .

د : رسالهٔ مرکب سازی (ف)

مخطوطهٔ دانشگاه تهران ۲۲۵۲/۳ : مجموعهٔ رسائل مجنون

تحریر ۱۴ شعبان ۱۰۵۶ ق ۱۶۴۵ م بخط اسمعیل کاشی .

طبع : بکوشش مائل هروی درمجلهٔ آریانا (کابل) شماره ۴ جلد ۳۰ (سنبله ۱۳۵۱ ش ۱۹۷۲ م) مؤلف گلستان هنر مثنوی ناز و نیاز را هم ازو دانسته است (مخطوطهٔ دانشگاه تهران ۴۷۳۶/۵۵) و همین مؤلف ، مجنون را بصفت چپ‌نویس ناظم کتاب لیلی و مجنون هم میداند (گلستان هنر ۸۵) .

(۹۸) محمداسحاق صدیقی :

از محققان هند در اوائل قرن ۲۰ م .

فن تحریر کی تاریخ (اردو)

کتاب بسیارمفیدیست برتاریخ خطوخطوط آسیای میانه‌وایران .

طبع :

انجمن ترقی اردو ، لکهنو ۱۹۶۲ م ۳۸۵ ص با فهارس ونقشه‌ها و تصاویر .

(۹۹) م ، جودت :

از محققان ترك در نصف اول قرن ۲۰ م .

ذیل علی فصل الاخیة الفتیان الترکیه فی کتاب الرحله لابن بطوطه (ع)

درتاریخ جوانمردان وپیشه‌وران وهنرمندان عثمانی ازموسیقاران و نقاشان و خوشنویسان و مجلدان و کاشی کاران و دیگر هنرمندان از قرن ۹ تا ۱۱ ق ، با سندهای کهن .

طبع : مطبعه قورتولوس ۱۳۵۱ ق ۱۹۳۲ م ۴۵۴ ص .

(۱۰۰) محمد صالح اصفهانی :

فرزند میرزا ابوتراب ، خوشنویس شاگرد میرعماد است که تا سنه ۱۱۲۶ ق ۱۷۱۳ م حیات او یقینی است و سفری هم به حلب کرده بود . وی مورخ و شاعر و نستعلیق‌نویس ماهر بود ، ازوست :

تذکرهٔ خط و خطاطان (ف)

این تذکره را در احوال خوشنویسان و اقسام خطوط نوشته که نسخهٔ خطی آن در سنهٔ ۱۳۴۶ ش ۱۹۶۷ م بوسیلهٔ دکتر مهدی بیانی شناخته‌شد ودرسنه۱۲۸۱ق۱۸۶۴ کتابت شده‌است (خوشنویسان ۷۶۷).

(۱۰۱) محمدصالح کنبوه لاهوری :

از فضلای قرن ۱۷ م هند است که تا ۱۱۲۰ ق ۱۷۰۸ م هم زنده بود :

شاه جهان‌نامه (عمل صالح) (ف)

در سنه ۱۰۷۰ ق ۱۶۶۰ م تکمیل شده که در آخر جلد دوم آن شرح حال هفت نفر خطاط هم دارد (ص ۴۴۳ - ۴۴۶) .

طبع :

ازتمام کتاب درسه جلد چاپ ایشیاتک‌سوسایتی‌بنگال درکلکته ۱۹۱۲ م .

حصهٔ خوشنویسان آنرا ضمیمهٔ تذکرهٔ خوشنویسان هفت قلمی درکلکته چاپ کرده‌اند (بنگرید ۷۹) (برای نسخ خطی بنگرید : ستوری ۸۳۲) .

(۱۰۲) محمدعلی (میرزا) :

از مؤرخان قرن ۱۸م و مؤلف:
تذکرهٔ خوشنویسان (ف)
نسخهٔ خطی کتابخانهٔ سالار جنگ حیدرآباد دکن . ۷۴ ص ۹ × ۶ فی صفحه ۹ سطری . (فهرست سالار جنگ ص ۸۳۲) .

(۱۰۳) محمدمحسن هروی :

از خوش‌نویسان و مصوران مکتب هرات در قرن ۱۵ م و از باشندگان هراتست . چون فریدون میرزا فرزند نوجوان سلطان حسین بایقرا ، بوسیلهٔ جمعیتی از دانشمندان ، دیوان حافظ را تکمیل و ترتیب کرد ، خواجه عبدالله مروارید ، یك مقدمهٔ منثور بران نوشت (۹۰۷ ق ۱۵۰۲م) که خواجه آنرا در شرفنامه مجموعهٔ منشآت خود آورده است (طبع ویسبادن ۱۹۵۱ م) و این مقدمه بنام همین شاهزاده و کیفیت بزم ادبی وفراهم آوردن دیوان کامل حافظ مشحونست و یك نسخهٔ آن بخط همین محمدمحسن هروی با یك تصویر فریدون میرزا و الواح ملون و مذهب و صفحات مجدول آراسته ، در نسخ خطی کابل محفوظست (رك : ایران ـ ترکیه) .

مرقع محمدمحسن هروی (ف)

در خزینهٔ اوقاف استانبول مجموعهٔ نفیسی از قطعات خطوط و تصاویر برگزیده استادان خط نستعلیق موجود است که آنرا همین محمدمحسن هنرمند هرات فراهم آورده ومقدمه‌یی بقلم عالی نستعلیق بران نوشته است ،ودر آخر رقم محمدمحسن فی بلدة هرات سنه ۹۹۰ق (۱۵۸۱ م) دارد ، واین مرقع با مقدمه و خاتمهٔ آن یك منبع مهم‌تاریخ کتابسازی و خطاطی مکتب هرات است.

طبع مختصر این مقدمه : در احوال و آثار خوشنویسان تألیف دکتر مهدی بیانی ، جلد سوم ص ۸۳۴ ، تهران ۱۳۴۸ ش ۱۹۶۹ م .

چند قطعه از نمونه‌های خطاطی این مرقع :

۱ ـ دوقطعه‌خط محمدامین کاتب شاگرد میرمحمدباقربن میرعلی هروی تحریر ۹۸۰ ق ۱۵۷۲ م .

۲ ـ یك قطعه بهترین خط سلطان محمد خندان (هروی) آخر جمادی‌الاولی ۹۵۷ ق ۱۵۴۹ م .

۳ ـ یك قطعه نستعلیق با رقم «فقیرحالی» .

۴ ـ یك قطعه نستعلیق عیشی هروی متوفا ۹۸۰ ق ۱۵۷۲ م از کاتبان ابراهیم میرزا صفوی در مشهد .

۵ ـ یك قطعهٔ خط محمدقاسم شادیشاه کاتب هرات در حدود ۹۵۰ ق ۱۵۴۳ م .

(۱۰۴) محمد مفیدی (مستوفی بافقی):

پدرش نجم‌الدین محمودبن حبیب‌الله بود . وی درسنه ۱۰۷۷ ق ۱۶۶۶ م مستوفی اوقاف یزد بود ، در سنه ۱۶۷۰ ق ۱۰۸۱ م باصفهان رفت و از راه پارس و بصره درسنه ۱۰۸۲ ق ۱۶۷۱ م بهندوستان آمد و بتألیف و سیرو سیاحت پرداخت وتا ۱۰۹۱ ق ۱۶۷۹ م در هند زنده بود و کتابی بنام مجالس‌الملوك تألیف‌کرده است و هم ازوست :

جامع مفیدی (ف)

در سنه ۱۰۹۱ ق ۱۶۷۹ م تألیف این کتابرا در لاهور انجام داد و مشتمل است برشرح احوال مشاهیر وازآنجمله هنرمندان و خطاطان در سه جلد .

طبع :

جلد اول وسوم درتهران باهتمام ایرج افشار ۱۳۴۰ ش ۱۹۶۱ م ۹۴۲ ص .

جلد دوم « « ۱۳۴۲ ش ۱۹۶۳م.

(تاریخ تذکرهها ۲/۵۸۵).

۱۰۵ محمدمؤمن بن خواجه عبدالله مروارید :

مانند پدرش مرد دانشمند ومنشی و خطاط ماهر هفتقلم وشاعر بود ، که بدربار شاه اسماعیل اول صفوی استاد سام میرزا شد و این شهزاده در تحفهٔ سامی او را بصفت استاد خود مینویسد که در هرات و شیراز با او بود ومنصب صدارت داشت ، وبعد ازان از شاه طهماسپ رنجید و در سنه ۹۴۷ ق ۱۵۴۰ م بهند رفت و یکسال بعد در ۹۴۸ ق ۱۵۴۱ م درآنجا مرد .

مرقع خطوط او (ف)

محمد مؤمن بنام شاه طهماسپ بهادرخان مرقعی عظیم ترتیب داد ، که جامع انواع خطوط او بود ، واکنون اوراق آن درمرقع مالك دیلمی ومرقع سیداحمد مشهدی در کتابخانهٔ خزینهٔ اوقاف توپقاپوسرای استانبول وهم دریك مرقع دانشگاه استانبول متفرق است ، وازملاحظهٔ آن ارتقای انواع خطوط را در مکتب هرات تخمین کرده میتوانیم ، و چند نمونهٔ خط نستعلیق او تحریر ۹۲۵ ق ۱۵۱۸ م و ۹۲۴ ق ۱۵۱۱ م دارالسلطنه تبریز ، و۹۴۷ ق ۱۵۴۰ م ورجب ۹۳۴ ق ۱۵۲۷ م و۹۴۵ق ۱۵۳۸م و۹۴۷ق ۱۵۴۰ م بامضای او درین مرقعها موجوداند.

(۱۰۶) محمد یوسف (میرزا، لاهیجی)

یکی از خطاطان و مؤرخان ایران درقرن ۱۸ م، از آثاراوست:

کلام‌الملوك، فی بیان ظهور و ایجادالخط و احوال‌الخطاطین (ف)

در تاریخ خط و احوال خوش‌نویسان.

مخطوطه: کتابخانهٔ مجلس تهران ۶۵۶ و نسخهٔ کتابخانهٔ خدیویه قاهره، تحریر۱۲۷۵ ق ۱۸۵۸م (ص ۵۰۰ فهرست‌وستوری ۱۰۷۸/۲).

(۱۰۷) محمد یوسف‌بن مقصود سبزواری:

وی شاگرد علاءالدین سبزواری خطاط قرن ۱۷ م است.

رسالهٔ دستور خطاطی (ف)

تألیف ۱۰۹۹ ق ۱۶۸۷ م در دساتیر و لوازم و آلات خطاطی.

مخطوطهٔ یك‌مجموعهٔ شخصی دراصفهان (ص۵۳۹ اطلس خط).

(۱۰۸) محمودبن محمد:

درنیمهٔ دوم قرن دهم هجری در خراسان زندگی داشته وبا شعرا و خطاطان محشور بود، ازوست:

قواعد خطوط (ف)

در قواعد خوش خطی و احوال برخی از خوشنویسان پیش از ۹۶۹ ق ۱۵۶۱ م تألیف شده است.

مخطوطات:

۱ ـ بودلیان اکسفوردشماره ۲۸ مورخ حدود ۹۶۹ ق. ۳۱ص.

۲ ـ موزهٔ برتانیا. (تاریخ تذکره‌ها ۶۹۹/۲)

(۱۰۹) محمودعلی خان ماهر (حکیم)

از علمای طب و مؤلف کتب، متعدد در طب یونانی و هندیست و کتابها بنام ابوحنیفه و معاشرت افغانان بزبان اردو دارد ، اصلا اکبرآبادی افغان و در اواسط قرن ۲۰ در دهلی ساکن بود . از آثار اوست :

علم‌الحروف یا تحقیقات ماهر (اردو)

کتاب جامع و مفیدیست بر تاریخ خط و آغاز و تکامل آن در بشریت در چهار حصه و یك ضمیمه ، که شرح پیدایش تمام خطوط عربی و اسلامی‌را در ممالك شرقی‌داده ودر هر دوره، مشاهیرخطاطان را هم نشان میدهد و حصهٔ سوم کتاب مخصوصست به بیان کاغذ ، قلم، سیاهی . و در حصهٔ چهارم ۵۴ صفحه عبارت از اشکال و نمونه های مختلف خطوط قدیم و جدید است که در مارچ ۱۹۳۴ م تألیف آن در دهلی ختم شده .

طبع : دهلی ۱۹۳۴ م .

(۱۱۰) محمود کمال اینال :

ازمؤلفان ترکیهٔ عثمانیه دراوائل قرن ۲۰ م ،که از آثاراوست :

خطاطان (ترکی)

تذکرهٔ خوشنویسان . چاپ استانبول ۱۹۵۵ م .

(۱۱۱) محمود هروی (امیر):

وی فرزند مؤلف حبیب‌السیر خواند میر است که دراواسط قرن دهم هجری (۱۶ م) در هرات زندگی داشت ، و از مؤلفات اوست :

تاریخ شاه طهماسپ یا ذیل حبیب‌السیر (ف)

در بیان احوال وقایع عصر شاه طهماسپ اول صفوی در سال ۹۵۳ ق ۱۵۴۵ م به تشویق محمد خان اوغلی حاکم هرات بتألیف آن آغاز کرده ودر سنه ۹۵۷ ق ۱۵۵۰ م بانجام رسانیده است وشرح حال مشاهیر رجال و امراء و هنرمندان و فضلای معاصرش دارد .

مخطوطه کتابخانهٔ ملی تبریز ۳۵۹ ص بخط زیبای نستعلیق .

مخطوطه موزهٔ برتانیا ۳۲۴۸ شرقی و ۳۰۲۹ شرقی .

مخطوطه کیمبرج شماره ۷۴ فهرست نسخ فارسی .

(تاریخ تذکره‌ها ۲/ ۵۴۰ ستوری ۳۰۴)

(۱۱۲) مرقع خطوط جعفر و غیره (ف)

این مرقع نفیس و عظیم ، شامل انواع خطوط جعفر بایسنغری و دیگر خطاطان وآثار نقاشان عصر تیموریانست .

مخطوطه توبینگن آلمان .

(۱۱۳) مرقع خوب (ف)

مرقع نفیس خزینهٔ اوقاف استانبول[1] مشتمل برقطعات شیوای

۱ــ درکتابخانه‌های استانبول درحدود ۴۰۰ نسخهٔ خطی مصور و ۴۰ البم‌مصور نفیس وجود داردکه علاوه برتصاویرومنیاتورهاوقطعات‌خوش‌نویسی وصفحات مزین و منقش ، برخی معلومات تحریری هم دربارهٔ هنر و هنرمندان دران دیده می‌شود وهریکی ازمنابع تاریخ هنرکتابسازی شمرده میشود.
(بنگرید : زکی و لیدی توغان: منیاتورها درکتابخانه‌های استانبول ۱۹۶۳م:
Zeki Velidi Toghân: On The Miniatures in Istânbul Libraries. Istanbul 1963.
(برای شرح مرقعات استانبول بنگرید: ترکیه ۱ــ۴۱)

نستعلیق استادان بزرگ مانند سلطان‌علی مشهدی، میرعلی هروی، محمود بن اسحاق شهابی، محمدحسین تبریزی، میرمعز کاشانی و سید احمد مشهدی وغیره، با چندین مجلس تصویر منیاتور عالی که محمد صالح آنرا بنام محمدبهادرخان (ظاهراً ولدجان محمدخان امیر بخارا ۱۰۱۴-۱۰۱۸ ق) فراهم آورده و مقدمه‌یی بخط خود بران نگاشته است.

این محمد صالح هرویست که خود را «الکاتب الخاقانی» گوید و تاریخ این کتاب «مرقع خوب» ۱۰۱۸ ق ۱۶۰۹ م است، و بخط او قطعات زیادی دیده شده که یکی در مجموعهٔ دکتر مهدی بیانی تهران در سنه ۱۰۷۲ ق ۱۶۶۱ م نوشته شده است و ازین برمی‌آید که محمد صالح فراوان سال زیسته است (بنگرید: ترکیه ۲۳).

(۱۱۴) مرقع داراشکوه (ف)

این مرقع هم جامع انواع خطوط استادان و آثار هنروران خراسان و هند است که در اواسط ۱۷ م برای فرزند شاه جهان شهزاده داراشکوه متوفا ۱۶۵۸ م در هند فراهم آمده است.

برای وصف نسخهٔ خطی آن بنگرید: اورینتل کالج میگزین فبروری ۱۹۵۵ م.

(۱۱۵) مرقع زیب‌النساء (ف)

این مرقع مشتمل برقطعات خطوط و تصاویر کارهنرمندان آسیای میانه وهند است که درحدود ۱۷۰۰ م برای دختر اورنگ‌زیب زیب‌النسا ودل‌رس بیگم فراهم آمده، ومقدمهٔ آنرا ملارضای راشد نوشته‌ومطالبی

در تاریخ خطاطی و نقاشی دارد .

مخطوطه : کتابخانهٔ خدابخش در پتنه (هند) .

(۱۱۶) مرقع سلطان‌مراد (ف)

مجموعهٔ نفایس خوشنویسی و نقاشی .

نسخهٔ خطی : کتابخانه ملی وین . (خویشنویسان ۱/۲۷۹)

(۱۱۷) مرقع سلطان حسین بایقرا (ف)

در خزینهٔ اوقاف استانبول . شامل نمونه‌های خطاطان استادان معروف خوشنویسی واز آنجمله عبدالله طباخ هروی که در سنه ۸۵۵ ق ۱۴۵۰ م در سمرقند نوشته است (بنگرید : ترکیه ۲۰)

(۱۱۸) مرقع سلطان یعقوب آق قویونلو (ف)

این مرقع بسیار نفیس ، دارای قطعات انواع خطوط استادان ماهر خوش‌نویسی مکتب هرات و متفرعات آنست ، که تمام محتویات آن در تاریخ خطاطی بکار آید و درحدود ۸۸۰ ق ۱۴۷۵ م ترتیب شده باشد و اکنون در خزینهٔ اوقاف استانبول محفوظست .

نمونه‌های خطاطی بسا از هنرمندان مکتب هرات واساتید بزرگ با تاریخ و امضای ایشان دارد و مکتوبی بخط شیخ محمود هروی شاگرد جعفر بایسنغری و رئیس کتابخانهٔ سلطان یعقوب ، خطاب بهمین سلطان ادب و هنرخواه نیز دارد، که آنرا دراحوال و آثار خوشنویسان (ج ۳ ص ۸۹۲) طبع کرده‌اند .

دربن‌مرقع ۶۸ قطعه خطوط عبدالکریم بن‌عبدالرحمن خوارزمی نیز محفوظست (بنگرید : ترکیه ۱) .

(۱۱۹) مرقع شاه اسماعیل (ف)

مجموعهٔ بهترین آثار خطاطی و نقاشی استادان مکتب هرات و متفرعات آن، که برای‌شاه اسماعیل صفوی ساخته‌شده (بنگرید: ترکیه۸)
مخطوطهٔ : خزینهٔ اوقاف استانبول (خوشنویسان ۱/۲۷۸)

مرقع شاه عباس (ف)

(۱۲۰) کتابخانـهٔ دانشگاه استانبول . یکی از اجـزاء آن رقـم «فقیرالمذنب حسین» دارد . وبهمین امضا قطعهٔ نستعلیق دیگری هم در خزینهٔ اوقاف استانبولست .

(۱۲۱) در خـزینهٔ اوقـاف استانبول ، جامع انـواع خطوط خوشنویسان . (بنگرید : ترکیه ۳۶) (خوشنویسان ۱/۲۷۸)

(۱۲۲) مرقع شاهی یا مرقع گلشن (ف)

کتابخانهٔ سلطنتی ایران .

مجموعهٔ نفیس آثار خوش‌نویسی و نقاشی آسیای میانه و هند و ایرانست ، که در هند برای شاهان مغولیهٔ دهلی فراهم آمده و بـرخی حواشی‌این مجموعه بقلم‌آقا رضا مصورهروی درهند بتاریخ ۱۰۰۸ ق ۱۵۹۹ م نقاشی شده و آثار چندین نفر خطـاطـان معروف و مصوران هرات دارد .

آغاز ترتیب این مرقع بامر جهانگیر در سنه ۱۰۳۱ ق ۱۶۲۱ م بوده ودرعهد شاه جهان در سنه ۱۰۴۰ ق ۱۶۳۰ م ختم گردیده وکاتب

دیباجه و خاتمهٔ آن ظاهراً محمدحسین کشمیری «زرین‌رقم» است وشاه جهان بخط خـود نام «مرقع شاهی» بران نوشت و مخطوطهٔ این مرقع درایام ولیعهدی ناصرالدین شاه درسنه ۱۲۶۳ ق ۱۸۴۶ م بایران رسیده و داخل کتابخانهٔ شاهی تهران گـردید مشتمل بر۱۷۶ ورق در یك مجلد نفیس .

(برای شرح مزید بنگرید : ایران ۵۱۸ و فصل سوم : تـوصیف مرقع شاهی و ۵ ب) .

(۱۲۳) مرقع کتابخانهٔ سلطنتی ایران (ف)

درین مـرقع علاوه براستادان نستعلیق و انواع خطوط دیگر ، مکتوبی بخط و انشاء میرعلی هروی خطاط معروف مکتب هرات در عصرسلطان حسین بایقرا (متوفا دربخارا ۹۵۱ ق ۱۵۴۴ م) مضبوطست که با کمال الحاح وزاری ازحضورعبیدالله خان ازبك، اجازت عودت بوطنش هرات را خواسته است .

مرقعات گنجینهٔ شیخ صفی در اردبیل ایران (ف)

این گنجینه در ایام صفویه غنی‌ترین خزینهٔ کتب خطی ونفایس هنری بود ، که از آنجمله مـرقعات ذیل در (۲۲۴ ورق) تاکنون باقی مانده است :

(۱۲۴) مرقع ۳۸ ورق :

بخط نسخ و نستعلیق و ثلث مجدول مذهب حاشیه الـوان جلد مقوا تیماجی .

(۱۲۵) مرقع ۶۲ ورق :

بخطوط مختلف خوش نویسان ، مجدول مذهب حاشیه ، کاغذ الوان‌افشان مصور با سرلوحه‌ها و جلد مقوا تیماجی اندرون مشبك منقوش.

(۱۲۶) مرقع ۳۶ ورق :

مجدول مذهب بخط خوشنویسان ، حاشیهٔ الوان‌افشان نقاشی بطلا و دو صفحه اول مصور .

(۱۲۷) مرقع ۶۸ ورق :

به‌خطوط مختلفهٔ خوشنویسان، مجدول‌مذهب‌مصور سرلوحدار، حاشیه الوان افشان .

(۱۲۸) مرقع ۲۰ ورق :

به‌خطوط نستعلیق خوش نویسان، مجدول‌مذهب سرلوحدار مصور.
(گنجینهٔ شیخ صفی ص ۵۵ طبع تبریز ۱۳۴۸ ش)

مرقعات ولی‌الدین افندی :

وی فرزند مصطفی آقای صولاق‌باشی و شیخ‌الاسلام دولت‌عثمانی و مرد عالم و خطاط هنرشناسی بود . وفاتش بسن ۸۳ سالگی درحدود ۱۱۷۳ ق ۱۷۵۹ م در استانبولست که زبردست‌ترین نستعلیق‌نویسان عثمانی و شاگرد طورمش‌زادهٔ خطاط بود .

سه جلد ازمرقعات ترتیب کردهٔ اودر کتابخانهٔ دانشگاه استانبول است که همهٔ آن در تاریخ خطاطی بکار آید .

(۱۲۹) جلد اول :

مشتمل برخطوط میرعماد حسنی و قطعاتیکه خود ولی‌الدین از روی آن نوشته و نهایت مهارت هنری وی در آن آشکار است .

(۱۳۰) جلد دوم :

مجموعهٔ خطوط میرعلی هروی .

(۱۳۱) جلد سوم :

مجموعهٔ خطوط استادان طراز اول نستعلیق.

قطعات زیاد خط ولی‌الدین در مرقعات ایاصوفیه و دانشگاه و موزهٔ آثار اسلامی استانبول موجود است . (خوشنویسان ۹۵۵)

(۱۳۲) مرقع امیر تیمور (مجلس جنگ) بنگرید : جهانگیر۲۹

» بهرام میرزا	» دوست‌محمد ۴۵ و ترکیه ۷
» پریخانه	» اندرام‌مخلص ۱۳
» خطوط	» محمد مؤمن ۱۰۵
» خطوط و تصاویر	» محمدمحسن ۱۰۳
» شاه طهماسپ	» ترکیه ۶
» یوسف‌بهادر	» » ۹
» ۲۱۴۷	» » ۱۰
» ۲۱۴۴	» » ۱۱
» ۲۱۴۶	» » ۱۲
» ۲۱۴۰	» » ۱۳

مرقع ۲۱۶۲	بنگرید : ترکیه ۱۴
« ۲۱۶۸	« « ۱۵
« ۲۱۴۵	« « ۱۶
« ۲۱۵۶	« « ۱۷
« ۲۱۶۶	« « ۱۸
« ۲۱۵۹	« « ۱۹
« ۲۱۵۵	« « ۲۰
« ۲۳۱۰	« « ۲۱
« ۲۱۵۷	« « ۲۲
« ۲۱۳۹	« « ۲۴
« ۲۱۴۲	« « ۲۵
« ۲۱۴۳	« « ۲۶
« ۲۱۶۵	« « ۲۷
« ۲۱۷۶	« « ۲۸
« ۲۱۵۸	« « ۲۹
« ۱۴۸۳	« « ۳۰
« ۱۴۸۸	« « ۳۱
« ۱۴۸۹	« « ۳۲
« ۱۴۹۱	« « ۳۳
« ۱۴۹۶	« « ۳۴
« ۱۵۱۴	« « ۳۵
« شاه اسماعیل اول صفوی	« منابع ۱۴۸ وصفی.

(۱۳۳) مستقیم‌زاده :

سلیمان سعدالدین افندی از شعرای عصر عثمانیه ترك ومتولد در استانبول درسنه ۱۱۳۱ ق ۱۷۱۸ م است که طریقت نقشبندی داشت ، به ترکی‌وعربی‌وفارسی تألیفات‌زیاد دارد. وفاتش۱۲۰۲ق ۱۷۸۷م است. (قاموس‌الاعلام شمس‌الدین سامی طبع استانبول ۱۳۱۱ ق جلد ۴ ص ۲۶۲۰) از آثار اوست :

تحفهٔ خطاطین (ف)

در بیان قواعد و تاریخ خط و احوال خطاطان .

طبع استانبول ۱۹۲۸ م .

(۱۳۴) مصطفی‌عالی افندی :

دفتردار بغداد مؤلف کتابی بنام منشأالانشا در ۵ فصل .

تولد ۹۴۸ ق ۱۵۴۱ م

وفات ۱۰۰۸ ق ۱۵۹۹ م

از آثار اوست :

مناقب هنروران (ت)

محمد قطب‌الدین یزدی‌درسنه ۹۹۰ ق ۱۵۸۱ م مأموردفترداری خزینهٔ بغداد وجوان ۲۰ سالهٔ خوش‌نویس ماهر بود . وی تذکره‌ئی‌در ترجمهٔ ۵۲ تن خوش نویس نوشت که اکنون در دست نیست ، ولی عالی افندی که در بغداد یزدی‌را دید ، این تذکرهٔ او را گرفت و در سنه ۹۹۵ ق ۱۵۸۶ م در عصر سلطان مراد عثمانی بترکی ترجمه کرد ، و احوال چند خطاط دیگر را بران افزود ، که از منابع هنر خطاطی است . طبع استانبول (؟)

(۱۳۵) مطربی (اصم سمرقندی) :

ولادتش ۹۶۶ ق ۱۵۵۸ م در سمرقندست و در سن رشد به هند رفت و در رجب ۱۰۳۴ ق اپریل ۱۶۲۵ م که عمرش ۶۸ بود ، درهند بتألیف تذکرهٔ خود پرداخت که در جمادی‌الاخـری ۱۰۳۶ ق ۱۶۲۶ م ختم شد، وی درسنه ۱۰۳۷ ق ۱۶۲۷ م ببلخ باز آمد .

تذکرهٔ مطربی (ف)

مشتمل براحوال بعضی امرای ازبك و شاعران فارسی‌زبان ماوراءالنهرو بلخ وخراسان بترتیب الفبائی تخلص‌های ایشان که بعضی از آنها خطاط هم بوده‌اند در حدود ۳۵۰ تن مربوط قرن ۹ – ۱۱ ق . نسخهٔ خطی اندیا آفس شماره ۳۰۲۳ مـورخ ۲۳ شعبان ۱۰۷۵ ق ۱۶۶۵م .

مخطوطهٔ کتابخانهٔ آکادیمی علوم ازبکستان ۲۳۵۳ و مجموعـهٔ شخصی محمدصالح پرونتا در کابل .

۱۳۶ منشآت (ف)

نام مؤلف‌وجامع آن معلوم نیست‌ومشتمل‌است برمناشیروفرامین ونامه‌ها از عهد شاهرخ تا سلطان ابوسعید میرزا مورخ ۸۸۶ق ۱۴۸۱م که مطالبی درتاریخ هنر دارد .

مخطوطه : کتابخانهٔ یونیورسیتی استانبول.

(۱۳۷) منشآت خطی کتابخانهٔ مهدی بیانی تهران (ف)

این کتاب ده سال قبل درتهران بود، و دران بسا از منشآت علی

یزدی و دیگران نقل شده و ازانجمله یك منشور امیرزاده ابراهیم سلطان (فرزند شاهرخ) بنام خواجه نصیرالدین محمد مذهب است که وی در کتابت وتذهیب وتصویر ونقاشی وحسن خط استاد بود و اورا درهرات مقدم و کلانتر کتابخانهٔ همایون مقرر داشته‌اند.

تاریخ این منشور ۲۵ ذیقعده سنه ۸۰۵ق ۱۴۰۲م است ودرتاریخ خطاطی ومکتب هنری هرات، سند بسیار مفید وقویست، اینك نقل آن:

«چون خواجه نصیرالدین محمد مذهب ، از فضیلت حسن خط و لطف تحریر، بخطی وافر کامل و نصیبی موفور بهره‌ور و محفوظست ، و در صنعت تذهیب ونقاشی سرامدهٔ دوران و فایق بر سایر امثال و اقران . و مدتی مدید است تا بکلك توفیق ، نقوش اخلاص و خدمتگاری ، بر صفحات احوال خویش نگاشته، علی‌الدوام بسعی دوام وظائف نیکو، بندگی بتقدیم میرساند، وبصنوف خدمات پسندیده مواظبت می‌نماید .

درینوقت بحکم من منع المستوجبین فقد ظلم ، تقدم و پیشوائی طوایف مذکور، بتخصیص مذهبان ونقاشان و مزوقیان و تقویم کارهای کتب‌خانهٔ عامره وغیرآن ازکتابت وتذهیب وتصویر وتجلید ونقاشی و عمارت وتعیین جمهور مذهبان ومزوقیان، خواجه نصیرالدین مشار الیه را مقدم و کلانتر خود دانسته، طریق متابعت و انقیاد مسلوك دارند . و کارکنان کتابخانهٔ همایون ونقاشان عمارات خاصه وغیرهم، تقویم اورا معقول شناسند ، و از سخن و صوابدید او که هرآینه متضمن صلاح کار باشد تجاوز ننمایند... فی الخامس والعشرین فی ذی‌القعدة‌الحرام سنه خمس وثمانمائة الهجریه.»

(خوش نویسان ۹۴۲)

(۱۳۸) منشآت و رسالهٔ خط وقلم (ف)

مجموعهٔ منشورات ومراسلات مشاهیر بخارا وبلخ تا قرن ۱۹م، که یکی از اجزاءآن رساله «خط وقلم» است.

نسخهٔ خطی: کتابخانهٔ تاشکند.

منشآت عبدالله مروارید : بنگرید: ۷۰
» حسن شاملو » ۳۷
» ابوالفضل (مکاتبات) » ۵ب

(۱۳۹) میرخانی :

ازخطاطان معاصر ایران ، ازوست :

تذکرهٔ خوش‌نویسان (ف)

مجموعهٔ هنرخط و اقسام خطوط با نمونهٔ خط برخی ازخطاطان خراسان وافغانستان طبع تهران ۱۳۴۵ش ۱۹۶۶م ۱۵۰ص
(راهنمای تاریخ افغانستان ۱۸۱/۲)

(۱۴۰) ناجی زین‌الدین (مهندس عراقی)

از دانشمندان محقق معاصرعراقی دربغداد، تألیف اوست :

الخطالعربی (ع)

مصور ۴۲۰ ص مشتمل بر تاریخ و اشکال خطوط اسلامی ، از مطبوعات مجمع علمی عراقی بغداد ۱۹۶۸م ، چاپ مطبعهٔ حکومتی بغداد، قطع بزرگ، آرت پیپر.

(۱۴۱) ناصرالدین حنفی حسنی بخاری

از مولفان قرن ۱۸م ماوراءالنهر، ازآثار اوست :

تحفة‌الزائرین (ف)

درشرح برخی ازمزارات ماوراءالنهر که ذکر برخی ازخطاطان هم دارد .

طبع بخارا ۱۳۳۸ق ۱۹۱۹م.

(۱۴۲) نثاری بخاری:

نامش سیدحسن خواجه پسر سید پادشاه خواجه مشهوربه نقیب‌الاشراف، ازمشاهیر رجال دربار شاهان بخارا وشیخ‌الاسلام وصدربود که درنیمه آخر قرن دهم‌هجری میزیست. وفاتش دربخارا سنه ۱۰۰۵ق ۱۵۹۶م و ازآثار اوست:

مذکر احباب (ف)

نام‌کرونوگرام تذکرۀ شعرای‌فارسی است که در۹۷۴ق ۱۵۶۶م تألیف آن ختم شده ، و یکی از مآخذ شرح حال برخی از شاعران هنرمند است، که مؤلف‌آن ازارادتمندان حافظ سلطانعلی او بهی‌خطاط معروف (متوفا ۹۰۹ق ۱۵۰۳م) بود. و دربن تذکره ذکر۲۸۳تن شعرای معاصر وسابق ازهند تا خراسان و ماوراءالنهر آمده .

نسخ خطی:

۱ـ موزه برتانیا مرقومه ۹۸۷ق ۱۵۷۸م

۲ـ اکادیمی علوم شرقی لنین‌گراد .

۳ـ کتب‌خانۀ نواب صدر یار جنگ (هند)

۴ـ کتب خانۀ برلن شماره۶۴۵ بخط نستعلیق خوش ویسی‌هروی که درسنۀ ۹۸۳ق ۱۵۷۵م درمکه نوشته شده .

طبع :

۱- شرح حال هفت تن شاعر خطاط که درین تذکره آمده، بوسیلهٔ نواب صدر یار جنگ در اورینتل کالج میگزین لاهور ج ۱۱ مورخه ۲ فبروری ۱۹۳۵ م طبع شده است ص ۳۹-۴۵.

۲- طبع تمام متن فارسی مذکر احباب درحیدر آباد دکن ۱۹۶۹ م ۵۲۰ صفحه متن + ۴۸ فهارس + ۹۸ مقدمه انگلیسی. بکوشش فضل‌الله استاد فارسی جامعهٔ عثمانیه حیدر آباد دکن (هند).

بنگرید: راهنمای کتاب شماره ۶ سال ۳

آریانا کابل شماره ۱۱ سال ۱۹

نشریهٔ کتابخانهٔ مرکزی، تهران ج ۲ سال ۱۳۴۱ ش.

تاریخ تذکره‌های فارسی ۲/۲۱۹

(۱۴۳) نصر آبادی :

نامش محمد طاهر اصفهانی متولد ۱۰۲۷ ق ۱۶۱۸ م از تذکره‌نویسان و شاعران قرن ۱۷ م ایران و مؤلف گلستان خیال است که وفاتش در اواخر قرن ۱۷ م باشد. و هم از آثار اوست.

تذکرهٔ نصرآبادی (ف)

در ذکر شعرای عهد صفوی تقریباً ۱۰۰۰ نفر، بنام شاه سلیمان صفوی از ۱۰۸۳ تا ۱۰۹۰ ق ۱۶۷۳ م نوشته شده مشتمل بر یک مقدمه در ذکر شاهان و شاهزادگان و :

صف اول : در ذکر امراء و خوانین ملازمان پادشاه از ایران و هندوستان و وزراء و مستوفیان و دیوانیان.

صف دوم : ذکر سادات و نجباء.

صف سوم : ذکـر علماء و فضلاء و خـوش‌نویسان و فقراء و درویشان .

صف چهارم : شعرای عراق وخراسان وماوراءالنهروهندوستان.

صف پنجم : ذکر مؤلف و اقوام او .

خاتمه : در تواریخ و الغاز و معماها .

نسخهٔ خطی :

۱ ـ دانشگاه تهران ۳۳۴۲ .

۲ ـ کتابخانهٔ وزیری یزد . این نسخهٔ ذیلی هم دارد ، که در سنه ۱۰۹۱ ق ۱۶۷۹ م بامضای نصرآبادی رسیده .

طبع :

۱ ـ قسمت احوال خوشنویسان آن طبع محمد شفیع دراورینتل کالج‌میگزین ج ۱۱ شماره۴ ماه اگست ۱۹۳۵ م ص ۵۴ – ۱۵۹

۲ ـ چـاپ متن کامل آن بکوشش وحیـد دستگردی در مطبعهٔ ارمغان تهران ۱۹۳۸ م . (برای نسخ خطی بنگرید : ستوری ۸۲۰)

(۱۴۴) نعیمی (علی احمد)

از نویسندگان انجمن تاریخ کابل، متوفـا ۱۳۵۰ ش ۱۹۷۱ م، ازوست :

صورتگران و خوشنویسان هرات در عصر تیموریان (ف)

مشتمل برمعرفی نقاشان وخطاطان هرات، بترتیب الفبای نامهای هنرمندان هرات در عصر تیموریان .

طبع: انجمن‌تاریخ کابل ۱۳۲۸ ش ۱۹۴۹ م ۱۲۴ ص

(۱۴۵) واصفی هروی :

زین‌الدین محمود بن عبدالجلیل هروی است که در سنه ۸۹۰ ق ۱۴۸۴ م در هرات بدنیا آمد و شاعر و مؤرخ و واعظ و نثرنگار هراتست که در محرم ۹۱۸ ق ۱۵۱۱ م از هرات به ماوراءالنهر پناه برد ، و در حدود ۹۶۰ ق ۱۵۵۲ م بسن ۷۰ سالگی در تاشکند وفات یافت، و از آثار مفید اوست :

بدایع‌الوقایع (ف)

برخی اطلاعات بسیار مفید دربارهٔ اوضاع شاعران و مؤلفان و هنرمندان هرات و آسیای وسطی و دربارهای هرات و بخارا و سمرقند و تاشکند دارد، و یکی از مآخذ عمدهٔ تاریخ اجتماعی این سرزمین است .

طبع :

۱ - در دو جلد چاپ مسکو ۱۹۶۱ م بسعی الکساندر بلدروف ۵۰+۱۳۷۵ ص .

۲ - در دو جلد چاپ بنیاد فرهنگ ایران :

جلد اول ۱۳۴۹ ش ۱۹۷۰ م ۵۳۳ ص با فهارس .

جلد دوم ۱۳۵۰ ش ۱۹۷۱ م ۴۲۲ ص با فهارس .

(۱۴۶) واله داغستانی :

علی قلی‌خان تذکره‌نگار فارسی که در سنه ۱۷۱۲ م در اصفهان بدنیا آمد و در سنه ۱۷۳۱ م بهند رفت و بمناصب بزرگ رسید و در سنه ۱۱۷۰ ق ۱۷۵۶ م در دهلی مرد ، ازوست :

ریاض‌الشعراء (ف)

تذکرهٔ ۲۵۰۰ شاعر قدیم و جدید فارسی است بترتیب الفبائی

که در سنه ۱۷۴۸ م تألیف آن انجام یافته و ذکر برخی از هنرمندان شاعر هم دارد. (برای نسخ خطی آن بنگرید: ستوری ۸۳۲).

(۱۴۷) واله قزوینی:

محمد یوسف، ولادتش سنه ۹۸۸ ق ۱۵۷۹ م و برادرمیرزا محمد طاهر وحید مؤرخ قزوینی است که در سال ۱۰۵۸ ق ۱۶۴۷ م در فتح قندهار همرکاب شاه عباس ثانی صفوی بود و منصب منشی ارقام شاهی داشت، و بعد از آن به وزارت توپخانه رسید، وتفسیری برقرآن مینوشت و در نظم ونثر استاد و هم خطاط مسلم بود، از آثاراوست:

خلد برین (ف)

تاریخی است مشتمل برهشت روضه، که در زمان شاه سلیمان صفوی در سنه ۱۰۷۸ ق ۱۶۶۸ م تألیف شده که حدیقهٔ دوم از روضهٔ هشتم ومجلس ششم آن درذکرخوش نویسان ومجلس هفتم درذکر نقاشان ومذهبان است. (برای نسخ خطی بنگرید: تاریخ تذکره‌ها ۲/۶۱۶ ستوری ۱۳۱).

(۱۴۸) وصفی (شمس الدین محمد)

از هنرمندان و خطاطان اواخر عهد تیموریان هراتست که بامر شاه اسماعیل اول صفوی قطعات خطوط استادان عصررا فراهم آورد و مقدمه مفیدی بران نوشت.

مقدمه مرقع شاه اسماعیل صفوی (ف)

درباب خوش نویسان وهنرمندان در۹۱۶ ق ۱۵۳۷م نوشته شده. مخطوطهٔ خزینهٔ اوقاف استانبول.

(۱۴۹) هروی:

در اواخر قرن ۱۵ م زندگی داشت و نامش معلوم نیست.

جوامع‌الانشا (ف)

مشتمل برمکاتبات و نامه‌های عصرسلطان ابوسعید میرزا وسلطان حسین بایقرا و حسن بیگ ودیگر مراسلات آن عهد که در تاریخ خط و هنر مطالبی دارد.

خطی: نور عثمانیه استانبول.

(۱۵۰) همایونفرخ (رکن‌الدین)

از محققان معاصر ایران ساکن تهران، از آثار اوست:

۱ - تاریخچه کتابخانه‌های ایران (ف)

طبع تهران (بی‌تاریخ) مصور ۱۸۴ ص

۲ - کتاب و کتابخانه‌های ایران (ف)

طبع مصور نفیس تهران ۱۳۴۵ ش ۱۹۶۶ م ۱۵۵ ص

۳ - سیر تحول و تکامل خط فارسی دری (ف)

یك سلسله مقالات در مجلهٔ بررسی‌های تاریخی، طبع تهران (سال ۴ شماره‌های ۲، ۳، ۴، ۵، ۶) ۱۳۴۸ش ۱۹۶۹ م.

۴ - هنر کتابسازی در ایران (ف)

در شماره ۴ - ۵ - ۶ راهنمای کتاب طبع تهران (سال ۱۴ سال ۱۳۵۰ ش ۱۹۷۲ م)

(۱۵۱) هیرالال مونس (منشی)

از مؤلفان و خطاطان قرن ۱۹ م هند، پسر رامجیون لال ساکن جیپور که وفاتش غالباً ۱۹۲۱ م است، و از آثار اوست:

طغرای نستعلیق (اردو)

در شرح حال خطاطان نستعلیق و قواعد این خط. طبع هند (؟)

(۱۵۲) یعقوب بن حسن :

ابوالداعی سراج حسنی شیرازی خطاط اقلام سته و استاد نستعلیق درقرن ۱۵م. که بقلم او ظفرنامهٔ تیموری تحریر پنجشنبه ۲۴ جمادی‌الاخری ۸۴۰ق ۱۴۳۶ م در کتابخانهٔ مجلس تهران موجود است و از آثار اوست:

تحفة‌المجالس (ف)

مطالب مهم در تاریخ خطاطی دارد ، و یکی از مآخذ وی رسالهٔ خواجه عبدالله صیرفی است .

نسخهٔ خطی :

کتابخانهٔ خدابخش در پتنهٔ هند شماره ۱۰۸۶

(۱۵۳) یوسف‌حسین (سید)

پیش‌از ۱۲۲۸ ق ۱۸۱۲ م در هند میزیست و از عبدالقادر مجلد، هنر جلدسازی و صحافی آموخت و تألیف اوست :

رسالهٔ جلدسازی (ف)

این رسالهٔ منظوم فارسی که از نظر ادب سست و ناقص‌است در نه فصل منظوم گردیده ، که در تاریخ هنرتجلید و اصطلاحات آن یك‌اثر نافع شمرده میشود :

فصل اول : ساختن مقوا و اهار .

فصل دوم : ساختن وصالی و فصالی .

فصل سوم : در بیان جزبندی و سیفه و پشتی و پیرازه و شیرازه و شکنجه .

فصل چهارم : در بیان اقسام و چگونگی سختیان .

فصل پنجم : در مقوا کندن ، منبت بـرمقوا چسپانیدن ، ورقـی تراشیدن و لنگردادن و بـرکتاب بستن و جلادادن و قلم کاری کـردن و مستورنمودن .

فصل ششم : در بیان جلد یك پوستی و دو پوستی و جلد کاغذی .

فصل هفتم : در بیان قلمدان و زیـرمشق و جلد آینه و غلافها و مروحه و آفتاب گیری . . .

فصل هشتم : در بیان اشکال و چگونگی آلات و . . .

فصل نهم : در بیان حل زر و نقره و تذهیب و زرافشان وجدول و راست کردن رنگها چون لاجورد و شنجرف وزرنیخ و زنگار وسیاهی و غیره ، و چربه و چین کاغذچیدن واهرکردن و پشت آینه بستن .

خطی : یك نسخهٔ خطی ناقص این رساله منظوم کـه غلطی های زیاد دارد ، بخط جمال صاحب درسنه ۱۲۲۸ ق ۱۸۱۲ م نوشته شده و در کتابخانهٔ مخطوطات شرقی

Government Oriental Munuscripts Library

مدراس به‌شماره M ۴۳۷ موجوداست (بنگرید: فهرست همین کتابخانه ج ۱ طبع ۱۹۳۹م).

طبع :

از روی همین نسخهٔ ناقص در فرهنگ ایـرانزمین ج ۱۶ - ۱۷ طبع تهران ۱۳۴۹ ش ۱۹۷۰ م (ص ۱-۴۳) چاپ شده است .

(۱۵۴) یوسف محرر جامی (جلال‌الدین)

از مؤلفان خراسان بعد از قرن ۹ هجریست که نام اورا یوسف‌ـ بن محمدبن شباب‌الجامی آورده‌انـد و هنرمند جامع‌الصنائع مکتب

هرات و نویسنده مهمترین نسخه های خطی خمسهٔ نظامی نمره H ۷۸۱ توپقاپوسرای استانبولست که در هرات در سنه ۸۴۹ ق ۱۴۴۹ م برای خائرخاتون بنت امیرعثمان نوشته شده است (بنگرید : ترکیه ۴۲ ببعد) و هم ازوست :

فرائد غیاثیه (ف)

کتابیست مفید و دارای نکات کارآمد در تاریخ خطاطی .

از آنجمله مکتوبی از زبان مولانا احمد بن محمود جامی بانشاء یوسف خطاب به جعفر بایسنغری است که اختلاف جعفر را با شمس الدین محمد بن حسام هروی خطاط دربار بایسنغر (متوفا ۸۵۰ ق ۱۴۴۶ م) نمایندگی میکند ، و این مکتوب در خوشنویسان دکتر بیانی (ص ۳۱۳) طبع شده است .

مخطوطه : شماره ۴۱۵۵ ایاصوفیه استانبول .

فصل سوم

هنر کتابسازی و خط در ادبیات فارسی

- ۱ -

توصیف مرقع شاهی و مدح شاه جهان[1]

پروردهٔ کدام بهار است این چمن
کز بهر دیدنش نگه از هم کنیم وام

هر خط او چو خطهٔ کشمیر دلفریب
وز حلقهٔ حروف براه نظاره دام

از دیدنش نظاره گیان مست می‌شوند
آن باده‌ایکه دایره‌ها را بود بجام

از بسکه دیده خیره شود در نظاره‌اش
نتوان شناخت دیده کدام است و خط کدام؟

یاقوت ثلث این خط اگر مینگاشتی
مستعصمش بدیده نشاندی ز احترام

تذهیب داد شاهد خط را چه زینتی
آری شفق فزوده بحسن و جمال شام

---

۱ ــ ظاهراً وصف مرقع معروف به‌گلشن است ، که اکنون در کتابخانهٔ سلطنتی ایران محفوظ است (بنگرید : فصل دوم ۱۲۲ و ایران ۷۴۰)

آراسته بهشتی ، تصویر حوریان
حوری که باشد او را غلمان کمین غلام
چسپان شد اختلاط خط و صورتش بهم
پیچد بموی طرهٔ تصویر زلف لام
مو از زبان چو خامهٔ نقاش سرزند
نطق ار ز حسن صورت او سر کند کلام
تصویرو خط چوصورت ومعنی بهم قرین
وز اتحاد کرده در آغوش هم مقام
تمکین حسن اگر نشدی مانع ، آمدی :
در باغ صفحه شاهد تصویر در خرام
چندین هزار نقش بدیع انتخاب کرد
دوران که شد «مرقع شاه جهانش» نام
صاحبقران ثانی از اقبال سرمدی
شاه ستاره لشکر و خورشید احتشام
(ص ۷۱ دیوان کلیم طبع تهران ۱۳۳۶ ش)

۴ - جلد

حبذا دیوان تو[۱] کز بهر جلدش در ختن
پوست را ازتن بدندان‌می کشد بیرون،غزال
(کلیم)

---

۱ - این ابیات ازقصیده لامیه درمدح روح‌الامین شهرستانی‌اصفهانیست که درهند منصب میرجمله داشت .

۳ - جزوه و شیرازه

بسکه مربوطند معنی‌ها بهم چون سلسله
جزوه‌ها یابند بی شیرازه باهم اتصال
(کلیم)

۴ - دفتر، تذهیب، سرلوح

چونکه دارد نسبتی با دفتر اشعار تو
دفتر گل را نیارد زد بهم باد شمال
ازپی تذهیب اوخورشید را حل کرده‌اند
تا ز سرلوحش بسازند آفتاب بی‌زوال
آسمان افتاده در پیش مذهب چون صدف
وز شفق شنجرف در وی سوده بهررنگ آل
(دیوان کلیم ص ۳۱)

۵ - خوشنویسان با سهو قلم

خوش‌نویسی چو عارض خوبان — سخنم را بخط خوب آراست
لیك در هر غزل بسهو قلم — گاه چیزی فرود و گاهی کاست
کردم اصلاح آن من از خط خویش — گرچه نامدچنانچه دل میخواست
هر چه او کرده بود با سخنم
با خط او قصور کردم راست
(جامی)

۶ - قلم‌تراش

بکلك تیز فلان خوشنویس شعر مرا
نزد رقم که زهر بیت شد به زخمی خاص

کنون من از پی اصلاح شعر ، بر خط او
قلم‌تراش کشیدم که «الجروح قصاص»
(دیوان جامی به تصحیح هاشم رضی، طبع تهران ۱۳۴۱ ش ص ۷۹۷)

۷ ـ نسخهٔ زیبای مزین

این نسخه که نزهتگه عقل و جانست
در خوبی او چشم خرد حیرانست
خرم چمنیست از گل و ریحان پر
اوراق گل و خطوط او ریحانست
(جامی ص۸۱۵)

۸ ـ انحراف خامه

محرف تراش و محرف نویس
باندك زمانی شود خوش نویس
آصفی هروی گوید :
جزمست انحراف خطش با من ای رقیب !
بهر سواد ، خامه محرف مساز قط
(ص ۱۲۷ دیوان آصفی هروی، ۸۵۳ - ۹۲۳ ق
طبع هادی ارفع ، تهران ۱۳۴۲ ش)

۹ ـ قط قلم

استخوانم صد نشان دارد ز تیغ نو خطان
بسکه در مکتب برویش خامه میکردند قط
(ص ۱۲۸ دیوان آصفی)

هوای نو خطان مکتبم کاش استخوان سازد
که بهر خامه قط کردن ، برندم سوی مکتب‌ها
(ص ۹ آصفی)

۱۰ - حسن خط

شد زخط عنبرین، حسن توصد چندان که بود
یك دلیل حسن روزافزونت آمد حسن خط
(ص ۱۲۹ آصفی)

در آرایش صفحهٔ روزگار
ربایند خطش چو خط نگار
بسر خط نویسی علم زان نمط
که رخسار خوبان کند مشق خط
(نورالدین ظهوری در مدح میر خلیل خطاط)

۱۱ - خط غبار

مصحف حسنت بخط خوب غبارست
من صفت آن خط غبار چه گویم ؟
(ص ۲۲۵ کلیات قاسم انوار متوفا ۸۳۷ ق طبع سعید نفیسی
تهران ۱۳۳۷ ش)

۱۲ - نسخ و تعلیق

نتوانند چو خط تو نوشت ار بکنند
نسخهٔ خط ترا ، نسخ نویسان ، تعلیق
(میرجوجك علی سرپل بلخ حدود ۱۰۰۰ ق از مجمع‌الفضلا)

۱۳ - خط ترسل

ای زلف تو پیچیده‌تر از خط ترسل
بر دامن زلف تو مرا دست توسل
(قاآنی)

۱۴ - چند خط در یک بیت

ز نستعلیق گو[1] یاقوت‌لب، ریحان‌خطی دارم
کز انگشت شهادت میکشد، خط بر غبار من
(محمدسعید اشرف از فرهنگ آنندراج)

۱۵ - مرکب ، قلم

منشی دیوان کل ، آندم که کرد انشا قلم
از خط و خالت مرکب بود با سوداقلم
(کاتبی ترشیزی نشابوری)

۱۶ - دوات

نام لعلت نقش اگر سازند درچین بر دوات
نی قلم‌شان پرعسل گردد ز موم سردوات
(کاتبی)

۱۷ - کتب‌خانه

عماد فقیه کرمانی در مثنوی صفانامه درباره خواجه محمود که خانقاهی در کرمان در سنه ۶۶۶ ق ساخته بود گوید :

---

۱ - نستعلیق گویی : کنایه ازحرف به تکلف‌زدن و الفاظ را بمخرج ادا کردن .
(فرهنگ آنندراج) .

سال ز هجرت چو رسیدش بهفت
در صدد زمرهٔ حفاظ رفت
کلك ودواتش گه و بیگاه پیش
کرد کتبخانه پر از خط خویش
(اورینتل کالج میگزین لاهور ، نومبر ۱۹۲۸ م)

۱۸ - خطوط زرین

گر ابن مقله دگر باره در جهان آید
چنانکه دعوی معجز کند بسحر مبین
بآب زر نتواند کشید چون تو الف
بسیم حل ننگارد بسان نغز تو سین
(سعدی)

۱۹ - مجلد و شکنجه

دیدم مجلدی که شکنجه همی نمود :
دیوان روح پرور خواجه کمال را
گفتم : مجلدا ! تو شکنجه چرا کنی ؟
این نظم روح پرور سحر حلال را
گفتا که برده است کمالات اهل فضل
اشکنجه میکنم که نماید کمال را
بساطی سمرقندی متوفا ۸۶۲ ق از نسخهٔ خطی تذکرهٔ
مجمع الفضلاء محمد عارف بقائی ۹۹۶ ق

۲۰ ـ مشق مداوم

چهـل سال عمرم بخط شـد تلف
سر زلف نـایـد بـه آسان بکف
ز مشقش دمی هر که فارغ نشست
چو رنگ حنا رفت خطش ز دست
مکن جز به تحریر ، اوقات صرف
که صورت نمی‌آید از صوت حرف

(قاضی‌احمد غفاری)

۲۱ـ خط برخطها کشیدن

خامه می‌تـرسم ز دستش سرکشد
نـاگهان خطـی بخـطهـا درکشد

(ظهوری)

۲۲ ـ قلم گل‌نگار

خوشگوی نشد از قلمش هـر که نگفت
نـوکش چه گهرهای معانی کـه نسفت
گـر خار نـوشت ، در دل خصم خلید
ور گل بنوشت بـورخ دوست شگفت

(ظهوری)

۲۳ ـ عقد گهر

آنـانـکـه بجستن جـواهـر چستند
در عقد گهر گذشته ، خطش جستند

خطها همه آب در خراسان از شرم
ورنه ، بعراق عراقیان می‌شستند
(ظهوری در مدح میرخلیل خوش‌نویس)

۲۴ ـ اهل سواد

در سلسلهٔ وصف خط ، این بس که ز کلکم
هر نقطه سویدای دل اهل سواد است
(طالب آملی)

۲۵ ـ ستایش قلم

بهین وارثی مرد را یادگار — قلم باشد این نکته را گوش‌دار
جهان از قلم یافت نام و نشان — قلم گرنه بودی ، نه بودی جهان
کسی کو نه‌گشت ازقلم بهره‌مند — مدانش به نزد خرد ارجمند
قلم را چه دانند هر بوالهوس — قلم‌زن شناسد قلم را و بس
(ملا محمدحسین خطاط تبریزی استاد میرعماد قزوینی)

۲۶ ـ جلد صدف‌کاری کتاب

(برحاشیهٔ آن نوشته شد)

چو دست قضا نقش این جلد بست
پر و بال طاووس درهم شکست
کتابش چو گوهر بود از شرف
مناسب فتادست جلد از صدف
کند خرده کاریش را چون نگاه
گذارد فلک عینک از مهر و ماه

چو خود را سزاوار این جلد دید
صدف دامن از دست گوهر کشید
تراوش ز بس میکند آب ازو
گلش را نشسته است شبنم برو
برای تماشای این نوبهار
نگه باز گردانم از روی یار
کتابی کزو گشت زینت پذیر
میان دو گلشن شود جایگیر

(دیوان کلیم طبع پرتو بیضائی، تهران ۱۳۳۶ ش)

۲۷ ـ نگارخانه چین

صورتگران چین اگر آن چهره بنگرند
نقش و نگارخانه چین را کنند حك

۲۸ ـ صورت دلستان

گر مصور صورت آن دلستان خواهد کشید
حیرتی دارم که نازش را چسان خواهد کشید؟

(بیدل)

۲۹ ـ دست ازقلم کشیده

بصورتی که تو بی کستر آفریده خدا
ترا کشیده و دست از قلم کشیده خدا

(سلیم)

۳۰ ـ صورتگر چین

نقاش چمن چو صورتش آورد در نظر
زد برزمین قلم که چها میکشیم ما
(سلطان حسین میرزا صفوی)

صورتگر چین ازحسد صورت خوبش
هم خامه شکستست و هم انگشت گزیدست
(امیر معزی)

سخن ز صورت چین میگذشت درمجلس
کشید زلف ز عارض که نقش چین اینست
(بابا فغانی)

۳۱ ـ مصوران چابکدست

تمثال رخ ترا بچین بردستند
آنجا که مصوران چابکدستند

در پیش مثال روی تو بنشستند
انگشت گزیدند و قلم بشکستند
(شیخ شطاح شیرازی)

اگر جماعت چین صورت ترا بینند
شوند جمله پشیمان ز بت پرستیدن
(سعدی)

۳۲ ـ صورت انگیختن

فکرت من در تو نیست ، در قلم ایزدیست
کو بتواند چنین صورتی انگیختن
(سعدی)

گویی از خامهٔ تقدیر غرض نقش تو بود
کز ازل تا به ابد این همه تصویر کشید
(نیاز اصفهانی)

۳۳ - سلسلهٔ پای

حسن خط بهر خلاصی ز جنون می‌جستم
وه که خط سلسلهٔ پای من مجنون شد
(تمام این غزل در شرح حال میرعلی هروی ۷۷ فصل دوم خوانده شود)

۳۴ - شاعر خطاط

شاعر نازك سخن و ساحرم در فن خط نیز بسا ماهرم
فیض مسیحا ز دمم می‌چکد آب حیات از قلمم می‌چکد
(میرعلی هروی)

۳۵ - صد الم

چشم صاد وزلف دال و قد الف
طره لام است و دهان میم مراد
کلك استاد ازل زین پنج حرف
«صد الم» بر روی جان ما کشاد
(میرعلی هروی)

۳۶ - پنج شرط خطاطی

چند در وادی خط میکنی ایدل تك و پوی
بشنو این نکته و چون من بنشین فارغبال

پنج چیزست که تا جمع نگردد باهم
هست خطاط شدن نزد خرد امر محال
قوت دست و وقوفی ز خط و دقت طبع[1]
طاقت محنت و اسباب کتابت بکمال
گر ازین پنج قصوریست یکی را حقا
ندهد فائده گر سعی نمایی صد سال
(میرعلی هروی)

۳۷ - مرثیه هنر

از کمال‌الدین جعفر تبریزی خطاط معروف هرات در مرثیه بایسنغر:

شهریارا تا برفتی از سر اهل هنر
شد کتاب صبر ما ابتر ورق زیر و زبر
یافتی از لطف شه، هر کهنه خطی عمر نو
بشکند پشتش کنون چون رفت پشتیبان زسر
از مرقع ناله‌ها آید بگوش جان مرا
صورت بیجان مگر گشتند ازین غم باخبر
خواندن اشعار بی‌معنی‌شد وصورت حرام
پادشاه صورت و معنی ز عالم شد مگر
قطعه‌یی یاقوت دادی قطعه یاقوت را
صیرفی کو، تا شناسد لعل و یاقوت از حجر
گشت خط منسوخ وصورتگر بجان درمانده است
چون عطا نبود کشد جدول کش از خون جگر

(۱) نسخه: استاد شفیق

داشتی صد برگ جلـد نسخه‌یی از زر کنون
ای مذهب مشکلت از زر نگردد حـل دگـر
می‌نویسم جنگ و در دم میشود تر ز آب چشم
کرده‌ام بعد از تو شاها ! خط خود را خوبتر
نسخه‌هـا زفتند در جلدسیاه از سوز و درد
بسته برسر جـدول زر،هم کبود از لاجورد...
تا محقق گشت بر کتاب عالم این خبر
در زبان کلك‌هـا ناید برون جز آه آه
تا بتوقیع اجل شد نامـهٔ عمرش سجل
حال من چون خـط پریشان گشته ، خط اینك گواه
نسـخ و تعلیق از غبـار غم نسازد چهره پاك
چون نخوانندش دگر ، هرگز بنزد پادشاه

از مرثیه سروده مولانا منشی

دی در کتابخانه شدم دیدم اندر او
جمعی بگریه جمله گره بر جبین زده
اهل کتابخانه همه جامه‌ها سیاه
انداخته دوات و قـلـم بر زمین زده
کاتب سیاه کرده قد و قامت الف
بس نقطه سیه برخ حرف شین زده

(تاریخچه کتابخانه‌های ایران از رکن‌الدین همایونفرخ
طبع تهران (بی‌تاریخ)

۳۸ ـ جمال مرد

خط حسن جمال مرءٍ   ان کان لعالم فاحسن
الدر مع البنات اجلی   والدر مع النبات ازین
(گلستان هنر)

۳۹ ـ حسن خط

خط که از شایبهٔ حسن تهیست
بهرهٔ کاغذ ازو روسیهیست
خط چنان به ز قلم راننده
کـه بیاساید ازو خواننده
(لااعلم)

ناسفته گوهریست ز بحر ولایتش
هر نقطه کامد از قلم درفشان او
گویی که بوده در ید قدرت اناملش
چون خامه در انامل معجز نشان او
(عبدالله مروارید)

۴۰ـ سرو قلم

هستی ز قلم رقم پذیرست
زو شمع رقم فروغ گیرست
سرویستقلم بباغ ادراك
سایه ز رقم فکنده بر خاك
(لااعلم)

۴۱ - وصف قلم

طرفه نگار قصب آل پوش
با دو زبان در سخن ، اما خموش
جلوه کنان سرو قدی سایه سای
گیسوی شبرنگ کشان زیر پای
سرو قدی همچو کمان توز پوش
با شب تاریك ، رخ روز پوش
تیر نه اما هدف ره سپر
بوده ز کاغذ هدفش بیشتر
کارگر و پر هنر خرده بین
کرده همه کار به کد یمین
پیشهٔ او معجزهٔ ساحری
گاه کلیمست ، گهی سامری
کرده گهی موی شکافی شعار
گاه فرومانده بموبی ز کار

۴۲ - کلید هنر

کلید خرد را هنر شد علم
کلید هنر چیست ؟ نوك قلم
قلم نقشبندست و چهره کشای
قلم بر دو نوع آفریده خدای
یکی از نبات آمده دلپذیر
نی قند گشته ز بهر دبیر

دگر نوع او نوع حیوانی است
کش از آب حیوان درافشانی است
نگارندهٔ نقش مانی فریب
ازو روزگار هنر دیده زیب

۴۳ ـ مفتاح رزق

علیکم بحسن الخط فانه من مفاتیح الرزق (منسوب بحضرت علی)

غرض مرتضی علی از خط   نه همین لفظ بود و حرف و نقط
بل اصول صفا و خوبی بود   زان اشارت بحسن خط فرمود
(سلطان علی مشهدی)

فزاید ز خط ، حسن نازك عذاران
علیکم بحسن الخط ای دوستداران
شود تازه از خط بهار جوانی
بدانگونه کز سبزه عهد بهاران

۴۴ ـ آرایش توانگر

تعلم قوام الخط یا ذالتأدب
فما الخط الا زینة المتأدب
فان کنت ذامال فخطك زینة
وان کان محتاجاً فافضل مکسب
(منسوب به علی رض)

خط خوب ای برادر دلپذیراست
چو روح اندر تن برنا و پیرست

اگـر منعم بـود آرایش اوست
وگر محتاج باشد دستگیر است

۴۵ - الخط نصف العلم

خط که فـرموده‌است نصف العلم
سـرور انبیا بعلـم و بحلم
آن خط مـرتضی علی بـودست
زان نبی نصف علم فرمودست
کردی اکثر کتابت مصحف
خط ازآن یافت رسم عز و شرف
آنچنان خط کجاست حد بشر
قلـم دیگرست و خط دگـر
قلم پاك آن رفیع جناب
خورده از جـویبار جنت آب
دست در پاش او خزانهٔ رزق
خامهٔ او کلید خانهٔ رزق
از مدادش چه گویم و ز دوات
آب حیوان نهفته در ظلمات
ورقی را کـه خط شاه بر اوست
بـوسه‌گاه ملایـك و بشر اوست

(سلطان‌علی مشهدی)

اگر نه قید کتابت بود کجا باشد
شگفته معنی رنگین فکر جان‌پرور

۴۶ - هفت خط

طومار و محقق و رقاع و ریحان
نسخ است که ثلث او به توقیع نوشت

***

محقق بنزدیك هر کس که هست
که ریحان خطش برد دل ز دست
رقاعش پسندیدهٔ روزگار
به توقیع او سحر را ختم کار
غبارش بر اطراف سیمین حریر
چو آثار خط بر رخ دلپذیر

۴۷ - اقلام ستّه

نگار من خط خوش مینویسد
بغایت خوب و دلکش مینویسد
مناشیر و محقق، نسخ و ریحان
رقاع و ثلث هر شش مینویسد

۴۸ - نستعلیق

نسخ تعلیق گر خفی و جلیست
«واضع الاصل» خواجه میرعلیست
وضع فرمود او ز ذهن دقیق
از خط نسخ و ز خط تعلیق
(سلطان علی مشهدی)

۴۹ - تعلیق

کاتبان را هفت خط باشد بطرز مختلف
ثلث وریحان ومحقق، نسخ وتوقیع و رقاع
بعداز آن تعلیق آن خطست کش اهل عجم
از خط توقیع استنباط کردند ، اختراع

(جامی)

۵۰ - قلم انگشت

شناسای رقوم هفت‌خط مولی نظام‌الدین[1]
که مانند خطش در عرصهٔ آفاق کم باشد
نویسد از سرانگشت خط ثلث را یارب
که دیدست اینچنین کاتب که انگشتش قلم باشد

(بهرام میرزا)

۵۱ - خط سلطان‌علی مشهدی

آنکه در عـالم بخط مشك فـام
نسخ کـرده خـط استادان تمام
گشـته شاگـردانش از راه یقین
در طریق حـق «کـرام الکاتبین»

۱ - مولانا نظام‌الدین بخارایی خطوط سته را خوش می‌نوشته و در کتابخانه بهرام میرزا بوده و با انگشت خط ثلث را با اسلوب و نزاکت تمام می‌نوشته و این قطعهٔ نواب میرزایی در باب ثلث‌نویسی او بانگشت مشهور می‌باشد (گلستان هنر ۳۳) .

مولانا محمد ابریشمی که سرآمد شاگردان سلطان‌علی مشهدی بود برلوح مزارش بخط خود نوشته :

آنکو رقم زدی قلمش خط جانفزا
در حرف او کشیده قلم کاتب قضا
جان یافتی قلم چو رسیدی بخط او
آخر ، ولی شدش قلم دست خاک پا
خطش همین نبود نکو ، در طریق نظم
لطف سخن چو حسن خطش بود دلکشا
ره داد از مناسبت نام نزد خویش
سلطان ابو الحسن علی موسی رضا
رو در فناست هرچه ببینی بغیر او
ماند همین خدا و نماند بجز خدا

۵۲ - قلم جوان

مرا عمر شصت و سه شد بیش و کم
هنوزم جوانست مشکین قلم
هنوز آنچنان هستم از فضل حق
که باطل نگردانم الحق ورق
توانم هنوز از خفی و جلی
نویسم که «العبد سلطان علی»

۵۳ - سند علم خط

پیشتر از زمان شاه رسل خلق راهنمای نشأه قل

سر بخطی کـه خامه فرسودی
خط عبری و معقلی بودی
مرتضی اصل خط کوفی را
کرد پیدا و داد نشو و نما
وین خطوط دگر که استادان
وضع کردند هم ز کوفی دان
واضعان کاسمشان دربن بابست
ابن مقله است و ابن بوابست
سند علم خـط بحسن عمـل
پس بود مرتضی علی ز اول
زانکه هم اوست در تمام علوم
علما را بعلم امام عموم
هـر کـه داند در مدینهٔ علم
نقد وقتش شود خزینهٔ علم
(سلطان علی مشهدی)

۵۴ - اصول خط

اصول و ترکیب کراس و نسبت
صعود و تشمیر نزول و ارسال
(یاقوت)
ظاهر خط اصول و ترکیبست
کرسی و نسبتش بترتیبست
بعد اینها بود صعود و نزول
شمره هم داخلست و هست قبول
نسخ تعلیق را مجو ارسال
کاندرین باب نیست قال و مقال

هست ارسال در خطوط دگر
این بدان و ازین سخن مگذر
جمع میکن خطوط استادان
نظری میفگن درین و دران
طبع تو سوی هر کدام کشید
جز خط او دگر نباید دید
تا که در چشم پرشود ز خطش
حرف حرفت چو دُر شود ز خطش
(سلطان‌علی مشهدی)

۵۵ - کاغذ و رنگ

کاغذی بهتر از ختایی نیست
حاجتِ آنکه آزمایی نیست
حبذا کاغذ سمرقندی
مکنش رد اگر خردمندی
خط برو صاف و خوب می‌آید
لیك پاك و سفید می‌باید
خواه رسمی و خواه سلطانی
جهد کن تا که خوب بستانی
هیچ رنگی به از حنایی نیست
با تو گویم که رنگ آن از چیست؟
زعفران و حنا و قطرهٔ چند
از مدادست بیش ازین مپسند

خط برو خوب و هم طلا خوبست
زینت خط خوب مرغوبست
چشم را رنگ سرخ وسبز و سفید
خیره سازد چو دیدن خورشید
بهر خط نیم رنگ می‌باید
تا ازو دیده‌ها بیاساید
رنگهایی که تیره رو باشد
خط رنگین برو نکو باشد
کاغذ سرخ را سفید نویس
تا نماید خط تو خوب و نفیس
کاغذی کان کبود رنگ بود
از سفیداب دلپسند بود
(سلطان‌علی مشهدی)

۵۶ - در باب خوش‌نویس‌شدن

ایکه خواهی که خوشنویس شوی !
خلق را مونس و انیس شوی !
خطهٔ خط مقام خود سازی
عالمی پر ز نام خود سازی !
ترك آرام و خواب باید کرد
وین ز عهد شباب باید کرد
سر به کاغذ چو خامه فرسودن
زین عمل روز و شب نیاسودن

زارزوهای خویش بگذشتن
وز ره حرص و آز برگشتن . . .
هر که از مکر و حیله و تلبیس
پاك گردید گشت پاك نویس
داند آنکس که آشنای دلست
که صفای خط از صفای دلست
خط نوشتن شعار پاکانست
هرزه گشتن نه کار پاکانست
گوشهٔ انزوا نشیمن کن
یادگیر این سخن ز پیر کهن
(سلطان علی مشهدی)

۵۷ - پشیمانی استاد

خواجه محمودبن خواجه اسحق شهابی از قریهٔ سیاوشان هرات و شاگرد میرعلی‌هروی بود وی در خدمت میر کاررا بجایی‌رسانید ، که بعضی خط اورا برخط میرترجیح میدادند ، و او هم بنام استاد قطعاتی مینوشت ، میرعلی درشکوه گفت :

خواجه محمود آنکه یك چندی
بود شاگرد این حقیر فقیر
یاد دادم باو ز قلت عقل
آنچه دانستم از قلیل و کثیر
بهر تعلیم او دلم خون شد
تا خطش یافت صورت تحریر

در حق او نرفت تقصیری !
گرچه او هم نمیکند تقصیر !
هرچه را مینویسد از بد و نیك
جمله را میکند بنام حقیر

(نگارستان هنر ۸۴)

۵۸ - مناجات کاتب

الهی همه عمر ، محمود کاتب
اگرچه بعصیان سیه کرده دفتر
بحرف خطایش خط عفو درکش
بحق علی بن موسی بن جعفر
بفضل خود ای پادشاه خطابخش!
بخط خطایش بکش خط سراسر

(شاه محمود نشابوری زرین رقم متوفا در مشهد ۹۷۲ ق)

۵۹ - خط یاقوت

خط یاقوت را هر کس که دیدی
بیك مثقال زر حرفی خریدی
اگر یاقوت خط او بدیدی
بصد مثقال هر حرفی خریدی

۶۰ - خط دلفریب

خطش چون خط نیکوان دلفریب
ز دل برده آرام و از جان شکیب

بود کلکش آن جادوی بوالعجب
که بر روی روز افگند زلف شب

۶۱ - تراشهٔ قلم

محقق است که گر ابن مقله زنده شود
تراشهٔ قلمش را بمقله بردارد

۶۲ - اسلامی و ختائی

شنیدم که صورتگران ختای
نخستین که گشتند صورت کشای
بخون جگر رنگی آمیختند
مثال از گل و لاله انگیختند
چو مو گشته باریك از آن آرزوی
پی موشگافی قلمشان ز موی
ز گلها یکی صفحه آراستند
بآیین و زیبی که خود خواستند
نهادند از انرو ختاییش نام
که کلك ختایی از او یافت کام
چو دور نبوت به احمد رسید
قلم بر سر دیگر ادیان کشید
خطا پیشه گان ختایی نژاد
نمودند نقش نخستین سواد
بدعوی یکی صفحه آراستند
نظیرش ز شاه رسل خواستند

نـه از نقش آراسته یك ورق
که پر کرده از لاله و گل طبق
ببردندش از عین کافـر دلـی
بدعوی سوی شاه مردان علی
چو شاه ولایت بدید آن رقم
باعجاز بگرفت در کف قلم
رقم کرد اسلامیی دلربای
که شد حیرت افزای اهل ختای
چو آن اصل افتاد در دستشان
بشد نقشهای دگر پستشان
(گلستان هنر ۱۲۸)

۶۳ - هنر و خیال

گویند که بود پادشاهی مه طلعت و آفتاب جاهی
بودش به رخی چو لالهٔ راغ یك نرگس ناشگفته در باغ
فرخنده مصاحبی قرین داشت کو نقد هنر در آستین داشت
مانی رقمی که گاه تصویر ماندی رقمش بنقش تقدیر
برسنگ چو نقش آب بستی هر کس دیدی سبو شکستی
بر دور مه ار قلم کشیدی مه ظلمت سلخ را ندیدی
از عین تری که در قلم داشت آثار حیات در رقم داشت
نقش رقمش طراز چین بود صورتگریش بلای دین بود
از عالم جان، صدآفرین داشت جان خود قلمش درآستین داشت
خورشید لقا شه فلك خشم میدید بمانیش بیك چشم

مانی قلمی دگر ، قرین داشت کز وی در دل ، نهفته کین داشت
میخواست که حیله‌یی بسازد با وی نقشی بمکر بازد
زد نقش : کزو شه جهاندار شد صورت خویش را طلبگار
آن نقش طراز مانوی‌دست با خویش خیال نقش شه بست
برداشت صحیفه‌یی دل‌افروز بنگاشت بران بطبع فیروز
شه را تیری بدست وازخشم زد تاب سنان بگوشهٔ چشم
از تیر گـه کجی ستادن باید چشمی بهم نهادن
زین تازه‌خیال ، آن خردمند بکشاد ز رشتهٔ هنر بند
شه یافت چوفکرسحرسنجش بخشید دو ملك دسترنجش
زان یك صلهٔ هنر طرازیش
وان یك صلهٔ خیال‌بازیش
زان کار ، دل حسود بشکست
نومید بکنج غصه بنشست
(گلستان هنر ۱۳۱)

۶۴ ـ تصویر سخن‌گوی

خوشا خامه سنجان جادو طراز
روانبخش از خامهٔ سحر ساز
به هر آفریده در آویخته
نظیری ز هر یك برانگیخته
شده پیرو صنع یزدان پاك
ز پرکار افلاك تا سطح خاك

سوی آفرینش نظر داشتند
سوادی ز هر اصل برداشتند
بنقش جهان صنعشان رهنمون
قلم پیش‌شان بهر سجده نگون
ندانم بصورت چه فن میکنند ؟
که گویی بمردم سخن میکنند !

(گلستان هنر ۱۳۲)

۶۵ - بهزاد

استاد زمانه حضرت بهزادست
کو داد هنروری بعالم دادست
کم زاد بسان مانی از مادر دهر
بالله که بهزاد ازو به زادست

***

نگار زغالش بچابك روی
بهست از قلم گیری مانوی
اگر مانی از وی خبر داشتی
ازو طرح و اندازه برداشتی
بود صورت مرغ او دلپذیر
چو مرغ مسیحا شده روح‌گیر

سال وفات بهزاد ۹۴۲ ق ۱۵۴۵ م .

وحید عصر بهزاد آنکه چون او
ز بطن مادر ایام کم زاد

اجل چون صورت عمرش بپرداخت
قضا خاك وجودش داد برباد

ز من صورتگری تاریخ پرسید
بدو گفتم جواب از جان ناشاد

اگر خواهی که تاریخش بدانی
نظر افگن به « خاك قبر بهزاد »

۹۴۲ (گلستان هنر ۱۳۵)

۶۶- پادشاه هنرمند طهماسپ

تعالی الله آن خامهٔ دلفریب
کزو یافت اورنگ افلاك زیب

چسان جان نیابد ز کلکش رقم
که جان میچکاند ز نوك قلم

بود آفرینش همه پست او
زده هر رقم بوسه بردست او

چو خواهد قلم از برای رقم
ز پـر فرشته ببندد قلم

ز شوقش صدف سر برآرد ز آب
که از ابر دستش شود کامیاب

قلم را از آن کار بالا گرفت
که اندر دو انگشت او جا گرفت

قلم چون به تشعیر گیرد دبیر
ازان موی خیزد براندام شیر

(گلستان هنر ۱۳۸)

۶۷ - بت صورتگر

عشق بت صورتگری افگند شوری درسرم
خلقی بصورت عاشق و من عاشق صورتگرم
(مولانا نظری نقاش قمی حدود ۹۵۰ ق)

۶۸ - مهاجرت هنر

جانب هند میروم کانجا کار اهل هنر نکو رفته
که سخا و کرم ز اهل زمان بزمین سیه فرو رفته
(میرمصور بدخشی حدود ۹۵۰ ق)

۶۹ - موی جان ده

موی قلمش ز اوستادی جان داده بصورت جمادی

۷۰ - وصف مرقع سلطان ابراهیم میرزا در مشهد

ز اشکال گلها و نقش طیور
بهشتی ز باد خزان بی‌قصور
که از روی پاکیزگی و تمیز
بجز جان نگنجد در او هیچ چیز
هزاران گل و لاله‌اش شاخ و برگ
همه امن از آسیب باد و تگرگ
مصور جوانان خورشید روی
لب از شرم هم بسته در گفتگوی

به‌هم یك جهت جمله در صلح وجنگ
نه چون اهل عالم دو روی و دو رنگ
شب و روز با یکدگر هم وثاق
به هم صحبتی مـردم بی‌نفاق
(گلستان هنر ۱۴۳)

۷۱ ـ کتب‌خانه

از کتب‌خانه‌اش اوراق فلك دیوانیست
که برو ثبت شده از کـرم یزدانی
از شهاب و خور و قوس قزح و سیاره :
جدول و شمسه و شیرازه و زرافشانی

۷۲ ـ تاریخ نقاشی قبهٔ امام رضا

بود چون توفیق نقاش ازل
شد تمام این طرح و نقش از کلك من
خواستم از هاتفی تاریخ گفت
« نقش کرد این قبهٔ زیبا حسن »
۹۸۰ق
(استاد حسن مذهب بغدادی)

۷۳ ـ در مدح مظفر مصور

یکی از وارثان کلك بهزاد
ز شاگـردی او بهزاد دلشاد
در ایـوان قلم بالا نشینی
بآییـن بـصـارت دوربینی

بچشمی گر مه و خورشید دیدی
بموبی هر دو عالم را کشیدی
خردمندی که چون گشتی قلمزن
عطارد را زبان گشتی باحسن
شدی گر صورتی را چهره پرداز
توانستی شمردی سحر و اعجاز
بتمثال کسی کردی چو رغبت
چنانش ساختی کز اصل صورت :
نیارستی کسی فرقی نهادن
مگر از جنبش و از ایستادن
ز رعنایی چو گشتی صورت‌آرای
هوس را پای لغزیدی بصد جای
بنقاشی چو سردادی قلم را
نمودی نوبت دیگر ارم را
دلبری را چو دادی صورت از نقل
تهور مومیائی جسته از عقل
برنگ و روغنش هر گه نظر بود
صفا را از حیا خون در جگر بود
(از قانون‌الصور صادقی بیگ افشار متوفا ۱۰۱۷ ق)

۷۴ - هفت اصل

همچنانکه درخط شش قلم اصل است ، درین فن نیزهفت اصل معتبر است : اسلامی ، ختایی ، فرنگی ، فصالی ، ابر ، واق ، گره (گلستان هنر ۱۳۲)

ز نقاشی چو خواهی کام یابی
گشایم بر تو از هر سوی بابی
ولی جز هفت نبود اصل این کار
چگویم زانکه دارد فرع بسیار
چنین کرد اوستادم رهنمایی
که هست اسلامی و دیگر ختایی
ز ابر و واق اگر آگاه باشی
چو نیلوفر ، فرنگی خواه باشی
مکن از بند رومی هم فراموش
کنی چون اسم هریك جای در گوش
(قانون‌الصور)

۷۴ - داستان مانی صورتگر

شنیدم که مانی بصورتگری
زری سوی چین شد به پیغمبری
ازو چینیان چون خبر یافتند
بران راه پیشینه بشتافتند
درفشنده حوضی ز بلور ناب
بران راه بستند چون حوض آب
گزارندگیهای کلك دبیر
برانگیخته موج ازان آبگیر
چو آبی که بادش کند بیقرار
شکن برشکن میدود بر کنار

همان سبزه کو بر لب حوض رست
بسبزی بران حوض بستند چست
چو مانی رسید از بیابان دور
دلی داشت از تشنگی ناصبور
سوی حوض شد تشنه تشنه فراز
سر کوزهٔ خشك بکشاد باز
چو زد کوزه برحوضهٔ سنگ بست
سفالین بد آن کوزه حالی شکست
بدانست مانی که در راه او
بد آن حوضهٔ چینیان چاه او
برآورد کلکی بآیین و زیب
رقم زد بران حوض مانی فریب
نگارید ازان کلك فرمان‌پذیر
سگی مرده برروی آن آبگیر
در و کرم جوشنده بیش از قیاس
کزو تشنه را در دل آمد هراس
بدان تا چو تشنه دران حوض آب
سگی مرده بیند نیارد شتاب
چو در خاك چین این خبر گشت فاش
که مانی بران آب زد دور باش
ز بس جادوئیهای فرهنگ او
بدو بگرویدند و ارژنگ او
(شرف‌نامه نظامی ص ۳۷۹)

۷۶ ـ صورتهای شاهان

ز هندوستان تا بیابان روم
ز ویران زمین تا به آباد بوم

فرستاده‌ام سوی هر کشوری
فراست شناسی و صورتگری

بدان تا ز شاهان اقلیم گیر
زند صورت هر کسی بر حریر

نگارندهٔ صورت از هر دیار
سرانجام نزد من آرد نگار

چو آرند صورت بنزدیك من
درو بنگرد رأی باریك من

گوا خواهم آن نقش را درنوشت
ز هر کس که این از که دارد سرشت؟

چو گویند نقش فلان پادشاست
پذیرم که آن نقش نقشیست راست

پس از ناخن پای تا فرق سر
گمارم بهر صورتی بر نظر

ز هر سالخوردی و هر تازهٔ
بگیرم بقدر وی اندازهٔ

بدو نیك هر صورتی از قیاس
شناسم که هستم فراست شناس

(شرف‌نامهٔ نظامی ص ۲۶۲)

(۷۷) تاریخ مرقع امیر علی‌شیر

تا نسخهٔ جهانرا زینت شد این مرقع
یابد ازو عطارد در کار خود نسقها
کافور گون بیاضش تا گشت دلکش از خط
هر دم برد بخوبی از نو خطان سبقها
برصفحه‌های نسرین انداخت سایه سنبل
تا ریخت مشك سوده برسیمگون طبقها
پرسد اگر کس از من تاریخ اختتامش
گویم پی‌مرقع جمع آمده ورقها (۸۹۷ ق)

(خواجه عبدالله مروارید)

۷۸ - هنر و بشر

کلك الهی چو رقم زد صور
مظهر فضل و هنر آمد بشر
در پی اظهار هنر چون شتافت
صفحهٔ ایام ازو زیب یافت
گاه بنوك قلم مشك‌سای
کرد رقم خط فضیلت فزای
گاه برانگیخت بهم آبرنگ
ساخت عیان ماهرخی بیدرنگ
گاه بگلزار سخن از هنر
کرد روان جویچهٔ آب زر

گاه برافراخت درخت بلند
میوهٔ او قوت دل مستمند
ساخت گهی از قلم سحر فن
گلبن پرگل بریاض سخن
کرد بتذهیب سخن چون شتاب
شد خجل از شمسهٔ او آفتاب
حسن خط و صورت مردم فریب
میبرد از خاطر دانا شکیب
دیده شد از صورت خط بهره‌ور
دل بود از معنی او بیخبر
(نامهٔ نامی مخطوطهٔ کتابخانهٔ ملی پاریس)

(۷۹) کلك نقاش

طلب کردند آن نقاش استاد
که کلکش جام جان را آب می‌داد
خردمندی ، حکیمی ، نکته دانی
گرو بربود از شاپور و مانی[۱]
زمانی کان نقوش اندر خطا بود
به پیش نقش او آنها خطا بود
بصورت کلك او با کلك تقدیر
برابر بود در تحریر و تصویر

---

(۱) این مصراع دراصل غلط چاپ شده : کزو پر بود از شاپورومانی ؟

قلم‌هایش بسرخی گشته خونریز
چو مژگان بتان ، باریك سرتیز
چو او نقشی زدی برروی نامه
بنان[1] عقل را می‌کرد خامه
اگر نقش پری تصویر کردی
پری را ، بررخش تسخیر کردی
چنان زیبا کشیدی صورت حور
که از وی چشم رضوان یافتی نور
لب حوران چنان شیرین کشیدی
که جان قدسیان برلب رسیدی
به نقش لب چو کردی خامه را تر
ز لطفش می‌چکیدی آب کوثر
بدینسان برکشیدی صورت جان
که جان برصورتش میگشت حیران
اگر تمثال یوسف برکشیدی
برو یوسف ، دل و جان می‌دریدی
چنان چشم بتان را نقش می‌بست
که بروی آهوی وحشی شدی مست
به نقش ار صورت آهـو کشادی
ز نافش ، نافـهٔ مشکین فتادی

۱ــ در نسخهٔ مطبوع بتان است ؟ ولی بنان به‌معنی انگشتان باشد .

اگر کلکش ببستی ، هیئت باز
بیك دم در هوا رفتی به پرواز
چو کردی نقش مهر عالم‌افروز
نمودی در دل شب ، چهرهٔ روز
وگـر قـد نگاری برکشیدی
روان انـدر خـرامیدن رسیدی
(ازمثنوی مهروماه جمالی دهلوی ۹۰۵ ق، ص ۳۸ طبع لاهور۱۹۷۴م)

(۸۰) صندوق کتاب

آن دلبر شوخ طبع شیرین گفتار
خوش گفت بشیخ خویش: کای شیخ کبار!
زنهار مکن تکیه به صندوق کتاب
سودی نکند کتاب برپشت حمار
از انیس العاشقین حسین ابیوردی (فرهنگ ایران زمین ج ۱۵)

۸۱ ـ دارالکتب غزنه

بیارایـد کنون دارالکتب را
بتوفیق خدای فـرد جبار
ز هـر دارالکتب کاندر جهانست
چنان سازد که بیش آید بمقدار
به شادی بـرجهد هربامدادی
بـروبد خاك هـر حجره برخسار
به جان آنرا عمارت پیش گیرد
که چون بنده نباشد هیچ معمار

دهد هـرعلم را نظمی که هرکس
بود از علم نـوعی را خریدار
کند مشحون هم طاق و رف آن
به تفسیر و به اخبار و به اشعار
گر این گفتار او باور نیاید
ترا ظاهر شود زین پس بکردار

(دیوان مسعودسعد سلمان، چاپ رشید یاسمی، تهران ص ۲۲۴)

(۸۲) عبرت ازخواندن خط

نبشتم خط ندانم تا که خواند
که بی‌شك من بمیرم این بماند
هران عاقل کی این خط را بخواند
بداند کی جهان باکس نماند

(از آخر کتاب السبعیات بخط محمودبن محمدبن‌محمود قرن ۶ ه)

(۸۳) ـ خط یادگار

روزی که نه شادی و نه شیون ماند
نه دست و قلم، نه جان و نه تن ماند
بـر خاطر دوستان دهد یاد مـرا
خطی کـه بیادگار از مـن ماند

(از یك مجموعهٔ خطی قرن ۷ ه در کتابخانهٔ مجلس سنا، تهران)

(۸۴) تبریك کتاب

تـا که بـاشد در آسمان مهتاب
تـا بود زلف نیکوان در تـاب

بـاد یارب مبارك و فـرخ
بـرخداونـد این کتاب کتاب
(ازخاتمهٔ دیوان‌سلمان‌ساوجی۸۵۹ق درکتابخانهٔمرکزی‌دانشگاه‌تهران)

(۸۵) خامهٔ مشکین

آن روز که ید ز کار خواهد ماندن
خطست که یادگار خواهد ماندن

این نقش که از خامهٔ مشکین سرزد
بر صفحهٔ روزگار خواهد ماندن
(از خاتمهٔ التحفةالسعدیه قطب شیرازی ،کتابت زین‌العابدین
شاه‌محمد استرآبادی درسنه ۱۰۱۴ ق. کتابخانهٔ وزیری یزد)

(۸۶) دولت خط

خدا چو داد ترا دولت نوشتن خط
یقین شدت که برین‌عمر اعتباری نیست
کتاب چند پس ازخویش یادگارگذار
که خوبتر ز کتب هیچ یادگاری نیست
(از خاتمه شرح بیست باب مورخ ۱۰۳۱ ق خط کاظم‌بن محمد فرشته
در کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه تهران)

(۸۷) یادگار بهترین

هر چند به عمر اعتباری نبود ما را به جهان دمی قراری نبود
جزخط سیاه در جهان بعد ازما بهتر به زمانه یادگـاری نبود
(از خاتمه نزهةالقلوب خط حسن‌بن عبدالمجید اصفهانی قرن ۱۲ ﻫ
در کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه تهران)

(۸۸) خط پریشان

خطم مشوش است و پـریشان چو زلف یار
عیبم مکن کـه در شب هجران نـوشته‌ام

(ازخاتمه انوار سهیلی مورخ ۱۲۹۴ ق خط اسماعیل بن گل‌محمد در کتابخانهٔ ملی تبریز)[1]

۱ـ از عـدد ۸۲ تا ۸۸ منقولست از مقالهٔ شعرهای پایان نسخه بقلم ایرج افشار درشماره ۱۳۹ هنر و مردم ، اردیبهشت ۱۳۵۳ ش طبع تهران.

فصل چهارم

آثار باقیه هنر تیموریان از مکتب هرات و متفرعات آن

اتحاد جماهیر شوری سوسیالیستی

- ۱ -

لوایح جامی ، بقلم احمد حسینی :

۱۷ × ۲۶ سانتی ، بقلم احمدالحسینی مشهدی‌الکاتب در سنه ۹۷۸ ق ۱۵۷۰ م . منیاتور نگار آن میرزا علی شاگرد بهزاداست که مکتب هنر هرات را در مکتب مشهد نشان میدهد و برای امیر سلطان مراد خان حسینی نوشته شده .

(کتابخانهٔ عامهٔ لنین‌گراد ۲۵۶ دورن - خ ۴۸) بروورق اول ب و دوم الف این نسخه دو مجلس منیاتور دوصفحه‌یی مهمانی با رنگهای گرم ابنیه ومنظر باغ با البسهٔ رنگین‌وسروهای بلند ودرختان شگوفه‌دار دارد . چهرهٔ اشخاص خراسانی با ریش‌های کوتاه سرخ‌فامست ، ولی این تصویر تعلقی با متن کتاب ندارد و منیاتورهای اصل کتاب قرار ذیل است :

(۱) شاه و صوفی ۹ × ۱۷ سانتی

(۲) شهزاده و پری ، که حواشی این صفحه برزمینهٔ آسمانی

منظر درختان با مرغان زرین در کمال زیبائی دارد ، و در متن صورت شهزاده و پری بالدار نشسته در زیر درخت پـرگل برقالین زیبائی در حال معاشقه دیده شود ، و پس منظر آن کوهست (۹×۱۷ سانتی)

(۳) پری بالدار زیبا با لباس فاخر با دیو شاخدار قوی هیکل در دامنهٔ کوهی که درختان پرشگوفه دارد ، و دیو از صراحی خود آبرا در صراحی پری می‌ریزد (۵ ، ۹×۱۷ سانتی) حاشیهٔ این منظر برزمینهٔ آسمانی شاخسار و حیوانات جنگلی مانند آهو و شیر شکاری و پرندگانست .

(۴) یك صفحه مصور این کتاب نفیس در منیاتورهای قـرن ۱۴ – ۱۷ شوروی با رنگهای بسیارزیبای اصیل نشرشده (۹، ۱۶×۳،۹ سانتی لوحه ۳۸)

درین منظر شاه با قبای زنگاری تیره گلدار مطلا و پیراهن دراز گل طلائی و عمامه و جیغه سیاه کوچك در گلزاری سرسبز برصفحهٔ کوچك سنگی نشسته وچهرهٔ نیمه مغولی دارد . سه نفرغلام خوشروی امرد با البسهٔ دراز زیبای رنگین دارای گلهای کوچك طلائی در عقب و پیش او ایستاده‌اند . گلهای چمن با لطافت و رنگهای طبیعی‌اند سروهای سربفلك کشیده ودرختان پرگل درین چمن در دامنهٔ کوهی که رنگ طلائی دارد دیده می‌شوند .

صوفی با ریش نیمه دراز سیاه و چهرهٔ ماوراءالنهری با دستار خراسانی‌وعبای آسمانی‌رنگ‌در حضور شاه نشسته و باوخطاب میکند. آسمان بالای قله کوه رنگ طبیعی زیبا دارد ، و در بالا و پائین این منظربدیع که خصوصیات هنری هرات را حفظ‌کرده بخط بسیار جالب

زیبای نستعلیق جلی نوشته‌اند :

هرصورت‌دلکش که‌ترا روی‌نمود خواهد فلکش زود زچشم تو ربود

- ۲ -

سبحة‌الابرار جامی

ثلث دوم قرن ۱۶ دوام هنر هرات در ایران (۹ × ۱۵ سانتی) در کتابخانهٔ عامهٔ لنین‌گراد ۴۲۹ دورن .

منیاتور دوصفحه‌یی‌مجلس علماء که با متن کتاب مربوط نیست، البسهٔ اشخاص جوان و پیر با رنگ گرمست و نشستن گاه ایشان سبزه‌زاریست در دامنهٔ کوه که بالای آن رنگ روشن آسمان زرد ، اوقات غروب را نشان میدهد،وبیرون این مجلس علمای نشسته، جوی‌آبست که یکنفر بران آبدست می‌سازد .

درختان پر شگوفه و سروهای این منظر دیدنیست و با نقاشی سه تصویردیگرمتن کتاب تفاوتی‌دارد ،که بایدکار نقاش دیگری باشد .

حواشی این صفحات برزمینهٔ آسمانگون طلاافشان مانندآسمان پرستاره مینماید . خط این نسخه نستعلیق عالی خفی و نیمه‌جلی است و هردو صفحه مجلس مصورآن خیلی ساده و دارای رنگهای معتدل‌است که دریکی جوانی‌مغرور،درویشی را ازبام می‌اندازد (۷ × ۱۳ سانتی) و در دیگری عارفی ژنده پوش به محتشم‌زاده با نخوت دارای البسهٔ فاخر پند میدهد (۵، ۵ × ۱۳ سانتی) که :

گفت کای تازه جوان تند مرو پند سنجیدهٔ پیران بشنو

- ۳ -

سلسلة‌الذهب جامی بقلم میرعلی :

این نسخه در سنه ۱۵۱۹ م بقلم میرعلی حسینی خطاط معروف

هروی نوشته شد وجای تصاویر آن سپید بود ، تاکه درحدود ۱۵۵۵ م بفرمایش ابراهیم میرزا حکمران مشهد مصور گردیدو نقاشی آن منسوب به شاگرد سلطان محمد در مکتب هنری مشهد است .

(موزهٔ دولتی هنرشرقی مسکو ۱۹۶۱ مخطوطات)

خط این نسخهٔ نستعلیق خفی بسیارخوش است ،حواشی صفحات گل کاری لطیف برزمینهٔ زردگون کم‌رنگ‌دارد، یك‌صفحهٔ مجلس مصور آن در دامنهٔ کوه‌اسفنجی دارای درختان وگلهاست که درافق آن ابرهای سپید و سیاه نمایانست (۷ ، ۱۶×۲۴ سانتی) کـه ۱۴ نفر اشخاص ریش سیاه را بشمول جوانان بی‌ریش امرد خوش‌پوش با البسهٔ رنگین در حالت مغازله‌ومصاحبه ایستاده‌و نشسته نشان میدهد ومربوط بحکایت جوانیست نیکرو ودلکش که هرکس به صحبت و رفاقت او میل دارد، واو از پدر خود می‌پرسدکه با که آمیزد ؟ پدر به او پاسخ میدهدکه به زیبائی‌ظاهری و حسن چهره فریب نخورد ، زیرا این زیبائی‌گذشتنی است و باید بزیبائی معنوی توجه کند .

تناسب و رنگ‌آمیزی این منظر استادانه و شبیه کارهای مدرسهٔ هـراتست . مجلس دیگر (۵ ، ۱۵ × ۵ ، ۲۰ سانتی) از همان هنرمند است که حواشی آن عیناً مانند مجلس گذشته ، لطیف ونازك‌گل‌کاری شده و دردامنهٔ‌کوه‌کوچك‌اسفنجی وبیخ درختی کهنسال بی‌برگ وبار سایبانی نفیس و منقش به صور پرندگان رنگین ایستاده ، و زیرآن سه نفربا ریش‌های سیاه والبسهٔ فاخر برقالین‌گلداردو رنگهٔ نفیس نشسته‌اند وجوانی‌امرد درعقب ایشان ایستاده،واین منظریست ازمراسم مزاوجت دو نفر عاشق و معشوقه بنام عیینه و ریا ، که قصهٔ آن در سلسلة‌الذهب

جامی منظومست.

بیرون سایبان متعلقان داماد وعروس از زن ومرد دیده می‌شوند و در کوه اسفنجی کوچك ، منظر بز و آهووشبان نی‌نواز ودختریکه اسپ وحشی را رام ساخته و کلاهی شبیه شاپوی امروز بر سر دارد دیدنیست . در پای درخت کهنسال خیمهٔ کوچکی دیده می‌شود که دختر مهروئی ازان به خارج می‌بینند . دربن مجلس رنگهای گرم و سرد با تناسب خاصی که استادی مصور را نمایندگی کند کار شده است[1] .

- ۴ -

کلیات جامی :

اواسط قرن ۱۶ دوام هنرهرات در مکتب هنری مشهد (کتابخانهٔ عامه لنین‌گراد ، لنس ۱۰۹)

این نسخه نیز مانند برخی از مکتب هرات در آغاز تصویر دو صفحه‌یی یك مجلس مهمانی در باغ و گلزار دارد (۴ ، ۱۲×۸ ، ۲۰ سانتی)که با هیچ موضوعی ازکلیات تعلق ندارد وصرف بغرض تزئین ملحق شده، مناظر این مجلس از آسمان و کوه واشخاص و سبزه‌زار رنگ سرد دارد و مجلس شاه را با مطربان و خدمتگاران وطباخان در دوصفحه نشان میدهد . تزئین حواشی این دوصفحه با ترنجهای رنگین لوزی بر زمینه زرد کم‌رنگ جالب است .

تصویردیگرمربوط به متن این کلیات هم باواسط قرن ۱۶ تعلق دارد (۶ ، ۱۲×۸ ، ۲۰ سانتی)که منظربازارفروش یوسف را برزمینهٔ

---

۱ ــ این دوصفحهٔ مصور در کتاب هنرهای زیبای عرب و ایران (شکل ۱۷۳ ــ ۱۷۴) نیز طبع سیاه دارد .

زرد خفیف با الوان سرد نشان میدهد که یوسف در بین بازار بر کرسی نشسته و از کلکین‌های متعدد دو طرفه منزل دوم و سوم این بنا ، زنان متعدد به تماشای حسن یوسف سرگرمند، حاشیهٔ لوزی با ترنج‌های زمینهٔ سیاه دارد و اشکال اشخاص خراسانیست .

تصویر دیگر همانست که زنان مصر در تماشای حسن یـوسف، دستهای خودرا بکارد می برند. تزئینات این مجلس برزمینهٔ زرد کم رنگ با رنگهای گرم خیلی عالیست. حاشیه زیبای ترنجی زرد وزنگار دارد، چهره‌های زنان با البسهٔ ایشان خراسانیست. زلیخا بر تخت نشسته وجیغهٔ شاهانه دارد . یوسف با لباس فاخر در حالیکه اشعهٔ مقدس از روی او میدرخشد ، ابریق دردست ایستاده وزنان مجلس به حسن او متحیرند .

- ۵ -

تحفةالاحرار جامی :

از ثلث آخر قرن ۱۶ دوام هنرهرات درمکتب هنرقزوین ، بخط نستعلیق بسیارخوش و بهترین تصاویر این عصر و شبیه بکار محمدی . (کتابخانهٔ عامهٔ لنین گراد ۴۲۶ دورن) .

ازین نسخه چهار صفحه مصور ذیل در مجموعهٔ تصاویر آثار جامی نشر گردیده :

(۱) دو بط کشفی را بهوا می برند ، که موجب تعجب بینندگان میگردد ، برزمینهٔ نارنجی خفیف با الوان سرد نقش شده ، منظر کوه و درختان و سرو بلند و چمن‌زار است که بران دو مرد و دو زن با البسهٔ فاخر در حالت تعجب ایستاده‌اند (۹×۶ ، ۱۶ سانتی) .

(۲) معاشقهٔ پیرمرد با زن خوشروی (۵ ، ۹×۷ ، ۱۶ سانتی)

در دامنهٔ کوه اسفنجی سبزه‌زار با درختان شگوفه‌دار است کـه دران پیرمردی عصادار با زن بلند قد زیبائی که چادر از روی خود برداشته ایستاده و به‌گفتگوی عاشقانه پرداخته است .

حاشیهٔ این مجلس درختستان جنگلی برزمینهٔ آسمانی برنگ‌زرد خفیف‌کار شده است که دران بوزینه‌ها و حیوانات جنگلی بنظرمیرسند رنگهای آن متوسط و باتناسب است .

(۳) داستان لاغری شاعر با متمول فربه (۷، ۹ × ۲ ، ۱۷ سانتی) زمینهٔ تمام صفحه با حاشیه نارنجی است با همان تزئین حاشیه نمبر ۲، و در متن بنائیست دو منزله منقش بـا رنگهای خفیف و سرد کـه در هر دو منزل آن اشخاص مربوط داستان نشسته یا ایستاده‌اند .

(۴) دو جوان خوشروی شاعرونوازنده که شاعر کتابی دردست دارد و با شوق وهیجان شعر میخواند ، و جـوان امرد دیگر طنبوری می‌نوازد ، هردو برچمن زیردرختان پرگل نشسته‌اند وصراحی‌می‌در بین ایشان افتاده . این تصویر به مضمون کتاب تحفة‌الابرار تعلقی ندارد و در خاتمه‌کتاب آمده است (۸ × ۸ ، ۷ سانتی) حاشیهٔ این صفحه هم با درختان وحیوانات جنگلی به نقاشی خفیف برزمینهٔ زرد مزین است.

ـ ۶ ـ

سلسلة‌الذهب جامی :

بخط بسیار خوش نستعلیق و دوام هنر هرات در قزوین ۹۹۵ ق ۱۵۸۷ م .

(موزهٔ هرمیتاج لنین‌گراد . وای ، پی ۹۹۲)

ازین نسخه دو مجلس منیاتور در مجموعهٔ جامی آمده :

۱ - دادخواهی پیرزن بدربار سلطان محمود غزنوی (۱۷×۱۱ سانتی) سلطان محمود با تاج و جیغهٔ شاهانه و لباس فاخر دارای قیافت زیبای ترکانه با ریش سیاه تنك و هیکل قوی متناسب در ایـوان مجلل کاخی برتخت نشسته ووزیرش پیش روی وی برسطح منقش گلدارزمین نشسته گپ میزنند . ایوان قصر مزین و منقش است و بالای آن منزل مزین عالی دیگریست کـه در یك گوشهٔ آن خانمی زیبا تا سینه بنظر می‌آید که روی او نمایان و موی سرش با موی‌بند زیبائی بسته است. گنبد بالای قصر کاشی‌کاری آسمانگون دارد و کاشی دیوار آسمانی و سرخ و عنابی و مطلا و سبز با رنگهای سرد است . بیرون در این قصر مجلل پیرزنی منحنی با عصای دراز ایستاده و عریضه‌یی دردست دارد، غلامی خوش‌پوش در راکشاده وبا او گپ میزند، غلامان سرابی از برامدهٔ منزل دوم بطرف بیرون قصر این منظر را تماشا میکنند.

۲- صفحهٔ مصور دیگر (۱۴×۲۰ سانتی) داستان کلنگ وگازر برکناردجله، منظریست لطیف که ماهیان در آب دجله شناکنان نمایانند، آب دریا رنگ سیاه و سپید مواج دارد ، برکنار آن گلزاریست سبزو جوانان خوشروی با البسهٔ مجلل ، کلنگی‌را از بین آب کشیده‌اند ، و جمعی از گازران با او گفتگو دارند .

-۷-

سلامان و ابسال جامی بخط محمد حسینی :

از مخطوطات کتابخانهٔ عامه لنین‌گراد (پنس ۱۴۵) .

دوام هنر هرات در قزوین ، بخط خفی نستعلیق بسیار زیبای محمدبن ملامیرالحسینی ۹۸۹ ق ۱۵۸۱م .

یك صفحه این کتاب که فقط تزئینات سرد رنگ حاشیوی ، و
هم سه تصویر جوانان برحاشیه دارد، درمجموعهٔ آثار مصورجامی طبع
شده، که فقط یك نمونهٔ تزئین حواشی شمرده می‌شود (۲۸ × ۱۸سانتی).

-۸-

یوسف و زلیخای جامی بخط فرید :
در کتابخانهٔ عامهٔ لنین گراد (دورن ۴۳۰) .
دوام هنرهرات درمکتب هنری شیراز، بقلم فرید ۹۴۶ ق ۱۵۳۹م.
درمجموعهٔ آثارمصورجامی تصاویر ذیل ازین نسخه طبع گردیده:
۱ ـ وصول زلیخا به مصر (۲ ، ۵ × ۵ ، ۹ سانتی)
صفحه کوچکیست که بدوطرف منظر مقطوع دارد ، و موکب
زلیخا را برعماری رنگین واشتران قوی هیکل نشان میدهد ، که بانوئی
زیبا با لباس فاخـر در عماری نشسته و اشتر او را ساربان جوانی مهار
میکشد . تماشابینان این موکب با حیرت و اشتیاق ، سوار و پیاده در
عقب منظر دیده میشوند :
رنگ آسمان زرد خاموش و با پاره‌های پیچان ابر است . یکی
از تماشاگران احجار نفیسه را برموکب زلیخا نثار میکنند .
کنار نیل پرگل است و آب نیل رنگ سیاه دارد که ماهیان
سپیدرنگ دران شنا دارند .
۲ـ یك صفحهٔ مصور با رنگ هـای سرد زرد و عنابیست
(۱ ، ۱۰ × ۱۷سانتی)
شاه مصر برتختی در ایوان بزرگ ومجلل نشسته ، و یوسف را
که خریده‌اند ، پیش او می‌آورند درحـالیکه اشعهٔ مقدس از چهرهٔ او

تلالؤ دارد ، ولی این منظر هم مقطوع است و نصف بدن یوسف دیده می‌شود . بر طاق ایوان بالا به نستعلیق و سپیدآب برزمینه زنگاری نوشته‌اند :

رواق منظر چشم من آئینه تست کرم‌نما و فرود آ که‌خانه خانهٔ تست

بـربالای دروازهٔ این قصر کلمات «السلطان‌الاعظم» بخط نسخ دیده می‌شود . قیافت‌سازی و منظره‌کشی و رنگ‌آمیزی این مجلس سرد و خفیف است .

(۳) زلیخا یوسف را تعقیب میکند (۱ ، ۱۰×۱۷ سانتی) داخل اطاق است با بستریکهٔ قالین مزین زنگاری بـران پهن و بالشی نفیس هم افتاده و فرش اطاق هم قالین گلدار سرخ حاشیه است ، تـزئینات داخلی اطاق کاشی‌کاری آسمانی‌و سپید گلدار است . زلیخا لباس سادهٔ دراز سرخ کـم‌رنگ پوشیده و یوسف را کـه اشعهٔ مقدس از سر او تشعشع دارد و سپیدپوش است تعقیب میکند و در دروازهٔ اطاق دامن و دست او را گرفته ، بـربالای این در به سپیداب بـرزمینه زنگاری «یا مفتح‌الابواب» به نستعلیق خفی خوش خوانده میشود .

(۴) مجلس زنان مصر با زلیخا (۲ ، ۹×۵ ، ۱۳ سانتی) کـه یوسف با اشعهٔ مقدس ولباس سبززرین ابریقی‌را به‌آن محفل می آورد و از دروازه وارد می‌شود در متن شبستان زلیخا برتختی نشسته و دورادور او زنان مصربا البسهٔ فاخر و رنگین نشسته‌اند و بالای مجلس « یکی از تیغ انگشتان قلم کرد بدل حرف وفای او رقم کرد » خوانده می‌شود . و برجبههٔ طاق به سپیدآب برزمینهٔ زنگار به نستعلیق خوش نوشته است :

ز در درآ وشبستان ما منور کن   ببوی مجلس روحانیان معطر کن

(۵) منظر وصال زلیخا با یوسف (۵، ۸×۱۲سانتی) طاق مزین به گل‌کاری نازك و بـر زمینهٔ سپیداب است کـه دیوار های مزین برنگهای خفیف و سرد دارد ، دو مرغ کوچك هم بردو طرف داخل طاق برهمان زمینه سپیده نقش گردیده و بربستری مزین در سطح اطاق دو دلدادهٔ جـوان در حالت بوس و کنار دیده می‌شوند و درب اطاق را بروی جهانیان بسته‌اند و این بیت‌های جامی به نستعلیق خوش خفی بربالا وپائین تصاویر نوشته است :

نمك‌چون شور شوقش بیشتر کرد   دو ساعد در میان او کمر کرد
بزیر آن کمر ، نابـرده رنجی   نشانی یافت از نایاب گنجی

- ۹ -

یوسف و زلیخای جامی :

از اواسط قرن ۱۶ م دوام هنرهرات در شیراز (مؤسسهٔ تحقیقات شرقی‌اکادیمی‌علوم ازبکستان شوروی . شماره ۹۵۹۷تاشکند) بانستعلیق بسیار عالی استادانه .

ازین نسخه مصور مناظرذیل درمجموعهٔ مصورآثار جامی آمده:

(۱) مالك‌یوسف‌را ازچاه میکشد. وی‌برصخره‌های‌سنگ‌ایستاده و دهان چاه سیاه است ویوسف‌که اشعهٔ مقدس از روی او نبعان میکند دست برسن گرفته‌و از چاه برآمده‌که از سر تا سینهٔ او دیده می‌شود. بر سرصفحه بـه‌نستعلیق بسیار جالب نوشته‌اند :

بشارت کز چنین تاریك جائی   برآمد بس جهان‌افروز ماهی

(۲) منظر فروش یوسف در بازار برده‌فروشی : اصل منظر دو حصه دارد ، دربالا درپای‌کوهی‌سپیدرنگ‌یوسف جوان زیبا با پیراهن

سرخ و عبای سیاه گلدار و دستار سپید با اشعهٔ مقدس برتختی نشسته و چهار نفر با البسهٔ رنگین فاخر کیسه‌های طلا در دست ایستاده‌اند. پیرزن منحنی با چادر سپید و عصا با کلاوهٔ نخ در دست بخریداری یوسف آمده است.

در صحنهٔ پائین جوی پیچان آب برنگ سیاه دیده می‌شود که زلیخا کیسهٔ جواهر دردست در داخل عماری بالای اشتری بنظر می‌آید و مهار آنرا ساربانی خوش لباس میکشد، این همه برای خریدن یوسف حاضرند.

(۳) یوسف شبانی میکند: منظریست برزمینهٔ سبز و جوی آب روان برنگ سیاه و درختی که برگهای آنرا یوسف بوسیلهٔ چوبی می‌ریزاند، و گوسفندان و بزان سپید و سیاه و سرخ و آبی رنگ آنرا میخورند. اشعهٔ مقدس ازچهره یوسف نبعان کرده، در عقب وی یك دختر سرخ‌پوش نشسته دوغ را ازمشکی که بسه پایه آویزانست در کاسه‌یی میگیرد، و هم دختری دیگر آفتابه را از جوی آب پرمیسازد. این نقش ازمتن صفحه به حاشیه دوام یافته ورنگهای البسه سرخ گرم و زرد سرد است.

(۴) نقش بسیار لطیف است که البسه اشخاص آن سرخ وعنابی گرمست برزمینهٔ سرسبز و برکنار جوی آب زیر درختی شگوفه‌دار یوسف با چهرهٔ زیبای دارای شعاع مقدس برتختی نشسته و زلیخاهم نشسته با او گپ میزند، خدمتگاران مهروی جوان میوه ها در ظروف انداخته در دست دارند و دوصراحی در طشت برزمین دیده می‌شود، دو سرو روان درین منظر دیدنی‌اند.

(۵) زلیخا دامن یوسف را می‌درد. در طاق بسیار بلندی که به

کاشیهای لوزی آسمانی رنگ سرد باحواشی رنگین گرم مزین است یوسف با عبای سرخ و اشعهٔ مقدس که از کلهٔ او میجوشد با قد رسا ایستاده و بدست راست اوزلیخا با عبای بسیار فاخر و زیبا و جیغه مکلل نشسته و دامن عبای یوسف را گـرفته و پاره کرده است. نگاه زلیخا بطرف یوسف والهانه و عاشقانه است. و یوسف میکوشد خود را ازچنگش برهاند. حواشی این صفحه رنگ آسمانی دارد بی‌نقش و نگار. این تصویر در عین سادگی دلچسپ و زیبا و فریباست.

(۶) منظر آمدن یوسف به مجلس زنان مصر و بریدن دستها بکارد در حیرت بحسن یوسف، این منظر برزمینهٔ رنگین و کاشی‌کاری ملمع ساخته شده ولی اشکال اشخاص آن خوب مشخص و روشن نیست شاید آسیبی بدان رسیده باشد.

(۷) یوسف در زندان: زمینهٔ زنـدان برنگ خیره متمایل بسیاه است در بین آن یوسف با شعاع طلائی نوری که از کلهٔ او میدرخشد برقالین سرخی نشسته و غل و زنجیر درگردن و دستهای اوست وعبای گلدار آسمانی‌رنگ دربر دارد، دو نفرزندانی دیگریکی با لباس سرخ و دیگر لباس عنابی بیك طرف زندان با هم گپ میزنند و زندان بان عصا دردست دروازهٔ زندان را نگهداری میکند وبالای این درطبقه بنای بالای دروازه است که دو نفر زن با لباسهای فاخر ازان بصحن زندان و یوسف می‌بینند.

۸ ـ یوسف در حضور عزیز مصر بعد از خروج از زندان: این مجلس نهایت مجلل ورنگین است تزئین دیوارقصر کاشیهای لوزی زرد وسیاه است. برخی از حواشی دیوارها گل‌کاری زرد وسرخ بـرزمینهٔ

زنگاری متحرك ببالا دارد، دروسط قسمت بالا عزیزمصر با عبای سرخ و پیراهن زرد و تاج وجیغهٔ مکلل با یوسف که پیش او نشسته صحبتی دارد، وی عبای گلدار آسمانی‌رنگ و پیراهن گلابی سرد ببردارد و اشعهٔ تقدس از کلهٔ او برخاسته وجمعی از اهل دربار ایستاده‌اند. بیرون این صحنه حارسان قصر بنظر می‌آیند. رنگ‌آمیزی این منظر روشن و تابان و متوازن است.

(۹) زلیخا در رهگذر موکب یوسف: دامنه کوهی‌است گلابی سرد و زلیخا پیش سپنج نشسته قیافت پیرزنی‌عصا بکف دارد، پیراهن دراز سرخ و چادر سپید پوشیده، موکب یوسف با لباس فاخر سرخ و سیاه با خدمه میرسد، هالهٔ طلائی مقدس نور از چهرهٔ او برخاسته اسپ وی رنگ آسمانی و هیکل قوی دارد. زلیخا تمام جاه و جلال خود را از دست داده و پیرزن درویش اسپنج‌نشین پارسای خداپرستی است که بفضل خدا مورد توجه یوسف میگردد.

(۱۰) بدعای یوسف، زلیخا جوان میگردد و دربن‌منظر، وصال و هم‌آغوشی هردو تصویر شده که دو جوان دلدادهٔ زیبا درآغوش یکدیگر، برتختی رنگین و زیبای منقش بین قصری دیده می‌شوند. تزئینات داخلی قصر کاشیهای منقش سرخ و سیاه است. گل‌کاری مختصری برسرقصرجالب است ونازك‌کاری نقوش‌تخت برنگ‌های‌گرم سیاه و زرد و سرخ وآسمانی سرد بسیاردلکش است. هالهٔ نور برسرو چهرهٔ یوسف در حالت بوس و کنار هم دیده می‌شود.

(۱۱) مرگ یوسف: صحن مجلل وزیبای قصریست که متن‌آن برزمینهٔ آسمانی‌رنگ سرد نقش‌های سرخ و زرد سرد مربع دارد، و

حواشی آن بطرف چپ وراست لوزی زنگاریست . دروسط این صحنه یوسف با پیراهن خاکـی و دستار سیاه و هاله نـوری برقالین گلابی رنگ حاشیه منقش مرده بیجان افتاده وپیش نعش وی زلیخا غشی کرده وزنی او را در آغوش خود تکیه داده وپنج نفر زنان گریان و متأسف پیش وی دیده میشوند .

خمسهٔ نظامی بخط محمود :

۵۰۲ ورق ۲۹ × ۵ ، ۱۷ سانتی‌متر . کاتب: محمود هروی در ۱۰ ربیع‌الثانی ۸۳۵ ق (۱۶ دسمبر ۱۴۳۱ م) که بـرای کتابخانهٔ شاهرخ بخط خفی نستعلیق عالی نـوشته شده و سی منیاتـورکار هرات دارد (مخطوطهٔ ۱۰۰۰ و ، پ موزهٔ هرمیتاج لنین‌گراد) .

(کتلاگ نمایش هنر عصر تیموریان در سمرقند ۱۹۶۹ م ، ص ۴۸)

(رك : منیاتورهای قرن ۱۴ - ۱۷ شماره ۱ ، ۲ مجموعه هنری)

رقم آخر کتاب : «قد وقع الفراغ من تحریر هذا الکتاب الشریف وتسطیر ذلك الرق المنیف باشارة الخان بن الخان . . . . غیاث السلطنة والدنیا والدین شاهرخ . . . . علی ید العبد الضعیف . . . . محمود ... فی عاشر ربیع الاخر سنه خمس وثلاثین وثمانمائة الهلالیه بدار السلطنهٔ هراة» .

-۱۱-

کلیله و دمنه ابن‌المقفع :

۴۳۰ ورق ۲ ، ۳۱ × ۴ ، ۱۸ سانتی،دارای ۳۴ منیاتوروحواشی منقش رنگین کارهرات در اواسط قرن ۱۵م (مخطوطه مؤسسه شرقیات اکادیمی علوم اوزبك نمبر ۹۱۰۹) . (کتلاگ ص ۴۸) .

-۱۲-

مناظر شکار در سلسلةالذهب جامی :

منیاتور دو صفحه‌یی ۳۷۵ × ۲۷۰ م و ۳۷۸ × ۲۵۵ م .

کارهرات ازربع سوم قرن ۱۵ م ، به نسخهٔ خطی سلسلةالذهب جامی مورخ اول شعبان ۹۵۶ ق = ۲۵ اگست ۱۵۴۹ م که دراردبیل بقلم شاه‌محمود نشابوری کتابت شده ، الحاق گردیده است (مخطوطهٔ کتابخانهٔ عامه لنین‌گراد ، مجموعهٔ دورن ۴۳۴ کتلاگ ص ۴۸) .

ازین نسخه ۴ صفحه کامل شکار در منیاتورهای قرن ۱۴ – ۱۷ شوروی نشر شده است :

اول : دو صفحه کامل ۲۱۰ × ۳۱۷ م لوحه ۴۲ – ۴۳ :

منظر بسیار زیبا با رنگهای معتدل و تصاویر ماهرانهٔ آهوان و شتران و سگهای شکاری و سواران شکارنده و زمینهٔ سرسبز و تیرزنان شکاری که یکنفر تفنگ (سلاح آتشین) هم دارد ، در ثقت و مهارت و لطافت بی‌نظیر است . چهره کشایی ایرانی دارد ، و انواع حیوانات وحشی بکمال استادی در حالت شکار کشیده شده است ، که کار آن به مکتب تبریز شباهت دارد از ۱۵۴۰ تا ۱۵۵۰ م .

دوم : دوصفحهٔ کامل منظر شکار که با مضامین کتاب ربطی‌ندارد و آنرا بعدها با این نسخه الحاق کرده باشند و منظر اول هم شاید تقلیدی ازین‌کارهرات باشد : (۵ ، ۳۷ × ۲۷ سانتی لوحه ۱۸ – ۱۹)

در دامنهٔ کوهی جرگه حیوانات وحشی مانند انواع آهوان و پلنگ و طیور کوهیست . جم غفیرسواران ، تیر و کمان در دست که خودهای آهنین بسردارند ، بشکار و محاصرهٔ جانوران پرداخته‌اند .

چهره کشی و لباس خراسانیست، کلاه‌های آهنین تمام سواران خصوصیتی دارد ، و از خرسنگهای کوه اشکال سرحیوان ساخته‌اند ، و پرچمی با خطوط منکسر متوازی هم در دست پرچمدار جوان خوشرویی برسر نیزهٔ طویل در اهتزاز است و پدید می آید که درچنین شکارهای دسته‌جمعی و جرگهٔ حیوانات ، کلاه‌های آهنین کوچك می‌پوشیدند . ولی چون این منظر بمکتب هرات و حوالی ۱۴۶۰ تا ۱۴۷۰ متعلق است مانند منظر اول ، سلاح آتشین دران بنظر نمی‌آید و با تیروکمان شکار میکنند، و این منظر با تمام خصوصیات هنری خود از شهکارهای خوب مکتب هرات بنظر می آید .

-۱۳-

خمسهٔ نظامی بخط محمدتقی :

۳۰۸ ورق ۳۵×۵ ، ۲۲ سانتی بقلم محمدتقی ۵ ذیحجه ۸۸۶ ق = ۲۵ جنوری ۱۴۸۲ م دارای ۴۵ قطعه منیاتور بسیار شبیه به مدرسهٔ هنر هرات .

مخطوطهٔ کتابخانهٔ عامه لنین‌گراد ، دورن ۳۳۸ (کتلاگ ۴۸)

-۱۴-

گلستان سعدی :

کتابت ۹۷۴ ق۱۵۶۶م مربوط به بقایای مکتب‌هرات (کتابخانهٔ مذکور ، لنس ۱۱۰)

-۱۵-

دربار شاه طهماسپ :

یك تصویر دو صفحه‌ئی کتابخانـه اکادیمی لنین‌گراد ، دارای

منظر دربار شاه طهماسپ صفوی ، منسوب بـه عمل سلطان‌محمد یـا شاگردش استاد محمدیست (سروی ۱۸۷۷)

-۱۶-

منیاتور هرمیتاج :

از مخطوطات فارسی‌شماره ۹ : یك‌ورق منیاتور باسلوب بهزاد که آنرا قبلا عمل شخص او پنداشته بودند ، ولی اکنون آنرا عمل قاسم‌علی شاگردش میشمارند .

-۱۷-

مرقع مصور کتابخانهٔ عامه لنین‌گراد :

این البم که دورن بشماره ۴۸۹ ضبط کرده مربوط بمکتب هنری مشهد دنبالهٔ هنرقرن ۱۶م هراتست که سه مجلس بزرگ تمام صفحهٔ آن طبع شده و یك تصویر استادان و شاگردان از حیث شباهت با کارهای بهزاد ، عمل او شمرده می‌شود (سروی ۱۸۶۵)

۱- منظر مدرسه (۲۲۴×۱۶۳ م لوحه ۲۴)

زیر درختان برزمینهٔ پرگل دو قالبن بزرگ دارای خطوط لوزی پهن است ودواستاد درحالت تعلیم باکودکان و دختران آموزنده کتاب در دست دیده می‌شوند . کتابها برراحیل هم افتاده وصراحی آبخوری در بین مجلس است . در یك کنار مجلس موذنی ایستاده وانگشتان در گوش اذان میدهد وبطرف دیگرچندین نفرازیك کرائی(ظرف) بزرگ بعمل اهار دادن کاغذ می‌پردازند وآنرا درزیردرختان برای خشك کردن پهن می‌اندازند .

چهره کشی استادان با لباس و قیافت دختران و پسران آموزنده خراسانیست .

۲ـ تدریس در مدرسه (۱۶۴×۲۲۶ م لوحه ۲۵)

رواق عالی مـرکزی مدرسه مزین و در بین آن محراب مشبك است . کلکین‌ها و در ودیوار این بنا و ملحقات آن هم به کاشی کاریها مزین‌است. بالای دوجانب رواق هم دربالاخانه‌ها وهم بالای بام‌گنبدین اشخاصی بنظر می‌آیند . زیر رواق برفرشی مخطط لوزی ساده دو نفر جوان با عباهای سیاه نشسته‌اند که یکی کتابی در دست دارد و دیگری که کلاه تاج آسا برسر دارد شرح میدهد .

بیرون رواق بـرصحنهٔ مفروش به خشت‌های مربع ، جـوانان ایستاده و نشسته . کتاب در دست درحالت مکالمه ومخاطبه‌اند ، وپائین ازین صحنه چمن‌زار پرگلست که در کنارراست بیننده ، غلامی‌سیاه‌ـ چرده ، دیگی‌را برآتشدان نهاده وبا چمچه ازان غذا میکشد وپیاله‌های پهن وکوچك بدورش افتاده و زنی‌سیاه ، کودك قنداق بسته درآغوش او ، پیش دیگدان نشسته است .

در سمت راست بیننده سپید داری کهن سال سر بآسمان کشیده که زیرآن سه نفر نشسته و ازخوانی‌غذا میخورند . مناظروچهره کشی وریزه‌کاری نقوش وگل‌کاری‌وقیافت اشخاص مطابق سنن هنرهراتست.

۳ـ شکارگاه شاه (۲۰۵×۳۰۹ م لوحه ۴۵)

این منظر را که دارای رقم «عمل بهزاد» است ، مربوط مدرسهٔ مشهد (در حدود ۱۵۶۵ م ۹۷۳ ق) شمرده‌اند ، و خصایصی از خلط ممیزات عصرصفویه مانند رویهای گردوعمامه‌هاو کلاههای کشیده دارد.

برسر شاه تیر و کمان در دست و سوار چتری مزین است. سبزه‌زار و دشت پراز انواع حیوانات وحشی مانند آهو و گوزن و اسپ وحشی و پلنگ و خرس در حالت رمیدگی است که سواران اسپ و اشتر و پیاده‌گان با تیر و کمان و شمشیر و حربه برآنها حمله کرده‌اند.

خرسی سیاه در حالت جنگ با شکاری دیده میشود و سواری چوچه پلنگ راکه سر آن شبیه بگوسپند است براسپی پس پشت خود برداشته واورا می‌نوازد. بهرصورت درانتساب این عمل به بهزاد شك است. و این مجلس منیاتور در کتاب هنرهای زیبای عرب و ایران (شکل ۱۷۶) نیز عیناً رنگین طبع شده است.

۴- شکارگاه پرندگان کوهی (۲۲۵ × ۳۱۰ م لوحه ۴۶)

یك منظر همین مرقع لوحه‌ایست بدیع که نقوش آن بهرطرف از حدود صفحه بحواشی گذشته و دوام منظر را بهرسو نشان میدهد و و درختی است کهن سال عظیم سپیدار سربفلك کشیده که در بین کوههای اسفنجی ملون ایستاده وپرندگان درشاخسار آن دیده می‌شوند و در کوه هم کبکان خرامنده می‌دوند. شکاریان خوشروی با البسهٔ فاخررنگین‌وبازان شکاری و تیروکمان درحالت‌شکار،یا نشسته وایستاده دیده‌می‌شوند،که ازاسپان قوی هیکل دارای یراق شاهانه پیاده شده‌اند.

چهره کشی و طرز البسه و دستار این اشخاص بکارهای مکتب قزوین می‌ماند (دنبالهٔ مکتب هرات) رنگهای‌گرم معدنی‌جالب‌نظردران کار شده و در تزئین و رنگ‌آمیزی و ریزه‌کاری هنری بریراق اسپ و عباهای رنگین و ترسیم گل و شگوفه و دستار خدمتگار بسیار زیبای گلندامی که انار وناك‌را در ظرف مطلا ، بیکی از صیادان جوان‌گلروی

تقدیم میکند ، برزینت این منظر نفیس می‌افزاید و هنرمند سعی کرده که چهره‌ها والبسهٔ شکاریان وبازداران را بسیار زیبا وجالب نظر بسازد ، و منظری را از نفایس هنری بوجود آورد .

این منظر در کتاب هنرهای زیبای عرب و ایران (شکل ۱۷۷) نیز رنگین طبع شده است.

-۱۸-

لیلی ومجنون نظامی:

درموزهٔ هرمیتاج است که علایم کار بهزاد درآن بنظر می‌آید، شاید بخامهٔ قاسم علی باشد (سروی ۱۸۶۶)

-۱۹-

یوسف وزلیخای جامی بخط جمال‌الدین‌حسینی:

دوام هنر هرات در مکتب شیراز در ثلث اخیر قرن ۱۶ بخط جمال‌الدین حسینی شیرازی است .

(کتابخانهٔ عامه‌لنین‌گراد، پنس ۳۸۹)

هنر مصوری این نسخه شبیه است برنگ‌آمیزی و نقاشی و نگارش چهره‌های انسانی و مناظر شاهنامهٔ کتابخانهٔ عامه لینن‌گراد تحریر ۹۹۲ ق ۱۵۸۴ م (دورن ۳۳۴) و یوسف و زلیخا بقلم شاه محمودالکاتب (موزه برتانیا، لندن نمره ۴۱۲۲ شرقی) که ظاهراً نسخهٔ سوم و نسخهٔ اول هردو مصوری خامهٔ یك نفرند که درحدود ۱۵۸۰ م نگارش یافته باشند که دورهٔ ریعان مکتب شیراز است و تصاویر ذیل از آن درمجموعهٔ مصور آثار جامی آمده است:

(۱) مجلس دو صفحه‌ئی مهمانی (۹،۴ × ۱۶ سانتی) که هردوصفحه

حاشیهٔ ترنجی بسیار نفیس رنگ زرد برزمینهٔ زنگاری دارد و تصویر متن با مضامین کتاب تعلقی ندارد. صفحه اول مجلسی است بـرزمینهٔ کاشی گلابی سرد که درپهلوی آن چمنی پرگل و درختان شکوفه‌دار با سروهای بلند واقع است و بوسیلهٔ یك دیوار سرخ رنگ نیم‌قـدی از زمینهٔ مجلس جدا شده و درچمن آن باغبانی بیل‌زنی میکند، در داخل مجلس مدعوین و خدمتگاران و مطربان بیکطـرف اسپی بـاعنان‌کش جوان بنظر می‌آیند. در صفحهٔ دیگر هم پادشاه با مدعوین در حـالت باده‌پیمائی و میوه‌خوری‌اند، در بین مجلس صراحی‌هـا و پیالـه‌هـای میگساری و کاسه‌های پرمیوه مصورگردیده و زمینهٔ آن گل‌کاری ریـزه برزمینهٔ گلابی است اشخاص این‌مجلس البسهٔ فاخررنگین ودیوارهای آن کاشی نازك‌کاری آسمانی‌رنگ دارند، و این‌دوصفحه مصورمجلس مهمانی شباهتی با مجلس مهمانی کتاب لوایح جامی نمبر اول داردکه هردو فراوردهٔ هنر شیرازاند ونظیر یکدیگر شمرده می‌شوندوتقلید کار میرزاعلی است.

(۲) معراج : منظریست بدیع و جالب با رنگهای گرم سرخ و زنگار و اشعهٔ طلائی (۱۱×۱۴،۶ سانتی) خطاط این‌نسخه‌جمال‌الدین حسینی‌شیرازی‌است به‌خط‌بسیار خوش نستعلیق درثلث سوم قرن۱۶م. زمینهٔ تمام صفحه رنگ گـرم آسمانی است کـه در وسط آن صـاحب معراج با عبای خاکی و پیراهـن سرخ کم رنگ بـربراق زرد دارای خالهای سپید وسر یك زن سوار است وهاله‌های نور ازبدنش درفضای آسمان پراگنده، ولی روی او سپید است و بینی‌ودهان و چشم‌او دیده نمیشود، عمامهٔ سپید وکلاه سرخی بسر دارد. پیش‌روی براق، جبرئیل

با پیراهن خالدار خاکی و کرته سرخ کوتاه تا زانو کمربسته و بیرقی در هردودست با چهره جوان خوشروی و کلاه تاج آسا بنظر می آید، که دو بال بزرگ سرخ و آسمانگون دارد. تمام این منظر پرست به فرشتگان بالدار زیبای آسمانی که تحفه‌های نورانی تقدیم صاحب معراج مینمایند، رنگ آمیزی و نورافشانی اندرین تصویر منظر جالب و دلکشی را با روحانیت خاص درعالم بالا نشان میدهد.

(۳) زلیخا یوسف را بخواب می بیند و عاشق وی مـی شود : تصویر بیست بدیع (۸، ۱۰ × ۶، ۱۴ سانتی) که زمینهٔ گلابی مزین به گلهای بسیار نازك فاقع دارای حاشیه آسمانی گلدار دارد ، دیوار یك طرف به کاشی‌های آسمانی خیره و نقطه‌های زرد مزین گردیده وقسمت بالای آن همان زمینه گلابی گلدار نازك است ، حاشیه یمین و یسار و بالای این منظر به اشکال مدور زرد وسرخ رنگ چهارسانتی‌متری تزئین گردیده و در وسط این خانه درمقابل دروازه ارسی‌وار زلیخا درحالت غشی دیده می‌شود که زنی از پشت باو تکیه داده و زنجیری از احجار کریمه دورادور دوش وساعدش بسته که ابتلا بزنجیرعشق باشد . هشت نفر خدمه زن و دونفر پیش خدمت جوان با البسهٔ فاخر رنگین بخدمت اوحاضرند . بدست چپ بیننده ازطرف بالا منظر بوستان سرسبز پرگل و درخت شگوفه‌دار با یك سرو دارای قـد موزونی بنظر می آید کـه منظرهٔ بیرونی جالبی را نشان میدهد .

(۴) یوسف در بازار برده‌فروشان (۵، ۱۱ × ۵، ۱۴) جـوان زیبائی با هاله واشعهٔ نور در بین خریداران دیده می‌شود که کیسه‌های طلا در دست دارند و یکی‌از خریداران همان پیرزن چادر سپید منحنی

عصادار است که کلاوه رشته سپید در دست دارد و این منظر در دامنهٔ کوهی که بخطوط سیاه مشخص گردیده و رنگ سردگلابی ویك درخت کوهی دارد واقع است . بدست چپ بیننده کاخ دو منزلهٔ مزین است ازمنزل دوم آن زلیخا ویکزن دیگر نگران منظر پائین اند.

(۵) حیرت ودلدادگی زنان مصر بجمال یوسف و بریدن انگشتان (۲ ، ۱۲ × ۱۲ سانتی) بدست راست مجلسی است که زنان مصر با البسهٔ فاخر در محفل زلیخا نشسته‌اند ویوسف با عبای زردو پیراهن درازسرخ-رنگ سرد ابریق در دست وارد مجلس می‌شود ، زنـان همه بطرف او می‌بینند و دلدادهٔ جمالش می‌شوند . بدست چپ بیننده کاخ دو منزله رفیع مزین بالوان کاشی‌هاست که در منزل بالا پنج دختر از برامدهٔ علیا در تماشای حسن یوسف متحیرند ودردروازهٔ پائین خدمگاری ایستاده متحیر و غرق تماشا .

-۲۰-

هفت اورنگ جامی:

دوام هنر هــرات در مکتب شیراز ، بخط پیر محمدالکاتب در سنه ۱۰۰۶ ق ۱۵۹۷ م .

در کتابخانهٔ عامهٔ لینن گراد (پنس ۸۶)

این نسخه نمونهٔ اواخر هنر مکتب شیراز است که خط و تصاویر آن چندان پختگی ندارد ، هیکلهای انسانی را کلانتر میکشد واشخاص آن عمامه‌های بزرگی دارند کـه آنرا با رشته‌های لك بسته‌اند و خطوط این رشته‌ها بنظر می آید و شکل عمامه هم طویلست که پیش یا پس آن بطور کـروی بـرامده و رنگ آن سپید و زرد وسرخ وعنابی و غیره

است. که این نوع تحول در تصاویر دیوان عبدالواسع جبلی (کتابخانهٔ بودلیان) هم دیده میشود، و روبنسون آنرا متعلق به ۱۶۰۰ تا ۱۶۰۵ م (۱۰۰۹ - ۱۰۱۴ ق) دانسته است.

تصاویر این نسخه بقلم دو نفر هنرمند است که در اسلوب خود با هم فرق دارند و الواح (۱ - ۴) از سقوط مکتب شیراز در قرن ۱۶ نمایندگی میکنند که ترکیب ساده و یك آهنگی دارد.

نسخهٔ هفت اورنگ جامی نمره ۸۶ لنین گراد نمونهٔ این هنر متحول است که یك مجلس آن رقص درویشان خامست (۱۰۲×۱۳۷م) جمعی پیر وجوان دست‌زنان وپای کوبان میرقصند. یکی دائره ودیگری نی مینوازد، رنگ آمیزی البسه سرد وگرم، اما خامست.

چهره کشائی اشخاص ایرانیست. این همه برزمینهٔ گلدار گلابی سرد تصویر گردیده که دامنه کوهست ودرختان کوهی برقلهٔ آن نمایانند که بالای آن آسمان با رنگ خیره و لکه‌های سپید دیده میشود.

این منظر از شعریست که در حصهٔ دوم سلسلة الذهب جامیست، و خط پیر محمد کاتب نستعلیق متوسطست که چندان جالب نباشد.

۲- شخم زمین و کشف ظرف طلا و گوهر (۱۰۰×۱۵۵ م):
برزمینهٔ آسمانی رنگ سرد، دهقانی در قلبه بوسیلهٔ دو گاو زرد و ابلق قوی هیکل یوغ درگردن، زمین را شخم می کند. درختی عنابی رنگ با برگهای سبز، و خرابهٔ بنائی که دو مرغ سپید بربالای دیوار آن نشسته نمایانست.

دهقان دیگری از دور می بیند و در حین شخم زمین، کوزهٔ منقش بزرگی که پر از زر و گوهرست از زمین پدیدار میشود، که

فقط حصهٔ بالای این کـوزه نمایانست . نقص کار هنرمند درینست که زمینه را آسمانی‌رنگ داده وهم نشان خطوط قلبه ، در زمین شخم‌شده نمایان نیست .

۳ـ منظر دیگراین مخطوطه ، خلیل و پیرمرد آتش‌پرست است (۱۰۱×۱۵۵ م) .

خلیل با عبای سیاه و ریش کوتاه حنائی و دستار سپید ، با اشعهٔ انواریکه از کله‌اش فـراخیزد ، برفرشی عنابی دارای خطوط منکسر ، زیر چادر منقش زیبا نشسته و خوان طعام پیش اوست . خدمتگاری با عبای سرخ بدست چپ بیننده ایستاده و بیرون خیمه بـدست راست ، پیرمردی با لباس زرد فاقح و کلاهی ترکانه دیده می‌شود ، که خلیل او را از خوردن طعام ردکرد ، ولی در وحی الهی باو گفته شد که :

گرچه آن پیر نه بر دین توبود   منعش از طعمه نه آئین تو بود

پس ابراهیم او را به خوان کرم خویش باز میخواند . در عقب این خرگاه بـرزمینهٔ سبزه‌دار آسمانی رنگ ، ساربانی کـه گوسپندان میچراند دیده می‌شود.

۴ـ مجلس وصال :

منظری از یوسف و زلیخای جـامی (۱۰۱×۱۱۰ م) در قصری که به هفت رنگ کاشی مزین است یوسف با لباس سیاه و اشعهٔ نورانی با زلیخای زیبا ملبس به عبای سرخ به ملاعبه و معاشقه پرداخته و در یك گوشه بالای این کاخ زن جوانی که کودکی قنداق‌پیچ در بغل دارد بنظر می‌آید .

۵ـ منظر دیگر همین یوسف و زلیخا (۱۰۰×۱۳۶ م) :

نازك کاری و کوچکی طبیعی هیاکل اشخاص و رنگ آمیزی روشن و پختهٔ آن دلالت دارد که بقلم هنرمند دیگریست و یوسف را در بزم طرب عزیز مصر می نماید.

منظر کاخ مجلل است، و پرده سرخ دروازه نیم آویخته است. دیوار دو طرف دروازه کاشی سبز و سیاه گرم رنگی دارد، که برخی ازان ریخته. در صحنهٔ مجلس برزمینهٔ گل‌کاری ریزه زرد خام‌رنگ، زلیخا با لباس گلدار زنگاری و سرخ برتختی نشسته ورباب‌نواز وقوال و دف‌زن و غیره در حالت طرب دیده می‌شوند، درحالیکه یك جوان زیبا در بین صحنه میرقصد و یوسف با عبای گلدار سرخ و اشعهٔ انوار مقدس و عمامهٔ سپید با چهره گیرا و زیبا بنظر می آید.

۶ـ مجنون نزد کعبه، از لیلی و مجنون جامی (۱۰۱×۱۵۷م):

این منظر نیز بقلم همان آرتست استادنگارندهٔ منظرسابقست. زمینهٔ خاکی متمائل بزردی دامنهٔ کوهی است که دربین آن خانهٔ کعبه با پوش سیاه‌ودروازهٔ نارنجی رنگ‌مقفل بشکل مکعب مستطیل است. دورادور آن زایران احرام پوش با سرهای برهنه تراشیده، در حالت تضرع و دعا دیده می‌شوند. مجنون بعد از ملاقات لیلی پا پیاده بمکه رفت و بزیارت کعبه مشرف شد، که درین منظر قفل دروازهٔ کعبه را بدست گرفته است.

۷ـ بقراط حکیم نبض شهزاده اسکندر را می بیند:

منظریست ازخردنامهٔ اسکندری. کاخیست ملون، برزمینهٔ گلابی سرد گلدار، شهزادهٔ مریض نشسته و طبیبی با لباس فاخر، نبض او را در دست دارد.

چندین دختر جوان گلروی خوش پوش، درین محفل دیده میشوند، که بنوبت به داخل خانـه آمده‌اند، و بقراط از حرکات نبض شهزادهٔ دلدادهٔ مریض معلوم میکند که معشوقهٔ او کدام یکی است؟

مصوراین مجلس هم‌همان‌هنرمندنگارنده منظر۵-۶خواهد بود.

-۲۱-

تحفةالاحرار جامی بخط میرکلنگی:

از مخطوطات کتابخانهٔ عامهٔ لنین گراد (دورن ۴۲۵) که نمایندهٔ دوام هنرهرات درقرن ۱۶م درمکتب هنری بخاراست‌وبخط میرحسین‌الحسینی (میرکلنگی خواجه) خطاط پرکار هرات نوشته شده، که ما مخطوطات دیگر این خوشنویس ماهر را در ایران - ترکیه - هند و غیره نشان داده‌ایم.

این نسخه نماینده سبك هنری بخاراست که در نصف دوم قرن ۱۶ م از طرف هنرمندانی که از هرات بدربار بخارا رفته بودند بنیان‌گذاری شد، و مبادی مکتب هرات را پیروی کردند. آثار این مکتب شباهت بسیاربه تصویر بوستان سعدی دارد، که درسنه ۱۵۴۲م (۹۴۹ق) فنان مشهور محمود مذهب کار کرده‌است وسنن هنری هرات‌را مراعات می‌نماید. ولی‌شاگردش عبدالله دارای آنقدرمهارت فنی‌نیست و عناصر محلی دران مخلوطست کـه در حدود ۱۵۴۵ م (۹۵۲ ق) باشد و کار هنرمندان بخارا نیز در پیروی اوست.

هنربخارا بین ۴۰ تا ۸۹ قرن ۱۶ م رنگهای صاف وترکیب ساده دارد، که عناصرهنری هرات، نخست درکارهای محمود مذهب وبعد ازان عبدالله بصورت ضعیفتر انتقال یافت تا بمکتب بخارا هم رسید و

درماوراءالنهرهم آثارجامی را مصور کرده‌اند که اکثر همان مجالس مکتب قزوین و شیراز را هنرمندان بخارا نیز نگاشته‌اند .

یکی از آثار مغتنم مکتب بخارا ، همین تحفة‌الاحرار بخط میر کلنگی‌است که بین ۱۵۶۰ - ۱۵۷۰م دربخارا نوشته شده وحواشی صفحات آن ساده غیر منقش است و ازخصائص سبك‌بخارا درخشانی و تابندگی رنگها و کلانی تن اشخاص و عمامه‌های گرد سپید وعباهای رنگین آستین‌دار برای پخته سالان ، و نیمه‌آستین‌دار برای جـوانان است . کمر را هم اکثر بسته‌اند وچهره‌های مدور ، مهتابی گلابیست . در مجالس زنان کمتر بهره دارنـد ، و اگر باشند چادر تمام تن سپید پوشیده‌اند .

چهره‌های ماوراءالنهری زیبا درتمام اوقات عمروچشمان متوسط بین میشی و مغولی‌وهیاکل تنومند ، نسبت به منیاتورهای مکتب تبریز و قزوین و مشهد کلانتر ، از خصائص ایـن مکتب است و سه مجلس ذیل ازین نسخه در مجموعهٔ آثار جامی چاپ شده :

۱- یوسف درآئینه می بیند (۱۱۸ × ۲۱۵ م) .

منظریست روشن ازیك داستان تحفة‌الاحرار درصفحهٔ تمام . در بین این مجلس چبوترهٔ مـزین نظررباثیست که یوسف دران نشسته . جوانیست زیبای مهروی با عبای گلابی‌رنگ غلیظ ، ولی چهرهٔ یوسف مانند سنن مکاتب هنری پارس ، هالهٔ نور ندارد. ودرماوراء این چبوترهٔ مزین ، منظر درختزار پرشگوفه است برآسمان زرد رنگ خام .

زمینهٔ مجلس دو رنگ سبزمتمایل به سیاه پرگل وکاشیهای لوزی سپید و گلابی رنگ سرد دارد . اصل چبوتره و مجلس یوسف برزمینهٔ

سبز مذکور است و شش نفر جوان زیبای خوش‌پوش و دو نفر با ریش حنائی و یکی سپید نشسته یا ایستاده‌اند .

۲- دو بط سنگی پشتی را بهوا برده‌اند (۱۲۶×۲۰۸ م)

منظر آسمان بالای کوهی با رنگ طبیعی نمایانست و خود کوه رنگی زرد سرد دارد و دامنهٔ آن بر زمینهٔ گلابی سرد گلزار و درختی پرشگوفه وجوی آب روان با کناره‌های پرگل دیده می‌شود که در بین آب مرغابی‌ها شناوری دارند .

بر کنار این جوی هفت نفرجوان خوشروی خوش‌پوش با قباهای رنگین بتماشای بط و سنگ پشت ببالا می‌بینند و یك نفر بر کنار جوی وضو میسازد .

۳- عشق‌بازی پیرمرد با زن زیبای جوان (۱۲۰×۲۰۷ م)

داستان تحفة‌الاحرار است که مصور گردیده . کاخیست دومنزله مزین به کاشیهای زرد و آسمانی و سپید و منقش روشن .

درختان پرشگوفه اطراف آنرا پیچانده در پائین آن بیك پهلو نقاشی گل‌کاری زرد برزمینهٔ سیاه دیوار ، برشکوه قصر افزوده و پیش روی آن برفرش خشت‌های مستطیل کم‌رنگ آسمانگون ، خانمی‌زیبا با چادرسپید، روی برهنه با مردی پیر سپید ریش، دارای قبای آسمانی رنگ و کمر بسته گپ میزنند .

حرکات دستهای پیرمرد حالت‌خطاب عاشقانه‌اش را نشان میدهد، و در کلکین‌های منزل دوم کاخ ، دختران جوان مهروی خوش‌پوش ، این منظررا تماشا میکنند،وحرکات عشق‌بازی این پیرمرد مورد حیرت و تعجب و تمسخر ایشانست .

-۲۲-

نزهة العاشقين بخط احمد مشهدی :

در کتابخانهٔ عامهٔ لنین گراد (دورن ۴۷۸)

این کتاب تألیف علی بن محمود الحاج است که بخط احمد-الحسینی المشهدی در سنه ۹۷۰ ق ۱۵۶۲ م نوشته شده است .

-۲۳-

شاهنامهٔ فردوسی :

در کتابخانهٔ مذکور (دورن ۳۳۴) مکتوب سنه ۹۹۲ ق ۱۵۸۴ م از اواخر متفرعات هنر هرات .

-۲۴-

بوستان سعدی :

در کتابخانه مذکور (لنس ۲۶۹)

بقلم خطاط بخارا عبدالله درسنه ۹۸۳ ق ۱۵۷۵ م، که ازشاگردان محمود مذهب و بقایای نمایندگان هنر هراتست .

-۲۵-

بوستان سعدی بخط سلطان‌علی مشهدی

۲۱ ورق ۲، ۲۱ × ۵، ۱۳ سانتی . بقلم سلطان‌علی مشهدی در هرات اول جمادی‌الاخری ۸۹۹ ق = ۹ مارچ ۱۴۹۴ م . دارای ۳ منیاتورکار هرات که یکی بعدتر نگارش یافته . (کتابخانهٔ مخطوطات اکادیمی علوم آذربایجان شوروی م ۱۱۳ - ۲۳۷۸) (کتلاگ ۴۸)

-۲۶-

دیوان سلطان‌حسین بایقرا :

۵۴ ورق ۲۵ × ۱۶ سانتی دارای ۵ منیاتورکارهرات درحدود ۱۵۲۰ م .

(مؤسسهٔ شرقیات اکادیمی علوم شوروی بی۲۸۴) (کتلاگ۴۸)

-۲۷-

اسکندر نامهٔ احمدی بخط میرعلی هروی

۲۳۳ ورق ۲۴×۵ ، ۱۵ سانتی. بخط میرعلی الکاتب درهرات، رمضان ۹۲۹ ق=جولای ۱۵۲۳ م برای دُرمِش‌خان نوشته شده ، که تذهیب آن کار کمال‌الدین المذهب است و ۱۱ منیاتورکار هرات حدود ۱۵۲۰ م دارد .

(کتابخانهٔ عامهٔ لنین‌گراد ، دورن ۵۶۵) (کتلاگ ۴۸)

-۲۸-

خسرو و شیرین نظامی بخط علی حسینی :

۶۸ ورق ۲۱×۵ ، ۱۳ سانتی بخط علی‌الحسینی‌الکاتب درسلخ محرم ۹۲۲ ق=مارچ ۱۵۱۶ م . دارای یك منیاتور دو صفحه‌یی کار هرات حدود ۱۵۲۰ م (۹۲۶ ق)

(کتابخانـهٔ مخطوطات کهن اکادیمی علوم ارمینیهٔ شـوروی نمبر۵۸۴) (کتلاگ ۴۹)

-۲۹-

احسن‌الکبار محمدالحسینی الورامینی :

۵۰۸ ورق ۳۸×۲۶ سانتی بخط خضرشاه کاتب خـاصهٔ شریفی در ۴ ربیع‌الاول ۸۳۷ ق=۱۹ اکتوبر ۱۴۳۳ م ، دارای ۳۹ منیاتـور که چهار عدد آن از زمان مابعد است . ومنیاتورورق ۳۷۳ آن امضای قاسم‌بن‌علی بتاریخ ذیحجه ۹۳۲ ق=ستمبر ۱۵۲۶ م دارد ، و هنراین صفحه عموماً مربوط به مدرسهٔ هراتست (؟)

حدود ۱۵۲۰م است (کتابخانهٔ عامهٔ لنین‌گراد،دورن۳۱۲) (کتلاگ۴۹)

(رك : شماره ۱۰ منیاتورهای قرن ۱۴ - ۱۷)

-۳۰-

فتح‌نامهٔ شادی :

۲۲۲ ورق ۲۱×۸ ، ۱۳ سانتی دارای ۷ منیاتور ، کـه دو تاء آخرین آن دو صفحه‌یی مـربوط به هنر آسیای میانهٔ ربع اول قـرن شانزدهم است (ادامهٔ مکتب هرات) (مـؤسسهٔ شرقیات اکادیمی علوم ازبکستان شوروی نمبر ۵۳۶۹) (کتلاگ ۴۹)

-۳۱-

دیوان نوایئی بخط سلطان‌علی مشهدی

۲۰۴ ورق ۵ ، ۲۴×۳ ، ۱۶ سانتی بقلم سلطان‌علی مشهدی در آخرقرن ۱۵ م در هرات برای کتابخانهٔ سلطان‌حسین بایقرا با ۶ منیاتور نگاشته شده . (کتابخانهٔ موسسهٔ شرقیات اکادیمی علوم ازبکستان شوروی نمبر ۱۹۹۵) (کتلاگ ۴۹)

-۳۲-

دیوان قاسم انوار :

۱۰۶ ورق ۵ ، ۲۷×۱۸ سانتی دارای دو منیاتـور سبك آسیای میانه نصف اول قرن ۱۶ (ادامهٔ هنرهرات) درحدود ۱۵۲۰ تا ۱۵۳۰م.
(موسسهٔ شرقیات اکادیمی‌علوم ازبکستان شوروی نمبر ۲۱۰۸)
(کتلاگ ۴۹)

-۳۳-

منتخبات غزلیات شعرا ، بخط میرعلی حسینی :

۵۹ ورق ۲۳×۸ ، ۱۱ سانتی بقلم علی‌الحسینی الکاتب السلطانی، در بخارا ذوالقعده ۹۳۳ ق= جون ۱۵۲۹ م ، دارای ۲ منیاتـور هنر

آسیای میانه حدود ۱۵۵۰ - ۱۵۴۰ م. (موسسهٔ شرقیات اکادیمی علوم شوروی C ۸۶۰) (کتلاگ ۴۹)

-۳۴-

غرائب‌الصغر نوایی:

۱۹۸ ورق ۲۴×۱۶ سانتی. اوائل قرن ۱۶ مدرسهٔ نقاشی هرات که دو ورق اول آن با عنوانها و سرنامه‌ها مزین و منقش است و هفت منیاتور دارد، که دو ازان متأخرتر است. (موزهٔ آثار علی شیرنوائی نمبر ۱۰۷ تاشکند) (کتلاگ ۴۹)

-۳۵-

شاهنامهٔ فردوسی بخط محمد هروی:

۵۹۲ ورق ۳، ۳۸×۳، ۲۲ سانتی. بقلم محمد هروی که در تبریز ه بتاریخ ۵ محرم ۹۳۱ ق = ۲ نومبر ۱۵۲۴ م نوشته شده و ۲۷ منیاتورسبک‌تبریز(ادامهٔ مدرسهٔ هرات) درحدود ۱۵۲۰ م دارد (مؤسسهٔ شرقیات اکادیمی علوم شوروی د، ۱۸۴) (کتلاگ ۵۰)

-۳۶-

مجمع‌التواریخ حافظ ابرو:

دو حصه ۶۹۶ ورق ۵، ۱۴×۲۸ برای کتابخانهٔ بایسنقر میرزا در هرات در حدود ۱۴۲۰ م نوشته و تزئین شده است، که عناوین زیبا دارد. (کتابخانهٔ عامه لنین‌گراد، دورن ۲۶۸) (کتلاگ ۵۳)

-۳۷-

تاج‌المآثر صدرالدین محمدبن حسن نظامی بخط قطب‌الدین:

۲۸۹ ورق ۲۵×۵، ۱۶ سانتی بقلم قطب‌الدین‌بن حسن شاه-

الکرمانی در ۲۵ شوال ۸۲۹ ق = ۳۱ اگست ۱۴۲۶ م در هرات برای کتابخانهٔ میرزا بایسنقر نوشته و تزئین شده (عنوان و نقاشی حاشیه ورق ا ب و ۲ الف در قرن ۱۹ آسیب دیده) (کتابخانهٔ شرقیات یونیورستی لنین گراد نمبر ۵۷۸) (کتلاگ ۵۴)

-۳۸-

ترجمهٔ فارسی تاریخ طبری بخط قطب‌الدین :

۴۹۷ ورق ۳۳ × ۲۱ سانتی بقلم قطب‌الدین بن حسن شاه‌الکرمانی، درهرات بتاریخ ۲۰ جمادی‌الاخری ۸۳۳ ق = ۲۱ مارچ ۱۴۳۰ م برای کتابخانه بایسنقر میرزا نگاشته شده ، تزئینات عناوین و وقایهٔ آن از قرن ۱۵ م است (کتابخانهٔ عامهٔ لنین گراد ۴۹) (کتلاگ ۵۴)

-۳۹-

دیوان کمال خجندی بخط سلطان‌علی مشهدی :

۲۸۲ ورق ۲ ، ۲۲ × ۱۵ سانتی بقلم سلطان‌علی مشهدی بتاریخ ۳ ذیقعده ۸۷۸ ق = ۲۲ مارچ ۱۴۷۴ م در هرات نوشته و تزئین گردیده و دیباجهٔ آن دو صفحهٔ مزین است (کتابخانهٔ مخطوطات اکادیمی علوم آذربایجان شوروی م ، ۷۷ - ۱۱۷۱۸) . (کتلاگ ۵۴)

-۴۰-

کلیات امیرخسرو دهلوی بخط سلطان احمد

۱۰۳۴ ورق ۵ ، ۲۵ × ۱ ، ۱۷ سانتی بقلم سلطان احمد درهرات بتاریخ ۱ ذیحجه ۸۸۵ ق = افروری ۱۴۸۱ م در هرات نوشته و تزئین شده، که عناوین و دیباجهٔ آن گل کاریست. (کتابخانهٔ شرقیات یونیورستی لنین گراد نمبر ۴۹). (کتلاگ ۵۴)

-۴۱-

دیوان نوائی :

۱۸۸ ورق ۶ ، ۲۳×۱۵ سانتی ، که بتاریخ ۱۵ جمادی‌الاولی ۸۸۹ ق=۱۰ جون ۱۴۸۴ م نوشته شده و تزئینات آن به مکتب هرات تعلق دارد . (مخطوطات اکادیمی علوم آذربایجان شوروی م ۱۴۴ - ۳۰۱۰) (کتلاگ ۵۵)

-۴۲-

خمسهٔ نوایی بخط عبدالجمیل :

۳۲۵ ورق ۵ ، ۲۷×۱۹ سانتی . برای شخص نوائی بقلم عبد-الجمیل الکاتب که خطاط شخصی نوایی بود درسنه ۸۸۹ ق ۱۴۸۴ م نوشته شده ، و تزئینات آن از مکتب هنر هراتست (مؤسسهٔ شرقیات اکادیمی علوم ازبکستان شوروی نمبر ۵۰۱۸) . (کتلاگ ۵۵)

-۴۳-

هفت اورنگ جامی بقلم عبدالاوحد جامی :

۲۶۴ ورق ۵ ، ۲۳×۵، ۱۶ سانتی. بقلم عبدالاوحدبن محمد-ابن احمدالجامی که در هرات در ماه شوال ۸۹۵=اگست ۱۴۹۰ م نوشته و تزئین گردیده . (مؤسسه شرقیات اکادیمی علوم ازبکستان شوروی نمبر ۱۰۶۵) (کتلاگ ۵۴)

-۴۴-

حالنامهٔ عارفی بخط زین‌الدین محمود :

۱۹ ورق ۸ ، ۲۳×۱۵ سانتی بقلم زین‌الدین محمودالکاتب در هرات ۹۰۱ ق ۱۴۹۵ برای معزالدین احمد ، که سرورق و عناوین آن

بسبک هنر هرات بخامهٔ عبدالصمد وغیاث الدین تزئین گردیده. (کتابخانهٔ عامهٔ لنین گراد ، دورن ۴۴۰) (کتلاگ ۵۵)

-۴۵-

خمسهٔ امیرخسرو دهلوی :

۲۰۰ ورق ۲۳ × ۱۷ سانتی تحریر ۱۷ ذیحجه ۹۰۴ق ۲۴ جولای ۱۴۹۹ م سرورق دوصفحه‌یی و عناوین آن تزئینات مکتب هرات دارد. (مخطوطات اکادیمی علوم تاجیکستان شوروی نمبر ۸۱۷) (کتلاگ ۵۵)

-۴۶-

دیوان شاهی بخط زین‌الدین محمود :

۲۵ ورق ۵ ، ۲۶ × ۲ ، ۱۷ سانتی . بقلم زین‌الدین محمود-الکاتب در سنه ۹۰۶ ق ۱۵۰۰ م مربوط مکتب هنری هرات با وقایه خوب . دو نقاشی آن از نصف دوم قرن ۱۶ و مکتب قزوین در آغاز کتاب الحاق گردیده . (کتابخانهٔ عامه لنین گراد ، دورن ۴۱۷) (کتلاگ ۵۵)

-۴۷-

کلیات جامی بخط محمد هروی :

۶۲۱ ورق ۵ ، ۳۸ × ۵ ، ۲۸ سانتی . بقلم محمد بن حسن شاه-الکاتب الهروی ۹۰۸ ق ۱۵۰۳ م . عناوین وسرورق و وقایهٔ آن کار هرات اواخر قرن ۱۵ و آغاز قرن ۱۶ م است . (مؤسسهٔ شرقیات اکادیمی علوم ازبکستان شوروی ۱۳۳۱) (کتلاگ ۵۵)

-۴۸-

دیوان نوائی :

۱۸۴ ورق ۳ ، ۲۵ × ۷ ، ۱۵ سانتی . در آخر تاریخ ۱۱۰۶ ق

۱۶۹۵ م دارد ، ولی نقاشی و تزئین آن از اواخر قرن ۱۵ و آغازقرن ۱۶ م مربوط مکتب هنری هراتست ، سرورق وعناوین منقوش گلدار دارد . (مخطوطات اکادیمی علوم آذربایجان شوروی ۱۹۹ م ۲۹۹۹) . (کتلاگ ۵۵)

-۴۹-

خمسهٔ نوایی :

۳۶۰ ورق ۴ ، ۲۳×۱۶ سانتی . نقش و نگارعناوین و سرورق آن از مکتب هرات اواخر قرن ۱۵ و آغاز قرن ۱۶ م است (مـؤسسهٔ شرقیات اکادیمی علوم ازبکستان شوروی نمبر ۷۵۵۴) (کتلاگ ۵۵)

-۵۰-

ساقی‌نامه سنائی :

۹ ورق ۲۳×۱۶ سانتی. مربوط به مکتب هنری هرات در آغاز قرن ۱۶ م . عناوین وحواشی آن منقش رنگین‌ومذهب با وقایهٔ ساخت نفیس‌همانوقت.(مؤسسهٔ شرقیات اکادیمی‌علوم‌ازبکستان‌شوروی۳۳۱۸) (کتلاگ ۵۵)

-۵۱-

گلشن راز محمود شبستری بخط علی :

۴۳ ورق ۲۲×۳ ، ۱۳ سانتی بقلم علی در ربع اول قرن ۱۶ م نوشته شده ونقش ونگار آن ازمکتب هرات است، سرورق دوصفحه‌یی مزین و حـواشی منقش دارد (مخطوطات اکادیمی علوم آذربـایجان شوروی ۲۱۵ م ۱۳۶۶۰) (کتلاگ ۵۶)

-۵۲-

دیوان علی‌شیر نوائی بخط سلطان‌علی مشهدی :

۱۴۳ ورق ۲۳×۳۴ سانتی . بقلم سلطان‌علی مشهدی در سنه ۸۷۰ ق ۱۴۶۶ م (نسخهٔ خطی کتابخانهٔ عامه لنین‌گراد . دورن ۵۶۴) در آخر آن نوشته شده «حرره‌العبد سلطان علی المشهدی فی شهور سنه سبعین وثمانمأئه فی ایام‌الشیب» . (راپور نمایش هنر سمرقند ۱۹۶۹ ص ۲۳)

-۵۳-

خمسهٔ علی‌شیر نوائی خط سلطان‌علی‌مشهدی :

۳۲۵ ورق ۵ ، ۲۴×۱۷ سانتی . برای کتابخانهٔ سلطان حسین بایقرا در سنه ۸۹۸ ق ۱۴۹۲ م نوشته شده که ۲۲ قطعه تصاویر (غالباً کار بهزاد) از مدرسهٔ هرات دارد ، و در آخـر آن نوشته‌اند : «خمسه میرعلی‌شیر نوایی بخط قبلة‌الکتاب‌مولانا سلطان علی‌المشهدی و بمذهبی مـولانا یاری مذهب و جلدکاری نـادرالعصری استاد سلطان‌علی مجلد مروزی سامی»

(کتابخانهٔ عامه لنین‌گراد ، دورن ۵۶۰) (راپور۲۴)

-۵۴-

شاهنامهٔ فردوسی بقلم محمد :

مدرسهٔ یزد ، بقلم محمد ابن جلال‌الرشید در رمضان ۸۴۹ ق= دسمبر۱۴۴۵ م نمره سی۱۶۵۴،ی ن ا هرمیتاج (۱، ۱۲×۵ ،۹ سانتی)

(رك : منیاتورهای قرن ۱۴ تا ۱۷ شماره ۳)

-۵۵-

خمسهٔ نظامی :

مکتب شیراز ، تحریـر ۱۶ شعبان ۸۸۴ ق = ۲ نـومبر ۱۴۷۹ م (لنین‌گراد ۳۳۷ دورن) خط این نسخه نستعلیق بسیار خـوب و خفی و تصاویر آنهم عالیست (رك : منیاتورهای قرن ۱۴ تا ۱۷شماره ۴)

-۵۶-

خمسهٔ نظامی :

مکتب شیراز، تحریرشوال ۸۹۶ ق = اگست ۱۴۹۱ م (کتابخانهٔ عامه لنین‌گـراد ۸۳) خط نستعلیق عالی خفی با تصاویـر رنگین بسیار روشن و جالب . (رك : منیاتورهای قرن ۱۴ - ۱۷ شماره ۵)

-۵۷-

لیلی و مجنون امیرخسرو دهلوی :

مکتب هرات ، دارای تـاریخ رجب ۹۰۰ ق = اپریل ۱۴۹۵ م (دورن ۳۹۵ کتابخانهٔ عامه لنین‌گراد) خط نستعلیق بسیار عالی خفی و نقاشی‌ریزه‌کاری دقیق با محاسن هنری مکتب هرات. (رك: منیاتورهای قرن ۱۴ - ۱۷ شماره ۶)

-۵۸-

لیلی و مجنون امیرخسرو دهلوی بخط سلطان محمد هروی:

مکتب هرات . بخط بسیارخوش و عالی نستعلیق خفی سلطان‌محمد هروی در قرن ۱۶ م .

(دورن ۳۹۴ کتابخانهٔ عامه لنین‌گراد) از نفایس آثار هنری عالی مکتب هراتست .

(رك : منیاتورهای قرن ۱۴ - ۱۷ شمارهٔ ۷)

-۵۹-

گوو و چوگان عارفی بقلم شاه طهماسپ

مکتب تبریـز ، بخط نستعلیق متوسط جلی طهماسب الحسینی (شاه طهماسپ اول صفوی) در سنه ۹۳۱ ق ۱۵۲۵ م در تبریز نوشته شده (دورن ۴۴۱ کتابخانه عامه لنین گراد) (رك : منیاتورهای قرن ۱۴-۱۷ شمارۀ ۹) .

-۶۰-

شاه و درویش هلالی بخط کمال :

مکتب تبریز، بخط نستعلیق خفی بسیار خوب خطاط کمال در ۹۴۴ ق =۱۵۳۸ م نوشته شده و اکثر خصائص مکتب هرات دارد، رنگ آمیزی و تزئین و ریزه کاری نقاشی و چهره کشی و مناظر آن شبیه است به کار استادان هرات ، ولی عمامۀ صفوی و کلاه دراز سر کشیدۀ اشخاص آنرا متمایز می سازد (کتابخانۀ عامه لنین گراد، دورن ۴۵۹) (رك: منیاتورهای قرن ۱۴ - ۱۷ شماره ۱۱) .

-۶۱-

خمسۀ نظامی بخط حسن شیرازی :

مکتب شیراز. خط خوش نستعلیق نیم جلی حسن الحسینی الکاتب- الشیرازی از ۹۳۹ تا ۹۴۸ ق = ۱۵۳۲- ۴۲ م هرمیتاج (لنین گراد و،پ ۹۹۹) خصوصیات هنری البسه و کلاه وررویهای گرد آن تماماً ازمکتب شیراز است ، و یك مجلس این کتاب کـه سکندر را برتخت شاهی بین بزم شاهانه نشان میدهد ، در منیاتورهـای قرن ۱۴-۱۷ شوروی لوحۀ ۴۱ سیاه طبع شده است. که ازمتفرعات مکتب هرات بشمار می آید.

-۶۲-

پنج گنج امیرخسرو دهلوی :

مکتب تبریز درحدود ۱۵۴۵ م که سنه ۱۰۱۲ ق=۱۶۰۳ م در آخر آن نوشته شده (؟) و یك صفحهٔ مصور آن (۴، ۱۶×۶، ۲۴ سانتی لوحهٔ ۴۶) درمجموعهٔ منیاتورهای قرن ۱۴ - ۱۷ شوروی چاپ شده که دیدار خسرو و شیرین باشد و خصایص هنر عهد صفویه دارد (هرمیتاج لنین‌گراد ۲۶۷) .

-۶۳-

دیوان مانی بخط حیدر حسینی :

مکتب تبریز (؟) بقلم جلی حیدر ابن‌ابـراهیم الحسینی در ماه رجب۹۶۱ق=۱۵۵۴م از کتب مزارشیخ صفی‌الدین اردبیل(کتابخانهٔ عمومی لنین‌گراد ، دورن ۴۶۷) دو صفحه مجلس شهزاده ازین کتاب در مجموعهٔ منیاتورها طبع شده (۶، ۸×۳، ۱۵ سانتی لوحهٔ ۴۷-۴۸) که شباهتی بکارهای شیراز دارد ، نقاشی‌متن منظر و حواشی کتاب که درختان و پرندگان و حیوانات وحشی است در خور توجه است ، شهزاده با لباس فاخر و چهرهٔ زیبا بر تختی زیر چبوتره مزین در بزم طرب وباده‌پیمائی‌نشسته و نی‌نوازی باترانه‌های خواننده ، نی‌مینوازد. تزئین و ریزه‌کاری هنری وچهره‌کشی‌و البسهٔ این مناظربکارهای خوب مکاتب فرعی هرات میماند .

-۶۴-

گوی و چوگان عارفی بقلم میرعلی هروی

مکتب قزوین در حدود ۱۵۸۵ م . بقلم میرعلی الکاتب‌السلطانی هروی در هرات بخط بسیار عالی و زیبای نستعلیق نیمه خفی (کتابخانهٔ

عامهٔ لنین‌گراد پ ، ن ، س ۱۰۶) ازین نسخهٔ نفیس که غالباً به خامهٔ هنرمندان مکتب هـرات ، رفته بقزوین یا مشهد نقاشی شده و نمونـهٔ خط نستعلیق میرعلی هروی است سه مجلس در منیاتورهای قرن ۱۴– ۱۷ شوروی سیاه طبع شده (۸ ، ۱۱×۴ ، ۲۲ سانتی لوحه ۵۳ ، ۵۴) که در آن بزم شهزاده با دقایق هنری تصویر گردیده و (لوحهٔ ۵۶) شاه‌ودرویش را درمیدان چوگان‌بازی با مهارت نشان داده (۷×۱۳،۶ سانتی)ودرویش با لباس و موی ژولیده گوی دردر دست پیش شهزادهٔ گلروی اسب سوار چوگان بدست ایستاده و میگوید :

کاشم سر و دیده گوی بودی   تا شاه بصولجان ربودی[۱]

-۶۵-

دیوان سهیلی :

کارمکتب هرات(؟) درحدود ۱۵۲۵ م بخط بسیارخوش نستعلیق نیمه جلی که بعضی صفحات مصورهم دارد خط سلطان‌علی(مشهدی؟) (کتابخانهٔ عامه لنین‌گراد ـ دورن ۴۵۲)

تصویری ازین دیـوان مصور در منیاتورهای قـرن ۱۴ ـ ۱۷ شوروی چاپ شده (۶ ، ۱۱×۲ ، ۱۴ سانتی لـوحهٔ ۵۵) کـه این بیت سهیلی :

مکن شرمنده در میدان سربازان سهیلی را
که مدتهاست درمیدان چوگانت سرافگنده

را مصور ساخته و دو سوار جوان مهروی زیبای چوگان باز را در

۱ـ عین همین تصویر در هنرهای زیبای عرب و ایران (شکل ۱۷۸) هم سیاه طبع شده است .

میدان چوگان‌بازی با اسپان قوی‌هیکل تازان نشان میدهد ، و بـر بالای کوهی که میدان در دامنهٔ آن واقع است شاعر با معشوقهٔ گلروی زیبای خود به مغازله پرداخته و بحرکات چوگان‌بازان نگرانست . خصایص چهره کشی و پرداز وتوازن ورنگ آمیزی این تصویر آمیخته بخصایص هنری خراسان وایرانست ،شاید مربوط بمکتب هرات یا مشهد باشد .

-۶۶-

کار رضا عباسی در هرات :

در نصف اول قرن ۱۷ با عروج دولت صفویهٔ ایران و پایتخت شدن اصفهان بقایای مکتب هرات از مشهد وقزوین وشیراز دراصفهان فراهم‌گشته ودرانجا مکتبی که جامع اکثرمزایای مکاتب هنری خراسان و ایران بود بوجودآمد .

ستارهٔ درخشنده این مکتب هنر رضا عباسی است که یقیناً سنن هنری سابقه را زنده نگهداشته و با نبوغ خود آنرا ارزش‌های فراوان بخشید .

بعـد از سال ۱۰۰۰ هجـری ۱۵۹۱ م با ظهور رضا عباسی و هنرمندان دیگر مـانند محمد یـوسف مصور (۱۰۶۸ ق) شفیع عباسی (۱۰۴۴ ق) صادقی بیگ‌افشار (۱۰۰۲ ق) علی‌قلی بیگ جبادار ومعین مصور(۱۰۹۵ ق) محمد سلطانی (۱۱۰۹ ق) مکتب اصفهان در تزلزل و سقوط صفویان و غلبهٔ ملوك طوائف در ایران ناپدید گردید .

کارهای رضا عباسی دارای محاسن رنگ‌آمیزی روشن و جالب گرم و تـوازن و زیبائی‌منظر و چهـره کشی دلکش زنان و جـوانان و نقاشیهای نظر بـای رنگین و سیاه‌قلم و غیره است که باین مبحث مـا

تعلقی ندارد . ولی در البم کتابخانهٔ عامه لنین گراد (دورن ۴۸۹) تصویر دلچسپی بامضای رضا موجود است (۴ ، ۷×۴ ، ۱۰ سانتی لوحهٔ ۶۵-۴ منیاتورهای شوروی) که دختروجوان زیبائی‌را ایستاده درحالت معانقه و معاشقه نشان میدهد و از نظر خصایص هنری و تصویر حالت روحی این دو دلدادهٔ بهم رسیده نهایت ارجمند است و زیر آن بخط نستعلیق آمیخته بشکست خفی نوشته شده : «در دارالسلطنه هراة ساخته شد راقمه رضا» . این کاررضا عباسی را که بعد از سال هزارم هجری بعمل آمده خاتمهٔ اشعهٔ هنر در آسمان هرات توان گفت[1] .

-۶۷-

مشق اظهر

یك قطعه بقلم متوسط با رقم «مشقهُ اظهر» در کتابخانهٔ عمومی لنین گراد .

-۶۸-

دیوان جامی بخط پیرعلی

کتابخانهٔ فردوسی‌دوشنبه تاجیکستان شوروی. بقلم کتابت خوش با رقم «کتبه العبدالفقیرالحقیر پیرعلی بن عبدالرحمن الجامی ... فی اواخر رجب سنه ۹۳۳ ق ۱۵۲۶ م» (خ ۱۰۲/۱)

-۶۹-

خسرو و شیرین نظامی بخط جعفر :

در کتابخانهٔ مؤسسهٔ زبانهای شرقی لنین گراد ، کتابت ۸۲۴ ق

۱- در کتاب هنرهای زیبای عرب و ایران این لوحه سیاه طبع شده شکل ۱۸۸ .

۱۴۲۱ م دارای امضای : المفتقرالی رحمةالله الغنی الاکبرابن علی ، جعفر البایسنغری . (خ ۱/۱۲۰) .

-۷۰-

یك مثنوی شیخ عطار ، بخط دوست‌محمد :

در کتابخانهٔ عمومی لنین‌گراد به نستعلیق خوش با رقم دوست‌محمد الکاتب‌الشاهی در ۹۴۷ ق ۱۵۴۰ م . (خ ۱۹۱)

-۷۱-

زبدةالحقائق عین‌القضاة همدانی بخط سلطان علی قاینی :

درکتابخانهٔ عمومی لنین‌گراد ، بقلم نستعلیق جلی‌خوش باامضای سلطان‌علی یعقوبی (قاینی متوفا ۹۱۴ ق ۱۵۰۸ م) .

این نسخه از کتابهای موقوفهٔ مزار شیخ صفی اردبیل بوده و در سنه ۸۸۴ق ۱۴۷۹ م کتابت شده است . (خ ۲۳۸)

-۷۲-

دیوان غزلیات شاهی بخط سلطان‌علی مشهدی :

در کتابخانهٔ عامه لنین‌گراد . بقلم نستعلیق خوش سلطان علی‌المشهدی (خ ۲۵۹)

-۷۳-

ترجمهٔ منظوم چهل حدیث بخط سلطان‌علی مشهدی :

در کتابخانهٔ عامهٔ لنین‌گراد . با رقم سلطان علی‌مشهدی بتاریخ ۹۰۳ ق ۱۴۹۷ م در هرات . (خ ۲۵۹)

۷۵-۷۴

۷۴- دیوان نوائی (ترکی) در همین کتابخانه ، بخط سلطان علی‌مشهدی

بتاریخ ۸۷۰ ق ۱۴۶۵ م .

۷۵ - همین کتاب در همین کتابخانه بخط و رقم سلطان محمد خندان هروی در سنه ۹۳۵ ق ۱۵۲۸ م . (خ ۲۷۰)

-۷۶-

دیوان سهیلی بخط سلطان محمد نور :

در کتابخانهٔ فردوسی دوشنبه تاجیکستان ، بقلم خوش با رقم : سلطان محمد نور (خ ۲۷۶)

-۷۷-

خسرو و شیرین نظامی بخط سلطان محمد نور :

در کتابخانه عامهٔ لنین‌گراد . به نستعلیق خوش با رقم : سلطان‌ـ محمد نور، درسنه ۹۳۷ ق (۱۵۳۰ م) بمدینة هراة . (خ ۲۷۷)

-۷۸-

قطعهٔ خط سلطان محمد نور هروی :

در کتابخانهٔ عامه لنین‌گراد بکتابت خوش‌ورقم‌وی دردارالسلطنه بخارا . (خ ۲۷۹)

-۷۹-

گلشن راز بخط عبدالرحیم خوارزمی :

در کتابخانهٔ فردوسی‌دوشنبه تاجیکستان، بقلم نستعلیق جلی‌خوش عبدالرحیم خوارزمی که در ترنجی پشت صفحهٔ اول بقلم رقاع عالی بزر نوشته :

«برسم‌خزانةالکتب السلطان‌الاعظم‌الاکرم... یعقوب‌بهادرخان... بکتابة العبد انیسی السلطانی» (خ ۳۸۸ رك: ایران ، ترکیه)

-۸۰-

قطعه خط عبدالکریم خوارزمی بن عبدالرحمن خوارزمی :

در کتابخانهٔ عـامه لنین گراد ، به نستعلیق متوسط با رقم «عبد-الکریم الخوارزمی در ده‌سالگی نوشته شد.» (خ ۴۱۱)

-۸۱-

خط محمد ابریشمی مشهدی (رك : ایران)

یك قطعه در کتابخانهٔ عامهٔ لنین گراد .

-۸۲-

خمسهٔ نظامی بخط محمد قوام کاتب شیرازی مشهور به حمامی :

در کتابخانهٔ مدرسهٔ السنهٔ شرقیه لنین گراد، مورخ ۹۵۰ق ۱۵۴۳م.

در کتاب هنـرهای زیبای عـرب و ایران دو صفحه سیاه (شکل ۱۶۲ - ۱۶۳) و یك صفحهٔ رنگین (شکل ۱۶۴) طبع شده که خط آن نستعلیق مدور خفی خوش و دلکش است . چهره کشی این منیاتورها کاملا ایرانی و تزئینات آن هم جالب وعالیست و مخصوصاً مصور در کشیدن شکل زنان ماهروی و ابروان و چشم زیبا مهارت نشان داده و در تصویر طبیعت ومناظر بزمی نهایت موفق است وآنرا ازشهکارهای مدرسهٔ هنری شیراز دنبالهٔ مکتب هرات توان شمرد .

-۸۳-

خط میر معزالدین حسینی کاشانی :

یك قطعه بشیوهٔ میرعلی‌هروی مورخ ۹۷۱ ق۱۵۶۳ م در کتابخانهٔ عامه لنین گراد . (خ ۸۲۳ رك : ایران ، ترکیه)

-۸۴-

ظفرنامه بخط مرشدالکاتب‌الشیرازی :

درکتابخانهٔ عامه لنین‌گراد، مورخ ۹۵۳ ق ۱۵۴۵ م (رك: ایران، انگلستان ، امریکا)

-۸۵-

گلستان بخط میرك تاشکندی :

درکتابخانهٔ خاورشناسی لنین‌گراد با رقم : «بابا میرك تاشکندی در سنهٔ ۹۵۷ ق» (۱۵۴۹ م) (خ ۹۳۳)

-۸۷-۸۶-

مخطوطات مالك دیلمی :

۸۶- رسالهٔ حسن‌ودل فتاحی نشابوری بخط مالك‌دیلمی‌در ۹۵۴ ق ۱۵۴۶ م .

۸۷- یك قطعه نستعلیق خوش جلی‌وخفی‌اومورخ شوال ۹۶۹ق ۱۵۶۱ م که رقم «نمقه العبدالفقیر مالك‌الدیلمی» دارد .

(هردو در کتابخانهٔ عامهٔ لنین‌گراد)

-۹۰-۸۸-

مخطوطات شاه محمود نشابوری :

۸۸- هفت اورنگ‌جامی بکتابت عالی‌درشعبان ۹۵۶ ق ۱۵۴۸ م که جزو کتب موقوفهٔ مزار شیخ صفی‌الدین اردبیل بود و اکنون در کتابخانهٔ عامه لنین‌گراد است .

۸۹- منتخب اشعار متفرقه و اشعار خود شاه محمود بقلم خفی خوش در ۹۵۸ ق ۱۵۵۰ م در همین کتابخانه .

۹۰- یك قطعه نستعلیق خوش برقم «العبد شاه محمود نشابوری در سنهٔ ۹۶۵ ق ۱۵۵۷ م در همین کتابخانه. (خ ۳۰۶)

-۹۱-

دیوان علی شیر نوائی (ترکی)

مخطوطه B ۲۴۷۱ مؤسسهٔ مردم آسیا در اکادیمی‌علوم شوروی لنین‌گراد، که در ۴۹۲ صفحه بخط نستعلیق متوسط نوشته شده‌وصفحات آن جداول رنگین مذهب هم دارد و مشتمل است بر:

۱- مقدمه ص ۶ - ۳۱ منثور و منظوم ترکی.

۲- غزلیات ص ۳۲ - ۳۹۱.

۳- مستزاد و مخمس و مسدس و ترجیع‌بند و مثنوی و مقطعات ص ۳۹۲ - ۴۳۹.

۴- رباعیات ص ۴۴۰ - ۴۷۱.

۵- لغز ومعما ص ۴۷۲-۴۸۴.

۶- تویوغ و مفردات ۴۸۴-۴۹۱ (تویوغ = تویوق = توشوق نوعی از منظومات ترکی) این نسخه که در سنه ۱۹۶۴ م از طرف اکادیمی علوم شوروی درمسکو با چاپ عکسی و یك مقدمهٔ روسی ۴۱ صفحه نشر شده نام کاتب و تاریخ کتابت ندارد، ولی از روی الواح منقش و مرصع و تذهیب و منیاتور و تصویر حکم توان کرد، که کار مدرسهٔ هراتست، درهمان آغاز قرن دهم هجری.

بورق اول ب و ۲ الف در بین نقاشی رنگین دقیق گل‌کاری‌و تشعیر بخط رقاع سپیداب نوشته‌اند:

«الدیـوان البدیع‌البلیغ الفصیح‌الملیح من کلام افصح‌الفصحا-

واملح الشعرا امیرعلی‌شیر المتخلص بنوائی علیه‌الرحمة . . .»

وازین برمی آید این نسخه بعد ازوفات امیرعلی‌شیر ۱۲ جمادی‌-الاخری ۹۰۶ ق (۳ جنوری ۱۵۰۱ م) نوشته شده باشد .

یازده قطعه سرلوحه‌های کلان و کوچك و چهار صفحه منیاتور مصور این نسخه کار مکتب هراتست که متأسفانه درنسخه مطبوع سیاه چاپ شده و بسیار روشن و درخور درك و تحلیل نیست .

-۹۲-

شاهنامه کتابخانه عامه لنین‌گراد :

درفهرست دورن شماره ۳۳۲دارد، منیاتورهای آن مربوط‌مکتب شیراز است که کار حدود ۱۴۴۰ م ۸۴۴ ق تخمین شده میتوانند ، و کتابت آن به‌نستعلیق خوش خفی ۸۴۸ ق ۱۴۴۴ م است که (۱۷) صفحه مصور منیاتوردارد، که از آنجمله‌تصویرکفش‌گرشیرسواردرکتاب‌هنرهای زیبای عرب وایران چاپ شده است (شکل ۱۰۵) و چهره کشی والبسه و خصائص آن ایرانیست . و آنچه فردوسی در بیتی وضع کفش‌گر مست را شرح کرده ، عین آن بخامهٔ هنرمند مصور گردیده است :

ازان می سرکفشگر مست بود بدریا درانگشت او شست بود

این کفشگرمست با دست راست از پس پشت ،گوش شیرژیان را آنقدرتاب وفشارداده‌که اثر زور دست اودرچهرهٔ شیرنیز نمایانست، واین وضع موجب حیرت‌وتعجب شیردارو بیننده‌گان دیگرگشته است.

-۹۳-

شاهنامهٔ شعبهٔ شرق‌شناسی لنین‌گراد :

در سنه ۸۴۹ ق ۱۴۴۵ م نوشته شده و منیاتورهای آن شبیه

مکتب شیراز معاصر هنر هراتست . و یکی از مناظر رنگین آن که در هنرهای زیبای عرب وایران (شکل ۱۰۷) طبع شده ، شه‌سوار جوان تاجداریست که لباس شاهانهٔ فاخردارد و براسپ‌تازی سیاه دونده‌سوار و با تیروکمان حمله‌ورمی‌شود . چستی‌وچالاکی و دلاوری در حرکات این جوان تازنده نمایان است . رنگ‌آمیزی تمام منظرمتناسب وجالب است . خط نستعلیق خفی این نسخه متوسط و از خطوط بسیار عالی نیست . منظر دیگر رودابه دختر زیبائی است که از بالای قصر گیسوی تابدار خود را فروهشته و زال آن راگرفته و به مدد آن بالا می‌رود ، و مردی دیگر در سبزه‌زار روبروی قصرانگشت‌تعجب به دهان‌گرفته و نگران این منظر بدیع عاشقانه است .

چهره کشی ایرانی و البسه و تزئینات قصر نهایت جالبست و این مایهٔ هنر را از سوابق مکتب هرات توان شمرد .

-۹۴-

دیوان نوائی کار مکتب هرات

کتابخانهٔ عامه لنین‌گراد شوروی . به نستعلیق نیمه خفی عالی که در حدود ۱۵۳۰ م ۹۳۷ق نوشته و پیراسته شده و از آثار مربوط به اواخر مکتب هرات و عروج مکتب صفویست .

این دیوان در آغاز دو صفحه تمام منیاتور و نقاشی عالی شبیه شاهنامه بایسنغری مکتب هرات دارد ، که ریزه کاری‌های هنری ورنگ‌آمیزی اصیل معدنی وچهره کشی‌وظرافت‌مصوری آن درخوردیدن است. هردوصفحه حاشیه نقاشی دقیق دارای ترنج‌های لاجوردین با خطوط هندسی رنگین وگل کاری سبز وسرخ وآسمانگون برزمینه طلائی‌دارد، درقسمت بالاآسمان خیره با رنگ طبیعی‌آن وزیرآن‌کوه بچه نیلگون

است که در دامنهٔ آن شهسواران تازندهٔ دلیر به شکار شیر و ببرو پلنگ و آهو با شمشیر و خنجر و تیر و کمند می‌تازند .

البسهٔ فاخر رنگین و شکل اسپان تازی با زین و یراق فاخر آن وتفکیك رنگهای حیوانات شکاری برزمینهٔ خاکی وهمچنین پرش طیور درفضای نیلگون وچهره کشی خراسانی اشخاص باکلاههای دراز کشیده سرخ و سیاه جالبست .

در صفحهٔ مقابل بزمیست عالی و پرنشاط در داخل قصر که در صدر آن شهزاده جوانی به باده‌پیمائی نشسته و اهل دربار او هم بخورد و نوش و سماع اخذ باده وکباب ازدست ساقیان مه‌جبین پرداخته‌اند. تزئینات قصر نهایت ظریف و عالی‌است وریزه‌کاریهای ملون گوناگون را دران بکار برده‌اند . در بین بزم حوضی است کوچك مسدس که دران فوارهٔ و مرغابی و ماهی بنظر می‌آید . و این هر دو صفحه که مربوط به متن کتاب نیست و مطابق سنت کتابسازی مکتب هرات ، آنرا با اعتنای کامل هنری پیراسته‌اند از شهکارهای منیاتورتوان شمرد .

يك صفحهٔ دیگر این میراث نفیس هنری صحنهٔ شکار پرندگان و ماهیان بوسیلهٔ بازان دست‌آموز است، که بقایای هنرهرات را درعروج هنر صفویان نشان میدهد ، و دارای خصائص اواخر مکتب هراتست .

-۹۵-

شاهنامه سبك هنری شیراز

مخطوطهٔ موزهٔ هنرهای خلقی شرق در مسکو (اتحاد شوروی) که مطابق موازین سبك هنری شیراز (دنبالهٔ مکتب هرات) در قرن

۱۶ م = ۱۰ هجری نوشته و پیراسته شده است .

ازین شاهنامه یك قطعه منیاتور نیم صفحه‌ئی در کتاب هنرهای زیبای عرب و ایران (شکل ۱۶۱) چاپ رنگین ، باصل الوان گوناگون شده و در دامنهٔ کوه اسفنجی اسفندیار شیری را می کشد وسپاهیان وی از بالای کوه با خودهای زره‌پوش و نیزه‌های بلند ناظر این دلاوری اسفندیارند .

اسفندیار برگردونی سوار بود که دو اسپ سیاه و سپید آنـرا می کشید ، شیری ژیان بروحمله آورد و اسپ سپید را مجروح ساخته بر بالای گردون او آمد، اسفندیار با جلادت تام ودلاوری خود را نباخت و با شمشیر تیز و سپر او را مغلوب ساخت وبا یك ضربت شمشیردهان شیر را پاره نمود .

اسفندیارخود آهنین جیغه‌دارو کرتی چست سرخ تا زانو پوشیده که زره او تـا ساق پای میرسد . کفشی سیاه بپای دارد ، و تیردان او بر پشت و کماندانش بکمر آویزانست ، شمشیرش رنگ سیاه وسپر رنگ پسته‌یی دارد .

یراق و محمول اسپان نهایت نفیس و عالیست ، شیررنگ سپید وخالهای زرد دارد، که دهانش به ضربهٔ شمشیراسفندیار خون آلودشده، و از بالای سرشیر،مرغی‌عظیم افسانوی (سیمرغ) با بالهای عظیم سرخ و سبز و نیلگون و نوکی چون پیکان حمله آورده و چشم شیر را کور می‌سازد .

چهره کشی این منظر ایرانی و الوان آن روشن واصیل معدنیست و میتوان آنرا نمونهٔ خوب ادامهٔ مکتب هرات در سبك شیراز شمرد .

-۹۶-

شاهنامهٔ سبك شیراز

از مخطوطات کتابخانهٔ عامهٔ لنین‌گراد اتحاد شوروی ، که بـه سبك هنری شیراز دنبالهٔ هنرهرات درسنه ۱۵۸۵ م ۹۹۳ ق بخط بسیار خوب نستعلیق خفی نوشته و پیراسته شده و از جملهٔ صفحات منیاتور آن که در کتاب هنرهای زیبای عرب و ایران (شکل ۱۷۱) سیاه طبع شده ، منظر حمام و بخشیدن سلسلهٔ سلطان محمود از طرف فردوسی‌به فقاعی‌حمام است . که تزئینات بنای‌آن خیلی‌عالی‌و مخصوصاً‌گل‌کاری ظریف و لطیف دیوار داخلی حمام جالب است . چهره‌کشی اشخاص ایـن منظر در داخل حمام و خارج آن ایـرانیست ، تصویر اشخاص عریان و آب‌تنی آنهـا در حمام دیدنیست ، در بیرون حمام شهسواری از اسپ پائین آمده‌که‌گویا صلهٔ سلطنتی را به فردوسی آورده باشد .

در مدخل داخلی حمام فقاع‌فروش برسکوئی‌نشسته‌که فردوسی صندوق کوچکی باو در بهای جامی از آب جو میدهد .

خصوصیات این منظر و دقایق هنری آن از تناسب رنگ‌آمیزی وچهره‌کشی‌وروشنی‌تمام مرائی و تصویر حرکات شست‌وشو کننده‌گان داخل حمام با اعمال حجام ومالش‌کننده‌گان‌وآب دهان وغیره درخور دیدن و ستودن است ،که باید آنرا ازکارهای دقیق مکتب هنری شیراز در دنبالهٔ مکتب هرات شمرد .

-۹۷-

بوستان سعدی کار مکتب شیراز

از مخطوطات نفیس کتابخانهٔ عامه لنین‌گراد (دورن ۳۶۲) کـه

در حدود ۱۵۷۰م ۹۷۸ ق بخط بسیار خوش و عالی نستعلیق نیمه جلی نوشته شده و با اهتمام فراوان مطابق سنن مکتب شیراز دنبالهٔ هنرهرات ۱۲ مجلس نقاشی عالی دارد .

یك صفحهٔ مصورزیبای این نسخهٔ نفیس در کتاب هنرهای زیبای عرب و ایران (شکل ۱۷۲) برنگهای اصلی بسیار زیبا طبع گردیده که منظرداخلی قصرزلیخاست که دران حضرت یوسف را بهمعاشقهمیخواند، و برای ترضیه برپای او افتاده است .

منظر داخلی قصر آنقدر پرشکوه و نقش و نگار ظـریف است که از بهترین تصاویر تزئین داخلی کاخهای شاهی شمرده می‌شود ، و بردیوارهای آن تصاویر رنگین متعدد معاشقه‌های زن و مرد در حالت ایستاده و نشسته و خفته موجود است .

برای جلب نظر بیننده رنگهای گـرم بکار رفته و در چهره کشی زیبای تمام اشخاص و خود یوسف و زلیخا هنرنمائی کامل مصور بکار رفته و یك گروه کنیزکان و غلامان خارج قصر نیز خیلی زیبا و دلکش تصویر شده‌اند .

در وسط این کاخ عظیم مزین و فاخر زلیخا بپای یوسف که هالهٔ مقدس بالای سر او فروزانست افتاده و در حرکاتش ظاهر است که از قبول خواهش شهوی زلیخا انکاردارد ، و برعفت خود می‌لرزد ، وازو دوری میجوید .

این منظر بدیع و رنگین زیبا را از شهکارهای بقایای هنر هرات در ایران توان شمرد.

-۹۸-

شاهنامه کار قدیم شیراز

کتابخانهٔ عامه لنین‌گراد ، که در سنه ۱۳۳۳ م ۷۳۴ ق به خط نسخ خفی نوشته و پیراسته‌شده و از سوابق هنر هرات است .

از یك منیاتور کوچك رنگین این نسخه که در کتاب هنرهای زیبای عرب و ایران (شکل ۹۸) طبع‌شده برمی‌آید، که چهره کشی آن کاملا ایرانی بوده و مصوری در و دیوار و تزئینات کاخها کاملا هندسی نبوده است .

درین منیاتور دو پرستار جوان زیبای مؤنث با سرو موی برهنه (مانند دختران امروزه) بنظر می‌آیند و تزئینات البسه نیز عادی است که هنر دقیق و لطیف نیست .

-۹۹-

خمسهٔ امیرخسرو دهلوی

مؤسسهٔ مطالعات شرقی اکادیمی علوم تاشکند اوزبکستان شوروی . این مخطوطه مصور به مکتب هنری شیراز قرن ۱۴ م=۸ ق تعلق دارد ، و از سوابق مدرسهٔ هراتست.

-۱۰۰-

خمسهٔ نظامی :

در مؤسسهٔ اکادیمی علوم شوروی شهر (.....؟) که غالباً به هنر مکتب بخارا ربط دارد .

افغانستان

شمارهٔ خاص این مملکت-۱-(۱۰۱) شمارهٔ عمومی

دیوان حافظ

حواشی ابری ملون. بقلم محمدمحسن خطاط هروی خط نستعلیق خفی بسیار خوب . دارای الواح و نقاشی و تذهیب و تشعیر کار هرات حدود ۹۱۰ ق ۱۵۰۵ م (۲۵×۱۹ سانتی) این دیوان بامر ابوالفتح فریدون میرزا حسین بهادر بن سلطان حسین میرزا[۱] بایقرا ترتیب یافته و در مقدمهٔ آن نوشته‌اند که انجمنی از فضلا که در محضر این شهزاده هرات برای شعرخوانی بزم می‌آراستند و منشی آن خواجه عبدالله مروارید خطاط و منشی آن عصر بود از طرف این شهزاده گماشته شدند تا از روی نسخه‌های خطی متعدد که کاتبان همواره آنرا غلط نوشته‌اند یك نسخهٔ صحیح فراهم آوردند .

۱- وی از بطن بی‌بی آغا چه مهد منگلی ترك و فرزند سلطان حسین بایقراست که در سنه ۹۱۵ ق ۱۵۰۹ م در کلات بدست ازبکان مقتول گردید (حبیب‌السیر ۳/۳۲۱ و ۳۹۴)

خواجه عبدالله مروارید در شرفنامهٔ خود مینویسد که :

«درسنه ۹۰۷ ق (۱۵۰۲ م) همین شهزاده با جمع کثیر ازفضلای جلیس خود به تصحیح و ترتیب این دیوان پرداخت» .

برای این دیـوان مقدمه‌یی نوشته شده کـه در دو نسخهٔ خطی کتابخانه کابل موجود است و هم در شرفنامهٔ خواجه عبدالله مروارید عین همین مقدمه‌آمده و معلوم است که این مقدمه را همین منشی‌عبدالله مروارید نوشته ودرآغاز دودیوانیکه بامر فریدون میرزا نوشته ومصور کرده‌اندالحاق‌گردیده وهم در شرفنامهٔ عبدالله مروارید نقل شده است.

نسخهٔ خطی نوشته بقلم محمدمحسن در آغـاز دو لوحهٔ زیبای متناظر داشت که از بین رفته ولی یك تصویر فـریدون میرزا که جوان زیبای خوشروی با کلاه (غالباً آهنین شکاری) و قبای نیمه آستین تا زانواست ،هم درین نسخه دیده می‌شود که با حاشیهٔ مزین گلدار بعرض یك سانتی‌متر بین جداول رنگین و مذهب تزئین گردیده است .

این نسخه تاریخ تحریر نداردومهرهای کتابخانهٔ امیرعبدالرحمن خان و امیرحبیب‌الله‌خان بران دیده می‌شود ، و برخی غزلیات منسوب به حافظ راکه درین دیوان‌نبود، درسنه۱۳۲۷ق ۱۹۰۹م بخط نستعلیق میرزا محمدجعفر قندهاری نوشته و برحواشی آن چسبانده‌اند و وقایهٔ آن مقوای لاکی گل‌کاری زرکوبست .

ـ۲ـ (۱۰۲)

تحفةالاحرار جامی :

عدد ۲۴۵۹/۱۴ کتابخانهٔ ارگ کابـل ، ۲۰×۱۲ س ۵۰ ورق ۱۴ سطری . به نستعلیق تاریخ محرم ۸۹۹ ق ۱۴۹۳ با سرلوحهٔ زریـن

آسمانگون و سرخ گرم ، متن سه ستونی ، صفحات اول آن مذهب و گل‌کاری آسمانی‌رنگ ، با جداول شنگرف وسرورق مزین و عنوان کلائی ، وقایه چرمی خاکی که برخی از صفحات حواشی هم دارد (مربوط مکتب هرات)

-۳-(۱۰۳)

حدیقه سنائی بخط میرعلی (منتخب) :

۱۹۷۶/۳۶ کتابخانه ارگ کابل ۰ ۵ ، ۲۵ × ۱۶ س ۲۱ ورق ۱۴ سطری به نستعلیق زیبای میرعلی حسینی‌الکاتب با سرلوحهٔ نفیس مزین طلاکار و عناوین باالوان مختلف ، و حواشی منقش گل‌کاری طلا و آسمانی بدون تاریخ تحریر که یك مهر ۱۱۲۴ ق (۱۷۱۱ م) و یك نوشته ۱۱۲۹ ق (۱۷۱۵ م) دارد ، وقایهٔ آن چرمی خاکی قرمز نفیس روغنی است (مربوط مکتب بخارا ادامهٔ هنر هرات)

-۴-(۱۰۴)

خاتم‌نامهٔ حسین واعظ کاشفی تألیف ۹۱۰ ق (۱۵۰۴ م) :

ارگ کابل ۲۵۹۱/۳۸ . ۲۵ × ۱۴ س ۴۳ ورق ۱۱ سطری به نستعلیق زیبای تحریر ۹۹۱ ق (۱۵۸۲ م) برای کمال‌الدین طهماسپ قلی‌بیگ . دارای سرلوحهٔ مزین و مطلا با الوان سیاه و نیلگون وقرمز گل‌کاری و جداول ملون و حواشی منقش گلدار (ادامه مکتب هرات)

-۵-(۱۰۵)

بهارستان جامی بخط علی‌رضا کاتب :

ارگ کابل ۱۹۳۳/۴۴ . ۲۴ × ۱۴ س ۹۶ ورق ۱۲ سطری به نستعلیق عالی خوش‌رقم «علی‌رضا الکاتب» در سنه ۹۸۳ ق (۱۵۷۵ م)

کاغذ خان بالغ جلد چرمی عنابی دوصفحه اول مرصع ومذهب مجدول بطلا حاشیه تشعیر شده که در بین سطور هم منقوش است .

ـ۶ـ(۱۰۶)

دیوان جامی بخط میرعلی هروی ؟

ارگ کابل ۱۹۳۳/۴۵ . ۳۰ × ۲۰ س ۱۱۷ ورق ۱۹ سطری بـه نستعلیق خوش بدون نام کاتب و تاریخ تحریر .

تمام صفحات و بین‌السطور و حواشی آن مزین و تحریر شده به الوان مطلا و دلکش است بر ورق ۳۶ الف منیاتور زیبا و بر ۳۶ ب سر لوحه زرین وملون به مشکی و نیلگون وقرمز دارای گل‌کاری نفیس دارد ، کـه خط آنرا از میرعلی هـروی و تزئینات و نقاشی آنرا از کمال‌الدین بهزاد تشخیص کرده‌اند و وقایهٔ آن چرمی نسواری کارهراتست .

ـ۷ـ(۱۰۷)

دیوان جامی بخط محمدحسین :

ارگ کابل ۲۲۹۱/۴۶ . ۲۴ × ۱۷ س ۳۱۱ ورق ۱۷ سطری بدون ذکر تاریخ بقلم نستعلیق خوب محمدحسین بن خواجه سیف‌الدین علی که اوراق ا ، ب آن نقاشی جاذب نیلگون مطلای گل‌کاری وتمام نسخه جداول طلائی سیاه و آسمانی رنگ و سرورق مطلا و نقاشی بین سطور دارد . بموجب یك نوشته ورق اول این کتابرا شهاب‌الدین احمدخان در محرم ۹۷۶ ق ۱۵۶۸ م به خواجه محمد یحیی در احمدآباد سپرده بود و مواهیر سنه ۱۰۴۲ و ۱۰۵۹ و ۱۰۶۳ ق دارد ، ووقایهٔ آن دارای نقوش و ضربه‌های سرخ و سیاه و طلائی رنگین است .

-۸-(۱۰۸)

دیوان حافظ بخط سلطانعلی مشهدی :

ارگ کابل ۲۲۷۰/۴۸ ۰ ۵ ، ۲۰×۱۳ س ۱۳۴ ورق ۱۴ سطری به نستعلیق خـوش و عـالی ۲۰ ربیع الثانی ۸۹۶ ق ۱۴۹۰ م بعمر ۵۵ سالگی که در هرات برای امیر شمس الدین محمد کوکلتاش نوشته و نقاشی و تزئین و تذهیب گردیده ، جداول و حواشی مطلا و تشعیرشده منقوش نظرربائی دارد ، و وقایهٔ زیبای نفیس چرمی آنرا حسین صحاف در مشهد در سنه ۱۲۴۵ ق ۱۸۲۹ م ساخته است .

-۹-(۱۰۹)

دیوان حافظ بخط حاجی محمد هروی :

ارگ کابل ۲۵۲۹/۴۹ ۰ ۲۱×۱۴ س ۲۰۰ ورق ۱۱ سطری . به نستعلیق خوش بی تاریخ حاجی محمد هـروی نوشته شده که نقاشی و تزئینات و جداول رنگین و مطلا و عناوین منقش و تذهیبات اوراق آن نهایت دلکش است ووقایه چرم آهو دارد . (مربوط مکتب هنرهرات)

-۱۰-(۱۱۰)

دیوان شاه قاسم انوار ۸۳۷ ق

ارگ کابل ۲۰۱۳/۵۱ ۰ ۵ ، ۲۶×۱۷ س ۱۴۰ ورق ۱۲ سطری نستعلیق خوش که نام کاتب وتاریخ ندارد .

بروی ورق اول ب سرلوحهٔ بسیار زیبای آسمانگون گرم با کار طلا و شنگرف وگل کاری سیاه دارد ، که عنوان آن هم در بین گل وتذهیب پیچیده وجداول آن زرین ونسواری سیاه و آسمانی است، ودر بین السطور نقوش دندان موش طلائی و حواشی تشعیرشدهٔ مزین به گل و برگ و وقایهٔ چرم آهو دارد و هنر آن شبیه مکتب هرات است .

-۱۱-(۱۱۱)

دیوان مشفقی :

ارگ کابل ۵۲۸۶/۵۵ . ۲۳×۱۵ س ۱۰۴ ورق ۱۴ سطری به نستعلیق خوش که نام کاتب و تاریخ آن نوشته نشده . سرلوحه وجداول آن زرین و آسمانیست . وازیك نوشته مورخ ۹۹۶ق ۱۵۸۷م آن برمی آید، که پیش ازین سال در اواخر عروج مکتب هرات نوشته شده باشد . وقایهٔ آن چرمی سیاه است .

-۱۲-(۱۱۲)

سکندر نامهٔ نظامی

ارگ کابل ۴۵۶۶/۶۷ . ۲۷×۱۷ س ۸۰ ورق ۲۲ سطری ۴ ستون . به نستعلیق بسیار عالی بدون ذکر نام وتاریخ . سرلوحهٔ زرین گلدار آسمانگون . و جداول سبز و قرمز مطلا و عنابی ، که عناوین آن همه منقش و مرصع است . اوراق ۳۰ و ۶۶ منیاتوری داشت که آنرا گل و تراش کرده‌اند . این نسخه از طرف احمدقلی خان رئیس گمرك هرات در سنه ۱۳۳۲ ش اهداء شده است .

-۱۳-(۱۱۳)

قران‌السعدین امیرخسرو دهلوی بخط سلطان محمد نور :

ارگ کابل ۴۶۵۲/۹۱ . ۲۲،۵×۱۴،۵ س ۱۰۸ ورق ۱۲ سطری به نستعلیق عالی سلطان محمد نورهروی درسنه ۹۸۲ق ۱۵۷۴م . سرلوحهٔ مطلای نیلی و سبز و جداول طلا و مشکی و قرمز و عناوین طلای ناب و حواشی تشعیرشده ملون گوناگون . وقایهٔ چرمی نسواری ضربی (ادامهٔ مکتب هرات)

-۱۴-(۱۱۴)

دیوان مولانا نظام استرآبادی زنده در حدود ۹۲۵ ق بخط علی حسینی :

ارگ کابل ۲۴۹۵/۹۳ . ۵ ، ۲۳ × ۵ ، ۱۵ س ۱۰۳ ورق ۱۸ سطری به نستعلیق زیبای علی بن لطف‌الله معاذ حسینی در سنه ۹۷۴ ق ۱۵۶۶ م .

دارای سرلوحهٔ منقش مرصع وجداول نیلی‌مطلا و وقایه چرمی سیاه‌کوب (ادامهٔ هنر هرات)

-۱۵-(۱۱۵)

قصیدهٔ برده بوصیری با ترجمه فارسی :

ارگ کابل ۴۹۱۱/۹۵ . ۵ ، ۱۸ × ۱۲ س ۴۱ ورق ۶ سطری که متن عربی نسخی عالی و ترجمهٔ فارسی آن به نستعلیق خوش است ، ولی رقم کاتب و تاریخ ندارد ، و از تشابه خط توان گفت که خط سلطان‌علی مشهدی است .

تزئینات سرلوحه ، طلا و گل‌کاری نیلگون و جداول آن هم آسمانی و شنگرف مطلاست ، که بکار هرات شباهت دارد .

-۱۶-(۱۱۶)

گوی و چوگان عارفی بخط علی یزدی :

ارگ‌کابل ۱۶۰/۱۰۶ . ۵، ۳۰ × ۵ ، ۲۰ س ۲۸ ورق ۱۰ سطری به نستعلیق زیبای شرف‌الدین علی یزدی بدون تاریخ (؟)

سرلوحه و خاتمه کتاب منقوش و مرصع و جداول آن گلدار و عناوین نگارین و حواشی با تشعیر و تذهیب دارای شاخ و برگ‌است و برخی منیاتورهای‌آنرا تراشیده وحك‌نموده‌اند. بر ورق ۱۳ب و ۱۶ب

و۲۴ الف نیز منیاتور دارد و در سال ۱۳۲۹ ش آنرا به کتابخانه اهدا کرده‌اند که وقایه چرمی بلوطی رنگ دارد (مربوط مکتب هرات)

-۱۷-(۱۱۷)

گوی و چوگان عارفی بخط عماد حسینی :

ارگ کابل ۲۶۳۴/۱۰۷ . ۲۲×۵ ، ۱۴س ۲۲ ورق ۱۲ سطری به نستعلیق بسیار خوش و زیبای عمادالحسنی القزوینی بدون تاریخ .

تزئینات عالی وسرلوحه وجداول زرین مرصع ومشکی وحواشی تشعیر شدهٔ گلدار و عناوین مزین دارد ، (ادمه هنر هرات) و برخی از ترمیم‌های حواشی این نسخه را بموجب نوشتهٔ علی‌احمد، شیخ محمد-رضا خان نقاش کابل کرده است و در کتابخانهٔ سردار نصرالله خان بود.

-۱۸-(۱۱۸)

گوی و چوگان عارفی بخط میرعلی :

ارگ کابل ۵۳۷۶/۱۰۸ . ۵ ، ۱۷×۵ ، ۱۱ س ۱۹ ورق ۱۳ سطری به نستعلیق بسیارعالی و رقم میرعلی در سنه ۹۶۸ ق ۱۵۶۰ م .

سرلوحهٔ نیلگون مطلا و گل‌کاری و جداول آبی رنـگ مطلا با نقوش سبز و مشکی و حواشی مزین بالوان نقوش دارد ، که کار عالی هرات شمرده می‌شود .

-۱۹-(۱۱۹)

مختارالاختیار علی‌المذهب المختار بخط درویش علی :

مؤلف کتاب اختیار بن غیاث‌الدین حسینی بزبان عربی است .

ارگ‌کابل ۵۱۴۹/۱۲۰ . ۲۴+۱۶ س ۲۶۶ ورق ۲۴ سطری به نسخی عالی درویش علی‌بـن درویش محمد در محرم سال ۹۱۵ ق ۱۵۰۹ م

نوشته و برخی تزئینات هم دارد (مربوط مکتب هرات)

-۲۰-(۱۲۰)

مخزن‌الاسرار نظامی :

ارگ کابل ۱۹۷۷/۱۲۲ . ۲۳ × ۱۵ س ۳۶ ورق ۱۷ سطری بـه نستعلیق عالی‌درسنهٔ ۱۰۵۰ ق ۱۶۴۰م‌در بخارا برای عبدالعزیز بهادرخان نوشته شده که نام کاتب ندارد ، وادامهٔ مکتب هرات در بخارااست ، با جداول نیلگون‌مطلا وشنگرفی وسرورق وسرلوحهٔ زیبای ملون‌آسمانی وسرخ زرنگار ، وقایهٔ چرم آهو .

-۲۱-(۱۲۱)

مرصادالعباد نجم‌الدین دایه

ارگ‌کابل ۲۳۴۰/۱۲۶ . ۲۴ × ۱۴،۵ س ۱۴۸ ورق ۱۴ سطری به نستعلیق خوب بدون ذکر نام کاتب و تاریخ .

سرلوحه‌زیبای مذهب آسمانگون‌شنگرفی‌وجداول‌زرین و نیلی که ابیات‌را درمتن بطلا نوشته‌اند ویکی از مالکان این نسخه درسنه ۸۷۱ق ۱۴۶۶ م ملکیت خود را بران نوشته و ازین برمی‌آید که قبل ازیـن سال نوشته و تزئین و تذهیب شده باشد . و مهری از تـاریخ ۱۰۶۲ ق (۱۶۵۱) هم برانست و وقایهٔ چرمی عنابی است (مربوط هنر هرات)

-۲۲-(۱۲۲)

نفحات‌الانس جامی :

ارگ‌کابل ۴۵۲۵/۱۳۸ . ۵ ، ۲۴ × ۱۷س ۳۰۸ ورق ۲۰سطری. به‌نستعلیق‌زیبا ذیحجه ۹۴۰ق(۱۵۳۴م) بدون‌ذکرنام‌کاتب که‌پیش از آغاز متن نه صفحه فهرست هم دارد. سرلوحهٔ آن‌ملون برنگهای‌نیلی وسیاه و

قرمز و زرد و جداول آن طلائی با خطوط سیاه و سبز است و مالکی در سنه ۱۰۰۶ ق ۱۵۹۷ م ملکیت خود را بران نوشته وقایهٔ آن چرمی سرخ زرکوب است (ادامهٔ هنر هرات)

-۲۳-(۱۲۳)

نفحات‌الانس جامی :

ارگ کابل ۴۵۲۵/۱۳۹ . ۲۴×۱۶ س ۵۳۱ ورق ۱۵ سطری به نستعلیق خوب شوال ۹۸۸ ق ۱۵۷۹ م کاتب نامعلومی نوشته شده، ورق اول ودوم آن منقوش مرصع وجداول آن زرین سیاه وآسمانگون و وقایه چرمی سیاهست (ادامه هنر هرات)

-۲۴-(۱۲۴)

نگارستان ملا معین جوینی (؟) بخط فخرالدین‌علی :

ارگ کابل ۲۲۸۳/۱۴۰ . ۳۲×۲۱ س ۲۶۱ ورق ۱۴ سطری . به نستعلیق خوب فخرالدین علی‌بن حاجی محمدالبخاری‌الهروی ، که اوراق نخستین آن منقش و عناوین آن زرین و جداول طلائی و سبز و وقایه چرمی لیموئی دارد (از متفرعات هنر هرات)

-۲۵-(۱۲۵)

هفت اورنگ جامی بخط ابوطاهر :

ارگ کابل ۲۵۹۱/۱۴۳ . ۳۵×۲۱ س ۲۶۵ ورق ۲۰ سطری ۴ ستونی به نستعلیق بسیار زیبا جمادی‌الاولی ۹۰۷ ق (۱۵۰۱ م) با رقم ابوطاهرالکاتب که صفحات اول آن نقاشی و ترصیع و تذهیب و گل-کاری و عنوان نیلی‌و هراورنگ (دفتر) آن سرلوحه‌های مزین وجداول طلا و مشکی و نیلی و وقایهٔ چرمی دارد (کار مکتب هرات)

-۲۶-(۱۲۶)

یوسف و زلیخا جامی بخط سلطان‌علی مشهدی :

ارگ کابـل ۲۵۹۲/۱۴۴ ۰ ۵ ، ۲۳×۵ ، ۱۳ س ۱۵۰ ورق ۱۴ سطری به نستعلیق عالی بر کاغذ زردگون بدون تاریخ با رقم سلطان‌علی مشهدی در هرات .

ورق اول آن تماماً منقش مـرصع با بـوته‌های الوان و عنوان آسمانگون و سرلوحهٔ نیلی و سیاه طلائی پرگل و جداول صفحات آن سبز و سیاه آسمانی و وقایهٔ آن چرمی سرخ است .

-۲۷-(۱۲۷)

مجموعه کتب بخط عبدالخالق هروی :

ارگ کابل ۱۵۶۶/۱ ۰ ۲۳×۱۴ س تحریر ۹۷۷ ق با رقم عبد-الخالق بن حبیب‌الله هروی که جداول وسرلوحه وحواشی منقش مرصع دارد ، مشتمل براربعین جامی و وصایای حضرت علی به امام حسین (ادامه هنر هرات)

-۲۸-(۱۲۸)

بوستان سعدی بخط میرعلی هروی :

نسخ خطی کتابخانهٔ عامه کابل ص ۱۰۸ فهرست دبورکـوی . ۲۴×۵ ، ۱۴ س ۳۰۱ صفحه ۱۴ سطری بـه نستعلیق نیمه جلی عالـی خوش و کاغذخان بالـغ دارای چهار تابلوی مناظر دورنما بدون تصویرجاندار ودوصفحه مرصع با رقم «علی الحسینی الکاتب شوال ۹۲۱ ق (۱۵۱۴م) بقصبة التربة الحیدریه» که جداول آن مطلا و رنگین و وقایـهٔ آن لاکی قـرمزی ساخت افغانستان و خصایص هنری ایـن نسخه شبیه اواخـر مکتب هراتست .

-۲۹-(۱۲۹)

بوستان سعدی بخط اظهر :

خطی کتابخانه عامهٔ کابل (ص۱۰۸ فهرست) ۲۷ × ۱۴،۵ س۱۷۸ ورق ۱۲ سطری با نستعلیق میانه و رقم و تاریخ : مشقه اظهر الکاتب فی شعبان ۹۸۷ ق (۱۵۷۸ م) (از متفرعات هنر هرات)

بروورق اول ب آن سرلوحهٔ زرین سبز و سرخ گل‌اندود دارد و عناوین آن هم گل‌کاری طلائی وجداول با طلا وسیاهی نیلگون است . حواشی ملون و سرورق مزین به طلا و شنجرف و نیلی دارد و مهری با سنه ۱۰۲۲ ق (۱۶۱۲ م) هم برورق اول آن دیده می‌شود . وقایهٔ آن چرمی گندمیست و کاغذ خوقندی .

بقول مهدی بیانی اظهر کاتب این نسخه غیراز اظهرتبریزی است و بنام همین «اظهر کاتب» دیوان حافظ بدون تاریخ بخط نستعلیق عالی جلی‌درمجموعهٔ دکتوراصغرمهدوی درتهران است (خوشنویسان ۷۳)

-۳۰-(۱۳۰)

بوستان سعدی بخط عماد حسنی :

خطی کتابخانهٔ عامهٔ کابل (ص ۱۰۸ فهرست) ۲۵ × ۱۶ س ۱۷۴ ورق ۱۲ سطری . به نستعلیق بسیار عالی خفی ممتاز و کاغذ خان بالغ با رقم : کاتب عمادالحسنی در ربیع‌الاول ۱۰۱۲ ق (۱۶۰۳ م) دارای سرلوحه مرصع و مذهب رنگین گلدار و عناوین طلا و جداول زریـن وسبزو شنگرف و نیلگون وسرورق مذهب و حواشی مزین بگل و برگ (از متفرعات هنرهرات) (این نسخهٔ نفیس را در سنه ۱۳۳۱ ق در کابل بزینکوگراف طبع عکسی کرده‌اند) .

-۳۱-(۱۳۱)

بدایع الافکار فی صنایع الاشعار تالیف حسین بن علی واعظ کاشفی در ۹۱۰ ق :

خطی کتابخانهٔ عامهٔ کابل (ص ۱۰۸ فهرست) ۲۴×۵، ۱۴ س ۳۰۱ صفحه ۱۴ سطری . به نستعلیق خوب شیوهٔ بخارا بتاریخ ۶ محرم ۹۱۲ ق (۱۵۰۶ م) که نام کاتب آن نوشته نشده ، سرلوحه و جداول آن منقش طلائی رنگین است ، با وقایه چرمی سیاه (غالباً کار بخارا از متفرعات هنر هرات)

-۳۲-(۱۳۲)

دیوان جامی بخط علی‌رضا :

خطی کتابخانهٔ عامه‌کابل (ص۱۰۹فهرست) ۵، ۲۲ × ۵، ۱۳س ۲۶۸ورق۱۶سطری. به‌نستعلیق‌زیبای‌عالی‌علی‌رضادرسنه۹۸۳ق ۱۵۷۵م دارای همان ممیزات مخطوطهٔ نمره (۵) که شاید اجزای یك‌نسخهٔ قدیم بوده وبعد ازان ازهم جدا وجلد شده باشند . دو صفحهٔ اول متناظر آن منیاتور بسیار عالی نازك کاری ملون و مذهب دارد مربوط به اواخر مکتب هرات .

-۳۳-(۱۳۳)

تحفةالاحرار جامی ، مخطوط در حیات مؤلف :

خطی کتابخانهٔ عامهٔ کابل (ص ۱۱۴ فهرست) ۲۷×۱۷ س ۸۷ ورق ۱۱ سطری . به نستعلیق ریزاعلی ، اصل صفحات نوشته قدیم ۱۲×۶ سانتی‌سنه ۸۸۳ ق ۱۴۷۸ م .که نام کاتب ندارد و الواح آغاز آن نقاشی‌ومنیاتور اصیل هرات وعناوین آن سپیداب‌وجداول طلائیست. این نسخه در ربیع‌الثانی ۱۲۹۶ ق ۱۸۷۸ م بامر سردار عطاءالله خـان ترمیم گردیده و حـواشی ابری‌افشان بـرای آن ساخته‌اند ، و هم چند

صفحه آن که شاید مفقود شده بود ازسرنو نوشته‌اند . این نسخهٔ نفیس مکتب هرات مدتی در هند بوده و بـران خطوط کتابخانه‌های شاهان با بریهٔ هند دیده می‌شود .

این نسخه مانند نسخ معتبر هرات در آغاز دو صفحهٔ کامل مصور دارد، که با مضامین متن کتاب تعلقی ندارد ، برهردوصفحه بطورمتناظر نقاشی شده و برصفحهٔ اول تصویـر شاهزادهٔ جوان سوار با یك شاطر است که هر دو زیر درخت خرما دیده می‌شوند .

برصفحهٔ مقابل دیگرپورتریت شهزاده جوان با لباس بسیارفاخر است که برچپن دراز سرخ او اشکال متعدد انسانی بطلا نقش شده‌اند . چهره کشی اشخاص این دومجلس متناظرماوراءالنهری و خصوصیات هنری آن متعلق به اوقات عروج مکتب هراتست کـه از نفایس آثار هنری شمرده می‌شود .

شایداین پورتریت تصویریکی ازشاهزادگان هنرپرور هرات باشد که این کتاب را برای وی نوشته باشند .

ـ۳۴ـ(۱۳۴)

جام جم اوحدی بخط محمود :

خطی کتابخانهٔ عامهٔ کابل (ص۱۱۸ فهرست) ۲۳ × ۱۴ س ۱۵۸ ورق ۱۵ سطری. نستعلیق خوب محمودبن‌نظام زرین‌قلم۸ شوال ۹۳۸ق (۱۵۳۱ م)

صفحه اول مذهب ومرصع وورق دوم آن مفقود است ، جداول طلائی‌وسیاه‌نیلی‌است باوقایه چرمی‌سرخ مربوط به‌اواخرمکتب هرات.

-۳۵-(۱۳۵)

چهار کتاب امیر خسرو دهلوی :

خطی کتابخانهٔ عامه کابل (ص ۱۲۲ فهرست) ۵، ۲۵×۵، ۱۸س ۱۳۸ ورق ۲۵ سطری ۴ ستونی نسخی متمایل به تعلیق تحریر ۸۳۲ ق ۱۴۲۸ م بدون ذکر نام کاتب، که چند ورق آن افتاده است.

درین مجموعهٔ نفیس قطع کلان چهار کتاب امیرخسرو دهلوی ۱- خسرو شیرین ۲- لیلی و مجنون ۳- آئینه اسکندری ۴- هشت-بهشت بر کاغذ سمرقندی نوشته شده، که هر کتاب آن یك سرلوحهٔ نفیس دارد که برزمینهٔ لاجورد بطلای ناب گل کاری کرده ودر بین آن نام کتاب را برزمینهٔ سپیداب بطلا نوشته‌اند.

در هرصفحه ۴ ستون و بین هرستون جدول دو خطه شنجرفست وجزاز کارلطیف منیاتورلوحه‌های اوائل هر کتاب، دیگرتزئینات ندارد.

در آخر کتاب خسرو و شیرین چنین نوشته‌اند :

«تم الکتاب بعون الملك الوهاب فی تاریخ یوم الثلثا سادس عشر رجب المرجب سنه اثنین وثلثین وثمانمائه».

از طرز خط نسخی این کتاب و نقوش الواح آن پدید می آید، که در محیطی نوشته و نقاشی شده که اثر عروج خطاطی نستعلیق و منیاتورکاری رنگین و گوناگون مکتب هرات بآنجا نرسیده بود، وخط آن از نسخ به تعلیق متمایل گردیده، ولی نستعلیق خالص مترقی مکتب هرات نیست درگل کاری الواح آن فقط سه رنگ لاجورد، طلاوسپیداب استعمال شده وازتنوع الوان مکتب هرات وابتکارهای نقاشی خالیست، و از ملاحظهٔ عمیق آن گفته میتوانیم که این نسخه بطرف غرب یا شرق،

بیرون از محیط خراسان نگاشته شده باشد ، کـه آنـرا از متعلقات پیشین هنر هرات شمرده میتوانیم .

ـ۳۶ـ(۱۳۶)

خمسهٔ امیرخسرو بخط محمد بن علاءالدین:

خطی کتابخانهٔ عامه کابل (ص ۱۲۲ فهرست) ۳۴×۲۳ سانتی ۲۳۳ ورق ۱۹ سطری ۴ ستونی و کاغذ خان بالغ ُلك، دارای ۲ صفحهٔ مرصع متناظر نقاشی ظریف شبیه کارشاهنامهٔ بایسنغری با حواشی تشعیر-کاری دقیق و ترنجهای دلکش منقش ، و سه مجلس مصور منیاتـور و حواشی وصلی طلاافشان رنگارنگ که برخی لوحه‌های آن رقم «عمل-محمدی» دارد .

در تمام کتاب رنگهای معدنی اصیل و طلای نـاب و زنگار و لاجورد متمایل بسیاه و شنگرف کار کـرده‌اند و حـواشی تمام کتاب زمینه‌های مختلف رنگین با افشان طلا دارد، عناوین آن لوحه‌های کوچك زمینه طلا با نقاشی دقیق و خط نستعلیق به سپیدابست .

سه مجلس مصور و مرصع آن با الوان معدنی و ریزه‌کاری گل و برگ رنگین ، چهره‌کشی خراسانی دارند و به کارهای اصیل مدرسهٔ هرات شباهت میرسانند ، که متأسفانه چهرهٔ برخی از اشخاص آنـرا گل کرده‌اند .

هر کتاب در آغاز یك لوحهٔ حجم متوسط رنگین با نقوش زنگار و لاجورد وشنگرف وسپیداب و غیره دارد ، واین لوحه‌ها بین سالهای ۹۸۲-۹۸۹ ق (۱۵۷۴-۱۵۸۰ م) نگاشته شده است .

در آخر کتاب اول رقم «تحریراً فی غرهٔ صفر ۹۸۹ ق» نـوشته

شده ، و در آخر کتاب سوم چنین است :

«تمت الکتاب بعون الملك الوهاب ، تحریراً فی ذی‌حجة الحرام سنه احدی وسبعین وتسعمائه ۹۷۱» .

اما رقم آخر تمام کتاب این است :

«تمت الکتاب بعون الملك الوهاب، تحریراً فی شهر رجب المرجب سنه اثنا ثمانین وتسعمائه ، کتبه العبد المذنب فقیر ، محمد بن علاء الدین رزه غفر ذنوبه وستر عیوبه به ولایت خواف درقریهٔ نشتقان صورت تحریر یافت تمت الکتاب تم تم تم» .

خط این نسخه که بین ۹۷۱-۹۸۹ ق تکمیل شده ، نستعلیق عالی نیمه خفی است ، و بران نوشته‌اند که بدربار جلال الدین محمد اکبر پادشاه هند اهدا شده بود ، وبعد ازین تاریخچهٔ آن بخط خوش نستعلیق شیخ محمدرضا خراسانی بر ورق آخر کتاب چنین نوشته شده است :

«بحضور اعلیحضرت سراج الملة والدین امیر حبیب‌الله خان پادشاه افغانستان ، هدیهٔ جناب عالی سید عالم خان امیر بخارا ، مصحوب ایشان طوره خواجه صدر ، و حاجی قطب الدین صدر ، ماه صفر المظفر ۱۳۳۷ ق» .

جلد این نسخه لاکی سرخ با ضربی لاکی لاجورد است که روی داخلی آن هم لاکی سرخ با ضربی‌های طلای منقش باشد و بر صفحه‌های خارجی نشانهٔ حرفهٔ صحافت را دو بار ضرب کرده که در بین یك دائره کوچك چنین نوشته شده : «دارد امید شفاعت محمد ناصر ۱۲۵۰» و ازین برمی‌آید که در اواسط قرن ۱۳ هجری در بخارا این وقایه را محمد ناصر صحاف ساخته است .

بخط علاءالدین رزۀ باخرزچندین نسخه درین کتاب آمده (رك: فهرست) و معلومست که پدر و خاندان او اصلاً با خرزی خـراسانی بوده‌اند، ولی پسرش محمد دراواخرقرن دهم‌هجری درخواف زندگانی داشت و این نسخه را درانجا نوشت ، که بعداً بهند برده شد و نمیدانم چه وقت به بخارا انتقال یافت ؟

همین‌محمد رزه تیمورنامۀ کتابخانۀ علی‌گررا در ۹۹۲ ق ۱۵۸۳م درشهربلخ، وخمسۀ جامی (رضا لائبریری رامپور ۴۱۵۶) را در۹۷۲ق ۱۵۶۲ م نوشت وخمسۀ نظامی کتابت اودرپتنه پیش سید ظهور بود .

-۳۷-(۱۳۷)

دقائق‌الحقائق احمد رومی بخط علاءالدین اخسیکتی :

خطی کتابخانۀ عامه کابل(ص۱۲۴فهرست)۲۲×۱۴س۲۰۰ ورق ۱۷ سطری. نستعلیق خوش ذی‌حجه ۹۶۷ ق ۱۵۵۹ م،با رقم علاءالدین ابن شیخ احمدکاتب اخسیکتی. که ورق اول‌آن بخط نواست وجداول صفحات آن طلائی سیاه و نیلی ، و جلد آن چرمی طلاکوبست . (رك : ترکیه ۱۳۶۴)

-۳۸-(۱۳۸)

دیوان جامی بخط محمدحسین بن علی :

خطی کتابخانۀ عامۀ کابل(ص۱۲۶فهرست‌دی‌بورکوی)۲۷×۱۷ س ۳۰۴ ورق۱۷ سطری. به نستعلیق خوب ادامۀ مکتب‌هرات ۱۰۰۹ق ۱۶۰۰ م ورقم محمدحسین‌بن‌غیاث‌الدین علی. . . (شایدوی میرمحمد-حسین باخرزی عموی امیرخلیل قلندر هروی باشد). تاریخ این نسخه‌را دی‌بورکوی فهرست‌نگار ۹۰۰خوانده،درحالیکه دراصل نسخه «بتاریخ

نه (و) هزار است مربوط به متفرعات هنر هرات .

بـرورق اول ب سرلوحهٔ منقش نفیس مطلا و رنگین گلـدار و برصفحات دیگر جداول نیلی‌وقرمز و سیاه طلائی دارد ، ووقایه چرمی مزین سرخکوب دارد . مهرهای امیر عبدالرحمن و امیر حبیب‌الله هـم بران دیده می‌شود .

-۳۹-(۱۳۹)

دیوان حافظ بخط احمدبن سلطان‌علی :

خطی کتابخانهٔ عامهٔ کابل (ص ۱۲۷ فهرست) ۲۲ × ۵ ، ۱۳ س ۲۲۴ ورق ۱۲ سطری . به نستعلیق خوش احمدبن سلطان‌علی بـدون تاریخ که سرلوحه ورق ا ب ۲ الف نقاشی متناظر نفیس نیلگون‌طلاکاری شنگرفی با گل و بوته دارد . جداول صفحات آن سیاه و آسمانی وقرمز و سبزمطلاست .دربین سطور نقوش دندان موش ملون وعناوین طلائی و وقایه چرمی سرخ ضربی دارد . مرحوم فکری سلجوقی ایـن احمد را فرزند سلطان‌علی مشهدی میداند .

-۴۰-(۱۴۰)

دیوان حافظ بخط سلطان محمد خندان :

خطی کتابخانهٔ‌عامهٔ‌کابل (ص۱۲۷فهرست) ۲۲ × ۱۳،۵ س ۱۷۲ ورق۱۴سطری. به‌نستعلیق‌بسیارعالی ورقم سلطان‌محمد خندان دراوائل شهرربیع‌الاول ۹۲۶ ق ۱۵۱۹ م. دارای سرلوحهٔ مذهب رنگین مشجر وجداول طلا وسیاه و نیلی‌وعناوین زرین ووقایهٔ چرمی‌سرخ زرکوب .

-۴۱-(۱۴۱)

دیوان سعدی بخط راجو :

خطی کابل (ص۱۲۹ فهرست) ۲۵ × ۱۴س ۳۲۴ورق ۱۷سطری،

به نستعلیق خوش راجو بن. . . . یکشنبه ۱۵ ذوالحجه ۹۶۴ ق ۱۵۵۶م. دارای سرلوحهٔ مطلای رنگین گلدار وجداول طلائی‌سیاه و نیلی ووقایه چرمی سیاه کوب .

ـ۴۲ـ(۱۴۲)

دیوان سعدی بخط میرمحمد :

خطی کابل (ص۱۲۹ فهرست) ۵، ۳۴ × ۵، ۳۲س ۱۶۸ ورق ۱۳ سطری به نستعلیق خـوش میرمحمد بـن علی در سنه ۱۰۱۲ ق ۱۶۰۳ م که از بقایای نفیس هنر هرات در بخاراست .

ورق۱ ب‌و۲ الف متناظر آن منقوش مذهب‌ورنگین مزین بشاخه و برگ است و عناوین طلائی وسرلوحهٔ مذهب با رنگهای نیلی و سبز مشجر و حـواشی منقش گلدار دارد ، که در صفر ۱۳۳۷ ق ۱۹۱۸ م از طرف امیر بخارا به امیر افغانستان حبیب‌الله خان اهداء شده و وقایه آن چرمی عنابی زرکوب است.

ـ۴۳ـ(۱۴۳)

سبحة‌الابرار جامی بخط علی :

خطی کابل (ص۱۳۸ فهرست) ۲۲ × ۱۴ س۱۱۶ورق ۱۴ سطری به نستعلیق خوش نیمه‌جلی و رقم : علی الکاتب فی شهور سنه ۹۱۱ ق (۱۵۰۵ م) که زیر آن بطلا نوشته‌اند : «جهت کتابخانه عامره نـواب فلك جناب . . . السلطان عبدالعزیزخان. . . . صفت اختتام پذیرفت» .

سرلوحهٔ کتاب مطلا و رنگین گلدار و جداول آن آسمانگون و سبز و سیاه مطلا و حواشی آن تشعیر با گل‌وبرگ و عناوین هم طلائی و وقایه چرمی سیاه ضربیست ، و مهرهای امیر عبدالرحمن و امیر-

حبیب‌الله دارد .

در حقیقت اصل تاریخ نـوشتن کتاب ۹۴۹ ق (۱۵۴۲ م) بوده و آنرا تراشیده و ۹۱۱ ساخته‌اند .واین صحیح است زیرا عبدالعزیزخان پادشاه بخارا از ۹۴۷ تا ۹۵۷ ق (۱۵۴۰ - ۱۵۴۹ م) حکم رانده و این نسخه برای او نوشته شده و از بقایای مکتب هرات در بخاراست .

اما آنچه دی‌بورکوی (ص۱۳۸ فهرست) اورا سلطان عبدالعزیز عثمانی پنداشته سهواست زیرا این سلطان از ۱۸۳۰ تا ۱۸۷۶م دراواسط قرن ۱۳ هجری زندگی داشت ، پس چگونه سه قرن قبل کتابی بـرای کتابخانهٔ او نوشته شده باشد ! !

مرحوم فکری سلجوقی‌هم درخوشنویسان وهنرمندان (ص ۴۰) گوید که ظاهراً سنه کتابت ۹۲۹ یا ۹۳۹ بوده و عمداً تراشیده و ۹۱۱ درست شده . درحالیکه این تعیین سنین نیز خطاست . و دریـن سنوات سلطان عبدالعزیزخان پادشاه نبوده است .

-۴۴-(۱۴۴)

اربعین جامی بخط محمدقل :

خطی کابل . به نستعلیق نیم‌جلی و خفی‌بسیار عالی محمدقل در سنه ۹۵۳ ق ۱۵۴۵ م که یك سرلوحهٔ کوچك شبیه اواخر کار هرات با منیاتور ظریف ریزه‌کار و الوان معدنی‌اصیل دارد .

حواشی صفحات آن بر زمینهٔ آبی ، دارای سه ترنج زردگـون بر راست وچپ و بالاست . وگمان میرودکه این نسخه در ماوراءالنهر نوشته و پیراسته شده باشد .

-۴۵-(۱۴۵)

گوی و چوگان عارفی بخط محمدقاسم شادیشاه :

خطی کابل (ص ۱۹۲ فهرست) ۲۷ × ۵، ۱۶س ۱۱سطری نستعلیق نیم‌جلی بسیارعالی با رقم : «علی‌ید . . . محمدقاسم بن شادیشاه (شاگرد سلطان‌محمد خندان) بدارالسلطنه هرات سنه ۹۵۱ ق (۱۵۴۴ م) دارای دو سرلوحه متناظر نقاشی نفیس طلا و نیلی و سیاه گلدار و جداول آسمانگون روشن مطلا و شنگرف و عناوین زریـن و حواشی رنگین طلاکاری که در یك وقایه با یك‌مثنوی درشرح‌حال ومناقب احمد جامی تحریر ۹۸۷ ق ۱۵۷۸ م جلد شده است . گوی و چوگان از ورق ۱ تا ۲۵ الف و مناقب از۲۶ ب تا ۸۲ .

(بخط محمدقاسم شادیشاه چندین نسخه درین کتاب آمـده از روی فهرست آنرا بشناسید) .

منیاتور بسیار نفیس و نقاشی و ترصیع و تذهیب و تحریر این نسخه شبیه شهکارهای مکتب هرات از قبیل شهنامهٔ بایسنغریست ، که باید شاگردان استادان همین مکتب در اواخر تشعشع هنری آن نوشته و آراسته باشند .

-۴۶-(۱۴۶)

خمسهٔ نظامی :

خطی کابل (ص۲۴۳ فهرست و۹۵فکری) ۲۳ × ۱۶س ۲۳۹ورق ۱۷ سطری نستعلیق خوش و کاغذ خان بالـغ کتابت ۲۴ رمضان ۸۹۵ ق ۱۴۸۹ م که نام کاتب ندارد .

این نسخه عالی مکتب هرات مطموس است ، ولی ازروی خط

و تزئین و تصویر و دو سرلوحهٔ نفیس و زرین و نیلگون شنجرفی و هفت تصویریکه دارد ازکارهای نفیس هنرهراتست که جلد چرمی گلدار کهنه مقوائی دارد .

-۴۷-(۱۴۷)

شرح رباعیات و لوائح جامی بخط برهان :

خطی کابل (ص ۲۸۲ فهرست) ۱۸×۵، ۱۰ س ۷۴ ورق ۱۵ سطری . بارقم: «کتبه العبد برهان الهروی الکاتب . . . فی شهور سنه نهصدوچهل‌وشش درمصرقاهره». این نسخه به نستعلیق خوش در۱۵۳۹م در قاهره نوشته شده است .

-۴۸-(۱۴۸)

یك مجموعه بخط عمادالدین :

خطی کابل (ص ۲۸۶ فهرست) ۲۰×۱۲ س۱۴۰ ورق۱۵ سطری به نستعلیق روش بخاری خوش با رقم : عمادالدین آهنگران دربخارا سنه ۹۸۰ق (۱۵۷۲ م). که عناوین شنگرفی و وقایه مقوای لاکی‌سرخ سیاه‌کوب دارد مشتمل بر :

از ص ۱ تا ۲۳۷ ب حاشیهٔ شرح عقائد احمدالجندی . از ص ۲۳۸ تا ۲۳۹ رساله در تحقق جسم از مولانا صادق نصر . این نسخه ادامهٔ مکتب هرات در بخاراست .

-۴۹-(۱۴۹)

خمسهٔ جامی بخط ابوالوفا :

خطی کابل (ص ۳۰۶ فهرست) ۵، ۲۴×۵، ۱۷ س ۲۶۳ ورق ۲۳ سطری . بدون تاریخ با رقم ابوالوفابن نورالله به نستعلیق خوش

و سرلوحهٔ مزین نیلگون طلائی و جداول نیلی و سبز طلاکار .
نسخهٔ آینده نمره ۵۰ هم بقلم همین کاتب است در ۹۴۰ ق ۱۵۳۳ م .

ـ۵۰ـ(۱۵۰)

هفت اورنگ جامی بخط ابوالوفا

خطی کابل (ص ۳۱۰ فهرست) در۲۶۳ورق ۲۰ سطری ۴ ستونی نستعلیق خوش با رقم : ابوالوفابن نورالله دوشنبه ۲۸ صفر ۹۴۰ ق (۱۵۳۳ م) در اواخر مکتب هنر هرات .

صفحهٔ اول آن منقش گلدار رنگین مطلا وسرلوحهٔ آن هم نفیس منقوش با الوان نیلی مطلا و شنجرف و عناوین زرین و جداول طلا و سبز و نیلگون و وقایه چرمیست که مهر سردار نصرالله خان هم دارد .

ـ۵۱ـ(۱۵۱)

مشکوة بخط قطب‌الدین :

موزهٔ هرات (ص ۳۲۰ فهرست) ۲۹ × ۱۶،۵ س ۲۸۴ ورق ۲۴ سطری بخط نسخی خوب در هرات نوشته قطب‌الدین جمال بـر کاغذ خوقندی با وقایهٔ چرمی عنابی . تحریر یکشنبه ۲۰ ذوالحجه ۹۴۳ ق (۱۵۳۶ م) از متفرعات هنر هرات .

ـ۵۲ـ(۱۵۲)

اخلاق محسنی بخط حسن‌محمد :

مـوزهٔ هرات (ص ۳۲۱ فهـرست) ۲۵ × ۱۴ س ۲۱۰ ورق ۱۲ سطری نستعلیق خوش با رقم :«کتبه‌العبد حسن محمدالکاتب‌عفی‌عنه ... فی سنه احدی وستین وتسعمائه» (۱۵۵۳ م).

صفحات نخستین این نسخه خیلی زیبا و منقش رنگین آسمانی و شنگرف مطلاوجداول آن هم نیلی‌وسیاه طلاکش و وقایه چرمیست. از متفرعات هنر هرات .

بقول مهدی بیانی: شاید این حسن محمدکاتب همان حسن باشد که یك نسخهٔ دیوان حافظ کتابخانهٔ سلطنتی تهران تحریر حسن‌الکاتب ۹۶۳ ق (۱۵۵۵ م) بقلم اوست (خ ۱۴۷)

-۵۳-(۱۵۳)

تیمورنامه هاتفی :

موزهٔ هرات (ص ۳۲۲ فهرست) ۵، ۲۲×۱۴ س ۱۵۷ ورق ۱۵ سطری . تاریخ تحریر آن آسیب دیده خوانده نمیشود . کاتب آن ... بن مولانا عبدالعزیز وکاغذ خوقندی و خط نستعلیق خوش درهراتست .

صفحات اول آن با نقوش طلائی نیلی‌شنگرف و گل‌کاری سیاه وجداول آن هم آسمانگون سیاه طلائی وقرمز ووقایه چرمی‌سرخست .

-۵۴-(۱۵۴)

تفسیر حسینی بخط جلال‌الدین هروی :

موزهٔ هرات (ص ۳۲۲ فهرست) ۲۸×۵، ۱۸ س۰ ۲۹ ورق ۲۷ سطری به خط نسخ خفی‌ورقم جلال‌الدین‌بن طاهر هروی شهرذوالقعده ۹۶۱ ق (۱۵۵۳ م) برکاغذ خان‌بالغ که صفحات نخستین و عناوین آن مطلا و سرلوحهٔ آن هم زرین و سرخ و سبزوجداول آن نیلی‌شنگرف سیاه طلاکش و آیات قرآنی در متن قـرمز و وقایه طلاکوبست . از متفرعات هنر هرات .

-۵۵-(۱۵۵)

ذخیرةالملوك سیدعلی همدانی بخط محمود رفیقی (رك : ترکیه)

موزهٔ هرات (ص ۳۲۴ فهرست) ۲۳×۵، ۱۰ س ۱۱۹ ورق ۱۵ سطری به نستعلیق خوش ورقم : العبده محمودالرفیقی الهروی فی شهور سنه ۸۹۸ ق (۱۴۹۲م) بر کاغذ خانبالغ درهرات نوشته شده که سرلوحهٔ آن سبز و نیلی و سیاه و شنگرفی طلاکش و وقایه کیمخت سیاهست .

-۵۶-(۱۵۶)

سلسلةالذهب بخط دوست‌محمد هروی :

موزهٔ هرات (ص ۳۲۴ فهرست) ۱۸×۱۱ س ۲۰۴ ورق ۱۷ سطری به نستعلیق بسیارعالی مکتب هرات بدون تاریخ با رقم: دوست- محمد هروی که سرلوحهٔ نیلی و سیاه و قرمز وجداول آسمانگون سیاه طلاکش نگاشته در هرات دارد (رك : ایران ، ترکیه)

-۵۷-(۱۵۷)

دیوان جامی :

موزهٔ هرات (ص ۳۲۶ فهرست) ۲۸×۱۷ س ۱۶۲ ورق ۱۲ سطری، به نستعلیق خوش بدون تاریخ ونام کاتب بر کاغذ خانبالغ کتابت وتزئین و نقاشی در هرات با حواشی گلدار و سرلوحهٔ ملون مطلا و جداول نیلی مذهب و سبز و سرخ و عناوین طلائی و سه صفحه منیاتور شیوهٔ هرات با وقایهٔ چرمی .

-۵۸-(۱۵۸)

دیوان جامی :

موزهٔ هرات (ص ۳۲۶ فهرست) ۲۴×۱۵ س ۲۸۳ ورق ۱۴

سطری. به نستعلیق خوش و نقاشی‌و تزئین و تذهیب هرات ویك سرلوحهٔ زرین ملون و جداول سیاه و طلاکشی .

-۵۹-(۱۵۹)

کلیات عطار :

موزهٔ هرات (ص ۳۲۶ فهرست) ۳۱×۲۲ س ۹۰۰ صفحه ۲۱ سطری . به نستعلیق خوش تحریر در هرات بر کاغذ خانبالغ با سرلوحهٔ زرین و شنگرف و سیاه آسمانگون و جداول نیلی و سیاه طلاکش و سبز و وقایه چرمی سرخ .

-۶۰-(۱۶۰)

نفحات‌الانس بخط ملا ویسا هروی :

موزهٔ هرات (ص۳۲۸ فهرست) ۱۹،۵×۱۲س ۵۶۹صفحه ۱۷ سطری. به‌نستعلیق‌خوش‌ملاویساهروی برکاغذسمرقندی که درسنه۹۷۴ق ۱۵۶۶ م در مکه نوشته است و صفحات نخستین آن مزین ملون نیلی‌و طلائی شنگرفی سبز و جداول آن آسمانگون سیاه طلاکشی و وقایهٔ آن چرمی سرخست . بخط همین ویسی‌هروی مجاور حرم کتابی دیگر هم هست (رك : آلمان ۸)

-۶۱-(۱۶۱)

هفت اورنگ جامی

موزهٔهرات(ص۳۲۹فهرست) ۲۳×۱۶س ۲۹۲ورق ۲۱سطری. به نستعلیق خوش ۹۶۸ ق ۱۵۶۰ م در هرات نوشته شده که نام کاتب ندارد و کاغذ آن سمرقندی وسرلوحهٔ آن زیبا ومذهب رنگین وجداول آن نیلی و سیاه طلاکشی و وقایه آن مقوای با چرمست .

ـ۶۲ـ(۱۶۲)

مجموعهٔ مثنویات جامی بخط سلطان محمد نور و غیره

موزهٔ هرات (ص۳۳۰ فهرست) ۵،۲۲×۵، ۱۲س ۱۸۰ورق ۱۳ سطری . تاریخ ندارد کاغذ آن خانبالغ و خط نستعلیق عالی وسرلوحهٔ طلائی سبز و نیلی‌و شنگرفی مطلا و جداول آسمانگون سیاه طلاکشی و وقایه چرمیست مشتمل بر :

از ورق ۱ تا ۶۴ تحفةالاحرار با رقم سلطان محمد نور هروی .

از ورق ۶۵ تا ۱۸۰ سبحةالابرار با رقم ترسون محمد بلخی .

ـ۶۳ـ(۱۶۳)

بهارستان جامی بخط ناصرالدین علی :

نسخ خطی کتابخانهٔ عامه کابل با رقم ناصرالدین علی در سنه ۹۰۸ ق ۱۵۰۲ م در یك مرقع آستان رضوی مشهد قطعهٔ نستعلیق او با رقم کتبه ناصرالدین علی ببلدة بخارا موجود است . (خ ۹۳۷)

ـ۶۴ـ(۱۶۴)

منتخب بوستان و رباعیات جامی بخط محمدصالح :

از نسخ خطی کتابخانهٔ عامه‌کابل با رقم «کتبه . . . محمدصالح در نه صد و نود و شش ۹۹۶ ق (۱۵۸۷ م) تحریر یافت»

شاید این کاتب همان محمدصالح دردمند باشد (رك : ترکیه) و از بقایای مکتب هراتست .

-۶۵-(۱۶۵)

مرصادالعباد بخط علی تبریزی :

کتابخانهٔ عامه کابل . بخط نستعلیق خوش علی بن محمود تبریزی که ظاهراً در نیمهٔ دوم قـرن ۹ میزیست و غیر از میرعلی تبریـزیست (خ ۴۴۶)

-۶۶-(۱۶۶)

مناجات حضرت علی بخط میرعلی هروی :

ارگ کابل . بقلم نستعلیق عالی و رقم میرعلی هروی (خ ۵۱۳)

-۶۷-(۱۶۷)

مرقع قصیده حضرت علی بخط میرعلی :

کتابخانهٔ ملا محمد صدیق هـروی در هـرات ، دو قطعه قصیدهٔ منسوب بحضرت علیست بخط خفی میرعلی الکاتب در شوال ۹۳۰ ق (۱۵۲۳ م) (فکری)

-۶۸-(۱۶۸)

رسالهٔ طب بخط مرشد (رك : آلمان ۵)

خطی کتابخانه عامه کابل . با رقم : فی‌شهورسنه نهصدوچهل‌ودو هذه خط‌المرشدالکاتب. (فکری ۴۶)

-۶۹-(۱۶۹)

روضة‌الصفا بخط علی سمرقندی :

خطی کتابخانهٔ عامهٔ کابل . رقم آن : به اشارت و عنایت عالی

رتبت . . . فولاد خـواجه ابن مرحومی دیوانه خواجه روز یکشنبه ۷ ذیقعده فی تاریخ ۱۰۱۸ ق (۱۶۰۹ م) بردست بندهٔ حقیر . . . خـواجه علی بن میرك خواجه علی سمرقندی (فکری ۴۰) گویا این نسخه از بقایای اواخر مکتب هراتست .

-۷۰-(۱۷۰)

مجموعهٔ سبعه جامی و خمستین نظامی و امیرخسرو :

از نفیس‌ترین مخطوطات کتابخانهٔ عامهٔ کابل (ص ۱۲۲ فهرست دی‌بورکوی) $26\frac{1}{2} \times 37\frac{1}{2}$ سانتی قطع بزرگ و ضخیم ۴۱۳ ورق = ۸۲۶ صفحه . که ده صفحه اوائل کتاب نقاشی نفیس رنگین عالی متناظر و جمله کتاب ۴۳ مجلس مصور، والواح مرصع ومذهب مطلای متعدد کار هرات دارد ، که بخط نستعلیق عالی ریزاحمدالشیرازی بین ۸۹۹ق (۱۴۹۳ م) درایام عروج مکتب هرات نوشته وتصویروتذهیب و تحریر گردیده، که تصاویر آنرا به‌شاگردان بهزاد نسبت توان‌داد، و با وجودیکه در ترصیع و تزئین و تصویر این نسخه بسیار اهتمام بکار رفته بازهم خصایص هنری آن به پختگی کار شاهنامهٔ بایسنغری نمیرسد ، ولی این کتاب نفیس را در سرآمد آثار هنری مدرسهٔ هرات توان شمرد ، کـه دارای مزایای فراوان هنری از نظر کم و کیف هر دوست .

چهره کشی افراد و تزئینات و خصوصیات البسه عموماً خراسانی و شبیه آثار معتبر مکتب هراتست ، و مزیت خاص این نسخه اینست ، که در (ص ۴) مجلس دوم یك صفحهٔ کلان کامل دربار عظیم بلقیس را

با تخت و تاج او تصویر کشیده و دران جم غفیر نسوان درباری را با انواع البسه و زینت‌های فاخر زنـانه نشان میدهد ، که اینگونه تصویر جمعیت بزرگ نسوان در آثار باقیماندهٔ هنری بسیار کمست ، ویکنفر محقق میتواند ازین مجلس ، وضع مادی وروحی نسوان عصر تیموریه، مخصوصاً طبقات اشراف را تعیین و تشخیص نماید .

درین صحنه بلقیس بـر تخت نفیس کار بسیار ریزه زمینه طلا با تاج زرین و سیاه و عبای سرخ و پیراهن لاجوردی نشسته و دورادور تخت اوجم غفیرزنان خوش‌پوش با چهره‌های خراسانی‌وماوراءالنهری نشسته وایستاده دیده می‌شوند ، درفضای مجلس فرشتگان زیبای بالدار درپروازاند ،درآخرصحنهٔ وسیع مفروش به کاشیهای رنگین خوشنما، جوی آب با رنگ تیره و حوضی کوچك دارای ماهی دیده می‌شود . در بین صحنه دو تن زن رقصندهٔ زیبا دارای قدهای رسا و با لباسهای مزین میرقصند . و حـواشی و اطراف این صحنه آنقدر با تـرنجهای گوناگون و اشکال و خطوط‌وتشعیرها تزئین شده که حقیقتاً نظر رباست.

در مقابل این صفحه کلان ، صفحهٔ متناظر ۳ بین همان حواشی ترنجی رنگین یـك مجلس بزرگ مردانه است که در دامنهٔ کـوههای اسفنجی کمی سرخ‌رنگ ، مردی با عمامهٔ سپید متوسط و کلاه سیاه و عبا و پیراهن فاخر مزین به گل‌کاری ریزه با چهره خراسانی بـرتختی مرصع و مطلای بسیار زیبا نشسته ولی مانند پیامبران و روحانیان هنر هرات ، هاله نوروفرآسمانی بدور چهرهٔ او دیده نمیشود ، وفقط شاهی است بر تخت نشسته که فقط جنبه روحانی و پیامبری او را با عمامهٔ سپید وانموده‌اند .

این سلیمان داستانهای ماست که بدوطرف راست و پائین تختش انواع دیوان مهیب و حیوانات واقعی و تخیلی از زرافه تاکژدم و شیر و آهو و خرگوش و پلنگ و اشتر و سگ و غیره با رنگهای گوناگون و هم فیلی با یراق رنگین نفیس وفیلبان نیمه عریان هندی دیده می‌شوند و بطرف چپ جم‌غفیر مردم ریش‌دار تنک‌موی با عمایم و برخی با خود و کلاهی مانند فرنگی و چهره‌های خراسانی + ماوراءالنهری روی‌گرد تنک‌موی معمم‌اند ، و هنرمند توانسته انواع حیوانات ودیوان وانسانها را در یك صحنه فراهم آورد .

فضا و آسمان این مجلس بالای کوههای اسفنجی رنگ طبیعی آسمانی دارد ، که دران مرغان کوچك و کلان در پروازند ، و یك پرنده با هیکل عظیم و شکل عجیب و چنگال و بال و پـر بسیار دراز فضا را سراپا گرفته که این شکل تخیلی سیمرغ افسانوی باشد .

این مجلس دربارسلیمان و بلقیس ملکهٔ او که بردو صفحهٔ متناظر در آغاز کتاب تصویر گـردیده ، مطابق سنت نسخه‌های معتبر مکتب هراتست ، که در آغـاز شاهنامهٔ بایسنغری (ایران شماره ۱) و لـوایح جامی (اتحاد شوروی شماره ۱) و خمسهٔ نظامی (انگلستان ۱) و غیره نیز چنین صفحات متناظر مصور و مـرصع منقش خارج از متن کتب دیده میشود .

بعد ازین دوصفحهٔ مصورمتناظر، تا صفحه۱۱ همه‌صفحات تمام منقوش مرصع ملونیست ،که رنگهای اصیل‌گوناگون معدنی درنقاشی ترنجها و جداول و گل‌کاریهای آن‌کار شده ، ولی‌تمام این آرایش‌های فراوان به لطافت وظرافت شاهنامهٔ بایسنغری نیست،وازان پدید می‌آید

که کارمکتب هرات بعد از انتقال به بخارا یا به مشهد و قزوین وشیراز کم کم همان اصالت وظرافت خاص خود را از دست داده ، و یا اذواق مختلف هنرمندان محیطهای دیگر دران اثر خود را گذاشته است .

ص ۵ تماماً مرصع ومطلا و ملون به لاجورد وشنگرف واشکال و خطوط گوناگون و تشجیرو تشعیر است که دورهای مکرر ترنجهای کلان وکوچك وجداول وگل کاریها دارد ، و در بین این نقوش نظرربا به سپیداب درمتن صفحه این بیت اول مخزن الاسرار نظامی مسطوراست:

هست کلید در گنج حکیم الخ . . . .

صفحه ۶ هم تماماً نقاشی متناظـر با ص ۵ است . و از (ص ۷) سبعهٔ مولانا جامی در متن آغاز می‌شود ، و بعد ازین تا آخر کتاب هر سه صفحه دارد :

در متن هفت اورنگ جامی .

حاشیهٔ اول دو ستونه مزین و منقش با دندان موش تحریر بین‌السطورین خمسهٔ نظامی. حاشیه دوم دو ستونه خمسهٔ امیرخسرو .

خلای بین ابیات نقاشی ریزه دارد ، و برای تقسیم ستونها پنج جدول زنگاری با گلهای کوچك سپیداب کشیده‌اند ، و این ترتیب تا ص ۱۱ با رعایت تناظر هنری صفحات دوام میکنند .

از ص ۷ درمتن تحفة‌الاحرار جامی وبرحاشیه اول مخزن‌الاسرار نظامی و برحاشیهٔ دوم مطلع‌الانوار امیرخسرو آغاز می‌شود وبعد ازین تا آخرکتاب هرصفحه سه ترنج طلائی با نقاشی‌های کوچك درکنج‌ها دارد ، و عناوین بین ستونهای کـوچك نقاشی شده بـه سپیداب نوشته شده است .

درآغاز هر کتاب چه درمتن آثار جامی و چه در دوحاشیه خمسهٔ نظامی وخمسهٔ امیرخسرو یك سرلوحهٔ نفیس کوچك مرصع ومنقش رنگین دارد ، که در بین آن نام کتاب و مؤلف را با سپیداب نوشته‌اند .

این کتاب علاوه برصفحات گذشته منقش و ملون و مصورسابق‌الذکر (۴۳) مجالس تصویر ومنیاتور مربوط به مضامین کتب سه شاعر هم دارد با قطع‌های مختلف ثلث و ربع و خمس صفحه یا کوچکتر ازان درصفحات ذیل :

۳- ۴- ۵۲- ۵۶- ۶۱- ۷۰- ۸۶- ۹۶- ۱۰۹- ۱۳۰- ۱۴۱- ۱۴۹- ۱۸۲- ۱۸۸- ۱۹۳- ۲۰۰- ۲۰۷- ۲۲۲- ۲۵۰- ۲۵۶- ۲۷۹- ۳۰۱- ۳۱۸- ۳۳۸- ۳۴۶- ۳۵۲- ۳۵۷- ۴۰۵- ۴۱۹- ۴۳۸- ۴۵۴- ۴۶۲- ۴۷۱- ۴۸۴- ۴۹۳- ۴۹۶- ۵۰۲- ۵۰۷- ۵۱۳- ۵۱۶- ۵۳۴- ۵۶۸- ۶۷۸ .

این مجالس مصور خورد و کلان ، غالباً بقلم هنرمندان متعدد نگاشته شده ، زیرا در خصوصیات هنری و چهره کشی آن فرقی دیده می‌شود و برخی ازین مجالس را از متن مکتوب کتاب به حاشیه‌های خالی آن هم برده‌اند .

ترتیب کتابت آثار سه شاعر درین مجلد ضخیم :

در متن سبعهٔ جامی :

تحفة‌الاحرار ص ۷ . سبحة‌الابرار ۷۷ . یوسف و زلیخا ۱۹۱ . سلسلة‌الذهب ۳۳۹ . سلامان و ابسال ۵۸۱ . لیلی و مجنون ۶۲۵ . خردنامهٔ اسکندری ۷۶۱ .

حاشیه اول خمسهٔ نظامی :

مخزن‌الاسرار ص۷. لیلی ومجنون ۶۴ . خسرو وشیرین ۱۷۹ .

لیلی و مجنون مکرر ۳۲۳ . هفت‌پیکر ۴۳۶. شرفنامه اسکندری ۵۵۶ . اقبالنامه ۷۱۸ .

حاشیهٔ دوم خمسهٔ امیرخسرو :

مطلع‌الانوار ص ۷ . خسرو و شیرین ۲۳۲ . لیلی و مجنون ۴۶۳ . آئینهٔ سکندری .... هشت بهشت ۶۳۷ .

کاتب این نسخهٔ ضخیم و مهم که از آیات هنرخراسان شمرده می‌شود، خطاط ماهر این‌عصر احمد شیرازیست که بخط نستعلیق خوش او یك نسخهٔ مطلا و منقش و مصورمجالس‌العشاق منسوب به سلطان‌حسین بایقرا با ۳۲ مجلس مصور سبك هرات در بانکی پورهند (نمبر ۶۶۳) موجود است که تاریخ کتابت ندارد ، ولی‌در آخر رقم «احمد‌الحافظ الشیرازی» دارد . (رك : هند ۴۷)

احمد در آخر سلسلة‌الذهب جامی (ص ۵۸۰) چنین رقم کرده است :

«تم‌الکتاب‌المسمی بسلسلة‌الذهب بتوفیق‌الملك الرب‌المسبب لکل سبب‌الفقیر المستجیر من کرمه من نارذات‌لهب ، احمدالشیرازی» .

درخاتمه این‌مجلد ضخیم‌تاریخ ختم آن چنین است (ص ۸۲۶) :

«تمت‌الخمستین والسبعه بتوفیق‌الله الملك‌المنان ، فی‌شهورتسع‌وتسعین‌وثمانمائه» .

این نسخهٔ نفیس در کتابخانه امیرعبدالرحمن خان در کابل بود، و مهر کتابخانهٔ او هم دارد . بعدازان بکتابخانهٔ پسرش امیرحبیب‌الله خان انتقال یافته و مهر کتابخانه او دارد .

نمیدانم کـدام وقت این نسخه صحافی شده و حواشی کاغذی اصل آنـرا بریده‌اند ، و حواشی عریض ابـری خوشنمای منقش را با تمام اوراق آن چسپانده و اضافه کرده‌اند . ولی‌از وقایهٔ‌آن معلومست که در همین عصر امیر حبیب‌الله خان در سنه ۱۹۱۵ م سالیکه شیخ ـ محمدرضاورق‌فهرست ومعرفی‌نامه‌رامینوشت، یك‌وقایه‌لاکی‌لاجوردی رنگ روغنی را برای‌آن ساخته و نشان محراب ومنبربین شعاع آفتاب را در کابل بران زرکوبی کرده‌اند .

در ربیع‌الاول ۱۳۳۴ ق ۱۹۱۵ م بفرمان امیر حبیب‌الله خان یك صفحه معرفی و تقریظ و فهرست این کتابرا شیخ محمدرضا خراسانی بخط خـوش نستعلیق در آغاز اینکتاب ضم کـرد ، و همین مطالب را درین صفحه نوشت ، که اکنون هم با آن موجود است .

با این‌معرفی‌نامه فهرست کتابهای این مجموعهٔ بزرگ‌با فهرست تصاویر ضمیمه شده ، که اینك مـا درینجا مجلس آخرین مصور ایـن مجموعهٔ نفیس راکه برحاشیه خارج از متن جامی بر (ص ۶۷۸) واقع شده ذیلا معرفی میکنیم :

این تصویرمجلس مهمانی‌کردن خاقان چین اسکندر راست، که خاقان چین جوانیست بی‌ریش تاجـدار با خصائص چهره‌کشی چینی ، که بدست راست اسکندر برتختی عالی و مزین مرصع نشسته‌اند ، و اسکندر شخص ریش‌دار با چهرهٔ خراسانیست وتاجی فاخر برسردارد. تزئینات و رنگ‌آمیزی و خصایص هنری ایـن مجلس ، مانند مجالس دیگر این کتاب متعلق به فروع مکتب هراتست .

-۷۱-(۱۷۱)

کیمیای سعادت امام غزالی کار هرات :

از مخطوطات نفیس کتابخانهٔ عامهٔ کابل .

بخط نسخ خوب نیم‌جلی و قطع کلان . چند سرلـوحهٔ نفیس عالی منیاتورکار هرات دارد ، ولی نام کاتب و تاریخ ندارد .

-۷۲-(۱۷۲)

تحفةالاحرارجامی به‌خط خواجه جان :

خطی کتابخانهٔ عامه کابل . بخط نستعلیق خوش خواجه جان‌بن سلطان احمد سیاوشانی (هروی) غرهٔ محرم ۹۳۹ ق (۱۵۳۲ م)

بخط همین خواجه جان نسخهٔ دیگر تحفةالاحرار در مجموعـهٔ چستربیتی لندن نیز هست که در بخارا در سنه ۹۵۴ ق ۱۵۴۶ م نوشته شده (خ ۱۸۱)

-۷۳-(۱۷۳)

مثنوی معنوی بخط سلطان محمود هروی :

در ملك مایل هروی در کابل ۲۲ × ۱۲ س به نستعلیق عالی و دو صفحه نقاشی طلا وشنگرف و لاجورد کار هرات .

آخردفتراول : تمام شد دفتراول مثنوی مولوی درشب جمعه.. الفقیر سلطان محمود کاتب‌الهروی .

آخردفتردوم: تمت‌المجلدالثانی.. .فی‌یوم‌الجمعه ۹۰۷ هجری.

آخردفترسوم : تمت‌الکتابةالمثنوی معنوی‌المولوی فی‌جمادی‌-الاولی‌سنه تسع‌وتسعمائه‌علی‌یدالعبدالفقیرالمذنب سلطان‌محمودالکاتب.

بدین نهج این نسخهٔ‌نفیس از۹۰۷تا۹۰۹ق (۱۵۰۱-۱۵۰۳م) تحت

کتابت بوده و بعدازان بهند برده‌شده ودر۹۷۷ ق ۱۵۶۹ م در کتابخانه منعم خان بود و برصفحهٔ اول آن چنین نوشته‌اند :

«این کتابرا خواجه زین پیشکش کرد ، روز دو شنبه غره شهر صفرالمظفرسنه سبع وسبعین‌وتسعمائه ببلده جونپور. . . الراجی الی-الکرم‌المکرم منعم‌بن منعم» .

ـ۷۴ـ(۱۷۴)

تیمور نامه هاتفی بخط میرعلی :

از نسخ خطی کتابخانهٔ عامهٔ کابل . ۵، ۲۴×۱۵ س ۱۶۱ ورق ۱۲ سطری به نستعلیق ممتاز دارای یك سرلوح مذهب و حواشی مزین با رقم «علی الکاتب الهروی» ارقام تاریخ آن زیـر طلا و دندان موش مذهب رفته و خـوانده نمیشود . تـزئینات و نقاشی آن بسبك مکتب هراتست ، دو صفحهٔ اول متناظر منیاتور عالی و دندان مـوش مطلای بین السطورین دارد ، حواشی آن تماماً گـل‌کاری افشان طلا و رنگین بسیار عالی هرات دارد .

ـ۷۵ـ(۱۷۵)

قرآن شریف کار هرات :

در ملك شخصی مایل هروی درکابل . ۴۱×۲۴ س ۱۰ سطری به ثلث بسیار عالی و جلی با نشانه‌های طلائی آیات و جداول طلائی‌و شنگرف . هرصفحهٔ نوشته شده ده سطری ۲۹×۱۶ سانتی بین جداول طلائی و شنجرف برکاغذ خانبالـغ اعلی .

حواشی آن سپید است و بران صدها ترنج زیبا از نسخهٔ دیگری

بریده وچسپانده‌اند. اوائل سوره‌ها لوحهای زیبا تا ۱۱۳ لوحه به طرح‌های مختلف طلاکاری و نقاشی با لاجورد دارد، که همه کار قدیم هراتست و خط آن هم به یکی از استادان این مکتب می‌ماند . ورق اول و در آخر از سوره تبارك ۲۹ تا پایان قرآن نو نوشته شده و هر صفحهٔ قدیم آن افشان‌طلا دارد که ممیزات تزئین آن بکار هرات شباهت تمام میرساند.

-۷۶-(۱۷۶)

یك کتابه سلطان علی مشهدی در هرات

به نستعلیق بسیار زیبای جلی روی سنگ مرمر طرف غربی مزار خواجه عبدالله انصاری در گازرگاه هرات بردیوار سکوئی نوشته است:

«این صفحه بدیع البنیان منیع الارکان که از کمال صفوت وصفا و غایت بهجت و بها ، حاکی نزهت ریاض رضوان و راوی زینت مناظر جنان است و انوار رحمت الهی و آثار فضل نامتناهی از ساحت با راحتش لایح و تابان. از برای مرقد سلطان سعید، مغفور غیاث السلطنه والدین منصور و اولاد مبرورش عمارت یافت بتاریخ سال هشتصدوهشتادودو ، که فضل بی‌پایان بیان آن می نماید و نفحات خلد برین از شمایم تربت عنبرینش متنسم آید :

چون بهشت از «مرقد منصور سلطان» رخ نمود
این عمارت را بوجه بس نکو تاریخ بود»

بدینطور نمونهٔ بسیار عالی نستعلیق جلی سلطان‌علی مشهدی برین صفهٔ مرقد منصورمیرزا پدرسلطان‌حسین بایقرا باقیست که تاریخ کتابت آن «مرقد منصور سلطان+ب=۸۸۲ ق (۱۴۷۷ م) باشد .

-۷۷-(۱۷۷)

هشت بهشت امیرخسرو بخط محمد فوشنجی :

از کتب خطی کتابخانهٔ پوهنتون کابل ۵۴۷۱۲ خ ۱۶۰ . ۹۱ صفحه ۴ ستونی. برکاغذ خانبالغ خط نستعلیق خفی زیباو جلد ابری دوره چرمی. با رقم : محمدبن ناصرالدین فوشنجی در سنه ۸۹۰ق ۱۴۸۴ م .

این نسخه سرلوحهٔ زیبائی داشته که مطموس شده و جداول صفحات آن طلائی خفیف وخط و تزئین آن بکار هرات نزدیکی دارد .

-۷۸-(۱۷۸)

مجموعهٔ رسائل بخط قطب هروی :

خطی پوهنتون کابل ۴۱۱ خ ۱۸×۲۳ س ۵۱۰ صفحه بر کاغذ سمرقندی جلد چرمی بخط نستعلیق قطب‌الدین احمدالهروی بن علی‌شاه در ده نوچغانیان ۹۳۴ ق ۱۵۲۷ م مشتمل بر :

۱- رسالهٔ شرح اربعین امام نووی .

۲- رسالهٔ حق نماء شیخ سعدالدین حموی .

۳- رساله در بیان نقطه .

۴- ملفوظات شاه نقشبند .

۵- رسالهٔ حورائیه ناصرالدین عبیدالله خواجه احرار .

۶- رسالهٔ سعدالدین کاشغری .

این مجموعهٔ رسائل نایاب از حیث موضوع نیز مغتنم و مبین وضع فکری آسیای میانه در ریعان هنری مکتب هراتست .

-۷۹-(۱۷۹)

روضة‌الاحباب بخط باقی‌محمد :

خطی پوهنتون کابل ۴۶۲ خ ۲۵×۱۶ س ۸۷۸ صفحه بر کاغذ

خانبالغ جلد چرمی مطموس شیرازه شده و بـه نستعلیق کتابت باقی محمد بن سلطان علی النو نداکی درسنه۹۲۷ ق ۱۵۲۰م درهرات نوشته‌شده است، که تألیف آن هم ازمیرجمال‌الدین عطاءالله درهراتست.

-۸۰-(۱۸۰)

لوایح جامی

خطی پوهنتون کابل ۴۷۸ خ ۲۵×۱۶ س ۵۲ صفحه بـر کاغـذ خانبالغ رنگه بصورت قطعه‌سازی به نستعلیق بسیار اعلی که نام کاتب و تاریخ ندارد.

صفحهٔ اول این کتاب ترنج تشعیری عالی دورهٔ تیموریان دارد، که بعداً بـران وصل شده و تمام کتاب نمایندهٔ هنر هـرات در عصر جامی است.

-۸۱-(۱۸۱)

قرآن شریف بخط سیاوش بن احمد وتذهیب عبدالصمد:

نسخهٔ نفیس خطی پوهنتون کابل ۴۹۰ خ ، که منقش و مجدول مطلای رنگین است. در هـر سه صفحه آیات قرآنی را به ثلث جلی عالی طلا و لاجورد نـوشته و در بین این سه سطر جلی ، بخط نسخ زیبای خفی چندین سطررا به سیاهی نگاشته است. و هرصفحه جداول تحریرشدهٔ طلایی‌دارد، علامات رکوع برحاشیه شمسه‌های مدوررنگین لاجورد و طلاست که به نقاشی لطیف آراسته‌اند. اوائل سورلوحه‌های مستطیل کوچك مرصع با نقاشی دقیق دارای خطوط اسلیمی و نـوشته خط رقاع دارد.

در آغاز قرآن ، سورهٔ فاتحه و اوائل سورهٔ الم بردو صفحهٔ متناظر به خط رقاع طلائی برزمینهٔ لاجوردی در بین ترنج مدور مرصع و منقش دقیق نوشته شده و دور نـوشتهٔ طلائی یك خط سیاه دارد که کاتب این خطوط زیبا یکنفرخطاط بسیارماهر و استادیست کم شناخته‌ـ شده بنام سیاوش‌بن‌احمد .

در آخر قرآن دو صفحهٔ متناظر دارای نقاشی عالی شبیه مکتب هرات است ، که در بین هرصفحه یك‌ترنج مشابه دو صفحهٔ اول قرآن دیده می‌شود ، کـه برزمینهٔ لاجورد بخط رقـاع طلا در بین گل‌کاری لطیف چنین نوشته‌اند :

«هوالله سبحانه‌وتعالی. این‌مظهرخیرالکلام سبحانی‌ومظهر بدایع حقایق و معانی که خط الواحش از خوبی خطوط شمسهٔ زنگار مهر و الواح لاجوردی سپهر را زیوریست ، و هـر یك از آیات بلندرایاتش براوج رفعت و ذروهٔ هدایت اختری .

درسنهٔ ثلاث واربعین‌وتسعمائه صفت اتمام یافت و سمت تحریر پذیرفت . شرف بکتابته اقـل‌الخلایق‌الموفق بعنایت‌الملك‌الاحدالصمد سیاوش‌بن احمد و خدمه بتذهیبه وتحریره عبدالصمدالشیرازی الحافظ احسن‌الله حالهما ومآلهما آمین» .

در پنج ورق مابعد زیریك‌سرلوحهٔ مرصع زمینه لاجورد، فالنامهٔ قرآنی بخط نستعلیق خوش نیمه‌جلی‌نوشته شده که‌بین‌السطورین منقوش دارد،وعدد اوراق تمام اوراق نسخه ۸۹۱ بقطع ۱۷ × ۱۲ سانتی‌است.

چون مضمون خاتمهٔ نسخه بین دو شمسهٔ مرصع اخیر مطموس بود ، در سنه ۱۳۳۳ ق ۱۹۱۴ م مالك این نسخهٔ عبدالقادر خان کـرنیل

طرق آنرا در کابل به شیخ محمدرضا خراسانی سپرد تا آنرا خواند و عین مضمون فوق را بخط خوش نسخ خود در دو شمسهٔ نظیر اصل، که محمدرضا خان نقاش نائب‌السلطنه سردار نصرالله خان بن امیر عبد-الرحمن خان نقاشی و تقلید کرده است نوشت و در دو صفحهٔ جدید این مطالب بخط نسخ خوش شیخ محمدرضا خراسانی دیده می‌شود.

چنین بنظر می‌آید که کاتب متن قرآن در تمام خطوط دست قوی داشت و در متن ثلث و نسخ و رقاع را در کمال قدرت نوشت و در آخر فالنامه را هم به نستعلیق خوش با مزهٔ نیمه جلی نگار داد، و این سال ۹۴۳ ق ۱۵۳۶ م است که عبدالصمد شیرازی مذهب ومحرر این نسخه هنوز در تبریز و ایرانست و او را همایون پسر بابرشاه در سنه ۹۵۶ ق ۱۵۴۹ م بکابل خواست و ازانجا با خود بهند برد.

بنابرین باید گفت که متن نسخه باید درایران در مکاتب متفرع از هنر هرات در عصر صفویان نوشته و آراسته شده باشد و کاتب آن سیاوش بن احمدرا ازخطاطان همین‌عصر باید شمرد.(رك: انگلستان۷۳)

علاوه برمحاسن فراوان هنری، وقایهٔ این نسخه که بسیار سالم مانده ارزش خاصی دارد، کـه روغنی لاکی مرصع و طلاکار نفیس است، نقاشی آن در کمال زیبائی ودلکش است و هردو صفحهٔ اول و آخر بیرونی آن متناظرند و دوصفحهٔ درونی آن هـم مرصع و منقش با گل‌کاری دلکش و نظرنواز ساخته شده و الوان گوناگون را با نقوش متوازن دران کار کرده‌اند، کـه از مصنوعات بسیار عالی کشمیر در عصر مغولیهٔ هند باشد.

ـ۸۲ـ(۱۸۲)

یك تفسیر عربی

خطی پوهنتون کابل ۱۱۱۳۵۱ بقطع کلان ۴۵ × ۳۰ س و حجم درحدود ۵۰۰ ورق بر کاغذ خوقندی بخط نسخ متوسط و جداول سیاه و لاجورد که در بین آن طلای خفیف کار شده ، و یك سرلـوحهٔ شبیه کارهرات دارد برزمینهٔ لاجوردیوگل کاری سرخوعنابیوطلای خفیف.

ـ۸۳ـ(۱۸۳)

مجموعهٔ سه کتاب جامی

مشتمل بردو حصهٔ سلسلةالذهب و سلامان و ابسال که در سنه ۹۹۰ ق ۱۵۸۱ م در هرات نوشته شده و سه لوحهٔ کارهرات دارد . (در یك مجموعهٔ شخصی کابل)

ـ۸۴ـ(۱۸۴)

قرآن عظیم بهخط شمس‌الدین‌بن فخرالدین :

این نسخهٔ نفیس بقلم بسیار عـالی متوسط نسخ در سنه ۹۲۰ ق ۱۵۱۳ م نوشته شده که کاتب آن غالباً همان شمس‌الدین کرمانیست که آثار خط او در ایران و ترکیه موجود است . این نسخه دریك‌مجموعهٔ شخصی کابل دیده شد (رك : فهرست)

علاوه برخط بسیارممتازاین نسخه دارای محاسن هنریست اوائل سور آن لوحه‌های بسیار زیبای شبیه کارهرات دارد ، و برحواشی‌اکثر صفحه‌ها ترنج‌های مرصع بسیار زیبای‌کوچك‌ومتوسط رنگین با الوان سرد کار شده است .

کاغذ سمرقندی ´لك۲۸ × ۱۸ سانتی۴۱۸ ورق‌که ۱۱۲ سرلوحهٔ نفیس منقش اوائل سوره‌ها و هم بر حواشی‌آن از ۱ تا ۴ ترنج ملون

بانواع مختلف در حدود هزار ترنج در تمام قرآن دارد و کاتب در آخر آن شمس‌الدین الحافظ الکاتب امضا کرده است .

-۸۵-(۱۸۵)

گلستان سعدی بخط پیرعلی :

نسخهٔ نفیس قطع بزرگ به نستعلیق جلی بسیار عالی که درزمان شاه جهان پادشاه مغولیه هند بخط پیرعلی هروی ابن ملا عبدالـرحیم عنبرین قلم در سنه ۱۰۳۸ ق ۱۶۲۸ م در مـدرسهٔ هنری مغولیهٔ هند کـه متفرع از مکتب هراتست نوشته و آراسته و تذهیب شده است .

کاغذ این نسخه ملون و حواشی ابـری منقش آن بعداً قطاعی و پیوسته شده ، و منیاتور و نقاشی همین عصر هندوستان دارد (کتابخانهٔ عامهٔ کابل ، شعبهٔ نسخ خطی)

این نسخهٔ نفیس قبلا بدربارشاهان افغانی تعلق داشت و برصفحهٔ اول آن امیر حبیب‌الله خان چنین نوشته است :

«درسنه‌یك‌هزارودوصدو نودوهشت‌هجری قبلهٔ‌مرحومم ضیاءالملة والدین پادشاه افغانستان کتاب هـذا را بدست مبارك خود جهة درس من مرحمت فرموده بودند .

در سنه ۱۳۲۶ هجری بطریق یادداشت تحریر شد . دستخط سراج‌الملة والدین امیر حبیب‌الله» .

-۸۶-(۱۸۶)

مناجات عبدالله انصاری بخط ابن محمدحسین :

از نسخ خطی کتابخانهٔ عامهٔ کابل . به نستعلیق بسیار عالی جلی

چهار رنگ لاجورد ، سیاه، شنجرف ، طلا با رقم «ابن‌محمد، حسین‌الحسینی» بر کاغذ خان‌بالغ که سنه کتابت ندارد ، و در اول دو لوحهٔ متناظر کار اواخر مکتب هرات با منیاتور زیبای مرصع و مذهب دارد .

‐۸۷‐(۱۸۷)

کلیات سعدی بخط محمدعلی :

از مخطوطات کتابخانهٔ عامهٔ کابل . به نستعلیق خفی کاتب محمدعلی در سنه ۱۰۶۴ ق ۱۶۵۳ م کـه از متفرعات اواخـر مکتب هراتست . سرلوحهٔ کتاب منیاتورکار بخارا با حواشی مشجر زیبا دارد . بقول مرحوم فکری سلجوقی این محمدعلی داماد عمادالحسنی است .

‐۸۸‐(۱۸۸)

شرح نهج‌البلاغه بخط عبدالله :

از مخطوطات کتابخانهٔ عامهٔ کابل . قطع کلان به نستعلیق و نسخ خوب کاتب عبدالله بن‌علی در ۱۰۶۱ ق ۱۶۵۰ م نوشته شده که سرلوحهٔ منیاتور شبیه کار بخارا دارد .

از نظر هنر این نسخه خیلی رنگین و جالبست ، حواشی مشجر رنگین مطلا بر کاغذ خوقندی دارد ، و یکی از نسخیست که به یك فرع مکتب هرات غالباً در خراسان در اواخر تشعشع هنری هرات تعلق میگیرد .

‐۸۹‐(۱۸۹)

تفسیر حسینی کار بخارا :

از مخطوطات کتابخانهٔ عامه کابل . به نستعلیق خفی خوب ، قطع کلان در دو جلد . در اوائل سور لوحه‌های کوچك اواخر کار مکتب هرات در بخارا دارد . جداول صفحات آن طلا و لاجورد است . نام

خطاط و تاریخ کتابت ندارد .

این نسخه در کتابخانهٔ امیر عبدالرحمن خان بود که مهرهای همین کتابخانه دارد .

-۹۰-(۱۹۰)

نفحات‌الانس کار هرات :

از مخطوطات کتابخانهٔ عامهٔ کابل . به نستعلیق عالی نیم‌جلی خطاط نامعلومی در سنه ۹۸۹ ق ۱۵۸۰ م نوشته شده که کار تذهیب و ترصیع آن بهرات میماند و یك سرلوحهٔ منیاتور دقیق با گل کاری و تشعیر و نقاشی کار هرات دارد .

در سنه ۱۰۲۲ ق۱۶۱۲ م تکملهٔ عبدالغفور لاری را برین کتاب، با خط خوش نستعلیق دیگری نوشته‌وضمیمهٔ این‌نسخهٔ نفیس نموده‌اند.

-۹۱-(۱۹۱)

معارج‌النبوه کار بخارا :

از مخطوطات کتابخانـهٔ عامهٔ کابل . تاریخ کتابت و نام کاتب ندارد،وبامرسلطان‌عبدالعزیزخان‌بن عبیدالله‌خان درارگ بخارا نوشته و پیراسته شده ، خط آن نستعلیق عالی‌ودرآغاز دو صفحه متناظر منیاتور کار بخارا دارد ، که نهایت جالب و عالیست .

-۹۲-(۱۹۲)

معارج‌النبوه بخط دولت‌محمد :

ازمخطوطات کتابخانهٔ عامهٔ کابل . نستعلیق متوسط با رقم کاتب دولت‌محمد در سنه ۱۰۰۷ ق ۱۵۹۸ م .

دو صفحهٔ اول‌آن لوحه‌های متناظر منیاتور نفیس شبیه کاربخارا

دارد صفحات آن با جداول رنگین و طلائیست ، که از کارهای اواخر مکتب هرات در ماوراءالنهر شمرده می‌شود .

۹۳-۹۷(۱۹۳-۱۹۷)

چند نسخهٔ خطی مثنوی مـولوی در شعبهٔ مخطوطات کتابخانهٔ عامه کابل (مربوط عدد ۷۳)

۹۳(۱۹۳) ـ مثنوی مولوی بخط محبی هروی و پسرش :

مخطوطه بسیار مهم ۳۴۴ ورقی ۳۸ × ۵، ۲۴ سانتی ۲۱ سطری ۴ ستونی . بـا وقایـهٔ مقوای لاکی طلاکوب گلدار ، که هردفتر آن سرلوحهٔ زیبای گل و برگ مجدول با منیاتور دقیق رنگین برزمینهٔ لاجورد کار هرات دارد ، که نمونهٔ بقایای مکتب هرات در بلخ است .

این نسخه بخط نستعلیق خوش با مزهٔ عالی و هم یك حصهٔ آن با نسخ پخته و دلکش خطاط معروف محبی هروی و پسرش عماد در قبةالاسلام بلخ برای ابوالغازی عبدالمؤمن خان نوشته‌وتزئین و تذهیب و تحریرشده ، جداول طلائی رنگین وحواشی تشعیربا اشکال حیوانی و نقوش لطیف دارد :

رقم آخر دفتر اول : محبی‌الهروی ۱۰۰۳ ق (۱۵۹۴ م)
رقم آخر دفتر سوم : محبی‌الهروی بقبةالاسلام بلخ ۱۰۰۵ ق (۱۵۹۶ م)
رقم دودفتردیگر: عمادالدین محبی‌الهروی- عمادالدین بن محبی.
رقم آخر کتاب :
«فی شهور سنه خمس والف علی یدالعبد المذنب محبی الکاتب غفرذنبه» .

آنچه دی‌بور کوی در فهرست کتب خطی افغانستان (ص ۱۶۴) نام خطاط این نسخه را تنها یحیی‌الکاتب‌الهروی نوشته ، سهو است .

این محیی‌هروی متوفا ۱۰۲۸ ق۱۶۱۸ م مدفون باغدشت هرات، مخطوطات دیگری هم درین کتاب دارد (رك : فهرست)

نسخهٔ کنونی نمایندهٔ خوب دوام‌مکتب هنری‌هرات در بلاد دیگر بعدازیك‌قرن است،که وقتی مالکی آنرا درقندهار به صد روپیه ابتیاع نموده و این مطلب را درسنه ۱۱۶۹ ق ۱۷۵۵م بران نوشته است .

۹۴(۱۹۴) ـ مثنوی مولوی کار هرات :

شش دفتر به نستعلیق ریزمجدول مطلاکه هردفترسرلوحهٔ منیاتور زیبا و مرصع شبیه کار هرات دارد .

وقایهٔ این مخطوطه بسیار رنگین مرصع مذهب لاکی و روغنی کار بخاراست که در نهایت زیبائی و ریزه‌کاری نقش وترصیع وتذهیب شده است ، و ازبهترین نمونه‌های تجلید این دوره بشمار می آید .ولی نام کاتب و تاریخ این نسخه نوشته نشده است .

۹۵(۱۹۵) ـ مثنوی مولوی بخط اسکندربن مسعود :

مخطوطهٔ نفیس قطع کوچك به نسخ عالی خفی کاتب اسکندر-ابن مسعود در سنه ۸۸۰ ق ۱۴۷۵ م ، که هردفتر آن صفحات منیاتور بسیار زیبای متناظر دارد با رنگهای معدنی‌و طلای ناب و ریزه‌کاری و ترصیع بسیار عالی نفیس کار قدیم مکتب هرات .

۹۶(۱۹۶) ـ مثنوی مولوی کار بخارا :

بدون نام کاتب و سنهٔ کتابت بخط نسخ عالی که هردفتر آن دو

صفحهٔ متناظر منیاتور عالی با رنگهای اصیل معدنی شبیه کار بخارا دارد ، و باید در اواخر قرن دهم کتابت و آراسته شده باشد .

۹۷(۱۹۷) ــ نسخهٔ ناسخهٔ مثنوی مولوی :

یك نقل خوب همان نسخهٔ ناسخهٔ مثنویات سقیمه است که عبد اللطیف عباسی بنیری درحدود سنهٔ ۱۰۴۷ ق ۱۶۳۷ م در تیراه و باجور (مساکن افغانان قبائل آزاد افغانستان) ازروی هشتاد نسخهٔ خطی مثنوی فراهم آورد ، ونسخ فراوان آنرا نوشت ونویسانید . این نسخه مربوط به دوام مکتب هنری هرات در بلخ و بخاراست و هردفتر آن سرلوحهٔ دلکش مرصع و مذهب منیاتورعالی دارد ، نام کاتب آن معلوم نیست .

ـ۹۸ـ(۱۹۸)

هشت بهشت بخط محمد فوشنجی :

کتابخانهٔ پوهنتون کابل . ۹۱ صفحه قطع کوچك . خط نستعلیق خفی خوب ، هرصفحه در چارستون مجدول زرد و لاجورد . عناوین طلائی و قرمز ، که در آغاز یك لوحهٔ مستطیل ۲ سانتی . منقش طلا و لاجورد شبیه کار هرات دارد ، ودرآخر کتاب رقم کاتب و تاریخ کتابت چنین است :

«پنج گنج حضرت امیرخسرو الدهلوی . . . . . . اسکنته فی فرادیس الجنان ، بتوفیق الملك المنان . . . الضعیف النحیف المحتاج الی رحمة الله محمد بن ناصرالدین الفوشنجی غفرله ولوالدیه ولجمیع المؤمنین والمؤمنات والمسلمین والمسلمات فی تاریخ یوم الخامس والعشر من شهر رمضان المبارك سنه ستةوتسعین وثمانمائه ۸۹۶ هجری»

-۹۹-(۱۹۹)

خمسهٔ نظامی بخط سلطان علی هروی و خامه بهزاد

درین مجموعه پنج اثر گنجوی. بطور غیر مرتب به قرار ذیل وقایه شده و در یك کتابخانهٔ شخصی کابل موجود است.

(۱) سکندر نامه ـ هردو قسمت آن یعنی ـ اقبال نامه ـ وشرف نامه

(۲) خسرو و شیرین

(۳) لیلی و مجنون

(۴) هفت پیکر

(۵) یکی دو صفحه از مخزن الاسرار ـ که اولین کتاب خمسه است.

چون این اثر نفیس بدست یکی از دشمنان صنایع ظریفه و شخص متعصب و ذوق افتاده در بیشتر موارد این نسخه جمیل و زیبا تصرف نموده خصوصاً تصاویر نفیس آنرا مطموس نموده و به تیغ ظلم و ستم چهره‌های اشخاص را تراش داده و در میان سطور شیوای این کتاب خط نا زیبا و بدنمای خود را ثبت نموده، حتی چند تصویر زیبای آنرا بکلی از بین برده است، صحافی که این نسخه ستمدیده را وقایه کرده کمتر از مالك بـی ذوق آن دربارهٔ این کتاب تقصیر نکرده، و بقول خود نظامی نسب نامه دفتر کیقباد را بدست باد داده، هر صحیفه را به جائی و هر برگی را بهوائی سپرده.

نسب نامهٔ دفتر کیقباد ورق بر ورق هر طرف برد باد

اکنون این کتاب برحسب ترتیب، چون تمثال مرمرین وعروس زیبائی است که سر را بجای سینه و دست را بجای پا گذاشته باشد،

باوصف این همه جفاها وستمها بازهم خوش بختانه مقدارزیادی ازاوراق این کتاب موجوداست که میتوان ازآن یك سکندرنامه و خسرو شیرین مکمل بدست آورد . از هفت پیکر و لیلی و مجنون نسبت بـه آن دو کتاب اول قدری بیشتر مفقود شده . باز هـم قسمت زیادی از این دو کتاب موجود است .

تصاویر :

در این کتاب ده تصویر موجود است به ترتیب ذیل :

تصویر اول . مـربوط به داستان رفتن اسکندر بـه هندوستان و خراب کردن بتخانه قنوج است. که در کناردریا واقع بوده ـ درین تصویر صورت بت زرین در رواق بتکده معلوم میشود، کشتی سکندرنیز بر کنار دریا درپهلوی بتکده سربرآورده این تصویرنهایت زیبا و نفیس است. در مجلهٔ روزگار نو نظیرآنرا کاپی کرده ، ولی کتیبهٔ که برفوق تصویر مندرجه کتاب ماست از کتیبهٔ تصویر مجله روزگار نو فرق دارد .

کتیبهٔ تصویر ما اینست : کشتی که درین گرداب گرفتار مـانده باشد ، در محل قصد کـردن نهنگ بدان کشتی با کوفتن این دهـل خلاص میشود .

تصویر دوم :

از چند بیت سکندرنامه معلوم میشود که تصویرمربوط به داستان سکندر به کوه البرز وفتح دژ دربند است، در برجهای حصار به خط کوفی برنگ لاجورد که در ظاهر بصورت کاشی معلوم میشود ، کلمه طیبه و چند کلمه دیگر نـوشته شده در کمربند یك برج زیـر کلمات طیبات این مصرع به خط نسخ به سفیداب خوانده میشود : (اگر افتد

از برج او سنگی) و در مدخل حصار در پیشانی دروازه ، این مصرع خواجه شیراز بخط نسخ به سفیدآب نوشته شده (بس در بسته به مفتاح دعا بگشایم) و چند کلمهٔ دیگر نیزدر کمربندهای بروج خوانده میشود که از هم گسیخته و معلوم نمیشود که نظم است یا نثر ـ مزیت خاص این تصویر درین است که به همان خطی که تمام خمسه نوشته شده این کلمه در زیر این تصویر واضح نوشته شده است (صورهٔ بهزاد) این تصویر درامتزاج رنگ و نفاست اشکال و ترسیم خطوط، نهایت زیبا و ممتاز است مع‌الاسف که اکثر صورتها مطموس شده .

تصویر سوم :

مرکب ازدوپارچه میباشد ، که درگوشه بالای آن طرف راست یك پارچه جدید نصب شده ، که به هیچ صورت به سائر تصاویر این کتاب مانند نیست و بدیگر قسمت‌های این تصویر نیز شباهتی بهم نمی‌رساند . در بالای تصویر تذهیبی که شده جدید و نسبت بـه سائر زراندودهای این کتاب خام و کـودکانه است . تصویر عبارت از یك صحرای عربستان و سیاه چادر مجنون و داستان شوریدگی و صحرا ـ نشینی مجنون با سباع و وحوش و آمدن نوفل نزد اوست .

تصویر چهارم :

این تصویر نسبت به سائر تصویرها ثابت‌تر مانده و معلوم میشود که آموزشگاه مجنون است. آموزشگاه به شکل مساجد اسلامی ترسیم شده،طرف راست رواق بزرگ‌مسجد و در وسط بشکل محراب است. در پیشانی رواق مسجد به خط ثلث به سفیدآب نوشته شده است :

«قال‌النبی صلی‌الله‌علیه‌وسلم عجلوا بالصلواة قبل‌الفوت، وعجلوا

بالتوبة قبل الموت» برفراز کلمات مذکور بخط کوفی و بحل طلا چهار مرتبه الملك لله نوشته شده که تا خوب دقت نشود خوانده نمی‌شود - برفرازمحراب بخط ثلث به سفیدآب «الصلوة عمادالدین» نوشته شده، خطوط ثلث آن بحدی زیبا و نفیس نوشته که بیننده را مات و مبهوت میسازد ، گل و برگها و سائر خطوط و اشکال و ظرایف و دقایق و ریزه‌کاریهای رواق ومحراب ومنبردرین تصویر که از خصایص بهزاد و دبستان اوست تا اندازهٔ ثابت مانده و مایهٔ اعجاب و شگفت بیننده است . برسر در مدرسه دو بیت نوشته شده است که بخط کاتب این نسخه‌است و بیتها مربوط به داستان مکتب وبروزن لیلی ومجنون‌نظامی است و آن دو بیت اینست .

هر کودکی که از امید و از بیم — مشغول شده به درس و تعلیم
با آن پسران خرد پیوند — هم لوح نشسته دختران‌اند

این مدرسه با تمام ریزه‌کاری‌ها و دقایقی که بخانهٔ بهزاد تصویر شده عیناً شبیه مدرسهٔ‌بی‌بی خانم درسمرقند است ،که یکی ازشهکارهای صنعتی و معماری دورهٔ تیموری است .

تصویر پنجم :

اشکال این تصویر نیز ثابت نمانده ولی باز چیزیکه دیده میشود منظر صحرای عرب و ریگ سیاه و دشت خضرا و ناقهٔ صحرا و رفتن پدرمجنون بغرض نصیحت نزد وی است . بالای صفحهٔ اطراف راست چند بیت از لیلی و مجنون نظامی بخط کاتب نسخه نوشته شده است که بخوبی خوانده میشود .

تصویر ششم :

این تصویر منظره ساختن یک بنا است که نظامی آن را قصر

خورنق خوانده و معمار آنرا سمنار می‌نامد ـ درین منظره حالت هر کارگر با ممیزات مخصوص آن ترسیم شده . کسی خشت میدهد ، و کسی گل بالامیکند ـ یکی تیشه بدست مصروف نجاری است و دیگر مشغول گلکاری ـ قصر بحالت نیم کاره با خوازه‌های آن معلوم میشود با وجودیکه اشکال والوان آن ثابت نمانده، بازهم بعضی قسمت‌های آن بخوبی معلوم میشود . در بالای تصویر این بیت نظامی در صفت معمار نوشته شده است :

چابك و چرب‌دست و شیرین کار	سام نسلی و نام او سمنار

تصویر هفتم :

تصویر جان دادن شیرین در دخمهٔ خسرو است که نظامی آنرا درین ابیات آورده :

زهی شیرین و شیرین مردن او	زهی جان دادن و جان بردن او
چنین واجب کند درعشق مردن	بجانان جان چنین باید سپردن

یك حصهٔ این منظر مطموس شده ، ولی اکثر آن بجا و روشن است . در بالای این تصویر این ابیات نظامی بخط کاتب اصل نسخه نوشته شده :

پناه و پشت شاهان عجم کو ؟	سپه سالار و شمشیر و علم کو ؟
کجا آن خسرو دنیاش خوانند	گهی پرویز و گه کسراش خوانند

برفراز عمارت بخط نسخ به سفیداب درمتن لاجورد این ابیات سعدی نوشته شده :

هر که آمد عمارت نو ساخت	رفت و منزل بدیگری پرداخت
وان دگر پخت اینچنین هوسی	این عمارت بسر نبرد کسی

در گوشهٔ بالای تصویر طرف چپ بخط کاتب نسخه این بیت نظامی دیده می‌شود :

کشاده سر کنیزان و غلامان چو سروی در میان شیرین خرامان

تصویر هشتم :

این تصویر منظر شفاعت کردن مردان کهن‌سالست ، که خسرو- پرویز به بارگاه پدر خود برای پوزش گناه خود فرستاده ، و خود نیز با کفن و شمشیر به بارگاه پدر حاضر شده .

این تصویر نسبتاً ثابت مانده و ریزه‌کاریهای آن نظر بیننده را جلب میکند . برفراز رواق دیوان، کتیبه بخط ثلث به سفیداب ، روی متن لاجورد نوشته شده که بزحمت خوانده می‌شود ، ولی خط آن نهایت زیبا ودل‌انگیزاست. عبارات کتیبه نظم است ودو بیت آن اینست:

بزمگاهی دل نشان چون قصر فردوس برین
گلشنی پیراهنش چون روضهٔ دار السلام
صف نشینان نیکخواه و پیشکاران با ادب
دوستداران صاحب اسرار حریفان دوستکام

درقسمت بالای طرف چپ صفحه این بیت نظامی بخط کاتب این نسخه نوشته شده .

کفن پوشیده تیغ تیز برداشت جهان آواز رستاخیز برداشت

این تصویر نسبتاً ثابت مانده و بسیار زیبا و ظریف است .

تصویر نهم .

این تصویر از هفت پیکر و مربوط به افسانه گفتن دختر پادشاه

اقلیم سوم در گنبد سبز نزد بهرام‌است . و این منظره همان جائی است که نظامی میگوید .

بد درخت سطبر و عالی شاخ سبز و پاکیزه و بلند و فراخ
سبزه در زیر او چو سبز حریر دیده از دیدنش نشاط پذیر
آگنیده خم سفال درو آبی الحق خوش و زلال درو

درین تصویر عظمت درخت بخوبی‌مشاهده میشود و چهرهٔ بشر پهلوان افسانه نیز هویداست ، در یك گوشهٔ درخت خط کاتب نسخه این بیت نظامی نوشته شده :

چون دراو شد نه خم، که چاهی بود تا بن چه دراز راهی بود

تصویر دهم :

این تصویر داستان بهرام و گل‌اندام است که نظامی آنرا در هفت پیکر سروده ، کنیزك گاو را در اثر تعلیم و تربیت برفراز قصر بدوش می‌برد ، و در تصویر حیرت بهرام و قسمتی از نردبان بخوبی دیده میشود . اما شکل گل‌اندام و قسمت بالائی گاو بکلی مطموس شده در بالای قصر به خط ثلث به سفیدآب روی متن لاجورد این بیت نوشته شده :

ای بخوبی جنت آئین آمده رشك صورتخانهٔ چین آمده

و در طرف چپ در قسمت بالائی صفحه این بیت نظامی بخط کاتب نوشته شده :

گاو بر گردن ایستاده بپای شیر چون گاو دید جست ز جای

قسمتی که از تصویر بجا مانده خط وریزه‌کاری‌های آن ثابت و قابل حیرت است در میان بیت بالا که بخط ثلث نوشته شده ، مانند اکثر تصاویر این کتاب «الملك لله» بخط کوفی بقلم زر نوشته شده و در بالای مدخل قصر چند کلمهٔ به عبارت کوفی نوشته شده .

تبصره

تمام این تصاویر بقلم یك شخص وهمه شبیه به تصویر دومست، که رقم «صوره بهزاد» دارد . پس حکم میتوان کرد ، که این تصاویر بقلم استاد بهزاد است .

درین کتاب فقط در آخر لیلی ومجنون امضای کاتب دارد وچنین مرقوم است : «کتبه الفقیر الحقیر سلطان علی الهروی»

پس آیا ایــن خط از سلطان علی مشهدی نیست ؟ و کاتــب آن سلطان علی الهروی غیر ازوست ؟

دلیلی که بر نقض آن است تنها همین است که اگر این خط از سلطان علی مشهدی میبود ، چرا سلطان علی‌مشهدی یا سلطان علی‌کاتب امضاء نکرده ،چنانچه رسم‌وعادت اوست . البته این تعارض قوی‌است، ولی که میتواند بطورقطع ادعا کند که سلطان‌علی همیشه مشهدی امضاء کرده و هیچگاه هروی ننوشته کسی که پنجاه سال درشهری بسر برده ، اگر روزی خود را بدان شهر منسوب کند چه غرابتی‌دارد ؟ وی همان کسی است که سلطان علی کاتب‌نیز امضاء نموده . پروفیسور محفوظ۔ الحق استاد دانشگاه کلکته در کتاب رباعیات خیام که به خط سلطان۔ علی طبع نموده ، در بین هم نامان او از یك سلطان علی هروی نیزنام می‌برد ، که رسالهٔ اضطرابات را در ۹۹۹ ق نگاشته است . اما بطور یقین میگوئیم سلطان علی کاتب این نسخه‌آن سلطان علی نیست ، زیرا تصویرهای‌این کتاب به‌خامهٔ بهزاداست،و بهزاد درسال ۹۲۴ق درهرات فوت شده و در حوالی کوه مختار مدفون است از سال مرگ بهزاد تا نگاشتن این رساله اضطرابات ۵۷ سال میگذرد به این حساب اگر کم

از کم ده سال قبل از مرگ خود آن رساله را نگاشته باشد و هنگام نوشتن این نسخه ۳۵ سال که موافق به چنین خط شیوا و زیبا است عمرداشته ، باید هنگام نوشتن رساله ۹۷ سال عمر کرده باشد . که دران وقت نوشتن یك رساله آنهم به خط زیبا و شیوا از نوادر است . علاوه بر این کسیکه چنین خط مقبول و زیبا داشته باشد ، اگر بهتر از خط سلطان علی مشهدی نیست ، کمتر ازان هم نیست ، باید چنین گم‌نام و دور از نظرها نمی‌بود ، مخصوصاً کسی که اثر او سبب اشتراك هنرو توجه استاذی‌چون بهزاد شده ووی بهترین شهکار وهنرخود را دربطون این اوراق بیادگار گذاشته است. باوجود این دلائل‌ومخصوصاً یکرنگی و هم‌آهنگی در شیوه و اسلوب خط و بودن تصاویر بهزاد درین کتاب به اقرب احتمال بلکه بطور یقین میتوان گفت این خمسه به خط سلطان علی مشهدی خطاط معروف وتصاویرهمکارنامور آن استاد بهزاد است[۱].

-۱۰۰-(۲۰۰)

قرآن عظیم خط الماس :

کتابخانهٔ مزارشریف علوی دربلخ. به خط ثلث عالی نیم جلی، که‌ترجمه تحت‌اللفظ فارسی هم دارد. درآخر قرآن رقم‌کاتب : محمد حسین الماس در سنه ۹۳۰ ق ۱۵۲۳ م است .

۱ــ این معرفی نسخه و تبصره بقلم مرحوم گویا اعتمادی در شماره ۲ جلد پنجم مجلهٔ آریانا (کابل) در سنه ۱۳۲۶ ش طبع شده که دربالا تلخیص شد ، ولی اینکه کاتب نسخه سلطان علی مشهدی متوفا ۹۲۶ ق باشد ، مورد شك است !

تزئینات و جداول و علایم حواشی این قرآن به کار مکتب هنر بخارا میماند .

-۱۰۱-(۲۰۱)

خط حسن شاملو

بر لوحهٔ مزار شریف خواجه عبدالله انصاری در هرات بخط جلی نستعلیق بسیار عالی این دو بیت را نوشته است با رقم ذیل :

لراقمه حسن بن حسین شاملو، هزار و چهل و نه (۱۰۴۹ ق = ۱۶۳۹م)

دهد تا ساقی عرفان دلت را جام هشیاری
ورا در بـزمگاه خـواجـه عبدالله انصاری

بود لوح مزارش نازنین سروی که ازشوخی
ملایك را چو قمری کرده گرم ناله و زاری

(تاریخ خط در افغانستان ۲۳۷)

(برای معرفی خاندان شاملو و آثار دیگر حسن رك : ایران ۱۰۷ - ۱۱۰)

-۱۰۲-(۲۰۲)

مرقع قطعات خطاطی :

در ملك مائل هروی (کابل) . مجموعهٔ قطعات مختلف خطوط ثلث ، نسخ ، نستعلیق ، توقیع ،رقاع است که هرقطعه علاوه برارزش خوش نویسی نقاشی‌های ظریف هم دارد ، و تصاویر انسانی و حیوانی و طیور و غیره هم بران نمایانست .

تمام این قطعات خطوط زیبای مختلف که متأسفانه جزیکی امضا وتاریخ ندارد، به متفرعات هنرهرات شباهت میرساند . نقاشی،تصویر، تذهیب ، تشعیر آن پخته ودلکش است و(۱۶) قطعهٔ این مرقع در مجلهٔ

هنرومردم شماره ۱۴۳ مورخ شهریور ماه ۱۳۵۳ ش طبع تهران عکاسی شده است و ازانجمله قطعه پنجم امضای زین‌العابدین‌بن محمدالکاتب‌-الشیرازی دارد بدون تاریخ . ولی در کتابخانهٔ مشهد رضوی نسخهٔ قرآنیست‌بخط ثلث‌ونسخ که‌رقم زین‌العابدین‌بن محمدالکاتب‌الشیرازی درسنه ۸۷۸ ق (۱۴۷۳ م) داردوبرای ابوالفتح مظفرالدین حسن بهادر-خان نوشته شده است .

المان

۱ (۲۰۶)

مرقع حسن بن اسدالله حسینی بخط جعفر :

در کتب‌خانهٔ پوهنتون توبین‌گن Tubingen المان .

مرقع بزرگ‌هفت قلم: ریحان، ثلث، رقاع، توقیع، نسخ، شکسته، تعلیق است و مقداری هم بخط نستعلیق است .

چهار صفحهٔ این مرقع نفیس بقلم بسیار استوار و زیبای جعفر بایسنغری است که در آخر آن جعفر الحافظ التبریزی امضا کرده بروز دوشنبه ۱۴ ربیع‌الثانی سنه ۸۲۰ ق (۱۴۱۶ م) بدارالعباد یزد ، صاحبه و مالکه حسن بن اسدالله الحسینی . (خ ۱۲۱)

۲-۴ (۲۰۷-۲۰۹)

مخطوطات سلطان علی مشهدی :

(۲۰۷) ۲ گلستان سعدی بقلم نستعلیق عالی .

درموزهٔ‌هنرهای‌لایپزیگ. Kumstgewerbe Museum که‌حواشی ابری ملون و مصور و منقش دارد رك : ۳۴۴ (خ ۲۶۰)

(۲۰۸) ۳ دیوان امیر شاهی :

به نستعلیق خوش وعناوین بقلم رقاع درهمین موزه. (خ ۲۶۰)

(۲۰۹) یك مرقع با مقدمه :

بخط نستعلیق عالی در همین موزه . (خ ۲۶۰)

۵ (۲۱۰)

لیلی و مجنون هاتفی :

به نستعلیق عالی‌شیخ مرشدالدین عطار شیرازی در سنه ۹۴۱ ق ۱۵۳۴ م که در کتابخانهٔ دولتی برلن است . (رك : ایران ، انگلستان، امریکا ، هند ، شوروی)

۶ (۲۱۱)

جنگ مصور خط مرتضی حسینی (محمود ؟)

در قسمت اسلامی‌موزهٔ دولتی المان در برلن ، مجموعهٔ مصور اشعار است که در شیراز بخط مرتضی‌حسینی‌در سنه ۸۲۳ ق ۱۴۲۰ م برای کتابخانهٔ بایسنغر میرزا نوشته شده و نقاش توانسته است که در تصاویر آن، صورت اشخاص را بقدرممکن کم کند و دررنگ آمیزی و کشیدن کوه و تپه مهارت نشان دهد .

خط نستعلیق خفی ایـن مجموعهٔ مصور درجهٔ متوسط دارد ، و یك‌صفحهٔ آن در کتاب هنرهای زیبای عرب و ایران (شکل ۱۱۰) سیاه طبع شده و از سوابق مکتب هرات شمرده می‌شود (۲۸ × ۱۹ سانتی)

چهره کشی‌شه‌سواران‌رزمندهٔ‌این‌منظر ترکمنی‌وایرانیست،خودهای آهنین این سواران با ریش‌های تراشیده و بروتهای کشیده جالب است، و منظر جنگ بهرام وخسرو براسپان قوی هیکل تازنده در دامنهٔ کوهی

با پرچم‌های سیاه و سپید مهیب و بیمناکست . این دو شهسوار دلاور باهم جنگ میکنند، و یکی ازانها که دیگری را تعقیب می کند، شمشیری خون آشام حوالهٔ سوار پیش‌تاز می‌نماید و اورا ازعقب بالای شانه‌های وی میزند، که در حالت فروافتادن است.

در کنج راست این صفحهٔ مصور ، ابیات ذیل که حاکی از هیبت جنگ است نوشته‌اند :

غریو کوس داده مرده را گوش — دماغ زندگانرا برده از هوش
جنیبتهای زرین نعل بسته — ز خون بر گستوانها لعل بسته
سواران تیغ برق‌افشان کشیده — هزبران سو بسو دندان گزیده
اجل بر جان کمین سازی نموده — قیامت را یکی بازی نموده
سنان بر سینه‌ها سر تیز کرده — جهانرا روز رستاخیز کرده
چنان می‌شد بزیر درعها تیر — که زیر پرهٔ گل باد شبگیر

ازین مجموعهٔ نفیس خطاطی و نقاشی و تصویر چند مجلس منیاتور نفیس در کتاب سروی هنر ایران سیاه چاپ شده :

۱ - سرورق نفیس منقش و مرصع آن (لوحه ۹۴۱) دارای یك دور کم‌عرض تشعیر ظریف که بعد ازین در داخل صفحه یك حاشیه نوشته شعراست و باز درداخل‌بین همین صفحه هفت بیت آغازشاهنامهٔ فردوسی است که در بین ترنج‌های کوچك و بزرگ متناظر و نقوش ریزه‌کاری دلکش جای دارند و این نقاشی بهم پیوسته و غلو نظیر نسخه (۲۶۲۲ و ۲۶۲۱) است.

۲ - یك‌صفحهٔ کامل نقاشی متناظر با ترنج‌ها کوچك و ریزه‌کاری گل و برگ که نهایت انبوه و متوازن است و در بین اشکال مدور و

مستطیل نامهای محتویات این مجموعه با خط خوش تعلیق و نسخ نوشته است. (لوحهٔ ۹۴۳ سروی هنر)

۳ ـ اسکندر موکب دارا را تعقیب میکند (لوحهٔ ۸۶۲ سروی) در بین دو کوه سواران دارا پیش می‌گریزند که از شخ کوه فقط عقب ودم سه اسپ دیده می‌شود، وازشخ کوه دیگر اسکندر با سواران خود می‌تازد که فقط سرسکندرواسپش با سرسه‌سوار دیگر نمایان است.

۴ ـ کیقباد با افراسیاب می‌جنگد : در دامنهٔ کوهی دو سوار مهیب مبارز با همدیگر درآویخته‌اند . یکی‌سوار است که با نیزه دراز برحریف خود تاخته و نیزه را درشکمش فروبرده و این حریف دیگر که از اسپ افتاده با تیر و کمان از خود دفاع میکند (لوحهٔ ۸۶۲ ب)

۵ ـ مجنون درصحرا : با هیکل نحیف در بین حیوانات وحشی و آهوان که شیری هم بربالای تپه می‌نماید (لوحهٔ ۸۶۳)

۶ـ دیدار خسرو و شیرین : که هردو سوارند و دردامنهٔ کوهی باهم ملاقی میشوند و نظر هردو عاشقانه است (۸۶۳ ب)

۷ـ پیرزن و سلطان سنجر (لوحه ۸۶۴) پیرزن با لباس سپید عصا دردست پیش روی اسپ سلطان ایستاده‌وشکوه می‌نماید که «شحنهٔ مست آمده در کوی من . . . »

۸ـ غشی همایون ازدیدن تصویرهمای : بنا و تزئین‌وچهره کشی و تصویر همای نهایت عالیست (لوحه ۸۶۴ ب)

-۷-(۲۱۲)

یك پرده بقلم عبدالله مذهب خراسانی :

در موزهٔ هنرهای زیبای لیپزیك المان . کار عبدالله که ازمکتب

هرات به بخارا هجرت کرد و این پرده تصویر جوانیست که زیر درخت پرگل مشغول نواختن ساز است . (صنایع ایران ۱۱۸)

یك اثر دیگر او تصویر ملاقات زن ومردیست در کوهی ۹۹۰ ق ۱۵۸۲ م (سروی ۱۸۷۱)

-۸-(۲۱۳)

مذکر احباب بخط ویسی هروی :

موزهٔ دولتی برلن ، ۳۱۲ صفحه با خط نستعلیق بسیار خوش بامزهٔ ویسی هروی (ویسا) که در آخر نسخه تاریخ کتابت آنرا در مکه چنین سروده :

ویس هروی مجاور خاك حرم — در راه نیاز کمتر از خاك قدم
در نهصد و هشتاد و سه این نسخه نوشت — او را بدعا یاد کنند اهل کرم

بدینطور ویسی هروی در مکه در سنه ۹۸۳ ق ۱۵۷۵ م این نسخهٔ نفیس را نوشته که تألیف نثاری بخاریست . ویسی از بقایای اواخر مکتب هراتست که نسخه نفحات جامی را نیز در مکه در سنه ۹۷۴ ق نوشت . (رك : افغانستان ۶۰)

امریکا

-۱-(۲۱۴)

کتاب کواکب (زیج الغ بیگی)

درعلم نجوم بامر الغ بیگ نوشته شده که دارای ۵۰ تصویر است در موزهٔ متروپولیتن نیویارك .

-۲-(۲۱۵)

خمسهٔ نظامی :

در موزهٔ دانشگاه پنسیلوانیا با رقم «قاسم الکاتب الشیرازی» که در سنه ۹۲۰ ق (؟) درشیراز نوشته شده و این کاتب در کتابخانه سلطان‌ـ حسین بایقرا در هرات کار کرده است (خ ۵۸۱)

-۳-(۲۱۶)

دیوان جامی بخط عبدالکریم (رك : فهرست)

در عصر شاعر بخط عبدالکریم بن عبدالرحمن خوارزمی نوشته شده ۱۶ تصویر دارد . موزهٔ متروپولیتن (راهنمای صنایع اسلامی ۵۷)

-۴-(۲۱۷)

یك تصویر دیوان نوایی :

بسبك مصوری بهزاد است دارای منظر مزرعهٔ طلایی و درخت بزرگ چنار با برگهای افشان . موزهٔمترو پولیتن نیویارك.

-۵-(۲۱۸)

بوستان سعدی :

دارای ۲۷ تصویـر کار بخارا با رنگهای زننده قرمز شنگرفی دنبالهٔ سبك هرات . موزهٔ مترو پولیتن .

-۶-(۲۱۹)

یوسف و زلیخاء جامی : بخط میرعلی :

رقم میرعلی‌الحسینی دارد . موزهٔ مترو پولیتن .

-۷-(۲۲۰)

خمسهٔ نظامی بخط سلطان محمد نور :

اسلوب بهزاد و خط سلطان محمد نـور ۹۳۱ ق= ۱۵۲۵ م . موزهٔ مترو پولیتن .

این کتاب تا ۱۹۰۸ م در کتابخانه سلطنتی ایران بود ، وتصاویر آنرا بنابر شباهت سبك به شیخزاده شاگـرد بهزاد نسبت میدهند و یك صفحهٔ مصور دربار شاهـی ازین نسخه در سروی هنر ایران طبع سیاه خورده است (لوحه ۸۹۳ الف) کـه چهره کشی و منظر آرائی و البسهٔ اشخاص مشابه اسلوب بهزاد است، فقط کلاههای آنان دراز صفویست و آنرا کار مکتب تبریز پنداشته‌اند .

-۸-۲۳ (۲۲۱-۲۳۶)

در مجموعهٔ بنیاد کورکیان نیویارك : Kevorkian

(۲۲۱) ۸- یوسف و زلیخای جامی :

بخط سلطان علی مشهدی به تاریخ ۸۹۸ ق ۱۴۹۲ م .

(۲۲۲) ۹- مجموعهٔ غزلیات موسی : بهمین خط .

(۲۲۳) ۱۰- شاهنامهٔ فردوسی . کتابت ۹۱۲ ق ۱۵۰۶ م .

(۲۲۴) ۱۱- سبحة‌الابرار جامی: بکتابت عالی با رقم میرعلی- الکاتب السلطانی (هـ-روی) سنه ۹۳۵ ق ۱۵۲۸ م (خ ۵۱۴)

(۲۲۵)۱۲- تیمورنامهٔ‌هاتفی: بخط نستعلیق شاه‌محمود نیشابوری بی‌تاریخ .

(۲۲۶) ۱۳- یوسف و زلیخای جامی : بخط میرعلی هروی در بخارا (خ ۵۱۴)

(۲۲۷) ۱۴- دیوان نوائی : با رقم قـاسم‌علی الکاتب الشیرازی (از کاتبان دربار سلطان حسین بایقرا)

(۲۲۸) ۱۵- بوستان سعدی : بخط محمدبن نظام‌الدیـن محمد ۹۲۱ ق ۱۵۱۴ م .

(۲۲۹) ۱۶- خمسهٔ نظامی : بخط محمد قوام شیرازی مشهور به حامی ۹۴۳ ق ۱۵۳۶ م .

(۲۳۰) ۱۷- سبحة‌الابرارجامی: خط همین قوام درسنه ۹۵۸ ق ۱۵۵۰ م .

(۲۳۱) ۱۸- کلیات سعدی : خط همین قوام .

(۲۳۲) ۱۹- مثنوی خضر خان و دولرانی امیرخسرو دهلوی :

خط همین قوام (خ ۸۱۴)

(۲۳۳) ۲۰ یك قطعه اثر مصور بهزاد. در نمایش لندن گذاشته شده بود (شماره ۵۴۲ ب) که در ملك کورکیان Kevorkian است و مهرهای شاهان مغولیه هند دارد.

صفحه‌ییست که داستان جوان مغرور را با پیرمرد نصیحت‌گوی مصور کرده و باین بیت آغاز می‌شود:

محتشم‌زادهٔ ز نخوت و جاه   می‌خـرامید ظـریفانه براه

چهار سطر ابیات این داستان بر قسمت علیا و چهار سطر هم پائین است، در بین آن مربعی است که در چهار کنج خود ترنج گل‌کاری نازك دلکش دارد، ودر بین این مربع دائره‌ئیست که دورهٔ منقش ظریفی‌دارد، و بین دائره را منظر کوه اسفنجی ودامنهٔ پرگل ودرخت پر کرده ودرین‌جاست که پیرمرد مؤقری با جوان رعنای‌مغرورخوشروبی مخاطب است، و هر دو باهم گفتگو دارند که ازحرکات دست و چهرهٔ هردو آشکار است. در قسمت خالی بیرون قطب جنوبی دائره چنین مرقوم است: «صوّره العبد بهزاد»

در سروی هنرایران (ج ۹ تابلو ۸۸۵) تاریخ این قطعه هنری را که خط خوش نستعلیق خفی‌دارد، سنه ۹۳۰ ق ۱۵۲۴ م تعیین کرده‌اند، که گویا برخود نسخه نوشته بوده است.

(۲۳۴) ۲۱- خمسهٔ نظامی: با رقم «مرشدالدین محمد» در ۹۱۹ ق ۱۵۱۲ م در شیراز.

(۲۳۵) ۲۲- شاهنامهٔ فردوسی: با رقم «مرشدالدین کاتب شیرازی» در ۹۴۵ ق ۱۵۳۸ م.

(۲۳۶) ۲۳- عجائب المخلوقات قزوینی با رقم «مرشد الشیرازی الملقب عطار در ۹۵۲ ق» (۱۵۴۴ م) (خ ۹۰۰ . رك: ایران ، انگلستان، هند ، شوروی)

-۲۴-(۲۳۷)

یك صفحهٔ دیوان جامی :

در مـوزهٔ متروپولیتن . درویشان را در حالت رقص و وجـد نشان میدهد ، خصائص هنری این تابلو شبیه کار بهزاد است .

-۲۵-(۲۳۸)

یك ورق شاهنامه :

در موزهٔ متروپولیتن ، که ازیك شاهنامهٔ مکتب هرات باقی‌مانده و رستم را در حال گرفتن اسپ خود رخش نشان میدهد .

لباس زیبا و رنگارنگ رستم وشخص همراه او برزیبائی وترکیب تصویر می‌افزاید ، درحالیکه منظرهٔ طبیعی با درختان و دو قاز درحین پرواز ، سبك چینی‌را نمایندگی میکند (راهنمای صنایع اسلامی ۵۶)

-۲۶-(۲۳۹)

خمسهٔ امیرخسرو :

درسنه ۹۰۹ ق ۱۵۰۳ م در بلخ نوشته و نقاشی شده ، که دارای خصائص مکتب بهزاد و هراتست . سه منیاتور عالی آن در مـوزهٔ متروپولیتن امریکا و دو در کتابخانهٔ ملی پاریس است .

-۲۷-(۲۴۰)

خمسهٔ امیرخسرو :

بخط عـلاءالدیـن محمدالهروی ۹۰۹ ق ۱۵۰۳ م . در مـوزهٔ متروپولیتن .

-۲۸-(۲۴۱)

هفت اورنگ جامی کار مکتب مشهد :

در شهر مشهد برای ابراهیم میرزا (۱۵۵۶-۱۵۶۵ م) نوشته شده که در فریر گالری واشنگتون محفوظست .

این نسخه‌را درحدود ۹۶۸ق ۱۵۶۰م بامر ابراهیم‌میرزا نگاشته‌اند که جامع مزایای هنری استادان هرات و تبریز است که ناشران و پیرایندگان آثار جامی بوده‌اند و هنرهای ایشان اثرهای مرکبهٔ پیچیده را نمایندگی میکنند .

ازین مخطوطهٔ نفیس ، دو صفحهٔ منیاتور خیال‌انگیز در کتاب هنرهای عرب و ایران (شکل ۱۶۹-۱۷۰) سیاه طبع شده ، و در یکی یقیناً خیال و عاطفه و عشق را در مناظر آن آمیخته‌اند .

بر کنار تالاب بزرگ که اواخر آن را ابرهای ضخیم پوشیده ودر بین آن مرغابی و انواع ماهی و کشف و غیره شنا کنانند ، بر صخرهٔ بزرگی دختری زیبا با البسهٔ فاخر نشسته وجوانی ماهروی پیش او ایستاده و باهم نجوای عاشقانه دارند .

چنین بنظر می‌آید که این جوان شیفته بوسیلهٔ کشتی کوچکی که سر و شکل آن مثل مرغابیست ازانطرف تالاب ، به محضر معشوقهٔ خود رسیده و تیر و کمان هم در دست دارد .

درختان جنگلی و شگوفه‌دار و سرو ، این منظر ظریف را آرایش میدهند و بوزینه‌ئی هم در یک گوشه برخرسنگی برامده تا این معاشقه و مغازله را تماشا کند .

چهره کشی و جزویات هنری و دیگر لطائف این منظر ، خیلی

عالی وخیال‌انگیزاست ، چهره‌های عاشق ومعشوقه خیلی‌زیبا وحرکات ایشان متناسب بنظر می آید .

منظر دیگر ازین نسخهٔ نفیس ، ورود موکب زلیخا در عماری اشتر است که ده‌ها سوار اسپ وپیاده با او روانند و از هر طرف برو در وگوهر نثار می‌شود ، و زلیخا با حسنی جالب ودلکش درون عماری بنظر می آید ، وبیکطرف قصریست عالی‌وزیبا ، دارای بروج ودروازهٔ عظیم و یك گلدستهٔ بالای منار بلند ، که از کلکین‌های اطاقها و بامها و مناره‌های آن زن و مرد بدیدن موکب زلیخا سرکشیده و سرگرم نظاره‌اند .

چهره کشی این منظر غلو، ایرانی‌و خیلی‌دلکش است ، تزئینات قصر و برگهای درختان و برج و باره و منار بلندآن دیدنیست و باید آنرا نمونهٔ خوب مکتب هنری مشهد دانست که دنبالهٔ مکتب هرات بشمار می آید .

-۲۹-(۲۴۲)

یك ورق مصور :

در فریر گالری یك ورق مصور ومنقش موجود است که بران نوشته‌اند : «عمل بهزاد» . ولی این نوشته مورد اعتماد کامل نیست . (سروی ۱۸۶۴)

-۳۰-(۲۴۳)

ربودن شاهدخت :

در فریر گالری یك‌ورق (نمبر ۸۹۹ A) تصویرربودن شاهدخت از دریا موجود است که آنرا به بهزاد نسبت داده‌اند .

-۳۱-(۳۴۴)

خمسهٔ نظامی منسوب بروح‌الله میرک :

در موزهٔ متروپولیتن ، کتابت ۹۰۰ ق ۱۴۹۴ م که تصاویر آن منسوب به روح‌الله میرک استاد بهزاد واز آثار برجستهٔ مکتب هراتست. (صنائع ایران ۱۰۸)

-۳۲-(۳۴۵)

هفت پیکر نظامی بخط اظهر :

در موزهٔ متروپولیتن نیویارك . بخط و امضای اظهر تبریزی . دارای صور و اشکال و مناظر بسیار بدیع و ممتاز منسوب بـه بهزاد . (خ ۷۳)

-۳۳-(۳۴۶)

ظفرنامهٔ هاتفی بخط پیرعلی :

در مجموعهٔ شهر بالتیمور امریکا در گالری هنری والتر . کتابت متوسط پیرعلی الجامی . (خ ۱۰۷)

-۳۴-(۳۴۷)

دیوان حافظ بخط زین‌الدین :

در همین گالری بالتیمور . بکتابت متوسط بشیوهٔ اظهر با رقم «زین‌الدین بن رحمان جامی سنه ۹۱۸ ق» (۱۵۱۱ م) (خ ۲۲۳)

-۳۵-(۳۴۸)

هفت اورنگ جامی بخط شاه محمود :

در فریرگالری‌واشنگتون . به کتابت عالی‌شاه محمود نیشابوری در سنه ۹۷۲ ق ۱۵۲۴ م و دارای رقـم مـالك دیلمی در سنه ۹۶۳ ؟ (خ ۳۰۳)

-۳۶-(۲۴۹)

ظفرنامهٔ تیموری بخط شیرعلی :

در والتر آرت گالری بالتیمور . بخط شیرعلی نستعلیق‌نویس کتابخانهٔ بایسنغر میرزا بتاریخ ۸۷۲ ق ۱۴۶۷ م برای کتابخانهٔ سلطان حسین بایقرا در هرات نوشته شده و بعد ازان در کتابخانهٔ شاهان مغولیهٔ هند بوده و بخط جهانگیر پادشاه در پشت کتاب نوشته شده که شش منیاتورکار بهزاد دارد . (خ ۳۲۴)

۳۷-۳۹ (۲۵۰-۲۵۲)

مخطوطات شیخ مرشدالدین عطار شیرازی (نیمه قرن دهم)

(۲۵۰) ۳۷- کلیات سعدی : در والترآرت‌گالری (بی‌تاریخ) (رك : ایران ، انگلستان ، هند ، ترکیه)

(۲۵۱) ۳۸- مهر و مشتری : در همین گالری هنر .

(۲۵۲)۳۹خمسهٔ نظامی: نوشتهٔ سنه ۹۵۵ق ۱۵۴۶م.درفریرگالری واشنگتون .

-۴۰-(۲۵۳)

خمسهٔ نظامی بخط نعیم‌الدین الکاتب‌الشیرازی :

در موزهٔ متروپولیتن نیویارك. نوشته سنه ۹۱۵ ق ۱۵۰۹ م (رك: ایران و انگلستان) (خ ۹۴۶)

-۴۱-(۲۵۴)

پارچهٔ ابریشمی :

در موزهٔ نیویارك . که طبق روش چینی در مکتب هرات نقش کشیده شده و شاید ازآثار غیاث‌الدین نقاش هرات باشدکه درسالهای ۸۲۳-۸۲۷ ق ۱۴۱۹-۱۴۲۳ م از دربار شاهرخ در هیئتی بچین

فرستاده شد .

این پارچهٔ نفیس اجتماع سبکهای چینی و هراتی را در کمال مهارت نمایندگی میکند . (صنایع ایران بعد از اسلام ۱۰۸)

۴۲-(۲۵۵)

مهر و مشتری عصار :

در فریرگالری هنر . کتابت سنه ۹۲۹ ق ۱۵۲۳ م. منسوب به محمود مذهب. (سروی ۱۸۷۱)

۴۳-(۲۵۶)

خاورنامه کار فرهاد مصور

اوراق این کتاب در بین چندموزیم امریکا متفرقاً محفوظست. نسخهٔ بسیار نفیس منیاتور مکتب ترکمن در شیراز که بین ۱۴۷۶-۱۴۸۷ م (۸۸۱-۸۹۳ ق) بقلم فرهاد مصور پیراسته وترتیب شده و نمایندهٔ کمال و ظرافت و شگفتگی این مدرسهٔ معاصر هنر هراتست .

از نفایس هنری این نسخهٔ گرانبها یك صفحه در هنرهای زیبای عرب و ایران (شکل ۱۱۲) سیاه طبع شده که از نظر نقاشی و چهره-کشی و رنگ آمیزی و تخیل بسیار جالب است ، در زیر آسمان ابری در باغی که درختان انار و شگوفه‌دار دارد بر کنار جوی و حوضی که دو مـرغابی دران شنا کنند ، دو مـرد عباپوش با عمامه‌های سنگین و کلاههای سیاه دارای چهره‌های مقدس یکی پیر با ریش سپید ودیگری با ریش سیاه و البسهٔ فاخـر ایستاده‌اند . چهره کشی ایـن منظر کاملا ایرانیست .

درفضای این بوستان جبریل (فرشتهٔ بالدار) با چهرهٔ دلکش یك

زن مجلل و مـویهای جالب سیاه مجعد بال‌ها کشوده و بطرف شخص جوان ریش سیاه با دست راست اشاره می نماید . شخص ریش سفید بطرف جبریل می بیند و انگشت تعجب بدندان گرفته است . گویا این شخصیت ریش سیاه جوان حضرت علی باشد .

-۴۴-(۲۵۷)

شاهنامه کار قدیم شیراز ۱۳۴۱ م ۷۴۲ ق

از مخطوطات گالری هنر در بالتیمور امریکا (۲۴×۱۰ سانتی) که یك منیاتور کـوچك آن در کتاب هنرهای زیبای عرب و ایـران (شکل ۱۰۰) سیاه چـاپ شده و منظریست از دوشیدن گاو بوسیله یك زن که چند تن دیگر نگران آنند .

چهره کشی مرد و زن ایرانی‌و البسه ساده و اشکال برگ‌ودرخت نیز کاملا هندسی‌و هنری نیست . وآنرا مانند شاهنامهٔ ۱۳۳۳ م کتابخانهٔ عامه لنین‌گراد از سوابق مکتب هرات در شیراز توان شمرد .

-۴۵- (۲۸۵)

جوان نقاش ، کار بهزاد :

تصویر یك جوان نقاش بر یك صفحه است ، که در قسمت پائین رقم«صوّره‌العبد بهزاد» داردو اکنون درفریرگالری هنرواشنگتون است که در نمایش لندن تحت نمره ۴۸۷ گذاشته شده بود .

زمینهٔ این تابلو زرد نارنجی است ، و هنرمند جوان از طـرف راست نیم چهره تصویر شده که قیافتش خراسانی و لباس او هم زیبا و دیدنیست .

دستار سپید کلان وکلاه سرخ دارد ، چپن سبزپوشیده که آستین-

های آن مـانند اکنون دراز است ، چـون هنرمند دستهای خـود را برای کار تصویرسازی از آستین کشیده ، چین‌های آن نمایانست . ولی بالای این چپن یك عبای دراز خاصی هم پوشیده که آستین‌های آن تا بازو رسیده و رنگ بنفش خیره مخطط دارد و کمر خود را با پارچه‌های سپید و رنگین بسته است .

ایـن هنرمند جوان خامه بـدست دارد ، و صورت شخصی را می‌سازد ، که لباس وی سرخست ، وبرسرلوحهٔ تصویرکشی قراردارد، و تمام صفحه را دو خط ضخیم سیاه وسرخ فراگرفته و بوسیلهٔ جداول طلا از همدیگر جدا شده‌اند .

این صورتگر جوان که خط بروتش نوسرکشیده کیست ؟ شاید یکتن از شهزادگان شیفتهٔ هنر یا شاگردان بهزاد باشد ، که بهر حال از آثار نفیس مکتب هنر هرات شمرده می‌شود .

ـ۴۶ـ(۲۵۹)

دیوان امیرخسرو کار مکتب هرات :

در فریرگالری واشنگتون ، کتابت اواخرقرن ۱۵ م ، که باسلوب هنربهزاد نقاشی وتصویر شده ویك صفحهٔ آن منظر کشتی ودریا دارد ، که با مهارت تصویرگردیده وچهره کشی اشخاص آن کاملا خراسانیست (لوحهٔ ۸۹۱ الف سروی هنرایران) اصل کتاب به نستعلیق خوش خفی نوشته شده است .

ـ۴۷ـ(۲۶۰)

صحنهٔ شکار :

از آثار بنیاد کـورکیان . یك صفحهٔ کامل شکارگاه کار مکتب

بخارا در قرن ۱۶ م ، که درنمایشگاه لندن نمره ۵۵۱ داشت و دردامنه کوه‌اسفنجی صحنهٔ‌شکارشهسواران دلیررا نشان‌میدهدوانواع حیوانات درنده و وحشی از شیر و ببر و پلنگ و آهو و گوزن و خرس و خوك و غیره را تصویر کرده که با شکاریان سوار بجنگ و حمله و دفاع و گریزمشغولند، و این‌صحنه خیلی غلو و پر ازحیوانات وحشی‌وشاخسار و گیاه و جنگل است . و بهترین نمونه دلیری شکاریان و منظر آرائی و چهره کشی شمرده می‌شود (لوحهٔ ۸۹۴ سروی هنر ایران)

انگلستان

-۱-(۲۶۱)

خمسهٔ نظامی کار بهزاد و قاسم‌علی :

در موزهٔ برتانیا (۶۸۱۰ شرقی) بهترین و مزین‌ترین نسخه‌های خطی خمسهٔ نظامی عصر تیموریه است [۱]، که در هرات برای امیرعلی برلاس (یکی از سالاران لشکری تیموریه واز دوستان نوائی) ساخته شده و چند تصویر آن امضای بهزاد در سنه ۸۹۸ ق ۱۴۹۴ م دارد. وهفت قطعه منیاتور آن بقلم قاسم‌علی در ۸۹۹ ق ۱۴۹۵ م است. همچنین برخی از تصاویر آنرا بهزاد در سنه ۹۰۰ ق ۱۴۹۶ م نگاشته، و این نسخهٔ نفیس را تالی شاهنامهٔ بایسنغری موزهٔ گلستان تهران شمرده‌اند (ز ۳۴)

شاهنامهٔ شماره ۱۵ هم برای همین امیرعلی ترتیب یافته است .

۱ــ مضمون مارتن بر نسخ خمسهٔ نظامی طبع لندن ۱۹۲۹ م و بینونوگری: منیاتور و مصوری ایران طبع لندن ۱۹۳۳ م ، ص ۸۵ .

-۲-(۲۶۲)

خمسهٔ نظامی کار شاگردان بهزاد بخط شاه محمود :

در موزهٔ برتانیا (دوام مکتب هرات در مکتب تبریز) برای شاه طهماسپ صفوی (۱۵۳۹-۱۵۴۳ م) نوشته شده و آقا میرك اصفهانی شاگردشاگرد بهزاد و سلطان محمد کتابدار شاه طهماسپ و میرزا علی شاگرد بهزاد و مظفرعلی و میرسید علی دران کار کرده‌اند ، ۳۹۶ ورق آن دارای حاشیهٔ تزئین شده بسیار نفیس مذهب با نقوش حیوانات و گل و غیره است .

برین کتاب نوشته‌اند : بحکم کتابخانـهٔ سلطان ابراهیم میرزا (۹۵۰ ق=۱۵۴۳ م) این شخص خواهرزادهٔ شاه طهماسپ بود متوفا ۹۷۸ ق ۱۵۷۰ م (سروی ۱۸۵۹) (رك : ۸ مجموعه‌های هنری)

کاتب این نسخه بی‌نظیر شاه محمود نشاپوری به نستعلیق بسیار زیبا و با مزهٔ خفی در تبریز است ، در سلخ ربیع‌الاول سنه ۹۴۷ ق ۱۵۴۰ م و مجلد آن سلطان محمود مجلد است ، و در طراوت الوان و رنگ‌آمیزی روشن نظربا ومنظرآرائی‌نظیر ندارد و از بهترین کار-های شاگردان مکتب بهزاد درمکتب تبریز است ، که کار آن در مدت ۴ سال تکمیل شده و ۱۶ لوحهٔ منیاتور نفیس مصور و مرصع آنرا لارنس بینون در لندن در سنه ۱۹۲۸ م طبع کرده است (رك : عدد ۸ مجموعه هنری)

در سروی هنرایران چند صفحهٔ این اثرنفیس رنگین طبع شده :

الف : جلوس خسرو و شیرین کار آقا میرك (لوحهٔ ۸۹۶ سروی هنر)

این منظر تمام صفحه را فراگرفته (۳۶۸×۲۵۴ سانتی) وحاشیهٔ آن منقش و مصور مذهب است . در وسط صفحه رواق مطنطن عـالی بسیار مزین و رنگین است که بربالا بجای گنبد ، چبوتره چهار ستونی کوچك منقش دارد ، کنگرهٔ علیای رواق با اشکال لوزی سرخ برزمینهٔ سبز گلدار مزین است و زیر آن مستطیلیست مشتمل بر دو حصه کـه زمینه لاجوردین دارد ودر بین آن در لف گل‌های لطیف نازك کاری به نستعلیق خفی بسیار زیبا بسپیداب این بیت دیده میشود :

رواق منظر چشم من آشیانهٔ تست کرم نما وفرودآ ، که خانه خانهٔ تست

زیر این ستون نقاشی متناظر گلهای لطیف سرخ و زرد و سپید است که بربالا ویمین و یسار طاق دوام دارد و بعد ازان جداول سبز و سرخ که در بین آن برزمینهٔ زرد بسپیداب تشعیر ریزه شده نظر رباست .

داخل طاق برقسمت علیای دو کنج نقاشی گل‌هـای ریزه کاری ظریف رنگین برزمینهٔ لاجوردین است که این نقاشی در وسط داخلی بالای طاق بهم وصل شده و فضای طاق آسمانگون خفیف است . در صحن طاق که با کاشی‌های سبز و لاجوردین مدور وستاره‌دار مفروش است تخت زرین بسیار مزین و مرصع با زینه‌های طلائی سوادکاری افتاده که بران بدست راست خسرو و بچپ شیرین نشسته‌اند خسرو با حرکت دست راست باوخطاب مینماید ودر قسمت بالای صفحه بر کنج راست این ابیات نظامیست که مصور چیره دست بنوك خـامه تصویر آنرا کشیده است :

سعادت بر کشاد اقبال را دست قـران مشتری با زهره پیوست

چو آمد در سخن نوبت به‌شاپور   سخن را تازه کرد از عشق منشور

(خسرو و شیرین نظامی)

درباریان با البسهٔ فاخر رنگین و دستارهای سپید و کلاههای سرکشیدهٔ سرخ بدست راست تخت ایستاده و خدمتگاران نیز با همین لباس فاخر طبق‌های سرپوشیده خوردنیها در دست دارند ، چراغها و شمعدانها فروزانند،ساقیان سیمتن گلندام ساتگین‌های شراب‌میگردانند، قوالان وسرایند‌ه‌گان مردانه یك طرف ودختران خوش‌آوازخوش‌پوش قدح در دست طرف دیگر نشسته به آواز و سرود پرداخته‌اند و در بین این بزم رندانه حوض آب با رنگ سیاهست که در بین آن سه مرغابی سپید شناگری دارند واطراف این طاق دربار بوستانیست پرگل وسبزه و درختان شگوفه‌دار و سروهای سربفلك کشیده .

درین منظر دلکش و زیبا عموماً رنگهای اصیل گرم کار شده ، منظرآرائی آن نهایت لطیف و موزون وعالیست ، آسمان رنگ‌صاف طبیعی پرستاره دارد ، درآرایش البسه ظرافت و ریزه‌کاری خاصی بکار رفته و زنان آن لباسهای رنگین فاخر و چادرهای کوچك سپید دارند که فقط تا بناگوش میرسد . ولی این تابلو که کار تبریز پیرو مکتب هراتست در چهره‌کشی مردان با مکتب هرات بسیار فرق ندارد ، امـا در چهره‌کشی زنان اسلوب خاصی دارد ، کـه روی زنان قدری دراز بیضوی و ابروان کشیدهٔ کمانی و چشمان کاملا بادامیست کـه در مکتب هرات وبخارا چهره عموماً گرد ماهتابیست ، و غبغب هم اینقدر نمایان نیست .

خود خسرو که عمامه سپید کلان جیغه‌دار و پیراهن گلدارسرخ

وعبای بنفش بتن دارد، نیزدارای همین قیافت است وشیرین که پیراهن قهوه‌یی و عبای پسته رنگ پوشیده ، دارای روی بیضوی و غبغب است که زنجیر طلا از حد شقیقه برامده و بران غبغب سیمین پیچیده است .

دربین‌سرایندگان‌این بزم، آلات طرب‌وموسیقی‌دیده نمی‌شوند، و معلوم است تنها بـه ترنم و تغنی می‌پرداخته‌اند . از حرکات دستهای زنان آشکار است که از مرد سرایندهٔ جوان نغمه‌ها شنیده ومتأثر و با او همنوا شده‌اند .

در قسمت زیرین این بزم بیك‌گوشه حوض کوچك که دیوارك آن رنگ عنابی دارد ، به نستعلیق بسیار خفی نوشته‌اند : « آقا میرك »

ب : یك صفحهٔ کامل منظر معراج (لوحهٔ ۸۹۷ سروی هنر) :

فضای آسمانی رنگ طبیعی بسیار خیره دارد ، و دران ابرهای اسفنجی پراگنده‌اند . حضرت رسول (صلعم) با عمامه سپید و عبای سبزگون که چهره‌اش نمی‌نماید بربراق گلابی‌رنگ کـه سرزن زیبای تاجداری دارد سوار است واشعهٔ طلایی‌نور بهرطرف از بدن مبارکش بالاست.دورادوراودرفضا فرشتگانی‌دیده‌می‌شوند که‌طبق‌های‌سرپوشیده ومشعل‌های نورافگن وخلعت‌های‌گوناگون بدست دارند ،بالها ،لباسها، تاجهای این فرشتگان رنگین ، زیبا و دیدنیست و چهره‌های زنان زیبا، بیضوی غبغب‌دار از همان مکتب تبریز (لوحهٔ سابقه) است .

جبرئیل که رهنمائی‌براق را می‌نماید،چهره زن تاجدار با بالهای رنگین دارد ، که اشعه نـور از سر و دوش او در فضا پراگنده است ، که کار این لوحهٔ نفیس را به سلطان محمد منسوب داشته‌اند .

ج : خسرو شیرین را در حین آب تنی می‌بینند (لـوحه ۸۹۸

سروی هنر) :

مجلس منیاتور رنگین نفیس تمام صفحه ، که هنرمند چیره‌دست نازك‌نگار این ابیات نظامی را در توصیف بدن شیرین و آب تنی او با مهارت مصور گردانیده و ادب را با هنر همدوش ساخته :

بلب گلنار و بالا همچو سروی سرین فربه ، میانش همچو غروی
درآب نیلگون چون گل نشسته پرند نیلگون تا ناف بسته
ز هر سو شاخ گیسو شانه میکرد بنفشه بر سر گل دانه میکرد

(خسرو و شیرین نظامی)

در دامنه کوه اسفنجی رنگین جوی آب روان تالاب کوچکی را تشکیل داده ، که رنگ آب آن مطابق سنن مکتب هرات و متفرعات آن سیاه سرخگونه است . در بین این تالاب کوچك شیرین با بدن سیمین و دو گیسوی دراز وچهرهٔ بیضوی با لنگ نیلگون نشسته ولباس و کلاه خود را برشاخ درختی کنار تالاب نهاده است واسپ سیاه قوی هیکل او با زین ویراق مزین فاخردرچمن‌زار کنار تالاب ایستاده است.

ازانطرف کوه شهسوارجوان خوش‌پوش با عمامه سپید جیغه‌دار شمشیر وترکش بسته براسپ گلابی‌رنگ زیبائی سواراست، چون این دختر گلندام زیبا را برهنه در تالاب می‌بیند آشفته و با اشتیاق آمیخته به تعجب وعشق انگشت حیرت بدندان میگزد، وشیرین هم ملتفت این احوالست ، و مخصوصاً اسپ سیاه اوبا وضع عجیبی این حادثهٔ لطیف عشق و اشتیاق دو جوان را اشعار میدارد ، که حاکی از قدرت منظرنگاری وتصویراحساس وحالت روحی یك حیوان هوشیاراست .

درین منظر رنگهای گرم و سرد بجا بکار رفته و منظر آرائی آن هم دلکش است ، و در قسمت زیرین صفحه بریك خرسنگ کنارجوی آب بخط خفی نستعلیق نوشته‌اند : «عمل سلطان محمد» (نظیر ایـن منظر را بنگرید : مجموعهٔ هنری ۴/۵)

د : منظر این بیت نظامی از مخزن‌الاسرار :

پیرزنی را ستمی درگرفت   دست زد و دامـن سنجر گـرفت

اگرچه عین همین داستان در خمسهٔ کتابخانهٔ عامه لنین‌گراد هم مصور شده (رك مجموعهٔ هنری ۱/۸) ولی این منظر نهایت زیبا ورنگین ومجلل است آسمان رنگ طبیعی بـا لکه‌های ابر دارد ، که تابش اشعهٔ طلائی آفتاب از کنج بالای دست چپ آنـرا جمال و شکوه خاصی میدهد . در زیر این آسمان جمیل کـوهساریست با درخت و گل کـه خرسنگهای آن رنگ گلابـی خیره با قطعات سبزه‌زار دارد ، تنه یك سپیدار و برگهای زرد آن بالای کوه نمایانست و کبکان دری خرامانند.

دردامنهٔ چنین کوه زیبا موکب سنجرمشتمل بر بازدار وچتردار و چاوش و شاطـر زیباروی خوش‌پوش و غیره بـرزمینهٔ طلایی دشت و گلزاری دیده می‌شود وعبارتند از شهسواران معمم خوش لباس واسپان قوی هیکل که اسپ خود سنجررنگ بنفش خفیف با خالهای سپید دارد. و پیرزنی خمیده که چادردراز سپید و عبای بنفش دراز پوشیده ،گوشه قبای سلطان را گرفته و عرض شکوه میکند .

چهره کشی این‌منظر،رویهای بیضوی مکتب تبریز ورنگ آمیزی آن در نهایت ظرافت و نظرنواز و متوازن است و خط نسخه هم همان نستعلیق بسیار عالی خفی شاه محمود است . و سرورق منقش متناظر

نفیس آن هم در لوحه ۹۴۹ سروی هنر ایران چاپ شده است .

-۳-(۲۶۳)

خمسهٔ نظامی کار بهزاد :

درموزهٔ برتانیا. تصاویر این نسخه بقلم بهزاد است درسنه ۸۴۶ق ۱۴۴۲م (سروی۱۸۵۹) سه منیاتور آن بعدازترتیب کتاب درسنه ۸۹۸ق ۱۴۹۳ م کشیده شده که نام بهزاد دارد.

در سروی هنر ایران دو صفحه ازین نسخه چاپ سیاه کرده‌اند، (لوحهٔ ۸۸۵ ب سی)

اول : مصاف کردن نـوفل بار دوم ، از داستان لیلی و مجنون نظامی (لوحه سی)

در قسمت بالای صفحه بطرف چپ این ابیات نظامی بخط خفی خوش نستعلیق نوشته شده :

از خون روان که ریگ می‌شست　　از ریگ روان عقیق میرست
شمشیر کشیده نـوفـل گـرد　　میکرد بحمله کوه را خـرد

درگوشهٔ دست راست بالای این صفحه، مجنون جوان خوشروی با سر برهنه ولباس عادی عربی ایستاده و در پائین منظری را می بیند که در دشتی هنگامهٔ معرکه گرمست . جنگاوران عربی شتر سوار بشمشیر و نیزه می‌جنگند و سپرهای آهنین سیاه خالدار منقش در دست دارند . چهره کشی و لباس آرائی همه عربیست ، و مصور ریگزار عرب را بـا زی و قیافت مبارزان شترسوار قبیلوی بخوبی تصویر کشیده است .در قسمت بالا جاییکه ابیات نظامی‌را نوشته‌اند، بین جدول فاصل مصراعین بخط نستعلیق خفی چنین رقم شده «صورّه‌العبد بهزاد»

این صفحه منیاتور بتاریخ ۸۹۸ ق ۱۴۹۳ م و از کارهای مکتب هراتست .

دوم : یك صفحهٔ هفت پیکر نظامیست (لوحه ۸۸۵ ب) که تمام صفحه را یك منظر جنگ بهرام با اژدها گرفته و در گوشه‌های آن چند بیت از داستان ، مربوط باین معرکه بخط خوش نستعلیق خفی نـوشته شده و خود منیاتور عبارتست از کوه اسفنجی با درختان کهن سال و آسمان صاف که در دامنهٔ کوه اژدهائی با بدن و پای و پنجه سوسمار، ولی سر و دهان و دندانهای مهیب بر تنهٔ درختی بزرگ در حالت حمله و جهش است . بهرام براسپی قوی هیکل سیاه چرده سواراست واژدر را تیرباران میسازد ، از بالای کوه آهوبی بسوی اژدرمتهاجم می بیند .

درقسمت پائین این صحنهٔ مهیب در جـدول بین‌السطرین بهمین خط نستعلیق خوش «صورهٔ العبد بهزاد» نوشته‌اند .

اگرچه این هردو تابلوی خمسهٔ نظامی‌راکارسال ۸۹۸ ق ۱۴۹۳ م و عمل بهزاد نوشته‌اند ، ولی هـم برین دو و هـم برتابلوی مجموعهٔ کورکیان (۲۳۳ ، امریکا) رقم بهزاد ، بخط خوش نستعلیق نسخه‌هـای اصلیست ، که خط و امضای خود بهزاد نباشد (؟)

ـ۴ـ (۲۶۴)

خمسهٔ نظامی بخط نعیم‌الدین الکاتب الشیرازی :

در کتابخانهٔ بـودلیان اکسفورد ، که در سنه ۹۰۷ ق ۱۵۰۱ م کتابت شده (خ ۹۴۶) (رك : امریکا ، ایران)

ـ۵ـ(۲۶۵)

همای و همایون بخط میرعلی تبریزی ؟

درموزهٔ برتانیا. نستعلیق قبلةالکتاب میرعلی‌تبریزی؟ در ۷۹۹ ق

۱۳۹۶ م ازخطاطان عصرتیمور (۱۹ × ۳۰ سانتی) دارای بهترین نقاشی و خط .

اصل کتاب نظم کردهٔ خواجوی کرمانیست .

(رهنمای صنایع اسلامی ،تهران ۱۳۳۶ ش)[1]

-۶-(۲۶۶)

جُنگ اشعار فارسی و عربی بخط جعفر:

در مجموعهٔ چستربیتی دوبلن . بقلم نستعلیق خفی و رقم جعفر-التبریزی کتابت ۸۳۵ ن ۱۴۴۱ م مزین ومصور نفیس (۱۷ × ۸ سانتی) (لوحهٔ ۹۴۴ الف سروی هنر ایران)

-۷-(۲۶۷)

گلستان سعدی بخط جعفر :

در مجموعهٔ چستربیتی دوبلن . که در سنه ۸۳۰ ق ۱۴۲۶ م بـه نستعلیق جعفربایسنغری در هرات نوشته شده واین نسخهٔ مزین ومصور به کتابخانهٔ بایسنغر میرزا تعلق داشته و علامت کتابخانـهٔ او دارد . عنوانها بقلم رقاع عالیست . (خ ۱۲۰)

۱ـ این نسخهٔ نفیس جـزو کتابخانهٔ بهرام میرزا فرزند شاه اسماعیل بود ، ودر آخر آن تاریخ ۸ جمادی‌الاولی سنه ۷۹۸ ق ۱۳۹۵ مورقم «میرعلی-ابن الیاس التبریزی الباروجی» آمده است . ولی‌جعفربایسنغری شاگرد میرعلی تبریزی با صراحت نام پدر او را حسن ضبط کرده است و هم الیاس باورچی سندی ندارد . بنابرین انتساب این نسخه بخط میرعلی‌تبریزی واضع-الاصل ضعیفست ومصور آنرا جنیدالسلطانی ازمکتب بغداد قرن ۱۴م شمرده‌اند. که دو منظر ظریف این کتاب درهنرهای زیبای عرب وایران (شکل ۵۵-۵۶) نشر شده و از سوابق کارهای هنریست که مبنای مکتب هرات بوده است .

-۸- (۲۶۸)

شاهنامهٔ موزهٔ بریتانیا :

قسمتی از شاهنامهٔ فردوسیست که درسنه ۸۰۰ق ۱۳۹۷ م نوشته شده و پیش از ظهور مکتب هنری هراتست ، ولی این هنر در اساس هنرهرات اثری دارد . ومقدمهٔ این جنبش را دران توان دید . (تاریخ- صنایع ۱۶۸)

-۹-(۲۶۹)

شاهنامهٔ فردوسی لندن :

در حدود ۸۴۴ ق ۱۴۴۰ م برای محمد جوکی پسر شاهرخ در مکتب هنری هرات بوجود آمده و در کلکسیون انجمن شاهی آسیائی لندن محفوظست ، امضاهای شاهان مغولیهٔ هند دارد (سروی ۱۸۵۵)

این نسخه بهترین نمایندهٔ خصایص هنرهرات درپیوند صور و اشکال و رنگ آمیزی آنهاست . که درسروی هنر ایران دومنظر رنگین آنرا طبع کرده‌اند :

۱- آمدن تهمینه ببالین رستم: رنگ آمیزی وچهره کشی وهندسی- بودن و تزئینات و نقاشی بنا در نهایت ثقت و لطافت است ، رستم که برخوابگاه خود زیر لحافی آرمیده نیم بالای بدن او دیـده می‌شود ، عمامهٔ سپید دارد ، بردست چپ خـود تکیه کرده و زیر بسترش قالین رنگین گلدار دارای حاشیه زرد وسرخ هموار است ،دیوارهای خوابگاه با کاشی خیره آسمانگون منقش مزین گردیده و بالای آن حاشیهٔ طلای ناب دارد ، پیش بستر رستم شمعی روشن است و نزدیك شمعدان ظروف آبخوری و صراحی افتاده .

این اطاق دری دارد ، کـه پردهٔ آنرا غلام سیاه چـردهٔ جوان سرخپوش فراگرفته و ازان دختری زیبای خوش پوش با خرام و ادای جانانه وارد می‌گردد، وبا نگاه فتنه‌انگیز بسوی رستم می‌بیند، درنگاه رستم هم عشق وحیرت دیده می‌شود (لوحهٔ ۸۷۵ سروی هنر)

هنرمند هرات تمام اداهای شاعرانـه فـردوسی را در هنر خود مصور کرده ودرینجاست که بیننده‌تصورمیکند، که‌خودوی‌دربزم آرائی فردوسی همراه اوست :

یکی بنده شمعی معنبر بدست — خرامان بیامـد ببالین مست
پس از بنده اندر یکی ماهروی — چوخورشیدتابان‌پرازرنگ‌وبوی
دو ابروکمان و دوگیسو کمند — ببالا بکردار سرو بلند
لبان از طبر زد ، زبان از شکر — دهانش مکلل بدر وگهر
روانش خرد بود وتن جان پاك — تو گفتی که بهره ندارد ز خاك
ازو رستم شیر دل خیره ماند — برو آفرینهای یزدان بخواند
بپرسیدازو، گفت: نام‌توچیست؟ — چه‌جویی‌شب‌تار، کام‌توچیست؟
چنین داد پاسخ کـه تهمینه‌ام — تو گویی دل از غم بدو نیمه‌ام
بگیتی زشاهان مرا جفت‌نیست — چومن زیرچرخ بلنداندکیست

(شاهنامه)

۲ـ سیمرغ زال را به‌سام می‌سپارد : در زیرآسمان ابرآلود زیبا کوهی است اسفنجی ملون با درختان‌کوهی و شاخسار پرگل که منظر نگاری بسیار دلکش ورنگین عالی دارد و رنگهای سرد وگرم‌را بجای خود استعمال کرده ، درین دامنهٔ کوه سام بر دوزانو در حالت تضرع نشسته که اشتیاق و زاری از قیافت و حرکت دستهای او پدیـد است .

در عقب او جـوان خوشرویی بـا لباس سرخ و سبز عنان دواسپ را گرفته است.

درقسمت بالای کوه سیمرغی که بالهای رنگین و پرهای عظیم او درفضای لاجوردین پهن گردیده ، طفل شوخ و شنگی را با موی سپید درلف بالهای خودگرفته و اورا به‌پدرش سام تقدیم میکنند .

(لوحهٔ ۸۷۶ سروی هنر)

این صفحهٔ منیاتور هرات بهترین نمونهٔ منظر نگاری واستعمال رنگهاست، هنرمند درنقش کوه اسفنجی رنگهای مختلف را بصورتی بکاربرده که‌صخره‌های کوه را اشکال مختلف حیوانی مانند موش ومرغ توان شمرد .

در رنگ آمیزی ابرهای اسفنجی نیز نیروی خامهٔ مصور پدیدار است، زیرا پاره‌های بزرگ ابرهای خروشان را در پیچ وخـم خطوط ذره بینی سیاه کم‌رنگ بصورتی درآورده ، که خود آن یك نوع جمال خاموش است .

ـ۱۰ـ(۲۷۰)

ترجمه تاریخ طبری‌کار هرات:

در مجموعهٔ چستربیتی انگلستان است که برای شهزاده هرات بدیع‌الزمان میرزا درسنه ۸۷۴ق ۱۴۶۹م در مکتب هنری هرات نوشته وپیراسته شده است (سروی هنر ۱۸۵۵)

خط این نسخه نستعلیق عالی بامزه خفی نزدیك به نیمه‌جلی است که عناوین آن برقاع دلکش نوشته شده وبهترین نمونهٔ هنرخطاطیست.

لوحهٔ ۸۸۰ سروی هنر ایران یك صفحهٔ این کتاب گرانبهاست ،

مشتمل بر دربار جمشید که خودش با تاج بـر تخت شاهـی نشسته و درباریانش عمامه‌های متوسط خراسانی وعباهای درازدارند، دوخدمتگار جوان خوشروی هم درین محضر ایستاده‌اند، این دربار برزمینهٔ سبزه‌زاریکه بیك سویش درختان تنومند و کوچك پرگل دیده می‌شوند جریان دارد وحصهٔ بالای آن هشت سطر ازمتن طبری «حدیث پادشاهی جمشید واحوال او» است ویك درخت بلند پنجه چنار بصورتی نقش شده که تنهٔ آن درنهایت صحنهٔ دربار است و سر آن از بالای سطور نوشته شده به‌حاشیه علیای صفحه کتاب برامده و درانجا ترنجی از برگ تشکیل داده است . در صحنهٔ دربار پیشه وران مختلف مانند نجار و آهنگر و فخار و زرگر وبافنده و درزی وغیره باآلات حرفت خود بکارمشغولند، واین تابلوعیناً نظیر لوحهٔ ۹ ص۳۱ شاهنامهٔ بایسنغری « جشن جمشید » است (به ۳۴۶ رجوع شود) با فرق اینکه چهره کشی این نسخهٔ طبری خراسانی والبسه مخصوصاً عمامه‌ها وعباها کاملا هراتیست وکلاه آهنین ندارند، وشاید علت این تحول چهره کشی و پوشاك آرایی فاصله ۴۰ ساله بین نسختین بایسنغری وبدیع‌الزمانی باشد ، که‌گویا هنر هرات درحدود ۸۷۴ق بسیار بومی و محیطی شده بود ، یا اینکه درین نسخه تنها، هنرمند هراتی کارکرده باشد.

-۱۱- (۲۷۱)

رباعیات عمرخیام بخط شیخ محمود هروی :

از کتابخانهٔ بودلیان با رقـم : «کتبه‌العبد ... شیخ محمود پیر بوداقی صفر ۸۶۵ق ۱۴۶۰م در شیراز. این نسخه بـا ترجمهٔ انگلیسی رباعیات بسال ۱۸۹۸م درلندن چاپ شد (خ ۸۹۳)

-۱۲- (۲۷۲)

اوراق شاهنامه (لندن):

در مجموعـهٔ DR. P. W. Schulz اوراق یك شاهنامـهٔ خطی مربوط مکتب هنری خراسان (؟) موجود است که شاید درعهد اوزون حسن پادشاه آذربایجان نوشته شده باشد ۸۵۷-۸۸۳ق (سروی ۱۸۵۶)

-۱۳-(۲۷۳)

خمسهٔ نظامی لندن:

درسنه ۸۵۴ق ۱۴۵۰م نوشته‌شده که درمجموعهٔ چستربیتی‌دوبلن است.

برخی ازمنیاتورهای آن که در۸۶۸ق ۱۴۶۳م نقاشی‌شده به‌مکتب اصفهان منسوبست. (سروی ۱۸۵۶)

-۱۴-(۲۷۴)

شاهنامهٔ فردوسی موزهٔ بریتانیا:

نوشته و پیراسته ۸۹۱ق ۱۴۸۶م درمکتب هرات بخط بسیارعالی نستعلیق خفی که یك منظر کیخسرو در کشتی آن طبع شده (لوحهٔ ۸۸۳ الف سروی هنرایران) وکار آن تماماً خصایص هنر هرات دارد و چهره کشی ومنظر آرابی آن عالیست. وکشتی که کیخسرو دران افراسیاب‌را تعقیب میکند شکل اسپ دارد.

-۱۵-(۲۷۵)

دیوان امیرخسرو دهلوی (بلخی):

در مجموعه Jeuniette لندن بـود و در رنگ آمیزی و دیگـر

خصوصیات اهمیت زیاد دارد (سروی ۱۸۵۷) یـك صفحهٔ آن که در سروی هنر ایران (لوحه ۸۸۳ ب) سیاه چاپ شده بخط بسیار عالـی نستعلیق خفی است و هم تصویر آن کار پخته و نفیس مکتب هراتست (اواخر قرن ۱۵م) و مصور چیره دست این بیت امیرخسرو را مصور ساخته است :

ببام‌خویش چو آن ترك کج کلاه براید

نفیر و نالهٔ من بر سپهر و ماه براید

درینجا کاخیست عالی مزین که بالای دروازهٔ آن بخط ثلث بسیار خوب «السلطان الاعظم خاقان‌المعظم» نوشته شده و دربسته است.

بالای این طبقه گنبدیست منقش و خـوش‌نما و نقاشی ایـوان و پایه‌ها و اطراف دروازه وغیره دلکش ودیده‌نواز است . پیش این گنبد بامیست که بران یك جوان رعنا و پری چهره با نگاههای پر ناز و ادای خود ایستاده است.

زیر این کاخ پیش دروازه دونفر نیم شفته یکی جوان بی‌ریش و دیگر با ریش سیاه کوتاه ایستاده با ولـع و اشتیاق به‌آن دلبر شیرین حرکات مینگرند.

چهره کشی این منظر خراسانی و رنگ آمیزی هم جالب نظر و لطیف وعالیست. درنقاشی بنا ظرافت و ریزه‌کاری و مهارت بکار رفته وخود دروازهٔ چوبی هم نقش زیبنده‌یی دارد، که مصور توانسته است، ظرافت کلام امیرخسرو را درین‌منظر تصویر کشد و جمال هنر خود را با جمال شعر آن شاعر شیرین‌سخن توأم گرداند ، درحالیکه کاتب زیبا نویس این نسخه حق زیبائی خط را دران داده است.

-۱۶-(۲۷۶)

اشعار نظامی:

در کتابخانهٔ بودلیان اکسفورد انگلستان. از آثار مکتب هرات نوشته شدهٔ سنه ۹۰۶ ق ۱۵۰۰ م.

-۱۷-(۲۷۷)

گلچین اشعار فارسی

از نسخ خطی موزهٔ برتانیا، به نستعلیق خفی محمد الحلوائی الجلالی-الاسکندری و ناصر الکاتب در پارس در سنه ۸۱۳-۸۱۴ق ۱۴۱۰-۱۴۱۱ م برای میرزا اسکندر بن عمر شیخ بن تیمور نوشته و آراسته شده (۱۸۴×۱۲۷م) که تصاویر و نقاشی‌های آن بمکتب هنر شیراز قبیل هنر هرات تعلق دارد.

از این نسخه دو صفحهٔ آخر نقاشی (لوحه ۹۴۵) و دو مجلس منیاتور (لوحه ۸۵۸) برنگ سیاه در سروی هنر ایران چاپ شده، که نقاشی آن شبیه نسخهٔ سابق الذکر است، ولی نقاش در بین برخی از ترنج‌ها در بین گل کاری اشکال حیوانی و مارپیچی را بوجود آورده و شکل سیمرغ افسانوی را در خلال این نقاشی بصورتی جای داده که بیننده آنرا خطوط متوازن نقاشی می‌شمارد.

تصاویر آن چهره کشی ایرانی جنگاوران مهیب ریش‌دار با خودهای آهنین و البسهٔ جنگی دارد و کوههای آن اسفنجی و گیسوان زنان بسیار دراز و رویهای گرد جذابی دارند.

خط نستعلیق این نسخه نیز به پختگی و مزهٔ آثار هنر هرات نمی‌رسد، ولی تعلیق و نسخ آن خوبتر است و شاید ناصر کاتب همان

خوشنویس باشد که کتاب (۸۲۷ و ۸۲۸) را نوشته است.

ذکر یکنفر خوشنویس حمامی شیرازی در عدد ۲۶۱ گذشت، ولی تصور نمیرود که این دو حمامی یك شخص باشند.

-۱۸-(۲۷۸)

بوستان سعدی ، لندن:

درمجموعه چستر بیتی تحریر۸۸۳ ق ۱۴۷۸م که منیاتورهای آن کار بهزاد است در ۸۹۰ ق ۱۴۸۵ م (سروی ۱۸۶۳) این نسخه یازده تصویر با رقم (العبد بهزاد) دارد و کاتب آن میرشیخ محمدبن شیخ احمد است.

-۱۹-(۲۷۹)

اشعار میرعلی‌شیر نوایی، اکسفورد:

این مجموعهٔ اشعار که در کتابخانه بودلیان آکسفورد است در سنه ۸۹۰ق ۱۴۸۵م نوشته شده که سه تصویر آن از کار بهزاد در بوستان قاهره نقل گردیده است. (سروی)

-۲۰-(۲۸۰)

خمسهٔ امیرخسرو، لندن:

کلکسیون چستر بیتی تحریر ۸۹۰ ق ۱۴۸۵م، نقاشی‌های آن کار بهزاد شمرده شده است (سروی ۱۸۶۷)

-۲۱-(۲۸۱)

ظفر نامه علی‌یزدی:

مربوط کلکسیون Garrett که برای سلطان حسین بایقرا در

هرات د۱. ۸۷۲ ق ۱۴۶۷م نوشته شده و امضایی ندارد. ولی این نسخه که وقتی در هند بوده، جهانگیر پادشاه بران نوشته که تصاویر آن کار بهزاد است.

شش منیاتور دوصفحه‌یی بسیار عالی دارد که بعداً با این نسخه اضافه شده و بهترین مراتب هنرهرات را نمایندگی میکند وبا منیاتور-های امضا شدهٔ بهزاد موجود در قاهره شباهت تام دارد (سروی۱۸۶۲)

ـ۲۲ـ(۲۸۲)

تصاویر اد نبره:

تصاویر متعدد موزه سکاتلند در ادنبره عمل سلطان محمود شاگرد بهزاد است. (سروی ۱۸۷۶)

ـ۲۳ـ(۲۸۳)

تحفة‌الاحرار جامی، بخط خواجه‌جان:

مجموعهٔ چستربیتی بخط خواجه‌جان بن سلطان احمد سیاوشانی (هروی) در بخارا بتاریخ ۹۵۴ ق ۱۵۴۶م نوشته شده (خ۱۸۱)

ـ۲۴ـ(۲۸۴)

تحفة‌الاحرار جامی کار محمود مذهب:

تزئین و تذهیب محمود مذهب در ۹۵۵ق=۱۵۴۸م.
(کلکسیون چستربیتی لندن - سروی۱۸۷۰)

ـ۲۵ـ(۲۸۵)

نقاشی‌های موزهٔ بریتانیا:

یك مجموعهٔ نقاشی‌های متعدد موزه بریتانیامنسوب به‌شاه‌محمد

شاگرد مکتب هنرهرات است که دو نقاشی اودر البم‌توپقاپوی‌استانبول نیزهست. (رك: لوحه ۹۰۱ ب سروی)

(سروی ۱۸۷۸)

-۲۶-(۲۸۶)

مهمانی در باغ :

در موزهٔ هنرهای زیبای بوستون انگلستان منیاتور ۲ صفحه‌یی مهمانی درباغ‌موجود ورقم (عمل‌بهزاد) دارد (حدود۹۰۶ ق۱۵۰۰ م) اگرچه اسلوب هنر آن به مکتب بهزاد نزدیکست، ولی این‌امضا مورد شك است. (سروی ۱۸۶۴ و لوحه ۸۹۱ ب)

-۲۷-(۲۸۷)

دیوان معزی

از سوابق مکتب هرات شبیه تصاویر کلیله و دمنه قصر یلدیز تحریر ۷۱۴ ق=۱۳۱۴م. (اندیا آفس)

-۲۸-(۲۸۸)

حیرةالابرار (ترکی سرودهٔ نوایی)

کتابخانه بودلیان اکسفورد نمبر ۲۸۷ ساخته و پرداخته هرات ۸۹۰ق ۱۴۸۵ م منسوب بقاسم علی. نسخهٔ ممتازخط نستعلیق باتصاویر و نقاشی بسیار عالی مکتب هرات به‌قطع $\frac{1}{۲}$۱۶ × $\frac{1}{۲}$۱۱ سانتی. که بهترین مخطوطهٔ هنرهرات شمرده میشود و مناظرذیل ازان درمجموعهٔ نگارهای داستان علی شیر نوائی (طبع مسکو از نشرات فرهنگستان علوم اوزبکستان شوروی ـ تاشکند ۱۹۷۰م)طبع ونشرشده است:

۱- پیغامبر با صحابهٔ خویش بشمول یك حبشی سیاه چـرده در عمارت مسجد گنبدی بسیار مزین دارای محراب و منبر که کاشی‌کاری رنگین آن به سه‌طرز نهایت نظرباست (ص۷)

۲- درویشان در صحبت خواجه عبدالله انصاری، که درین‌منظر بنای مزین کاشی‌کاری با رنگ‌هـای سرد و قالین بسیار مزین رنگین و دورنمائی از کوههای اسفنجی با خرگوش و آهو ، حال خاصی دارد (ص۲۴)

۳- نوشیروان با شاه بانو در قصرشاهی. رنگها و دقایق نقاشی کاخ و پختگی الوان کاشی‌ها و منظری از گلزار متصل آن با ساخت قالین زرد حاشیه‌دار سرخ و سپید همه کارهای شاهانه است (ص۲۷)

۴- آوردن شیخ عراقی پیش مردم. جمعی از اعزه و اشراف با سپاهیـان و دو اسپ و یك غلام سیـاه‌چرده در صحرایی کـه سبزه و گل‌های خودرو دارد ایستاده‌اند ، و شیخی را کـه دستار در گـردنش افتاده با سر برهنه کشان‌کشان پیش ایـن جمعیت می‌آورنـد . البسهٔ اشراف و سپاهیان و شیوخ با منظر سبزه صحرا و آسمان مینائی‌دیدنی است (ورق ۳۴ الف)

-۲۹-(۲۸۹)

حیرةالابرار نوائی:

نسخهٔ خطی مصور و آراسته کتابخانهٔ شاهی ویندسور لندن نمبر ۶۵ بقطع ۲۴ × $\frac{۱}{۲}$ ۱۶ سانتی بخط سلطان علی مشهدی از ص ۳۶ ب این نسخه یك صفحه منظر داخل حمام است که از کارهای بسیار خوب مدرسهٔ هنرهرات شمرده میشود در ۸۹۷ ق۱۴۹۲م‌ودرمجموعهٔ‌نگارهای

داستان نوائی (ص۵) طبع شده است.

این منظر مخلوطی از رنگهای گرم و سرد است که صحن حمام و بدنهای برهنه و نقوش دیوارهای گرمابه و آبدان بهردو رنگ کارشده وبالای رواق آبدان نقاشی رنگ سردخاکی مانند، با دوفرشتهٔ بالدار در دوطرف بالای رواق دارد. کاشی کاری دیوار پایین آبدان و سه‌طاق کوچك آبدان با زنگار و سپیده است درمدخل گرمابه سه نفرخدمتگار شاه دیده میشود، درب و حواشی و بالای آن نهایت زیباست و بالای درب با سپیده نوشتهٔ خط خوب رقاع است و منظر بیرونی گرمابه بـا رنگ سرد خاکی تیره پراز گلبرگ است.

بر قسمت بالای رواق آبدان ، زیرگنبد یك سطر خط رقاع با سپیده در بین زنگار گرم‌دیده می‌شود، که درآخرآن‌سنه ۹۴۷(۱۵۴۰م) نوشته شده وممکن است این قسمت منظر درهمین وقت کارشده باشد.

-۳۰-(۲۹۰)

فرهاد و شیرین نوائی:

نسخهٔ مصور آراستهٔ زیبا در بودلیان نمبر۴۰۸ ساخته وپرداختهٔ هرات ۸۹۰ ق ۱۴۸۵م با همان قطع حیرةالابرار عدد ۲۹. در(ص۶۶) تصویری از منظر کوه‌کنی فرهاد دارد ، درحالیکه خبر دروغین مرگ شیرین را باو میرسانند.

منظر کوههای اسفنجی با رنگهای سرد و حیوانات وحشی ودر ورای آن دشتی خشك با رنگ خاکی دیده میشود که تماماً منظر یأس وحرمان است. فرهاد درهمین حالت باآلات کوه کنی بنظرمی آید.

۳۱-(۲۹۱)

لیلی و مجنون نوائی:

این نسخهٔ نفیس نیز درهمان مجموعهٔ بادلیان نمره (۳۳۹)است، محصول مکتب هرات در ۸۹۰ ق ۱۴۸۵م با همان قطع کتاب نمبر۲۹. صفحه ۳۹ منظریست از داخل خانهٔ لیلی درنهایت تزئین ورنگینی، که غیر از سطح خانه دیگرمناظر آن با رنگهای گرم زنده وخیره کننده کار شده ونقاشی‌های بالای طاق آن‌بسیار لطیف و نظرر باست. که درزنگار با سپیده و رنگهای حنائی و سرخ و زرد کار شده ونقوش کاشی‌هـای دیوار آن هم روشن و گرم است. درب نیمه‌بازیکه مجنون ازان وارد میشود، پله‌های آن با سپیداب و رنگ سبز وعنابی دقیق‌کارشده وقالین درازیکه لیلی بران نشسته رنگهای گـرم زنده و درخشان و گـل کاری دلکشی دارد.

پیش روی این دالان مزین صحنی و در آن جوی‌آب وحوضی است که‌آب‌آن رنگ تیره دارد.

۳۲-(۲۹۲)

سبعهٔ سیارهٔ نوایی:

این مخطوطهٔ اشعار ترکی نوایی نیزمانند حیرةالابرار ولیلی و مجنون با همان‌خط وتزئین ومزایای هنری مکتب هرات در سنه ۸۹۰ق ۱۴۸۵م ترتیب‌یافته، که در کتابخانهٔ بودلیان‌به‌نمرهٔ(۳۱۷) محفوظست و برصفحه ۱۴ تصویری رنگین دارد، که مانی تصویر دلارام را به‌بهرام نشان میدهد. درین منظر بدیع و دلکش تزئینات سایه‌بان و قالین شاد ولباس‌درباریان باگلزارودرختان وابرها برآسمان مخصوصاً جالب‌نظر

است که درمجموعه نگارها (ص۸) طبع شده است.

درهمین نگارها (ص۹) منظر فراهمی حکما برای معالجه بهرام است، که رنگهای زنده و پکه هردو بکار رفته و نقش و نگار فرش و دیوارها ودربها و سردربها وگل و درخت بسیار زیبا و دلکش است و ازصفحه ۲۱ نسخهٔ خطی گرفته و چاپ شده است.

-۳۳-(۲۹۳)

آیین‌اکبری بخط محمدحسین کشمیری:

این خطاط از بقایای مکتب هنری هـرات در هند و مشهور به «زرین‌رقم» وشاگردمولاناعبدالعزیز بود، متوفادرهند ۱۰۲۰ق ۱۶۱۴م.

وی بحکم اکبر نسخهٔ آئین اکبری را نوشت که تصاویر آنرا هم مصوران دربار اکبری، ساخته‌اند. و سه‌صد هزار روپیه بران‌صرف شده ، و این نسخه از اوجین هند به لندن موزیم‌رسیده است (صحیفهٔ خوش‌نویسان ص - ۱۵۷ بحوالهٔ تحقیقات ماهر) (رك هند)

-۳۴-(۲۹۴)

سبعهٔ سیارهٔ نوایی:

نسخهٔ دیگر مخطوط ومنقوش سبعهٔ نوائی است که در کتابخانهٔ بودلیان بشماره ۳۱۸ موجود است و ادامـهٔ مکتب هنری تیموریـه در بخارا شمرده میشود ودرسنه ۹۶۰ق۱۵۵۳ بقطع $22\frac{1}{3} \times 13\frac{1}{2}$ سانتی در بخارا ترتیب شده، کـه خط نستعلیق و نقاشی و مصوری و رنگ‌آمیزی و صحنه‌آرایی آن تقلیدیست از سبعهٔ سیارهٔ نسخهٔ ۳۱۷ همین کتابخانهٔ بودلیان. ولی متانت و پختگی رنگ و کار و ثقتی که درهمه

مناظر نسخه ۳۱۷ کارهرات دیده‌می‌شود ، درین نسخهٔ کار بخارا موجود نیست.

۱ـ صحنهٔ خیرهٔ سبزه چمن و گلهای زرد وسرخ وجوی آب خیره رنگ آن طراوت و تازگی دارد ، ولـی مانند ۳۱۷ متین و سنجیده و مجلل نیست.

بهرام برقالینچهٔ زردرنگی زیر سایه‌بان منقشی نشسته که همان شکوه سایبان ۳۱۷ ندارد. و مانی کـه تصویر دلارام را به بهرام پیش می‌کند ، قیافت و زیّ یك اخوند بخارائی دارد تا به چهر و اندام یك مانی آرتست.

این منظر از ورق ۱۴ نسخه ۳۱۸ بودلیان در مجموعه‌نگارهای داستان نوائی تحت نمره (۱۲) چاپ شده‌است.

۲ـ یك صفحهٔ دیگر همین کتاب کـه تحت نمره (۱۳) از روی (ورق ۱۸ ب) چاپ شده منظر بهرام و دلارام در شـکار است ، کـه با منظر شکار نسخه ۳۱۶ کتابخانهٔ ملی‌پاریس شباهت دارد ، ولی نه با آن پختگی ودلکشی و تنوع و متانت. درین لوحه انواع حیوانات‌شکاری محدود به دو نوع شیر و آهوست ، درحـالیکه در منظر دلکش نسخهٔ پاریس بیش از هفت نوع است و هـر نوعی ازان با مهـارت تصـویر گردیده و رنگهای اسپان و جانوران آن هم طبیعی است.

۳ـ یك صفحهٔ مصور بدیع دیگری از همین کتاب به نمره ۱۴ از روی ص۳۰ چـاپ شده و عمومـاً رنگهـای نیمه سرد را در آن کار کرده‌اند کـه مانند بزم باده‌پیمائی نسخه ۳۱۶ پاریس است ، دختران نوازنده قانون و دف‌زن و ترانه‌گو و ساقیان سیمین‌تـن آن نظیر نسخهٔ

پاریس است، الا اینکه این ساقیان و مطربان تماماً لباس زرد پکه کم رنگی دارند و لباس بهرام و دلارام هم همین‌طور است. قالین فرش نشستن‌گه بهرام و دلارام، شکل وطرز عادی با رنگهای متعدد و نقاشی عادی دارد.

بر بالای طاق منقش بخط رقاع به‌سپیداب بر زمینهٔ زنگاری نوشته‌اند: «برسم کتابخانه سلطان الاعظم الاکرم ابوالفتح محمدیار بهادرخان خلدالله تعالی ملکه» مصوری و نقاشی و رنگ‌آمیزی این صفحه با مهارتست که قدرت خامه مصور از آن آشکاراست، و در ادامهٔ مکتب هرات، کار ممتازی شمرده میشود.

۴- بهرام در کاخ سبز: از روی (ورق ۳۴ ب) عکاسی شده و در ثقت و پختگی کار به مجلس سابق میماند و این هم همان نوشته «برسم . . . .» دارد. زمینهٔ زنگاری و گل‌کاری نازك زرد و سرخ قالین ایوان، رنگ گرم و طرز دلچسپی دارد که بهرام و دلارام بران نشسته‌اند دارای قیافت وزیّ و اندام بخارائی. تزئینات طاق ایوان با رنگ سبز سرد است و گل‌کاری ریز سیاه برزمینهٔ آبی داخل طاق دیدنی است.

دختر دف‌زن و کمانچه با سراینده لباس‌های خیرهٔ عادی دارند ولی گل‌چهره و دلربااند. این بزم قدری محافظه‌کاری مذهبی دارد، زیرا قدح در دست هیچیکی از اشخاص مجلس دیده نمیشود، و با تصاویر بزمهای مستانهٔ کار هرات‌نمی‌ماند.

۵- بهرام در کاخ گلرنگ نمبر ۱۶ نگارها از روی (ورق ۴۰ب) نسخهٔ ۳۱۸ بودلیان که همان نوشته «برسم. . .» سنه ۹۶۰ق ۱۵۵۲ م

هم دارد.

فرق این منظـر با منظر سابق اینست کـه ایـن قدری مستانه و طربناکست بهرام ودلارام باده‌پیمائی دارند و ساقیان و نوازندگان همه بانشاطند. فقط ایوان قصر رنگ زرد و عنابی سرد دارد، و قالین آن با همان مزایا و اشکال و رنگ منظر سابق‌الذکـر است و البسهٔ اشخاص متناسب با رنگ کاخ است.

۶- بهرام در کاخ آبی: نمبر۱۷ نگارها از روی (ص۴۷) نسخه ۳۱۸ بودلیان ، همان بزم باده‌پیمائی و سرود در قصرآبی‌رنگ ، کـه لباسهای افراد این منظر متوازن با رنگ قصر و نقش‌ها و گـل‌کاریهای آبی‌رنگ آنست، ولی قالین نشست بهرام و دلارام با زمینهٔ زنگـاری گلهای ریزه‌کاری زرد و سرخ و یك حاشیه ملون گل‌کاری برزمینهٔ زرد دارد، ساقیان و نوازندگان بزم منظری طربناك دارند و نقاشی پیش‌روی طـاق ایوان هم زیبـا و لطیف است، چهرهای اشخاص زیبـا و دارای ریش‌های حنایی بخارایی است.

۷- بهرام در کاخ صندل‌رنگ : نمبر ۱۸ نگارها از روی (ص ۵۷ ب) نسخه ۳۱۸ بودلیان. همان بزم سرود و همان نوشته «برسم...» سنه ۹۶۰ ق (۱۵۵۲م) رنگ کاخ و البسهٔ اشخاص و صحن متوازن با رنگ صندلی است و سبك مصوری آن‌همان کار بخارایی مناظرسابق‌الذکر نسخه ۳۱۸ بودلیان است.

۸- بهرام در کاخ سپید: نمبر ۱۹ نگارها از روی (ورق ۵۷ ب) نسخه ۳۱۸ بودلیان. همان بزم باده‌پیمائی و سرودکه اشخاص‌آن لباس سپید متناسب با کاخ سپید دارند و دیگر الوان آن هم سرد کار شده و

همان نوشته «برسم...» مثل تصاویر بالا دارد و کار خوب مکتب بخارا شمرده میشود که از متفرعات هنرهراتست.

۹- بازگشت دلارام بنزد بهرام. نمبر ۲۰ نگارها، از روی (ص ۴۶) نسخهٔ ۳۱۸ بودلیان. درین صفحهٔ مصور منظر گلزار و سبزه و درخت کهن‌سال و خیمه و سایبان و البسهٔ اشخاص همه رنگین‌ودارای الوان گرم است و بهرام جامی در دست دارد و دلارام برای او نغمات قانون مینوازد، چهره‌ها دلکش و بشاش است و ازکارهای بهترین‌همان مکتب بخاراست.

-۳۵-(۲۹۵)

سد اسکندری ترکی:

نسخهٔ بسیار مهم مکتب هرات شماره ۳۳۹ کتابخانهٔ بودلیان $16\frac{1}{3} \times 11\frac{1}{2}$ سانتی. که برای کتابخانهٔ بدیع‌الزمان میرزا درسنه ۸۹۰ ق ۱۴۸۵م ترتیب یافته است.

تمام تصاویر و تزئینات این مخطوطه درکمال ثقت و مهارت تهیه شده و هنرمندان چیره‌دست مدرسهٔ هرات در آن کار کرده‌اند، و این مهارت و طراوت وچیره دستی در هرصفحهٔ آن ظاهراست. درمجموعهٔ نگارهای داستان نوائی‌این تصاویر سد سکندری نوائی طبع‌شده‌است:

۱- پذیرائی اسکندر ازشاهی که فقر اختیار کرده، از روی (ص ۱۷) مخطوطه ۳۳۹ بودلیان که تمام محاسن هنرهرات را در بردارد (عدد ۲۱ مطبوع نگارها)

سکندر با تاج شاهی و عبای نارنجی و پیراهن سبز بر قالین زمینه زنگار و نقوش لطیف و ستارهای زرد نشسته و شاه فقیر با بدن

نحیف ریاضت کشیده و لباسی فقیرانه پیش او زانو زده و در باریان دیگر با پوشیدنیهای فاخر ایستاده‌اند و شاه تاجدار با شاه فقیر مکالمه دارد.

ایوانیکه سکندر در آن نشسته دروازهای زردرنگ و دیواری پر از نقوش کوچك و لطیف زرد برزمینهٔ سیاه دارد، که بالای آن در زمینهٔ سپیداب دو نقش لطیف آسمانی‌رنگ در دو جناح نگاشته شده، ولی منظر ایوان در پایین کاشی‌های آسمانگون منقش و درقسمت‌های بالا نقاشی‌های حنائی و آسمانی برزمینه زنگار پخته و گرم دارد، که گلهای سرخ و زرد و غیره برزینت آن افزوده است. برجبین ایوان در بین این نقاشی‌ها بر زمینه‌زنگاری گرم با سپیداب بخط رقاع قلم متوسط نوشته‌اند:

«اللهم ایـد ظلال دولة السلطان الاعظم خاقان المعظم السلطان ابن السلطان‌سلطان بدیع الزمان بهادرخان‌خلدملکه.» زنجیره‌حنائی‌رنگ منقش قسمت‌های تزئینات ایوان را از هم جدا میکند وپیش ایوان در صحن مفروش به‌خشت‌های مستطیل‌لیموئی جوی‌آب وحوضی‌مستطیل با رنگ خیرهٔ آب دیده می‌شود و کنگرهٔ بالائی ایوان نقاشی صندلی رنگ لطیفی دارد.

۲ـ سد بستن اسکندر ضد یأجوج و مأجوج، از روی (ورق۷۷ ب) همین مخطوطهٔ ۳۳۹ بودلیان، تحت نمره ۲۲ نگارهای مطبوع:

منظر عمومی رنگ لیموئی متمایل به حنائی پکه و کوههای اسفنجی دارد، که در بین این کوهها خالیگاهی است و عمله مشغول‌اند که آنرا بوسیله قطعات‌سنگهای تراشیده پر نمایند، معمارها در بالا بردن

این بنا فعالیت میکنند و کارفرمائی با عصا و عبای سرخ به معماران هدایت میدهد.

۳- بزم ادب‌نوایی در بین شعرای بزرگ: از روی (ورق۹۵ب) نسخهٔ ۳۳۹ بودلیان. تحت نمره ۲۳ نگارهای مطبوع:

منظریست بدیع در بین گلزار و درختان پرگل و آسمان‌زنگاری رنگ‌گرم با تابش ماهتاب سه شبه. در بین این گلزار فرشی ساده با رنگ لیموئی دیده میشود، که هفت نفر با عباهای رنگین و عمامه‌های سپید بران نشسته‌اند و با هم بحث و مذاکره دارند. سه‌نفر بیرون فرش با همان‌گونه عباها و عمامه‌ها نشسته‌اند و برفرش دربین این اشخاص چند کتاب با دوات و قلمدان افتاده است.

اشخاصیکه درین بزم ادبی شاملند چنین معرفی‌شده‌اند:

(۱) حسن دهلوی: ایستاده با عبای زنگاری و عمامه و ریش تنک‌سیاه.

(۲) علی‌شیر نوایی: نشسته با عبای آبی‌رنگ و عمامه و ریش متوسط سپید.

(۳) عبدالرحمن جامی: نشسته درحالت تکلم با عبای عنابی‌پکه و عمامه و ریش غلو سپید درحالیکه کمر خود را بالای عبا به‌تکهٔ آبی رنگ بسته.

(۴) نظامی گنجوی: نشسته مخاطب با جامی با عبای عنابی‌تیره دارای گردن و شانهٔ آسمانی‌رنگ و ریش سپید دراز وعمامه.

(۵) خسرودهلوی: نشسته باریش سیاه وعمامه وعبای آبی‌رنگ.

(۶) شیخ سعدی: نشستهٔ در حال خطاب با شخص دست چپ

خود. دارای عبای خاکی تیره و ریش دراز سپید که کتابی در دست چپ دارد.

(۷) ابوالقاسم فردوسی: نشسته و بسخن سعدی گوش داده، که عبای آسمانی رنگ وعمامه سپید دربردارد، ریش او تنك مخلوطسیاه و سپید است.

(۸) سنائی: نشسته و کتابی در دست دارد، عبای سبز خیره پوشیده، ریش او تنك سیاه است.

(۹) انوری: برزمین بیرون فرش بدست راست بیننده نشسته و بطرف شیخ سعدی متوجه است. عبای زنگاری رنگ پکه وعمامه‌سپید و ریش سیاه تنك دارد.

(۱۰) خاقانی: پهلوی دست راست انوری نشسته با عبای سرخ و ریش سیاه و عمامه سپید.

ـ۳۶ـ(۲۹۶)

سد سکندری:

نسخهٔ دیگریست که درکتابخانهٔ بودلیان بشماره ۳۴۰ محفوظ و در بخارا در سال ۹۶۰ ق ۱۵۵۳م نوشته و آراسته شده است. $23\frac{1}{2} \times 13\frac{1}{2}$ سانتی خط نستعلیق‌متوسط.

مناظر ذیل ازاین نسخه درنگارهای آثار نوائی طبع شده‌است:

(نمره ۲۶)

۱- پذیرائی اسکندر از شاه فقیر: از روی (ورق ۱۷ب) نسخه ۳۴۰ بودلیان. تقلیدیست از مجلس نمره ۲۱ سد اسکندری که برای

بدیع‌الزمان نوشته شده و شرح آن بعدد (۳۵) گذشت. ولی از کارهای متوسط بخاراست، رنگ‌آمیزی آن گرم و نظر رباست و خصوصیات هنری آن مانند نسخهٔ بدیع‌الزمان قوی و جالب و متین و پخته نیست. نقاشی چبوتره که اسکندر با چهرهٔ وزیّ بخارایی دران نشسته و بر بالشتی رنگین تکیه زده چندان زیبانیست.

(نمره ۲۷)

۲- اسکندر و دارا درحالت نزع. از روی (ص۳۲) نسخه ۳۴۰ بودلیان. دارا باعبای‌دراز زرد وریش‌تنک‌سیاه درحالت‌نزع‌افتاده و تاج شاهی سیاه دارای ستاره‌های زرد و جیغه سپیدی بر سر دارد و اسکندر با خود سبز و لباس سبز درحالیکه قمه‌یی بکمربسته بالای سر اوزانو زده و با دقت و حیرت چشم به‌روی دارا دوخته و یونانیان خودهای سیاه سهمگین و لباسهای سیاه و عنابی و زنگار پوشیده‌اند. منظریست دارای مزایای هنری متوسط، از ادامه مکتب هرات در بخارا.

۳- سرباز در خدمت شاه زانو زده (نمره ۲۸ نگارها) از روی (ص۵۲) نسخه ۳۴۰ بودلیان: پادشاه با شمشیر آخته براسب مدرع‌منقش سوار است و سواران لشکر او با اسلحه و سپر و پرچم و کرنا و غیره ملبس به البسه رنگارنگ در عقبش ایستاده‌اند پیش روی این صف سواران سربازیکه کوت و خود سیاه پوشیده با تیردان، دست بسته، زانو زده و جلادی سیاه‌چرده شمشیر در بغل با او ایستاده است.

۴- جنازهٔ اسکندر (نمره۲۹ نگارها) از روی (ص۹۲) نسخه ۳۴۰ بودلیان . جمعی بزرگ جنازهٔ اسکندر را برداشته و مشایعت میکنند، زنان‌عموماً سیاه‌پوشند ومردان‌هم لباسهای‌سیاه‌یاخیره‌رنگین پوشیده‌اند،

گرفته و سرشك خود را پاك میکنند، جمعیت حزین و نالان و پرغریو بنظر می آید. سه نوع پرچم‌های طویل نیز برافراشته‌اند.

در لباس، چهره، سبز رنگ‌های گرم کار شده و منظری لطیف از آسمان ابرآلود هم دارد.

چند کتاب از مجموعهٔ مشهور چستربیتی، دوبلین انگلستان:

-۳۷-(۲۹۷)

مجموعهٔ اشعار متفرقه:

بقلم نستعلیق خوش با رقم سلطان علی مشهدی و تاریخ ۸۸۰ق ۱۴۷۵م (خ ۲۶۰)

-۳۸-(۲۹۸)

کلیات خواجو کرمانی بخط سلطان علی مشهدی:

بهمان قلم و رقم و تاریخ ۸ ربیع‌الاول سنه ۸۷۳ ق ۱۴۶۸ م (خ ۲۶۰)

-۳۹-(۲۹۹)

تیمورنامهٔ هاتفی بخط شاه‌قاسم:

به نستعلیق‌خوش ورقم شاه قاسم کاتب هروی در۹۰۲ق(۱۴۹۶م) در هرات برای کتابخانهٔ شاملو نوشته شده (خ۲۹۱)

-۴۰-(۳۰۰)

تحفةالاحرار جامی بخط شاه‌حسین:

به نستعلیق خوش ورقم‌شاه‌حسین‌بن فخرالدین علی‌شهابی‌هروی خطاط دربار حکمران خراسان حسین شاملو، تحریر هرات در ۹۹۲ ق

۱۵۸۳م (خ ۱۶۵)

-۴۱-(۳۰۱)

مثنویات جامی بخط میرکلنگی:

به نستعلیق خوش و رقم میرحسین الکاتب الخاقانی حسینی ۹۵۰ ق ۱۵۴۳م (خ۱۶۵)

-۴۲-(۳۰۲)

تحفةالاحرار بخط میرکلنگی:

به نستعلیق خوش و همین رقم درسنه ۹۸۰ق ۱۵۷۲ م (خ۱۶۵) (رك: ۱۳، ۲۰، ۲۴، ۶۰، ۶۱، انگلستان)

-۴۳-(۳۰۳)

بوستان سعدی بخط شاه‌محمود نشابوری:

کتابت عالی در سنه ۹۵۸ق ۱۵۵۰م (خ۳۰۳)

چند کتاب از موزه بریتانیا (لندن) : رك ۵۹، ۶۳

-۴۴-(۳۰۴)

دیوان حافظ بخط سلطان‌محمد خندان:

نستعلیق زیبا با رقم فوق در سنه ۹۲۱ ق۱۵۱۴م.

-۴۵-(۳۰۵)

قران‌السعدین بخط سلطان محمد خندان:

نستعلیق خوش و مذهب با رقم فوق در سنه ۹۲۱ ق ۱۵۱۴م (خ۲۶۸)

-۴۶-(۳۰۶)

مخزن‌الاسرار نظامی برقم سلطان علی مشهدی:

به نستعلیق خوش و رقم فوق بتاریخ جمادی‌الثانیه سنه ۸۶۵ ق (۱۴۶۰م) (خ ۲۶۱)

-۴۷-(۳۰۷)

مجموعهٔ مثنویات بخط سلطان محمود نور:

هفت منظر، شیرین وخسرو، لیلی و مجنون، تیمورنامهٔ هاتفی با رقم فوق (خ۲۷۶)

-۴۸-(۳۰۸)

نقاشی منیاتور برپارچه ابریشم:

موزهٔ برتانیا ، مربـوط به مکتب تبریز در اواسـط قرن ۱۶ م . تصویر سرخان بیگ بامضای میرمصور (لوحهٔ ۹۰۱ سروی هنر ایران الف)

(۵۰،۴۹) (۳۰۹-۳۱۰)

خط عبدالرحیم هروی عنبرین‌قلم:

دوقطعه نستعلیق خوش اودر کتابخانهٔ بودلیان آکسفورد(خ۳۹۱)

(۵۱،۵۳) (۳۱۱-۳۱۳)

خط میرمحمد صالح کشفی متوفا در اجمیر هند ۱۰۶۱ق ۱۶۵۰م

سه قطعه از یك مرقع بودلیان اکسفورد که یك قطعه خط او در کتابخانهٔ‌ملی تهران تاریخ۱۰۴۸ق ۱۶۳۸م دارد، وی‌ازاولاد شاه نعمة‌الله ولی و از بقایای خطاطان در هند است. (خوشنویسان۷۷۸)

(۳۱۴) (۵۴)

بوستان سعدی بخط میرعلی تبریزی :

ایـن نسخهٔ مصور بخط میرعلـی تبریزی بسال ۷۷۹ق ۱۳۷۷م برای تقدیم امیرتیمور کتابت شده، که عکس یك صفحهٔ آن در کتاب «فهرست برگزیدهٔ نسخ خطی منیاتور ایرانی و هندی» بزبان انگلیسی که بسال ۱۹۳۵م در لندن بچاپ رسیده منعکس است و درین کتاب این نسخهٔ خطی را معرفی کرده‌اند. (خوشنویسان ۴۴۵)

مخطوطات محمدقوام کاتب شیرازی مشهور به‌حمامی (رك: ترکیه ، ایران)

(۳۱۵) (۵۵)

یوسف‌وزلیخای جامی تحریر۹۵۴ق ۱۵۴۶م کتابخانهٔ کیمبریج.

(۳۱۶)(۵۶)

یوسف و زلیخای جامی (بی تاریخ) کتاب‌خانهٔ اندیا آفیس .

(۳۱۷) (۵۷)

شاهنامهٔفردوسی تحریر ۹۶۰ق ۱۵۵۲م موزه‌هنرهای‌زیبای‌بستن.

(۳۱۸) (۵۸)

هفت اورنگ جامی کتابخانه بودلیان دوبلین . (خ۸۱۶)

مخطوطات شیخ مرشدالدین عطار شیرازی (رك : امریکـــا ، هند ، ایران ، ترکیه ، شوروی)

(۳۱۹) (۵۹)

ظفرنامهٔ تیموری از علی یزدی ، بـا رقـم « مرشدالکاتب‌الشهیر عطارالشیرازی » ۹۲۹ق ۱۵۲۲م موزهٔ برتانیا.

(۳۲۰) (۶۰)

خمسهٔ‌نظامی تحریر۹۳۵ق ۱۵۲۸م درمجموعهٔ‌چستربیتی دوبلین

(۳۲۱)(۶۱)

خمسه نظامی تحریر ۹۳۶ق ۱۵۲۹م درهمین مجموعه

(۳۲۲)(۶۲)

ظفرنامهٔ تیموری تحریر ۹۳۹ ق ۱۵۳۲م در اندیا آفس لندن

(۳۲۳)(۶۳)

ظفرنامه تیموری تحریر ۹۵۹ ق ۱۵۵۱ م موزهٔ برتانیا (خ ۹۰۰)

(۳۲۴)(۶۴)

مطلع سعدین عبدالرزاق سمرقندی بخط فولاد محمد:

جلد دوم کتابست در آندیا آفس لندن مشتمل بر ۲۹۷ ورق (۳۸ ×۲۵ سانتی) که در فهرست ایتهی نمبر ۱۹۴ دارد.

این نسخهٔ نفیس بخط نستعلیق فولاد محمد بن یار محمد بخاری درسنه ۱۰۱۰ق (۱۶۰۱م) نوشته شده، کاغذ آن زرافشان و بر دوصفحهٔ اول لوحه های منقش زیاد دارد، ده صفحهٔ کامل آن مجالس مصور است که به متن تاریخ تعلق دارد و نقاشی و مصوری و تزئینات آن کار بخارا دنبالهٔ مکتب هرات است.

(دیباجهٔ مطلع سعدین صفحه ح طبع لاهور ۱۳۶۰ ق)

(۳۲۵)(۶۵)

خسرو و شیرین نظامی بخط اظهر:

کتابخانه John Rylands منچستر با رقم اظهر و تاریخ ۸۲۴ ق ۱۴۲۰م (خ ۷۲) از سوابق هنرهرات.

(۳۲۶)(۶۶)

قطعه خط حسن شاملو:

مرقعی در کتابخانهٔ بودلیان انگلستان یك قطعه دارد بقلم جلی و

کتابت خوش با رقم «در بلدهٔ هراة سمت تحریر یافت . مشقه حسن شاملو» (خ۱۴۴)

(۶۷) (۳۲۷)

هفت منظر هاتفی بخط شاه محمود نشابوری:

نستعلیق عالی برقم فـوق در سنه ۹۴۶ ق ۱۵۳۹م در کتابخانـهٔ بودلیان آکسفورد انگلستان (خ۳۰۴)

(۶۸) (۳۲۸)

خمسهٔ جامی بخط عبدالله هروی :

به نستعلیق خوش عبدالله هروی شاعر و خطاط دربار امیر علی-شیر در هرات تحریر سنه ۹۳۷ ق ۱۳۵۰م کـه درکتابخانه ترنتی کالج کیمبریج انگلستان است (خ۳۶۰)

(۶۹) (۳۲۹)

شاهنامهٔ فردوسی بخط حسن :

نسخهٔ نفیس مزین و دارای تصاویر مرغوب متعدد بقلم حسن بن محمد احسن در سنه ۹۶۷ق (۱۵۵۹م) در شیراز، که ادامهٔ مکتب هرات در شیراز است . کتابخانهٔ اندیا آفس لندن. (خ۱۴۸)

(۷۰،۷۱) (۳۳۰—۳۳۱)

تحفة الاحرار بخط میر کلنگی (رك: ۴۲)

۱ـ برقم میرحسین الحسینی درسنه ۹۶۲ق (۱۵۵۴م) درمجموعهٔ کلود انیت انگلستان (خ۱۶۵)

۲ـ برقم میرحسین المشهور بمیر کلنگی درسنه ۹۸۳ ق ۱۵۷۵م در مجموعهٔ مشهوردیموت Demotte (خ۱۶۶)

(۷۲) (۳۳۲)

غزلیات امیرخسرو بخط سلطان علی مشهدی

منتخبی است از غزلیات امیر خسرو دهلـوی کـه بخـط خوش

نستعلیق عالی سلطان محمد مشهدی در سنه ۸۷۶ق ۱۴۷۱م نوشته شده (موزهٔ برتانیا ۱۱۳۲۸شرقی)

-۷۳-(۳۳۳)

خمسهٔ نظامی بخط عبدالرحیم هروی و کار عبدالصمد:

از نسخ خطی موزهٔ برتانیا، که قبلاً در ملك دایسون پرینز بود، و ازگرانبهاترین نسخ خطی مصور متفرعات مکتب هرات درهنداست، که خط آنرا عبدالرحیم خطاط معروف دربار اکبر مشهور به عنبرین قلم در سنه ۱۰۰۲ ق ۱۵۹۳ م نوشته و بقول ابوالفضل سیزده نقاش بزرگ و ازانجمله عبدالصمد شیرین قلم در نقاشی و تذهیب و تحریر آن سهیم بوده‌اند، که اوقات پیری این هنرمند است.

(رك: افغانستان ۸۱)

(۷۸-۷۴) (۳۳۸-۳۳۴)

چند صفحهٔ مصور کار محمدی هروی:

(مربوط عدد ۱۵ فرانسه)

(۳۳۴) ۷۴- شکل دو دلداده در موزهٔ هنرهای زیبای بوستون انگلستان کــه در کمال زیبائی نقش شده و نمــاینده استعداد خلاق محمدیست.

(۳۳۵) ۷۵- یك صحنهٔ مصور مطروحهٔ موزه مذکور کــه این هردو با برخی ازآثاردیگرمحمدی در نمایش هنرایران درلندن۱۹۳۱م مورد توجه خاص هنرشناسان شرق بود.

(۳۳۶) ۷۶- بقول بازل‌گری درمصوری ایران (ص۱۳۹- ۱۵۵ طبع نیویارك ۱۹۶۱م) بسا از الواح منقوشه اندیاآفس لندن شباهتی به

کارهای محمدی دارند ولی انتساب همهٔ آنها به محمدی مورد تأملست، و خصایص کامل حقیقت کاری هنر محمدی در همهٔ آنها پدیدار نیست.

(۳۳۷) ۷۷- تصویر مکمل رنگین زیبا و ماهرانهٔ مناظر میکده در موزهٔ بوستون، که در زیر یك درخت کهن‌سال یك جمعیت مردم را در حال میکشی با خم می و جامها و کاسه‌های تصفیهٔ می تصویر کرده و چهره کشی اشخاص آن خراسانی و هندیست. تزئینات گل کاری نازك خم و پیاله و رنگ آمیزی گل و برگ و صحنهٔ مجلس و تنهٔ درخت عظیم آن جالبست و این مجلس نقاشی را یك منظر کامل میکده و ساقیان و دُردکشان و مغ بچهٔ ادبیات فارسی توان گفت که بخط نستعلیق نیمه جلی «راقم محمدی» بر کنج راست این صحنه نوشته و برزاویهٔ راست بالا مهر حسن علی دارد.

(۳۳۸) ۷۸- در موزهٔ برتانیا یك صفحه تصویر یك شاهزادهٔ جوان زیبائی با لباس فاخر و چهرهٔ دلکش خراسانی و دستار صفوی موجود است که این جوان بر کرسی مزین نشسته و کتابی باز کرده در دست دارد و آنرا میخواند پیش روی او برزمین صراحی و جام افتاده است.

بر قسمت بالای راست این تصویر با نستعلیق خفی خوش نوشته‌اند:

«حسب الامر نواب کامیاب و اشرف اقدس اعلی خلدالله ملکه ابدا، این صورت کار استاد محمدی هراتی علیه‌الرحمة والمغفره، فقیر احقرالعباد پی کشودم و بمهر اشرف مشرف و مزین گردید. رقم کمینه رضا عباسی.» (مجلهٔ اسلامك کلچر حیدرآباد دکن مضمون دکتور عبدالله چغتائی)

-۷۹-(۳۳۹)

شاهنامهٔ فردوسی بخط محمودبن مرتضی:

(۱۵×۲۴سانتی) موزهٔبرتانیا، که درسنه۸۱۴ق ۱۴۱۰-۱۴۱۱م بقلم خطاط محمودبن مرتضی الحسینی برای اسکندر سلطان تیموری (۱۴۰۹-۱۴۱۴م) نوشته شده و از سوابق هنری مکتب هرات است، و یك‌منظر بسیار بدیع آن در کتاب هنرهای زیبای عرب و ایران (شکل ۱۰۳) سیاه طبع شده است:

این منظر شکست داراب از اسکندر است، که سواران رزمنده با اسپان زره‌پوش و خودهای آهنین در بین دامنه کوهی که یکطرف آن بدریا محاطست دیده می‌شوند و داراب را با سر برهنه و دست بسته به اسکندر جوان شهسوار مهیب در حالتی پیش می‌آرند، که زانو زده است.

چهره کشی اشخاص همه ایرانیست وتمام منظر محاطست به‌یك شبکه گل‌کاری تزئینی که این اثر هنری مهارت مصوری عهد شاهرخ و اخلاف تیمور را نمایندگی می‌کند.

-۸۰- (۳۴۰)

شاهنامهٔ کار مکتب شیراز

مخطوطه کتابخانهٔ بودلیان اکسفورد انگلستان، که بین ۱۴۲۵ - ۱۴۳۵م ۸۲۹-۸۳۹ق نوشته ومطابق سنن مکتب هنری شیراز قبیل مکتب هرات مصورگردیده است.

-۸۱-(۳۴۱)

شاهنامه کار شیراز

در کتابخانهٔ بودلیان اکسفورد انگلستان شهنامه بخط بسیارخوش نستعلیق خفی موجود است کـه در شیراز برای ابراهیم سلطان تیموری نوشته و پیراسته شده که این شهزاده بین ۱۴۱۵ - ۱۴۳۵م حکمرانده وسالهای کتابت ونگارش این نسخه‌را بین۱۴۲۵-۱۴۳۵م(۸۲۹-۸۳۹ق) تعیین کرده‌اند.

یك صفحه این مخطوطه که نصف آن منیاتور مصور است، برنگ سیاه در هنرهای زیبای عرب و ایران (شکل۱۱۱) طبع شده که دارای منظر رخش‌گرفتن رستم است.

بـر زمینهٔ سبزه‌زار لطیف یك اسپ سپید و دو اسپ سیاه قوی هیکل وحشی دیده می‌شوند که در حالت تازنده‌گی و رم و دوش‌اند، رستم جوانیست ستبر و نیرومند با دو بروت کـوتاه و ریش تراشیده و چهرهٔ خراسانی و هیکل زره‌پوش، که باکمندی اسپ سپید (رخش) را میگیرد:

کمند کیانی همی داد خم که‌آن‌کره را بازگیرد زرم

درینجا یك جوانی با لباس چوپانی که خمچه درازی دردست دارد نیز بنظر می‌آید، که به عمل رستم و در کمند گرفتن رخش با تعجب می‌بیند و دانسته نمی‌شود کـه چرا هنرمند مصور بجای چوپان فردوسی «برستم چنین گفت چوپان پیر» درینجا قیافت جوان زیبا را باکلاه گنبدی‌پرده‌دار کشیده است؟

بهرصورت این نسخه و هنرآنرا از سوابق هنرهرات درشیراز توان شمرد، که به ریعان هنری بهزاد در هرات منجر شده است ونظیر

این منظر در یك ورق باقیمانده شاهنامه در موزهٔ متروپولیتن موجود است (رك: امریکا ۲۵)

ـ۸۲ـ(۳۴۲)

خمسهٔ نظامی کار میرك خراسانی:

مخطوطهٔ موزهٔ بر تانیا، که در سنه ۹۰۱ ق ۱۴۹۶م نوشته شده و از آثار مکتب هراتست. در آغاز این کتـاب دو صفحهٔ منیاتور نفیس مشتمل بر یك مجلس دربار شاهی دیده می‌شود که یکی ازان رقم «عمل میرك خراسانی» دارد، و این میرك در حدود ۸۸۵ ق ۱۴۸۰ م زندگی داشت.

این هردوصفحه تصویر یك دربار است (لوحهٔ ۸۸۲ سروی هنر ایران) که برزمینهٔ زردگیاهدار نگار یافته وشاهی که عمامهٔ سپید وکلاه آسمانگون دارد برتوشکی بریك گوشه قالین‌منقوش با مربعات کوچك دندانه‌دار سرخ و سیاه نشسته و درباریانش هم همه معمم‌اند وعباهای رنگین دراز پوشیده‌اند، و یك دستهٔ نوازندگـان، چنگ و نای و دف می‌نوازند که یك نفرهم دستك بهم میزند.

قالینی که این نوازندگان بران نشسته‌اند، نهایت نفیس و دارای گل کاری لطیف و ریزه کاریست.

منظر نگاری این تابلو بسیار عالی و دارای گل و درخت وسبزه وشاخسارسرسبزاست چهره کشی این‌مجلس خراسانی + ماوراءالنهری و البسهٔ آن هراتی با عمامه است.

رنگ آسمان طبیعی ولی رنگ آب جوی تیره است، خیمه‌ییکه پادشاه زیرآن نشسته سایه‌بانی مزین دارد، و پیش روی شاه باز داری

هم ایستاده و شخصی باو نامه‌یی در داخل لفافه تقدیم میکند و دورتر در آخر مجلس، بآنطرف جوی، نامه‌بر سرخ‌پوش از اسپی فرو آمده بنظر می آید. و هم خدمتگاران متعدد خوردنیها را در ظروف آن بین حاضران تقسیم میکنند.

ـ۸۲ـ(۳۴۳)

یك صفحه منیاتور اسلوب بهزاد:

که در نمایشگاه لندن تحت شماره (۴۸۲) به‌نمایش گذاشته شده بود، و درسروی هنرایران‌هم رنگین چاپ‌شده (لوحه۸۸۹) که نیم کاره‌مانده ورنگ آمیزی آن‌هم کامل نشده است. معلوم نیست که این‌صفحه‌از کدام کتاب باقیمانده ولی در ملك‌فیلپ‌هافر بود، که‌آنرا اسلوب هنر بهزاد شمرده‌اند و تا جائی که رنگ آمیزی و تکمیل شده‌کار نهایت ظریف و دلکش است، که زمینهٔ‌آن رنگ سبز خیره وگلهای زیبا دارد.

بیك طرف منقل کباب‌پزیست که خدمتگاران سیخهای کباب را از انجا به اشخاص ایستاده میدهند (گویا بوفی مروج کنونیست) وهم مردی از افراط در میخواری بیهوش‌افتاده و مردی دیگر ایاغ دردست دارد.

از مناظر این بزم درگلزار قالینی است که‌کار آن تکمیل شده و نهایت زیباست ، متن آن لاجوردین روشن با خطوط اسلیمی و گلهای زرد و سپید و سرخست، دورهٔ قالین زمینهٔ بنفش وگلهای زرد باخطوط نازك اسلیمی دارد، که زیبائی این قالین بینظیرست. نصف‌کار این‌تابلو ناتمام مانده ولی طراحی اشخاص و تزئینات آن دیده میشود، و بیننده میتواند تصور کند کـه هنرور چگونه مراحل کار تکمیل یك تابلـو را

میگذرانید؟ و طرح خطوط ابتدائی آنرا چگونه‌انجام میداد؟

قسمت ناممکل این تابلو طرح ابتدائی یك دسته نوازندگانست که چهارتن چهار آلهٔ طرب در دست دارند، ولی چون تکمیل ورنگ آمیزی نشده، به جزویات آن نمیتوان پی برد.

ـ۸۳ـ(۳۴۴)

گلستان سعدی

در موزهٔ هنرهای زیبای بوستون انگلستان، که آنرا کار هرات یا بخارا در اوائل قرن ۱۶م شمرده‌اند. (لوحهٔ ۸۹۲ الف سروی هنر ایران)

نستعلیق خفی آن خیلی عالی و بامزه و دلکش است، حواشی تمام صفحات این نسخهٔ نفیس بر زمینهٔ رنگین نقاشی شاخ و برگ و حیوانات و طیور و اشخاص‌دارد، که ابری رنگین منقش‌ومصوراست.

عیناً نظیرهمین نسخه با همین خط ولی کمی‌جلی‌باچنین‌حواشی مصور در موزهٔ B. Kunstgewerbe لیپزیك آلمان محفوظست که‌آنهم از کارهای هرات شمرده شده است. و خط نستعلیق سلطان‌علی‌مشهدی باشد (رك : ۲۰۷)

ـ۸۴ـ(۳۴۵)

خمسهٔ نظامی کار میر سید علی

از نسخ موزهٔ برتانیا که در بین سنوات ۹۴۶-۹۴۹ق (۱۵۳۹-۴۳م) در مکتب هنری تبریز (دنباله مکتب هرات) نوشته و بخامهٔ میرسیدعلی پیراسته شده است.

ازین نسخهٔ نفیس یك صفحه کامل منیاتور رنگین دارای رقم

«عمل میرسید علی» در سروی هنر ایران (لوحه ۹۱۰) رنگین طبع شده، و از داستان لیلی و مجنون منظریست کـه مجنون را زنجیر بگردن به خیمهٔ لیلی می‌آورند که نظامی گفت:

بنواخت ببند گردن او را   می‌برد رسن بگردن او را

حواشی این نسخه تزئینات زرین شاخ و برگ و حیوانی زیبا دارد، و تمام خصائص بقایای هنرهرات در نقاشی‌ومنظرنگاری وچهره کشی و تزئین البسه و زمینه و خیمه‌ها و چادرهای بادیه‌نشینان عربی با دوشیدن گوسپندان و پختن غذا و دوش سگان محافظ و غیره آن دیده می‌شود.

ایران

-۱-(۳۴۶)

شاهنامهٔ بایسنغری

۶۹۰ صفحه ۳۸×۲۶ سانتی دارای ۱۲ صفحه نقاشی بسیار ظریف با رنگهای دلکش معدنی و ۲۲ صفحه تصاویر در هرصفحه ۹۳ بیت بقلم متوسط نستعلیق عالی جعفر بایسنغری و وقایهٔ لاکی منقش گلدار بسیار نفیس با رنگهای مشکی و طلائی.

این کتاب که شهکار هنر مکتب هراتست در سنه ۸۳۳ق ۱۴۲۹م به‌همکاری ماهرترین هنرمندان عصر از خطاط و نقاش ومصور ومذهب مانند میرزاخلیل و جعفر بایسنغری و مولانا علی مصور و قوام‌الدین مجلد وخواجه غیاث‌الدین واحمد رومی و سیف‌الدین ومعروف نقاش و پایندهٔ درویش و غیره برای شاهزادهٔ هنردوست بایسنغر در هرات نگاشته و ساخته شده و اکنون در موزهٔ سلطنتی ایران در قصر گلستان (=س) محفوظست، و در سال ۱۳۵۰ ش یك طبع عینی آنرا با همان مزایای نقاشی رنگین و کاغذ عالی و عین همان وقایه با مصارف گزافی نشر کرده‌اند.

این کتاب را متخصصان هنرشناس از گـرانبهاترین کتب دنیـا تشخیص کرده‌اند و تذهیب و تزئین و تمام کارهای هنری آن ـ که درهر صفحه ، چندین عنوان مذهب گـل کاری و بین‌السطور دندان موش هم دارد ـ توسط هنرمندان ماهر درباری انجام شده و طرحهای گل و گیاه این تذهیب، نمونهٔ دقت در جزئیات و شفافی رنگست.

پروفیسر د، برت گوید : بایسنغر میرزا پسر شاهرخ (متوفا ۸۴۶ ق ۱۴۴۲ م) هنرمندان زبردست را از سرتاسر امپراتوری تیموریان در دارالعلم هرات گرد آورد . درین شهر بود که کاغذ سـاز ، خطاط ، تذهیب کار، صحاف، رنگساز، نقاش، شیرازه‌بند در تهیهٔ کتابهائی کـه میتوان بعضی ازانها را از عالی‌ترین کتابهایی کـه در تاریخ بشر ساخته شده دانست، همکاری میکردند، و نسخهٔ شاهنامهٔ بایسنغری را بوجود آوردند، که درخطاطی و تذهیب و نقاشی شهکاری شمرده میشود.

صحافان نیز از نظر هنر، از همکاران هنرمند خود عقب نماندند و نفیس‌ترین جلدی برای آن ساخته‌اند، و حتی نمونه‌های این تجلیل خراسانی، مورد تقلید جلدسازان اروپا گردید، و این کتاب عالی‌تـرین مرحلهٔ کمال کتابسازیست (میراث ایران ۲۴۵)

امتیاز این نسخه در اتقان تصاویر و ابداع در تزئین و استـادی در رسم حوادثست. بطوریکه روحانیت مخصوصی دارد، و درتماسك اجزای رسم و وحدت تألیف بین آنها، و تنوع در مناظر و خالی‌بودن از مکررات ملال‌آور مکتب‌های تبریز وشیراز ، ومراعات کمال دقت درکشیدن اسپها و بوته‌ها وگلها وپرندگان و زینت لباسها وانواع‌فرش و قالی و غیره مزایای گفتنی دارد (صنایع ایران بحوالهٔ سروی هنر

پرشیا ۱۸۵۱/۳) نوشتهٔ خاتمهٔ این نسخه:

«قد وقع الفراغ من تحریر هذا الکتاب الشریف و تسطیر ذلك الرق المنیف باشارة الخان بن الخان سلطان سلاطین العهد و الزمان . . . غیاث السلطنة و الدنیا و الدین بایسنغر بهادر سلطان . . . علی ید العبد الضعیف المفتقر الی رحمة الله الباری جعفر البایسنغری اصلح الله احواله، فی الخامس من جمادی الاولی لسنة ثلاث و ثلثین و ثمانمائه هلالیه، و الحمدلله اولاً و آخراً.»

در یکی از نسخ خطی استانبول، گزارشی از جعفر بایسنغری هنرمند بزرگ هرات و کاتب این نسخه موجود است و دران گوید: تصاویر این نسخه را مولا علی ساخته، ولی سازندهٔ وقایهٔ آن مولانا قیام الدین است. زیرا چشم مولانا علی، در اواخر عمرش بزحمت کار میداد.

جعفر در همین راپور مینویسد: امیر خلیل هم یکی از مصوران نسخهٔ شاهنامهٔ بایسنغریست، و همو در گلستان، شکل امواج دریا را تکمیل کرده بود، ومؤلف معزالانساب او را فرزند محمد جهانگیرمیرزا نواسهٔ جهانگیر میرزا پسر کلان تیمور میداند (ز ۳۱)

خصایص این نسخه

۱ـ ورق سر آغاز کتاب (عدد ۲) در بین آن ترنج مدور رنگین نظر بابیست به‌قطر ۱۶/۴ سانتی که در آن ده رنگ معدنی خالص با طلای ناب استعمال شده و دائره اول آن ۳۴ شکل صراحی سپیداب با انواع گلها برزمینهٔ خیره آسمانی دارد، نقاشی بین صراحی‌های سپیدابی سبز و طلائی باسواد کمست.

نقوش دائره دوم درعرض، نصف دائره اولست ، کـه تشعیر و گل کاری لطیف آن سیاه و آبی و سرخ برزمینهٔ زرین است و بهفت گل سرخ بین دائره کوچك تقسیم شده ودر بین این دائره برزمینهٔ آسمانی رنگ، گل کاری دقیق با رنگهای سرد سرخ و سبزوگلابی دیده میشود، و هفت ترنج کوچك گل کاری شده برزمینهٔ مطلا دارد، که در مرکز آن یك تـرنج کلانتر برزمینهٔ زرین با نقاشی سبز و آسمانی بهم پیچیده است، و در بین آن بخطی ثلث متمایل برقاع میان خالی چنین نوشته اند، که اگر بزاویهٔ خاصی دیده شود خوانده می‌شود ، و الا ناظر گمـان میکند، که بین ترنج مرکزی گل و شاخچه کاریست:

مضمون نوشته

«قد رتبت غرر هذه‌الابیات و نوادرها و رتبت دررهذه‌المعانی‌و جواهرها، برسم خزانةالسلطان‌الاعظم، مالك رقاب‌الامم ، حامی حوزة الاسلام، اعظم سلاطین‌الانـام ، غیاث‌السلطنة و الدنیا و الدین بایسنغر بهادرخان خلدالله سلطنته.»

بالای این ترنج کلان بسیار زیبا، ترنجی خوردتراست با نقاشی لطیف طلا و سواد برزمینهٔ زنگاری.

۲ـ منظر شکار دو صفحهٔ کلان: در بین تشعیر و نقاشیهای گلدار رنگین حواشی، که‌گلهای آن با سپیداب بسیار نازك از هم جدا شده و نقاش توانسته است، زیبائی خاصی را در بین جداول حواشی با ریزه کاریهای هنری بیافریند. زمینهٔ شکارگـاه درهردو صفحه سپید است با گلها وگیاههای سبز و درختان کوهی باآسمان طلائی.

دیوسواران خوش پوش مسلح به‌شمشیر و تیر وکمان و گرز،

حیوانات وحشی گرگ، خرس، شیر، آهو و شغال را تعقیب و شکار میکنند، تیرهای جان شکار شکاریان تازندهٔ سوار بر اسپان قوی هیکل، حیوانات رمندهٔ وحشی را بهم میدوزند وعلایم خونریزی برهیکل آنها نمایانست و منظریست مهیب.

البسهٔ اشخاص با زین جامه و لگام اسپان، نهایت نفیس است و ریزه‌کاریهای خیلی لطیف رنگین و زرین دارد. چهره کشائی اشخاص ماوراءالنهری ازبکی است[1]. شهزاده با لباس سبز بر اسپ سپید قوی هیکلی در زیر چتر سرخ آراسته بزر ایاغ باده در دست به تماشا مشغولست.

شکاریان و سواران کلاههای آهنین و بعضی دستارهای روش ماوراءالنهری بر سر دارند. منظرگل و بوته و درختان پرگل و شگوفهٔ سپید، بسیار جالب و نظرر باست.

پیش‌روی شاهزاده، ساقیان به باده‌پیمائی وتقسیم میوه، ومطرب سواری هم به‌خنیاگری سرگرمست، واین دوصفحهٔ کامل بهترین نمونهٔ مکتب هرات در چهره کشی و رنگ‌آمیزی و ریزه‌کاری و تناسب و صورت‌آرائی احوال روحی شکاریان و تشویش و رمندگی حیوانات و نخچیرانست که بازل‌گری آنرا منظرشکار شهزاده بایسنغر میداند

۱ــ مراد خلط علایم چهرهٔ مغولی + ترکی + تاجیك است، که روی گرد با کمی سرخی و چشم‌گربه‌یی و بینی متوسط و ریش حنائی تنك باشد، واین سبك چهره کشی درآغازمکتب هنری تیموریان عامست، زیراخودشاهان تیموری و اکثر رجال دربار و افراد لشکری آنها از مردم ازبك ماوراءالنهر و دارای چنین شکل و شمائل بوده‌اند، و بلاشك این سبك، اثری از هنر چینی و اویغوری هم دارد.

(منیاتور ایرانی۸)

۳- صفحه ۵-۶ کاملاً نقاشی و هنرآفرینی است، و آنرا بهترین نمونهٔ صفحه آرایی رنگین توان گفت. هردوصفحه آنقدر با هم متناظرند که درنقوش و رنگها وفواصل و نازك كاريهای هنری هیچ فرقی ندارند، رنگهای خاص معدنی و سپیداب و طلای ناب دران کار کرده اند.

دقت تناسب و رنگ آمیزی و هنرآفرینی بسیار نازك و دلکش این دو صفحه، ناظر را آنقدر بخود جلب می نماید ، که از دیدار آن سیر نمیگردد. اگر به تعبیر شعرای سبك هند « بهشت جلوه و دیدار » متصور باشد، باید درین نقاشی ورنگینی وریزه کاری جستجوشود.

نوشته‌های صفحه ۵

با همان خط ثلث رقـاعی میانه تهی کـه بزاویهٔ خـاصی دیده و خوانده میشود:

«هذاكتاب فیه نفایس یواقیت الاخبار، الموضوعة علی الاحداق عنداولی الابصار . و فراید فوائد لآلی ابحارالاشعار . . . عن قصص السلاطین والملوك الاخیار. قد امر بتحریر هذاالكتاب الشریف وتسطیر ذلك الـرق المنیف ، الذی كانت كلماته كالجواهر الزواهر ، و الفاظه كاللالی النواثر. واشار بتذهیبه وتصویره السلطان الاعظم والخاقان الاكرم، زبدة الملوك و السلاطین، و عمدة الاكاسرة والخواقین غیاث السلطنة و الدنیا والدین بایسنغر بهادرخان، زین الله سریرالسلطنة بوجوده.»

۴- دو صفحه ۷-۸ در نقاشی و آرایش متناظر یکدیگرند، در متن حواشی منقش رنگین زیبا، بـا نستعلیق متوسط ، دیباجهٔ معروف بایسنغری به «افتتاح سخن آن به که کنند اهل کمال + بثنای ملك الملك

خدای متعال » آغازشده وبر جبین و پائین این نوشتهٔ نستعلیق ، چهار سطر کوفی منقش و مزین با سپیداب دارد، ولی نقوش حواشی آن غیر از نقوش صفحات ۵-۶ است، و نقاش تکرار سابق را نخواسته و به ابداع نقوش نو پرداخته است.

صفحات مابعد تا آخر دیباجهٔ منثور ، جداول متعدد طلا بطور مثنی و تحریر و سطور منقش زرین و فواصل زرین جملات مانند وقوف قرآنی دارد.

۵- صفحات ۱۳-۱۴ تماماً در بین سطور، پرکاری زرین دندان موش دارد، و در آخر صفحه ۱۳ منظرگلزار باصفا و جوی آب روان (بارنگ سیاه) برزمینهٔ آبی رنگ سبزه‌زار است، که دران عنصری وفرخی و عسجدی درگلشن غزنه با دو غلام گلروی به عیش و نوش شاعرانه مشغولند و فردوسی با عبای آسمانی رنگ منقش بطلا و دستار سپید ، دارای ریش تنك سیاه بریشان وارد میشود. البسهٔ فاخر اشخاص ، رنگهای گرم دارد، چهره کشائی آن ماوراءالنهریست. حرکات دست و سر سه‌شاعر هم بزم، حالت روحی هرسه را از آمدن فردوسی نمایندگی میکند، و همین کیفیت معارضه و مقابله شعری ، در پیکر فردوسی هم نمایانست.

۶- دو صفحه ۲۳ و۲۴ متناظر، آیت هنر نقاشی ورنگ‌آمیزی و تناسب و هم‌آهنگی‌اند، و میتوان آنرا عالی‌ترین نمونهٔ نقاشی‌شرقی شمرد، در حدود ده رنگ معدنی خالص درگل‌کاری و تشجیر و ریزه‌کاری نفیس دلکش‌آن با تناسب و موازنهٔ خاصی‌کار شده، ومخصوصاً کار سپیداب‌آن بر زمینهٔ سیاه، خیلی نظرربا وکیف‌آفرینست.

برجبین صفحه ۲۳ در بین نقاشی سه‌رنگه وتشعیرسپیداب بر زمینهٔ طلا بخط میانه‌تهی، ثلث رقاعی کـه بنظر نخستین جزو نقاشی شمرده میشود و آنرا بزاویهٔ خاصی توان دید نوشته‌اند:

«تذکرة اسماءالسلاطین مفرح‌الخواطر»

در دامن صفحه بین همان نقاشی متناظر با بالا:

« من دعاهم بالحسنة فله‌الرحمة‌المتکاثر»

گویا این دوصفحه فهرست شاهنامه است کـه در متن سه سلسلهٔ نقاشی رنگین و زیبای حاشوی در بین دایرهای ملون و منقش کـوچك با سپیداب نام شاهان مذکور در شاهنامه نوشته شده:

درصفحه ۲۳ ازکیومرث تا بهافرید ۳۵ نفر در۳۵ دائره منقش.

درصفحه ۲۴ از تلاش(؟) تا یزدجرد ۳۵ نفردر۳۵ دائره منقش.

برجبین صفحه ۲۴ با همان مزایای صفحه۲۳نوشته‌اند:

« وتحریراحوال‌الخواقین محیی‌الضمائر»

بر دامن صفحه ۲۴:

«من الله الاحد الصمد الواهب الغافر»

نویسندهٔ این‌دوصفحه،نوشتهٔ جبین صفحه ۲۳را با جبین ص۲۴ پیوست داده، و همچنین نوشتهٔ دامن ص ۲۳ به ص۲۴ پیوسته است، که باید چنین خوانده شود:

تذکرة . . .

و تحریر . . .

من دعاهم . . .

من الله . . .

۷- دو صفحه منقوش رنگین‌متناظر ۲۵ و۲۶ آغاز کتاب‌شاهنامه از (بنام خداوند جان و خرد) تا (بدید آمد این گنبد تیزرو + شگفتی نمایندهٔ نو بنو) است.

متن ۱۳ سطری ابیات شاهنامه با دو عنوان رنگین‌مطلای منقش «اندر ستایش خرد» و «اندر آفرینش عالم» است، که در جبین و دامن هردو صفحه بکوفی آسمانی‌رنگ نوشته دارد، و دو حاشیه کوچك و عریض آن نقاشی بسیار نفیس‌رنگین‌نظر بای ریزه‌کاریست که مخصوصاً کارسپیداب آن در بین الوان‌گرم دیگر جالب است.

قالب گل کاری و نقاشی این دوصفحهٔ متناظرهم ماسوای نقاشی صفحات دیگر است. یعنی نقاش چیره دست خواسته، در هر صفحه از تخلیق نو کاربگیرد و به‌تکرار نقوش والوان نپردازد. وی بیش‌ازهفت رنگ را بر زمینهٔ آسمانی خیره، با مهارت و تردستی‌کار کرده، که در تناسب و فواصل وحجم و سازش اشکال بینظیرست.

۸- صفحه ۲۷ در پیشانی عنوان جلی «در بیان آفرینش افلاك و انجم» باسپیداب جالب‌در بین‌سر لوحهٔ‌منقش‌زیبای‌مستطیل‌دارد، ودرمتن صفحه‌سه‌عنوان‌کوچکست که هرعنوان نقاشی ورنگ واسلوب خاصی دارد، و بین‌السطـور هردو صفحه، نقاشی زرین و تحریر دندان موش است و عناوین فرعی مباحث در هرصفحهٔ مابعد دربین گل و برگ طلا نوشته شده است.

۹- نصف صفحه۳۱ با حاشیهٔ تمام‌راست‌آن مجلس مصورجشن جمشید است،که پادشاه با لباس سبز دارای نقوش مطلا و تاج زرین بر تخت زرین نشسته، درحالیکه بازدار باز سپیدی را بر دست راست

او که دستکش چرمی پوشیده می‌نشاند. درصحنهٔ بزم، اصناف‌مختلف کسبه مانندکوزه‌گر، خیاط، نجار، آهنگر، بافنده باآلات و اوزارحرفهٔ خود دیده می‌شوند.

رجال دربار لباسهای فاخر زراندود و کلاههای آهنین دارند. کسبه عمامه وعرق‌چین عادی‌پوشیده‌اند. ریزه‌کاری سیاه برزمینهٔ‌طلای تخت، نهایت لطیف است، مخصوصاً گل‌کاری دقیق طلائی بر زمینهٔ آسمانی خیرهٔ پارچه‌پوش تخت، آیت نازك‌کاری هنریست.

زمینهٔ بزم آبی‌رنگ است که گویا تخت شاهی را درگلزاری گذاشته‌اند. منظر گلهای این‌گلشن با درختانیکه برحاشیهٔ راست واقع شده‌اند دیدنی و جالب است. چهره‌های اشخاص این مجلس همه ماوراءالنهری ازبکی است، که ریش‌داران آن ریشهای تنك متمایل به سرخی دارند و برهنه‌رویان‌گلروی نیز با همان چهره‌اند.

۱۰- دربین‌ص۴۰منظریست ازکوههای اسفنجی دارای رنگهای مختلف‌کوهی با درختان و مرغان جنگلی، که این منظر بر حاشیهٔ چپ بریده‌شده‌و بربالای‌صفحه‌هم دوام‌دارد و بیننده‌رابیك‌کوهستان‌پردرخت و مناظر رنگارنگ خرسنگهای کوهی می‌برد.

درین‌کوه غاریست سیاه که دران ضحاك ماردوش را میخکوب میکنند و اینجا کوه دماوند است که فردوسی‌گوید:

بیاورد ضحاك را چون نوند — بکوه دماوند و کردش ببند
بکوه‌اندرون‌جای‌تنگش‌گزید — نگه کرد غاری بنش ناپدید
بیاورد مسمارهای گران — بجائی که‌مغزش‌نبود اندران
فروبست دستش‌بدان‌کوه‌باز — بدان تا بماند بسختی دراز

در سیاهی غار کوه ضحاك با تن برهنه و فقط یك تنبان سپید با مویهای غلو سپید دیده می‌شود، که دو مار از دو دوش او برامده و به مغز سروی چسبیده‌اند. قیافت ضحاك ازبکی نیست، ودرینجا دوسوار با البسهٔ فاخر ملون شاهانه دیده میشوند، که فریدون دارای تاج زرین و عبای سبز و پیراهن سرخ براسپ عنابی‌رنگ (نه قوی هیکل) سوار است وسواریکه‌ازعقب او فقط دستش دیده می‌شود چتر زراندودشاهی را بر سر اوگرفته.

بر دو پستان ضحاك دو میخ سیاه زده‌اند ، کف دست چپ او میخکوبست ، بر دست راست او جوانی قوی اندام چکش در دست تبرزین برمیان با عبای فاخر سبززرین‌کار و کلاه‌آهنین ایستاده و دست راست او را هم بکوه میخکوب می‌سازد.

برپای او سربـازی شمشیر بر میان سرخ‌پوش آهنین‌کلاه میخ میکوبد. چهره کشایی اشخاص این مجلس بشمول فریدون ، متمایـل بقیافت ماوراءالنهریست.

۱۱- بر نصف آخرصفحه ۶۲ مجلس دیـدار زال و رودابه بـا یکدیگر است. قالین مستطیل حاشیه عنابی بانقوش سرخ وسبزرنگین که بران پیش دوبالش‌کلان، جوانی سپیدموی بـا عمامهٔ سپید و عبای سرخ زراندود و پیراهن سبز نشسته و درآغوش‌اودرحالت بوس‌وکِنار دختری با تاج زرین و البسهٔ فاخر(ولی با چهرهٔ مغولی‌رخان‌پندیده و چشم گربه‌یی‌که چندان جالب نیست) دیده می‌شود. دست چپ هردو با هم یکجاشده و جـام می‌بدست گرفته‌اند. یکطـرف مجلس یك زن نی‌نواز با دو دختر دف‌زن و چنگ‌زن در حالت طرب‌اند . پیش روی

میز طلائی با صراحی و جامها دیده می‌شود. دودختر خدمتگارگاروی خوش‌پوش که بمراتب ازرودابه حسین‌تراند، میوه و خوردنیهادردست ایستاده‌اند.

بهتراست تصویرادبی این‌بزم عاشقانه وعواقب آنرا ازفردوسی بشنویم، که چگونه هنر با ادب سازگارگردیده ومنظر این بزم مهیج‌را بروی کاغذ کشیده است:

سوی خانهٔ زرنگار آمدند بدان مجلس شاهوار آمدند
بهشتی بد آراسته پر ز نور پرستنده بر پای و در پیش حور
شگفت اندرو مانده بد زال زر بدان روی و بالا و آن موی وفر
ابا باره(؟) و طوق و با گوشوار ز دیبا و گوهر چو باغ بهار
دو رخساره چون لاله اندر سمن سر زلف جعدش شکن بر شکن
همان زال با فر شاهنشهی نشسته بر ماه با فرهی
حمایل یکی دست اندر برش زیاقوت سرخ افسری بر سرش
ز دیدنش رودابه می نارمید بدزدیده در وی همی بنگرید
ازان شاخ و یال و ازان فر و برز که خارا چو خاك آمدی رو بگرز
فروغ‌رخش راکه جانرا فروخت درو بیش دید وداش بیش‌سوخت
همی بود بوس وکنار و نبید
مگرشیرکوگور را نشکرید!

(ص۶۳)

منظر بنا بسیار باشکوه و مزین است بکاشی‌های رنگین ریزه‌کار سرخ دارای نقاط سبز و آسمانی با نقاشی نازك آمیخته بسپیداب. دروازه‌های بنااز‌چوب عنابی‌رنگ نفیس ساخته شده‌و پرده‌های کلکین‌ها

هم سرخ و سبز زرین است.

این بنای مجلس بر بالای قلعتی استوار که کنگرهای آن خیلی بلند و دارای تیرکشها و دیوار سنگهای تراشیدۀ منظم است واقع شده و در زیر کنگره برسطری که زمینه آسمانی خیره و نقاشی ریزه طلا دارد، با سپیداب بخط رقاع مانند نوشته‌اند:

«امر ببنا هذه العماره السلطان الاعظم و الخاقان الاعدل الاکرم غیاث السلطنه و الدنیا والد(ین) بایسنغر بهادرخان خلدالله ملکه.»

بربالای دروازۀ طویل دست راست بناء بالا بهمین خط باسپیداب خفی نوشته‌اند:

«یا مفتح الابواب»

۱۲- ص۱۰۱ وقف تصویر رزم رستم با دیو سپید است. رنگ کوه وتپه سرخ کمرنگ زردآلوداست که حصص سنگلاخ آن رنگهای اسفنجی طبیعی کوهی دارد و مصور دررنگ آمیزی و نمایش رنگهای طبیعی خرسنگهای کوهی، مهارت نشان داده، واین کوه درختان خنجك زیادی هم دارد.

در بین صخرها غاریست تاریك که دران دیو سپید مغلوب نبرد رستم گردیده و خنجری در قلبش فرو رفته و یك پای او بریده است. دیو سپید، شکل انسانی مهیب با دو شاخ کوچك و دستهای بوزینه آسا با ناخنهای تیز دراز دارد و رستم که او را خوابانده جوانیست قوی‌هیکل زره وخود پوشیده که خنجر و شمشیری بکمردارد. ریش رستم سیاه تنك و قیافت وی خراسانیست ، یعنی خلط چهرۀ مغولی دران کم مشهود است، ولی هیبت و صلابت پهلوانی ازان هویداست.

خامهٔ مصور در صلابت منظرهٔ کوه و هیبت تاریکی غار وجنگ هولناك پهلوان با دیو سپید، تمام روح و معنای این اشعار فردوسی را مجسم ساخته:

وزان جایگه پیش دیو سپید بیامد بکـردار تابنده شید
بماننـد دوزخ یکی جای دیـد تن جادو از تیرگـی ناپدید
بتاریکی اندر یکی کوه دیـد سراسر شده غار ازو ناپدید
برنگ‌شبه‌موی‌وچون‌شیرروی جهان پر ز بالا و پهنای اوی
ازو شد دل پیلتن پر نهیب بترسید کامد بتنگی نشیب
برآشفت بر سان شیر ژیـان یکی تیغ تیزش بزد بر میان
بنیروی رستم ز بـالای او بینداخت یکران و یکپای او
فرو برد خنجر دلش بردریـد جگرش‌ازتن‌تیره بیرون‌کشید

بدست راست بیننده درختی تنومند با شاخهای غلو سبز رنگ ایستاده که به تنهٔ آن اولاد با کمندی محکم بسته، و هیونی تیزپای بـا یراق فاخر پیش‌رویش ایستاده و تیردان او بهمان درخت آویخته‌است. چهرهٔ اولاد نیز خراسانیست و شاید چهره‌کشای این مجلس ، غیر از چهره‌کشایان مناظر سابق باشد، کـه نخواسته چهرهٔ مردم آریـائی را شبیه مغولی بکشد.

۱۳- ص ۱۶۳ تمام شامل منظریست که هشت نفرپهلوانان‌جنگی را با دو اسپ درمیدانی پرسبزه بین‌کوهسار نشان میدهد. زمینهٔ‌میدان رنگ طبیعی و آسمان رنگ خیره‌آسمانی دارد. درختان و مرغان‌آن‌با مهارت کشیده شده‌اند . خود و زره و سلاح و سپر و تیردان وکمان پهلوانان، نهایت مزین است و نازك‌کاریهای هنری مخصوصاً درآرایش

سپر و تیردان و یراق اسپ بکار رفته وهمه اشخاص البسه فاخر رنگین و زرین ببر دارند.

این جاییست که بموجب داستان شاهنامه ، سیاوش را در آن میکشند. پهلوانی او را فروخوابانده و با دشنهٔ خونچکان ، رگهای گردن او را بریده، خون گلگون ازگردنش فوران دارد، وپهلوان‌مویها سر او را محکم گرفته تا خون وی در طشتی زرین - که مرد جنگی دیگری در پیش‌روی اوگرفته - برود، واین همانست که فردوسی گفت :

پیاده همی برد مویش کشان چو آمد بدان جایگاه نشان
که آنروز افگنده بودند تیر سیاوخش و کرسیوز تیزویر
بیفگند پیل ژیان را بخاك نه‌شرم آمدش‌زان سپهبد نه باك
یکی‌طشت بنهاد زرین، کروی بپیچید‌چون‌گوسپندانش‌روی
جدا کرد زان‌سرو‌سیمین‌سرش همیرفت‌در‌طشت‌خون‌از برش
بجایی که‌فرمود شه‌طشت‌خون کروی‌رزه‌بردو کردش نگون
همان دم گیاهی برامد ز خون ازانجا که آن‌طشت‌شدسرنگون
گیا را دهم من کنونت نشان
که‌خوانی‌همی‌خون‌اسیاوشان

(ص ۱۶۴)

چهره کشایی این منظر برخلاف منظر ۱۲ آمیزش چهره کشی ماوراءالنهری دارد.

۱۴- ص ۲۱۹ تماماً مختص منظرجنگ‌رستم‌وگرفتارشدن‌خاقان چین است . زمینهٔ منظر دشتی است دارای گیاهان خورد ، که بدست راست وچپ دو لشکر سواران مسلح زره وخودپوش، دارای‌نیزه‌های

تیز و دراز صف کشیده اند . پرچم سواران رزمندهٔ رستم ، سپید اژدهاوش است. درحالیکه لشکریان خاقان چین درفش زرد رنگ متمایل بسرخی اژدهاوش دارند.

اسپان سواران هردو لشکر قوی هیکل و با رنگها و یراقهای مختلف رنگین زراندود اند. سپرهای لشکریان رستم، سپیداب کاری لطیف دارند، درحالیکه سپرهای خاقانیان باریزه کاری زرین آراسته اند.

جنگ دیوسواران طرفین، با نیزه های دراز صورت میگیرد، و فقط لشکر خاقان یك پیل سپید هم دارند با یراق فاخر و هودج زرین منقش.

رستم رخش سوار، خود و زره پوش، با قیافت پهلوانی خراسانی از صف خود حمله کنان پیش آمده و کمندی ماهرانه انداخته و خاقان را از درون هودج بوسیلهٔ کمند خویش بیرون میکشد ، که سرنگون گردیده و خود و تاج از سرش پائین افتاده است، و این تصویر ابیات ذیل فردوسی است، که هنر با ادب و بیان همدوش گردیده است:

چو از دست رستم رها شد کمند سر شهریار اندر آمد ببند
ز فیل اندر آورد رو بر زمین ببستند بازوی خاقان چین
پیاده همی رفت تا کوه شهد نه پیل و نه تخت و نه تاج و نه مهد
چنین است رسم سرای فریب
که گاهی فراز است و گاهی نشیب

(ص ۲۲۰)

درین منظر آرایش لباس و سلاح و یراق اسپان و خود و زره در نهایت اتقان و لطافت با رنگهای گرم و خیره است . چهره کشی

لشکریان هردوطرف هم متمایل به‌خراسانیست و اثر مغولی کمتردارد. اکثر دیوسواران ریش‌های تنك دارند و جوانند.

۱۵- ص ۲۵۷ منظر جنگ برزو بارستم سه‌ربع این صفحه‌است، برزمینه دشت گیاه‌دار در دامنه کوهی که چند درخت‌هم دارد، ازسوی راست برزو با سواران نیزه‌گزار خود حمله آورده و رستم با رخش زردرنگ خود پیش رفته که ضربت شدیدگرز برزو را با سپر بگیرد و با دست راست خود گرز را بلند برده که بر سر برزو ضربتی وارد آورد.

برزو جوان زیبای دلیر تنومند، دارای خود زرین و زره سیاه بر اسپ سرخی‌سوار است، چهره‌کشی‌اشخاص این منظرخراسانیست و آسمان هم با رنگ طبیعی بسیار خیره کشیده شده که در فضای آن چند مرغ درپروازند.

۱۶- دو ثلث ص۳۱۸ منظریست که نبرد گودرز را با پیران‌ویسه تورانی تصویر کرده، دو اسپ سپید و فاقع در دامنهٔ کوهی که خرسنگهای آن رنگهای طبیعی اسفنجی‌دارد ایستاده‌اند، دو پهلوان که یکی نیزه و سپر، و دیگر شمشیر و سپر در دست دارند، تن بتن درین کوه به‌نبرد مشغولند.

چهره هردو خراسانیست و خود و زره ولباس فاخر ببردارند. منظرطبیعی وآسمان ودرختان‌وگلها وطیور نهایت دلکش وطبیعی است.

۱۷- تمام ص ۳۳۵ منظر رزم کیخسرو و افراسیابست بر زمینهٔ ریگزار آبی‌رنگ کنارآمو، که بیکطرف آن دو درخت کهن‌سال سبز برگ دیده می‌شود و طیوررنگین برفراز آن بپروازند.

دوصف دیوسواران رزمنده بدست‌راست وچپ صف کشیده‌اند. نیزه‌های سواران و بوق کرنـا و اسپان رنگـارنگ تنومند تـازنده و شمشیرهای آخته و چهره‌های سهمگین خراسانی جنگاوران متهور و تیراندازی صفوف پیاده بر هیبت و سهمناکی منظر کارزار می‌افزاید.

سواران دلاور و تازندهٔ خسرو بدست چپ درحالت تاخت‌وتاز و هجوم‌اند ، جوشن‌های تابندهٔ زرین برتن، و خودهای طلائی بر سر دارند. خود خسرو بر اسپ سپید سوار است ، شمشیر آخته در دست راست و سپر منقش مطلا در دست چپ دارد. جوشن پوش و مسلح است. وی بر شهسوار رزمندهٔ تورانی که پیش‌آمده بود بتاخت ، و او را به تیغ تیز از کمر دونیمه کرد، که سرنگون از اسپ افتاده و تنش خون‌چکانست:

چوآن دید ، شاه از میان گروه — برانگیخت اسپ ازمیان گروه
بزد نیزه بر استتیتلای گـرد — ز زین برگرفتش زمین راسپرد
دمـاشـان ویلا بـه پیـش سپـاه — یکی نیزه زد بر کمربند شاه
نبد کارگر نیزه بر جوشنش — نه ترس آمد اندر دل روشنش
چو خسرو دل وزور اورا بدید — سبک تیغ تیز از میان برکشید
بزد بر میانش بدو نیم کـرد — دل بر زویلا پر از بیم کرد

(ص۳۳۴)

درین منظر سه درفش لشکریان کیخسرو وجالبند که متصل همدیگر افراشته شده‌اند. سه چوب وسه قبه وپرچم آن نمایانست، رنگ درفش نخستین، آسمانی منقش بخطوط زرین و مستطیل است که از قسمت بالائی آن ستونی شبیه میل توپ با رنگ گلابی و خطوط دقیق‌طلائی

شکل اژدر برامده است. چون این اعلام متصل همدیگرواقع شده‌اند جزویات دو عَلَم دیگردرماورای عَلَم اول پنهانند. فقط رنگ علم‌دوم سیاه با گلهای زرین و از عَلَم سوم رنگ مخلوط رعنا زیباست که در فضای طلائی دیده میشود.

درین درفش‌هـا علایم اهتزاز و حرکت از وزش باد نیست و چنین بنظر می‌آید که آنرا از مواد جامده ساخته باشند.

۱۸- تمام ص ۳۶۲ منظر برتخت نشستن لهراسپ وسخن گفتن اوست. بناییست نهایت آراسته و پیراسته بانواع کاشی‌هـای رنگین و نقاشی‌های دقیق الوان متعدد، که در بین آن تختی زرین با سوادکاری نازك مرکوزاست. لهراسپ با قیافت ماوراءالنهری و تاج زرین‌وعبای آسمانی رنگ زراندود و پیراهن سبز گلدار زرین نشسته و کمر خود را برسم‌ماوراءالنهریان با رشمهٔ زرین بسته وریش تنك حنایی‌کوتاهی دارد.

دو پیش‌خدمت ریش‌دار کـه یکی کـلاه آهنین و دیگری عمامه آخوندی بسردارد، به شاه جام‌می ونقل‌تقدیم‌میکنند. دوخانم سبزپوش جوان، ولی نه‌چندان‌زیبا هم‌بدست راست وچپ‌تخت‌شاهی‌ایستاده‌اند، که یکی دستمال سپید و دانه‌آلو در دست دارد.

پیش روی تخت، میزی زرین افتاده که بران سه صراحی دیده می‌شود. خادمی جوان سرخ‌پوش، صراحی طلائی در دست دارد، و در مقابل وی خدمتکاران جوان بروت‌دار دیگریست که سه دانه امرود را در طبقی زرین بدست گرفته، ولی چهره کشایی اشخاص این منظر ماوراءالنهریست.

این مجلس بطرف چپ، در حاشیه صفحه دوام دارد ، و بیننده را بوسعت باغ و گلزار و دوام منظر رهنمونی میکند. درختان سرسبز و گلهای زیبا و پرش مرغان در فضای آن جالب است، درحالیکه چهار نفر سرباز خوش‌پوش شمشیردار در بیرون مجلس، برای نگهداری، بر زمین سبزه‌زار بیرونی نشسته‌اند.

۱۹- ص ۳۹۳ منظر خوان اول یعنی اسفندیار و کشتن گرگان است، که در دامنهٔ کوهی اسفنجی و مشجر میدانیست دارای گل وسبزه و چند درخت. درینجادیوسواری دلاورشمشیرآختهٔ مسلح‌جوشن‌پوش بسیار مزین که بر اسپ تازی سیاه سوار است، دو گرگ درنده دارای دندانهای تیز از دهان برامده را بوسیلهٔ تیرهای جان‌شکار مجروح ساخته و بوسیلهٔ شمشیر برانها تاخته است.

گرگان با تن خون‌آلود ، که تیرهای اسفندیار بر بالای پوست آنها نمایانست با وحشت و دوش و رمندگی ترس‌آلودی می‌دوند و میگریزند. منظر آسمان طبیعی و چهرهٔ اسفندیار خراسانی و با ریش‌و بروت کوتاه زیبنده است.

نازك‌کاری تزئینی جوشن و غلاف شمشیر و رنگ طبیعی گرگان رمنده و رنگ‌آمیزی طبیعی کوههای اسفنجی و گیاهان و درختان و پرندگان این منظر، درخور دیدن و یادآوریست.

۲۰- ص ۴۰۱ تمام، منظر کشتن ارجاسپ است بدست اسفندیار: حصنی است منیع با خندق آب تیره‌رنگ ، که دیوار آنرا از سنگهای مخطط مستطیل ساخته‌اند و بروج آن بکاشی‌های رنگین زیبای سه‌رنگهٔ گرم مزین است، و هرکاشی را خط نازك سپیداب ازدیگری جدا کرده.

زیر کنگره‌های مزین و منقش قلعه دو سلسله نقاشی طلا والوان دلکش بنظر می‌آید، و در سلسلهٔ پایین نقاشی با سپیداب و خط رقاع خوش چنین نوشته‌اند:

«هذه قلعه منقشة لیس فی الکائنات تالیها ، طیب‌الله عیش امیرها و خلد ملك والیها . . . زهرالروض فی جوانبها، روضةالخلد فی حوالیها . . .»

مدخل این حصن نهایت مزین و شکوهمند و دارای دروازهٔ بزرگ زمینه طلائی سوادکاری لطیفست که بالای آن بخط کوفی به سپیداب نوشته‌اند: الحمدلله علی شانه.

بعد ازاین قلعهٔ نخستین، برخی ابنیهٔ کوچك و باغ ودرختانست، که در یکی از ابنیهٔ آن دو خانم خوش‌پوش غمگین بر قالین نفیس منقشی نشسته‌اند، و قلعهٔ دوم با همان حصانت و نقاشی وزیبائی بروج و کنگره‌های منقش و زرین بنا یافته، که باز مدخلی منقوش و مزین ، اما کوچك دارد، و بالای آن بخط کوفی زرین « یا مفتح‌الابواب » بر زمینهٔ نقاشی آسمانی رنگ خیره نوشته‌اند. ازدروازهٔاول تاداخل قلعهٔدوم سپاهیان اسفندیار با شمشیرهای آخته و جوشن‌های زرین و خودپوش سپر بدست بنظر می‌آیند ، که خود اسفندیار هم همین لباس دارد ، وی با پهلوانان دلیر خود داخل حصن رفته و به خوابگاه ارجاسپ میرسد واورا باضربت‌های شدید سرنگون‌ساخته وبه‌بستن‌اوسرگرمست که تصویر این گفتهٔ فردوسی باشد:

براویخت ارجاسپ و اسفندیار از اندازه بگذشتشان کارزار
بیك‌پاس شب تیغ وخنجرزدند گهی بر میان، گاه بر سر زدند

بزخم اندر ارجاسپ را کرد سست بنگذاشت بر تنش جایی درست
ز پـای اندر آمد تن پیلـوار جدا کردش از تن سر، اسفندیار
چنین است کردار گردنده دهر
گهی نوش یابم ازو گاه زهـر

(ص۴۰۲)

چهره کشایی این منظـر هم ماوراءالنهریست و حتی پهلوانـان اسفندیاری وخود اورا هم آمیزش چهرهٔ مغولی داده‌اند. خودارجاسپ و سپاهیان او با رنگ لباس از افراسیابیان متمایزند، و امتیاز خاص این منظر از مناظر دیگر اینست کـه در دو جا فرش قالین نفیسی را نقش کرده‌اند: اول در همانجاکه ارجاسپ راسرنگون خوابانده وبسته‌اند، قالین دراز کم‌عرضی است که متن آن رنگ خاکی وحواشی آن نقاشی سرخ تیره، و در بین خطوط سبزدارد. دوم قالینچهٔ دیگری که دوخانم غمگین بران دربین ابنیهٔ دو قلعه نشسته‌اند ، این هـم حواشی نقاشی سرخ تیره و متن سرخ روشن دارد . بر جبین سلسلهٔ دوم نقاشی زیـر کنگرهٔ حصن دوم بخط رقاع سپیداب، این کلمات بنظر می آید :

« لقد نقشت حصن الحصین کانه . . . ح هما . . . فی التشید و العلا، مع النور وصل اصله و بناؤه مع الشمس حاذفی الشرافة و الیا...»

۲۱ـ سه‌ربع ص ۴۱۳ مجلس پاسخ‌دادن اسفندیار رستم‌راست، که آسمان آن طلایی و زمینهٔ عمومی خاکی‌متمایل بگلابی دارای گل و سبزه و درختان شگوفه‌دار با پرندگان رنگین است در دامنهٔ کوهی کـه در پای درخت تنومند سرسبزی قالین نفیس با حاشیه نقـاشی سه رنگه وخطوطسبزوزرد پهن است. متن قالین نقاشی‌روشن‌سبز وسپیداب

و بنفش دارد، که بران دو نفر با البسهٔ فاخر و کلاه آهنین و تاجپوش نشسته و دست بدست یکدیگر داده‌اند، هردو ریش حنایی‌تنك و بروت کوچك و قیافت ماوراءالنهری دارند، دورادور ایشان سپاهیان خوش‌پوش با البسهٔ زرین و رنگین، کمان و تیر وگرز در دست یا شمشیر بکمر ایستاده‌اند، یکی از سپاهیان غلاف شمشیر بر دست و شانه دارد با رنگ سیاه که دورادور آن ماری سپید پیچیده و شخص دیگری هم طنبور می‌نوازد. دو پیش‌خدمت خوش‌پوش دستمالهای سپیددردست، بدوطرف‌میز کوچکی ایستاده‌اند، که بران دوصراحی‌زرین با یك‌مرتبان کاشی و یك جام طلائی افتاده است.

چهره کشی اشخاص تماماً ماوراءالنهریست و ۱۴ نفر شامل این منظر همه کلاههای آهنین وعباهای رنگین‌نفیس دارند. رنگهای‌روشن و گرم در آن کار شده است. ولی چون پهلوانان جنگی در بزم صلح و صفا با هم اشتراك کرده و دست آشتی و دوستی بهم داده‌اند، از چهره‌های همه صفا و خوشی نمایانست.

مصور این منظر، دوام صحنه و وسعت مجلس را بدینطور نشان داده که آنرا از متن صفحه به حاشیه دست راست برده و سر درخت بزرگ تنومند را هم بالای حاشیهٔ فوق برده است و بـاین نهج بیننده بدوام منظر و وسعت صحنه رهنمون می‌شود، و فردوسی‌ازاین‌صحبت دو پهلوان چنین نتیجه‌گیری میکند:

چنین گفت رستم باسفندیار — که کردار ماند ز ما یادگار
کنون‌داد ده باش وبشنوسخن — ازین نامبردار مرد کهن

(ص ۴۱۴)

۲۲- ص ۴۲۹ تماماً منظر زاری کـردن فرامرز بر مرگ رستم است :

این منظر از روی نقـاشی لطیف و نازك‌كاری و رنگ‌آمیزی و آرایش بنا و حصن و گـنبد و دیوار و درخت و گـل بی‌نظیر است . رنگهای گرم دران کار شده و مصور توانسته است، بنای بسیار مزین‌و زیبائی را تصویر کشد.

این دخمهٔ رستم است، که بنای‌آن سه طاق عالی دارد خیلی‌زیبا و مزین. طاق بینی خالی و در دو طاق راست و چپ دو تابوت مزین پایه‌دار برصحنی افتاده‌که با کاشی‌های نفیس و منقوش دارای ریزه-کاریهای هنری مزین شده است .

این بنای گنبدی معظم مـدخلی دارد ، و دورادور آنـرا حصنی منیع دارای‌کنگره‌ها و بروج بسیار مزین احاطه‌کرده که محاطست به خندقی‌که آب خیره رنگ سیاه دارد و منظر حصن و بنای دخمه‌وگنبد آن خیلی‌عالیست. برپیشانی‌بنا، زیر گنبد و کنگره بخط رقاع بسپیداب نوشته‌اند :

« اعلم ان الدوله ربح قلت، و القدره برق جلت، فلاتکن ممن یذرالأخرة و یلغیها و یحب‌العاجلة و یبتغیها و الحمد لله وحده.»

زیر کنگره‌های حصن نیز چنین جمل عربی با سپیداب به نظر می‌آید :

« الموت باب و کل‌الناس داخله.

لعمرك لن معوق المنون مال ولا بنون ولایفید اهل القبور سوی-العمل المبرور، و طوبی لمن سمع و وعی و حقق مادعی ونهی‌النفس

عن‌الهوی.»

در طاق میانه بنای دخمه، فرامرز با چپن سرخ کم‌رنگ و کلاه آهنین شمشیر بکمر رو بطرف تابوت واقع طاق دست چپ گشتانده و دست بدعا برداشته است (!) وی چهرهٔ ماوراءالنهری با ریش حنایی و بروت کوتاه دارد. چهره کشی سپاهیان وی نیز همین طور است و همه کلاههای آهنین برسر دارند. این بنای بسیار مزین دخمه، همانست که فردوسی گفت:

ببا غ اندرون دخمهٔ ساختند   سرش رابگردون برافراختند
برابر نهادند زرین دو تخت   بران خوابگه شدگو نیکبخت
در دخمه بستند و گشتند بـاز   شد، آن نامور شیرگردن‌فراز

بینندهٔ این منظر بدیع و لطیف و پر هیمنه و تاتوب مزین رستم، تمام قدرت و کامرانیهای حیات و لطافت اندیشه وظرافت اورامی بیند. گویا مصور با خامهٔ بداعت‌نگار خود توانسته است بعد ازمرگ‌رستم، تمام داستان حیات او را در هنر خود خلاصه و مصورگرداند. هنریکه زبان و بیان‌آن درین تابلو، یادآور جلال وعظمت زندگانی‌ومحرومیت مرگ، و در عین زمان زیبائی و تابندگی خاطرات پهلوان در اذهـان مردمست.

رستم در تاریخ داستانی و باز در شاهنامه‌ها و تا کنون هم در خاطرات مردم این سرزمین سمبول جلال و شکوه و نیرو وکامرانی و درخشندگی است، و ازینجاست که مصور تمام این مفاهیم شکوهمند را در تابوت و دخمهٔ او بقوهٔ خامهٔ سحرآفرین خود گنجانیده است، و این بذات خود شعریست مجسم و بیانیست شیوا وبدیع وظریف! ولی

خاموش و بیصدا، که مرگ اندوه‌افزایی را با خاطرات زندگانی مجلل و نیرومند و پرافتخار یادآوری میکند!

۲۳- ص ۲۶۹ تماماً وقف منظر دیدن اردشیر گلنار را از بام قصر است:

این صفحه نیز از حیث رنگ‌آمیزی و توازن و لطافت منظر و نقاشی دل‌انگیز و ریزه‌کاریهای هنری شهکار است. چهره سه زن و سه جوان را با زیبائی مخلوط ماوراءالنهری و خراسانی و ابروان پیوسته کشیده‌اند و معلومست که هنرمند عمداً چهره‌کشی زنان را به اسلوب خراسانی کشانده است.

بنایيست رفیع و عالی دومنزله، که کنگره‌های منقش رنگین زیبا و دیوار کاشی زرین‌کار نارنجی‌رنگ باکلکین‌های پنجرهٔ طلائی دارد. چون صحنهٔ عشق ودلربائیست، درگل‌کاری و تزئین درخت وسبزه‌زار آن بر زمینهٔ زرین و فضای آسمانی و پرواز پرندگان آن دقتی کامل نموده‌اند.

اردشیر جوانیست زیبا، که پیراهن دراز سبز زرنگار، و بالای آن چپن سرخ ببر دارد، کلاهش آهنین و بر اسپ سیاه قوی هیکلی سوار است ، و پیش جوی و حوض کوچك آب (سیاه کم‌رنگ) بر صحن مفروش به سنگهای منقش گلابی رنگ ایستاده و دو پرستار گلروی زیبای خوش‌پوش اورا استقبال کرده، که یکی صراحی‌ودیگری طبق زرین میوه در دست دارد.

البسهٔ این دو دخترخشروی، نهایت نفیس و زیبا و جالب ودراز آسمانی خیره باگلهای زرین نازك وسرخ زرکشیده است. هردوچادر

کوچکی که تا گردن میرسد پوشیده‌اند و این منظر پایین صحنه است.

اما از بالا، از کلکین طبقهٔ دوم کاخ، ماهروی خوش‌پوش زیبای دیگری اردشیر سوار را می‌بیند و باو دل میدهد، و این دختر زیبا، گلنار گنجور اردوان‌شاهست.

خامهٔ مصور، این صحنهٔ معاشقه را بامهارت و توانائی صورت‌گری کرده، ولی فردوسی شاعر این داستانرا تا بوس و کنار دو دلدادهٔ زیبا میرساند:

یکی کاخ بود اردوان را بلند بکاخ اندرون بندهٔ ارجمند
که گلنار بد نام آن ماهروی نگاری پراز گوهر و رنگ و بوی
بر اردوان همچو دستور بود بگنجش براو نیز گنجور بود
بر او گرامی‌تر از جان بدی بدیدار او شاد و خندان بدی
چنان بد که روزی برامد ببام دلش گشت ازان خرمی شادکام
نگه کرد خندان لب اردشیر جوان بر دل ماه شد جایگیر
همی بود تا روز تاریك شد سیه‌گشت شب، ماه باریك شد
کمندی بدان کنگره در ببست گره زد برو چند و ببسود دست
بگستاخی آمد ز بالا فرود همی داد آن نوجوان را درود
چو آمد خرامان بر اردشیر پراز گوهر و مشك و بوی و عبیر
ز بالین دیبا سرش برگرفت چو بیدار شد تنگ در برگرفت
(ص ۴۷۰)

درینجاست که زبان ادب، روان و شیواست و تسلسل داستان عاشقانه را با آغاز و انجام لحظات دلچسب دیدار و معانقه و غیره در بیتی چند تصویر میکشد، ولی خامهٔ هنرمند فقط مرحلهٔ نخستین دیدار

این دو دلدادهٔ زیبا را درین مجلس، گنجانیده توانسته است و هر قدر زیبائی که مقدور خامهٔ مصور بود در همین منظر آفریده! که این خود یکی از معجزات نقاشی و مصوریست، ولی خارقه‌یی ناتمام، که تشنگی بیننده را رفع نمیکند و او میخواهد بداند که «چو بیدار شد تنگ در برگرفت» آیا بعد ازین این دو دلدادهٔ جوان زیبا چه کرده باشند ؟

زیر کنگرهٔ عالی کاخ بسپیداب و خط رقاع نوشته‌اند:

«امر ببناء هذه العماره السلطان الاعظم بایسنغر بهادرخان خلدالله ملکه»

۲۴- بیش از نیم صفحه ۴۹۸ تصویر یزدگرد و سپردن بهرام نوزاد به منذر است:

یزدگرد با تاج زرین بر تخت زرین نشسته و عبائی سبز ببردارد. ممیزات چهرهٔ اشخاص و مناظر صحنه و البسه، مانند سابقست . ولی اکثر اشخاص این صحنه جز دو نفر خدمتگار دربار شاهی چپن‌های دراز و عمایم کلان پوشیده‌اند که بگفتهٔ فردوسی:

بیامد ز هر کشوری موبدی　　جهان دیده و نیکدل بخردی

درین زمره منذر با ریش متمایل به سپیدی و عمامه و عبای آبی دراز (ولی قیافت ماوراءالنهری) پیش روی تخت شاهی نشسته و یزدگرد او را مخاطب ساخته است که فرزند نوزاد او بهرام را ببرد و پرورش دهد، ولی:

چنین گفت منذر که ما بنده‌ایم　　خود اندر جهان‌شاه را زنده‌ایم
هنرهای ما شاه داند همه　　که او چون شبانست و ما چون رمه
سواریم و گردیم و اسپ افگنیم　　کسی را که دانا بود نشکنیم

پر از مهر شاهست مارا روان   بدین کار داریم شاها توان

در پیش تخت شاهی بر زمینهٔ گـلابی زیبا، قالینچه نفیسی بـا حواشی سرخ و نقاشی سپید و متن گلدار سرخ و سبز و سپید افتاده‌و دو پرستندهٔ زیبای خوش‌پوش پیوسته ابروی خالدار، قنداق طفل‌را که با پوش سیاه زرنگار پوشیده است نهاده‌اند، واین بهرام نوزاد است که به منذر سپرده میشود:

نگـه کـرد از آغاز انجام را   بدو داد پرمایه بهرام را
(ص۴۹۸)

۲۵ـ صفحه ۵۷۲ تصویر آوردن شطرنج نزد نوشیروان است:

نوشیروان برتخت زرین در ایوان بسیار مزین عالی نشسته، که دیوار آن سپید است. بهردودست وی در طبقهٔ پایین ندیمان ودرباریان ایستاده‌اند، که همان چین‌های دراز فاخر زرین رنگـارنگ و عـمایم و کلاه‌پوشیده‌اند. یك غلام سیه‌چردهٔ حبشی هم درین‌جمله دیده‌می‌شود.

در صحنهٔ پائین که با خشت‌های مزین مفروش‌است، بساط بسیار زیبای شطرنج که نازك کاری هنری دارد بنظر می‌آید که براست و چپ آن دو نفر قباپوش با عمامه و ریش‌دار نشسته‌اند و در حالت تفکر با هم تکلم میکنند. گویا رای هند، پیش نوشیروان یك بساط و مهره‌های شطرنج فرستاده تا هوشیاران عجم رموز واسرار این بازی‌را دریابند، و بوزرجمهر بعد از تأمل یك شباروز بحل آن موفق‌گردید. این‌داستان را از فردوسی بشنوید:

فرستادهٔ رای را پیش خواند   بر نامور بارگاهش نشاند
بدو گفت گوینده بوزرجمهر   که‌ای موبدراد خورشیدچهر

ازین مهره‌ها شاه با تو چه گفت؟ که همواره با تو خرد باد جفت
چنین داد پاسخ که فرخنده رای چو از پیش او من برفتم زجای
مرا گفت: این مهرهٔ ساج و عاج ببر پیش تخت خداوند تاج
بگوید که با موبد رای زن بنه پیش و بنشان یکی انجمن
چو این نغز بازی بجای آورند پسندیده و رهنمای آورند
همین بدره و برده و باژ و ساو فرستیم چندانک داریم تاو
و گر شاه و فرزانگان، این بجای نیارند و روشن ندارند رای
بدانش بود شهریار ارجمند نه از گنج و مردان و تخت بلند
نباید که خواهد زما باج و ساو دریغ آیدش جان دانا بتاو
چو بینند دل و رای باریك ما
فزونتر فرستد بنزدیك ما

چون بوزرجمهر معمای شطرنج را حل کرد، کسری به فرستادهٔ رای هند گفت:

چنین گفت کسری که یزدان سپاس که هستم خردمند و یزدان‌شناس
مهان تاج و تخت مرا بنده‌اند دل و جان به مهر من آگنده‌اند
شگفتی‌تر این کار بوزرجمهر که دانش بدو داد گردان سپهر
(ص ۵۷۴)

از خصایص هنری این مجلس است که چهره کشی اشخاص آن تماماً ماوراءالنهری است، و همهٔ اشخاص آن عمامه‌پوش‌اند، و اکثر آنها دارای ریش حنایی کوتاه‌اند، وخود نوشروان هم قیافت یك ازبك معمم سنی بخارایی دارد!

۲۶- نیم ص ۶۰۴ تصویر رزم بهرام با ساوه شاه و کشتن اوست:

این نیم صفحه صحنهٔ جنگ ، بوسیلهٔ درختان تنومند سر بفلك کشیده در حاشیه دست چپ و بالای صفحه دوام منظر دارد و نبردگاه هم یك دشت خاکی کم گیاهست.

دیوسواران جنگی تازندهٔ بهرام چوبینه با تیر و کمان چاچی و سپرهای، مزین مسلح‌اند، جوشن‌های زرین و رنگین و خودهای زرین پوشیده‌اند. سه سوار نیزه‌دار که در قسمت بالای نیزه پرچم موی هم دارند سپر بدست در عقب تیراندازان دلاور می‌تازند. منظراسپان و سواران حمله‌آور و تیراندازی آنها هولناك و مهیب است.

در طرف مقابل نبردآزمایان ساوه شاه همه فیل‌سوارند، سه فیل سیاه و یك فیل سپید را به‌جبههٔ جنگ بدست راست آورده‌اند، سپاهیان فیل سوار ساوه شاه لباس بنفش زراندود و خودهای زرین و زره پوشیده‌اند. یراق پیلان نیزخیلی‌فاخر ومزین‌است، ولی سوارپیل سپید بر دل خود تیر جگرخراشی خورده و از بالای هودج پیل سرنگون افتاده است ، و این علامت شکست این دسته رزمندگان ساوه شاه باشد .

چهره کشی افراد هردو لشکر متخاصم ، همان سبك ماوراء- النهریست با رویهای گرد، ریش‌های تنك حنائی و چشمان گربه‌یی. و این آخرین صحنهٔ مصور جنگی این نسخهٔ شاهنامهٔ بایسنغریست.

صفحات آخر و وقایه

دو صفحهٔ اخیر متناظر ۶۸۹-۶۹۰ نقاشی رنگین عالی حواشی و سروپای صفحه دارند، که در بالا و پایین چهار سطر خط کوفی به سپیداب نوشته‌اند، و درآخر صفحه ۶۹۰ همان نوشتهٔ کاتب کتاب جعفر-

بایسنغریست که ما در اوائل این مبحث آورده‌ایم.

اما وقایهٔ این کتاب مهم هم با همان اهتمام هنرمندانه ساخته شده و خود آن شهکار جلدسازی و آرایش لاکی است کـه سازندهٔ آن را مولانا قیام‌الدین دانسته‌اند. گل‌کاری زرد و سرخ و گلابی حاشیه و بعد ازان استعمال سواد بر زمینهٔ طلا با گـل‌کاری خیلی لطیف و دقیق، و استعمال الوان آسمانی دران بصورتیست کـه اگر زاویهٔ مستقیم آن را ببینی، استعمال سواد و گلهای آسمانی‌رنگ برزمینهٔ زرین است، ولی اگر بزاویهٔ منحرف دیده شود، استعمال سواد بر زمینهٔ زرین جدا بنظر می‌آید، و نقاشی لطیف و نازك‌کاری آسمـانی‌رنگ خفیف آن منظری علاحده دارد. و این خود هنر نقاشی و رنگ‌آمیزی مجلداست که یك صفحه لاکی را بچندین رنگ دیدنی و نادیدنی مزین کرده و منظر وقایه را در زاویه‌هـای مختلف مرایا و مناظـر، مختلف ساخته است.

صفحات بیرونی پشتی اول ودوم، متناظر وبکلی مشابه‌یکدیگرند و هنرمند توانسته که قدرت خامه و هنر خود را در تناظر و تشابه کلی این صفحهٔ لاکی درفواصل تزیین وحتی خطوط بسیار کوچك سوادکاری ونقاشی دقیق نازك نشان دهد، و این خود آیت هنراست.

اما دوصفحهٔ داخل دو پشتی اول و دوم باز هم متناظر و کاملاً شبیه‌اند برزمینهٔ مخلوط سرخ + سیاه، جداول زرین ونقاشی‌وگل‌کاری آسمانگون مطلا دارد که متانت وسادگی وریزه‌کاری را دران توان‌دید.

این نقاشی در لاك و ریزه‌کاری دقیق و استعمال الوان مشاهد و نامشاهد دران، شهکاریست در جلدسازی که نظیر آن کمتراست.

-۲-(۳۴۷)

اوراق قرآن بخط بایسنغر میرزا :

این شهزادهٔ هنرمند هنرپرور هرات فرزند شاهرخ و نواسهٔ تیمور است: (۷۹۹-۸۳۷ ق ۱۳۹۶-۱۴۳۳ م) که خود خطاط ماهری بود، و نمونهٔ نوشتهٔ جلی ثلث عالی او بررواق مسجد گوهرشاد مشهد رضوی موجود است، که مادرش گوهرشاد بنا کرده است.

ظاهراً این شهزادهٔ هنرمند، قرآنی بخط خود نوشته بود، که اکنون فقط چهار صفحهٔ آن در کتابخانهٔ سلطنتی ایران باقیست (نمره ۲۲۱۰) وقسمتی از اوراق آن در کتابخانهٔ آستان رضوی مشهد است.

اوراق کتابخانهٔ سلطنتی ۱۱،۸ × ۱۸،۳ سانتی برکاغذ سمرقندی به ثلث جلی با رقم بایسنغر نوشته شده و ناصرالدین شاه قاجار آنرا از قوچان به تهران آورد، که تاریخ کتابت ندارد و چهارقطعه دردوائر تزئینی متن طلاپوش است که اصلاً دو ورق را دوپوست کرده و مبدل به چهار صفحه، روی مقوا الصاق کرده‌اند و یك سرسوره دارد مستطیل مجدول طلایی با اسلیمی بند رومی مشکی رنگ باآب زر و خط ثلث اعراب برنگ لاجورد و آیات سورهٔ البروج و السماء و الطارق وچند آیهٔ سورهٔ عنکبوت.

(فهرست قرآنهای خطی سلطنتی ایران ص ۴۹۰ طبع تهران ۱۳۵۱ ش)

در بارهٔ این قرآن آقای یحیی ذکا رئیس کتابخانه ملی تهران می نویسد:

«شهزاده بایسنغر این نسخه را برای اهداء به مقبرهٔ جد خود تیمور نوشته، ودرسمرقند بر قبر تیمورافتاده بود. بقول اعتمادالسلطنه در مطلع‌الشمس چون نادرشاه افشار سمرقند را فتح کرد، این نسخه در دست لشکریان او ورق‌ورق گشت واین اوراق در تصرف لشکریان به قوچان انتقال یافت و بر مرقد سلطان ابراهیم که مردم او را فرزند امام رضا شمرند فراهم گردید، ولی اکثراوراق این نسخهٔ نفیس مفقود شد، تا که در سنه ۱۳۳۱ق شهزاده محمد هاشم افسر رئیس معارف خراسان این اوراق را در یك صندوق آهنین از زیر خاك کشید که برخی مطموس و آسیب‌دیده بود، و آنرا به کتابخانهٔ آستانه رضوی سپرد. که فقط هفت ورق آن سالم مانده بود، وقبل‌ازین همین کتابخانه پنج ورق دیگرهم ازان داشت.

آنچه تاکنون معلومست اجزاء ذیل این نسخه باقی‌مانده‌اند:

۱- درکتابخانهٔ سلطنتی ایران چهار ورق مکمل.

۲- در کتابخانهٔ ملی تهران دوازده قطعه که هریکی یك تا دو سطر دارد.

۳- موزهٔ ایران باستان در تهران یك صفحهٔ کامل.

۴- موزهٔ هنرهای زیبای تهران یك قطعه یك‌سطری.

۵- درمجموعه‌های شخصی تهران، چندقطعه دارای چندین‌سطر.

۶- برخی از قطعات آن در کتابخانه‌های ترکستان و اروپا که ازان اطلاع کاملی نداریم.

(مجلهٔ موسسهٔ‌فرهنگی منطقه‌یی‌طبع‌تهران جلد۲ شماره۲ بهار ۱۹۶۹م)

-۳-(۳۴۸)

قرآن بخط محمود سلطانی :

در کتابخانهٔ سلطنتی ایـران نمـره ۲ قطع خشتی ۱۷/۵×۲۴ سانتی ۳۳۳ صفحه ۲۱ سطری بر کاغذ خانبالغ بخط نسخ ریحانی و کتابت خفی ممتاز کـه آنرا محمود سلطانی درسنهٔ ۸۴۶ ق ۱۴۴۲ م ازخط یاقوت مستعصمی درهرات نقل کرده و درآخرآن به‌توقیع نیمه جلی ممتاز نوشته‌است: «نقل من کتابة سید الاصحاب سند الکتاب... یاقوت المستعصمی... علی‌ید... محمود السلطانی... فی‌آخر جمادی الاول سنه ست واربعین و ثمانمائه بدارالسلطنه هراة.»

صفحات اول و دوم ایـن نسخهٔ شریفـه مجدول باحاشیه مذهب مرصع مار پیـچ و متـن لاجوردی مزین بطلا و الـوان مختلف است دارای‌چهار کتیبهٔ بازوبندی، مذهب‌مرصع که بقیهٔ‌اوراق‌آن‌مجدول کمند اندازی زرین باحواشی ومتن ساده‌است. فواصل آیات، دوائر کوچك طلائی وآغاز هرجزو و نصف‌جزو وحزبها، دوائر تزئینی وسرسوره‌ها برقاع نیمه جلی‌ممتاز و مستطیل‌های تزئینی آب زر دارد.

وقایهٔ‌آن ساغری مشکـی ضربیست و بااین خصائـص و خط از آثار نفیس مکتب هنری هرات بشمار می‌آید.

(فهرست مذکور، ص ۳)

-۴-(۳۴۹)

منشآت بخط درویش عبدالله و خواجه اختیار:

در کتابخانهٔ سلطنتی ایران ۱۹۵ × ۳۲۰ میلی. جلد ساغری ضربی سوخت عالی، بخط شکسته نستعلیق ۱۴ رقعه نیمه‌جلی وخفی رقم خواجه اختیار منشی هروی و غیره از جمله یك قطعه نیمه جلی عالی رقم «درویش عبدالله سلطانی (بدون تاریخ) مربوط بقرن ۹ ﻫ .»

(سلطنتی ایران ۱۹)

-۵- (۳۵۰)

مکاتیب سلطان حسین بایقرا رقم خواجه اختیار:

۱۶۳ × ۲۲۵م، جلد تیماج ترنج منگنه ۳۲ صفحه.

خط شکسته تعلیق نیمه جلی عالی، رقم قاضی اختیار الدین گنابادی بتاریخ (۹۳۵ ق ۱۵۲۸ م) (س ۲۰)

-۶-(۳۵۱)

مکاتیب سلطان حسین بایقرا رقم خواجه‌اختیار:

۱۳۷ × ۲۱۷م، جلد تیماج مذهب منگنه، صفحات متن و حاشیه طلا اندازی و مرصع عالی ویك سر لوح مذهب مرصع عالی ۳۰ صفحه.

خط شکسته تعلیق نیمه‌جلی ممتاز. رقم همان خواجه اختیار منشی درسنهٔ ۹۷۰ ق ۱۵۶۲م (س ۲۱)

-۷- (۳۵۲)

حالنامه بخط سلطان علی مشهدی:

مثنوی گوی و چوگان عارفی است ۱۴۰ × ۲۲۰ میلی متر، جلد ضربی و سوخت معرق عالی. سرلوح و ترنج مذهب مرصع و حواشی صفحات تشعیرسازی مذهب عالی با یك مجلس منیاتور عالی ۵۲ صفحه.

خط نستعلیق کتابت خفی خوش بارقم سلطان علی مشهدی بتاریخ ۴ ذی‌قعده ۸۷۴ ق ۱۴۶۹ م در هرات (س ۲۲)

(رك: ۱۰۲-۱۲۸)

-۸- (۳۵۳)

دیوان جامی بخط سلطان علی قاینی:

۲۲۵ × ۳۵۵ م. جلد تیماج مذهب جدید. متن و حاشیه افشان. دوصفحهٔ اول متن وحاشیه مذهب مرصع ممتاز. سرلوحها و سرفصول ولچکیهای متعدد مذهب مرصع ممتاز ۴۵۲ صفحه.

بـه خط نستعلیق جلی خـوش سلطان علـی قاینی درسنه ۸۹۸ ق ۱۴۹۲ م. (۸۰ ورق ازمیانه ساقط بود که عبدالرحیم عنبرین قلم آنـرا بخط خود تکمیل کرده و اصل دیوان عبارت ازفاتحة الشباب وواسطة‌ـ العقد است) (س ۲۴)

-۹- (۳۵۴)

خمسهٔ نظامی بخط میرعلی:

۲۲۵ × ۲۴۰ میلی. جلد سوخت عالی. صفحات متن و حواشی تشعیرسازی مذهب عالی. دوصفحهٔ اول درمتن وحاشیه مذهب مرصع

تشعیر شده ممتاز. سرلوحها و سرفصلهای متعدد مذهب مرصع ممتاز. ده مجلس منیاتور عالی ۴۰۶ صفحه.

خط نستعلیق عالی بقلم میرعلی هروی در سنه ۹۲۸ ق ۱۵۲۱م (س۲۵)

ـ۱۰ـ۱۱ـ۱۲ـ(۳۵۵ـ۳۵۷)

سه کتاب بخط جعفر حسینی:

در کتابخانهٔ سلطنتی ایران :

(۳۵۵) ۱۰ـ گلستان بایك مثنوی دیگر کتابت جلی وخفی خوش سنه ۹۹۴ق ۱۵۸۵م با رقم: کتبه جعفر الحسینی.

(۳۵۶) ۱۱ـ گلستان با یك مثنوی امیرخسرو، کتابت خفی خوش بتاریخ ۱۲ جمیدی الثانی ۹۹۵ ق ۱۵۸۶م.

(۳۵۷)۱۲ـ مثنوی عشق وروح فضولی بخط نستعلیق خوش سنه ۱۰۴۶ق۱۶۳۶م.(نام این خطاط جعفر بن علی معروف بسید آقاسبزواریست که مخطوطاتش در کتابخانه‌های استانبول نیز بین ۹۹۴ تا ۱۰۴۶ ق ۱۵۸۵ـ۱۶۳۶م هست. خ۱۲۴)

ـ۱۳ـ(۳۵۸)

کلیله و دمنه درکتابخانهٔ سلطنتی ایران:

یکی از نسخ بسیار نفیس و معتبر مکتب هراتست که در اتقان تصویر طبیعت و آثار آن و هضم و تحلیل عناصر چینی ممتاز است. (صنایع ایران ۱۰۵)

بازل‌گری در منیاتور ایران (ص۱۳) گوید که از کیفیت هنری و غنای تصاویر آن پدید می آید ، که برای یکی از حکمداران هنرپرور

نگاشته شده باشد. ولی چون اکنون خاتمهٔ کتاب از بین رفته، نه نام کاتب و هنرمند آن معلومست و نه حکمرانی کـه برای او آنرا ترتیب کرده‌اند، فقط از خصایص هنری، تاریخ نگارش و آرایش آنرا توان دریافت، که یك نسخهٔ دیگـر همین کتاب در توپقـاپوسرای به نمره R ۱۰۲۷ موجود است، و آنرا بایسنغرمیرزا درهرات نگاشته‌اند (رك: ترکیه ۶۶)

نسخهٔ کتابخانهٔ سلطنتی ایـران در جانداری و ظرافت نقاشی و استعمال الوان لطیف، ارزش خاصی داشته و در نفایس هنرهرات جای دارد.

یك مجموعهٔ منتخب اشعار، برای اسکندر سلطان در سنه ۱۴۱۰ -۱۴۱۱م مصور گردیده (شماره ۲۴۹۴) که اکنون درمجموعهٔ گل بنکیان Gulbenkian موجود است. درین کتاب نفیس تصویریست از مجنون، که در بیابان با وحوش در آمیخته ویکی از منـاظرآن غزالیست کـه کاملاً طبیعی نقش شده و شباهت تامی با تصاویر این نسخه کلیله ودمنه دارد و کشیدن درختان گلپوش طـراوتناك در تحت آسمان طـلائی از ممیزات نفیسهٔ هردونسخه است، ولی درتنوع تراکیب وتصویرپدیده‌های روحی در زندگی حیوانات، این نسخه کلیله ودمنه امتیازی خاص دارد و بکارهای مکتب بایسنغر درهرات شباهت میرساند.

در دو نسخهٔ دیگـر مکـتب هرات کـه در سنه ۱۴۲۶ و ۱۴۲۷م نقاشی شده‌اند طرح تزئین مفروشات ونقشهٔ ابنیه مانند تجیرپهن‌سطح بنا و یك دروازهٔ نیمه‌باز که شخصی ازان میگـذرد، باین نسخه شبیه است، بنابراین ماین‌نسخه را کارعصر تیموریان حدود ۱۴۲۰-۱۴۲۵م

شمرده می‌توانیم که برای یکی از پرورندگان هنر مانند ابراهیم یا بایسنغر ساخته شده باشد.

سرورق این نسخه که دو صفحهٔ کامل بود، اکنون آسیب دیده و نقایص آنرا باز نقاشی کرده‌اند، ولی خصایص هنری و منظر مطنطن این مجلس، دربار و جلوس شاهی را بر اورنگ سلطنت درباغی بصورتی نشان میدهد که کمال هنر نقاشی این دوره باشد.

شهزادهٔ جوان و پرندگان در حالت پرواز بر صفحهٔ دست چپ در حالت بسیار طبیعی نقاشی شده‌اند، که ساقی ماهروئی باده رادر ایاغ شهزاده از صراحی میریزد و طوریکه در نسخ معتبر این دوره دیده میشود، همواره این سرورقهای مصور و مرصع با مضمون متن کتاب ربطی ندارند واکثرهم دوصفحهٔ کامل را میگیرند، درحالیکه منیاتورهای دیگر کتاب مستطیل‌اند و بلندی آن بیش از عرض آنست.

طرح تصویر برزو، مترجم داستان کلیله و دمنه سنسکریت که آنرا به نوشیروان تقدیم می‌نماید، با وجود مشابهت موضوع، فرقی با دیگران دارد، که گره‌بندی اشکال آن آزاد و مختصر است وما را فوراً بدنیای خیالی می‌برد، که داستانها دران وقوع یافته‌اند.

هنرمندیکه دو منیاتور واپسین این مخطوطه را آفریده، آنقدر نیروی خامه داشت که دروازهٔ یك دنیای خالی را با قوت فراوان تخیل شاعرانه بروی ما بکشاید و یقیناً کار همان هنرمند ماهر آثار نخستین باشد.

در منظر نخستین چهار نفر دوست: غزال و کلاغ و سنگ‌پشت و موش بر دور تالابی که درختان لیمو و نارنج بران سایه افگنده دیده

می‌شوند که در اطراف آن منظر بوته‌های گلدار در دامنهٔ کوه خشکی، خوش آیند است.

منظر دیگر این نسخه شدت حمله شیر کهن‌سالیست برگورخری که شغالی او را بچنگ این شیر مفترس انداخته. ولی این هم وضع بسیار طبیعی را نمایش میدهد که قسمت روشن‌تر تابلوست و بطرف راست آن منظر سبزگون خیره درختان بانس (خیرزران) آنرا زندگی دیگری می‌بخشد، و این طبیعت‌نگاری از روایات قدیم هنر چینی نگاشتن گلها، در قرن ۱۴م بوسیلهٔ مغول انتقال یافته که در جذبات شاعرانه دنیای عشق و دلربائی این سرزمین کاملاً ظهور کرده و صورتگران را به‌تمثیل طفلانهٔ دنیای طبیعت آشنا ساخته است. چنانچه دریکی از تصاویر آن سیمرغ افسانوی شهنامه که مورد توجه شاهست با خصایصی نقش‌گردیده که پروبال عظیم و نول سرخ آن به آثارچینی می‌ماند، ولی قوّت خود را از شباهت با سمبول بالدار اهوره مزدا، خدای قدیم دورهٔ هخامنشیان ایران می‌گیرد.

در سروی هنر ایران چهار مجلس منیاتور ظریف این نسخه را رنگین چاپ کرده‌اند:

۱ـ دهقانی که مرغان مخرب گل‌ها را در تور خود میگیرد. در دامنه کوه اسفنجی دارای رنگ خاکی زیر درخت کهن‌سال دهقانی با عبای سبزرنگ دراز و چهرهٔ خراسانی ایستاده و ریسمان توری را میکشد که مرغان سیاه و سپید زیاد درون توربا اضطراب وپرزنی‌دیده می‌شوند. وضع روحی دهقان ریسمان‌کش نیز در چهره و چشمانش مشاهد است که مهارت مصور را میرساند. رنگ‌آمیزی این منظر سرد

وخاموش است، گل آرائی و شاخ و برگ درختان دلکش و لطیف است (لوحه ۸۶۵)

۲ـ داستان کشف و آهو و کلاغ بر کنار تالاب، که این منظرهم دارای خصایص مجلس سابق است. و آب تالاب هم رنگ طبیعی دارد، درحالیکه دربرخی کارهای هنری آبرا رنگ سیاه داده‌اند. منظرنگاری وگل آرائی و کوهك اسفنجی آن دیدنیست (لوحه ۸۶۶)

۳ـ داستان مرد کهنسال و دو مرغ: مردی با ریش نیمه سپید و چین نیمه آستین دراز سبزرنگ زیر درخت قوی تنه حنایی‌رنگ و دو مرغ بالای آن نشسته‌اند. منظرآرایی و خصایص آن هم مثل سابقست (لوحهٔ۸۶۷)

۴ـ جنگ بومان کلاغان: بالای کوه رنگین اسفنجی که درختان کوهی کشنی دارند، بومان با رنگ زرد و خطوط سیاه و کلاغان سیاه بجنگ و حمله بریکدیگر پرداخته‌اند. وضع روحی مرغان جنگنـده مهارت مصور را وانمود میکند، منظرآرایی و رنگ‌آمیزی سرد این منظر دلکش و لطیف است، آسمان و فضای آن رنگ زرد آمیخته با کمی سرخی دارد. (لوحه ۸۶۸)

-۱۴-(۳۵۹)

مجموعهٔ کتابخانهٔ سلطنتی ایران:

از مهمترین بقایای مکتب هراتست که درعصرشاهرخ پسرتیمور (۸۰۷-۸۵۰ق) مصور گردیده و آنرا بظن‌غالب، کارخلیل‌نقاش‌شمرده‌اند (سروی هنر ایران)

-۱۵-(۳۶۰)

. . . . . .

-۱۶-(۳۶۱)

ظفرنامه بخط سلطان محمد نور و کار بهزاد

در کتابخانهٔ سلطنتی کاخ گلستان تهران (۲۶).

۲۳۰ × ۳۷۰ م، جلد سوخت ممتاز. دو صفحهٔ اول آن تماماً مذهب و مرصع ممتاز کار میرعضد است که تمام کتاب ۲۴ مجلس تصویر و منیاتور ممتاز مکتب بهزاد (تبریز) دارد، جمله ۷۵۰ صفحه به نستعلیق نیکو در سنه ۹۳۵ ق ۱۵۲۹ م نوشته شده و رقم خاتمهٔ آن چنین است:

«کتبه سلطان محمد نور، وذهبه میرعضد، وصوره بهزاد ۹۳۵ق»

ازین کتاب ۵ صفحه مصورعالی در سروی هنر ایران سیاه طبع شده (لوحهٔ ۹۰۵-۹۰۷) که تمام خصائص هنری مکتب بهزاد دارد.

-۱۷-(۳۶۲)

شاهنامه فردوسی:

ملکیت مهدی ویشکائی در ایران.

کار اوائل دورهٔ صفوی دارای ۵۲ تصویر عمل دوسه نفر نقاش، که بعضی تصاویر سبك هرات در اواخر عهد تیموریان هم دارد، جمله ۵۲۵ ورقست، که «اول و آخر این کهنه کتاب افتاده.»

-۱۸-۱۹-(۳۶۳-۳۶۴)

دو شاهنامه (تهران)

هردو مربوط دورهٔ صفویه که یکی در ۹۹۶ق ۱۵۸۷م نوشته شده و ۴۰ تصویر دارد. نسخهٔ دیگر که در سنه ۱۰۱۴ ق ۱۶۰۵م نگاشته شده

دارای ۸۵ مجلس مصور است.

منیاتورهای این هردو جلد، بسبك رضای عباسی (دنبالهٔ مکتب بهزاد هرات) است.

-۲۰-(۳۶۵)

کارهای محمود مذهب:

وی شاگرد میرعلی هروی مذهب و خطاط بود مربوط به‌مکتب بخارا (خ۲۸۱) تصاویر متعدد در کتابخانهٔ مشهد رضوی محفوظست کار محمود مذهب برقم «سلطان‌محمود» که از همه اهم پورتریت‌امیر علی‌شیر نوائیست با عصا وعبای دراز و رقم: «عمل محمود مذهب» که پیش از سنه ۹۰۷ق ۱۵۰۱م ساخته شده است.

-۲۱-(۳۶۶)

منیاتور دولایی عمل بهزاد:

در موزهٔ دولتی ایران باستان.

دو زن کتاب کوچکی دردست دارند، روی آن کتاب نوشته‌شده: «تصویر سلطان حسین میرزا، عمل بهزاد».

(تاریخ صنائع ۱۷۱)

-۲۲-(۳۶۷)

جنگ شتران عمل بهزاد:

در موزهٔ کاخ گلستان تهران. یك منظر جنگ دو شتر ژیانست، که بران «عمل بهزاد» نوشته شده، ولی چون در سن بالاتراز ۷۰ بهزاد نوشته شده مورد شك است (سروی هنر ۱۸۶۴)

-۲۳-(۳۶۸)

جنگ ابراهیم میرزا تیموری:

دارای خط خوب و نقوش و تذهیبات دورهٔ هنر تیموریه ، در کتابخانهٔ جعفرسلطان‌القرائی تبریز ایران. (هنر و مردم ۱۲۲)

-۲۴-(۳۶۹)

انیس‌الناس:

این نسخه در کتابخانهٔ مجلس شورای ملی ایران (تهران) است که برای ابراهیم سلطان شهزادهٔ تیموری هرات نوشته شده و چنین مرقومست:

« برسم خزانة سلطان‌الاعظم‌الاعدل مغیث‌الدنیا و الدین ابراهیم سلطان» (هنرومردم۱۲۲)

-۲۵-(۳۷۰)

مخزن‌الاسرار نظامی:

ازکارهای ادامه مکتب هرات درعصرصفویه است، نسخهٔ ممتاز زرکشیده آستان رضوی مشهد با رقم:

«برسم کتب خانهٔ شهریار ابوالفتح بهرام جم اقتدار»

-۲۶-(۳۷۱)

شاهنامه و خمسهٔ نظامی بخط محمدبن مطهر:

درکتابخانهٔ ملی ملك تهران، که در سنه ۸۳۳ق ۱۴۲۸ در هرات برای بایسنغر میرزا نوشته شده و رقم ذیل دارد:

«برسم خزانة الکتب السطان الاعظم . . . غیاث‌السلطنه و الدنیا

بایسنقر بهادرخان . . . علی ید . . . محمدبن مطهربن یوسف‌بن ابی سعیدالقاضی النیسابوری بدارالسلطنة هراة . . . فی‌شعبان سنه ۸۳۳ هـ» (خ ۸۳۸)

-۲۷-۲۹- (۳۷۲-۳۷۴)

مخطوطات جعفر بایسنغری:

(۳۷۲) ۲۷- دیوان حسن دهلوی:

کتابخانهٔ مجلس تهران. کتابت خفی متوسط ۸۳۵ ق ۱۴۳۱ م رقم ختم کتاب چنین است : «کتبه‌العبد المحتاج الی‌الله الغنی جعفر بایسنغری . . . فی‌خامس‌عشرین و ثمانمائه‌الهجریهٔ بدارالسلطنة هراة . . . (خ ۱/۱۱۹)

(۳۷۳) ۲۸- صفحهٔ آخر یك سفینه:

در کتابخانه سلطنتی ایران به نستعلیق متوسط، که سفینه مذکور ازبین رفته و دربن صفحه چنین مـرقـوم است : این سفینه را جعفر بایسنغری در دارالسلطنهٔ هرات در سنه ۸۲۷ ق نوشت. (=۱۴۲۳م)

(۳۷۴) ۲۹- یك صفحهٔ آخر یك سفینه:

در مرقع گلشن کتابخانهٔ سلطنتی ایران صفحه‌یی بقلم غبارعالی بامضای‌جعفرالکاتب‌است که درهرات نوشته با رقم: «علی‌طریق واضع‌الاصل علی‌بن حسن السلطانی.» که گویا واضع قلم غبار همین‌علی‌بن حسن باشد. (خ۱/۱۲۰)

-۳۰-(۳۷۵)

مرقع محمد امین کاتب مشهدی متوفا در هند:

در کتابخانهٔ سلطنتی ایران برقم محمد امین ۹۸۸ ق (۱۵۷۹ م) (خ ۶۵۰)

-۳۱-۶۲- (۳۷۶-۴۰۷)
مخطوطات شاه محمود نشابوری (متوفا درمشهد، حدود ۹۸۲ق):

(۳۷۶) ۳۱- دیوان امیرشاهی:
کتابت خفی عالی دردارالسلطنه تبریز ۹۵۱ق ۱۵۴۴م در کتابخانه سلطنتی ایران (س)

(۳۷۷) ۳۲- صد کلمه حضرت علی:
با ترجمهٔ منظوم فارسی بقلم خفی عالی (س)

(۳۷۸) ۳۳- بوستان سعدی کتابت عالی (س)

(۳۷۹) ۳۴- منتخب بوستان سعدی کتابت خفی عالی (س)

(۳۸۰) ۳۵- منتخب اشعار اهلی شیرازی کتابت عالی ۹۵۰ ق ۱۵۴۳م (س)

(۳۸۱) ۳۶- سبحة الابرار جامی کتاب خفی ممتاز ۹۴۴ ق ۱۵۳۷م (س)

(۳۸۲) ۳۷- اسرارنامهٔ عطار نستعلیق خفی عالی ۹۷۰ق ۱۵۶۲م در کتابخانهٔ مجلس تهران ۶۸ صفحهٔ مذهب ممتاز ۲۱۵ × ۳۱۰م

(۳۸۳) ۳۸- حاتمیهٔ حسین کاشفی کتابت خوش شعبان ۹۷۶ ق ۱۵۶۸م ملك دکترمهدوی تهران.

(۳۸۴) ۳۹- دیوان جامی کتابت خوش ۲۰ جمادی الاخری ۹۵۵ ق ۱۵۴۷م در یك مجموعهٔ خصوصی تهران.

(۳۸۵) ۴۰- چهل حدیث با ترجمهٔ منظوم جامی کتابت خفی عالی ۹۵۱ق ۱۵۴۴م ملك دکترمهدی بیانی تهران.

(۳۸۶) ۴۱- ترجمه فارسی نصائح منسوب بحضرت محمد(ص) کتابت جلی عالی ۹۵۵ ق ۱۵۴۷م ملك دکتر مهدی بیانی تهران.

(۳۸۷) ۴۲- چهل کلمهٔ حضرت علی با ترجمهٔ منظوم حسین بن سیف‌الدین هروی کتابت خفی ملك دکتر مهدی بیانی تهران.

غبار ممتاز در مشهد ۹۶۴ق ۱۵۵۶م مذهب.

(۳۸۸) ۴۳- بوستان سعدی کتابت خوش ۹۲۳ ق ۱۵۱۶م ملك دکتر مهدی بیانی تهران.

(۳۸۹) ۴۴- جزو قرآن به نستعلیق عالی و دو سرسورهٔ فتح و مزمل به ثلث عالی

در تبریز نوشته شده. درمجموعهٔ کریم‌زاده تهران.

(۳۹۰-۴۰۰) ۴۵-۵۵- یازده قطعه خفی و غبار ممتاز بارقم‌های وی، یکی با تاریخ ۹۶۵ ق ۱۵۵۷م در کتابخانهٔ سلطنتی ایران (س)

(۴۰۱-۴۰۵) ۵۶-۶۰- پنج قطعه غبارعالی‌خوش، یکی‌باتاریخ ۹۴۲ق ۱۵۴۵م‌درمدرسهٔ‌سپه‌سالارو کتابخانهٔ ملی‌تهران وسلطان‌القرائی.

(۴۰۶) ۶۱- یك‌قطعه در کتابخانهٔ آستانهٔ مشهد رضوی، نوشته شده در تبریز.

(۴۰۷) ۶۲- چهل کلمه حضرت علی بقلم غبار خفی عالی ۹۶۶ ۱۵۵۸م نسخهٔ مذهب درتهران. (خ۳۰۴)

-۶۳-۶۴- (۴۰۸-۴۰۹)

خطوط محمدمحسن هروی: (رك : ترکیه)

(۴۰۸) ۶۳- یك قطعه از مرقع سلطنتی تهران ، کتابت رجب ۹۸۳ق ۱۵۷۵م.

(۴۰۹) ۶۴ـ یك قطعه در مجموعهٔ مهدی بیانی تهران با رقم : مشقه محمد محسن. (خ۸۳۳)

ـ۶۵ـ۶۶ـ (۴۱۰-۴۱۱)

مخطوطات عبدالله طباخ هروی :

وی در هرات بدنیا آمده واز مشاهیرهنرمندان کتابسازی‌هراتست که مدتی در سمرقند هم بود. و در سنه ۸۸۵ق ۱۴۸۰م در بادغیس از جهان رفت از آثار اوست:

(۴۱۰) ۶۵ـ ادعیه حفظ‌الآفات : به نستعلیق متوسط درجمادی‌الاولی ۸۶۶ ق ۱۴۶۱ م در هرات نوشته شده از مجموعهٔ مهدی بیانی تهران.

(۴۱۱) ۶۶ـ یك قطعه نستعلیق خوش که بتاریخ جمعه ۳رمضان ۸۳۳ ق ۱۴۲۹م نوشته شده درمجموعهٔ سلطان‌القرائی تهران (خ۳۶۳)

ـ۶۷ـ(۴۱۲)

خط شیخ محمدکمال کاتب نشابوری :

صدکلمهٔ حضرت علی درکتابخانهٔ سید نصراله تقوی تهران، به نستعلیق خوش خفی به شیوه شاه‌محمود نشابوری. متن کلمات به لاجورد و زر و ترجمه بقلم مشکی است که در سنه ۹۴۳ ق ۱۵۳۶م نوشته شده است. (خ۸۲۶)

ـ۶۸ـ۷۰ـ (۴۱۳-۴۱۵)

مخطوطات عبدالرحمن خوارزمی:

وی استاد مسلم نستعلیق و مقارن اظهر و سلطان علی مشهدی و

شاگرد میر عبدالله بن میرعلی تبریزی است که مدت‌ها بدربار هرات و تبریز بود، وفاتش بعداز سال ۸۸۶ق ۱۴۸۰م است. (رك: ترکیه)

(۴۱۳) ۶۸- در مجموعهٔ ترجیعات کتابخانهٔ مجلس تهران، یك ترجیع بند بقلم نستعلیق جلی متوسط با رقم عبدالرحمن الخوارزمی است که بسال ۸۶۶ ق ۱۴۶۱م در دارالسلام بغداد نوشته شده.

(۴۱۴) ۶۹- شش دفتر مثنوی مولوی به نستعلیق متوسط و رقم «عبدالرحمن کاتب سنه ۸۳۹ ق» (۱۴۳۵م) در ملك مجید موقر تهران.

(۴۱۵) ۷۰- خمسهٔ نظامی: نستعلیق خفی و اندکی رقاع با رقم «کتبه عبدالرحمن الکاتب در سنه ۸۳۹» (۱۴۳۵ م) که از تهران بموزه برتانیا رفته و دکتر مهدی بیانی این دو کتاب اخیررا باوجودیکه نسبت خوارزمی ندارد، بنابر تشابه خط ووحدت زمان، ازین شخص دانسته است (خ ۳۸۰)

-۷۱-(۴۱۶)

حالنامه بخط عبدالکریم خوارزمی (رك: ترکیه):

یك نسخهٔ حالنامهٔ عارفی وروشنائی نامه بقلم نستعلیق جلی متوسط عبدالکریم بن عبدالرحمن خوارزمی که در ۱۵ شعبان ۸۸۳ ق ۱۴۷۸م نوشته شده، درکتابخانهٔ مجلس تهران محفوظست (خ ۴۱۱)

-۷۲-(۴۱۷)

گوی و چوگان عارفی بخط میرزا محمدبن شاه محمد ترکستانی:

این نسخه درمحرم سنه ۹۸۳ق ۱۵۷۵م نوشته شده ودرکتابخانه سلطنتی ایران است. (خ ۶۶۶)

-۷۳-(۴۱۸)

کلیات خاقانی بخط محمدلطیف شوخی بخاری:

در شعبان ۱۰۱۵ق ۱۶۰۶م نوشته شده و در کتابخـانهٔ سلطنتی ایرانست (خ۸۳۰)

-۷۴-(۴۱۹)

سلسلةالذهب جامی بخط شاه محمد مشهدی:

۱۳۰ × ۲۳۰ میلی جلد روغنی عالی، صفحات و حاشیه قطعه‌سازی با حواشی افشان. دو صفحهٔ آخر منقش بـا یك سرلوح مذهب مرصع عالی ۱۲۰ صفحه نستعلیق عالی بدون تاریخ در کتابخانهٔ سلطنتی ایران (س ۳۳)

-۷۵-(۴۲۰)

دیوان امیرشاهی بخط سیداحمد مشهدی:

۲۱۰ × ۳۲۵ حواشی صفحـات افشان و متن مذهب لاجوردی ۶۲ صفحه.

خط متن نستعلیق خفی عالی که در سنه ۹۸۲ق ۱۵۷۴م بقلم سید احمد مشهدیست. ولی در آخر رباعیات متفرقه نیمه جلی خوش بقلم محمدرضا تبریزی نوشته شده است. (س۳۴)

-۷۶-(۴۲۱)

مقالات خواجه عبدالله انصاری بخط معزالدین:

۲۱ × ۳۰ سانتی جلد روغنی و سوخت ممتاز. حواشی عمومـاً تشعیرسازی ممتاز مرصع و مذهب. سرلوح مذهب مرصع عـالی ۷۰

صفحه ۵ سطری.

خط نستعلیق نیمه جلی عالی با رقم: معزالدین محمدالحسینی-الکاتب در سنه ۹۸۵ق ۱۴۸۰م که ادامهٔ مکتب هراتست. (س۳۵)

-۷۷-(۴۲۲)

سلامان و ابسال جامی بخط محمد امین:

۱۸۰×۲۹۵ جلد روغنی ممتاز ضربی طلاپوش. حواشی عموماً منقش مذهب با یك مجلس منیاتور ممتاز ۹۸ صفحه، که بخط نستعلیق خوش محمد امین کاتب در سنه ۱۰۰۱ق ۱۵۹۲م برای دین محمدسلطان نوشته شده و ادامهٔ مکتب هراتست (س۳۶)

-۷۸-(۴۲۳)

گلستان سعدی بخط شاه قاسم:

۲۲۰×۳۵۰ جلد ضربی مذهب. حواشی تشعیرسازی مذهب. دوصفحه اول مذهب مرصع عالی ۷۸ صفحه (س۳۷)

خط نستعلیق خفی عالی شاه قاسم در سنه ۱۰۰۱ق ۱۵۹۲م که ادامهٔ مکتب هراتست. (رك:)

-۷۹-(۴۲۴)

حالنامه بخط عبدی نیشابوری:

گوی و چوگان عارفیست ۱۶۵×۲۵۵ جلد ساغری مشکی ضربی عالی، صفحات و حواشی زرافشان. یك سرلوح و سرفصلها و لچکیهای متعدد مذهب ممتاز مرصع. ۵۰ صفحه خط نستعلیق خوش بقلم عبدی نیشابوری (بدون تاریخ، ولی مربوط بقرن ۱۰) (س۲۸)

ـ۸۰ـ۹۹ـ (۴۲۵ـ۴۴۴)

خطوط محمود شهابی:

وی در سنه ۹۳۵ق از خراسان به بخارا رفت و از آنجا در بلخ ساکن شد، شاگرد ارشد میرعلی هرویست، آثـار خطی او تا ۹۹۳ ق ۱۵۸۴م هم دیده شده (خ۸۷۸) از آثار اوست:

(۴۲۵) ۸۰ـ دیوان حلالی چغتائی:

۱۳۰×۲۱۵ جلد تیماج. حواشی عمومـاً تشعیر سازی مذهب مرصع عالی ۵۴ صفحه.

خط نستعلیق خوش محمود بن اسحاق شهابی سیاوشانی هروی در سنه ۹۶۱ ق ۱۵۵۳م (س۲۹)

(۴۲۶) ۸۱ـ منتخب مثنوی مولوی :

خط نستعلیق همین خطاط (س)

(۴۲۷) ۸۲ـ اخلاق محسنی :

به نستعلیق خوش او نوشتهٔ ۹۶۹ ق ۱۵۶۱م در مجموعهٔ سلطان‌القرائی تهران.

(۴۲۸ـ۴۴۴) ۸۳-۹۹ ـ هفده قطعه خطوط گوناگون او در کتابخانه‌های سلطنتی و ملی و سپه‌سالار (تهران) و آستان رضویست (خ۸۸۰) (رك: هند و ترکیه)

ـ۱۰۰ـ (۴۴۵)

منتخب بوستان بخط محیی :

۱۵۵×۲۴۰م جلد ضربی و سوخت معرق عالی، صفحات متن

و حاشیه قطعه سازی ، حواشی زرافشان . سرلوح و سرفصلها مذهب مرصع ممتاز است ۴۶ صفحه.

خط نستعلیق عالی بقلم محیی در سنه ۹۶۸ ق ۱۵۶۰م (س۳۰) (رك: افغانستان)

-۱۰۱-۱۰۳- (۴۴۶-۴۴۸)

خطوط ابراهیم:

وی در قرن دهم نستعلیق‌نویس ماهر و شاگرد سلطان محمد نور هروی و منشی آستان رضوی بود (خ۲/۸) از آثار اوست:

(۴۴۶) ۱۰۱- یك قطعه خوش نستعلیق بی‌تاریخ در یك مرقع کتابخانهٔ سلطنتی ایران.

(۴۴۷) ۱۰۲- یك قطعه نستعلیق خوش بامضای ابراهیم در یك مرقع کتابخانهٔ آستانهٔ رضوی مشهد.

(۴۴۸) ۱۰۳- اسکندرنامه ترکی:

در کتابخانهٔ سلطنتی ایران به نستعلیق خوش کـه در آخر آن مرقومست:

« قد وقع الفراغ من تحریر هذالکتاب . . . علی یدالعبد . . . ابراهیم المنشی الحضرة الرضوی بتاریخ شهر رمضان سنه ۹۳۷ ق » (۱۵۳۰م) (خ۱/۲۱)

-۱۰۴-۱۰۵- (۴۴۹-۴۵۰)

خطوط جاهی (۹۴۶-۹۸۴ق)

۱۰۴-۱۰۵: دو قطعه خط نستعلیق‌خوش سلطان ابراهیم«جاهی»

ابن بهرام میرزابن شاه اسمعیل صفوی. بقلم رنگه بسپیداب و زعفران برقم: «فقیر ابراهیم بن بهرام ذنوبه» و «فقیر ابراهیم». در کتابخانه دکتور بیانی تهران (خ ۱/۱۳)

-۱۰۶- (۴۵۱)

دیوان جاهی بخط جمال مشهدی:

برین دیوان شهزاده ابراهیم سابق الذکر، دوهنرمند مکتب مشهد، فرع مکتب هرات کار کرده اند، خط نستعلیق خوش آن بقلم جمال مشهدیست و کار تصویر و تذهیب آنرا مولانا عبدالله المذهب در سنه ۹۸۹ق ۱۵۸۰م انجام داده است، که در کتابخانهٔ سلطنتی ایران محفوظست.

یك قطعه خطخوش جمال دریك مرقع کتابخانهٔ اوقاف استانبول هم موجود است (خ ۱۲۸)

-۱۰۷-۱۱۰-(۴۵۲-۴۵۵)

خطوط حسن شاملو:

وی فرزند حسین خان شاملوست که بعداز مرگ پدرش بیگلر بیگی خراسان و حاکم هرات گردید، وفاتش در هرات سنه ۱۱۰۰ ق ۱۶۸۸م و آثار او از اواخر مکتب هراتست:

(۴۵۲) ۱۰۷- برمزار خواجه عبدالله انصاری بخط جلی نستعلیق بسیار عالی دو بیت را بر سنگی نقر کرده است که به آثار هنری افغانستان تعلق دارد. (رك: افغانستان ۱۰۱)

(۴۵۳) ۱۰۸- در کتابخانهٔ سلطنتی ایران یك قطعه نستعلیق خوش او موجود است که «جهت فرزندی میر عبدالصمد» نوشته است.